

بنام خدا

سیر زبان بین‌المللی علم
و نفوذ و اهمیت زبان فارسی

سید حمید جلالی نائینی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

آمرداد ۱۴۰۱



صفحه نخست « صفحه اصلی خدمات پیوسته « جستجوی کتابشناسی « جستجوی ساده « لیست مدارک یافت شده « نمایش کامل



برچسبی

تازه ها

راهنمای کاربران

تماس با ما

گزارش آماری انواع ماده

وضعیت نمایه سازی : اطلاعات ثبت

شماره کتابشناسی ملی : ۸۹۴۱۵۸۹

عنوان و نام پدیدآور : سیر زبان بین‌المللی علم و نفوذ و اهمیت زبان فارسی [منابع الکترونیکی] / سیدحمید جلالی‌نائینی.

وضعیت نشر : [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : ۱ لوح فشرده (ق، ۱۲۴۰ ص): بی‌کلام؛ ۱۲ سم.

یادداشت : A Short History of International Language of Science & the Influence and Importance of Persian Language

این مجموعه در امرداد ۱۴۰۱ تکمیل شده است.

آدرس ثابت سیر زبان بین‌المللی علم و نفوذ و اهمیت زبان فارسی

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/8941589>

تاریخچه تدوین

در ابتدا «سیر زبان بین‌المللی علم و جایگاه و نقش زبان فارسی»، بخشی از مجموعه برنامه‌ریزی و مدیریت پژوهش بوده است، و سپس بصورت مجزا نیز قابل‌ارایه شده است، که تاریخچه انتشار الکترونیکی غیررسمی آن بصورت ذیل ملاحظه می‌شود:

- صفحات ۶۴ تا ۱۲۸ از مجموعه برنامه‌ریزی و مدیریت پژوهش (بخش اول تا ششم، شهریورماه ۱۳۹۸)،
- صفحات ۹۱ تا ۱۸۳ از مجموعه برنامه‌ریزی و مدیریت پژوهش (بخش اول تا هفتم، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹)،
- گزیده‌هایی از سیر زبان بین‌المللی علم و جایگاه و نقش زبان فارسی، ویرایش دوم، مهرماه ۱۳۹۹ (۲۰۰ صفحه)،
- سیر زبان بین‌المللی علم و جایگاه و نقش زبان فارسی، ویرایش سوم، اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ (۴۲۱ صفحه)،
- سیر زبان بین‌المللی علم و جایگاه و نقش زبان فارسی، ویرایش چهارم، آبان‌ماه ۱۴۰۰ (۸۰۱ صفحه)،

پیشگفتار

- مجموعه حاضر در سه بخش تدوین یافته است. بخش اول، سیر زبان بین المللی علم است که به منظور تکمیل بحث، بر حسب لزوم، به زبانهای منطقه ای و میانجی هم اشاره شده است.
- بخش دوم در خصوص تاریخچه، جایگاه، نقش، نفوذ و اهمیت زبان فارسی، به عنوان زبان ملی و میانجی ایرانیان، به عنوان زبان علم در ایران و افغانستان و تاجیکستان، و همچنین سابقه، نقش و توانمندی بالقوه آن به عنوان زبان بین المللی علم می باشد. جمع بندی و پیشنهادات هم در بخش پایانی آورده شده است.
- از اهداف این مجموعه، سعی در عمومی سازی موضوع و نکات مهم اشاره شده در آن برای طیفهای مختلف جامعه تحصیلکرده ایرانی از جمله دانشجویان و استادان (غیر رشته های زبان و ادبیات فارسی)، مدیران، سیاستگذاران، سیاسیون، دیپلماتها، سفیران سیاسی و فرهنگی ایران در کشورهای دیگر می باشد.

پیشگفتار (ادامه)

- افرادی که از علوم مختلف بخواهند وارد این حوزه شوند، نیاز به اطلاعاتی همه جانبه از موضوع دارند، که این مجموعه کمک شایانی به کسب آن خواهد نمود.
- لازم به ذکر است در این مجموعه، مطالبی که در سطح مطبوعات و فضای مجازی بوده نیز درج شده و البته بعضاً ممکن است غیردقیق، سلیقه‌ای و قابل نقد و حتی مغرضانه باشد، اما افرادی که از علوم مختلف بخواهند وارد این حوزه شوند، بویژه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، نیاز به اطلاعاتی از جوانب مختلف در موضوع دارند، که این مجموعه کمک شایانی به کسب آن خواهد نمود. دانستن افکار عمومی و فضای مجازی از ملزومات هرگونه برنامه‌ریزی در امور فرهنگی است.
- با توجه به نکته فوق‌الذکر، در مطالعه موارد مطبوعاتی و فضای مجازی به مرجع نقل مطلب و گوینده آن باید توجه کافی و عالمانه داشت.

پیشگفتار (ادامه)

- این مجموعه به تدریج در حال تکمیل است. تکمیل تدریجی این حسن را دارد که بازخوردهای بیشتری برای اصلاح، رفع ابهامات و تکمیل قابل دریافت است. حسن دیگر آنست که زودتر در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.
- صاحب‌نظران علاقمندند که نقل مطلب از منابع بدون تقطیع و دخل و تصرف ناشی از برداشت نویسنده صورت گیرد. به علاوه، این نقل مطلب با مطالب نویسنده مخلوط نشده و مرز آن مشخص باشد؛ اما دانشجویان بیشتر علاقه دارند که مطالب شسته و رفته باشد.
- انتخاب سبک حاضر برای تدوین این مجموعه، راحتی هرچه بیشتر در استفاده از آن بوده است. بدیهی است انتشار آن بصورت کتاب نیاز به تغییر قالب و سبک آن و انسجام بیشتر دارد، من جمله خلاصه‌سازی و جابجایی مطالب، انتقال بعضی مطالب به پاورقی و پیوست، ارجاع به تمامی منابع با ذکر شماره صفحه، پیاده‌سازی اهم مطالب سخنرانی‌های ارجاع داده شده با درج پیوند اخذ الکترونیکی آنها،

پیشگفتار (ادامه)

- نمایش اسلایدی سبب می‌شود که خواندن آن بر روی وسایل الکترونیکی (حتی گوشی همراه) آسان باشد. به علاوه، در نسخه الکترونیکی امکان درج پیوند (هایپرلینک) مراجع الکترونیکی و همچنین فایل‌های صوتی و تصویری به آسانی فراهم می‌شود. در این خصوص، پیوند تعدادی از فایل‌های صوتی-تصویری در این نوشتار درج شده است، که مستقیماً از «فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه» که در صفحات پس از «فهرست مطالب» آمده قابل اخذ است.
- لازم به ذکر است که عناوین اصلی بعضی از پیوندهای درج شده از تارنماها و رسانه‌ها، دقیق نیست اما ترجیحاً (بجز چند استثنا) تغییر داده نشده است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه	■
۶۸	بخش اول: مروری بر تاریخچه زبان بین‌المللی علم	■
۷۲	تمدن و زبان سومری	□
۷۷	تمدن و الفبای فنیقی	□
۹۱	اکدی و آرامی	□
۱۱۱	یونانی	□
۱۲۲	سریانی	□
۱۲۶	عربی	□
۱۴۳	لاتین و اروپایی	□
۲۰۶	انگلیسی	□
۲۸۹	اسپرانتو	□
۲۹۵	ظهور چین و مؤسسه کنفوسیوس	□

فهرست مطالب (ادامه)

- ۳۱۳ زبانهای رسمی سازمان ملل متحد
- ۳۲۷ کتابت ارقام (هندی، رومی، یونانی، فارسی باستان و پهلوی)
- ۳۳۸ پیشوند واحدها در سیستم متریک
- ۳۴۱ بعضی لغات مشترک زبانهای هند و اروپایی

■ بخش دوم: تاریخچه، جایگاه و نقش زبان فارسی ۳۵۳

- ۳۵۴ مقدمه
- ۳۵۵ تاریخچه زبانهای هندواروپایی
- ۳۹۲ تاریخچه زبان فارسی
- ❖ ۳۹۴ گاتاهها، زردشت و اوستا
- ❖ ۴۰۵ هخامنشیان
- ❖ ۴۲۶ اشکانیان
- ❖ ۴۳۲ ساسانیان و پس از آن

فهرست مطالب (ادامه)

۵۴۹	گستره و نفوذ زبان فارسی	□
۵۵۸	چین و شرق دور	❖
۵۶۴	شبه قاره هند	❖
۶۲۵	افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان	❖
۶۵۷	قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان	❖
۶۵۹	آسیای صغیر و بالکان	❖
۶۹۸	قفقاز	❖
۷۰۵	عراق	❖
۷۰۹	جده، عمان، مصر، لبنان، یمن	❖
۷۲۰	سایر مناطق	❖
۷۲۵	کتب علمی به فارسی نو	□
۸۰۹	زبان معیار و گویشهای زبان پارسی	□
۹۴۰	وضعیت و اهمیت زبان فارسی	□

فهرست مطالب (ادامه)

۱۰۴۳	بخش پایانی ■
۱۰۴۴	جمع بندی □
۱۱۰۹	پیشنهادات □
۱۲۰۷	پیوست ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه

۲	<u>مستند پرتره آموزگار سخن در اساطیر ایران</u>	■
۳۰	<u>آموزش الفبای بین‌المللی فونتیک - کالج آریام - آپارات</u>	■
۴۲	<u>ویدئو / سنت‌های ایرانی به روایت دختر آلمانی پیکان‌سوار - ایسنا</u>	■
۷۲	<u>The rise and fall of history's first empire TED 2020</u>	■
۷۲	<u>Who was the world's first author? TED 2020</u>	■
۷۶	<u>صدای زبان بابلی اکادی باستان: روخوانی حماسه گیلگمش - آپارات</u>	■
۷۸	<u>کارتاژ</u>	■
۷۸	<u>اوروک، کارتاز، پترا، پرسپولیس و دلفی</u>	■
۱۰۵	<u>The history of the Bible, animated</u>	■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۱۱۶ مقدمه و الفبای زبان یونانی - آپارات ■
- ۱۱۶ آواهای مصوت زبان یونانی - آپارات ■
- ۱۱۶ مصوت‌های مرکب (دیفتونگ) - آپارات ■
- ۱۱۶ مصوت‌های مرکب زبان یونانی - آپارات ■
- ۱۱۶ ادامه مصوت‌ها - آپارات ■
- ۱۱۶ الفبای یونانی باستان - آپارات ■
- ۱۱۹ The race to decode a mysterious language ■
- ۱۲۲ شیوه نگارش و تلفظ الفبای آرامی سریانی ■
- ۱۶۲ اخذ فایل صوتی-تصویری جلسه اول آموزش زبان لاتین ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۱۶۳ الفبای لاتین: همخوانها - آپارات ■
- ۱۶۳ الفبای لاتین: واژه‌ها - آپارات ■
- ۱۹۵ آموزش الفبای زبان فرانسه ■
- ۱۹۵ آموزش الفبای زبان فرانسه با تلفظ صوتی و فارسی به همراه مثال ■
- ۱۹۵ آموزش الفبای زبان فرانسه با ذکر مثال (قسمت اول) ■
- ۱۹۵ آموزش الفبای زبان فرانسه با ذکر مثال (قسمت دوم) ■
- ۱۹۷ آموزش الفبای اسپانیایی آپارات ■
- ۱۹۷ آموزش الفبای اسپانیایی ■
- ۱۹۷ حروف الفبای ایتالیایی / آپارات ■
- ۱۹۷ آموزش الفبای زبان ایتالیایی / آپارات ■
- ۲۰۲ آموزش از پایه زبان آلمانی - درس ۱ - الفبا و آوا ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۲۰۲ یادگیری اعداد به زبان آلمانی ■
- ۲۱۲ Where did English come from? ■
- ۲۱۲ زبان انگلیسی از کجا آمده؟ ■
- ۲۱۲ How did English evolve? ■
- ۲۱۲ Why is there a “b” in doubt? ■
- ۲۱۲ A brief history of plural word – TED ■
- ۲۴۱ آموزش تلفظ کلمات مشکل در زبان انگلیسی ۲ – آپارات ■
- ۲۴۱ آموزش تلفظ کلمات مشکل در زبان انگلیسی – آپارات ■
- ۲۴۱ ۵۰ لغت انگلیسی که اشتباه تلفظ می کنید – آپارات ■
- ۲۴۱ آموزش بعضی اصطلاحات و تلفظ آنها – آپارات ■
- ۲۴۱ تقویت تلفظ زبان انگلیسی – آپارات ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۳۱۱ آیا جنگ میان چین و آمریکا گریز ناپذیر است؟
- ۳۲۷ تاریخچه مختصر نظامهای اعداد - ویدئو
- ۴۲۱ تلفظ الفبا و اعداد فارسی باستان (هخامنشیان) و کتیبه بیستون
- ۴۲۱ ویدئو / الواح شگفت‌انگیز هخامنشی، به روایت پژوهشگر آمریکایی
- ۴۲۲ مستند دکتر عبدالمجید ارفعی ایران از پس هزاره‌ها
- ۴۲۵ نگاهی به کتیبه هخامنشی در فاناگوریا - میراث مکتوب/فیلم
- ۴۴۸ متن و نمونه سخن به زبان فارسی میانه یا زبان پهلوی - آپارات
- ۴۴۸ صدای زبان اوستایی - روخوانی کتاب وندیداد: زمین
- ۴۴۸ اجرای سرود ای ایران به زبان اوستایی (توسط هموطنان زرتشتی)
- ۴۴۸ سرود ای ایران به زبان اوستایی - آپارات
- ۵۰۸ نگارش متون علمی به زبان فارسی در سده‌های نخستین هجری

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۵۱۵ داستان صوتی زادروز اشوزرتشت به زبان دری - نسرین خنجری
- ۵۱۵ داستان صوتی قصه نوروز به زبان دری - نسرین خنجری
- ۵۱۹ انیمیشن سرگذشت فردوسی و چگونگی نگاشتن شاهنامه
- ۵۱۹ قدیمیترین نسخه خطی شاهنامه در کتابخانه ملی شهر فلورانس
- ۵۵۷ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف - ایتالیا / آپارات
- ۵۵۷ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف - ترکیه / آپارات
- ۵۵۷ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف - روسیه / آپارات
- ۵۵۷ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف - پاکستان / آپارات
- ۵۵۷ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف - ژاپن / آپارات
- ۵۵۷ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف - گرجستان / آپارات
- ۵۸۵ جشن نوروز به سبک هندی‌ها - خبرآنلاین
- ۵۸۶ شعرخوانی نخست وزیر هند به زبان فارسی

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- سخنان استاد کدکنی در خصوص فارسی‌زدایی در شبه قاره هند و ... ۶۰۰
- سرود ملی پاکستان ۶۱۴
- الفبای اردو بخش اول ۶۱۴
- الفبای اردو بخش دوم ۶۱۴
- افسوس عمران خان از صحبت نکردن به زبان فارسی ۶۱۶
- شعرخوانی احمدشاه مسعود + فیلم ۶۳۳
- گل نیست ماه نیست دل ماست پارسی - آپارات ۶۳۴
- سخنان نیلوفر ابراهیمی نماینده مجلس افغانستان درباره زبان فارسی ۶۳۵
- سخنرانی نماینده مجلس افغانستان در مورد سیاستهای بی‌بی‌سی ۶۳۵
- سخنان نماینده مجلس افغانستان درباره زبان فارسی ۶۳۵
- سرود فارغ‌التحصیلان اهل افغانستان: اصلمان شاهنامه و هویتمان پارسی ۶۳۵
- گلرخسار صفی آوا چکامه سرای معروف تاجیکستان: ایران مادر است، ۶۳۹

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۶۳۹ دولتمند خال اف - شاهنامه وطن است. آپارات ■
- ۶۳۹ شاهکار دولتمند خال اف خواننده تاجیکی «شاه پناهم بده» ■
- ۶۳۹ شاه پناهم بده، خسته راه آمدم / آه نگاهم مکن، غرق گناه آمدم ■
- ۶۴۴ فیلم/شعرخوانی فوق العاده «غفران بدخشانی» در حضور هوشنگ ابتهاج ■
- ۶۴۶ مصاحبه با غفران بدخشانی شاعر و پژوهشگر اهل افغانستان ■
- ۶۴۷ خوارزم ■
- ۶۴۷ بخارا ■
- ۶۴۷ سمرقند ■
- ۶۴۷ مزار رودکی ■
- ۶۴۷ مزار گوهرشاد در هرات ■
- ۶۵۶ سرزم کهن ترین شهر آسیای مرکزی - آپارات ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۶۵۶ اجرای زیبای ترانهٔ چک چک باران از ژورابک ژورایف ■
- ۶۸۶ نوروز از زبان رئیس گروه زبان فارسی دانشگاه استانبول ■
- ۶۸۶ شعرخوانی اردوغان به زبان فارسی در سخنرانی تلویزیونی ■
- ۶۸۷ شعرخوانی اردوغان به زبان فارسی در حضور روحانی ■
- ۶۹۶ وجود ۴۰۰ دانشجوی زبان فارسی در بلغراد ■
- ۷۱۲ علاقه مصری‌ها به زبان فارسی به رغم فقدان روابط سیاسی ... - آپارات ■
- ۷۱۶ اشتیاق فراگیری زبان فارسی در لبنان ■
- ۷۱۶ ماجرای فارسی دانستن سید حسن نصرالله از زبان خودش ■
- ۷۱۸ برگزاری جشن دانش‌آموختگان زبان فارسی در صنعا ■
- ۷۱۸ سلام رزمنده یمنی به مردم ایران به زبان فارسی ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

۷۲۴	<u>بخش ۱ مستند سعدی کارنو</u>	■
۷۲۴	<u>بخش ۲ مستند سعدی کارنو</u>	■
۷۲۴	<u>بخش ۳ مستند سعدی کارنو</u>	■
۷۲۴	<u>بخش ۴ مستند سعدی کارنو</u>	■
۹۱۲	<u>زبان آذری قدیم و تاتی، زبان باستانی آذربایجان</u>	■
۹۱۲	<u>نمونه‌ای از زبان «پهلوی آذری»، زبان پیشین مردم آذربایجان</u>	■
۹۲۲	<u>مستند «ارونه ماد» - بخش اول - ویدئو</u>	■
۹۲۲	<u>مستند «ارونه ماد» - بخش دوم - ویدئو</u>	■
۹۲۲	<u>مستند «ارونه ماد» - بخش سوم - ویدئو</u>	■
۹۲۹	<u>مرکزی، جزیره گویشهای متفاوت + فیلم خبرگزاری صدا و سیما</u>	■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۹۵۳ مستند زیبای ملک الشعرای بهار - آپارات
- ۹۵۳ پدرم در ۱۸ سالگی ملک الشعرا شد - آپارات
- ۹۵۳ تصنیف مرغ سحر - ملک الشعرای بهار - آپارات
- ۹۵۳ پیام استاد محمدمین ریاحی در شب ملک الشعرای بهار - بخارا ۱۳۸۵
- ۹۵۳ استاد کدکنی: بی غیرتی ما بود که آرشیوی از ملک الشعرا نداریم
- ۹۵۳ خاطره جالب سالار عقیلی از حاضر جوابی ملک الشعرای بهار - آپارات
- ۹۷۴ چرا زبان پارسی ماندگار شد؟ دکتر ژاله آموزگار
- ۱۰۱۷ قدرت نرم ادبیات فارسی در آموزش زبان فارسی
- ۱۰۱۷ جریان فارسی در رگهای هند
- ۱۰۱۷ خال‌هایی رنگی بر روی نقشه هند نمایانگر گستره زبان فارسی
- ۱۰۱۸ احیا و مرمت اسناد زبان فارسی در هند به روایت «رگهای کاغذی»

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۱۰۲۳ فیلم / آموزش زبان فارسی در مدارس علمیه هند ■
- ۱۰۲۹ نوایی نوایی استاد غلامعلی پورعطایی - آپارات ■
- ۱۰۲۹ مقام نوایی / از غلامعلی پورعطایی تا رضا رویگری - پخش صوتی ■
- ۱۰۳۱ اجرای فوق العاده: یه شبی زار و پریشان در میخانه زدم ■
- ۱۰۳۲ سامی یوسف - شعر نسیمی (اجرای زنده در افتتاحیه یونسکو - باکو) ■
- ۱۰۳۲ شعر نسیمی همراه با زیرنویس ■
- ۱۰۳۳ ترانه ترکی زیبای «ایران ایران» با صدای آقای مصطفی بهرامی ■
- ۱۰۳۳ اجرای زنده آهنگ ترکی قشقایی ایران ایران ■
- ۱۰۳۴ کوشک نخبگان در سازمان ملل - وین / آپارات ■
- ۱۰۳۴ کوشک نخبگان ایرانی - وین - فیلم - صدا و سیما ■

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- ۱۰۳۹ شعرخوانی زیبای خارجی‌ها به زبان فارسی - فیلم ■
- ۱۰۳۹ زبان فارسی و آنچه که آن را شگفت‌انگیز می‌سازد. ■
- ۱۰۴۰ زبان فارسی همه ما را بهم وصل می‌کند. ■
- ۱۰۹۷ سخنان استاد کدکنی در خصوص نیاز به روحیه فردی و اجتماعی ■

- ۱۱۰۸ حکمتانه ۳۴ «زبان علم و نقش و جایگاه زبان فارسی» جلالی نائینی ■
 - <https://t.me/HekmatanehCam/378>
 - https://www.instagram.com/tv/CaGS_akAIXY/?utm_medium=cop_y_link
 - <https://youtu.be/I7LvrijfTCE>

فهرست سخنرانیها و ویدئوهای کوتاه (ادامه)

- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۱ - تخته سفید ۱۲۲۰
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۲ - تخته سفید ۱۲۲۰
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۳ - تخته سفید ۱۲۲۰
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۴ - تخته سفید ۱۲۲۰
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۲۷ - تخته سفید ۱۲۲۰

مقدمه

در جامعه ابهامات و سؤالاتی مطرح می‌شود نظیر:

- آیا زبان فارسی تنها زبان شعر و ادبیات است؟
- آیا مقاله علمی به زبان فارسی باید داد یا خیر؟
- آیا واژه‌گزینی و بکارگیری معادل فارسی اصطلاحات علمی لاتین کار صحیحی است؟
- چقدر برای گسترش زبان فارسی سرمایه‌گذاری کنیم؟
- اصلاً اگر خط یا زبانمان را تغییر می‌دادیم و لاتین می‌کردیم، الان کشور پیشرفته‌ای بودیم!

هدف از مجموعه حاضر، تدوین تدریجی مطالبی برای پاسخ هرچه بهتر به این قبیل سؤالات و ابهامات است؛ چرا که مطالعه برای یافتن جواب این سؤالات برای آحاد جامعه بسیار وقتگیر خواهد بود.

■ با زبان فارسی از ابتدا شعر گفته شده، اندیشه گفته شده، یعنی فلسفه داشته است. دینکرد ۳ همه‌اش فلسفه است. یکی از چیزهایی که من درباره آن از دوستان فلسفه‌دانم گله‌مند هستم این است که نمی‌روند به سراغ اینها.

■ از نظر علم زبان‌شناسی، زبان فارسی آهنگین است و صداهایش گوش‌خراش نیست. مقایسه کنید با آلمانی یا حتی انگلیسی.

■ <https://www.aparat.com/v/6Z35f>

■ مستند پرتره «آموزگار سخن در اساطیر ایران» عنوان قسمتی دیگر از مجموعه «حکایت دل» است که به معرفی و زندگی استاد ژاله آموزگار از زبان خود وی پرداخته است.

- زبان فارسی حرف تعریف و جنس مؤنث و مذکر و خنثی ندارد و بسیار ساده است، مشکلات زبان فارسی باستان رفع شد و به سادگی و کمال مطلوبی رسیده است.
- اگر در زبانهای اروپایی، حالت مؤنث و مذکر برای اشیاء وجود نداشت، بقیه زبانهایی که این ویژگی را داشته، متهم به عقبافتادگی و خرافات می‌کردند.
- اگر در زبانهای اروپایی مانند انگلیسی، مؤنث و مذکر برای ضمائر وجود نداشت (he, she)، احتمالاً بقیه زبانهایی که این ویژگی را داشت، (بطور مغرضانه) متهم به تبعیض بین زن و مرد می‌کردند و می‌گفتند: زن هم انسان است و چرا باید ضمیر اشاره به او با ضمیر اشاره به مرد متفاوت باشد.

■ اگر با فراگیری و یا جایگزینی خط لاتین، کشوری پیشرفته می‌شویم که ظرف مدت یک هفته می‌توان الفبای لاتین را یاد گرفت و متون به زبان لاتین را خواند، اما خواندن به معنی فهمیدن آن نیست!

■ فارسی‌زبانان متون عربی (با اعراب) را می‌توانند بخوانند، اما آیا معنای آن را می‌فهمند؟ اغلب ایرانیها روخوانی قرآن کریم را بلد هستند، اما آیا ترجمه آن را متوجه می‌شوند.

■ استفاده از حروف صدادار مشابه اعراب‌گذاری است. درست است که اعراب‌گذاری در آموزش زبان به افراد مبتدی کار را آسان می‌کند، اما پس از آن، اعراب‌گذاری زائد تلقی می‌شود، بجز برای کلمات نامأنوس بویژه نامهای اشخاص و مکانهای خارجی غیرمشهور. امروزه در زبان انگلیسی هم به همین دلیل نشانه‌گذاری وام‌واژه‌ها و همچنین اوملات را حذف می‌کنند، نظیر:

café, crêpe, façade, coördinate,

■ حسن اعراب‌گذاری آنست که در صورت لزوم گذاشته می‌شود. اگر کتاب فارسی را تماماً با اعراب‌گذاری بخوانید سرتان درد می‌آید و آن را مفید نمی‌دانید. در صورتی که اگر مانند الفبای لاتین، حروف صدادار جزئی از کلمات باشند، در صورت حذف، خواندن متن بسیار دشوار می‌شود.

■ اگر نامه‌ای اداری با اعراب برای مافوق یا مادون خود بنویسید، توهین تلقی می‌شود.

■ بسیاری از حروف انگلیسی، بویژه حروف صدادار آن، به طرق مختلف ادا می‌شود.

■ در تلفظ صحیح زبان انگلیسی، **stress** نقش مهمی دارد که از روی املاي آن قابل تشخیص نیست.

■ بسیاری از لغات آلمانی و فرانسوی که (نسبتاً) جدید وارد زبان انگلیسی شده، با همان املاي اصلی نوشته می‌شود، که تلفظ آنها باعث سردرگمی می‌شود.

□ Nietzsche, Nazi, (نیچه، ناتسی)

■ وجود حروف الفبای عربی مانند ظ، ص و ض در الفبای کنونی فارسی که در دستگاه تکلم زبان فارسی کاربرد ندارد، جدا از حفظ پیشینه فرهنگی، این حسن را دارد که فارسی‌زبانان با تمام حروف الفبای عربی آشنا بوده و در خوانش کلمات عربی (با فرض اعراب‌گذاری) مشکلی ندارند.

■ یادگیری املاي زبان فارسی بخاطر موضوع فوق‌الذکر ممکن است به نظر کمی سخت آید، البته برای دانش‌آموزان اول و دوم ابتدایی، اما باید توجه داشت که الان تعریف جهانی باسواد بودن با صد سال پیش متفاوت است و افراد باسواد حداقل باید به یک زبان خارجی مسلط باشند و موارد دیگر. لذا اظهارات صد سال پیش منتقدین برای تغییر الفبای فارسی، نظیر اینکه دلیل عقب‌افتادگی ایران این بوده که رسم الخط فارسی برای دانش‌آموزان دشوار بوده، هم‌اکنون بطور واضحی غیرمسموع است.^۱

^۱ بطور مشابه می‌گویند: یکی از دلایل بیگانگی ایرانیان با تاریخ ولو تاریخ معاصر ذکر تاریخ وقوع حوادث به سه تاریخ متفاوت هجری قمری، هجری شمسی و میلادی است !!!

■ تلفظ بعضی حروف در زبانهایی که از حروف الفبای لاتین استفاده می‌کنند، متفاوت است که سبب می‌شود فرد مبتدی در یادگیری توأمان چند زبان از آنها دچار سردرگمی شود.

■ نام حروف الفبای لاتین بطور نمونه c، g، j، y، u، v، x و z را در ویکیپدیای انگلیسی تایپ کنید و صدای آنها را در زبانهای با نوشتار لاتین ملاحظه نمایید.

■ لاتین زبانی آوانگار (املاي آن مطابق تلفظ)، معدن ریشه لغات علمی، عامل وحدت‌بخش اروپا و زبان بین‌المللی علم بود. پس چرا اروپائیان آن را کنار گذاشتند؟

■ رقابت سیاسی در منطقه آسیای میانه بین جایگزینی خط سیریلیک با خط لاتین یا حفظ خط سیریلیک (روسی) وجود دارد، در صورتی که در سیستم نوشتاری هر دو خط از حروف صدا دار استفاده می شود.

■ مطالب زیر را ملاحظه نمایید:

- Cultural diplomacy
- Public diplomacy
- Soft power

■ کاربرد رسمی الفبای لاتین برای زبان ترکی ازبکی در ازبکستان از امروز یکشنبه اول آگوست ۲۰۲۱ آغاز شد.

■ پیشتر عبدالله آریپوف، نخست وزیر ازبکستان با صدور فرمانی، آغاز استفاده از الفبای لاتین برای کتابت زبان ترکی ازبکی از اول آگوست را ابلاغ کرده بود.

■ بر این اساس، تمامی مکاتبات در سازمانها و نهادهای دولتی، اسامی اماکن و خیابانها، اسامی نهادها و سازمانها، تابلوها و آگهی‌های تبلیغاتی از این پس با الفبای ترکی ازبکی برگرفته از الفبای لاتین نوشته خواهند شد.

■ طبق نقشه راهی که دولت ازبکستان در ماه فوریه تصویب کرد، استفاده از الفبای لاتین تا اول ژانویه ۲۰۲۳ در این کشور همگانی خواهد شد.

■ الفبای ترکی ازبکی جدید شباهت زیادی به الفبای مورد استفاده در ترکیه دارد.

■ رئیس جمهور بلاروس تاکید کرد که ممکن است در آینده نزدیک جنگی برای تسلط بر دو مرکز قدرت در آسیای مرکزی آغاز شود: ایالات متحده و اتحادیه اروپا از یک سو و چین از سوی دیگر. مبارزه برای تسلط غرب نه تنها در اروپا بلکه در آسیای مرکزی نیز وجود دارد. ایسنا ۱۲ / ۴ / ۱۴۰۱

■ قره قالپاقستان - ویکیپدیا، دانشنامه آزاد

■ وضعیت اضطراری در ازبکستان - روزنامه دنیای اقتصاد

■ لوکاشنکو با اشاره به وقوع شورش‌های خیابانی در اوایل سال جاری در قزاقستان پیش‌بینی کرد که ازبکستان می‌تواند نقطه بعدی تحریکات باشد. او گفت: ما حقایق زیادی را در اختیار ازبکستان قرار دادیم. آنها حتی وقتی در یکی از اجلاس‌ها این را گفتم، به نوعی آزرده شدند. دیروز چه اتفاقی افتاد؟ در جمهوری قره‌قالپکستان، تقریباً نیمی از ازبکستان، ظاهراً متوجه شدند که چیزی در قانون اساسی اشتباه است (آنها می‌خواهند همه‌پرسی قانون اساسی برگزار کنند)، و ناآرامی‌ها آغاز شد. بی‌ثبات‌سازی ازبکستان آغاز شده، امروز زمزمه می‌کنند که خارجی‌ها در آن دست دارند. آنها دست از قزاقستان هم نمی‌کشند. اوضاع آنجا بسیار پیچیده است. آسیای مرکزی، درست مثل ما، بین دو آتش گرفتار شده است: اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از یک طرف و چین در طرف دیگر. چین به آسیای مرکزی کمک می‌کند تا بقای خود را حفظ کند. این مبارزه در آینده نزدیک در آسیای مرکزی خواهد بود. علائم این امر قبلاً آشکار شده است.

استفاده از سرواژه‌ها

- استفاده از سرواژه‌ها سبب ابداع اصطلاحات جدید می‌شود و از نقاط قوت زبان انگلیسی (و همچنین اروپایی) محسوب می‌شود.
- ممکن است یک کلمه نتواند یک اصطلاح علمی (و یا غیرعلمی) را توصیف کند و نیاز به یک عبارت باشد. در اینصورت، کاربرد سرواژه‌ای مناسب می‌تواند این خلأ را «**بویژه در زبان فارسی**» پر کند.
- در فارسی نیز سرواژه‌ها کاربرد دارد (نظیر نه‌اجا، نزا‌جا، دافوس، برج‌ام، داعش)، اما هنوز در معادلسازی اصطلاحات علمی جای خود را بخوبی باز نکرده است. بطور نمونه، هم‌اکنون سرواژه «پهپاد» در مجامع تخصصی و عمومی جا افتاده است. از سرواژه‌ها می‌توان برای ساخت کلمات ترکیبی استفاده نمود، نظیر «**اَبَرپهپاد**». با این توصیف، می‌توان تعداد کلماتی که مجموعاً در یک زبان (با استفاده از ریشه‌ها و پسوندها و ...) ساخت، افزایش داد.

■ قدرت ساخت لغات طویل در زبان انگلیسی و آلمانی و زبانهای لاتین پایه، ظرفیت ساخت لغات علمی را در این زبانها افزایش می دهد. در این خصوص می توان به اصطلاحات پزشکی، داروسازی و فنی بویژه شیمی اشاره نمود.

- thyroparathyroidectomized
- cardiovascular,
- cardiomyopathy,
- haemoglobin,
- cinematography,

متأسفانه برعکس در زبان فارسی، بدنبال تفکیک هر چه بیشتر کلمات هستیم، که این موضوع معایب متعددی نیز دارد:

- خلاف رویه سابق (فرهنگی، تاریخی، ادبی، هنری، نسخ خطی، کتیبه‌ها)،
 - معنای کلمه ممکن است متفاوت شود، نظیر بسآمد (معادل فرکانس)،
 - معنای جمله «ربط آنچنانی ندارد» با «ربط آن چنانی ندارد» کمی متفاوت است.
 - هنگامی که کلمه‌ای مرکب به دو یا سه کلمه تفکیک می‌شود، سرعت پردازش ذهن در خوانش آن کاهش می‌یابد.
 - قدرت لغت‌سازی زبان کاهش می‌یابد. نظیر، بسآمد، پایتخت، رایزن، گرمکن، مرغابی، گفتگو و هماهنگ در ذهن یک معنا را متبادر می‌سازد.
(گفتگوکننده خوبی است. **گفت و گوی کننده** خوبی است.)
- هماهنگسازی: هم آهنگ سازی، هم آهنگ سازی

■ جستجوگر (seeker) موشک‌های هدایت‌شونده (بخشی که در دماغه موشک قرار دارد) را با این رویهٔ جدانویسی افراطی لابد باید اینگونه نوشت: «جست و جوی گر موشک»

■ در این که در یک نوشتهٔ ادبی کسی بخواهد گفتگو و جستجو را جدا بنویسد، ایرادی نیست؛ اما اگر بگویند متصل‌نویسی آنها غلط است، با مشکل مواجه می‌شویم. بعلاوه، تلفظ بصورت «جست و جوی» تلفظ اصلی نبوده است که با ساده‌سازی «جستجو» شده باشد. ۱.

■ در خصوص ساخت لغات طویل در زبان فارسی می‌توان مسابقات دانشجویی، تلویزیونی، پیامکی و ... ترتیب داد تا ذوق افراد خوش سلیقه در این خصوص به کمک تجربهٔ اهل فن، سبب تعالی قدرت لغت‌سازی زبان فارسی شود.

■ ترکیب با سرواژه‌ها نیز باید مدنظر قرار گیرد: پهپادساز، ابرپهپادساز، شرکتهای ابرپهپادساز،

۱ حرفی که دو کلمه یا دو جمله را به یکدیگر عطف می‌کند در خط فارسی به صورت «و» نوشته می‌شود که تلفظ آن در زبان گفتار مانند «O» یا همزه مضموم است. اما غالباً در قرائت نوشته‌ها به شکل صامت لب و دندانی آوایی ادا می‌شود. این لفظ بازمانده کلمه‌ای است که در پارسی باستان به صورت utā و در اوستائی به شکل uta و به همین معنی و مورد استعمال حرف عطف فارسی به کار می‌رفته است. در فارسی میانه مانوی این کلمه به صورت 'wd (اُود) و در پهلوی به صورت ud نوشته و گویا u تلفظ می‌شده، در پازند نیز u نوشته شده است. در خط فارسی دری صورت کتابت این کلمه «و» است. اما در شعر فارسی همه جا (جز در آغاز بیت یا مصراع) به حکم وزن مانند همزه مضموم (أ) تلفظ می‌شود.

تاریخ زبان فارسی استاد خانلری، جلد سوم، ص ۴۲۱

نقش هوش مصنوعی

- با گسترش هوش مصنوعی، مشکلات جستجوی اینترنتی ناشی از جدانویی یا متصل‌نویسی کلمات و حتی تصحیح املای فارسی برطرف خواهد شد.
- کتابهای الکترونیکی به زبان فارسی می‌تواند با انتخاب اعراب‌گذاری یا بدون اعراب (و یا با چند حد بینابین) عرضه شود، همانطور که در لوحهای فشرده، زبان زیرنویس فیلمها قابل انتخاب است. به علاوه، می‌توان هر جا که نشانگر قرار گیرد، اعراب همان کلمه ظاهر شود.
- هم‌اکنون نرم‌افزار «اعراب‌گذاری» خودکار زبان عربی در دسترس است.
- به علاوه، قابلیت خواندن متون فارسی توسط نرم‌افزار و همچنین تایپ از روی صوت رو به گسترش است.

■ **فینگلیش یا فینگلیسی** بخاطر عدم پشتیبانی سیستمهای کامپیوتری و تلفن همراه از الفبای فارسی، در ابتدا کمی رونق گرفت و با پشتیبانی این سیستمها از الفبای فارسی و همچنین صفحه کلید هوشمند، رو به اضمحلال می‌رود. البته فرزندان ایرانیان مهاجر از آن برای ارتباط با هموطنان استفاده می‌کنند، که آن هم با پیامهای صوتی و گسترش فناوری روز بروز کمرنگتر می‌شود.

■ ارتباطات غیررسمی در فضای مجازی با هموطنان تاجیک بعضاً از طریق فینگلیسی صورت می‌گیرد، که به این خاطر هم کسی خط فارسی را عوض نمی‌کند و تبدیل به لاتین کند!

■ می‌گویند هم‌اکنون بیش از ۶۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارد که نیمی از آنها تا فلان سال از بین می‌رود (هر ۱۴ روز یک زبان).

■ زبان‌هایی نیز وجود دارند که تعداد گویشوران آنها بسیار کم است. اکنون بیش از ۱۵۰۰ زبان زنده وجود دارد که تعداد گویشوران آنها کمتر از هزار نفر و گاهی کمتر از ۱۰ نفر است. یورونیوز ۲۰۱۸/۰۷/۲۶

- Yes, about half of some 6000 Languages spoken today are in danger of disappearing.
- UNESCO Atlas of the World's Languages in Danger
- Moseley, Christopher (ed.). 2010. Atlas of the World's Languages in Danger, 3rd ed., Paris, UNESCO Publishing. Online version:
- <http://www.unesco.org/culture/en/endangeredlanguages/atlas>
- www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CLT/pdf

البته باید توجه داشت که حفظ یک زبان، فرق می کند با تبدیل آن به یک زبان زنده علمی یا زبان رسمی یک کشور.

■ وقتی صحبت از این می‌شود که باید زبانمان را از لحاظ علمی غنی کنیم باید توجه داشته باشیم که زبان ما از لحاظ ظرفیت بالفعل و بالقوه و تعداد گویشوران آن، در کدام جایگاه قرار می‌گیرد. ذکر تاریخچه و نفوذ جغرافیایی زبان فارسی در این نوشتار، به دلیل آشنایی با همین موضوع بوده است.

■ نکته کلیدی اینست که برحسب وضعیت یک زبان، جواب به اینگونه سؤالات متفاوت است. غنی‌سازی علمی یک زبانی با گویشوران کم تعداد، که ظرفیت بالقوه آن پایین است، توصیه نمی‌شود و احتمالاً کاری عبث و موجب اتلاف وقت و سرمایه است.

■ تقریباً یک قرن پیش در هندوستان موضوع معایب خطوط اسلامی و لزوم تغییر آن به خط لاتین مطرح گردید و بعد شخصی به نام ملکم اصلاح خط فارسی را در ایران مطرح کرد و پس از چند سال گلستان را با خط پیشنهادی خود در لندن چاپ و منتشر نمود که چند سطر آن در ذیل نقل می‌شود:

این صفحه اول گلستان است که از بسم الله الرحمن الرحيم و منت
خدای را شروع و به شکری واجب ختم می‌شود.

ذبیح بهروز، «خط و فرهنگ»، انتشارات فروهر، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۶۳، صفحات ۱۲ و ۱۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنَنْتَ خُدایِ رَا عَزْدُ وَجَلْ لَه
طاعتش موجِبِ قُرْبَتِ اسْتِ وَ بِشْكَرِ
اندرش مَزِيدِ نِعْمَتِ . هَرِ نَوْسِي لَه
وَرُو مِیَرُوْدِ مُمَدِدِ حیاتِ اسْتِ وَ چُون
بُر مِیایِدِ مُؤَرَرِدِ ذَاتِ ، پَسِ دَرِ هَرِ
نَوْسِي دُو نِعْمَتِ مُوجُوْدِ اسْتِ وَ بَرِ هَرِ
نِعْمَتِي شْكَرِي وَاجِبِ .

■ بلوشر، سفیر آلمان در ایران در دورهٔ رضاشاه (۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳)، نوشته است:

خط فارسی به خط لاتینی جای نپرداخت و حفظ شد. فروغی (نخست‌وزیر) در این مورد به من گفت: مردم ترکیه، که ادبیات غنی و سرشاری ندارند، می‌توانند بدون زیانِ چندانی از خط خود دل بکنند. اما ایرانیان ادبیات کلاسیک محتشمی دارند با محتوای گران‌بهای که به هیچ وجه نباید ایران از آن جدا شود. این میراث فرهنگی را به خط فارسی ثبت کرده و ... در همه جا انتشار داده‌اند. اگر این خط تغییر کند، ملت ایران دیگر به متفکران و شاعران خود دسترس نخواهد داشت. (بلوشر، ص ۲۲۰)

بلوشر، ویپرت، سفرنامهٔ بلوشر، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، خوارزمی، تهران ۱۳۶۳.

به نقل از

رجب‌زاده، هاشم، «اندیشه اصلاح و وسوسهٔ تغییر خط در ایران و ژاپن معاصر»، نامه فرهنگستان،

اقدامات برای تغییر خط لاتین در اروپا

- اولین بار در فرانسه در قرن شانزدهم میلادی،

- کتاب «الفبای طبیعی» ون هلمونت در قرن هفدهم،

- خط ابداعی دکتر جان ویلکنز (۱۶۶۸)

⋮
⋮
⋮

- دنباله موضوع تغییر خط و یا تکمیل آن و حتی ساختن یک خط جهانی تا قرن نوزدهم میلادی در اروپا ادامه پیدا کرد و در فرانسه و آلمان و اتریش راجع به این موضوع مقاله‌ها و رساله‌های بسیار منتشر کردند و بالاخره در انگلستان شخصی به نام «بل» موفق به اختراع خطی به نام خط نمایان گردید.

ج	ا	ب	او	ف	ای
پ	پ	د	ک	ط	ت
ث	ب	ذ	گ	ظ	د
ر	ر	ز	گین	ح	ن

نمونه‌ای از خط بل

■ کار کوچکتر ولی سهل‌الحصول‌تر آنست که برای هر زبان، الفبایی وضع کنند که از اشتباهاتی که در خواندن کلمات پیدا می‌شود جلوگیری، و چون ملل انگلیسی‌زبان به چنین کاری دست بزنند، زبان انگلیسی شانس آن دارد که به عنوان دومین زبان از طرف ملتهای دیگر پذیرفته شود. ص ۱۱۶

■ جرج سارتن در مقدمه تاریخ علم در خصوص طرز نوشتن کلمات یونانی با الفبای انگلیسی می‌نویسد: این مسئله‌ای است که مدت نیم قرن فکر مرا به خود مشغول داشته و راه حل آن را چنان که مورد پسند هر کس و حتی شخص مؤلف باشد، نمی‌توان بدست داد. از آن زمان که چاپ با حروف یونانی پر خرج شده، نقل تلفظ یونانی با الفبای انگلیسی صحیح‌ترین راه نوشتن کلمات بشمار می‌رود.

جورج سارتون، تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، فروردین ۱۳۴۶.

الفبای آوانگاری بین‌المللی

International Phonetic Alphabet (IPA)

- سامانه‌ای نوشتاری و آوانگاری بر پایه الفبای لاتین است.
- انجمن آواشناسی بین‌المللی، الفبای آوانگاری بین‌المللی را که می‌تواند آواهای هر زبانی را نشان دهد، منتشر می‌کند.

■ International Phonetic Association

www.internationalphoneticassociation.org

- آموزش الفبای بین‌المللی فونتیک - کالج آریام - آپارات

■ زین العابدین مراغه‌ای (۱۲۵۵-۱۳۲۸ق)، در سیاحتنامه ابراهیم بیگ (ص ۲۹۳)، از زبان یک ایرانی، ضمن تأیید دشواری آموزش خط، اصلاح آن را «وظیفه اداره معارف - اگر احیاناً معارفی داشته باشیم» می‌داند. اما متذکر می‌شود که مشکل اصلی این نیست. «الفبای ژاپون هزار مرتبه مشکلتر» از الفبای ماست چنان که باید پانزده هزار شکل را حفظ کنند تا آن را یاد بگیرند. «این ملت، با وجود این اشکالات تدریسی، در اندک زمان» از حیث «تحصیل علوم و صنایع» و «رموز ملک‌داری و رعیت‌پروری و اخذ مالیات و کسب مدنیّت و حسن اخلاق و ادبیّات از دویست ساله اهل مغرب ... گوی سبقت ربودند.»

سیاحتنامه ابراهیم بیگ، زین العابدین مراغه‌ای، به کوشش م سپانلو، اسفار، تهران ۱۳۶۴

به نقل از مقاله

رجب‌زاده، هاشم، «اندیشه اصلاح و وسوسه تغییر خط در ایران و ژاپن معاصر»، نامه فرهنگستان،

■ قدیمی‌ترین نوشته‌ای که به زبان ارمنی در دست است ترجمهٔ انجیلی است از قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری). بر حسب روایات ارمنی این زبان از قرن پنجم میلادی صورت کتبی و ادبی یافته و کشیشی مسیحی به نام «مسروب» خط ارمنی را که دارای سی و شش حرف است و قسمتی از آنها از خط یونانی و شاید بعضی دیگر از خط اوستائی اقتباس شده در همین زمان وضع کرده است. این خط کمال دقت را در ثبت واکهای زبان نشان می‌دهد. ص ۱۲۶

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵

■ قدیمی‌ترین کتیبه کشف شده به زبان گرجی که به نخستین الفبای گرجی است مربوط به سده اول ق. م است. سه نوع الفبا که جایگزین یکدیگر شده است.

■ پس چرا گرجستان که از قدیم «خط آوانگار» داشته است، کشور پیشرفته‌ای نیست؟

■ جواب به این سؤال که چه رسم الخطی انتخاب شود، برای دو حالت ذیل فرق می کند:

□ کشوری که رسم الخطی نداشته، الان چه رسم الخطی انتخاب کند؟

□ کشوری که رسم الخط با سابقه زیادی داشته است، با چه رسم الخطی ادامه دهد؟ بویژه وقتی ظرفیت فرهنگی و جمعیتی آن زیاد باشد.

■ بعضی فکر می کنند این لغات لاتین و یونانی از خود زبان انگلیسی است و این اصطلاحات همه انگلیسی هستند. بعضی دیگر اما با دانش بیشتر، تصور می کنند که پیشوندهای نانو و پیکو، گیگا و ترا در زبان یونانی یا لاتین بوده و ۲۰۰۰ سال پیش آنها پیشوندهایی برای ۱۰ به توان فلان داشته اند. در این خصوص به صفحات ۳۳۸ و ۳۳۹ رجوع شود.

■ یک سخنران علمی که معادلها را نداند چگونه می خواهد یک سخنرانی عمومی کند؟

■ بطور معمول، افرادی که در یک حوزه خاص تخصص دارند، به دلیل این که به اهمیت و تأثیر آن حوزه بیش از سایر حوزه‌ها واقف هستند، لذا در تحلیل و پیش‌بینی‌های خود، نسبت وزنی اهمیتِ حوزه تخصصی خود به حوزه‌های دیگر را بیش از اندازه آن در عالم واقعیت می‌بینند.

■ زبان فارسی جزو حواشی نیست. با این تفکر، پس از مدتی خطمان را هم لاتین کنیم. بعد زبانمان را هم انگلیسی کنیم. بعد بگوییم شعر و ادبیات هم هجویات است، باید به علم و فناوری چسبید. در صورتی که اهمیت هر یک را باید بدرستی ارزیابی نمود.

■ فرض کنید می‌گویند که برای فونت «ایتالیک» معادل فارسی نداریم! خب برای فونت نازنین و ... مگر انگلیسی‌ها معادل انگلیسی دارند! بسیاری از اصطلاحات به این صورت و قراردادی هستند و ارتباطی به توانایی آن زبان از لحاظ واژه‌سازی ندارد.

■ البته معادل ایتالیک ممکن است مورّب بکار رود، اما این واژه جهت شیب را معین نمی‌کند. ممکن است «مورّب لاتین» در مقابل «مورّب فارسی» که جهت شیب آن دو برعکس است ترجیح داده شود. البته هم‌اکنون از واژه «ایرانیک» استفاده می‌کنند. البته به نظر نگارنده مطابق گویش متأخر «ایرانیک» (همانند «پارسیگ») بر «ایرانیک» ارجح است.

■ یک نظر این است که اگر بجای فارسی از زبان عربی استفاده می کردیم، فرصت های اقتصادی بیشتری برایمان بوجود می آمد. از علم اقتصاد می دانیم که برای توجیه سرمایه گذاری، به یک حداقل تعداد مشتری (جرم بحرانی) نیاز است که بدون حضور آنها بازگشت سرمایه رخ نمی دهد. ... مثلاً آمریکایی ها و چینی ها به سادگی می توانند یک سایت خبری جدید راه اندازی کنند، چون برای زبان انگلیسی و چینی در حدود یک میلیارد خواننده وجود دارد. این تعداد، مزیتی بزرگ برای ... به نقل از پیوند ذیل:

■ فارسی یا عربی؛ کدام برای اقتصاد ایران بهترند؟ - تجارت نیوز

■ بعضی از استدلالات به قضایا بطور یک بعدی و آن هم در یک بازه زمانی محدود می‌نگرد.

■ بعضی از استدلالات از یک وجه صحیح به نظر می‌آید، اما در مجموع، فاجعه است.

□ بطور نمونه، اگر زبان ما عربی بود، مشکل اختلاف ایرانیها و اعراب فیصله می‌یافت! اگر همه ما سنی می‌شدیم، اختلاف شیعه و سنی برطرف می‌شد! اگر مسلمانان همه مسیحی می‌شدند، اختلافات فی‌مابین هم حل می‌شد! بر عکس این موارد هم قابل بیان است. (البته مثال نقض، جنگ جهانی دوم بین دول مسیحی)

□ اگر زبان ما انگلیسی یا چینی بود، اقتصاد کشورمان بهتر بود. به تعداد کشورهای انگلیسی‌زبان بنگرید!

□ در مثالی دیگر، فرض کنید فردی خانه شما را به زور تصرف کند، مسلماً اگر شما پیش او بروید زانو بزنید و بگویید خانه ما قابل شما را ندارد و پیشکش، موضوع اختلاف فیصله می‌یابد. پس اگر کسی اینطور برای فیصله اختلاف استدلال کند، از جهت آن وجه، درست از آب در می‌آید!

فارسی، پنجمین زبان پر کاربرد روی اینترنت شد – خبرگزاری اسپوتنیک

- زبان فارسی پس از انگلیسی، روسی، اسپانیایی و ترکی پنجمین زبان پر کاربرد روی شبکه جهانی وب است. به گزارش اسپوتنیک، این آمار از سوی تارنمای جهانی W3Techs بر اساس بررسی ۱۰ میلیون تارنمای برتر دنیا نشر شده است.
- بر این اساس، زبان انگلیسی ۶۰/۴ درصد محتوای آنلاین را به خود اختصاص داده است. زبان‌های روسی با ۸/۵، اسپانیایی با ۴ و ترکی با ۳/۷ زبان‌های دوم تا چهارم این فهرستند. زبان فارسی با داشتن ۳ درصد پنجمین زبان پر کاربرد در میان تارنماهای برتر دنیا است.
- این آمار نشان می‌دهد که میان شمار گویندگان زبان‌ها و استفاده از آنها در اینترنت تناسب وجود ندارد. در حالی که زبان چینی ۱/۱۱ میلیارد گوینده دارد اما در میان ۱۰ میلیون تارنمای برتر استفاده از چینی تنها ۱/۴ درصد است.
- اطلاعات جدیدتر از طریق <https://w3techs.com> قابل اخذ است:
- [Usage statistics of content languages for websites - W3Techs](#)
- [Historical trends in the usage statistics of content languages ...](#)

-
- British Council, www.britishcouncil.org
 - We build connections, understanding and trust between people in the UK and other countries through **arts** and **culture**, **education** and the **English language**.

پیوندهای ویکیپدیا برای مؤسسات مشابه

- British Council, United Kingdom (1934–)
- Instituto Cervantes, Spain
- Instituto Camões, Portugal
- Alliance Française, France
- Goethe-Institut, Germany
- Dante Alighieri Society, Italy
- Russkiy Mir Foundation, Russia
- Confucius Institute, People's Republic of China (2004–)
- Yunus Emre Institute, Turkey

■ ویدئو / سنت‌های ایرانی به روایت دختر آلمانی پیکان‌سوار – ایسنا

خانم «ربکا ایگلین»، اهل کشور آلمان، از طرف مؤسسه گوته آلمان به ایران آمده است تا درباره نوستالژی‌ها و سنت‌های ایرانی که در حال فراموشی است، تحقیق کند. او سفری را در ایران آغاز کرده و برای این تجربه‌اش، یک خودروی پیکان را انتخاب کرده است؛ چرا که به عقیده او پیکان نماد دوره‌ای از شکوفایی اقتصادی و جزئی از فرهنگ نسل‌هایی از ایرانیان است.

■ تارنمای شورای فرهنگی بریتانیا: «با افزایش شمار افرادی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند دانستن این زبان برای شهروندان بریتانیا دیگر یک مزیت تلقی نمی‌شود.»

■ بنابر مطالعه‌ای تازه در بریتانیا، زبان انگلیسی (که برای این کشور در یک قرن گذشته مزایای فرهنگی و اقتصادی زیادی را به همراه داشته) به مرور به تهدیدی برای جایگاه بین‌المللی این کشور تبدیل می‌شود.

■ شورای فرهنگی بریتانیا در گزارش تحت عنوان (English Next) می‌گوید با افزایش شمار افرادی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند (حدود دو میلیارد نفر) دانستن این زبان برای شهروندان بریتانیا دیگر یک مزیت تلقی نمی‌شود.

■ این وضعیت با توجه به این موضوع که میلیونها دانش‌آموز در جهان، نه تنها زبان انگلیسی بلکه همزمان یک زبان خارجی دیگر را هم فرا می‌گیرند، تشدید می‌شود.

■ دیوید گرادول، David Graddol، نگارنده این گزارش، بر این عقیده است که دانش‌آموزان بریتانیایی اگر می‌خواهند در عرصه بین‌المللی رقابت کنند، باید زبان اسپانیایی، ماندارین (زبان رسمی چین) و یا عربی را یاد بگیرند. او از این زبانها به عنوان «زبانهای آینده» یاد می‌کند.

■ توسعه اقتصادی چین و مبادلات بین‌المللی با این کشور باعث شده که بسیاری از شهروندان کشورهای پیشرفته برای یادگیری زبان چینی دست به کار شوند. گفته می‌شود حدود ۱۴۰ هزار غیرچینی اکنون در دانشگاه‌های چین سرگرم یادگیری این زبان هستند که در این کشور رکوردی بی‌سابقه است. شورای فرهنگی بریتانیا با اشاره به راه‌اندازی شماری از مراکز آموزش زبان ماندارین در نقاط مختلف این کشور و مبادله دانش‌آموز و معلم با کشورهای اروپایی و عرب گفت در نظر دارد برای ترغیب این روند «حیاتی»، طرح‌های متعددی را به اجرا درآورد.

- بنیاد وقفی یونس امره، بنیادی دولتی است که در سال ۲۰۰۷ با هدف ارتقاء و گسترش دوستی و افزایش تبادلات فرهنگی ترکیه با دیگر کشورها و به منظور معرفی زبان، تاریخ، فرهنگ و هنر ترکیه و ارائه اطلاعات و مستندات مرتبط جهت استفاده جهانی، ارائه خدمات در زمینه زبان، فرهنگ و هنر ترکیه برای افرادی که در خارج از کشور مایل به فراگیری هستند؛ تأسیس گردیده است.
- این مؤسسه در خارج ترکیه مراکزی تأسیس کرده و در کنار آموزش زبان ترکی به بیگانگان، به فعالیتهای فرهنگی و هنری در راستای معرفی ترکیه نیز پرداخته و علاوه بر این از فعالیتهای علمی نیز حمایت می‌نماید.

■ مؤسسه یونس امره ترکیه که در سال ۲۰۰۹ شروع به فعالیت نمود، در حال حاضر دارای ۵۸ مرکز در کشورهای مختلف جهان است. در این مراکز در کنار آموزش زبان ترکی، همکاری با مراکز آموزشی کشورهای مختلف، رشته‌های دانشگاهی ترک‌شناسی و آموزش زبان ترکی در جاهای مذکور نیز تحت حمایت و پوشش قرار می‌گیرد. این مراکز فرهنگی فعالیت‌های بسیاری در راستای معرفی فرهنگ و هنرمان [ترکیه] انجام داده و به نمایندگی از کشور ترکیه در پروژه‌های ملی و بین‌المللی مختلفی شرکت کرده‌اند.

■ دکتر دونالد فیشر رئیس مؤسسه دی ال آی که وظیفه آموزش زبان به نظامیان آمریکایی را دارد، می گوید: طول دوره آموزش به نسبت سختی یا راحت بودن فراگیری آن برای دانشجوی انگلیسی زبان از ۶ ماه تا ۱۵ ماه است. مثلاً یاد گرفتن چینی، ژاپنی، کره ای و عربی ۱۵ ماه طول می کشد. فارسی تقریباً ۴۸ هفته یعنی ده، یازده ماه وقت می برد.

■ در خصوص میزان سختی فراگیری زبانهای خارجی برای انگلیسی زبانها پیوست الف را ملاحظه نمایید.

■ برای این که بتوان در یک زبان به آسانی واژه‌هایی در برابر واژه‌های بی‌شمار علمی پیدا کرد، باید امکان وجود یک چنین اصول علمی‌ای در آن زبان باشد. می‌خواهیم نشان دهیم که چنین اصلی در زبان فارسی وجود دارد و از این جهت، زبان فارسی زبانی است توانا، در صورتی که بعضی زبانها - گو این که از جهات دیگر سابقه درخشان ادبی دارند - ولی در مورد واژه‌های علمی ناتوان هستند.

از مقاله «توانایی زبان فارسی در معادلسازی»، دکتر محمود حسابی، ماهنامه طلایه، مهر و آبان ۱۳۷۴، ص ۷-۱۱.

■ زبان فارسی یکی از زبانهای هندواروپایی است و دارای همان ریشه‌ها و همان پیشوندها و پسوندها است. تلفظ حروف در زبانهای مختلف هندواروپایی متفاوت است ولی این تفاوتها طبق یک روالی پیدا شده است. توانایی‌ای که در هر زبان هندواروپایی وجود دارد، مانند یونانی و لاتین و آلمانی و فرانسه و انگلیسی، در زبان فارسی هم همان توانایی وجود دارد. روش علمی در این زبانها مطالعه شده و آماده است و برای زبان فارسی به کار بردن آنها بسیار ساده است. برای برگزیدن یک واژه علمی در زبان فارسی فقط باید واژه‌ای را که در یکی از شاخه‌های زبانهای هندواروپایی وجود دارد با شاخه فارسی مقایسه کنیم و با آن هماهنگ سازیم.

از مقاله «توانایی زبان فارسی در معادلسازی»، دکتر محمود حسابی، ماهنامه طلایه، مهر و آبان ۱۳۷۴، ص ۷-۱۱.

■ معنی واژه‌های علمی در انگلیسی مشخص و معین است؛ در صورتی که در فارسی کنونی، در بسیاری موارد، اینگونه نیست. این موضوع بزرگترین ضعف زبان فارسی کنونی در خصوص واژه‌های علمی معادل تلقی می‌شود. البته این موضوع، ذاتی نیست و بیشتر تا کلاً جنبه قراردادی دارد. برطرف نمودن این ضعف، نیاز به دقت و توجه ویژه دارد.

■ بطور نمونه، معنی **طرح** و **لایحه** در حوزه قانونگذاری کاملاً مشخص و معین است. طرح از طرف نمایندگان مجلس و لایحه از طرف هیأت دولت به مجلس تقدیم می‌شود.

■ بطور نمونه، اسامی شکلهای هندسی نظیر مثلث، مربع، مستطیل و دایره هم قراردادی است؛ اگرچه بامسمی هستند، اما تعریف دقیقی از شکلهای هندسی بدست نمی‌دهد و تنها به گوشه‌ای از خواص این اشکال اشاره دارد.

■ در ذهن ما «مثلث» (چون عربی است)، یک معنا دارد و همانست که در هندسه است، اما اگر در کاربرد دیگری بکار رود، ممکن است شنونده فارسی‌زبان را گیج کند. بطور نمونه، اگر کسی بگوید «حسن مثلث» تصور می‌شود که مزاحی شده است، مثلاً فرم صورت شخصی به نام حسن، مثلثی شکل بوده است.

لزوماً اصطلاحات مستعمل در زبان انگلیسی بامسمی تر نیستند!

- بکارگیری اصطلاح فارسی «زبان میانجی» بسیار مناسبتر از اصطلاح «Lingua Franca» (و ترجمه لغوی آن) است.
- بطور نمونه، «مصونیت گله‌ای» که ترجمه لغوی اصطلاح انگلیسی (herd immunity) است، بسیار برخوردارنده است، و هم اکنون در فارسی از «مصونیت جمعی» به عنوان معادل بکار می‌رود.
- هر ایرادی که به یکی از واژگان فرنگی گرفته شود، می‌گویند در آن تاریخی نهفته است! آیا این حرف علمی و منطقی است؟ در اغلب آداب و رسوم گذشته، عقاید نژادپرستانه و ... تاریخی نهفته است! بت پرستان قریش هم به پیامبر اسلام (ص) می‌گفتند که این دین آباء و اجدادی ماست! (یعنی ریشه و تاریخ دارد).

■ نکته دیگر اینکه مسئله زبان علمی و واژه‌های علمی گرچه ظاهراً بخشی از مسائل زبان فارسی و ادب فارسی است، ولی باید تأکید داشت که این مسئله، مشکلی نیست که ادبا و اهل ادب بتوانند آن را حل کنند. مسئله‌ای است از نوع مسائلی که رشته‌های فنی و مهندسی با آن مواجه‌اند و دقیقاً یک رشته فنی دانشگاهی است. واژه‌شناسی دقیقاً یک رشته مهندسی است و در بیشتر دانشگاه‌های دنیا هم در رشته‌های مهندسی تدریس می‌شود. این اشتباهی است که ما هنوز هم در دوران آگاهی می‌کنیم و اشتباهی نیست که صرفاً در دوران خودیافت دیده می‌شد و ادبای ما بررسی زبان علمی را امری متعلق به خود می‌دانستند ...

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

این اشتباهی است که ما هنوز هم در دوران آگاهی می‌کنیم و اشتباهی نیست که صرفاً در دوران خودیافت دیده می‌شد و ادبای ما بررسی زبان علمی را امری متعلق به خود می‌دانستند و با کسانی که از رشته‌های غیر ادب فارسی یا از رشته‌های علمی می‌آمدند و در مورد زبان علمی اظهار نظر می‌کردند و یا واژه‌سازی می‌کردند، مقابله و مخالفت می‌کردند. قطعاً زبان با ادب مرتبط است ولی ادب همان‌قدر از عالم واژه‌شناسی دور است که مثلاً رشته فیزیک از رشته مهندسی برق. اما رشته‌های مهندسی و علوم پایه به علم واژه‌شناسی بسیار نزدیک‌ترند تا ادب فارسی و این نکته باید در تمام برنامه‌ریزی‌های آینده در نظر گرفته شود.

چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی ما باشد؟

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

بخشی از سخنان آقای دکتر حسن انوری در مراسم بزرگداشتشان در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی:

■ من خدمتگزار زبان فارسی هستم، اگرچه زبان مادری‌ام آذری است. از زمانی که مادرم شعری از حافظ را به من تفهیم کرد، شیفته زبان فارسی شدم. در دانشکده ادبیات تبریز در حضور استادانی چون ماهیار نوابی، دکتر رجائی بخارایی، دکتر منوچهر مرتضوی، استاد ادیب طوسی و استاد ترجمانی زاده و در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در حضور استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، استاد جلال‌الدین همائی، دکتر ناتل خانلری و دکتر محمد معین و دیگر استادان کم و بیش و به قدر استطاعت با رموز زبان فارسی آشنا شدم. در طی بیش از سی سال خدمت در مؤسسه لغتنامه دهخدا تاریخ زبان فارسی را مرور کردم. وقتی قرار شد در مدت معینی، این فرهنگ را به فرجام برسانم شب و روز خود را در اختیار فرهنگ سخن قرار دادم.

- زبان فارسی روزی زبان بین‌المللی بوده و از هندوستان تا آسیای صغیر و بالکان را زیر سیطره داشته است.
- از این زبان آثاری پدید آمده که از شاهکارهای ادبیات جهانی است. چند زبان در دنیا می‌شناسید که در آنها اثری چون شاهنامه، دیوان حافظ و دیوان شمس به وجود آمده باشد؟
- از دیگر مزایای زبان فارسی آن است که عرفان ایرانی را به وجود آورده است. به قول دکتر شفیع کدکنی: عرفان و زبان فارسی در مواردی از هم تجزیه ناپذیرند.

از آموزه‌ها و نصایح پروفیسور رضا

■ آموختن علوم، به خصوص ریاضیات آسانتر از احاطه به شعر و ادب است. در ریاضیات اصول و دستور زبان روشن و قانون حاکم است. در شعر گوناگونی سلیقه‌ها، کار را دشوار می‌کند. باید اصول هنر را آهسته آهسته بدست آورد. دستور علم از پیش معین شده است.

■ احاطه به فرهنگ و هنر زمان دراز می‌طلبد اما در زمان کوتاهی می‌توان بخشی از ریاضیات را فراگرفت. از اینرو است که غالب مردم حساب و کتاب مالی خود را به آسانی در دست می‌گیرند و با سیاق، چرتکه و کامپیوتر کار می‌کنند ولی شناخت شعر و زیر و بم آن، آشنایی با واژه‌ها، ترکیبات، آهنگها و ظرافتها را باید از راه ممارست و تکرار دریافت.

■ بیشتر از آنچه که از ادب و فرهنگ فارسی آموخته‌ام، مرهون شوق و کوشش آمیخته به تنهایی و زندگانی یکنواخت دوران دانش‌آموزی در دبیرستان و دانشکده در ایران است. این راه دراز را بی‌کمک استادان ادب و افاضه‌افاضل پیمودم، چون دانشجوی بخشهای علمی و فنی بودم. بی‌شک اگر تلویزیون رنگارنگ جهان غرب امروز را آن روز در دسترس می‌داشتم، تا اندازه‌ای از فرهنگ و ادب فارسی غافل مانده بودم.

تفاوت «آموزش زبان انگلیسی» و «آموزش به زبان انگلیسی»

- آموزشِ زبانِ انگلیسی یعنی زبانِ انگلیسی به عنوان یک درس در مدارس یا دانشگاه‌ها تدریس شود.
- آموزش به زبانِ انگلیسی یعنی دروس مدارس یا دانشگاه‌ها به زبانِ انگلیسی تدریس شود. به عبارت دیگر، دروس ریاضی، فیزیک، شیمی، فلسفه و ... به زبان انگلیسی تدریس شود.

در ادامه تاریخچه مختصری از تجربه آموزنده احیای زبان عبری را ملاحظه می‌نمایید.

- **The revival of the Hebrew language** took place in Europe and Palestine toward the end of the 19th century and into the 20th century, through which the language's usage changed from the sacred language of Judaism to a spoken and written language used for daily life in Israel. The process began as Jews from diverse regions started arriving and establishing themselves alongside the pre-existing Jewish community in the region of Palestine in the first half of the twentieth century, when veteran Jews in Palestine (largely Arabic-speaking by that time) and the linguistically diverse newly arrived Jews all switched to use Hebrew as a lingua franca.

- The process of Hebrew's return to regular usage is **unique**; there are no other examples of a natural language without any native speakers subsequently acquiring several million native speakers, and no other examples of a sacred language becoming a national language with millions of "first language" speakers.
- The revival of the Hebrew language in practice advanced in two parallel strains: The revival of written-literary Hebrew and the revival of spoken Hebrew. Literary Hebrew was renewed in Europe's cities, whereas spoken Hebrew developed mainly in Palestine. The two movements began to merge only in the beginning of the 1900s, and an important point in this process was the immigration of Haim Nahman Bialik to Palestine in 1924.

-
- Eliezer Ben-Yehuda (1858–1922) is often regarded as the “reviver of the Hebrew language”: he was the first to raise the concept of reviving Hebrew, to publish articles in newspapers on the topic, and he initiated the project known as the Ben-Yehuda Dictionary.
 - Ben-Yehuda's main innovation in the revival of the Hebrew language lies in his having invented many new words to denote objects unknown in Jewish antiquity, or that had long been forgotten in their original Hebrew usage and context.

-
- Many devoted Jews of the time did not appreciate Ben-Yehuda's efforts to resurrect the Hebrew language. even Theodor Herzl declared, after meeting Ben-Yehuda, that the thought of Hebrew becoming the modern language of the Jews was ridiculous.
 - Ben-Yehuda was a major figure in the establishment of the Committee of the Hebrew Language, later the Academy of the Hebrew Language, an organization that still exists today. He was the initiator of the first modern Hebrew dictionary known as the Ben-Yehuda Dictionary and he became known as the "reviver" of the Hebrew language.

-
- Ancient languages and modern Standard Arabic were major sources for Ben-Yehuda and the Committee. According to Joshua Blau, quoting the criteria insisted on by Ben-Yehuda: "In order to supplement the deficiencies of the Hebrew language, the Committee coins words according to the rules of grammar and linguistic analogy from Semitic roots: Aramaic, Canaanite, Egyptian ones and especially from Arabic roots." Concerning Arabic, Ben-Yehuda maintained, inaccurately according to Blau, that Arabic roots are "ours": "the roots of Arabic were once a part of the Hebrew language ... lost, and now we have found them again!"

■ واکنش علی نصیریان به حذف ادبیات از کنکور - همشهری آنلاین

■ زبان و ادبیات فارسی هویت و بخشی از شناسنامه ماست. شعر ما هزار سال قدمت دارد و اینها میراثی بسیار ارزنده از لحاظ تفکر، اخلاق، زندگی و زبان است. هر اقدامی که به حذف آموزش اینها منجر شود از نظر من نامطلوب است.

■ آموزش زبان و ادبیات فارسی قطعاً باید از دوران مدرسه اتفاق بیفتد و این وظیفه دولت و آموزش و پرورش است که پاسبان و نگهبان زبان فارسی باشد. همچنین از جایی مثل فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم باید در این مورد سوال پرسیده شود که چه اقدامی در مقابل این نوع اتفاقها انجام می‌دهند.

■ بخش عمده هویت ما زبان و ادبیات است؛ ادبیات جزئی از زندگی مردم ایران است و حتی قبرستان‌ها را که نگاه کنید، می‌بینید که روی بیشتر سنگ قبرها شعر نوشته شده است بنابراین فکر می‌کنم هرآنچه منجر به حذف یا کم شدن جایگاه آموزش زبان و ادبیات فارسی شود به هویت واقعی یک ایرانی و به ویژه بچه‌ها لطمه می‌زند.

■ یک پیشنهاد برای اجرای حذف ادبیات از کنکور - ایسنا

■ استاد ژاله آموزگار با تأکید بر اهمیت زبان و ادبیات فارسی می‌گوید: اگر می‌خواهند ادبیات را در کنکور سراسری حذف کنند، حتماً از همه بخواهند کنکور جداگانه‌ای برای زبان و ادبیات فارسی بدهند.

■ دانش‌آموزان در فرانسه یک سال پیش از این که دیپلم بگیرند و به دانشگاه وارد شوند، کنکور زبان و ادبیات می‌دهند، چه بخواهند مهندس و پزشک شوند یا بخواهند به هر رشته دیگری وارد شوند. آنها یک‌سال قبل از این که دیپلم بگیرند، جدا از رشته‌ای که می‌خواهند بخوانند باید کنکور ادبیات و زبان فرانسه بدهند.

■ نتیجه حذف ادبیات این می‌شود که بچه‌های درخشانی داریم که به دانشگاه شریف یا هر دانشگاه برجسته دیگری می‌روند اما کاملاً با مسائل زبانی و تاریخ زبان و ادبیات بیگانه هستند. من شخصاً این تجربه را داشته‌ام و این واقعاً غم‌انگیز است.

بخش اول

مروری بر تاریخچه زبان بین‌المللی علم

- با سقوط امپراتوری هخامنشی **زبان یونانی** زبان بین‌المللی علم می‌شود.
 - پس از ظهور مسیح و تعطیلی آکادمی در آتن (به دستور امپراتور روم شرقی)، زبان علم از یونانی به **سریانی** (در سوریه باستان) منتقل می‌شود.
 - پس از گسترش اسلام، **زبان عربی** نزدیک به ۸ قرن زبان علم دنیا بود.
- خلاصه نوشته ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ق): چون تاتار و مغول از دین اسلام پیروی نمی‌کردند، زبان عربی تباه شد و نزدیک بود از میان برود اگر مسلمانان به کتاب و سنت که حفظ دین به آنهاست عنایت نمی‌کردند. لیکن در ممالک عراق و ماوراءالنهر هیچگونه اثر و نشانه‌ای از آن باقی نیست و حتی کتب علوم را به زبانهای غیر عربی می‌نویسند و همچنین آنها را در محافل درس به زبان عربی تدریس نمی‌کنند.

- به تدریج **زبان لاتین** که زبان رسمی امپراتوری روم و کلیسای کاتولیک بود و کتب دینی مسیحیت از آرامی به این زبان ترجمه شده بود، جای زبان عربی را به عنوان زبان علم دنیا گرفت.
- از سده شانزدهم به بعد، نویسندگان در هر کشور آغاز کردند به اینکه به زبان ملی خود تألیف کنند و کم کم زبان لاتین که تا آن زمان تنها وسیله اظهار معلومات بود متروک و منسوخ گردید. [سیر حکمت در اروپا]
- بر اساس سبکی که در قرن نوزدهم میلادی به نقطه اوج خود رسید، برای هر چیز علمی، نامی یونانی تعیین می شد. [John McWhorter]
- با افول زبان لاتین، زبان فرانسه به تدریج زبان غالب بین‌المللی علم در دنیا شد. اما بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت زبان انگلیسی جایگزین زبان فرانسه به عنوان زبان بین‌المللی علم شد.

■ انگلیسی از زبان روستائیان^۱ به زبان علم دنیا تبدیل شد. بعضی فکر می‌کنند این لغات لاتین و یونانی از خودِ زبان انگلیسی است و این اصطلاحات همه انگلیسی هستند. یک نمونه جالب از تأثیر زبان یونانی بر انگلیسی، دو سخنرانی نخست‌وزیر اسبق یونان ([Xenophon Zolotas](#)) به انگلیسی با لغات یونانی است (بجز حروف تعریف و اضافهٔ آن).

■ در انتخاب واژگان علمی در دوران جهش علمی در انگلیسی از لغات لاتین و یونانی (و مشتقات) آن استفاده کردند؛ چرا که به علت نامانوس بودن آن لغات، مصداق علمی و مقبولیت بیشتری می‌یافتند.

^۱ با غلبه نورمن‌ها در سال ۱۰۶۶م بر انگلستان، زبان فرانسوی برای سه قرن زبان اشراف و دربار و طبقات بالای انگلستان بوده و روستائیان به زبان انگلیسی قدیم صحبت می‌کردند.

تمدن و زبان سومری

- The rise and fall of history's first empire TED 2020
- Who was the world's first author? TED 2020

■ در بین‌النهرین تا پایان هزاره سوم عموماً زبان سومری بکار می‌رفت، و از آن زمان به بعد رفته رفته زبانهای سامی شرقی نزدیک به یکدیگر یعنی اکدی و بابلی و آشوری و کلدانی جای زبان سومری را گرفت. زبان سومری هیچ رنگ و شکل سامی نداشت، ولی در لهجه‌های سامی بسیاری از عوامل سومری محفوظ ماند. همه آن زبانها با خط واحدی نوشته می‌شد که بنا بر شکل آن که شبیه اثر میخ خوابیده است، خط میخی نامیده می‌شود، و این خط‌نویسی از مخترعات سومریان است. ص ۶۴

جورج سارتون، تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، فروردین ۱۳۴۶.

■ زبان سومری در چند هزار سال پیش از میلاد ترقی فوق‌العاده داشته است و تا قرنهای بسیاری این زبان مانند زبان لاتین، زبان ادبی و دینی و علمی مردم بین‌النهرین بوده و حتی مهاجرین بابلی آنجا نماز و ادعیه و رسوم مذهبی خود را با این زبان ادا می‌کردند و کلمات سومری را با رعایت گرامر آن در زبان خود بکار می‌بردند و رویهم‌رفته سومر برای بابل و اسور به منزلهٔ «رم» برای اروپا بوده است.

اخط و فرهنگ، ذبیح بهروز

■ سومریان قدیم خود را آغازکار حساب نمی‌کردند، بلکه همه چنان می‌پنداشتند که محفظهٔ اخیر رسوم و سنن افتخارآمیز قدیمند. داستان عصر طلایی انسان را همین قوم اول بار چنین سروده‌اند. ... تمام جهان، و تمام مردم یک صدا و با یک زبان انلیل را ستایش می‌کردند. ص ۱۰۰

■ گرچه مجموعهٔ ادبیات سومری که به ما رسیده در حال حاضر تاریخ مقدم بر ۲۰۰۰ ق. م را ندارد، از این قراین می‌توان دریافت که قسمتی از آنها به چند قرن پیش از این زمان مربوط است. یک تجدد ادبی در زمان سرگون نخستین پادشاه سلسلهٔ اگدی صورت گرفته است. در زمان حمورابی در واقع دورهٔ آفرینش ادبی تقریباً پایان یافته، ولی شهرت و حیثیت آن به اندازه‌ای بود که زبان سومری زبان رسمی و زبان دین و ادبیات شد. دبیران بابلی و پیروان ایشان پیوسته می‌کوشیدند که شاهکارهای سومری را محفوظ نگاه دارند و آنها را تفسیر کنند. ص ۱۰۰ و ۱۰۱

■ سقراط در فیدروس می‌گوید: پس از آن شنیدم که نوکراتیس در مصر یکی از خدایان باستانی آن سرزمین بوده، و هموست که مرغان مقدسش به نام ایبیس خوانده می‌شود و نام آن خدا تحوت بوده است و هم او است که اعداد و حساب و هندسه و علم نجوم را اختراع کرده و بازی نرد از ساخته های اوست، و از همه مهمتر آن است که حروف الفبا را وی اختراع کرده است. ص ۱۲۱

■ سقراط پس از آن می‌گوید که مهمتر از همه این اختراعات کار حروف یعنی نویسندگی است. تحوت به شاه مصر می‌گوید: «ای شاه، این اختراع مردم مصر را فرزانه‌تر خواهد ساخت و به حافظه ایشان بهبودی خواهد بخشید، چه این اکسیری از حکمت و حافظه است که من اکتشاف کرده‌ام»، ولی شاه متقاعد نمی‌شود و می‌ترسد که این اختراع به جای بهتر کردن حافظه آن را خراب کند، و مردم کارشان به جایی برسد که بدون آنکه بفهمند نوشته‌ها را بخوانند. ص ۱۲۱

■ صدای زبان بابلی اکادی باستان: روخوانی حماسه گیلگمش – آپارات



سنگنبشته اسطوره گیلگمش به اکدی
از ویکیپدیا - لینک ویکیپدیا

■ در سال ۱۸۸۰، آشورشناس انگلیسی جرج اسمیت ترجمه‌ای از لوح XI حماسه گیلگمش منتشر کرد که شامل اسطوره طوفان بود به دلیل شباهتش به «روایت طوفان سفر پیدایش» توجه محققان را بی‌درنگ جلب کرد. لوح طوفان، لوح یازدهم «حماسه گیلگمش» گزارش طوفانی است که خدایان برای نابودی جهان نازل می‌کنند. اوتنپیشتم از قبل آگاه شد، و برای نگهداری و حفظ موجودات زنده کشتی ساخت. بعد از سیل پرندگان برای یافتن خشکی فرستاد.

تمدن فینیقیه

- فینیقیها از اقوام سامی بوده و در کرانه‌های شرقی مدیترانه ساکن بودند (از شهرهای مهم: صور و صیدا در لبنان) که در مناطق جنوبی، شمالی و غربی حوزه مدیترانه و حتی آفریقای جنوبی، تمدن‌ها و مستعمراتی پدید آوردند، نظیر قرطاجنه (کارتاژ) در لیبی، جزیره سیسیل در جنوب ایتالیا، اسپانیا و احتمالاً ایرلند^۱.
- فنیقیان خود را کنعانیان می‌نامیدند و می‌گفته‌اند که موطن اصلی آنها سواحل خلیج فارس بوده است. فنیقیه مُعَرَّب فونیک یعنی نامی است که یونانیها به این مملکت داده‌اند. در جایی؟ دیدم که نوشته، فونیک احتمالاً مشتق از بنوکنعان است.
- این مردم از طرف غرب تا جزیره‌های بریتانیا و از طرف شرق تا بغاز (تنگه) مالاکا در نزدیکی هندوچین تجارت می‌کردند.

^۱ پیوست ب ملاحظه شود.

Wikimedia Commons

https://commons.wikimedia.org/wiki/Main_Page

Videos → Videos by subject → Videos of history
→ Videos of ancient cities

■ کارتاژ (حتماً ببینید)

■ شهرها و مکانهای باستانی:

اوروک، کارتاز، پترا، پرسپولیس و دلفی

https://commons.wikimedia.org/wiki/Category:Videos_of_ancient_cities

■ Phoenician trade routes went from one end of the Mediterranean Sea to the other.

■ بخشی از مسیرهای تجاری و مهاجرنشینهای فینقیایی در پیوند فوق نمایش داده شده است.

■ الفبای فنیقی با ۲۲ علامت خطی که تنها صامت‌ها را نشان می‌داد، از راست به چپ نوشته می‌شد، به زعم خط‌شناسان، نشانه‌هایی از خط مصری باستان و خطوط تصویری را در الفبای فنیقی می‌توان یافت. این خط برخلاف خط هیروگلیف که در انحصار کاهنان بود و با خط میخی که تنها طبقه دبیران با آن سروکار داشتند، به راحتی در دسترس عامه قرار گرفت؛ چون نگارش و فراگرفتن آن آسان بود. این خط در آسیای غربی نفوذ یافت و جایگزین خط میخی شد و به غرب (اروپای امروز) که هنوز دارای خط و کتابت نبود راه یافت. این امر از طریق یونان انجام گرفت که با فنیقیها ارتباط بازرگانی داشتند. [ژاله آموزگار]

■ علامات الفبایی یا هجایی را مصریان و سومریان هر یک جدا جدا اختراع کردند، ولی میان استعمال آن علامات با استعمال انحصاری آنها تفاوت فراوان است. این اختراع محتمل است که مجزی از یکدیگر از طرف مردم کرت و مردم فینیقیه یا همسایگان ایشان (در رأس شمره و یا سینا) صورت پذیرفته باشد. حروف هجائی کرتی را هنوز نمی‌توان ترجمه و تفسیر کرد و جانشین دیگری جز حروف هجایی قبرسی که به زمان متأخرتری می‌رسد از خود برجای نگذاشته است. ص ۱۱۴ و ۱۱۵

■ کلودشفر در حفریات رأس شمرا یک الفبای اوگاریتی پیدا کرده است که ممکن است قدیمتر از الفبای فینیقی بوده باشد، به هر حال باید دانست که این دو الفبا ارتباط نزدیک با یکدیگر دارند و ترتیب حروف الفبا در آنها مشابه با یکدیگر است. این ترتیب از ۳۰۰۰ سال پیش تاکنون تغییر ناپذیر مانده فقط در زمان چیچرو حرف «Z» به آخر الفبا انتقال یافته است. ص ۱۱۶

الفبای فنیقی

■ الف (گاونر) (آلفای یونانی)	■ لمد (سیخ)
■ بیت (خانه) (بتای یونانی)	■ میم (آب) (عربی: ماء)
■ گیمیل (شتر) (عربی: جمل)	■ نون (مار)
■ دلت (در) (دلتای یونانی)	■ سمچ (ماهی) (عربی: سمک)
■ هه (پنجره)	■ عین (چشم)
■ واو (چنگک)	■ په (دهان) (عربی: فم)
■ زین (سلاح)	■ صاده (درخت پاپیروس)
■ خت (دیوار) (عربی: حیط)	■ کوف (سوراخ سوزن)
■ طت (خوب)	■ رش (سر) (عربی: رأس)
■ یوت (دست) (عربی: ید)	■ شین (خورشید) (عربی: شمس)
■ کف (کف دست)	■ تو (علامت)

■ الفبای فنیقی ظاهراً نمادی از شکل ساده شده لغت متناظر است. حداقل در بعضی از آنها این موضوع بوضوح مشاهده می‌شود. بطور نمونه، حرف عین (چشم) به شکل چشم (O) است. برای ملاحظه این موضوع به پیوند ذیل مراجعه نمایید.

■ [الفبای فنیقی - ویکیپدیا](#)

■ به علاوه، در پیوند فوق تطابق الفبای فنیقی، آرامی، سریانی، عربی، عبری، یونانی و لاتین را ملاحظه نمایید.

■ توضیحات مربوط به هر یک از حروف و سیر تغییر شکل علامت آن از خط هیروگلیف مصری تا انگلیسی (شامل تصاویر آن) در دایره المعارف بریتانیکا آمده است. در ادامه، سه حرف اول الفبا آمده است. برای مشاهده تصاویر تغییر شکل حروف، پیوند ابتدای صفحات بعدی را کلیک کنید.

■ A | letter | Britannica

History of the letter A. Egyptian hieroglyphic writing (1) gave way to early Semitic writing (about 1500 BCE) on the Sinai Peninsula (2). About 1000 BCE, in Byblos and other Phoenician and Canaanite centres, the sign was given a linear form (3), the source of all later forms. In Semitic languages this sign was called aleph, meaning “ox.” The Greeks used the sign for the vowel a, changing its name to alpha. They used several forms of the sign, including the ancestor of the English capital A (4). The Romans incorporated this sign into Latin, and it is the source of the English form. The English small a first took shape in Greek handwriting in a form (5) similar to the present English capital letter. ...

- B | letter | Britannica

B probably started as a picture sign of a house, as in Egyptian hieroglyphic writing (1) and in a very early Semitic writing (2). In about 1000 BCE, in Byblos and in other Phoenician and Canaanite centres, the sign was given a linear form (3). In the Semitic languages the sign was called *beth*, meaning “house,” but the Greeks changed this name from *beth* to *beta*. Later, when the Greeks began writing from left to right instead of from right to left, they turned the letter around (4). The Romans adopted this form almost unchanged into Latin, and from Latin it came down into English. The present small *b* first took shape in later Roman times, ...

■ C | letter | Britannica

History of the letter C. The letter may have started as a picture depicting a throwing stick in Egyptian hieroglyphic writing (1) and very early Semitic writing (c. 1500 BCE) on the Sinai Peninsula (2). In about 1000 BCE, in Byblos and other Phoenician and Canaanite centers, the sign was given a linear form (3), the source of all later forms. In the Semitic languages the sign was called gimel or gaml, meaning “throwing stick.” The Greeks changed the Semitic name to gamma, and, after they began to write from left to right, they reversed the letter (4). As among the Semites, the sign gamma was used for the sound g. The Romans took this sign over into Latin, but they rounded it (5). Originally the sign was used for ...

■ حروف بیست و دوگانه فنیقی در زبان عربی (و شاید هم در عبری و سریانی) ظاهراً برای آسانی حفظ، به ۶ گروه تقسیم شده است: أَبْجَدُ، هَوَّزُ، حُطَى، كَلَمَنْ، سَعْفَصُ، قَرَشَتْ (در نحوه تلفظ هریک از گروه‌ها، بحث بسیار شده است). ترتیب این صامتها بی‌گمان از زمانهای دور همین بوده است، زیرا در برخی نگارشهای عبری کهن، بعضی از علائم، احتمالاً بر عدد دلالت داشته است و اگر به حرف، ارزش عددی می‌دادند، ناچار ترتیب را نیز باید مراعات می‌کردند. این الفبا از طریق زبانهای آرامی و عاقبت زبان و خط نَبَطی به عربی راه یافت، اما در دستگاه ابجدی فنیقی، بیش از ۲۲ صامت که در ۶ گروه جمع‌آوری شده‌اند، موجود نیست. از این رو بقیه صامتها را تا ۲۸ در گروه‌های تَخِذُ و ضَطِغُ به آن دستگاه افزودند و آنها را «روادف» خواندند.

■ اقوام غیرعربی که آن خط را به کار بردند و صامتهای خاص زبان خود را نیز به آن افزودند، در دستگاه ابجدی هیچ تغییری ندادند و گروه‌ها و ارزش عددی آنها را به همان صورت که از پیش مرسوم بود، به کار گرفتند یا حداکثر به صامتهای خود همان ارزشی را که شکل مشابه آنها در عربی داشت، دادند (مثلاً پ=ب).

■ در یونان باستان استفاده از حروف به جای اعداد رواج بسیار داشت و نخستین اثری که از آن دیده شده، در سکه‌هایی متعلق به ۱۳۵ ق. م بوده است. به همین جهت برخی از محققان روش عبریان را تقلیدی از روش یونانی دانسته‌اند. ارزش عددی این حروف بیست و دوگانه در عبری و عربی چنین است: ۱=ا، ۲=ب، ۳=ج، ۴=د، ۵=ه، ۶=و، ۷=ز، ۸=ح، ۹=ط، ۱۰=ی، ۲۰=ک، ۳۰=ل، ۴۰=م، ۵۰=ن، ۶۰=س، ۷۰=ع، ۸۰=ف، ۹۰=ص، ۱۰۰=ق، ۲۰۰=ر، ۳۰۰=ش، ۴۰۰=ت.

- Early alphabetic writing in the ancient Near East: the 'missing link' from Tel Lachish

F. Höflmayer , H. Misgav , L. Webster & K. Streit

Published online by Cambridge University Press

15 April 2021

■ جدیدترین مقاله منتشر شده در این خصوص را می‌توانید توسط پیوند فوق مطالعه نمایید. چکیده آن در صفحه آتی آمده است.

Abstract:

The origin of alphabetic script lies in second-millennium BC Bronze Age Levantine societies. A chronological gap, however, divides the earliest evidence from the Sinai and Egypt—dated to the nineteenth century BC—and from the thirteenth-century BC corpus in Palestine. Here, the authors report a newly discovered Late Bronze Age alphabetic inscription from Tel Lachish, Israel. Dating to the fifteenth century BC, this inscription is currently the oldest securely dated alphabetic inscription from the Southern Levant, and may therefore be regarded as the ‘missing link’. The proliferation of early alphabetic writing in the Southern Levant should be considered a product of Levantine-Egyptian interaction during the mid second millennium BC, rather than of later Egyptian domination.

زبان اکدی و آرامی

■ تا قرن دهم پ. م مشتی از پادشاهان کوچک آرامی بر شامات و شمال بین‌النهرین حکومت می‌کردند و زبان آرامی کم‌کم جای زبان اکدی را به عنوان زبان بین‌المللی خاورمیانه می‌گرفت.

[دایره‌المعارف مصور تاریخ جهان، آدام دیویس، ترجمه الهام شوشتری‌زاده، ۱۳۹۵]

■ در سده‌های هفتم و ششم پ. م زبان آرامی جای زبان اکدی را گرفت و به عنوان زبان بین‌المللی در منطقه‌ای که امروزه خاورمیانه نامیده می‌شود رواج یافت. آرامیان زبان خود را با خطی که از فنیقیان گرفته بودند، می‌نوشتند.

[محسن ابوالقاسمی، راهنمای زبانهای باستانی ایران، جلد اول، ویرایش دوم، ص ۱۲۷]

■ پس از سقوط بابل دیگر زبان اکدی چندان زمانی در گفتار باقی نماند و از قرن چهارم پیش از مسیح تا مقارن میلاد، تنها، زبان کتابت و دین بود. در این دوران جای زبان اکدی را، در گفتار و استعمال رسمی، زبان آرامی گرفت. جلد اول، ص ۱۴۷

تاریخ زبان فارسی، دکتر ناتل خانلری، نشر نو، ۱۳۶۵

■ آرامی از زبانهای سامی است و زبان قومی بوده است که احتمالاً در اصل در شمال عربستان می‌زیسته‌اند و در زمانی پیش از سده ۱۲ ق. م به تدریج به شام و بین‌النهرین و آسور و بابل راه یافتند. قدیمترین آثار مکتوب این زبان کتیبه‌های متعلق به سده ۹ و ۸ ق. م است. دبیران آرامی‌زبان در دستگاه‌های اداری دولت آسور به خدمت مشغول بودند و پس از تأسیس دولت هخامنشی به خدمت پادشاهان این سلسله در آمدند. آرامی در جهان باستان تا قرن‌ها به عنوان زبان میانجی در مکاتبات به کار می‌رفت. خطوطی که اغلب زبانهای ایرانی (پهلوی، پارسی، سغدی، خوارزمی) بدان نوشته شده، مقتبس از خط آرامی است.

■ زبان اکدی از زبانهای سامی است. زبان اکدی از هزاره سوم تا هزاره اول پ. م. در بین‌النهرین رایج بوده است. حدود ۲۰۰۰ پ. م. زبان اکدی جای زبان سومری را در سومر گرفت. در همین زمان زبان اکدی به دو گویش تقسیم شد:

□ ۱. گویش آسوری که در آسور، شمال بین‌النهرین رایج بود.

□ ۲. گویش بابلی که در بابل، جنوب بین‌النهرین رایج بود.

■ به تدریج زبان بابلی رواج بیشتری یافت و حدود سده نهم پ. م. جای آسوری را گرفت و در منطقه‌ای، که امروزه خاورمیانه نامیده می‌شود، زبان بین‌المللی شد. در سده‌های ۶ و ۷ پ. م. به تدریج زبان آرامی جای زبان بابلی را گرفت. زبان بابلی تا اوایل دوره مسیحیت رایج بود و از آن پس به کلی نابود شد. اکدی به الفبایی که از الفبای سومری اقتباس شده، نوشته می‌شده است.

■ لوحه‌های گلی تل‌العمارنه - یعنی لوحه‌های به خط میخی و لغت بابلی که در دره نیل بدست آمده - جزئیات روابط موجود میان مصر و ملتهای مغرب آسیا را در هزاره دوم آشکار ساخته است. از همین لوحه‌ها بر می‌آید که زبان بابلی در آن زمان عنوان زبان دیپلماسی بین‌المللی را داشته، و این از آن جهت نبوده است که بابلیان نیرومندترین مردم جهان بوده‌اند، بلکه سنن و رسوم مقتضی آن بوده است (همانگونه که زبان فرانسه هنوز زبان دیپلماسی بین‌المللی است، در صورتی که از مدتها پیش دیگر فرانسه آن رتبه اول جهانی را ندارد). ص ۶۳ (به تاریخ چاپ اثر توجه شود)

■ امپراتوریهای آشوری و پارس (هخامنشی) هم از زبان آرامی استفاده می‌کردند. دبیران امپراتوری پارس در مکاتبات خود با ملل دیگر از زبان آرامی استفاده می‌کردند. به نظر تا قبل از سقوط امپراتوری پارس، زبان واحدی به عنوان زبان علم در دنیا نبوده است.

■ خط و زبان آرامی اثر مهمی در تاریخ باقی گذاشت؛ زیرا چند کتاب از عهد عتیق به همین خط و زبان نوشته شد. [اثر ژان]

■ سریانی، عربی و عبری از شاخه‌های زبان آرامی هستند. تورات گوید که بنی‌اسرائیل در ۱۵۰۰ ق. م زبان عربی را بی‌ترجم می‌فهمیدند. [ایران باستان، حسن پیرنیا]

افشنگ پرهیزی راد،

دستور زبان آرامی کتاب مقدس،

پژوهشنامه کتیبه و زبان،

□ بخش اول، شماره ۱، دیماه ۱۳۹۶، صفحات ۶۱-۵۶،

□ بخش دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۶۱-۵۵،

□ بخش سوم، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان ۱۳۹۷،

□ بخش پنجم، شماره ۷ و ۸، پائیز و زمستان ۱۳۹۸،

پژوهشنامه کتیبه و زبان، فصلنامه تخصصی پژوهشکده زبان شناسی،
کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

- اصطلاح زبان آرامی و زبان سامی از ابداعات نسبتاً جدید پژوهشگران غربی برای دسته‌بندی زبانهاست. پیشینه آنهم مستقل از مناقشات مذهبی-نژادی و حتی سیاسی نبوده است.
- اینکه حضرت مسیح به چه زبانی سخن می‌گفت، پرسش و جدالی ۵۰۰ ساله است. لاتین، یونانی، عبری، آرامی یا سریانی؟
- مطابق تورات، آرام پسر سام و سام یکی از پسران نوح است. «این است پسران سام: عیلام، آشور، ارفکشاد، لود و آرام» (سفر پیدایش)
- واژه سامی (Semite) برای نخستین بار در دهه ۱۷۸۰ برای یک خانواده زبانی شامل سریانی، عربی و عبری بکار رفت.

■ ویرایش هفتم فرهنگ واژگان آکادمی فرانسه (۱۸۷۸):
زبان آرامی یکی از سه شاخهٔ زبانهای سامی است.

■ ویرایش نهم فرهنگ واژگان آکادمی فرانسه:
آرامی در قرن هجدهم میلادی از روی نام آرام برگرفته شد، نامی که
به پسر پنجم سام داده شده.

■ مطابق سفر پیدایش کتاب مقدس،

- سه پسر نوح که از کشتی خارج شدند، سام و حام و یافت بودند.
- همه ملل دنیا از سه پسر نوح بوجود آمدند.
- **کنعان** پسر حام پسر نوح است.
- نوح کنعان را لعنت کرد و گفت: کنعان ملعون باد. برادران خود را بنده بندگان باشد. **خداوند سام را برکت دهد و کنعان بنده او باشد.** خدا یافت را برکت دهد و او را شریک سعادت سام گرداند، و کنعان بنده او باشد.
- **آرام** فرزند قموئیل فرزند ناحور برادر ابراهیم است.

عیسی مسیح به چه زبانی صحبت می کرد؟

■ بنیامین نتانياهو، نخست وزير اسرائيل در مورد اينكه زبان اصلي عیسی مسیح چه بوده با پاپ فرانسیس رهبر کاتولیکهای جهان که اخیراً از آن کشور دیدار کرد، درگیر بحث شد.

■ نتانياهو به پاپ فرانسیس گفت: «عیسی در این شهر می زیست و به زبان عبری صحبت می کرد.»، پاپ فرانسیس در پاسخ به او تأکید کرد: «زبان او آرامی بود.» آقای نتانياهو با اصرار افزود: «او به زبان آرامی صحبت می کرد ولی عبری هم می دانست.»

بی بی سی فارسی، ۹ / ۳ / ۱۳۹۳

■ خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌نویسد در روستای «جیش»، واقع در تپه‌های جلیله، جایی که مسیح آنجا زندگی و موعظه کرد، کودکان دبستانی اکنون زبان آرامی فرا می‌گیرند. گویشی که در جیش و بیت جالا آموزش داده می‌شود «سریانی» است که زبان اجدادی مردم آنجاست. به گفته استیون فاسبرگ، کارشناس زبان آرامی در دانشگاه عبری اورشلیم، گویش سریانی شبیه به گویش جلیلی است که مسیح به آن تکلم می‌کرد: «این دو گروه احتمالاً زبان همدیگر را می‌فهمیدند.»

صدای آمریکا، ۱۱ / ۳ / ۱۳۹۱

- **South Semitic alphabet**, any of a group of minor scripts originating in the Arabian Peninsula in about 1000 BC, possibly related to the writing system used in the Sinaitic inscriptions. These scripts, most of which were used only in the Arabian Peninsula, are of note because of their great age and because of the lack of any clear link between them and the North Semitic alphabet, which dates from about 1100 BC and is **probably ancestral to all subsequent alphabetic scripts except the South Semitic group**.
- Of nine distinct scripts, only Safaitic, Sabaean, and Ethiopic occur outside the Arabian Peninsula; the Ethiopic alphabet, developed from Sabaean in Ethiopia, is the only one still in use.

الفبای عبری یا عبرانی

■ اَلِف، بَیت، گَمیل، دَالِت، هِ؛ واو، زَین، حِت، تِت، یُد، کاف، لَمِد، مِم، نون، سَمِخ، عَین، پِه، زادی، قُوف، رِش، شین، تاو

- See Hebrew alphabet at Britannica Encyclopædia:

<https://www.britannica.com/topic/Hebrew-alphabet>

■ جرجی زیدان می‌نویسد: «اشعار عبری در زمان سلیمان حکیم به منتها درجه ترقی رسید چون در زمان وی سلطنت یهود در کمال قدرت بود یهودیان امنیت و ثروت داشتند و آن دوره حقا دوره طلایی یهود می‌باشد.»

■ رنان اصل لغت عبری را ۵۰۰ ریشه و سکیت اصل تمام السنه اروپایی را ۴۰۰ ریشه می‌داند. [ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام]

■ آباء کلیسا، بی‌آنکه به بررسی‌های تطبیقی بپردازند، بر پیشی و تقدم زبان عبری بر دیگر زبانها تأکید کرده‌اند و تا سده ۱۴ میلادی، در غرب در این زمینه چیزی که اندر خور تذکار باشد وجود ندارد.

[روشهای پژوهش در تاریخ - شارل ساماران]

■ ریشه تفکر فوق، داستان بابل در تورات است. ۱ تحقیقات باستانشناسی نشان می‌دهد که قبل از تأسیس شهر بابل، زبانهای مختلفی وجود داشته است.

■ فیلم از نشنال جیوگرافی [The history of the Bible, animated](http://www.nationalgeographic.com/magazine/2018/12/history-of-the-bible-animated/)

www.nationalgeographic.com/magazine/2018/12/history-of-the-bible-animated/

■ **۱ برج بابل:** در آن روزگار همه مردم جهان به یک زبان سخن می‌گفتند. جمعیت دنیا رفته رفته زیاد می‌شد و مردم به طرف شرق کوچ می‌کردند. آنها سرانجام به دشتی وسیع و پهناور در بابل رسیدند و در آنجا سکنی گزیدند. مردمی که در آنجا می‌زیستند با هم مشورت کرده، گفتند: بیایید شهری بزرگ بنا کنیم و برجی بلند در آن بسازیم که سرش به آسمان برسد تا نامی برای خود پیدا کنیم. بنای این شهر و برج مانع پراکندگی ما خواهد شد. برای بنای شهر و برج آن خشتهای پخته تهیه نمودند. از این خشتهها بجای سنگ و از قیر بجای گچ استفاده کردند. اما هنگامی که خداوند به شهر و برجی که در حال بنا شدن بود نظر انداخت، گفت: زبان همه مردم یکی است و متحد شده، این کار را شروع کرده‌اند. اگر اکنون از کار آنها جلوگیری نکنیم، در آینده هر کاری بخواهند انجام خواهند داد. پس زبان آنها را تغییر خواهیم داد تا سخن یکدیگر را نفهمند. این اختلاف زبان موجب شد که آنها از بنای شهر دست بردارند؛ و به این ترتیب خداوند ایشان را روی زمین پراکنده ساخت. از این سبب آنجا را بابل (یعنی اختلاف) نامیدند، چون در آنجا بود که خداوند در زبان آنها اختلاف ایجاد کرد و ایشان را روی زمین پراکنده ساخت.

شبهات عبری با عربی

- اِل: خدا
- لُو: نه (عربی: لا)
- نِفِش: جان، روح، روان (نفس)
- بَییت: خانه
- اِمونا: ایمان، اعتقاد
- گَن: باغ (عربی: جنّه)
- شالوم^۱ (shalom): سلام
- پِلِد: پسر
- اَنی: من (انا)
- یِلدا: دختر
- اَتا: تو
- تَلمید: دانش آموز (مذکر)
- اَت: تو
- تَلمیدا: دانش آموز (مؤنث)
- بَرِخا: حوض، استخر
- هُو (hu): او
- زِییت: زیتون
- هِی (hi): او
- مَنور: چراغ، شمعدان
- اَنخنو (anahnu): ما (نحن)

- أَحْرُون: آخر
- مَدْرِگَا: درجه، پله (مدرج)
- حُخْمَا: حکمت،
- میقداش: معبد مقدس
- هَزْکَارَا: یادآوری، اخطار
- زیکارون: یادبود، خاطره
- زُوهر: نور، درخشندگی
- مِفْتِئِح: فهرست، کلید
- موراشا: میراث
- مِطْهَر: پاک می کند
- پَاتِح: باز می کند (فتح)
- حِرْوَت: آزادی
- قِلَاف: پوست، ورق
- لِ: برای
- بَین: میان
- کُل: همه، هر
- یُوم: روز
- زَمَن: زمان
- یام: دریا (عربی: یم)
- أَح: برادر
- بَت: دختر
- بِن: پسر

- ام: مادر
- آو: پدر
- پلنی: فلانی
- رگل: پا (عربی: رجل)
- حی: زنده، خام
- سمول: چپ (عربی: شمال)
- یامین: راست (عربی: یمین)
- مرکاری: مرکزی
- تامیم: کامل، بی عیب
- پراخا: برکت، تبریک
- مدینا: کشور، ایالت (عربی: مدینه)
- زه: این (مذکر)
- زوت: این (مؤنث)
- بعضی اعداد:
- احاد، احات: یک
- شلوشا، شالوش: سه
- ارباعا، اربع: چهار
- حمیشا، حامش: پنج
- شیشا، شش: شش
- تیشعا، تشع: نه
- عسارا، عسیر: ده

■ عاَوْرَ: عبور کرد.

■ لَيْلًا: شب

■ ماقوم: مکان

■ مَرَاه: آینه

■ كِفَار: دهکده

■ عَوْدًا: کار، بندگی، عبادت

■ دِرَاش: تفسیر آزاد، موعظه آمیز

■ میدراش: تفسیر آزاد، پژوهش

■ كُوْتُو: می نویسد (مذکر)

■ قُوْرِه: می خواند (مذکر)

■ قُوْرَت: می خواند (مؤنث)

چند لغت عبری:

■ سِفِر: کتاب

■ عزر: کمک، اعانات

■ عیر: شهر

■ هیلولا: جشن، شادمانی

■ پیش: هست، وجود دارد

■ سِفیرا: شمارش

■ پارح: پرید، غنچه داد

■ اَشْرِخا: خوشا به حال تو

در پیوست پ، نفوذ زبان عبری در اسامی
غربی را ملاحظه نمایید.

زبان یونانی

■ یونانیها حروف الفبای فنیقی را گرفتند و حروفی که در سیستم تکلم آنها کاربرد نداشت، با همان شکل فنیقیایی تبدیل به حروف صدادار کردند و بدین سبب، غربیها اختراع **الفبای حقیقی** را به یونانیها نسبت دادند.

■ علت اطلاق الفبای حقیقی به زبان یونانی (یا لاتین) این است که حروف صدادار هم دارد که این موضوع تلفظ لغات را آسان می کند.

آسیاییها **یونان** را به خاطر سرزمین ایونیه Ionia (بخشی از کرانه غربی آسیای صغیر) و مردم آن (ایونیها)، یونان نامیدند. یونانیها خودشان به یونان، **هیلن** می گویند.

رومیها یونان را بخاطر طایفه‌ای از یونانیها (Graecians) که منسوب به گرک یا شهر Graia است، Graecia نامیدند. منشأ لغت انگلیسی **Greece** از همین لغت لاتین است.

- حروف الفبای فنیقی، عربی و فارسی را الفبای ابجدی می‌گویند و حروف الفبای یونانی و لاتین را الفبای حقیقی (True Alphabet)،
- در الفبای فارسی-عربی دو حرف «و» و «ی» دو کاربرد صدادار و بدون صدا دارد: دود، وام، بیست، یاور.
- بدلیل فوق در بعضی منابع، به الفبای فارسی و عربی Non-Pure Abjads هم می‌گویند.
- در خط یونانی نیز از نشانه‌گذاری استفاده می‌شود. توضیحات عبارت Greek diacritics را در ویکیپدیای انگلیسی ملاحظه نمایید. نشانه گذاری در نوشتار یونانی از دوره هلیستی آغاز شد.

■ اصطلاح الفبا نیز ظاهراً از ابداعات یونانیان است. بسیاری از کتب غربی تا همین جا در ریشه‌یابی اصطلاح الفبا اکتفا می‌کنند. یعنی می‌گویند alphabet از کلمه لاتین alphabetum است و آن هم از زبان یونانی گرفته شده است (آلفا + بتا).

■ یونانیها که الفبای فنیقی را گرفتند، تلفظ دو حرف اول آن (الف + بیت، آلفا + بتا) را کنار هم گذاشتند و واژه الفبا را ابداع کردند. مثل اینکه حروف الفبای انگلیسی را ای‌بی‌سی بنامیم که البته کاربرد هم دارد، به کودکانمان می‌گوییم، ای‌بی‌سی‌دی بلدی؟ و نمی‌گوییم که حروف الفبای انگلیسی بلدی یا نه!

A very brief history of the Greek language

- Greek is one of the oldest Indo-European languages and is usually divided into Ancient Greek (often thought of as a dead language) and Modern Greek.
- Modern Greek is derived from *Koine*, a common dialect of Ancient Greek that was understood throughout the Greek-speaking world at that time. In the 19th century, Modern Greek became the official language of the Kingdom of Greece.
- According to Peter T. Daniels, the Ancient Greeks were the first to use a 'true' alphabet, that is, one representing both vowels and consonants. Indeed, the word 'alphabet' is formed of the first two letters of the Greek alphabet, 'alpha' and 'beta'.

- تعدادی از کلمات فینیقی (یا لاقل سامی) وارد متن زبان یونانی شده که عدد آنها کم نیست. ص ۱۱۷

الفبای یونانی باستان و کلاسیک

- مقدمه و الفبای زبان یونانی - آپارات
- آواهای مصوت زبان یونانی - آپارات
- مصوت‌های مرکب (دیفتونگ) - آپارات
- مصوت‌های مرکب زبان یونانی - آپارات
- ادامه مصوت‌ها - آپارات
- الفبای یونانی باستان - آپارات

Linear A and Linear B | script | Britannica

- Linear A and Linear B, linear forms of writing used by certain Aegean civilizations during the 2nd millennium BC.
- Linear A is attested in Crete and on some Aegean islands from approximately 1850 BC to 1400 BC. Its relation to the so-called hieroglyphic Minoan script is uncertain. It is a syllabic script written from left to right. The approximate phonetic values of most syllabic signs used in Linear A are known from Linear B, but the language written in Linear A remains unknown. It must have been a pre-Hellenic language of Minoan Crete. Its eventual relation with the Eteocretan language of the 1st millennium BC is also unknown.

-
- Linear B is an adapted form of Linear A, which was borrowed from the Minoans by the Mycenaean Greeks, probably about 1600 BC. Its language is the Mycenaean Greek dialect. Linear B script is attested on clay tablets and on some vases, both dating from about 1400 BC to roughly 1200 BC.

-
- The race to decode a mysterious language TED-Ed
 - In the early 1900s, archaeologist Sir Arthur Evans uncovered nearly 3,000 tablets inscribed with strange symbols. He thought the script, dubbed Linear B, represented the Minoan language, while others came up with their own theories. Was it the lost language of the Etruscans? Or an early form of Basque? Its meaning would elude scholars for 50 years. Susan Lupack explores the mysterious inscriptions.

ادامه تاریخچه سیر زبان بین‌المللی علم:

- پس از سقوط امپراتوری هخامنشی توسط اسکندر مقدونی، زبان یونانی به زبان بین‌المللی تبدیل شد.
- یونانی زبان نوشتاری رسمی و برتر امپراتوری سلوکی بود، ولی آرامی همچنان در استانها و امیرنشینها مانند ارمنستان و سغد و خوارزم یا پارس در رواج بود. [ریچارد فرای]
- سکه‌های محلی در پارس [در زمان سلوکیان] با سجع آرامی ضرب شده‌اند که با سکه‌های رایج [سلوکی] این دوران که بر آنها یونانی نگاشته شده بود، همانندی ندارند. [ریچارد فرای]
- پوکستاس ساتراپ پارس در میان مقدونیان به سبب پذیرش آداب و آئینهای پارسی و فراگرفتن زبان آنجا بدنام شد. [آریان]

- در زمان سلوکیان، فرهنگ یونانی کمابیش در انحصار مهاجران و بازماندگان بود.
- باختر بی‌گمان مرکز مهاجرنشین یونانی بود در مشرق. زیرا سغد و خوارزم نشان از نفوذ کمتری از تمدن هلنیستی می‌دهند و نیز اندکی بعد اینان حروف آرامی را جایگزین حروف یونانی ساختند.
- در زمان سلوکیان یونانی زبان و خط رسمی بود. همراه با آن از آرامی هم برای نوشتار بویژه در بخشهای دور مانده از «راه اصلی بین‌النهرین به باختر (باکتریا)» بهره می‌گرفتند. بدینگونه در پارت و پارس و آذربایجان و آسیای میانه و کرانه‌های دریای خزر، [خط] آرامی همچنان رایج بود و یونانی در این بخشها گاهی اندکی نفوذ می‌کرد یا هیچ رخنه‌ای نداشت.

زبان سریانی

- پس از ظهور مسیح و تعطیلی آکادمی در آتن به دستور امپراتور روم شرقی، **زبان علم از یونانی به سریانی** (در سوریه باستان) منتقل می‌شود.
- به قول جرجی زیدان، دو زبان سریانی و عربی مانند دو خواهر با هم شبیه هستند.
- بعضی پژوهشگران واژه سریانی را منسوب به سورستان می‌دانند.
- شیوه نگارش و تلفظ الفبای آرامی سریانی - آپارات

■ از کناره‌های دریای روم تا کوهستانهای ایران، سریانی یگانه زبان مهم ادبی پیروان مسیح بود. مسیحیان ایران در شاهنشاهی ساسانی این زبان را به کار می‌بردند و گذشته از نوشته‌های مذهبی، بسیاری از کتابهای علمی و فلسفی را از زبان یونانی به سریانی ترجمه کرده بودند. اینکه بعضی از مورخان اسلامی مانند حمزه اصفهانی و ابن‌الدیم زبان سریانی را یکی از پنج زبان متداول در شاهنشاهی ساسانی شمرده‌اند از اینجا سرچشمه گرفته است. جلد ۱، ص ۱۵۱ و ۱۵۲

تاریخ زبان فارسی، دکتر ناتل خانلری، نشر نو، ۱۳۶۵

-
- Syriac reached its height just prior to the Arab conquest in the 7th century, after which it gradually declined until it was completely superseded by Arabic in the 14th century.
 - Syriac was the language of an extensive literature, including translations of the Bible, hymns and poems, translations of Greek works, biblical commentaries, historical works, laws, compilations of lives of saints, and works about philosophy, grammar, medicine, and science.

-
- Most Greek works were translated from Syriac into Arabic rather than directly from Greek. For instance, to take the works of Galen alone, 130 were translated into Arabic from Syriac but only 9 directly from Greek originals. It was through the medium of Syriac that many works of Greek learning exerted their influence on the Islamic world.

■ خط عربی نیز با واسطه نبطیان از خط آرامی به وجود آمده است. نبطیان قومی از نژاد عرب بودند که در نبطیه زندگی می‌کردند. از حدود ۱۵۰ پ. م گونه‌ای از خط و زبان آرامی در میان ایشان رایج بود، از این خط، خطی به نام «سینایی نو» به وجود آمد که از سده اول پ. م تا سده چهارم میلادی در شبه جزیره سینا رواج داشت. خط کوفی (در کوفه و حیره) و نسخ (در مکه و مدینه) از این خط اقتباس شده‌اند. گونه‌ای از این خط نسخ برای نوشتن آثار زبان خوارزمی که یکی از زبانهای ایران شرقی است به کار رفته است. ایرانیان نیز در سده‌های نخستین پس از اسلام با افزودن حروف فارسی به الفبای عربی خط فارسی را بر مبنای نسخ پایه‌گذاری کردند و سپس خط نستعلیق و خط شکسته و دیگر خطوط ایرانی ابداع شد. [ژاله آموزگار]

■ اصل نامهٔ پیامبر (ص) به خسرو پرویز

□ در سال ۱۹۶۳ «استاد صلاح‌الدین منجد»، دانشمند و کارشناس آثار مخطوط باستانی، از کشف اصل نامه که در مجموعهٔ وثائق آقای «هنری فرعون» لبنانی موجود است خبر داد و تصویر آن را در روزنامه «الحیاه» بیروتی (مه ۱۹۶۳) منتشر ساخت. نامه بر قطعهٔ چرم نوشته شده است. نوشتهٔ مزبور شامل چند قطعهٔ بریده است که به یکدیگر دوخته‌اند.

■ اصل نامهٔ پیامبر (ص) به منذر بن ساوی، فرماندار بحرین از جانب کسری

□ اصل نامه در دمشق کشف و در سال ۱۸۶۹ در مجلهٔ مستشرقین آلمانی ZDMC و در سال ۱۹۱۷ در مجله اسلامی *Islamic Review* در انگلستان و در سال ۱۹۳۹ در «مجله عثمانی» منتشر شد و اصالت آن را دانشمندان تأیید نموده‌اند.

■ استاد فریدون جنیدی معتقد است، خط کنونی فارسی از پهلوی گرفته شده و یکی از بهترین خطها برای دانش است. وی نظر متفاوتی در خصوص ریشهٔ خط کنونی فارسی دارد:

«ما این خط را از خط عربی نگرفته‌ایم، بلکه از خط اوستایی گرفته‌ایم. زبان عربی خط نداشته و با خطهایی چون سریانی نوشته می‌شده است. ما از روی حساسیتهای نابجا، حقایق تاریخی را از نظر دور می‌داریم. اگر خط پهلوی را بشناسید، می‌بینید که واژه‌های خط کنونی فارسی از پهلوی گرفته شده است. عربها هم خطشان را از فارسی گرفته‌اند و واژه‌هایی چون «ع» و «ظ» و «ط» را هم که مال خودشان بوده، دبیرهای ایرانی برای آنها ایجاد کرده‌اند.»

ایسنا ۱۳۹۱ / ۱۱ / ۱۲

بورت (برد)	پیل	ریلا
یَزَت - ایزد	جام	بسا
شرم	بار	سلا
پس	بغ	ک

ویر kē کی همانست که امروز «که» می‌خوانیم

ابن ندیم و خطوط قدیم / دکتر پرویز اذکائی

باید بگوییم که در عصر حاضر پنج گزارش بر این روایت (دبیره‌های ایرانی) ابن ندیم نوشته آمده است:

- ۱. گزارش شادروان ملک الشعراء بهار (سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۷۷-۷۹)،
- ۲. گزارش شادروان ذبیح بهروز (ایران کوده، ش ۲، ص ۲۲-۲۴)،
- ۳. گزارش شادروان دکتر محمدجواد مشکور (مجله سخن، سال ۱۹، ش ۳، ص ۲۹۹-۳۰۸)،
- ۴. گزارش دکتر علی‌اشرف صادقی (مجله سخن، سال ۱۹، ش ۱۰)
- و پنجم، گزارش اینجانب در کتاب **فهرست ما قبل الفهرست** (جلد اول، ۱۳۷۵) تحت عنوان <هفت دبیره> (ص ۱۸-۲۶) که بی‌گزارف جامع و کامل‌ترین گزارش‌شهاست و مزیدی بر آن نتوان کرد.

در اینجا حروف کوفی دو کتیبه لاجیم و
 ابرقورا که در کتاب آثار امیران چاپ شده زینت نظامیه
 قرار میدیم - دو کتیبه مذکور که در اوائل قرن پنجم هجری
 نوشته شده از معتبرترین اسناد قدیمی شیوه خط کوفی
 بشمار میآید -

مقایسه حروف کوفی با اوستا (از روی کتیبه لاجیم)

اوستا	کوفی	اوستا	کوفی
۱	۶	۵	۳
۲	۷	۶	۴
۳	۸	۷	۵
۴	۹	۸	۶
۵	۱۰	۹	۷
۶	۱۱	۱۰	۸
۷	۱۲	۱۱	۹
۸	۱۳	۱۲	۱۰
۹	۱۴	۱۳	۱۱
۱۰	۱۵	۱۴	۱۲
۱۱	۱۶	۱۵	۱۳
۱۲	۱۷	۱۶	۱۴
۱۳	۱۸	۱۷	۱۵
۱۴	۱۹	۱۸	۱۶
۱۵	۲۰	۱۹	۱۷
۱۶	۲۱	۲۰	۱۸
۱۷	۲۲	۲۱	۱۹
۱۸	۲۳	۲۲	۲۰
۱۹	۲۴	۲۳	۲۱
۲۰	۲۵	۲۴	۲۲
۲۱	۲۶	۲۵	۲۳
۲۲	۲۷	۲۶	۲۴
۲۳	۲۸	۲۷	۲۵
۲۴	۲۹	۲۸	۲۶
۲۵	۳۰	۲۹	۲۷
۲۶	۳۱	۳۰	۲۸
۲۷	۳۲	۳۱	۲۹
۲۸	۳۳	۳۲	۳۰
۲۹	۳۴	۳۳	۳۱
۳۰	۳۵	۳۴	۳۲
۳۱	۳۶	۳۵	۳۳
۳۲	۳۷	۳۶	۳۴
۳۳	۳۸	۳۷	۳۵
۳۴	۳۹	۳۸	۳۶
۳۵	۴۰	۳۹	۳۷
۳۶	۴۱	۴۰	۳۸
۳۷	۴۲	۴۱	۳۹
۳۸	۴۳	۴۲	۴۰
۳۹	۴۴	۴۳	۴۱
۴۰	۴۵	۴۴	۴۲
۴۱	۴۶	۴۵	۴۳
۴۲	۴۷	۴۶	۴۴
۴۳	۴۸	۴۷	۴۵
۴۴	۴۹	۴۸	۴۶
۴۵	۵۰	۴۹	۴۷
۴۶	۵۱	۵۰	۴۸
۴۷	۵۲	۵۱	۴۹
۴۸	۵۳	۵۲	۵۰
۴۹	۵۴	۵۳	۵۱
۵۰	۵۵	۵۴	۵۲
۵۱	۵۶	۵۵	۵۳
۵۲	۵۷	۵۶	۵۴
۵۳	۵۸	۵۷	۵۵
۵۴	۵۹	۵۸	۵۶
۵۵	۶۰	۵۹	۵۷
۵۶	۶۱	۶۰	۵۸
۵۷	۶۲	۶۱	۵۹
۵۸	۶۳	۶۲	۶۰
۵۹	۶۴	۶۳	۶۱
۶۰	۶۵	۶۴	۶۲
۶۱	۶۶	۶۵	۶۳
۶۲	۶۷	۶۶	۶۴
۶۳	۶۸	۶۷	۶۵
۶۴	۶۹	۶۸	۶۶
۶۵	۷۰	۶۹	۶۷
۶۶	۷۱	۷۰	۶۸
۶۷	۷۲	۷۱	۶۹
۶۸	۷۳	۷۲	۷۰
۶۹	۷۴	۷۳	۷۱
۷۰	۷۵	۷۴	۷۲
۷۱	۷۶	۷۵	۷۳
۷۲	۷۷	۷۶	۷۴
۷۳	۷۸	۷۷	۷۵
۷۴	۷۹	۷۸	۷۶
۷۵	۸۰	۷۹	۷۷
۷۶	۸۱	۸۰	۷۸
۷۷	۸۲	۸۱	۷۹
۷۸	۸۳	۸۲	۸۰
۷۹	۸۴	۸۳	۸۱
۸۰	۸۵	۸۴	۸۲
۸۱	۸۶	۸۵	۸۳
۸۲	۸۷	۸۶	۸۴
۸۳	۸۸	۸۷	۸۵
۸۴	۸۹	۸۸	۸۶
۸۵	۹۰	۸۹	۸۷
۸۶	۹۱	۹۰	۸۸
۸۷	۹۲	۹۱	۸۹
۸۸	۹۳	۹۲	۹۰
۸۹	۹۴	۹۳	۹۱
۹۰	۹۵	۹۴	۹۲
۹۱	۹۶	۹۵	۹۳
۹۲	۹۷	۹۶	۹۴
۹۳	۹۸	۹۷	۹۵
۹۴	۹۹	۹۸	۹۶
۹۵	۱۰۰	۹۹	۹۷

ذبیح بهروز، «دبیره»، انتشارات فروهر، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۶۳، صفحات ۴۶ و ۴۷.

- در خصوص ذکر ریشه‌های خط و زبان در این مجموعه، از فرضیات و نظرات غالب در منابع مرتبط استفاده شده است، که عمدتاً مبتنی بر نظرات شرقشناسان غربی است. در این خصوص، نظرات متفاوتی نیز وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره شده است. همچنین در این نوشتار، بعضی از ابهامات بطور مستقیم و غیرمستقیم اشاره شده است.
- باید توجه داشت که نظراتی که هم اکنون در جامعه علمی غالب است، ممکن است در آینده، تغییر کند و یا کلاً باطل شود؛ همانطور که در طی یکی دو قرن اخیر بسیاری از فرضیات و نظریات تغییر یافته است.
- یافته‌ها و کشفیات جدید باستانشناسی بویژه کتیبه‌ها و نسخ خطی در این خصوص تعیین کننده است.

ادامه تاریخچه سیر زبان بین‌المللی علم

- «باید بخاطر آوریم که قرن سوم هجری، دوران خلاقیت‌های بزرگ و چشمگیر بود. تا اواخر قرن سوم هجری در زمینه الهیات، لغت‌شناسی، علوم هیچ موضوعی وارد شریان تمدن اسلامی نمی‌شد، مگر آنکه به زبان عربی تدوین و تنظیم می‌یافت، گرچه زبان سریانی نیز در جندی شاپور و بعد هم در دوران عباسی به حیات خود ادامه داد و تا اواخر قرن چهارم هجری به عنوان زبان مادری بسیاری از محققان که در بغداد آوازه‌ای به هم زده بودند، باقی ماند.» [تاریخ ایران کمبریج، ترجمه تیمور قادری]
- سه قرن بعد از پیامبر [ص] شهر قرطبه یک میلیون جمعیت، ۸۰ مدرسه عمومی و کتابخانه‌ای شامل ۶۰۰ هزار جلد کتاب داشت و زبان عربی زبان علمی جهان شده بود. [پی‌یر روسو]

■ ابن ندیم گوید که خالد بن یزید بن معاویه اول کسی است که امر کرد کتابهای طب و نجوم و کیمیا را برایش ترجمه نمایند و این اولین مرتبه بود که در اسلام از زبانی به زبان عربی ترجمه گردید و پس از آن دیوان به دستور حجاج بن یوسف از فارسی به عربی برگردانده شد.

■ ابن ندیم گوید وی خطیب و شاعر و فصیح و با تصمیم و صاحب رأی بود و گفته که ۵۰۰ ورق از اشعار او را خود دیده است. از کتابهای او نیز چهار کتاب (با ذکر عناوین) نام می برد که خود آنها را دیده است.

■ در آخر سده اول هجری ناحیه سند به تصرف مسلمانان درآمد. از نیمه دوم سده دوم هجری در زمان عباسیان به تشویق برمکیان، دانشمندان سندی پیشگام در کار ترجمه آثار علمی سنسکریت به زبان عربی شدند. ابن‌الندیم در الفهرست به این آثار اشاره کرده و این ترجمه‌ها در بغداد و دمشق و حتی در قرطبه واقع شده در اسپانیا مورد مراجعه بوده است. امروز هیچ یک از این ترجمه‌ها در دست نیست.

■ در طول این مدت کلمات زیادی وارد زبان عربی شده - برخی بار دیگر از بین رفته و بعض دیگر در زبان مزبور تحلیل یافته است، معذک علمای علم زبان‌شناسی معتقدند لغاتی که در زبان عرب دیده می‌شود که نظیر آنها در سایر ملل سامی از عبری و سریانی و حبشی دیده نمی‌شود بی‌شک از لغات آریائی است که از هندی یا فارسی یا یونان یا روم در زبان آنان داخل شده است و نیز گویند هر لغتی که مفهوم آن در جزیره‌العرب نیست از لغات دخیل است و آنچه تحقیقاً می‌توان آنرا دخیل دانست لغات و اسماء عقاقیر یا ابزارها یا مصنوعات یا معادن یا گلها یا حیوانات غیر موجود در الجزیره و امثال آن از لغات فلسفی و علمی و ادبی و دینی است که از همسایگان عرب داخل آن زبان شده است. ص ۲۵۵

■ ابوریحان می‌نویسد: و کلمهٔ آن به معنی کوچکترین اقسام زمان از لغات بسیار قدیم هند و ایران است و ظاهراً کلمهٔ (آن) عربی از همین لفظ گرفته شده است. ۱

■ در تبدیل لغات از پارسی و سایر به عربی، بطور معمول بجای «چ» از حرف «ص» استفاده کرده‌اند، نظیر: صای (چای)، صین (چین)، جَصّ (گچ)، صک (چک)، صلیب (چلیپا)،

■ انعطاف‌پذیری تحسین برانگیز زبان عربی این امکان را فراهم آورد تا یک مجموعهٔ واژگان فلسفی-علمی دقیق برای این آثار ساخته شود. این مجموعه می‌توانست پیچیده‌ترین عبارات و اصطلاحات علمی و فنی را بیان کند. [تاریخ اسلام کمبریج، جلد دوم، تیمور قادری]

■ عرب از یونان و سایر ملل جز کتب علمی و فنی چیزی نقل نکرد و از ایرانیان سوای کتب علمی کتبی از جنس افسانه و تاریخ و داستان و فرهنگ نیز نقل نمود. [سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار، جلد اول، ص ۱۵۵]

■ پس از گسترش اسلام، زبان عربی نزدیک به ۸ قرن زبان علم دنیا بود.

■ در تقسیم‌بندی بعد از درجه و ثانیه که ثالثه، رابعه، خوامس و سوادس و ... است، مصطلح انگلیسی وجود ندارد.^۱

۱ و منجّمان این یکی را که درجه است اندر صناعت خویش بشست پاره کردند باریکتر از درجه‌ها و آنرا دقیقه نام کردند. و همچنان عادت مردمان بر این رفت تا درم را بشست پیشیز کردند و گریپ‌ها را بشست عشیر. و آنگاه هر دقیقه را بشست ثانیه کردند، یعنی دوم بار. و ثانیه را بشست **ثالثه**. و ثالثه را بشست **رابعه**. و براین قیاس آنچ از پس است از **خوامس** و **سوادس** و **سَوابع** و **ثَوامن** و **تَواسع** و **عَواشر**. [التفهیم، باب دوم - در شمار تألیف ابوریحان بیرونی]

- ... زبان عربی ... نزدیک بود از میان برود اگر مسلمانان به کتاب و سنت که حفظ دین به آنهاست عنایت نمی کردند.
- ... و چون تاتار و مغول از کیش اسلام پیروی نمی کردند در مشرق به فرمانروایی رسیدند این مرجح از میان رفت و زبان عربی بر اطلاق تباه شد.
- لیکن در ممالک عراق و ماوراءالنهر هیچگونه اثر و نشانه‌ای از آن باقی نیست و حتی کتب علوم را به زبانهای غیر عربی می نویسند و همچنین آنها را در محافل درس به زبان عربی تدریس نمی کنند.

■ «باید دانست که سند علم در این روزگار نزدیک است از میان مردم مغرب [شمال غربی افریقا] برافتد و منقطع شود از اینرو که به عمران آن سرزمین خرابی راه یافته و دولتهای آن کوچک و ضعیف شده‌اند.»

■ «... همچنین اخباری بما رسید که در این روزگار بازار علوم فلسفی در سرزمین رم از ممالک فرنگ و دیگر نواحی شمالی رونقی بسزا دارد و بقایای آن علوم در آنجا از نو رواج یافته و دم به دم رو به ترقی و تجدید می‌رود. محافل آموزش آن علوم متعدد و کتب آنها جامع و دانندگان آنها فراوانند و طالبان بسیاری در جستجوی فرا گرفتن آنها هستند و خدا به آنچه در آن سرزمین می‌گذرد داناتر است.»

■ «[در اروپا] در سده ۱۱ و ۱۲ میلادی همت ارباب کمال بیشتر مصروف ترجمه بود و چون آن زمان زبانهای اروپایی هنوز برای ادای مطالب علمی و فلسفی پخته و ورزیده نشده بود، ترجمه‌ها را به زبان لاتین می‌کردند و نوشته‌های علمی خود را نیز به آن زبان در می‌آوردند و از این رو در آن روزگار اهل فضل و ادب چاره جز فراگرفتن زبان لاتین نداشتند. لیکن کسانی که می‌خواستند در علم و فلسفه تبحر کامل حاصل نمایند، زبان عرب نیز تحصیل می‌کردند که به سرچشمه معرفت دسترسی داشته باشند.»

[نقل از کتاب سیر حکمت در اروپا]

زبان لاتین و زبانهای اروپایی

■ زبان لاتینی در آغاز گویش خاص شهر رم بوده و به این سبب آن را «زبان شهری» می خوانده اند در مقابل گویشهای دیگر که «زبان روستائی» خوانده می شده است. سپس این زبان سراسر کشور را فرا گرفته و همه گویشهای دیگر را از میان برده و سرانجام سرزمین گل (فرانسه امروزی) و اسپانیا و شمال افریقا را نیز تسخیر کرده است. این زبان تا مدتها پس از آنکه در گفتار از رواج افتاده بود زبان علمی و ادبی سراسر اروپا بوده و اکنون نیز زبان رسمی مذهب کاتولیک است.

تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، نشر نو، ۱۳۶۵ ج ۱، ص ۱۲۹

■ به تدریج زبان لاتین که زبان رسمی امپراتوری روم و کلیسای کاتولیک بود و کتب دینی مسیحیت از آرامی به این زبان ترجمه شده بود، جای زبان عربی را به عنوان زبان علم دنیا گرفت.

■ «[در غرب]... اقدام به ترجمه و چاپ کتابهای عربی تا سده ۱۴ و ۱۵ میلادی نیز جریان داشت.» [انقل از کتاب سیر حکمت در اروپا]

■ «از سده شانزدهم به بعد، نویسندگان در هر کشور آغاز کردند به اینکه به زبان ملی خود تألیف کنند و کم کم زبان لاتین که تا آن زمان تنها وسیله اظهار معلومات [در غرب] بود متروک و منسوخ گردید.» [همان]

■ متجاوز از هزار سال مهارت خواندن و نوشتن عملاً در انحصار راهبان بود.
[اثر ژان، تاریخچه مصور الفبا و خط، ترجمه اکبر تبریزی، ص ۷۰]

■ ابن خلدون می‌نویسد: ... و علت توجه به زبان لاتین این بود که چون رومیان به کیش مسیحی گرویدند و زبان آنان لاتین بود و ... تعالیم آئین مسیح یکسره از تورات بود از این رو کتاب مزبور و دیگر کتب پیامبران بنی اسرائیل را به زبان خویش ترجمه کردند تا احکام دینی را به آسانترین روشها از آن اقتباس کنند و در نتیجه توجه به زبان و خط خودشان از دیگر زبانها و خطوط بیشتر و استوارتر گردید.

[مقدمه ابن خلدون، جلد دوم]

■ در سدهٔ سیزدهم میلادی ترجمهٔ کتابهای ابن سینا و ابن رشد به زبان لاتین میان اروپائیان شایع و موضوع بحث و تحقیق گردیده و گفتگوی مباحث حکمت طبیعی نیز به میدان آمد، ارسطو از افلاطون پیش افتاد و با آنکه در آغاز امر مردود اولیای دین بود کم کم استاد مطلق شد و گفته‌های او در هر باب حجت گردید و لیکن معرفت اروپائیان نسبت به ارسطو از راه اسپانیا و بوسیلهٔ حکمای اسلامی و یهودی مخصوصاً ابن سینا و ابن رشد بود و هنوز به نوشته‌های ارسطو مستقیماً دسترسی نیافته بودند.

[سیر حکمت در اروپا]

■ بیشتر ناشران اروپایی پس از سال ۱۵۵۰ زبان لاتین را کنار گذاشتند و ترجیح دادند که متون کلاسیک یونانی و لاتین را به زبانهای ملی خودشان چاپ و منتشر کنند.»

[اثر ژان، تاریخچه الفبا و خط، ترجمه اکبر تبریزی]

■ در سال ۱۵۲۲ میلادی لوتر برای نخستین بار کتاب انجیل را برای استفاده عموم به آلمانی برگرداند. اکثر مردم آلمانی زبان چون زبان لاتینی نمی‌دانند قادر به خواندن و درک آن نیستند و از سویی با اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ، تکثیر و انتشار به سهولت انجام می‌شود.

[دانشنامه تاریخ جهان، جروم برن، ترجمه دکتر محمود زنجانی]

■ در سال ۱۵۲۶ انجیل به انگلیسی ترجمه شد... کشیشان بومی تنها زبان مادری خود را بلد بودند ... و اغلب آموزش آنها گمراه کننده بود. [همان]

■ علاقهٔ روشنفکران به ترجمهٔ انجیل به زبان محلی و صنعت چاپ در گسترش زبانهای محلی بسیار مؤثر بود.

■ با افول زبان لاتین، زبان فرانسه به تدریج زبان علمی غالب در دنیا شد. اما بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت زبان انگلیسی جایگزین زبان فرانسه به عنوان زبان بین‌المللی علم شد.

-
- Latin alphabet | Definition, Description, History, & Facts
 - The Classical Latin alphabet consisted of 23 letters, 21 of which were derived from the Etruscan alphabet. In medieval times the letter *I* was differentiated into *I* and *J* and *V* into *U*, *V*, and *W*, producing an alphabet equivalent to that of modern English with 26 letters. Some European languages currently using the Latin alphabet do not use the letters *K* and *W*, and some add extra letters (usually standard Latin letters with diacritical marks added or sometimes pairs of letters read as one sound).

-
- Latin is an academic subject easy enough for the least intelligent of us to grasp all its basic elements, and yet difficult enough to be demanding for its greatest scholars.
 - As an instrument for training mind and character, Latin has no parallel.
 - For well over a thousand years, Latin was the means of communication that united the whole of Europe culturally and in every other significant way.

-
- Latin is the direct ancestor of, between them, the five so-called Romance languages (Italian, French, Spanish, Portuguese and Romanian) of the largest European language group, and of both of the official South American languages (Spanish and Portuguese). 'Romance' comes from the Latin word Romanicus, meaning 'of Roman style' or 'Roman-made'.

- Latin is the ancestor and source of the portion – well over half – of the English language which derives partly directly from Latin and partly through the Romance languages, Mainly French, which for some centuries was England's official language. Not only that, but from almost the moment that English began to develop from being the spoken-only language that, in the mid-fifth century, first arrived on the shores of what was then Britain, and to take on a written form as well, it did so with the help of Latin, which had been the written language in everyday use since the conversion to Christianity of Britain south of Scotland's border in the sixth century AD. Right from the beginning, therefore, English grammar was worked out and formalised side by side with Latin, from which our language took even the alphabet that we use today.

-
- Indeed, not least remarkably, we even owe the very word ‘alphabet’ to our Latin-speaking forebears, notwithstanding its not being a Latin word. It was they who adopted for the purpose the first two letters, alpha and beta, of the alphabet of the Greek language, which had been the primary influence on Latin and had helped to make it the influential language it became.
 - Latin is the language of both of arguably the two greatest legal systems in history, Roman law and English Common Law. Even today it is still the language of forensics – technical material used in courts of law – as, for instance, in the phrase *corpus delicti*.

RENATI
DESCARTES
PRINCIPIA
PHILOSOPHIÆ.



AMSTELODAMI,
APUD LUDOVICUM ELZEVIRIUM,
ANNO MDCLXLIV.
Cum Privilegio.

1644: *Principia philosophiae*, a Latin textbook at first intended by Descartes to replace the Aristotelian textbooks then used in universities. A French translation, *Principes de philosophie* by Claude Picot, under the supervision of Descartes, appeared in 1647 with a letter-preface to Princess Elisabeth of Bohemia

[Wikipedia link](#)

To write in Latin or in the vernacular: The intellectual dilemma in an age of transition. The case of Descartes

History of European Ideas

Volume 16, Issues 1–3

January 1993, Pages 75-80

Abstract

- If I write in French, which is the language of my country, rather than in Latin, which is that of my preceptors, it is because I hope that those who use only their natural reason will be better judges of my ideas than those who believe only in ancient text... (Descartes, Discourse on Method, VI, 77-78)

■ دکتر افضل‌ی می‌نویسد: امروزه واژه «objective» به «عینی» و واژه «subjective» به «ذهنی» ترجمه می‌شود. اما این دو واژه از ابتدای کاربرد آن در قرون وسطی (از زمان دنس اسکاتس) معنایی کاملاً ضد معنای امروزی خود را داشته‌اند. بدین ترتیب که واژه «objective» به معنای «ذهنی» و واژه «subjective» به معنای «عینی» بکار رفته است. این معانی - که امروزه کاملاً غریب و دور از ذهن می‌نماید - تا چند قرن بعد، یعنی حدود قرن نوزدهم، در میان فیلسوفان غرب به ویژه دکارت و فیلسوفان هم عصر وی، مانند اسپینوزا و بارکلی، کاملاً رایج بوده است. هدف از این مقاله ذکر شواهد و دلایل این نکته است که واژه «objective» در فلسفه دکارت - که از اصطلاحات کلیدی فلسفه اوست - (و نیز فیلسوفان دیگر تا قرن نوزدهم) به معنای «ذهنی» بوده است و به هیچ وجه نباید آن را با معنای امروزی آن (یعنی «عینی») خلط کرد.

- The Ancient Language of Learning and Science | Latinitium

Hans Aili, Professor emeritus of Latin,
Stockholm University,

- The medical profession resisted longest – it is easy to find dissertations in Medicine, written in Latin, and dating from the middle of the 1800s. For the medical profession, it was very important to possess one, single, well-developed and shared language, and to give up this possession and receive four or five still not fully developed languages in its place was no very great improvement.

زبان لاتین (ادامه)

توسعه امپراتوری رم موجب شد که زبان لاتینی در همه سرزمینهای تابع آن متداول شود. سپس همینکه وحدت حکومت رم از میان رفت زبان مشترک آن نیز که همه جا معمول بود به چندین گویش محلی تقسیم شد. زبانهای را که از لاتین منشعب شده است «رومیائی» (=Roman) می خوانند. بعضی از این زبانها اهمیت و وسعت بسیار یافته و هر یک زبان رسمی کشورهای بزرگ و متمدنی شده و بعضی دیگر در طی زمان از میان رفته یا هنوز در ناحیه کوچکی متداول است. زبانهای مهم رومیائی این قرار است:

الف: **گروه ایتالیائی** که قریب ۴۲ میلیون نفر به آن گفتگو می کنند و شامل چندین گویش است. این زبان در سراسر شبه جزیره ایتالیا و قسمت جنوبی سوئیس و شمال جزیره کورس و ناحیه نیس در جنوب فرانسه متداول است.

ب: گروه ساردی که در جزیره ساردنی رواج دارد و شامل چند گویش است و قریب ۹۰۰ هزار نفر گوینده دارد.

ج: گروه پروانی که در قسمتی از جنوب فرانسه و قسمتی از اسپانیا متداول است و شماره گویندگان آن نزدیک به یک میلیون نفر است.

د: گروه فرانسوی که نزدیک به ۵۰ میلیون نفر آن را به کار می‌برند و گذشته از کشور فرانسه در قسمتی از بلژیک (۴ میلیون) و قسمتی از سوئیس و ناحیه‌ای در کانادا (۵ میلیون) رایج است. قدیمترین آثاری که از این زبان در دست است به اواخر قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) تعلق دارد.

ه: **گروه اسپانیایی** که ۲۷ میلیون نفر از ساکنان کشور اسپانیا به آن تکلم می‌کنند و گذشته از آن در همه کشورهای امریکای جنوبی (جز برزیل) و امریکای مرکزی و کشور مکزیک و قسمتی از جزایر آنتیل و قسمتهائی از ایالت‌های کالیفرنیا و تکزاس در امریکای شمالی رواج دارد. مهاجران اسپانیا این زبان را به قسمتی از سواحل شمالی افریقا (مراکش و الجزایر) و جزایر خلیج گینه و فیلیپین نیز برده‌اند. شمارهٔ مجموع گویندگان این زبان به ۱۴۰ میلیون نفر تخمین شده است.

و: **گروه پرتغالی**: این زبان و گویش‌های آن در کشور پرتغال و جزایر آسور و مادر (نزدیک ۷/۵ میلیون) و قسمتی از اسپانیا (بیش از ۲ میلیون) رایج است و گذشته از آن زبان رسمی کشور برزیل است (۶۴ میلیون) و در سواحل گینه و موزامبیک و یکی دو نقطه از ساحل غربی هندوستان نیز به کار می‌رود (۱/۵ میلیون).

ز: گروه رومانی که در کشور رومانی و بعضی نواحی اروپای شرقی و قسمتهائی از آلبانی و مقدونیه رایج است و نزدیک ۱۹ میلیون تن به آن گفتگو می کنند که ۱۶ میلیون از آن ساکن کشور رومانی هستند.

چند زبان یا گویش دیگر از گروه رومیائی نیز هست که از حیث شماره گویندگان و آثار ادبی و ارزش سیاسی کمتر اهمیت دارد.

در خصوص جمعیت‌های ذکر شده به تاریخ چاپ نخست کتاب توجه شود.

آموزش زبان لاتین

- <https://chaharraah.tv/lecturer/abdollaah-usefi-ramandi/>
- [اخذ فایل صوتی-تصویری جلسه اول آموزش زبان لاتین](#)
- کتاب تدریس شده در کلاس آموزش لاتین را از [اینجا](#) اخذ کنید.
فایل های صوتی کتاب را از [اینجا](#) اخذ کنید.
- فایل فرهنگ لغات لاتین به انگلیسی را نیز از [اینجا](#) اخذ کنید.
- فرهنگ برخط لغات لاتین به انگلیسی
- <https://www.online-latin-dictionary.com>

■ الفبای لاتین: همخوانها – آپارات

■ الفبای لاتین: واکه‌ها – آپارات

چند جمله ساده به لاتین:

■ Rōma in Italiā **est**.

■ رم در ایتالیا **است**.^۱

■ Italia **et** Graecia in Eurōpā **sunt**.

■ ایتالیا و یونان در اروپا **هستند**.

■ Aegyptus in Eurōpā **nōn est**.

■ مصر در اروپا **نیست**.

■ **Estne Gallia** in Eurōpā?

■ آیا فرانسه در اروپاست؟ (**است + نه**)

^۱ در تلفظ «است» که تراش خورده «استات» قدیم است، تأملی است که آیا به فتح اول صحیح است یا به کسر اول - چه مردم اصفهان هنوز به کسر اول تلفظ کنند. سبک‌شناسی ملک الشعراى بهار، جلد اول، چاپ سوم، ۱۳۴۹، ص ۲۴۸

- **Ubi** est Nīlus? Nīlus in Āfricā est.
■ کجاست نیل؟ نیل در آفریقا است.
- **Quid** est Crēta? Crēta īnsula est.
■ چه هست کرت؟ کرت جزیره است.
- Mārcus est **puer** Rōmānus.
■ مارکوس پسر رومی است.
- Iūlius **vir** Rōmānus est.
■ جولیوس مرد رومی است.

«است» در چند زبان هند و اروپایی

- ásti سنسکریت
- ésti یونانی باستان
- esti لیتوانی
- jesti اسلاوی (روسی باستان)
- est لاتینی
- ist ژرمنی
- est (é) فرانسوی
- is انگلیسی
- ast (است) فارسی

- Quo (where) کو
- Quis, qui (who) کی
- Quo est
کوجاست؟ (شبیہ لهجۀ اصفہانی)
- Mortuus (dead) مردہ
- Vir مرد
- Omne همه
- Nova, Novus نو
- Nōmen (Name) نام
- Deus دو
- Pater پدر
- Māter مادر
- Frater برادر
- Nāvis ناو، کشتی
- Statio ایستگاه
- Stēlla, astrum ستاره

لغات هند و اروپایی با ریشه مشترک (تطابق زبان فارسی و لاتین)

- | | | | |
|----------------------------------|---|---------------------------|---|
| سپردن (sperno, spernere) | ■ | بُن (fundus) | ■ |
| سپهر (sphere, sphaera) | ■ | بز (bucca) | ■ |
| سرا، سرای (cella) | ■ | به (bene-) | ■ |
| گلو (gula) | ■ | پا (pedis) | ■ |
| لال (lallo) | ■ | پُل (portus, porta) | ■ |
| مرمر (marmor) | ■ | خُم (خمیره، کوزه) (cumbo) | ■ |
| مه، مهتر (magus, magister) | ■ | دشت (dexter) | ■ |
| (سانسکریت: مَها: مهاراج، مهاتما) | | دندان (dentis) | ■ |
| واژه، واج (vox, vocem) | ■ | ریختن (liquare) | ■ |

ریشه مشترک پیشوندهای لاتین و فارسی

- اندر، اندرون: **inter**
- پس: **post-** (پروسی کهن: پسا)
- پیرا-، پرامون، پرا: **per**، **per-**، **peri** (یونانی)
- پیش: **pre-** (انگلیسی)
- ترا، فرا: **tra-**، **trans-** (مثل ترابری در فارسی)
- فر-، فرا- (پیش، بسوی جلو): **pro-**

■ تلفظ لاتین عین دیکته آن است (البته بر حسب اینکه تلفظ کدام مکتب انتخاب شود). بطور نمونه، حرف **C** بر حسب مکاتب مختلف، بصورت **س**، **ک** و **چ** تلفظ می‌شود. البته در هر مکتب، رویه واحد است.

■ مثال: Principia در کتاب نیوتن برحسب اینکه از کدام مکتب پیروی شود، پرینسیپیا، پرینکیپیا و یا پرینچیپیا تلفظ می‌شود.

Philosophiæ Naturalis Principia Mathematica (Mathematical Principles of Natural Philosophy)

■ در بین سه زبان آلمانی، انگلیسی و فرانسه، زبان آلمانی بیشتر از همه به اصطلاح «فونتیک» است و زبان فرانسه در رده سوم قرار می‌گیرد. اما یادگیری زبان انگلیسی از آلمانی و فرانسه آسانتر است.

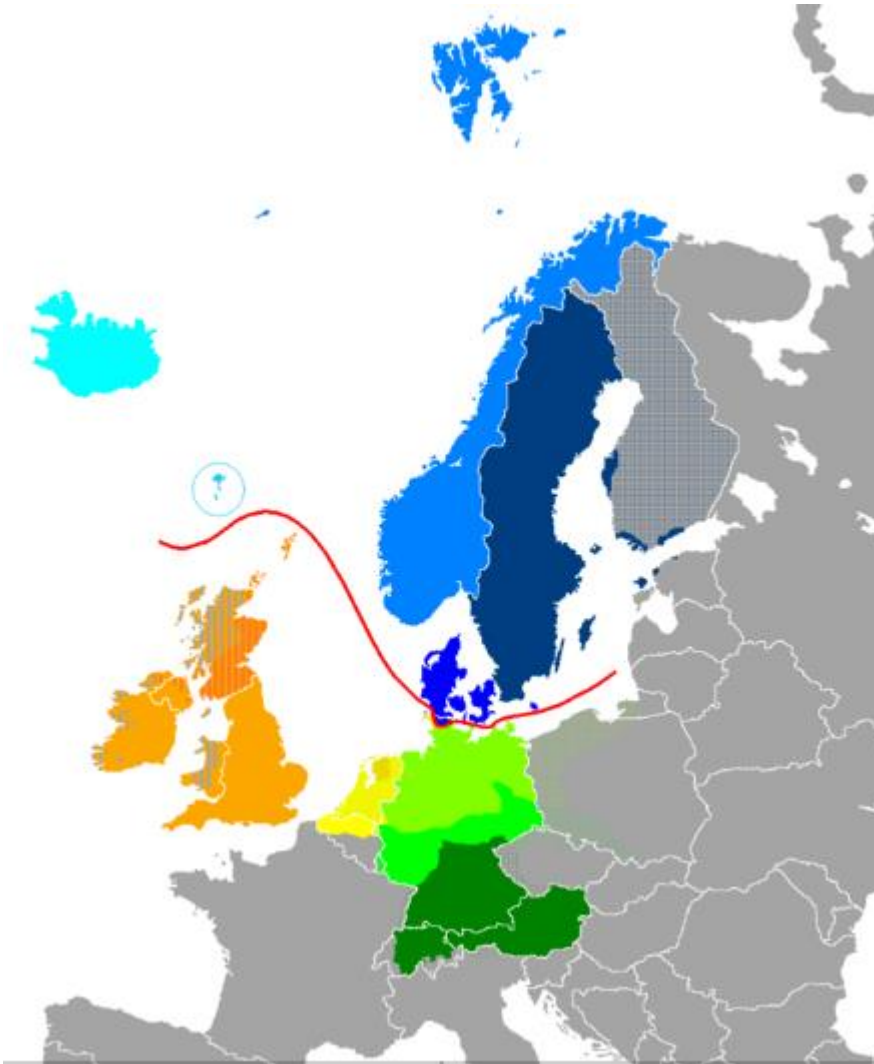
■ ریشه بسیاری از لغات انگلیسی از لاتین و یونانی است. حتی لغات انگلیسی‌ای که از زبان فرانسه وارد شده‌اند، اکثراً ریشه لاتین دارند. همانطور که در تاریخچه زبان انگلیسی در ادامه آمده است، زبان انگلیسی جزو خانواده زبانهای ژرمنی است و لغات آلمانی در زبان انگلیسی، بعضاً ریشه لاتین دارد.

■ با عبارات زیر در گوگل جستجو کنید:

- List of English words by country or language of origin
- List of English words of Arabic origin

■ بطور نمونه: ریشه آدمیرال، آرسنال و نَدیر به ترتیب:
امیرالبحر، دارالصناعه و نظیرالسمت بوده است.

زبان‌های ژرمنی غربی و شمالی



[Wikipedia Link](#)

■ جرجی زیدان می‌نویسد، دارالصناعه به زبان اسپانیولی دارسینا Darcinah شد و دارسینا از اسپانیولی به سایر زبانهای فرنگی منتقل گشته به آرسنال Arsenal تبدیل یافت. ص ۱۶۳

■ وی می‌نویسد: مسلمانان اندلس نیز از کشتی‌های فرنگیان و غیر آنان عوارض می‌گرفتند، اتفاقاً عوارض مزبور در شهری به نام طریف Tariff واقع در انتهای کشور اندلس تأدیه می‌گشت و تاکنون نام آن شهر (بندر) Tarifa طریفه است و بنا به عقیده محققین اروپا کلمهٔ تاریف کنونی که در زبان فرنگیان به معنای تعرفه (نرخ عوارض گمرکی) استعمال می‌شود، مخفف کلمهٔ عوارض طریف (شهر طریف) می‌باشد و کلمهٔ تعرفه معمول در زبان عربی هم تحریف همان کلمات است. ص ۱۸۱

لغات عربی - فارسی در انگلیسی

- | | | | |
|-------------|--------------|----------------|-----------|
| ■ azimuth | (السمت) | ■ sahara | (صحرا) |
| ■ caliber | (قالب) | ■ canal | (قنات) |
| ■ almanac | (المناخ) | ■ cafe, coffee | (قهوه) |
| ■ average | (عوار) | ■ jasmine | (یاسمین) |
| ■ mask | (مسخره) | ■ saffron | (زعفران) |
| ■ typhoon | (توفان) | ■ sugar | (شکر) |
| ■ Gibraltar | (جبل الطارق) | ■ arsenic | (الزرنيخ) |
| ■ monsoon | (موسم) | ■ tariff | (تعرفه) |

■ بر اساس سبکی که در قرن نوزدهم میلادی به نقطهٔ اوج خود رسید، برای هر چیز علمی، نامی یونانی تعیین می‌شد.

جان مک‌ورتر، «انگلیسی زبان ناچوری است»، ترجمه نجمه رضانی

John McWhorter

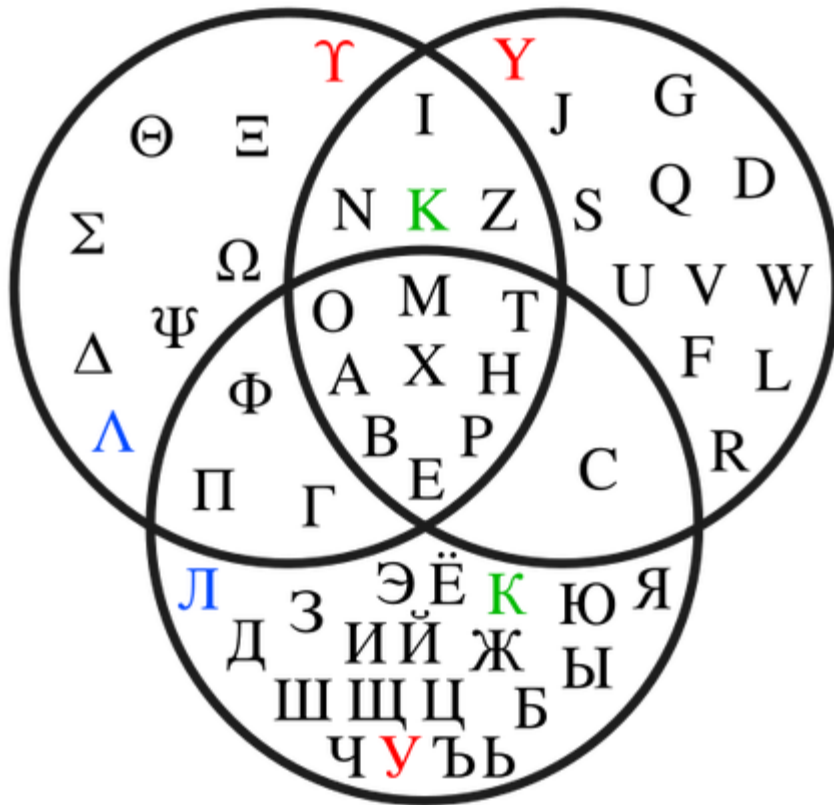
استاد زبان‌شناسی و مطالعات آمریکا در دانشگاه کلمبیا

- تقریباً کل لغات لاتین، حداقل یکی از مشتقاتش به نحوی در زبان انگلیسی آمده است.
- اگر کسی بخواهد در ادبیات کلاسیک انگلیسی یا تاریخ ادبیات انگلیسی مسلط شود، باید لغات لاتین را بداند.
- در انتخاب واژگان علمی در دوران جهش علمی در انگلیسی از لغات لاتین و یونانی (و مشتقات) آن استفاده کردند؛ چرا که به علت نامأنوس بودن آن لغات، مصداق علمی و مقبولیت بیشتری می‌یافتند.

■ معنای لغات مجرد در مقاطع مختلف زمانی ممکن است تغییر کند و هم در انتقال از یک زبان به زبان دیگر.

■ بطور نمونه، **timido** در ایتالیایی بیشتر به معنی خجالتی است، اما در انتقال به زبان انگلیسی، **timid** بیشتر معنای ترسو به خود گرفته است. البته قرابتی بین این دو معنا وجود دارد.

■ معنای بسیاری از لغات عربی، متفاوت است با آن چیزی که در فارسی مستعمل است.



<https://en.wikipedia.org>
[Wikipedia link](#)

A Venn diagram showing the Greek (left), Cyrillic (bottom) and Latin (right) alphabets, which share many of the same letters, although they have different pronunciations.

■ در نمودار وِن که در صفحه قبل آمده است، تنها از نظر شباهت رسم الخط است وگرنه تلفظها در محدوده اشتراک رسم الخطی زبانها در نمودار مذکور، ممکن است مشابه یا متفاوت باشد. بطور نمونه:

- حرف H در خط سیریلیک، معادل حرف N در انگلیسی است.
- حرف B در سیریلیک و یونانی (نو)، معادل حرف V در انگلیسی است.
- حرف y در سیریلیک صدای /u/ می دهد، مانند توپ، سور
- حرف p در لاتین صدای «پ» و در سیریلیک و یونانی صدای /r/ می دهد.
- حرف X در خط سیریلیک، صدای حرف «خ» در فارسی می دهد.
- در یونانی «N» حرف بزرگ «V» است.

نام تاجیکستان به خط سیریلیک در اسکناس ۱۰ سامانی (СОМОНӢ) کشور تاجیکستان را که در بخش «گستره و نفوذ زبان فارسی» آمده است (و یا در این پیوند)، ملاحظه نمایید.

- **Lexical similarity (similar but not the same)**

The percentage of lexical similarity between two linguistic varieties is determined by comparing a set of standardized wordlists and counting those forms that show similarity in both form and meaning. Percentages higher than 85% usually indicate a speech variant that is likely a dialect of the language with which it is being compared. Unlike intelligibility, lexical similarity is bidirectional or reciprocal.

- [Language Information | Ethnologue](#)

	English	French	German	Italian	Portuguese	Spanish
English	100%	27%	60%	-	-	-
French	27%	100%	29%	89%	75%	75%
German	60%	29%	100%	-	-	-
Italian	-	89%	-	100%	-	82%
Portuguese	-	75%	-	-	100%	89%
Spanish	-	75%	-	82%	89%	100%

Lexical similarity values for pairs of selected Romance, and Germanic, as collected and published by *Ethnologue*

■ تفاوت لغوی ساردینیایی با لاتین = ۸ درصد

■ تفاوت لغوی ایتالیایی با لاتین = ۱۲ درصد

■ تفاوت لغوی اسپانیایی با لاتین = ۲۰ درصد

ادامه سیر تاریخی زبان علم

- در حدود سال ۱۸۵۰ زبانهای علمی به انگلیسی، فرانسوی و آلمانی خلاصه شدند، که هر کدام به صورت مساوی [؟] بخشی از تولید کلی را در اختیار داشت. (اگرچه هر علمی توزیع مختلفی داشت اما تا انتهای قرن آلمانی زبان اول شیمی به حساب می‌آمد.)
- زبان روسی هم به عنوان یکی از زبانهای مهم انتشارات علمی (اگرچه کم اهمیت‌تر از بقیه بود) در آمد. عامه مردم «زبانهای فرعی» مدام از این که از جریان خارج شده بودند اعتراض می‌کردند، در حالی که آن سه زبان مهم بر سر این که باید دو زبان دیگر را فرا می‌گرفتند با هم به توافق نمی‌رسیدند.

■ وجود یک زبان برای دانش علمی طرفدارانی نیز داشت که جهانی بودن و خنثی بودن لاتین در زمانهای پیشین را مرجع قرار می‌دادند. آنها به دنبال اسپرانتو بودند. آنها استدلالهای متقاعد کننده‌ای می‌آوردند، درست مانند استدلالهایی که امروزه برای انگلیسی می‌شنویم.

■ اسپرانتو هم حتی طرفداران مشهور زیادی پیدا کرد، مانند ویلهلم اوستوالد برندهٔ جایزه نوبل در شیمی سال ۱۹۰۹ و زبانشناس دانمارکی اتو یسپرسن، اما آنها خیلی زود به عنوان رؤیایپردازان یک آرمانشهر کنار زده شدند.

■ چه بر سر نظام چند زبانه علم آمد؟ از هم پاشیده شد. اگر بخواهیم دقیق تر باشیم، آن را از هم پاشیدند.

■ بعد از جنگ جهانی اول، کنسول پژوهش بین‌الملل به کمک متحدین پیروز، شروع به تحریم دانشمندان از قدرتهای مرکزی (در اصل آلمان و اتریش-مجارستان) کردند. مؤسسات بین‌المللی علمی جدید که در اوایل دهه ۲۰ تأسیس شدند، دانشمندان شکست‌خورده آلمانی را به میان خود راه ندادند. این محرومیت جرقه‌ای با تأخیر طولانی را به آتش درآورد که در دهه‌های آینده منجر به مرگ آلمانی به عنوان یک زبان علمی می‌شد. سه زبان در قسمت اروپا به دو زبان کاهش پیدا کرده بودند.

■ با گرفتار شدن به موج تنفر از زبان آلمانی که با ورود آمریکا به جنگ در آوریل ۱۹۱۷ شکل گرفت، با زبان آلمانی مانند یک جرم رفتار می‌شد. آیووا، اوهایو، نبراسکا و دیگر ایالتها زبانی را که بیشترین تعداد گویشوران در آمریکا بعد از انگلیسی را داشت (که نتیجه مهاجرت گسترده از نواحی مرکزی اروپا بود) به کمترین حد خود رساندند. ممنوعیت آلمانی بعد از روز آتش‌بس موقت افزایش یافت. در ۱۹۲۳ بیشتر ایالتها در اتحادیه استفاده از زبان آلمانی در مکانهای عمومی، در خطوط تلگراف و تلفن و آموزش کودکان ممنوع کرده بودند.

■ در اواسط دهه ۲۰ هنگامی که فیزیکدانهای آلمانی و اتریشی درباره مکانیک کوانتوم جدید مقالاتی منتشر کردند، فیزیکدانهای آمریکایی قادر بودند آنها را بخوانند چون که یانکیها هنوز هم فراسوی اقیانوس اطلس را طی می‌کردند تا ادامه تحصیلات خود را در ویمار آلمان انجام دهند و در نتیجه مجبور بودند زبان آن کشور را نیز یاد بگیرند. جهت این سفرها به زودی به طرف دیگر تغییر پیدا کرد. در ۱۹۳۳ آدولف هیتلر فوراً تمام پروفیسورهای «غیر آریایی» و با گرایشات چپ را اخراج کرد.

■ در ۱۹۳۰ هیتلر تمام ویزاهای دانشجویان خارجی را لغو کرد. سخت کردن دسترسی به دانشگاه‌های آلمانی به این معنا بود که زبان آلمانی کاملاً جدا شد و فرآیندی را که با شروع جنگ جهانی آغاز شده بود، اکنون به پایان رساند.

- حجم زیادی از دانشمندان و مهندسين که بعد از جنگ از شوروی سر بر آوردند، رقیب جدید علمی آمریکا به حساب می‌آمدند. در دهه ۵۰ و ۶۰ روسها با تقریباً ۲۵ درصد از کل نشر علم در دنیا دومین زبان علمی حاکم دنیا شدند که بعد از انگلیسی با ۶۰ درصد نشر علمی دنیا قرار داشت. با شروع دهه ۷۰، میزان انتشارات به زبان روسی افت کرد و دانشمندان در سراسر جهان به سمت زبان انگلیسی متمایل شدند.
- همین طور که جنگ سرد پیش رفت، انتشار مطلبی به روسی نیز به عنوان یک گزاره واضح سیاسی به حساب می‌آمد.
- در دهه ۱۹۸۰ انگلیسی تقریباً بیش از ۸۰ درصد تمام نشر علم در علوم طبیعی را از آن خود کرده بود.

چرچیل و استیلای زبان انگلیسی، نوشته دیوید کورتیس David Curtis

- بسیاری از انسانها نمی‌دانند که چرچیل هدف خود را استیلا پیدا کردن بر جهان توسط زبان انگلیسی قرار داده بود. این استیلا بطور تصادفی اتفاق نیفتاده است.
- تا پایان جنگ جهانی اول، این زبان فرانسوی بود که بر دنیا استیلا داشت، اما به خاطر شرکت کردن آمریکا در آن جنگ، معاهدهٔ پایان جنگ علاوه بر زبان فرانسوی، به زبان انگلیسی نیز نوشته شد. به این علت، در طول جنگ جهانی دوم، چرچیل آمریکا را تشجیع به شرکت کردن در این جنگ (نیز) می‌کرد با دادن این اندرز که ایشان، همراه با انگلیسیها، به کمک همه‌گیر ساختن زبان انگلیسی (در جهان)، قادر به دست یافتن به چیزهای بسیار زیادی، چه از نظر تجاری و چه از نظر سیاسی، خواهند شد.

-
- [Why language matters, www.weforum.org](http://www.weforum.org)
 - Language is an essential component of competitiveness and the results above explain (in part) why London and New York are the world's two premier cities. Likewise, Hong Kong and Singapore, with their English infrastructure, rather than monolingual Tokyo, are Asia's financial capitals.
 - Indeed, it is no coincidence that eight of the 10 global financial centres are English-speaking/proficient cities.
 - See also:
[The Global Financial Centres Index](#)
-

■ زبان انگلیسی در ۶۰ کشور زبان رسمی (دفاکتو یا دوژور) است. از جمله در انگلستان، آمریکا، کانادا، استرالیا، زلاندنو و تانزانیا، بوتسوانا، زیمباوه، زامبیا، سیرالئون، اوگاندا، سوازیلند و ...

■ زبان فرانسه در ۲۹ کشور یکی از زبان‌های رسمی است. (در ۱۲ کشور بصورت تک‌زبانه و در ۱۷ کشور به عنوان زبان دوم) از جمله: کنگو، نیجر، مالی، چاد، بورکینافاسو، ماداگاسکار، ساحل عاج، سنگال، گینه و ...

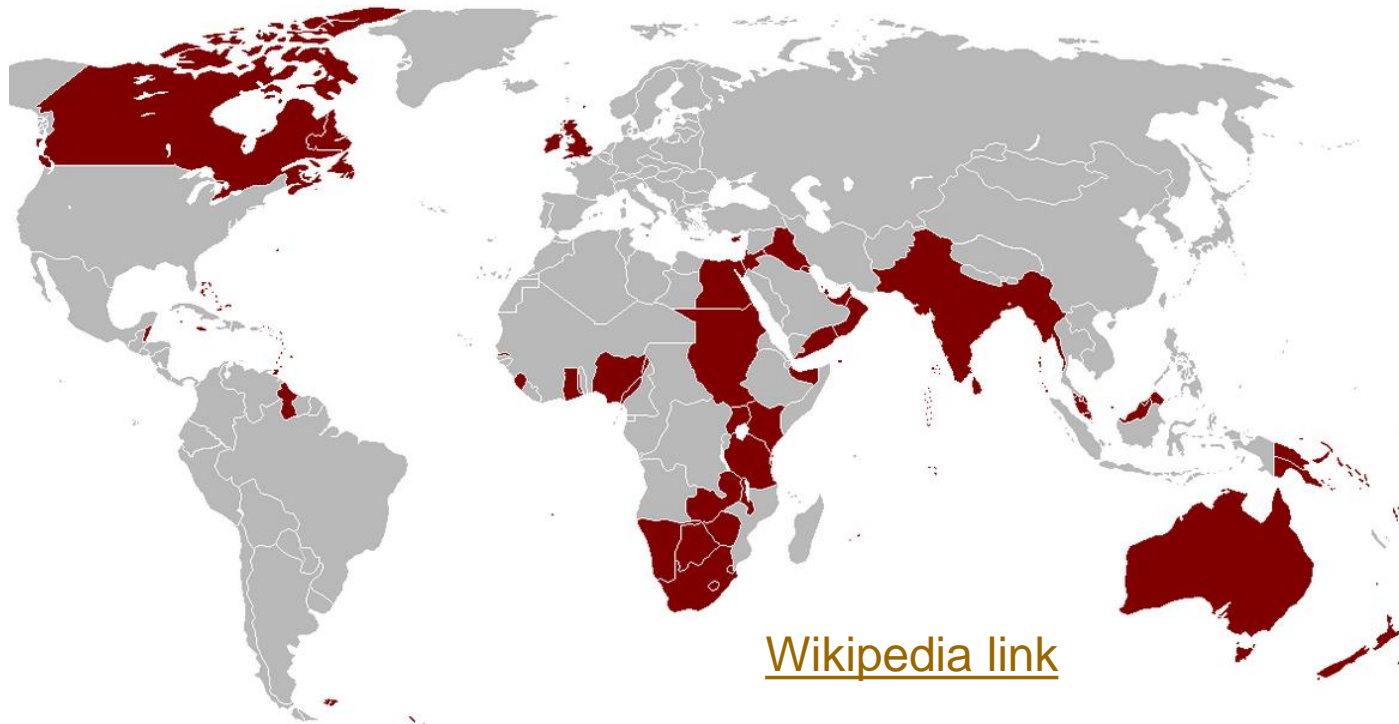
■ زبان اسپانیایی در اکثر کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی، زبان رسمی است (به جز برزیل که پرتغالی زبان است).



[Wikipedia link](https://en.wikipedia.org)

All areas of the world that were ever part of the British Empire. Current [British Overseas Territories](https://en.wikipedia.org) have their names underlined in red.

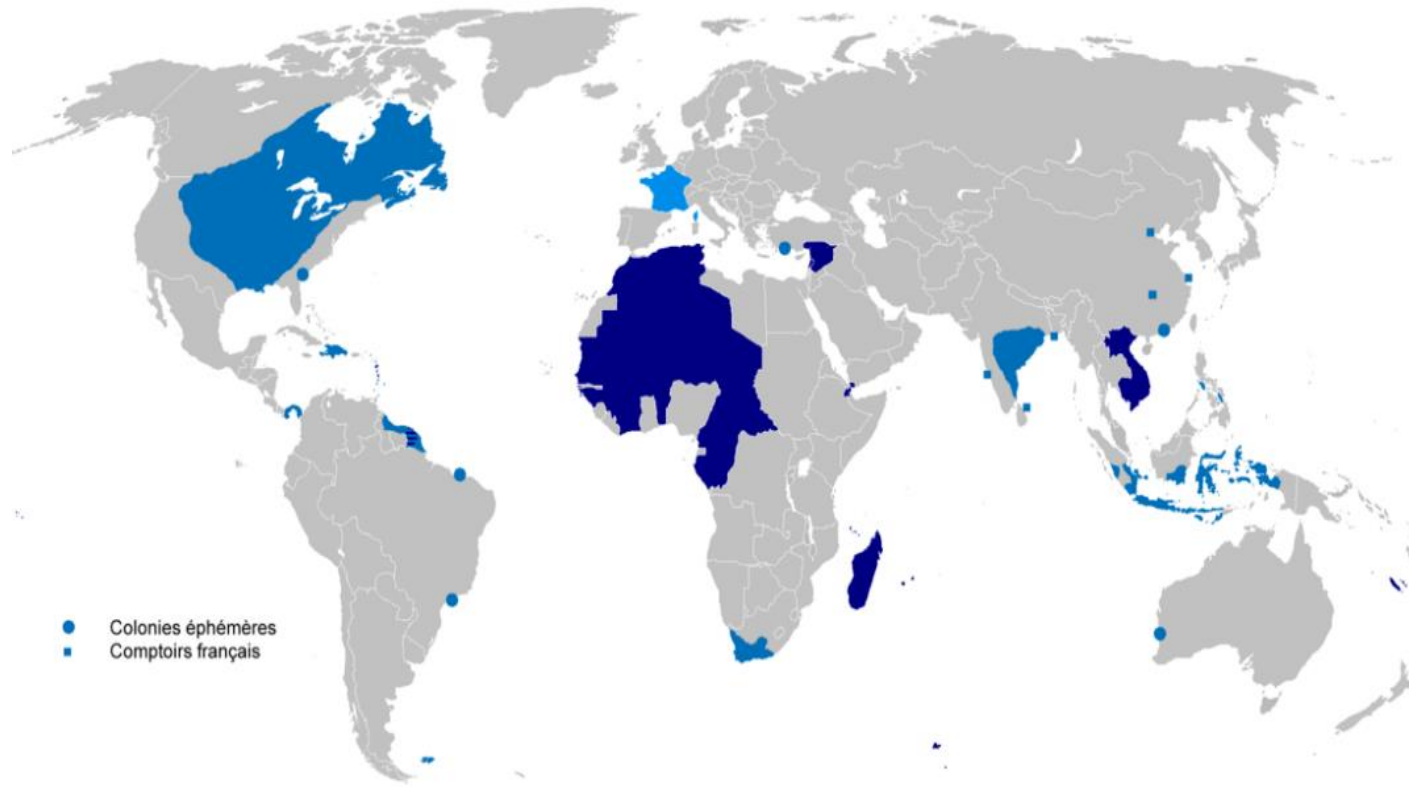
<https://en.wikipedia.org>



[Wikipedia link](#)

The empire on which the sun never sets.
The British Empire at its territorial peak in 1921

French colonial empire 17th century-20th century



Light Blue: France

Blue: First colonial empire (after 1534)

Purple: Second colonial empire (after 1830)

[Wikipedia link](#)

<https://en.wikipedia.org>

ویدئوهای کوتاه از تلفظ الفبای فرانسوی

■ آموزش الفبای زبان فرانسه - آپارات

■ آموزش الفبای زبان فرانسه با تلفظ صوتی و فارسی به همراه مثال

■ آموزش الفبای زبان فرانسه با ذکر مثال (قسمت اول)

■ آموزش الفبای زبان فرانسه با ذکر مثال (قسمت دوم)

■ ورود کلمات جدید به زبان فرانسه در راستای برابری زن و مرد - یورونیوز

۱/۰۳/۲۰۱۹

■ زبان‌شناسان آکادمی می‌گویند باید تابوهای زبانی در این مورد را شکست چرا که به گفته آنها زبان فرانسه کاملاً زبانی «مردمحور» است. در سال ۲۰۱۵، شورای عالی برابری در فرانسه دستور داد تا هر چه سریعتر برای برخی از شغلها چون آشنشان و نویسندگان معادل مؤنث ساخته شود.

■ از جمله عناوین حرفه‌ای که معادل مؤنث ندارند می‌توان به «دکتر» یا «پروفسور» اشاره کرد. اندک شغلهایی هم که معادل مذکر ندارند پرستاری و بچه‌داری هستند.

■ برای تغییر نام حرفه‌ها به مؤنث در بسیاری از موارد تنها اضافه کردن کلمه E کفایت می‌کند. به عنوان مثال کلمه «دکتر» می‌تواند همانگونه تلفظ شود و تنها یک E به آخر آن اضافه شود.

ویدئوهای کوتاه از تلفظ الفبای اسپانیایی و ایتالیایی

■ آموزش الفبای اسپانیایی آپارات

■ آموزش الفبای اسپانیایی

■ حروف الفبای ایتالیایی / آپارات

■ آموزش الفبای زبان ایتالیایی / آپارات

■ می‌گویند که در زبان اسپانیایی حدود چهار هزار لغت با ریشهٔ عربی هست و زبان پرتغالی حدود هزار لغت با ریشهٔ عربی دارد.

■ حرف «إِل» در کلمات اسپانیایی و پرتغالی از حرف تعریف «أل» در زبان عربی آمده است.

الفبای ایتالیایی

■ A	آ	■ N	(enne)
■ B	بی	■ O	اُ
■ C	چی	■ P	پی
■ D	دی	■ Q	کو
■ E	اِ	■ R	(erre)
■ F	(effe)	■ S	(esse)
■ G	جی	■ T	تی
■ H	(acca)	■ U	او
■ I	ئی	■ V	وو، وی
■ L	(elle)	■ Z	زتا
■ M	(emme)		

■ در زبان ایتالیایی دانته حکم رودکی را در مورد زبان فارسی دارد، یعنی مؤسس و خالق شعر ایتالیائی می‌شود. پیش از او اشعاری که به زبان ایتالیائی گفته شده بود چندان جدی نبود، غزلها و آوازاها و تصنیفهای کوتاه و عوام‌پسندی برای خوانندگی ساخته شده بود، و مؤلفین و نویسندگان که کتاب جدی تصنیف می‌کردند عموماً زبان لاتینی را بکار می‌بردند. زبان لاتینی در میان عیسویان همان حال را داشت که عربی میان مسلمانان. دانته در شعر و نثر، و بوکاچو صاحب کتاب دکامرونه در نثر، چنان استادی و براعتی بروز دادند که معلوم شد زبان ایتالیائی، کافی برای بیان مقاصد عالیه و دقایق افکار شاعرانه هست و لایق این هست که تألیفات جدی و با عظمت در آن بوجود آید.

■ این شاعر در عداد پیشروان نهضت جدید علمی و ادبی و هنری (رنسانس) قرار دارد و در زبان ایتالیایی همانند رودکی است در زبان فارسی و مؤسس و خالق شعر ایتالیایی بحساب است. وی به لهجه توسکانی که لهجه ولایت اوست شعر سروده و از پس وی هر که خواسته است کتابی بنویسد و یا شعری بسراید و منظومه‌ای بسازد زبانی بکار برده است که دانته بدان آثار خود را نگاشته.

■ کمدی الهی، شاهکار دانته، در سالهای تبعید و بنا بر آنچه تحقیق شده است میان سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ م بوجود آمده است.

ویدئوهای کوتاه از تلفظ الفبای آلمانی و اعداد به زبان آلمانی

■ آموزش از پایه زبان آلمانی - درس ۱ - الفبا و آوا

■ یادگیری اعداد به زبان آلمانی

■ مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳ م) بنیانگذار مذهب پروتستان، انجیل را به گویش محلی آلمانی ساکسونی ترجمه نمود. با توجه به اقبال عمومی آلمانیها به عقاید وی و نشر وسیع ترجمه انجیل وی با اختراع دستگاه چاپ، سبک وی مورد قبول نویسندگان با گویشهای مختلف آلمانی قرار گرفت و با گسترش آن، به عنوان زبان معیار پذیرفته شد.

لغات مشابه آلمانی با انگلیسی (ذکر نمونه)

■ تلفظ یکسان، املاء کمی متفاوت

Maus (mouse), Haus (house) and Foto (photo),

■ املاي یکسان، تلفظ متفاوت

Park, Reporter, Zoo, Ring, Ball, Name, Radio, Hotel, fair, information, Bus

■ کمی متفاوت در املاء و تلفظ

Telefon (telephone), Delfin (dolphin), Lampe (lamp) and Krokodil (crocodile)

■ نمونه‌های دیگر:

- Vater (father), Bruder (brother), Milch (milk), Freund (friend), Buch (book), Garten (garden),
- Apfel (apple), Tanzen (dance), Denken (think), Hoffen (to hope), Helfen (to help), Herz (heart), Käse (cheese), Zehn (ten), Besser (better), Essen (to eat), Wasser (water), **Tochter** (daughter),

زبان انگلیسی

مختصری از تاریخچه زبان انگلیسی

- زبان انگلیسی (قدیم) متعلق به یکی از شاخه‌های خانواده زبانهای ژرمنی موسوم به زبان ژرمنی غربی است.
- زبان بریت‌ها جزو گروه زبانی سلتی بوده است. در قرن چهارم بعد از میلاد، آنها تحت حاکمیت امپراتوری روم بودند که آنها را از هجوم اقوام شمالی و شمال غربی اروپا مصون می‌داشت.
- **Briton**, one of a people inhabiting Britain before the Anglo-Saxon invasions beginning in the 5th century ad. Although it was once thought that the Britons descended from the Celts, it is now believed that they were the indigenous population and that they remained in contact with their European neighbours through trade and other social exchanges.

[www.britannica.com/topic/Briton]

■ بعد از تسلط رومیها، قبایل ژرمن انگل، ساکسون، جوت و فریسی‌ها از شمال غربی آلمان، جنوب دانمارک و هلند و از طریق دریا به جزیره انگلستان هجوم آورده و در آن ساکن شدند و بر بریتها غلبه کرده و پادشاهی خود را در انگلستان تشکیل دادند. این قبایل ژرمن در ابتدا با گویشهای متعددی صحبت می‌کردند. در طی مدت چند قرن سکونت این اقوام، زبان ژرمنی انگلوساکسون به زبان عمومی انگلستان تبدیل شد. امروزه این زبان را «انگلیسی قدیم یا باستان Old English» می‌نامند.

■ Search for “[English-German Cognates](#)” in Google.

■ با هجوم وایکینگ‌های ساکن اسکاندیناوی در طی قرون هفتم و هشتم میلادی، جزیره انگلستان به دو قسمت تقسیم شد. زبان وایکینگ‌ها شاخه‌ای از زبان ژرمنی شمالی موسوم به **Old Norse** بود. پس از اختلاط مهاجران قدیم و جدید، زبان آنها با انگلیسی قدیم مخلوط شد.

■ [List of English Words of Old Norse Origin - Wikipedia](#)

■ در سال ۱۰۶۶ میلادی، نورمن‌ها بر انگلستان غلبه کرده و پادشاهی نورمن منصوب کردند. نورمن‌ها از وایکینگ‌هایی بودند که در شمال غرب فرانسه ساکن شده و زبان و فرهنگ فرانسوی را پذیرفته بودند؛ گرچه فرانسوی نورمن‌ها لغات بسیاری از Old Norse داشته و از آن تأثیر پذیرفته بود. متعاقب آن، فرانسوی برای سه قرن زبان اشراف و دربار و طبقات بالای انگلستان بوده و روستائیان به زبان انگلیسی قدیم صحبت می‌کردند.

■ تأثیرات زبانی هجوم نورمن‌ها و زبان فرانسوی و لاتین منجر به تغییرات زبانی در انگلستان شده که به آن Middle English می‌گویند و تا اواخر قرن پانزدهم به آن صحبت می‌شده است.

Among highlights in the history of the English language, the following stand out most clearly:

- the settlement in Britain of Jutes, Saxons, and Angles in the 5th and 6th centuries;
- the arrival of St. Augustine in 597 and the subsequent conversion of England to Latin Christianity;
- the Viking invasions of the 9th century;
- the Norman Conquest of 1066; the Statute of Pleading in 1362 (this required that court proceedings be conducted in English);

-
- the setting up of William Caxton's printing press at Westminster in 1476;
 - the full flowering of the Renaissance in the 16th century; the publishing of the King James Bible in 1611;
 - the completion of Samuel Johnson's Dictionary of 1755;
 - and the expansion to North America and South Africa in the 17th century and to India, Australia, and New Zealand in the 18th.

کلیپهای آموزشی در خصوص تاریخچه زبان انگلیسی و ریشه لغات آن

■ Where did English come from? - TED

■ زبان انگلیسی از کجا آمده؟

■ How did English evolve? - TED

■ Why is there a “b” in doubt? - TED

■ A brief history of plural word - TED

- What are the origins of the English Language?

(Old, Middle, and Modern English)

- The period of Modern English extends from the sixteenth century to our own day. The early part of this period saw the completion of a revolution in the phonology of English that had begun in late Middle English and that effectively redistributed the occurrence of the vowel phonemes to something approximating their present pattern. (Mandeville's English would have sounded even less familiar to us than it looks.)

-
- Other important early developments include the stabilizing effect on spelling of the printing press and the beginning of the direct influence of Latin and, to a lesser extent, Greek on the lexicon. Later, as English came into contact with other cultures around the world and distinctive dialects of English developed in the many areas which Britain had colonized, numerous other languages made small but interesting contributions to our word-stock.

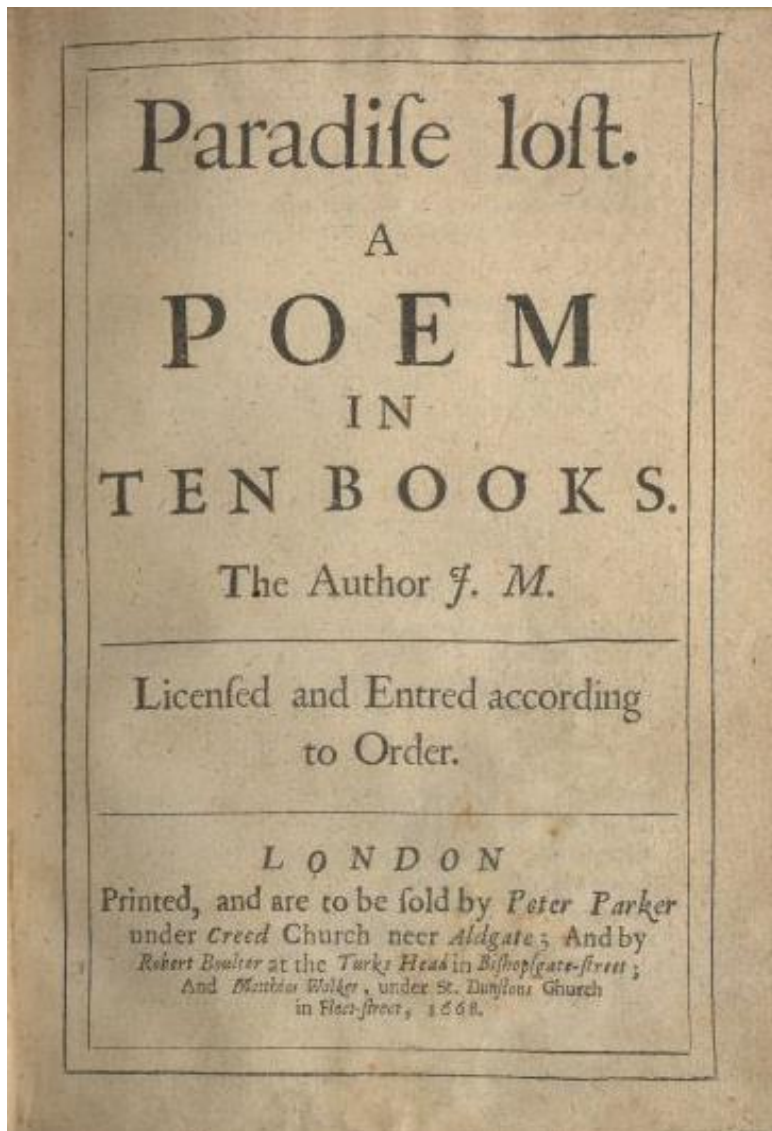
■ اگر زبانی مانند انگلیسی در چهار-پنج قرن از یک زبان کوچک بومی، یک زبان عامیانه – به گفته خودشان **vulgar tongue** – به زبانی جهان‌روا با چنین قدرت جهانگیر بدل می‌شود و زبان‌های دیگر جهان را به دنبال خود می‌کشد، باید کوشید و فهمید که چه نیروها و عامل‌هایی این زبان کوچک محلی از شاخه خانواده زبان‌های ژرمنی در یک جزیره حاشیه اروپا را به چنین جایگاهی برکشیده‌اند و، در برابر، چرا زبان‌های بسیار نیرومند با دستاوردهای شگرف فرهنگی و علمی و ادبی، مانند یونانی و لاتینی، امروز زبان‌های «مرده» بشمار می‌آیند و یا زبان‌هایی مانند عربی و فارسی یا ماندارین چینی که روزگاری نه تنها زبان‌های اول برخی از بزرگترین امپراتوری‌های تاریخ که زبان‌های بزرگ و بالنده فرهنگ‌آفرین در گستره جغرافیایی بسیار پهناور بوده‌اند، چرا در این دو-سه قرن، مانند بسیاری زبان‌های دیگر، به زبان‌های «توسعه‌نیافته»ی بخش توسعه‌نیافته جهان بدل شده‌اند. **داریوش شایگان، تارنمای مجله بخارا، پیوند مطلب**

[اگرچه در این دو سه قرن چنین بوده اما روند آن در حال تغییر است]

■ زبانِ فارسی اگرچه هنوز بخشی از میدانِ نفوذِ بسیار گستردهٔ خود را نگاه داشته است، همان گستره‌ای که ایران‌شناسانِ اروپایی آن را «جهانِ ایرانی‌مآب» (Persianate world) نامیده‌اند، ولی بیش از یک قرن است که زیر فشار نیروهای نوخاستهٔ سیاسی و اقتصادی و ارتشی و فرهنگی و زبانیِ اروپایی ناگزیر در حالِ پس‌نشستنِ از قلمروِ تاریخیِ گسترش و نفوذِ خود است. از سوی دیگر، در سه کشور ایران و افغانستان و تاجیکستان – اگرچه به سه نام – در مقامِ زبانِ رسمی، پایگاهِ ماندگاری یافته است. اما وضع آن در این سه کشور یکسان نیست. زبان‌های پُرگسترشِ دیروزی، همچون فارسی و عربی، جدا از امپراتوری‌های سیاسی‌ای که زمینهٔ گسترشِ جغرافیایی آنها را فراهم کرده‌اند، خود با قدرتِ ادبیاتی که حامل آن‌اند، و نیز دین و آیینی همچون اسلام و تصوف که با خود آورده‌اند، به پایگاهِ تاریخی و جغرافیایی درازمدت و پهن‌آوری دست یافته‌اند. اما در زیر فشارِ نیروهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگیِ جهانِ مدرن در همهٔ این زمینه‌ها ناگزیر از عقب‌نشینی شده‌اند. [داریوش شایگان، تارنمای مجلهٔ بخارا، پیوند مطلب](#)

Long s

- حرف S بلند (شکل آن در صفحهٔ آتی آمده است)، یک فرم قدیمی حرف S کوچک است که بسیار شبیه f کوچک نوشته می‌شود. بعضی اوقات نیز خط کوچک افقی f را هم دارد، اما با این تفاوت که سمت راست خط افقی را ندارد.
- این S در قرون ۱۷ و ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ در زبان انگلیسی بکار می‌رفته است و برای طرز استفاده از آن قواعدی داشته است. بطور نمونه، قبل یا بعد از حرف f و همچنین آخر کلمه (بجز استثنائاتی) نمی‌آمده است. البته در آخر علائم اختصاری کلمات استفاده می‌شده است.
- بطور نمونه، در پیوند اینجا، S بلند در ویرایش پنجم دایره‌المعارف بریتانیکا چاپ ۱۸۱۷ مشاهده می‌شود، اما در ویرایش ششم در سال ۱۸۲۳ کاملاً با S جایگزین شده است.



[Wikipedia link](https://en.wikipedia.org/wiki/Paradise_Lost)

■ در نمونه دیگر، صفحهٔ عنوان کتاب

Paradise Lost

اثر جان میلتن را ملاحظه نمایید.

https://en.wikipedia.org/wiki/Paradise_Lost

How has Greek influenced the English language?

- **How many words derived from Greek have you used today? British Council teachers in Greece, Martha Peraki and Catherine Vougiouklaki, explain why English owes so much to the Greek language.**
- *Antique, idol, dialogue, geography, grammar, architect, economy, encyclopaedia, telephone, microscope ...* all these common English words have something in common: they're derived from Greek. To this list, we could add thousands more words, some common and others less so. Clearly, the Greek language has had an important influence on the English language.

What English owes to the Greek language

- The Oxford Companion to the English Language states that the 'influence of classical Greek on English has been largely indirect, through Latin and French, and largely lexical and conceptual...'.
(Note: The text 'influence of classical Greek on English has been largely indirect, through Latin and French, and largely lexical and conceptual...' is highlighted in blue in the original image.)
- According to one estimate, more than 150,000 words of English are derived from Greek words. These include technical and scientific terms but also more common words like those above.
- Words that starts with 'ph-' are usually of Greek origin, for example: philosophy, physical, photo, phrase, philanthropy.

-
- A great example of the influence of the Greek language are the two speeches written in English but actually consisting of only Greek words (with the exception of articles and prepositions) by the former Prime Minister Prof. Xenophon Zolotas, who was also an economist.

Ref: www.britishcouncil.org/voices-magazine

- [Xenophon Zolotas - Wikipedia](#)

■ زبان انگلیسی با گسترش امپراتوری انگلستان و تأسیس مستعمرات متعدد و همچنین مهاجرنشینهای انگلوساکسون در اقصی نقاط کره زمین، گسترش پیدا کرده و غلبه آن بر زبانهای دیگر را مدیون تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم است.

چند صدایی حروف الفبای انگلیسی

■ چند صدایی در حروف الفبای زبان انگلیسی به وفور وجود دارد. بطور نمونه در حروف بی صدا:

■ حرف **c** بصورت «س»، «ک» و یا حتی «ش» تلفظ می شود.

- circle, cycle,
- cart, cyst,
- ocean,

■ حرف **g** بصورت «ج»، «گ» و یا حتی «ژ» تلفظ می شود. نظیر

- get, gift, girl, gild, geese, gear,
- gem, gel, genus, gee, agile, giraffe,
- espionage, camouflage,

■ حرف S بصورت «س»، «ز»، «ش» و یا حتی «ژ» تلفظ می شود، نظیر

- sign, social,
- design, as, easy, nose,
- sure, insurance, sugar, Sri Lanka,
- measure, pleasure, usual, visual, casualty, vision, Persia, Asia,
- island, islet (s تلفظ نمی شود)

■ دو حرف SS بصورت «س»، «ز» و یا حتی «ش»، تلفظ می شود، نظیر

- dissolute,
- dissolve,
- assure,

■ حرف X در کلمات مختلف بصورت‌های متفاوت تلفظ می‌شود، نظیر

- ❑ fox,
- ❑ exam,
- ❑ xylophone,
- ❑ excellent,

■ دو حرفی **ch** در کنار هم، در کلمات مختلف، سه نوع تلفظ دارد.

- ❑ chain, change, chaff, archer,
- ❑ school, chemistry, stomach, mechanics, chaos, archive, archaic, character, choir, Christ, anchor, monarchy, headache, cholera,
- ❑ machine, chauffeur, champagne, chef, chalet,

■ دو حرفی **th** در کنار هم، در کلمات مختلف، سه نوع تلفظ دارد.

- ❑ that, this, the, then, brother,
- ❑ north, mouth,
- ❑ Thames, Thomas, thyme, chatham, Thailand,
- ❑ lighthouse = light + house

■ دو حرفی **wh** در کنار هم، در کلمات مختلف، دو نوع تلفظ دارد:

- who, whom, whose, whole, wholly, whoop,
- white, wheel, whale, what, which, where,

البته ممکن است گفته شود که **h** در دسته دوم خوانده نمی‌شود.

■ صدای «**ف**» در کلمات زیر تلفظ می‌شود:

- fish, off, (phone, graph, dolphin), giraffe,
(laugh, rough, enough), von, pfizer,

■ صدای ش در:

- sh: ship,
- ch: chef,
- c or ci: delicious, musician,
- t or ti: patient,
- s: sugar, Sri Lanka,
- ssi: professions,
- sci: conscious,
- che: moustache,
- c: ocean,
- ss: assure,

- sch:
- schwa,
- schnitzel,
- schuss,
- schlep,
- Schrodinger equation

■ اشتباه در خصوص:

- dogshhead

■ صدای ز در:

- please,
- poison,
- cheese,
- music,
- mosaic,
- dessert,
- scissors,
- anxiety,
- xylophone, xenon,
- sneeze,

■ صدای واو فارسی و عربی در:

- van,
- window,
- of,
- Stephen,

چند صدایی در حروف صدادار

■ حروف صدادار در انگلیسی به شکلهای مختلفی تلفظ می‌شود، بطور نمونه:

■ حرف A

- father, call, cat, Caesar, game, affect, woman,
- historically, theoretically, mathematically,
(حرف ای در ردیف آخر خوانده نمی‌شود).

■ حرف O

- | | |
|-----------------------|-----------|
| □ order, | □ on, |
| □ open, | □ region, |
| □ one, once, oneness, | □ women |

■ حرف E

- enemy, elegant,
- he, she, me, we, be, evil, genus,
- eleven,
- were, there, headache, axe (حرف ای در آخر آن تلفظ نمی‌شود)
- rendezvous, /'rɒndɪvuː, 'rɒndeɪvuː/
- café, pâté, fiancé, résumé

لازم به ذکر است که امروزه نشانه‌گذاری فوق بطور معمول حذف می‌شود.

■ تفاوت تلفظ حرف **y** در کلمات زیر را ملاحظه نمایید:

□ yellow, fly, body, myth

■ حرف **U**

□ busy,

□ bury,

□ but, unclassified,

□ put,

□ university,

■ دو حرفی oo در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

- ❑ fool, cool, choose, food, loose, moon, school, zoom,
- ❑ book, cook, hook, good,
- ❑ door, floor,
- ❑ blood, flood,
- ❑ brooch,
- ❑ coordinate, cooperation, zoology,

البته سه کلمه ردیف آخر اصطلاحاً digraph نیست و هر سه تلفظ متفاوتی دارند.

■ دو حرفی ea در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

- please, bean, cheat, easy, leave, meat, eat,
- already, head, bread, dead, instead, ready, weather,
- search, earth,
- near, ear,
- great, steak, break,
- heart

■ دو حرفی **oe** در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

□ shoe, hoe, phoenix, does,

■ دو حرفی **eo** در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

□ jeopardy, leopard,

□ people,

□ yeoman,

□ theory,

البته کلمهٔ ردیف آخر اصطلاحاً digraph نیست.

■ دو حرفی **ui** در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

□ build, (fruit /fru:t/), (pursuit /pə'sju:t/)

■ دو حرفی **ie** در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

□ believe,

□ die,

□ friend,

□ collie,

□ fierce,

□ science,

البته کلمات دو ردیف آخر اصطلاحاً digraph نیستند.

■ دو حرفی **ei** در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

- vein, rein,
- leisure,
- either,
- receive, ceiling, receipt,

البته کلمات ردیف نخست اصطلاحاً digraph نیستند.

■ دو حرفی **ae** در کنار هم، در کلمات مختلف، تلفظهای متفاوتی دارد.

- aegis, aesthetic, jaeger, maestro, bacchae,

■ جالب اینست که چهار حرفی **ough** در کنار هم، در کلمات مختلف هفت تلفظ متفاوت دارد.

- although, though,
- through, breakthrough,
- tough, rough, enough,
- thought, ought,
- cough,
- drought, plough,
- thorough

■ List of Words with Silent Letters in English

www.myenglishteacher.eu/blog/list-of-words-with-silent-letters-in-english/

- **A**: logically,
- **B**: climb, comb, limb, crumb, dumb, bomb, thumb, tomb, debt, doubt, debtor, doubtful, subtle /'sʌt(ə)l/, subtleness,
- **C**: acquire, muscle, scissors, ascent, miscellaneous, fascinate, scenario,
- **D**: bridge, edge, Handkerchief, Wednesday, sandwich, handsome, pledge, dodge, grudge, hedge
- **E**: giraffe, brunette, cassette, gazelle,
- **G**: high, sign, foreign, align, cognac,
- **H**: heir, honest,
- **I**: business,

-
- **K**: knife, know, knife, knee, knock, knowledge,
 - **L**: calf, talk, calm, half, talk, walk, would, should, could, calf, salmon, yolk, chalk, folk, balm,
 - **M**: mnemonic
 - **N**: damn, hymn, Autumn, column, solemn,
 - **O**: colonel,
 - **P**: corps, pneumatic, psychologist, pseudonym,
 - **S**: debris, island
 - **T**: ballet, listen, castle, Christmas, fasten, listen, often, whistle, hasten, soften,
 - **W**: answer, two, wrap, write, wrong, wring, wreck, wrestle, wrist,
 - **Z**: rendezvous,
-

■ آموزش تلفظ کلمات مشکل در زبان انگلیسی ۲ - آپارات

■ آموزش تلفظ کلمات مشکل در زبان انگلیسی - آپارات

■ ۵۰ لغت انگلیسی که اشتباه تلفظ می کنید - آپارات

■ آموزش بعضی اصطلاحات و تلفظ آنها - آپارات

■ تقویت تلفظ زبان انگلیسی - آپارات

■ مابین دو صدای فتحه و آ از لحاظ تئوری بینهایت صدا می توان داشت.

■ بین دو صدای فتحه و کسره، تعداد زیادی صدای مابین می توان تولید کرد. بین دو صدای کسره و ضمه هم همینطور! البته گوش ما نسبت به همه آنها حساس نیست.

■ اینکه یک زبانی صداهای مابین زیادی داشته باشد، سبب غامض شدن آن خواهد شد و حسنی برای آن تلقی نمی شود.

■ تلفظهای متفاوت در ساختار مشابه

□ (give, fine, definite)

■ نمونه‌ای از هفت ساختار متفاوت برای تولید صدای مشابه:

□ game, gain, rein, haste, play, prey, weigh,

■ یک ساختار اما با دو تلفظ مختلف:

□ eight, weigh, neighbor,

□ height,

■ یک ساختار اما با دو تلفظ مختلف:

- here, adhere,
- were, there, where,

■ یک ساختار اما با چند تلفظ مختلف:

- sign, signum, signee,
- signature, significant, designate,
- design,
- signora, signor, signorina (وام‌واژه‌های اسپانیایی)

■ تلفظ حرف آخر the به کلمه مابعد آن مربوط است.

■ آیا سیستم نوشتاری زبان انگلیسی اصطلاحاً فونتیک (Phonetic) است؟

■ با یک املاء، دو جور خوانده می‌شود:

- **Heteronym, Heterophone:** read, resign, wind, live, minute, lead, house, close, use,

■ با یک تلفظ، بصورت‌های مختلف نوشته می‌شود:

- **Homophone:** (to, two, too), (there, their, they're), (write, right, wright, rite), (pray, prey), (cite, site, sight), (which, witch), (ring, wring), (way, weigh),

البته to به سه صورت تلفظ می‌شود.

-
- A quirk of the English language: the nonword "ghoti" can be pronounced as 'fish', with the 'gh' from words such as 'tough', the 'o' from words such as 'women', and the 'ti' from words such as 'station'.

www.britannica.com/facts/English-language

- People, talk, region, honor, honest, Wednesday, scheme, jeopardy, receipt, friend, cache, league, catalogue, ghost, rendezvous, fuselage, rhetoric, cumulative, anxious, annihilate, Czech, adjacent, yoghurt, efficient, wrestle, write, rhymes, rhombus, knight, knife, know, exhibitor, racquet, antique, debt, client, schizophrenia, impugn, jaeger, hoe, high, plateau,

■ مشکل صدای قاف در انگلیسی:

■ Qatar, Iraq, Afghanistan,

■ اگر بخواهید نام کسی را که در آن کلمه مذهب **mazhab** دارد، به انگلیسی بنویسید، به مشکل بر می‌خورید و ممکن است مَثَب تلفظ شود. همچنین اسامی ازهارى، تسهیلی (**tashili**)،

■ معادل انگلیسی اسامی معادینخواه، فائزه، مأمون، اعوانی، ... چگونه خواهد شد؟
ma'aadi

■ تفاوت قیاسی و غیاثی، باقری و باکری، عسگری و اصغری، معادی و مادی، ...

- در برگردان اسامی غیرانگلیسی (نام افراد، مکانها) به انگلیسی، حتی چهارتا حرف صدادار هم ممکن است کنار هم قرار گیرد. لغتی شبیه معونه را در نظر بگیرید؟ **Maeounah**
- لغاتی که روی چ، خ، ژ و ق تشدید دارند، در املاي انگلیسی با مشکل مواجه می‌شوند (لغات وارداتی به انگلیسی).
- لغاتی که روی حرف «س» تشدید دارد، در املاء انگلیسی با بدون تشدید آن چگونه تمییز داده می‌شود؟
- فتحه و ضمه به انگلیسی بصورت **fatha** و **damma** نوشته می‌شود.

Two sounds, not a digraph

- gaseous,
- hideous,
- geology,
- theology,
- gorgeous,
- ideology,
- meteor,
- neolith,
- reopen,
- hereof,
- hereon,
- makeover,
- moreover,
- someone,
- takeoff,
- takeout,
- thereof,
- timeout,

- املاي يك اسم مركب انگليسي ممكن است به سه طريق صورت پذيرد:
 - بهم چسبيده،
 - با فاصله،
 - با استفاده از هايفن،

اين موضوع ممكن است سبب سردرگمي در املاي اينگونه كلمات شود.

بسياري از نويسندگان كلمات مركب پر کاربرد و معروف را بدون استفاده از هايفن مي نويسند، چرا كه معتقدند سبب اشتباه خوانندگان نمي شود.

نمونه‌ای از کلمات مرکب بهم متصل

- sunset,
- football,
- classroom,
- software,
- shopkeeper,
- doorbell,
- seatbelt,
- redhead,
- hairpin,
- handshake,
- newspaper,
- nightmare,
- grandmother,
- rainfall,
- sunset,
- waterproof,
- firework,
- lifeboat,
- bookstore,
- greenhouse,
- whiteboard,
- policeman,
- drawback,
- underground,
- overthrow,
- lifestyle,
- bathroom,
- breakfast,
- shoelace
- motorcycle,
- maybe,
- anytime,
- blackbird,

تفاوت تلفظ انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی (در حرف a)

- advance,
- after,
- answer,
- ask,
- can't,
- class,
- chance,
- craft,
- dance,
- demand,
- example,
- grant,
- half,
- fast,
- France,
- Last,
- master,
- past,
- path,
- rather,
- task,
- vast,

■ آمریکاییها کلمات **Iran** و **Iraq** را بصورت آیرن و آیرک تلفظ می کنند، مگر اینکه تلفظ صحیح آن را از قبل بدانند.

- icon, idol, item, ivory, idea, Irish, Isaac, island, islet,
- idiom, idiot (متفاوت تلفظ می شوند)

■ کلماتی که به «ay» ختم می شود، در لهجه استرالیایی بصورت «آی» تلفظ می شود.

- today, yesterday,

- acute: café, fiancé
- Circumflex: crêpe, depôt,
- Naïve, Noël, Chloë, Zoë,
- Piñata,
- Cedilla: façade (فساد)

■ علامت اخیر در فرانسوی برای اینکه نشان دهد، حرف C صدای سین می دهد و نه کاف بکار می رود.

■ امروزه در زبان انگیسی، نشانه گذاری کلمات فوق حذف می شود؛ چرا که می گویند نیازی به نوشتن آنها نیست و مخاطبان تلفظ آنها را می دانند.

■ در آلمانی سه حرفی (trigraph) **sch** بصورت «ش» تلفظ می‌شود.

■ چهار حرفی (tetragraph) **dsch** بصورت «ژ» تلفظ می‌شود.

■ پنج حرفی (pentagraph) **tzsch** بصورت «چ» تلفظ می‌شود.

■ وقتی این کلمات وارد انگلیسی می‌شود، با همان املا و بعضاً تلفظ بکار می‌رود.

□ Nietzsche, Nazi,

نیچه، ناتسی،

■ افعال بی قاعده

■ اسامی جمع بی قاعده

□ foot, feet

■ شکل جمع و مفرد یکسان

□ aircraft, spacecraft, hovercraft, advice, sheep,

□ knowledge, luggage, cattle, cannon,

□ news, scissors, species, trousers,

-
- تلفظ کلماتی که حرف نخست آنها صامت است، دشوار است، نظیر
 - student,
 - عدم روال واحد در استفاده از هایفون در کلمات ترکیبی انگلیسی،
 - در تلفظ کلمات انگلیسی توجه به **stress** مهم است، اما از روی املاي آن نمی‌توان آن را فهمید و بطور صحیح تلفظ کرد.

List of the longest English words with one syllable

■ در ویکیپدیای انگلیسی ۱۲ کلمهٔ یک سیلابسی ۱۰ تا ۱۲ حرفی ذکر شده است که از طریق لینک ذیل قابل مشاهده است. قرارگرفتن چند حرف صامت در کنار هم در یک کلمه، تلفظ آن کلمه را دشوار می‌کند.

■ List of the longest English words with one syllable

- strengthened [/'strɛŋθt/](#)
- squirreled [/'skwɜːrld/](#)
- scrootched [/'skru:tft/](#)
- schnappsed [/'ʃnæpst/](#)

- به زبان فارسی ایراد می‌گیرند که چرا در الفبای آن، نام بعضی حروف مانند الف، جیم، دال و کاف مطابق صدای حرف مزبور نیست.
- در زبان انگلیسی و حتی زبان لاتین، حروف الفبای آن به شکلهای متفاوتی خوانده می‌شود، بطور نمونه:

- A, J, K,
- B, C, D, G,
- F, L, M, N, S
- H ???
- I
- W ???

■ انگلیسی‌زبانان خود را مقید به تلفظ کلمات خارجی دقیقاً نظیر زبان خارجی مربوطه نمی‌دانند. بطور نمونه، کلمات مسعود، عبدالقادر،

■ اصطلاح نظیرالسمت را به Nadir تبدیل کرده‌اند.

■ الخوارزمی را الگوریتم تلفظ می‌کنند.

■ آیگوپتوس را تبدیل به ایجبت (Egypt) کرده‌اند.

■ بیتسحاک (اسحاق) را آیزک تلفظ می‌کنند.

■ زنگبار را زنزبار (Zanzibar) می‌گویند.

■ القاعده را الکایدو تلفظ می‌کنند.

■ بندر «أُمُّ الْقَصْرِ» را «أم گسا» تلفظ می‌کنند.

■ اگر ابتدا لغات انگلیسی را در نوشته‌ای ببینیم و آن را با تصور خودمان تلفظ کنیم و بعداً تلفظ آن را هم یاد بگیریم، چندین برابر انرژی صرف کرده، تازه اگر تلفظ صحیح را بدرستی فرا بگیریم.

■ راه یادگیری زبان انگلیسی با تلفظ صحیح آنست که ابتدا تلفظ لغات را چندین بار شنید و تکرار کرد و تنها پس از ادای صحیح تلفظ آن، املاي آن رؤیت شود. در غیر اینصورت، مشاهده املاي آن، ما را در تلفظ صحیح گمراه می‌کند و زدودن تلفظ غیر صحیح از ذهن نیز دشوار است. یکی از دلایل ناکارآمد بودن نظام آموزش زبان انگلیسی در مدارس کشور همین است.

■ اگر در کتابت زبان فارسی، تلفظهای متفاوت قابل تصور است، در عوض انعطاف‌پذیری آن برای لهجه‌های مختلف بیشتر می‌شود.

■ ایراد اینجاست که در یک الفبای به اصطلاح حقیقی، با یک املائی مشخص، تلفظهای مختلف داشته باشیم. اینکه اعرابگذاری نداشته باشیم بهتر از اینست که اعرابگذاری غلط داشته باشیم، مثلاً روی حرفی فتحه گذاشته شود، اما با ضمه خوانده شود.

■ اگرچه کاربرد سرواژه‌ها از نقاط قوت زبان انگلیسی محسوب می‌شود، اما زیاده‌روی در آن باعث سردرگمی افراد می‌شود.

مثالی طنزآمیز از زیاده‌روی در استفاده از سرواژه‌ها و علائم اختصاری و مشکل همانندی آنها در زبان انگلیسی

■ My Last Job Interview:

OFFICER: What is your name?

Me: M.P. sir

OFFICER: In full please

Me: Marvin Paul

OFFICER: Your father's name?

Me: M.P. sir

OFFICER: What does that mean?

Me: Martin Paul

OFFICER: What is your qualification?

Me: M.P.

OFFICER: (angry) What is that?!!!

Me: Maths and Physics

OFFICER: So why do you need a job?

Me: It is because of M.P. sir

OFFICER: Meaning?

Me: Money Problem

OFFICER: Would you explain yourself and stop wasting my time?

What's your personality like?

Me: MP sir.

OFFICER: And what is that?

Me: Marvelous Personality

OFFICER: I see... I will get back to you.

Me: Sir, how was M.P. sir?

OFFICER: And what's that again?

Me: My Performance.

OFFICER: I think you have M.P.

Me: What's that?

OFFICER: Mental Problem!!!

برگرفته از فضای مجازی، بدون ذکر مرجع

■ در زبان انگلیسی و آلمانی و زبانهای لاتین پایه این قابلیت وجود دارد که کلمات طویلی ابداع شود (البته منحصر به این زبانها نیست). در پیوند ذیل می‌توانید کلماتی چند هزار حرفی تا چند ده حرفی را ملاحظه نمایید. بدیهی است که کلمات بسیار بسیار طویل دارای صدها حرف، غیر قابل استفاده است، اما قدرت لغت‌سازی این زبان را نشان می‌دهد. این قابلیت، قدرت ساخت واژگان علمی در انگلیسی را نمایان می‌سازد.

■ [Longest word in English - Wikipedia](#)

■ بطور نمونه:

- Pseudopseudohypoparathyroidism
- Antidisestablishmentarianism
- Floccinaucinihilipilification

کوتاه‌نویسی، مختصرنویسی، تندنویسی

■ کوتاه‌نویسی، مختصرنویسی، تندنویسی، به روشهای مختلف برای افزایش سرعت نوشتن در مشاغل مختلف استفاده می‌شده‌است. بطور نمونه، با حذف حروف صدادار (یا حذف صداهاى کوتاه) و تنها نوشتن حروف بیصدا، علائم اختصاری و بعضی قواعد نظیر درج «نقطه» بجای حرف تعریف «the» و خط مورب بجای نقطهٔ آخر جمله،

■ .Nu bk s bg\ (The new book is big)

■ استفاده از این روشها خود گویای معایب استفاده از تمام حروف صدادار در خط است. البته امروزه با ضبط صدا و سپس پیاده‌سازی متن از جذابیت این روشها کاسته شده است.

See also:

■ [How to use Alphabetic Shorthand Systems - Classroom](#)

نمونه‌هایی از کوتاه‌نویسی

- u (you)
- I (I)
- w (we)
- r (are)
- kd (could)
- tl (tell)
- ltl (little)
- btr (better)
- scs (success)
- grp (group)
- yrs (yours)
- dsk (desk)
- klr (clear)
- xmpl (example)
- xclnt (excellent)
- xcpt (except)
- dr (dear)
- pls (please)
- bk (book)
- gv (give)

Shorthand systems can also be classified according to the way that vowels are represented.

- *Alphabetic* – Expression by "normal" vowel signs that are not fundamentally different from consonant signs (e.g., Gregg, Duployan).
- *Mixed alphabetic* – Expression of vowels and consonants by different kinds of strokes (e.g., Arends' system for German or Melin's Swedish Shorthand where vowels are expressed by upward or sideway strokes and consonants and consonant clusters by downward strokes).
- *Abjad* – No expression of the individual vowels at all except for indications of an initial or final vowel (e.g., Taylor).
- *Marked abjad* – Expression of vowels by the use of detached signs (such as dots, ticks, and other marks) written around the consonant signs.

- **Positional abjad** – Expression of an initial vowel by the height of the word in relation to the line, no necessary expression of subsequent vowels (e.g., Pitman, which can optionally express other vowels by detached diacritics).
- **Abugida** – Expression of a vowel by the shape of a stroke, with the consonant indicated by orientation (e.g., Boyd).
- **Mixed abugida** – Expression of the vowels by the width of the joining stroke that leads to the following consonant sign, the height of the following consonant sign in relation to the preceding one, and the line pressure of the following consonant sign (e.g., most German shorthand systems).

GREGG.

Handwritten shorthand in Gregg script, consisting of five lines of cursive symbols and strokes.

ISAAC PITMAN.

Handwritten shorthand in Isaac Pitman's shorthand system, consisting of three lines of symbols and strokes.

-
- [shorthand, stenography - Encyclopedia Britannica](#)
 - A system for rapid writing that uses symbols or abbreviations for letters, words, or phrases. Among the most popular modern systems are Pitman, Gregg, and Speedwriting.
 - For more on Greg and Pitman, see the above link.
 - See history and development of shorthand at Britannica

-
- **Gregg shorthand**, system of rapid writing based on the sounds of words that uses the curvilinear motion of ordinary longhand. Devised by the Irishman John Robert Gregg (1867–1948), who originally called it light-line phonography and published under that name in pamphlet form in 1888 in England, the system was taken in 1893 to the United States, where it is now taught and used more than any other system. It has also been adapted to numerous languages, among them French, Spanish, Hebrew, Russian, Italian, Tagalog, Chinese, and Polish.

- **Speedwriting**, shorthand system using the letters of the alphabet and punctuation marks. The name is a registered trademark for the system devised in the United States by Emma Dearborn about 1924.
- In Speedwriting, words are written as they sound, and only long vowels are expressed. Thus, “you” is written *u*, and “file” is *fil*. Some letters are modified for speed (e.g., the *i* is not dotted). The system also uses abbreviations and flourishes. One flourish is the underscoring of a final letter to express “ing.”
- Speedwriting is considered easier to learn but not as rapid as the Pitman or Gregg shorthand systems, which use symbols rather than longhand letters.

- Speedwriting shorthand uses the letters of the alphabet and the known punctuation marks to represent sounds. For example, the sound of *ch* is written with a capital C; the word *each* is thus written *eC*.
- More than 20,000 words in the Speedwriting dictation can be written with a total of 60 rules and a list of approximately 100 brief forms and standard abbreviations.
- Speedwriting shorthand is taught in several languages—including English, Spanish, Italian, Portuguese, German, Flemish, and Afrikaans—in many countries.

عوامل گسترش و افول زبان انگلیسی

■ دو عامل ذیل در گسترش آتی زبان انگلیسی به عنوان زبان میانجی و زبان بین‌المللی علم نقش دارند:

□ فراگیری هرچه بیشتر زبان انگلیسی توسط دانش‌آموزان،

□ افزایش جمعیت کشورهای مهاجرپذیر آمریکا، کانادا و استرالیا

■ عوامل ذیل مانع گسترش آتی یا افول زبان انگلیسی هستند:

□ کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای انگلوساکسون،

□ مخالفت‌های سیاسی با سلطه کشورهای انگلوساکسون،

□ خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، تجزیه بریتانیا (جدایی اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی)

□ مترجم‌های برخط و نرم‌افزارهای فضای مجازی نظیر پیکسل‌چت،

□ ترجمه مقالات و منابع به انگلیسی و برعکس با یک کلیک به کمک هوش

مصنوعی

- به علاوه، جهتگیری دو کشور چین و هند در این خصوص (همراهی یا مخالفت شدید) حائز اهمیت زیادی می‌باشد.
- چین با جمعیتی بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر و همچنین، پراکندگی اقلیتها و جوامع چینی در دنیا، از لحاظ جمعیتی نیز در این خصوص تأثیر بسزایی دارد. جمعیت اقلیتهای چینی در بعضی از کشورهای جنوب شرقی آسیا قابل توجه است.
- رویگردانی هند (با جمعیتی حدود یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر) از زبان انگلیسی می‌تواند ضربه سنگینی به زبان انگلیسی وارد کند. البته با توجه به این که زبان هندی در هندوستان فراگیر نیست و زبان انگلیسی به عنوان زبان میانجی در آن کشور محسوب می‌شود، حداقل در میان مدت این امر میسر نخواهد بود، هرچند سیاست دولت کنونی هند هندوسازی است.

■ زبان یونانی پس از اسکندر و جانشینانش (بطالسه و سلوکیان)، رو به افول گذاشت. زبان عربی پس از حمله مغول، رو به افول گذاشت و زبان لاتین هم پس از فروپاشی امپراتوری روم رو به افول گذاشت و در مرحله دوم با شورش علیه کلیسای کاتولیک، با زبانهای اروپایی جایگزین و کاملاً حذف شد.

■ همانطور که ملاحظه می‌شود، افول زبان با تأخیری نسبت به افول سیاسی، نظامی و اقتصادی حادث شده است، که ممکن است این تأخیر چند قرن هم طول کشیده باشد؛ اما افول پرتغالی و اسپانیایی و تا حدودی فرانسوی سریعتر اتفاق افتاده است. این موضوع محتمل است برای زبان انگلیسی نیز با افول سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای انگلوساکسون با تأخیری بوقوع بپیوندد. این افول در رده‌بندی اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورهای انگلوساکسون در سطح جهانی بوضوح قابل مشاهده است.

■ در خصوص «ترجمهٔ مقالات و منابع به انگلیسی و برعکس با یک کلیک به کمک هوش مصنوعی» باید گفت که محققین غیر انگلیسی‌زبان برای این که تحقیقاتشان در سطح بین‌الملل دیده شود، به زبان انگلیسی می‌نویسند، اما اگر بطور نمونه، مقاله به زبان فارسی نوشته شود (بهمراه عنوان و چکیده انگلیسی) و سایر محققین به زبانهای دیگر بتوانند با یک کلیک آن را به زبان انگلیسی یا زبان خودشان برگردانند، این مزیت زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی مشترک، بسیار تضعیف می‌شود.

■ کشورهای مختلف ناچارند برای حفظ و ارتقای سطح فناوری و نوآوری خود، افراد نخبه از سراسر جهان را جذب کنند. همچنین بواسطه کاهش نرخ زاد و ولد مهاجر بپذیرند. با توجه به اینکه هم‌اکنون زبان انگلیسی زبان بین‌المللی است، ورود نخبگان سبب گسترش زبان انگلیسی در این کشورها خواهد شد، بویژه برای کشورهای کوچک چندزبانۀ اروپایی.

■ عدم پرداخت شهریه در دانشگاه‌های آلمان، اتریش و فرانسه موجب علاقمندی دانشجویان خارجی بوده است. البته مشکلات بودجه‌ای سبب محدودیت در این خصوص شده است.

■ فرانسه قصد دارد زبان انگلیسی را از نشست‌های اتحادیه اروپا حذف کند

■ به گزارش ایسنا، به نوشته نشریه تلگراف، یکی از دیپلمات‌های اتحادیه اروپا اظهار داشت: هنگامی که پاریس در سال ۲۰۲۲ ریاست دوره‌ای شورای اتحادیه اروپا را بر عهده بگیرد، دیپلمات‌های فرانسوی نشست‌های کلیدی و کارگروه‌ها را به زبان فرانسوی برگزار خواهند کرد، یادداشت‌ها عمدتاً به زبان "گلیش" برداشته می‌شوند و ترجمه‌ها همیشه ارائه نخواهند شد.

■ امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه از زمان روی کار آمدنش در رأس امور ابتکار عمل‌هایی را برای تقویت آموزش زبان فرانسوی در سراسر جهان و ترویج چندزبانگی به راه انداخته است.

■ به گزارش ایرنا، تیرماه سال ۱۳۹۵ خبرگزاری رویترز به نقل از «دانوتا هوبنر» رئیس وقت کمیته امور قانونی پارلمان اروپا اعلام کرد که بعد از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، انگلیسی یکی از زبان‌های رسمی این اتحادیه نخواهد بود و نهادهای اروپایی از این زبان به عنوان زبان رسمی صرفه‌نظر خواهند کرد. وی به صراحت گفت «اگر انگلیس در اتحادیه اروپا نباشد، زبان انگلیسی نیز نخواهد بود.»

■ هوبنر با توجه به استفاده بیشتر کارمندان این اتحادیه از زبان انگلیسی، گفته بود، کشورهای دیگر در صورت تمایل به ادامه استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی، باید مقررات مربوط به قوانین زبان‌های رسمی را به اتفاق آراء تغییر دهند. وی اعلام کرده بود، «قانونی داریم که طبق آن هر کشور اتحادیه اروپا حق مشخص کردن یک زبان رسمی را دارد. ایرلندی‌ها زبان «گیلیک» و مالت، زبان «مالتی» را اعلام کرده‌اند. بنابراین، فقط انگلیس است که زبان رسمی‌اش را انگلیسی اعلام کرده است.»

■ نظام اداری اتحادیه اروپا بر یک زبان استوار است و آن انگلیسی است. این اعتقاد رایج وجود دارد که اگر نتوانید به انگلیسی صحبت کنید، آن وقت سخت بتوان ثابت کرد که اصلاً وجود دارید. این در حالی است که انگلیسی از نظر تعداد شهروندان تکلم‌کننده مقام نخست این قاره را در اختیار ندارد.

یورونیوز ۳۰/۰۹/۲۰۱۹

■ جاناتان هان، کمیسر اتریشی اتحادیه اروپا، در این باره می‌گوید: «من فکر می‌کنم ۲۵ درصد کارکنان دفتر در بروکسل را مترجمها تشکیل می‌دهند چرا که هر شهروند اروپایی باید بتواند با ما به عنوان نهاد اروپا با زبان خودش مکالمه کند.»

یورونیوز ۳۰/۰۹/۲۰۱۹

■ ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا در این رابطه گفت که «اندک اندک انگلیسی اهمیتش را از دست می‌دهد.» یورونیوز ۲۵/۰۷/۲۰۱۷

■ کمیسیون اروپا اعلام کرد زبان انگلیسی پس از برکسیت در سال ۲۰۲۱ همچنان به عنوان زبان رسمی اتحادیه اروپا باقی خواهد ماند.

یورونیوز ۱/۰۱/۲۰۲۱

■ کمیسیون اروپا پس از همه پرسی بریتانیا در ژوئن ۲۰۱۶ در بیانیه‌ای تأکید کرده بود که هرگونه تغییر در نظام زبان نهادهای اتحادیه اروپا منوط به رأی موافق شورای اروپایی است. یورونیوز ۱/۰۱/۲۰۲۱

■ فرانسوی‌زبانان جهان دو برابر می‌شوند | Euronews

■ تازه‌ترین گزارش سازمان بین‌المللی فرانسه‌زبانان که چهار سال یک بار و همزمان با ۲۰ مارس، «روز جهانی فرانسوی‌زبانان» منتشر می‌شود می‌گوید که در حال حاضر ۳۰۰ میلیون نفر در جهان به زبان فرانسوی صحبت می‌کنند و تعداد گویشوران این زبان از سال ۲۰۱۴ میلادی تاکنون ۱۰ درصد بیشتر شده است.

■ گزارش‌های تازه نشان می‌دهد شمار گویشوران زبان فرانسوی به یمن انفجار جمعیتی در قاره آفریقا در نیم قرن آینده به حدود دو برابر میزان کنونی خواهد رسید.

■ هلند تدریس به زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها را محدود می‌کند-یورونیوز

۴/۰۶/۲۰۱۸

■ وزارت آموزش عالی هلند: «در قوانین مربوط به انتخاب زبان در مقاطع آموزش عالی و فنی و حرفه‌ای باید تجدید نظر صورت پذیرد و تأکید بیشتری بر تسهیل دسترسی به آموزش عالی برای دانش‌آموزان هلندی‌زبان شود.»

■ دولت این کشور اخیراً با انتقاد شدید اتحادیه دانشگاه‌ها و آموزش عالی مواجه شده است. این اتحادیه‌ها مدعی هستند با پذیرش دانشجویان خارجی و برگزاری برنامه‌های آموزش عالی به زبان انگلیسی، زبان هلندی در حال «انقراض» است.

■ با اینکه ۶۵٪ از رشته‌های تحصیلی در مقطع کارشناسی به زبان هلندی تدریس می‌شود، تنها ۱۵٪ از رشته‌ها در مقطع کارشناسی‌ارشد به این زبان تدریس می‌شود. در میان دانشجویان آموزش عالی در کشور هلند ۲۳٪ از دانشجویان کارشناسی‌ارشد و ۱۶٪ از دانشجویان کارشناسی خارجی هستند.

زبان اسپرانتو

- زبان اسپرانتو معروفترین زبان ابداعی میانجی جهان که در سال ۱۸۸۷ میلادی توسط دکتر لودویک لازاروس زامنهف (زامنخف) لهستانی ساخته شد.
- خط اسپرانتو خطی کاملاً آوانگار است. به عبارت دیگر، هر حرف و کلمه در این زبان، تنها به یک صورت می‌تواند تلفظ شود و یا بالعکس نوشته شود.
- لغات زبان اسپرانتو عمدتاً برگرفته از ریشه‌های متداول در زبان لاتین (و زبانهای رومیایی) و زبانهای ژرمنی است. یکی از دلایل جا نیفتادن آن، همین عدم بیطرفی و دلیل دیگر، عدم حمایت کشور بزرگی از آن است. نقص دیگر آن، عدم وجود ادبیات، متون مذهبی و موسیقی به این زبان است، که البته علاقمندان به اسپرانتو به مرور در حال ایجاد آن هستند.

- اسپرانتو بیش از همهٔ زبانهای ساختگی دیگر با استقبال روبرو شد. شمار گویشوران آن را بیش از ۱۰۰ هزار تن برآورد کرده‌اند.
- در ۱۹۰۸ میلادی انجمن جهانی اسپرانتو تشکیل شد که هر سال مجمع جهانی آن برگزار می‌شود. در سال ۲۰۰۰ میلادی این انجمن در ۱۱۹ کشور عضو داشته است.
- صدها نشریه به این زبان منتشر می‌شود و تاکنون هزاران کتاب، از جمله دربارهٔ دستور و آموزش آن، به چاپ رسیده است.

■ ایران نخستین کشور جهان است که بطور رسمی پیشنهاد استفاده از زبان اسپرانتو را در روابط بین‌المللی مطرح ساخته است. در سال ۱۹۲۱ هیئت نمایندگی ایران در نخستین اجلاسیه جامعه ملل پیشنهاد کرد که زبان اسپرانتو به عنوان زبان بین‌المللی در روابط بین‌کشورها و سازمانهای جهانی، مانند جامعه ملل، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

■ این پیشنهاد ایران در جامعه ملل، در تاریخ زبان اسپرانتو از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، تا آنجا که مورخین زبان اسپرانتو، تاریخ این زبان را به دو دوره متمایز قبل و پس از پیشنهاد ایران تقسیم‌بندی نموده‌اند.

احمد رضا ممدوحی، کتاب آسان‌ترین زبان دنیا، آروچ، ۱۳۸۴

■ شانس بزرگ برای اسپرانتو پدیدار شد، هنگامی که در دهه ۱۹۲۰ میلادی، نمایندگان ایران در جامعه ملل پیشنهاد دادند تا اسپرانتو به عنوان زبان ارتباطات بین‌المللی پذیرفته شود. در بین این مباحث حمله‌های شدیدی به اسپرانتو شد. **مخصوصاً هیئت فرانسوی هیاهوی بسیاری ضد این طرح راه انداخت. از نگاه فرانسویان، زبان فرانسه باید زبان بین‌المللی می‌شد. پیشنهاد ایران شکست خورد.**

سیلوان زَفت، اسپرانتو، زبان مشترک دهکده جهانی، ۲۰۰۳
به نقل از ویکیپدیای فارسی

قطعه‌نامه کنفرانس عمومی یونسکو (مونت ویدئو ۱۹۵۴)

کنفرانس عمومی پس از بحث درباره گزارش دبیرکل درباره درخواست جهانی برای حمایت از اسپرانتو:

- نتایج حاصله از بکارگیری اسپرانتو در زمینه تبادلات تفاهم‌آمیز بین‌المللی و برای نزدیک کردن مردم جهان به یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد،
- تأیید می‌کند که این نتایج با اهداف و آرمانهای یونسکو همخوانی دارد.
- یادآوری می‌کند که بسیاری از دولتهای عضو آمادگی خود را برای اجرا یا پذیرش آموزش اسپرانتو در مدارس یا مؤسسات آموزش عالی اعلام نموده‌اند، و از این دولتهای عضو می‌خواهد که دبیرکل را در جریان نتایج حاصله در این زمینه قرار دهند.
- به دبیرکل مأموریت داده می‌شود تا پیشرفت حاصل از بکارگیری اسپرانتو را در زمینه علوم، آموزش و فرهنگ پیگیری نموده و با این هدف با سازمان جهانی اسپرانتو در زمینه‌های مشترک مربوط به هر دو سازمان همکاری نماید.

کنفرانس عمومی یونسکو (سوفیا ۱۹۸۵)

نظر به قطعنامه نشست ۱۹۵۴ و یادآوری اینکه اسپرانتو در طی این فاصله زمانی پیشرفت قابل توجهی داشته و با تشخیص قابلیت‌های عظیمی که اسپرانتو برای تفاهم بین‌المللی و ارتباطات بین مردم عرضه می‌دارد،

- به جنبش اسپرانتو به خاطر صدمین سالگردش تبریک می‌گوید،
- از دولتهای عضو دعوت می‌نماید صدمین سالگرد اسپرانتو را با برگزاری گردهمایی‌ها، صدور بیانیه‌ها، چاپ تمبرهای ویژه و موارد مشابه گرامی داشته، و تشکیل گروه تحقیقاتی درباره مشکل زبان و درباره اسپرانتو را در مدارس و مؤسسات آموزش عالی خود ترغیب نمایند.
- به سازمانهای غیردولتی توصیه می‌نماید در جشن صدمین سال اسپرانتو شرکت نموده و امکان بکارگیری اسپرانتو به عنوان ابزاری برای گسترش هرگونه اطلاعات بین اعضای خود را بررسی نمایند.

(خلاصه بیانیه)

ظهور چین و مؤسسه کنفوسیوس

■ مؤسسه کنفوسیوس نهاد فرهنگی غیرانتفاعی دولتی چین بوده و مسئول اصلی توسعه و ترویج زبان چینی در جهان است. این مؤسسه از سال ۲۰۰۴ میلادی با هدف ترویج زبان و فرهنگ چینی در کشورهای خارجی کار خود را آغاز و تاکنون بیش از ۵۰۰ نمایندگی در سراسر جهان ایجاد کرده است.

■ تلاش چین برای تبدیل شدن به ابرقدرت فرهنگی / «موسسات کنفوسیوس» چیست؟

■ چین‌هراسی و راهبردهای پکن؛ «کنفوسیوس» لوکوموتیوی با سرعت ...

■ بورسیه تحصیلی مؤسسه کنفوسیوس برای ترویج زبان و فرهنگ چین

■ تبدیل شدن چین به دومین [؟ اولین] قدرت اقتصادی جهان مستلزم برداشتن موانع بسیاری از جمله جهانی سازی پول رایج و زبان این کشور است. وظیفه جهانی سازی زبان چینی بر عهدهٔ موسسهٔ کنفوسیوس گذاشته شده است. نام کنفوسیوس بدین جهت برای این مؤسسه انتخاب شده است که کنفوسیوس خود آموزگاری بزرگ و معلم اخلاق بود.

■ روز به روز بر تعداد افراد مشهوری که این زبان را یاد می‌گیرند افزوده می‌شود. اخیراً نیز مارک زاگربرگ، مؤسس و مدیر عامل فیسبوک، در حالی که با تعدادی از دانشجویان دانشگاه پکن به زبان چینی صحبت می‌کند دیده شده است. همچنین کوین رود، نخست وزیر سابق استرالیا و تیموتی گیتنر، معاونت سابق وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز چینی صحبت می‌کنند که نفر دوم در دانشگاه پکن تحصیل کرده است. حتی شاهزاده ویلیام نیز اخیراً مصاحبه‌ای به زبان ماندرین انجام داده و به زبان چینی برای شهروندان این کشور سال خوبی را آرزو می‌کند.

آموزش زبان چینی ابزاری برای گسترش نفوذ پکن در اقلیم کردستان عراق

■ به گزارش کردپرس به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، کنسولگری چین در اربیل اخیراً به برگزاری کلاسهای آموزش زبان چینی برای علاقمندان گُرد اقدام کرده است. زبان آموزان چینی در اقلیم کردستان از فرصت ایجاد شده برای یادگیری زبان چینی استفاده می کنند تا با توجه به افزایش حضور شرکتهای چینی در عراق و اقلیم کردستان عراق فرصت اشتغالزایی و کاریابی بیشتری داشته باشند.

■ سردار عزیز، محقق کرد: ایجاد مدارس زبان چینی در اقلیم کردستان بخشی از پروژه قدرت نرم چین برای آشنایی منطقه با چین است زیرا هر چه بیشتر مشتریان با زبان و فرهنگ چین آشنایی داشته باشند بیشتر به خرید کالاهای چینی رغبت نشان خواهند داد.

■ با توجه به اینکه برخی از زبان‌آموزان زبان چینی در اقلیم کردستان همزمان توانسته‌اند در برخی شرکتهای چینی مستقر در این منطقه استخدام شوند، کشور چین را در ایجاد بسترهای لازم برای توسعه این کشور موفق‌تر از کشورهای غربی می‌دانند زیرا معتقدند با وجود اینکه زمینه برای یادگیری زبانهای غربی در اقلیم کردستان نیز وجود دارد اما فرصت اشتغال‌زایی برای متقاضیان کرد در شرکتهای غربی کم است.

آموزش زبان چینی ابزاری برای گسترش نفوذ پکن در اقلیم کردستان عراق

■ هوچو چنگ معاون مؤسسه کنفوسیوس:

ما با ۱۵۰ کشور قرارداد همکاری داریم و ۵۴۰ مرکز آموزش زبان چینی در خارج از کشور فعال است و در بیش از هزار مدرسه و ۶۷۰۰ نقطه از جهان زبان و ادبیات چینی آموزش داده می‌شود و اکنون در جهان بیش از ۱۱ میلیون نفر در حال یادگیری زبان و ادبیات چینی هستند.

از تارنمای بنیاد سعدی ۱۳۹۸ / ۲ / ۱۵

فعالیت‌های فوق برنامه مؤسسه کنفوسیوس

مسابقات سطح یک زبان چینی در سراسر دنیا و بین دانشجویان ممتاز و در چند مرحله برگزار می‌گردد. شرکت‌کنندگان باید به جز اطلاعات تخصصی زبان چینی، اطلاعات کلی راجع به وضعیت جغرافیایی فرهنگی تاریخی و اطلاعات عمومی در مورد چین داشته باشند.

- کلاسهای آموزشی ورزشی: شامل دوره‌های آموزشی کونگ‌فو و ورزشهای رزمی مخصوص چین مثل تای جی چوان
- جشنها، مراسم سنتی و اعیاد مختلف چینی: که عمدتاً جهت معرفی فرهنگ و آداب و رسوم چینیها در اعیاد مختلف برگزار می‌گردد.
- برگزاری مهمترین امتحان تعیین سطح زبان چینی - تافل چینی - بین زبان‌آموزان خارجی و آموزان قومیت‌های چینی که زبان مادری آنها چینی نیست مدرک HSK صادره از این مؤسسه معتبرترین مدرک تعیین سطح زبان چینی می‌باشد.
- برگزاری کلاسهای آموزشی HSK

اهداف این مؤسسه عبارتند از:

- توسعه فناوری و نوآوریهای منجر به تولید محتوی با گروههای زبان چینی در دانشگاههای داخل و خارج کشور؛
- افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری مرتبط با زبان و ادبیات چینی، مطالعات ترجمه و مطالعات فرهنگی و چین‌پژوهی؛
- تعریف، اجرا و تجاری‌سازی پروژه‌های مورد نیاز در زمینه‌های روابط فرهنگی و ادبی ایران و چین، مطالعات ترجمه و ترجمه ادبی؛
- کمک به توسعه روابط و تعاملات خارجی و بین‌المللی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی چین با استفاده از بستر مرکز؛
- مشارکت در تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز برای توسعه و ارتقای مطالعات چین‌شناسی در ایران.

■ مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا ۱۳ اوت/۲۳ مرداد بیانیه‌ای را صادر کرد و در آن مرکز موسسه کنفوسیوس در آمریکا را به عنوان «یک گروه دیپلماتیک» خواند و ادعا کرد که «مؤسسات کنفوسیوس بخشی از پروژه نفوذ جهانی و یکی از ابزارهای تبلیغاتی حزب کمونیست چین هستند.»

[تله توسیدید که سخنرانی جالبی از گراهام آلیسون است، حتماً ببینید.
این سخنرانی از سخنرانیهای TED است و در چند صفحه آتی آمده است.]

واکنش رادیو بین‌المللی چین:

■ تشدید سرکوب مؤسسات کنفوسیوس توسط آمریکا همزمان با وخامت بی‌سابقه روابط پکن و واشنگتن صورت گرفته و یک اقدام جدید از سوی سیاست‌بازان آمریکا برای شروع یک حمله ایدئولوژیک علیه چین به شمار می‌آید. با تامل بیشتر می‌توان دریافت که از تهدید بی‌پایه دانشجویان چینی در آمریکا و بازجویی و حتی بازداشت آنها گرفته تا لغو ویزا و محدود کردن ورود برخی از دانشمندان چینی به خاک آن کشور و سرکوب و اخراج رسانه‌ها و خبرنگاران چینی از آمریکا، مبادلات آموزشی و فرهنگی میان دو کشور در پی اقدامات خرابکارانه عده‌ای مجنون به اصطلاح سیاستمدار کاملاً دچار رکود شده است.

اتهامات آمریکائیه‌ها علیه مؤسسه کنفوسیوس

- همگی تحت کنترل حزب کمونیست چین هستند،
- نفوذ به دانشگاه‌های آمریکا از طریق لباس مبدل،
- می‌توانند آزادی علمی را خفه کنند.
- شستشوی مغزی دانشجویان خارجی توسط دولت چین،
- به خطر انداختن آزادی بیان و اندیشه،
- بعنوان بازوی دولت چین عمل می‌کنند و مجاز به نادیده گرفتن آزادیهای علمی هستند.
- در استخدام و اداره دانشگاهیان، انتخاب درسها و تعریف دامنه بحث، اهداف حکومت چین را پیش می‌برند.
- مؤسسه کنفوسیوس از فرقه مذهبی فالون‌گنگ استخدام نمی‌کند و این خلاف حقوق بشر است.

■ مؤسسه کنفوسیوس؛ لبه سخت قدرت نرم چین

(تارنمای بی بی سی ۴ / ۱۰ / ۱۳۹۳)

اما سؤال اینست که اگر در عمل یک دانشجوی فرضی از ته یک کلاس زبان چینی دست بلند کرد و در مورد استقلال تایوان پرسید، چه؟
پاسخ خانم ژو روشن است: «هر مدرسی که ما می فرستیم، خواهد گفت تایوان مال چین است. یک چین بیشتر نداریم. جای تردید نیست.» [همان]

■ ویاجسلاو سوتیرین، معاون دانشکده روابط بین‌الملل در دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه در مقاله‌ای که اندیشکده روسی مجمع کارشناسان اوراسیا منتشر کرد، نوشت: رسانه‌ها گزارش می‌دهند که سوئد تمام مؤسسات چینی و مدارس کنفوسیوس را از این کشور اخراج کرده است. روند فعالیت «قدرت نرم» چینی در سوئد از ۵ سال پیش آغاز شد اما اینک روابط دوجانبه بر اساس یک منطق جالب رو به وخامت گذاشته است. اگرچه سوئد اولین کشوری در اتحادیه اروپا که این اقدام را انجام داده، اما چنین خبری به‌هیچ‌وجه تعجب‌آور نیست؛ زیرا بر اساس منطق غرب، اگر دولت چین از مؤسسات کنفوسیوس در دانشگاه‌های سوئد حمایت کند، به معنای سلب استقلال آنهاست؛ زیرا عملاً این مؤسسات به مثابه ابزار دولت چین بشمار می‌آیند اما اگر سوئد از بودجه دولت برای فعالیتهای آژانس توسعه همکاری بین‌المللی سوئد در سایر کشورها هزینه کند، حمایت از دموکراسی، یک جامعه مدنی مستقل و محیط زیست است. (ادامه در صفحه بعد)

■ در سوی دیگر اما دائماً این مسئله مطرح می‌شود که نهادهای کنفوسیوس از دولت چین مستقل نیستند! این در حالی است که اکثر سازمانهای غیردولتی بین‌المللی در کشورهای غربی که در زمینه جامعه مدنی فعال هستند، فقط در اساسنامه خود از دولتها استقلال دارند. اکثر آنها ۹۵ الی ۹۹ درصد از کل بودجه خود را از دولتهای متبوعشان دریافت می‌کنند. بعنوان مثال، بنیاد آمریکایی دفاع از دموکراسی، از طریق وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا تأمین مالی می‌شود. در واقع نهادهایی همچون خانه آزادی و بنیاد دفاع از دموکراسی بواسطه بودجه دولتی به حیات و فعالیت خود ادامه می‌دهند.

از تارنمای شورای راهبردی روابط خارجه ۱۳۹۹ / ۶ / ۳۰

■ در آمریکا قدیمی‌ترین مؤسسه کنفوسیوس در مریلند در اوایل سال ۲۰۲۰ بسته شد. طی ۵ سال گذشته، حدود یک‌سوم از صد مؤسسه چینی در این کشور تعطیل شده‌اند. از زمان تصویب قانون اعتبارات دفاع ملی در سال ۲۰۱۸، مقابله با این مؤسسات در امریکا اوج گرفته است. وزارت دفاع آمریکا، بودجه دوره‌های زبان را در دانشگاه‌هایی که مراکز کنفوسیوس در آنها فعال است، قطع کرده است.

از تارنمای شورای راهبردی روابط خارجه ۱۳۹۹ / ۶ / ۳۰

■ ریشی سوناک: چین بزرگترین تهدید علیه انگلیس در قرن حاضر است

■ به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از رویترز، «ریشی سوناک» وزیر دارایی سابق و نامزد کنونی برای منصب نخست‌وزیری انگلیس روز دوشنبه اعلام کرد چین بزرگترین تهدید برای انگلیس و امنیت جهان در قرن حاضر است.

■ سوناک در توضیح رویکرد سختگیرانه خود در برابر نفوذ و قدرت چین گفته است فعالیت تمام نهادهای کنفوسیوس (فرهنگی) که دولت چین در انگلیس تأسیس کرده را ممنوع می‌کند و از نهادهای امنیتی استفاده می‌کند تا برای مقابله با جاسوسی چین به شرکت‌های تجاری انگلیس کمک کنند. وی همچنین گفت پرونده ممنوعیت دسترسی چینی‌ها به دارایی‌های اصلی انگلیس از جمله شرکت‌های فناورانه حساس و راهبردی را بررسی می‌کند.

■ آیا جنگ میان چین و آمریکا گریز ناپذیر است؟

(پیوند سخنرانی گراهام آلیسون)

- «تله توسیدید» اصطلاحی است که چند سال پیش اختراع کردم، تا نیت توسیدید را آشکار کنم. تله توسیدید دینامیک خطرناکی است و موقعی رخ می‌دهد که یک قدرتِ نوظهور قدرت حاکم را تهدید می‌کند، مثل آتن -- یا آلمانِ صد سال پیش، یا چین امروز -- و تأثیرشان بر اسپارت، یا بریتانیای صد سال پیش، یا آمریکای امروز.
- در ۵۰۰ سال گذشته ۱۶ مورد را دیده که قدرتی نوظهور، جایگاه قدرت حاکم را تهدید کرده است. دوازده تا از این موارد به جنگ ختم شد.
- چین در واقع اوج گرفته است. خیلی سریع اتفاق افتاده. واتسلاو هاول رئیس جمهوری سابق جمهوری چک بهترین نظر را داده. او گفته: «همه چیز آنقدر سریع اتفاق افتاد، که هنوز وقت نکرده‌ایم تعجب کنیم.»

■ پلیس آمریکا: هر ۱۰ ساعت یک پرونده درباره چین باز می‌شود - ایرنا

■ رندز و گدیس می‌نویسند: «بزرگترین جنگ بدون درگیری زمان ما، می‌تواند تاب‌آوری را در رقابت چینی-آمریکایی که سرد یا گرم بودن آینده آن نامشخص است، افزایش دهد.» (ترجمه این مقاله در ۳ بخش در اقتصادنیوز منتشر شده است: آغاز جنگ سرد دوم).

■ جوزف مرشامر، جان مرشایمر، استادتمام علوم سیاسی در دانشگاه شیکاگو در آخرین و به نوعی مهمترین مقاله این شماره، «نبرد اجتناب ناپذیر» معتقد است که «این جنگ سرد به احتمال زیاد داغ می‌شود.»
از سایت اقتصاد نیوز، ۱۹ / ۸ / ۱۴۰۰

Official languages of the UN

- There are six official languages of the UN. These are **Arabic, Chinese, English, French, Russian and Spanish**. The correct interpretation and translation of these six languages, in both spoken and written form, is very important to the work of the Organization, because this enables clear and concise communication on issues of global importance.

-
- Official languages are the languages in which all official United Nations documents are made available.
 - Working languages are used for internal communications among staff. English and French are the working languages of the Secretariat.
 - Some of the other official languages may also be working languages in the Regional Commissions.

■ Interpretation and Translation

A delegate may speak in any official UN language. The speech is interpreted simultaneously into the other official languages of the UN. At times, a delegate may choose to make a statement using a non-official language. In such cases, the delegation must provide either an interpretation or a written text of the statement in one of the official languages. Most UN documents are issued in all six official languages, requiring translation from the original document.

■ Language Days at the UN

The Department of Global Communications has established language days for each of the UN's six official languages. The purpose of the UN's language days is to celebrate multilingualism and cultural diversity as well as to promote equal use of all six official languages throughout the Organization. Under the initiative, UN duty stations around the world celebrate six separate days, each dedicated to one of the Organization's six official languages. Language Days at the UN aim to entertain as well as inform, with the goal of increasing awareness and respect for the history, culture and achievements of each of the six working languages among the UN community. The days are as follows:

-
- Arabic (18 December)
 - Chinese (20 April)
 - English (23 April)
 - Spanish (23 April)
 - French (20 March)
 - Russian (6 June)

Historical Development of United Nations Languages

- On 1 February 1946, General Assembly [resolution 2 \(I\)](#) established Chinese, French, English, Russian and Spanish as official languages, and English and French as working languages.
- See at <https://ask.un.org/faq/14463>
- On 21 December 1982, Security Council resolution [528 \(1982\)](#) included Arabic as an official and working language of the Security Council.

Language specific timeline

Arabic:

- official and working language of the General Assembly (18 Dec. 1973)
- official and working language of the subsidiary organs of the General Assembly (17 Dec. 1980)
- official language of the Economic and Social Council (15 April 1982)
- official and working language of the Security Council (21 Dec. 1982)

Chinese:

- official language of the United Nations (except the International Court of Justice, ICJ) (1 Feb. 1946)
- official language of the Security Council (24 June 1946)
- working language of the General Assembly (18 Dec. 1973)
- working language of the Security Council (17 Jan. 1974)

English:

- official and working language of the United Nations (except the ICJ) (1 Feb. 1946)
- official and working language of the Security Council (24 June 1946)

French:

- official and working language of the United Nations (except the ICJ) (1 Feb. 1946)
- official and working language of the Security Council (24 June 1946)

Russian:

- official language of the United Nations (except the ICJ) (1 Feb. 1946)
- official language of the Security Council (24 June 1946)
- working language of the General Assembly (21 Dec. 1968)
- working language of the Security Council (22 Jan. 1969)

Spanish:

- official language of the United Nations (except the ICJ) (1 Feb. 1946)
- official language of the Security Council (24 June 1946)
- working language of the General Assembly (7 Dec. 1948)
- working language of the Security Council (22 Jan. 1969)

UN Media

- As of June 2018, the media branch of the United Nations, UN News, includes website translations into Portuguese and Swahili in addition to the 6 official languages. Other UN documents and websites are already translated into Bengali (referred to as Bangla), Hindi, Urdu, Malay, French Creole, Portuguese, and Swahili but not on an official or consistent basis.

https://en.wikipedia.org/wiki/Official_languages_of_the_United_Nations

■ تاکنون هفت زبان در کمیسیون ملی یونسکو به عنوان زبان بین‌المللی به ثبت رسیده است، که برخی از آنها عبارتند از: انگلیسی، آلمانی، فرانسه و اسپانیایی.

■ این هفت زبان بر مبنای شرط یونسکو مبنی بر این که هر زبانی که به عنوان زبان بین‌المللی به ثبت می‌رسد، باید ۵۰۰ میلیون گویشور در سراسر جهان داشته باشد، به ثبت رسیده‌اند.

به نقل از محمدرضا دربندی، معاون امور بین‌الملل بنیاد سعدی

■ رتبه‌های اول تا دهم زبانهای مادری رایج در جهان (بر حسب میلیون نفر):

- | | |
|--------------------|------------------|
| ■ چینی (۱۲۸۴)، | ■ بنگالی (۲۴۲)، |
| ■ اسپانیایی (۴۳۷)، | ■ پرتغالی (۲۱۹)، |
| ■ انگلیسی (۳۷۲)، | ■ روسی (۱۵۴)، |
| ■ عربی (۲۹۵)، | ■ ژاپنی (۱۲۸)، |
| ■ هندی (۲۶۰)، | ■ لندایی (۱۱۹) |

یورونیوز ۲۰۱۸ / ۷ / ۲۶

■ آمار تارنمای ویکیپدیا را هم ملاحظه نمایید:

- [List of languages by number of native speakers - Wikipedia](#)
- [List of languages by total number of speakers - wikipedia](#)

کتابت ارقام

ارقام هندی

■ «مسلمانان که دانش یونانی و هندی و ایرانی را به مسیحیانِ مغرب زمین انتقال دادند، عددنویسی را هم به آنان آموختند و از این روی در زبانهای اروپایی ارقام را [به اشتباه] ارقام عربی می‌نامند.»

[جورج سارتن، سرگذشت علم، ترجمه احمد بیرشک]

■ این اعداد را اشتباهاً ارقام عربی می‌نامند، چون اصل آن هندی است.

■ خیلی‌ها هم اشتباهاً به این ارقام، ارقام انگلیسی می‌گویند، چون در زبان انگلیسی از آن استفاده می‌شود.

■ تاریخچه مختصر نظامهای اعداد - ویدئو

Roman Numeral

Arabic	Roman
1	I
2	II
3	III
4	IV
5	V
6	VI
7	VII
8	VIII
9	IX
10	X

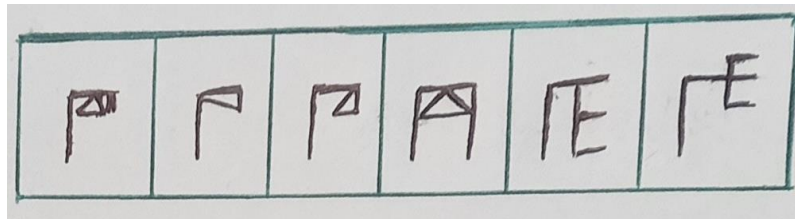
Arabic	Roman
11	XI
12	XII
13	XIII
14	XIV
15	XV
16	XVI
17	XVII
18	XVIII
19	XIX
20	XX

Arabic	Roman
30	XXX
40	XL
50	L
60	LX
70	LXX
80	LXXX
90	XC
100	C
200	CC
300	CCC

Arabic	Roman
400	CD
500	D
600	DC
700	DCC
800	DCCC
900	CM
1000	M
2000	MM
3000	MMM

کتابت اعداد در یونان باستان

- در هزارهٔ نخست قبل از میلاد یک استاندارد ملی یونانی وجود نداشت. دولتهای مستقل در جزایر یونانی نشین به استقلال خود مباحثات می کردند و هر کدام واحد پول، وزن و مقیاسهای اندازه گیری خودشان را داشتند. این به نوبهٔ خود منجر به اختلافات کوچکی در سیستم اعداد بین دولت - شهرهای یونانی نشین شد که کاربرد اصلی آن در داد و ستدها و معاملات تجاری فی مابین بود.
- بطور نمونه، صورتهای مختلف عدد ۵۰ در دولت-شهرهای یونانی نشین:



Greek acrophonic numbers (Attic numerals)

Ι	ΙΙ	ΙΙΙ	ΙΙΙΙ	Ϟ	ϟ	Ϡ	ϡ	Ϣ	Δ
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10

Δ	Ϟ	Η	Ϟ	Χ	Ϟ	Μ	Ϟ
10	50	100	500	1000	5000	10000	50000

■ اگر علائم میانی (۵، ۵۰، ۵۰۰ و ...) نبود، برای نمایش عدد ۹۹۹۹ نیاز به ۳۶ علامت بود.

Greek alphabetical numerals

α	β	γ	δ	ϵ	ς	ζ	η	θ
1	2	3	4	5	6	7	8	9
ι	κ	λ	μ	ν	ξ	\omicron	π	ρ
10	20	30	40	50	60	70	80	90
ϕ	σ	τ	υ	ϕ	χ	ψ	ω	ξ
100	200	300	400	500	600	700	800	900

-
- Sometimes when these letters are written to represent numbers, a bar was put over the symbol to distinguish it from the corresponding letter.
 - This number system is compact but without modification it has the major drawback of not allowing numbers larger than 999 to be expressed. Composite symbols were created to overcome this problem. The numbers between 1000 and 9000 were formed by adding a subscript or superscript *iota* to the symbols for 1 to 9.

کتابت اعداد در فارسی باستان (دوره هخامنشی)

𐎠	۱	𐎠𐎠𐎠𐎠	۱۸
𐎡	۲	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	۱۹
𐎠𐎠	۵	𐎠	۲۰
𐎠𐎠𐎠	۷	𐎠𐎡	۲۲
𐎠𐎠𐎠𐎠	۸	𐎠𐎠	۲۳
𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	۹	𐎠𐎠𐎠	۲۵
𐎠	۱۰	𐎠𐎠𐎠	۲۶
𐎠𐎡	۱۲	𐎠𐎠𐎠𐎠	۲۷
𐎠𐎠	۱۳	𐎠𐎠	۴۰
𐎠𐎠𐎠	۱۴	𐎠𐎠𐎠	۶۰
𐎠𐎠𐎠𐎠	۱۵	𐎠𐎠𐎠	۱۲۰

محسن ابوالقاسمی،
راهنمای زبانهای باستانی ایران،
جلد اول، ویرایش دوم

کتابت اعداد در خط پهلوی ساسانی

7 سس

4 سس

1 س

8 سس

5 سس

2 س

9 سس

6 سس

3 س

از استاد فریدون جنیدی

		صدگان
۱۰۰	sat ē-sat	سده
۲۰۰	dvēst	دو سده
۳۰۰	sēsāt	سه سده
۴۰۰	čaharsat	چهار سده
۵۰۰	panjsat	پنج سده
		هزارگان
۱۰۰۰	hazār	هزار
۲۰۰۰	dōhazār	دو هزار
۳۰۰۰ تا آخر	sē hazār	سه هزار

		دهگان
۱۰	dah	ده
۲۰	vist	دو ده
۳۰	sīh	سه ده
۴۰	čihul	چهار ده
۵۰	panjāh	پنج ده
۶۰	šast	شش ده
۷۰	haftāt	هفت ده
۸۰	haštāt	هشت ده
۹۰	nahvat	نه ده

۲۱	vist u ēvak	د	۱۱	yāzdah	ند
۲۲	vist u dō	د	۱۲	duvāzadah	د
۲۳	vist u sē	س	۱۳	sēz dah	س
۲۴	vist u čahār	س	۱۴	čahārdah	س
۲۵	vist u panj	س	۱۵	pānz dah	س
۲۶	vist u šaš	س	۱۶	šānzdah	س
۲۷	vist u haft	س	۱۷	hafdah	س
۲۸	vist u hašt	س	۱۸	haštdah	س
۲۹	vist u noh	س	۱۹	navaz dah	س

■ لاپلاس می نویسد:

این روش نبوغ آسای بیان همهٔ اعداد بوسیلهٔ ده علامت را مدیون هندیم. هر علامت هم یک ارزش مکانی دارد و هم یک قدر مطلق. فکر بکری است که حال به نظرمان چنان ساده می‌آید که اهمیتش را درک نمی‌کنیم. اما همین سادگی آن و راحتی بسیاری که برای همهٔ محاسبات ما فراهم آورده است، حساب ما را در ردیف مفیدترین اختراعات قرار می‌دهد. برای این که عظمت این دستاورد را درک کنیم، کافیهست توجه کنیم که به فکر دو نابغهٔ دوران باستان، ارشمیدس و آپولونیوس، نرسیده بود.

Unit prefix in the metric system

- پیشوندهای نانو، پیکو و همچنین ترا و گیگا در سال ۱۹۶۰ برگزیده شده است.
- این پیشوندها از نامهای یونانی، لاتین و حتی اسپانیایی و دانمارکی اخذ شده است. بطور نمونه:
- **سانتی** از لغت لاتین **centum** به معنی صد گرفته شده است. البته سنت و صد ریشه هندواروپایی دارد.
- **میلی** از لغت لاتین **mille** به معنی هزار گرفته شده است.
- **میکرو** از لغت یونانی **mikros** به معنی کوچک گرفته شده است.

- **نانو** از لغت یونانی **nanus** به معنی آدم کوتوله گرفته شده است.
- **پیکو** لغتی اسپانیایی به معنی پیک، قله، ذره خیلی کوچک است.
- **فِمتو** از لغت دانمارکی-نروژی **femten** به معنای ۱۵ گرفته شده است و در سال ۱۹۶۴ انتخاب شده است.
- **گیگا** و **ترا** از لغات یونانی **gigas** و **teras** به معنی غول پیکر و هیولا گرفته شده است.

■ [SI prefixes and their etymologies - US Metric Association](#)

■ [Metric prefix - Wikipedia](#)

پیشنهاد

- با توجه به واژه‌های مصوب از ۱۰ به توان منهای ۲۴ تا ۱۰ به توان ۲۴، می‌توان در خصوص واژه‌های غیرمصوب پیشنهاد ارائه داد.
- بطور نمونه، سی و دو را می‌توان بصورت **سیدو (cido)** یا **سیتو (cito)** برای ۱۰ به توان منفی ۳۲ پیشنهاد داد (البته خارج از ترتیب سه تا سه تا است).
- با توجه با ترتیب سه تا سه تای توانها، توان ۳۳ را می‌توان **سیسو (ciso)** برای توان منفی یا واژه **سیسه (cise)** برای توان مثبت پیشنهاد داد.
- **سیمو (cimo)** را می‌توان برای توان منفی سی‌ام پیشنهاد داد.
- حتی می‌توان مسابقه برگزار کرد و از گویشهای مختلف کشور پیشنهاد خواست.
- در این خصوص، فرهنگستان علوم با مشارکت فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای ارائه پیشنهاد به ارگان بین‌المللی مربوطه، فعالانه عمل نموده و حتی استفاده از آنها را در نشریات داخلی فارسی و انگلیسی‌زبان تصویب و ترویج کنند، تا بگونه‌ای پیشدستانه شرایط برای تصویب بین‌المللی فراهم شود. در این خصوص رایزنی با کشورهای دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد.

بعضی لغات مشترک هند و اروپایی (تطابق زبان فارسی و انگلیسی)

- نام (name)
- گوی، کی، کیا (king) مانند کیقباد
- گروه (group)
- گاو (cow)
- ایستادن (stand)
- بردن (port, portage)
- دو (two) و بسیاری از اعداد
- موش (mouse)
- ماه (moon, month)
- مادر (mother)
- پدر (father)
- برادر (brother)
- دختر (daughter)
- نوه (nephew)
- ستاره (star)
- بهتر (better)
- بهشت (best)
- بد (bad)

لغات هند و اروپایی با ریشه مشترک (تطابق زبان فارسی و انگلیسی)

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| ■ بردن (bear) | ■ یوغ (yoke) |
| ■ بند (band) | ■ آسه (axis, axle) |
| ■ بود، بودن، (be) | ■ آمیختن (mix) |
| ■ پاره (part) | ■ ابرو (eyebrow) |
| ■ پُر (full) | ■ آهن (iron) |
| ■ ترس (terror لاتین) | ■ اکنون، کنون، نون (now) |
| ■ تشنه، تشنگی (thirst, thirsty) | ■ امرداد (نمردنی) (immortal) |
| ■ تک (attack) | ■ باد (واد) (wind) |
| ■ تندر (thunder) | ■ بار (burden) |
| ■ خروس (rooster, cock) | ■ دلیر (dare) |

لب (lip)	■	تُنک (thin)	■
لنگ (leg)	■	جویدن (chew)	■
ماهیچه، مایچه (muscle)	■	چانه (chin)	■
ناف (navel)	■	در (door)	■
ورز، برز، ورزیدن، ورزش (work)	■	شنوسه (عطسه) (sneeze)	■
مرمر (marble)	■	غاز (goose)	■
مویه (moan)	■	قرمز (crimson)	■
مه (mist)	■	گرفتن (grab)	■
وال (whale)	■	گریه (cry)	■
میان (mid, middle)	■	گرم، گرما، گرمی (warm)	■
(MAITHA اوستایی)	■	وامیدن، ومیدن (vomit)	■

بله و خیر در چند زبان

- no انگلیسی
- non فرانسوی
- nein آلمانی
- nei نروژی
- nu رومانیایی
- não پرتغالی
- nihil لاتین (نیل)
- yes انگلیسی
- Ja هندی، سوئدی، آلمانی (یا)
- Ja دانمارکی (ی)
- Joo فنلاندی (ی)
- si ایتالیایی، اسپانیایی
- sim پرتغالی
- دا: روسی و رومانیایی
- هان: هندی
- ناهین نا: هندی

واو عطف در چند زبان

- and انگلیسی
- und آلمانی (اونت)
- et فرانسوی
- e ایتالیایی، پرتغالی (اِ)
- og نروژی، دانمارکی (اُ)
- och سوئدی (اُ)
- ve ترکی
- un لتونی (اُن)
- وَا: عربی
- وَا: ویتنامی
- اِی: روسی، صربی، مقدونیه‌ای، لهستانی،

■ **aiwa** (یک) در فارسی باستان، شباهت بسیاری به **one** انگلیسی و معادل‌های هند و اروپایی خود دارد.

■ **uta** در فارسی باستان و اوستایی «واو عطف» است [ابوالقاسمی]، در زبان لاتین نیز **ed** بکار می‌رود.

Etymology of magazine

- 1580s, "warehouse, place for storing goods, especially military ammunition," from French magasin "warehouse, depot, store" (15c.), from Italian magazzino, from Arabic makhazin, plural of makhzan "storehouse" (source of Spanish almacén "warehouse, magazine"), from khazana "to store up." The original sense is almost obsolete. Meaning "cartridge chamber in a repeating rifle" is by 1868; that of "a case in which a supply of cartridges is carried" is by 1892.
- The meaning "periodical journal containing miscellaneous writings" dates from the publication of the first one, Gentleman's Magazine, in 1731, which was so called from earlier use of the word for printed lists of military stores and information, or in a figurative sense, from the publication being a "storehouse" of information (originally of books, 1630s).

Etymology of admiral

- c. 1200, amiral, admirail, "Saracen commander or chieftain," from Old French amirail (12c.) "Saracen military commander; any military commander," ultimately from medieval Arabic amir "military commander," probably via Medieval Latin use of the word for "Muslim military leader."
- Amiral de la mer "commander of a fleet of ships" is in late 13c. Anglo-French documents. Meaning "highest-ranking naval officer" in English is from early 15c. The extension of the word's meaning from "commander on land" to "commander at sea" likely began in 12c. Sicily with Medieval Latin amiratus and then spread to the continent, but the word also continued to mean "Muslim military commander" in Europe in the Middle Ages. The Arabic word was later Englished as emir.

Etymology of Mithridate (مهرداد = مهر + داد)

- in old pharmacology, "a compound of many ingredients regarded as a universal antidote against poison," from Medieval Latin mithridatum, from Late Latin mithridatium, neuter of Mithridatius "pertaining to Mithridates VI" (Greek Mithridatēs, **from Old Persian, literally "gift of Mithra"**), king of Pontus in 1c. B.C.E., who made himself poison-proof by taking small doses of the usual poisons.

See also:

- [Etymology of art,](#)
- [Etymology of orange](#)

در فارسی پسوند «پور» و «زاده» در ترکیب با بسیاری از اسامی بکار می‌رود. نمونه‌هایی از معادل آن در زبانهای دیگر بصورت زیر است:

■ English	-son	Stevenson
■ Greek	-poulous	Cosmopoulous
■ Irish	O'-	O'Leary
■ Polish	-ski	Jaruzelski
■ Scots	Mac-, Mc-	Mac Dougal
■ Welsh	Ap	Ap Gwilym

از فرهنگ ریشه نامها، ترجمه فاطمه صابر، انتشارات نوربخش، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷

■ پور: در فارسی

■ پوهر: در پهلوی ساسانی

■ Peur: در لاتین

■ **پیشنهاد:** متأسفانه فرهنگ زبان لاتین به فارسی چاپ نشده است. با توجه به این که خریداران این فرهنگ انگشت‌شمار بوده و محدود به تعدادی محقق می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود که سازمانهای ذیربط در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند. حتی ممکن است واتیکان نیز حمایت مالی کند.

■ البته هم‌اکنون قابلیت نسبتاً ضعیفی در Google Translate وجود دارد.

■ تدوین فرهنگ مذکور با ذکر اشتراکات با زبانهای ایران باستان برای محققین و حتی دانشجویان رشته زبان بسیار مفید خواهد بود.

■ باید توجه داشت که اطلاق زبان بین‌المللی علم به این زبانها امری نسبی و کم و بیش همراه با اغراق است و نباید با تسلط زبان انگلیسی در چند دههٔ اخیر مقایسه شود. بطور نمونه، پر واضح است که چین و هند قدیم از زبانهای آرامی و یونانی و سریانی استفاده نمی‌کردند و کتب علمی خود را به این زبانها نمی‌نوشتند.

■ مقالهٔ ذیل آمار انتشارات به نه زبان نخست را دارد.

- The dominance of English in the international scientific periodical literature and the future of language use in science, 2007

بخش دوم

تاریخچه، جایگاه و نقش زبان فارسی

- اخذ فتوای علما توسط منصور بن نوح سامانی در ترجمه فارسی تفسیر قرآن طبری، نقطه عطفی در ترویج علوم دینی به زبان فارسی بوده است.
- علوم اسلامی در ماوراءالنهر و هند و شرق دور با زبان فارسی گسترش یافت.
- زبان فارسی از دوران صفوی تا تسلط بریتانیا بر هند، زبان علمی، دیوانی و دربار آن کشور بوده است.
- پس از جنگ جهانی دوم، به تدریج زبان انگلیسی جای زبان فرانسه را در ایران گرفت.

تاریخچه زبانهای هند و اروپایی

- جامعه هند و اروپایی حدود چهار هزار سال پیش از میلاد در ناحیه معینی وجود داشته و زبانهای هند و اروپایی آسیای صغیر و زبانهای ایرانی و هندی حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد از آن منشعب شده‌اند. ... چون واژه های «اسب» و «ارابه» و «چرخ» در اکثر زبانهای هند و اروپایی هم‌ریشه‌اند می‌توان نتیجه گرفت که آنان در رام کردن اسب و استفاده از ترابره‌های چرخدار پیشگام بوده‌اند و تحرک و تفرقی که سوارکاری و ترابری به آنها داده عامل بزرگی در گسترش آنها بوده است. ص ۱۳
- ... و در ناحیه وسیعتری کوچ می‌کردند. بدین دلیل، فرض بر این است که گهواره هندواروپایی وسیعتر از حد معمول بود. ص ۹

■ نخستین بار پژوهشگر ایتالیایی **فیلیپ ساستی** در حدود چهارصد سال پیش، به برخی شباهت‌های موجود میان واژه‌های سانسکریت و ایتالیایی اشاره نمود.

واژه‌های ایرانی در زبان سوئدی، تألیف دکتر حسین آذران، نشر بلخ، ۱۳۸۲، ص ۱۱

■ اولین کسی که موضوع قرابت احتمالی زبانهای اروپایی و آسیایی را به تفصیل مورد بررسی قرار داد **جیمز پارسونز** انگلیسی بود. او در کتاب *The Remains of Japhet...*, 1767) نه تنها خویشی برخی زبانها را نشان داد بلکه فهرست مفصلی از واژه‌های همسان برخی زبانها را نیز به منظور اثبات نظریات خود ارائه داد.

فرهنگ ریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی، تألیف دکتر منوچهر آریانپور کاشانی، ص ۱۸

■ اندیشه همبستگی برخی زبانهای هند و اروپایی بار دیگر توسط حقوقدان و زبانشناس انگلیسی **سر ویلیام جونز** در نطق معروفی در دوم فوریه ۱۷۸۶ رسماً بیان شد:

«زبان سانسکریت که قدمت آن معلوم نیست، دارای ساختار شگفت‌انگیزی است: از یونانی کاملتر و از لاتین پرواژه‌تر و از هر دو به طور چشمگیری پالوده‌تر است. در عین حال شباهت آن با این دو زبان هم از نظر ریشه‌ای و هم از نظر دستور زبان بیشتر از آن است که ناشی از تصادف باشد. در واقع این شباهت بقدری است که هیچ زبانشناسی نمی‌تواند هر سه را بررسی کرده و به این نتیجه نرسد که هر سه از سرچشمه‌ی مشترکی ناشی شده‌اند که شاید امروزه از بین رفته باشد. دلیل مشابهی وجود دارد که شاید گوتیک و سلتیک هم ... با سانسکریت دارای ریشه‌ی مشترکی باشند. همچنین زبان پارسی کهن را نیز می‌توان جزء این خانواده محسوب نمود.»
(Mallory, 12)

- اگوست شلایکر (۱۸۶۸-۱۸۲۱) این اندیشه را پیش کشید که چون هر یک از واژه‌های زبانهای هند و اروپایی از واژه معینی در زبان هند و اروپایی ناشی شده‌اند، قاعدتاً باید بتوان «بازسازی زبانشناختی» (Linguistic Reconstruction) این واژه بنیادین را احیا کرد.
- طی صد سال گذشته بازسازی واژه‌های بنیادین هند و اروپایی پیشرفت بسیاری کرده است و دانشمندان ریشه مشترک اکثر واژه‌های هند و اروپایی را (از طریق پیگیری پسگرایانه شکل واژه) تعیین کرده‌اند.
- در اوائل قرن بیستم، کشف زبان هیتی‌ها (۲۰۰۰ تا ۱۲۰۰ ق. م.) بینش ما درباره زبانهای هند و اروپایی را کاملتر کرده است. هنوز کار خواندن هزاران لوح و خشت هیتی به پایان نرسیده است و باستان‌شناسان هر سال اشیاء و مدارک جدیدی را در ارتباط با هندواروپائیان کهن ارائه می‌دهند. از اینرو آینده پژوهشها وابسته به هندواروپائیان نویدبخش است.

- ایل‌های سارماتی نه تنها در کرانه‌های رود دانوب کوچ‌نشین شدند، بلکه در قرن دوم میلادی برای پاسداری مرزهای امپراتوری روم در شمال انگلستان، به استخدام رومیان درآمدند (Mallory, 48-49). ص ۲۵ و ۲۶
- قوم ایرانی دیگر، الان‌ها فرانسه و اسپانیا را زیر مهمیز کشیده و در شمال افریقا کشور ایجاد کردند. ص ۲۶
- زبان‌های اسلاوی با زبان‌های ایرانی خویشی نسبتاً نزدیکی دارند. بسیاری از واژه‌های اسلاوی از ایرانی اخذ شده‌اند. نام‌های محلی فراوانی نیز از ریشه ایرانی هستند. مثلاً نام رودهای دُن و دونتِز و دونیپر و شاید دانوب از واژه ایرانی کهن «دَنو» به معنی رودخانه گرفته شده است. ص ۳۲

- به نقل از هرودوت در کرمان یک قبیلهٔ پارسی می‌زیست به نام گرمانیوی که بعضی از پژوهندگان آن را با “Germany” پیوند داده‌اند و بعضی دیگر ریشه‌های دیگری برای آن پیشنهاد می‌کنند.
- تلفظ لغت “Germany” در لاتین، «گرمانیا» است.

■ ابن خردادبه^۱ می‌نویسد: به پادشاه اندلس پیش از فتح، لوذریق گفته می‌شد که از مردم اصفهان بود و نسبت به اصفهان داشت، اهل قرطبه اسپان^۲ نامیده شدند. (به نقل از مسالک و ممالک ابن خردادبه، ترجمه سعید خاگرد، مؤسسه فرهنگی حنفاء، تهران ۱۳۷۱، ص ۷۸ و ۷۹)

۱ ابن خرداد (سال درگذشت در حدود ۳۰۰ ه. ق) جغرافیدان، مورخ و موسیقیدان ایرانی
۲ این کشور اسپانیا نامیده می‌شد.

کیمریها و اسکیتها

- خاک اسکاتلند در شمال جزیره بریتانیا تا امروز یادآور نام اسکیتها است.
[دکتر منوچهر ستوده، ۱۳۸۴]
- شبه جزیره کریمه در شمال دریای سیاه که امروزه مورد منازعه روسیه و اوکراین است، نام یکی از اقوام قدیمی ایرانی/آریایی یعنی کیمریها می باشد.
- در تورات سفر پیدایش آمده است که جومر (کومر، کامر) و مادای پسران یافت فرزند نوح هستند. (پسران می تواند به معنی نسل یا اعقاب و یا قومها باشد)
- برخی مورخین گمان برده اند که کیومرث همان کومریافت (کامر بن یافت) است.

-
- [CIMMERIANS – Encyclopaedia Iranica](#)
 - [Cimmerian | people | Britannica](#)
 - [SCYTHIANS – Encyclopaedia Iranica](#)
 - [Scythian | People, History, & Facts | Britannica](#)
 - [SCYTHIAN LANGUAGE – Encyclopaedia Iranica](#)

- History of the Scottish Nation - Vol 1, Chapter 20 - The cradle of the Scots

The two names, Scythe and Scot, signify the same thing—an archer or Bowman. The Welsh, as Camden observes, call both Scythians and Scots by the term Y-Scot. And from them the Romans, who now began to encounter them on the battle-field, called them *Scoti*.

Senedd Cymru

Welsh Parliament

Petitions

Completed petition

Encouraging the use of “Cymru” and “Cymry” when referring to ourselves in Welsh and English

We call on the National Assembly for Wales to urge the Welsh Government to refer to our country as Cymru, and the nation as Cymry, in Welsh and English in all official statements. The origins of the terms “Wales” and “Welsh” refer to us as foreigners and vassals in our own country. It is time for us to define ourselves rather than being defined by another nation – and a symbol of this would be to refer to ourselves as Cymry and our country as Cymru.

- [The Cymry - Irish Pedigrees - Library Ireland](https://www.libraryireland.com/Pedigrees2/cymry.php)

The Cymry, according to Pinkerton, Michalot, and others, were Celts, who, having been expelled from their country (on the borders of Europe and Asia, about the Cimmerian Bosphorus or *Palus Meotis*, now the Sea of Azov), by the Scythians, settled in Northern Germany, and in the country called the *Chersonesus Cimbrica*, now “Jutland,” in Denmark. The Ancient Britons and Welsh are therefore considered to have been descended from the Cymry or Cimbri of Gaul and Germany; and the Welsh in their own language are called Cymry; and from the same source Wales has been called Cambria, and the people Cambrians.

- Erin - Irish Pedigrees - Library Ireland

The origin of the names “Eirin” and “Ierne” has been variously explained by antiquaries:

- Rochart and Villaneuva considered that Ierne was derived from the Phenician words “Iberin” or “Iberne,” which signified the *most remote bounds* or habitations, as Ireland was then the most remote part of the known world.
- Vallancey supposed “Erin” to be the same as “Iran,” the ancient name of Persia; and O’Brien, in his book on the “Round Towers,” maintains the same opinion: namely, that “Erin” or “Irin” is the same as “Iran” or Persia.
- ...

■ مطالب ذیل را نیز ملاحظه نمایید:

■ [Inquiry into the Origin of the Name of Ireland - jstor](#)

Ulster Journal of Archaeology

First Series, Vol. 5, 1857, pp. 52-60

■ [آیا ایرلندی‌ها همه ایرانی‌الاصل هستند؟ بازارگاد، ۱۳۲۶](#)

- سیکامبر احتمالاً ترکیب **سکا + کیمری** است. در منابع مرجع غربی، ظاهراً ترجیح داده شده که کمتر از این نام استفاده شود.
- در زمان سزار، آنها کنار رود **Sieg** بودند. اما می‌نویسند که احتمالاً نامشان را از این رودخانه گرفته‌اند.
- البته برعکس احتمالاً نام این رودخانه از آنها گرفته شده است. نام سکاها بسیار قدیمتر از منابع مکتوب در ثبت نام این رودخانه است.
- سیکامبرها یکی از اقوام تشکیل دهنده فرانکها هستند؟ نام قدیم فرانکها بوده که بعدها به فرانک تغییر نام یافته‌است؟

Dictionary of Greek and Roman Geography (1854), SICAMBRI

- A powerful German tribe, occupying in the time of Caesar the eastern bank of the Rhine; and extending from the Sieg to the Lippe.
- The Sicambri formed a confederation among their countrymen against the common enemy, and as the Chatti who had received the country of the Ubii on the right bank of the Rhine, refused to join them, the Sicambri made war upon them; and as they left their own territory unprotected, Drusus penetrated through it into the interior of Germany.

-
- 40,000 Sicambri and Suevi were transplanted into Gaul, where as subjects of Rome they received settlements between the lower course of the Meuse and the Rhine. In that country they subsequently formed an important part of the nation or confederacy of the Franks.
 - The Sicambri are described as bold, brave, and cruel, and we hear nothing of towns in their country; they seem in fact to have lived in villages and isolated farms.

Frank | People, Definition, & Maps | Britannica

- **Frank**, member of a Germanic-speaking people who invaded the Western Roman Empire in the 5th century. Dominating present-day northern France, Belgium, and western Germany, the Franks established the most powerful Christian kingdom of early medieval western Europe. The name France (Francia) is derived from their name.
- The Franks emerged into recorded history in the 3rd century CE as a Germanic tribe living on the east bank of the lower Rhine River.

علت از رونق افتادن واژه‌های «آریا» و «آرین» و «آریایی» چه بود؟

■ نازی‌ها واژه «آریایی» را که قبلاً به خانواده‌ای از زبانها اطلاق می‌شد به عنوان یک برجسب نژادی و به منظور تأکید برتری خودشان مورد تحریف قرار دادند. بهمین دلیل پس از شکست نازی‌ها در پایان جنگ جهانی دوم، واژه «آریایی» کمتر مورد کاربرد قرار گرفت. امروزه فقط برای اشاره به زبانهای ناشی از سانسکریت در هندوستان و (به طور نادرتر) برای اشاره به زبانهای ایرانی و هندی (Indo-Iranian) بکار می‌رود. ص ۶ و ۷

■ اگر بپذیریم که زبانهای هند و اروپایی از یک زبان واحد سرچشمه گرفته‌اند می‌توان واژگان کهن آن را از راه ردیابی قهقرایی تعیین نمود. ص ۸

شبهات چند واژه (همیشه/متأخر/قرضی)

- بانگ، غرش، فریاد (bang)
- دارو (داروگ) (drug)
- روستایی (rustic)
- شغال (jackal)
- درفش (drape، پارچه)
- سترگ (stark)
- مخزن (عربی) (magazine)
- رام (جانور اهلی و آرام و دست‌آموز)
tame, tameless, tameable
- دوجین (dozen)
- دیو (devil)
- هوا (vā) (aviation)
- شرم (shame) (احتمالاً)
- مرز (margin) (احتمالاً)
- باوه، ببه (baby)
- کیک، کاک (cake)
- پیکر (figure)
- پیکان (pick)

■ هارولد والتر بیلی استاد دانشگاه لندن معتقد بود که برای شناخت واقعی زبان انگلیسی باید زبانهای باستانی ایران مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. او به دانشجویان خود می‌گفت اگر بخواهید زبان مادری خود را نیک بشناسید و از ریشه‌های آن آگاه گردید باید زبانهای باستانی ایران و هند را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهید. این استاد دانشمند و سرشناس که در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن زبانهای باستانی ایران را تدریس می‌کرد، سالهای قبل ترجمه و شرح بندهشن را به عنوان رساله دکتری خویش به انجام رسانید و کتابخانه‌ای بس گرانبها در مورد ایران شناسی و زبانهای باستانی ایران و هند به «بنیاد هند و ایران باستان» که خود بنیاد نهاده بود، اهدا کرد.

■ نوشتارهای هند و آریایی کامل‌ترین و پیشین‌ترین تصویر را از یک زبان کهن هند و اروپایی که فاصله آن با زبان بنیادین هند و اروپایی نسبتاً قلیل است ارائه می‌دهند. بهمین دلیل در بنیاد یابی واژه‌های مختلف زبانهای هند و اروپایی، وجود یا عدم وجود شهود هند و آریایی (به ویژه سانسکریت) اهمیت ویژه دارد.

■ نوشتارهای هندی باستان به خاطر خویشی و همسانی زیادی که با زبانهای ایرانی کهن دارند می‌توانند رهنمون‌های خوبی برای روشن‌سازی برخی از نکات و ویژگی‌های ناشناخته زبانهای ایرانی کهن باشند. مثلاً میزان همسانی سانسکریت و اوستایی به اندازه‌ای است که برخی از واژه‌ها و جمله‌های سانسکریت کاملاً مشابه برابره‌های اوستایی خود هستند.

ĀRYĀ, ĀRYĀN	فارسی (PERSIAN): آریا، آریان، آرین
ARYAN	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*ARYOS	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

ARIA	یونانی	ARIYO, ARIIA	اوستایی
ARIANA	لاتین	ARIYA	پارسی باستان
ARYEN	فرانسه	ERA, ERĀNAG, ĒRAN	پهلوی
IRAR	ایسلندی کهن	IROE, IRON	اوستی
IRAS	انگلیسی کهن	ĀRYAS, ARYEN, ARYA-	سانسکریت
ARYAN	انگلیسی	AIRE, ERIU	ایرلندی کهن
		ERIN	ایرلندی

نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه بازسازی شده را نشان دهند.

RŪZ	فارسی (PERSIAN): روز
DAY	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*LEUK-	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

LOIS	ارمنی	RAOCHA	اوستایی
LEUKÓS	یونانی	RAUCHA, RAUCAH	پارسی باستان
LUX, LUCIS	لاتین	ROC, RŌZ	پهلوی
	<u>یادداشت:</u>	RUZH, -RŌJ	کردی
	1. بازگشت به : روشن.	VRAJ	بلوچی
	2. چم واژه‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین این فهرست: روشنایی.	RŌSH, RŌC	افغانی (پشتو)
		RUC-, RŌCISH	سانسکریت

نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه بازسازی شده را نشان دهند.

RŌSHAN, RŌSHANI, RŌSHANĀI	فارسی (PERSIAN): روشن، روشنی، روشنایی
LIGHT, BRIGHTNESS, LUCIDITY	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*LEUK-, *LOUK-, *LUK-	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

LĒHT, LĒOHT	انگلیسی کهن	RAOCHAYATI, RAOCHANT, RAOKHSHANA, RAOSHNA	اوستایی
LIGHT	انگلیسی	RAOXSHNA, RAUCHA	پارسی باستان
LYS	دانمارکی	RŌSHN, RŌSHNIH	پهلوی
LJUS	سوئدی	RŌNI	کردی
LYS	نروژی	RŌSHANJ	بلوچی
LICHT	هلندی	RŌKHAN	افغانی (پشتو)
LUCHI	اسلاوی کهن	ROCIS, RŌCATE, ROCAYATI, RUSH	سانسکریت
ĽAHKÝ	اسلواکی	LOIS, LOYS	ارمنی
LEHKI	چک	LEKKI, LEKKO	لهستانی

LEKKI, LEKKO

لهستانی

LUCHIR

ایرلندی کهن

LUK-, LUKK-

هیتیت

LIOHT

ساکسونی کهن

LIACHT

فریزی کهن

LIOCH

آلمانی کهن

LICHT

آلمانی

LEUKÓS

یونانی

LUX, LŪCEŌ, LŪMEN,
LŪCĒRE

لاتین

LUMIER

فرانسه

LUZ

اسپانیایی

LUCE

ایتالیایی

LUMINA

رومانی

LIUHATH

گوتیک

LEYGR, LJOS

ایسلندی

کهن

LAŪKAS

لیتوانی

LUCKIS

پروسی کهن

یادداشت:

واژه های فارسی "رخش" و "درخش" و "درخشیدن" و "رخشیدن" نیز از همین واجریشه اند.

ABAR	فارسی (PERSIAN): اَبر
SUPER, OVER	چَم انگلیسی سرواژه فارسی:
*UPER-, *UPĒRI-	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

APAR, ABAR, ABRAG,	پهلوی	UPARA-, UPARIY-,	اوستایی
ABARAGĀN, ABARĪGĀN		UPAIRI	
UPĀRI, UPARA	سانسکریت	UPARIY	پارسی باستان
OVER	نروژی	VER	ارمنی
OVER	هلندی	HUPĒR, HYPER	یونانی
FOR-	ایرلندی کهن	SUPER	لاتین
VERTAMO	سلتی (کلتی)	UFAR, UFARŌ	گوتیک
VER-	گالی	YFIR	ایسلندی کهن
OFER	انگلیسی کهن	UBAR, UVER	ساکسونی کهن
OVER	انگلیسی	UVER, OVER	فریزی کهن
OVER	دانمارکی	UBAR	آلمانی کهن
ŌVER	سوئدی	ÜBER	آلمانی

ĀN	فارسی (PERSIAN): آن (در برابر "این")
THAT	چَم انگلیسی سرواژه فارسی:
*ANIOS-, *ANTEROS-, *AN-	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

ANDAR	آلمانی کهن	ANYA-, ANYAS, ANA	اوستایی
ANDER	آلمانی	ANIYA-, ANĀ	پارسی باستان
ŌTHER	انگلیسی کهن	ĀN, HĀN, ANY	پهلوی
OTHER	انگلیسی	ÄNDÄR, ANNAE	اوستی
ANDEN	دانمارکی	ADĪNE, ĒDIN	کردی
ANDRA	سوئدی	ANYÁ-, ÁNTARA, ANYAS, ANÁYĀ	سانسکریت
ANNEN	نروژی	ENĒ	یونانی
ANDER	هلندی	ENIM	لاتین
OTERU, ONŪ	اسلاوی کهن	ANTHAR	گوتیک
ANTRAS, ANTARAS	لیتوانی	ANNARR	ایسلندی کهن
UOTRS	لتونی (لتی)	ĀTHAR, ŌTHAR	ساکسونی کهن
ANTERS, ANTARS	پروسی کهن	ŌTHER	فریزی کهن

Ū, OO, VAY	فارسی (PERSIAN): او، وی
HE, SHE	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*AU-, *Ū-	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

OVĀ-, OVOGDA	اسلاوی کهن	AVA-, HĀU	اوستایی
ON, ONA	لهستانی	AVA-, HAUV	پارسی باستان
ON, ONA	چک	AVE, ŌĒ, ŌY, HŌ	پهلوی
ÓVAJ	صربی	UI	اوستی
ON, ONA	اسلواکی	EW	کردی
INK	ارمنی	DAY, DĀ	افغانی (پشتو)
-U	یونانی	OK	تخاری A
-U, -U-QUE	گوتیگ	UK	تخاری B
		AVA-	سانسکریت

نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه بازسازی شده را نشان دهند.

ARD, ART, ARTA	فارسی (PERSIAN): ارد، ارت، ارتا (به چم "ارض")
EARTH	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*ERT-, *ERTA-, *ERU-	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

ERDA, ERO	آلمانی کهن	ARDA, ARTA	اوستایی
ERDE	آلمانی	ARTA	پهلوی
EORTHE	انگلیسی کهن	ERD	کردی
EARTH	انگلیسی	ERKIR	ارمنی (شاید)
JORD	دانمارکی	ERĀ	یونانی
JORD	سوئدی	AĪRTHA	گوتیک
JORD	نروژی	JORTH	ایسلندی کهن
ARRD	هلندی	JORTH	نورس کهن
ĒRDVE	لیتوانی	ERTHA	ساکسونی کهن
ERW	گالی	ERTHE	فریزی کهن
ERW	ولزی		

نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه بازسازی شده را نشان دهند.

PĀLIDAN, PĀLŪDAN, PĀLAIDAN	فارسی (PERSIAN): پالیدن، پالودن، پالاییدن
PURIFY, FILTER	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUNĀML	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

PŪRIFICARE	لاتین	PĀLAIDAN, PĀLAIDAN	اوستایی
PURIFIER	فرانسه	PĀLUTAK, PĀLŪTAN	پهلوی
PURIFICAR	اسپانیایی	PAK KIRIN	کردی
PURIFICARE	ایتالیایی	PĀLĒAG, PĀLĀYAG	بلوچی
FOWEN	المانی کهن	PĀKAWĒL	افغانی (پشتو)
PURIFY	انگلیسی	PAVATE, PĀVAYATI, PUNATI, PAVITAR	سانسکریت

نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه بازسازی شده را نشان دهند.

KAD, -KADÉ	فارسی (PERSIAN) كَد، -كده (به چَم "خانه")
HOUSE	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*KED-, *KOT-, *KOTOS	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

ÍOTULU	بلغاری	KATA, KOTA	اوستایی
KĀTILAS	لیتوانی	KATAK, KADAK	پهلوی
KOTÉC	روسی	KOR	افغانی (پشتو)
	یادداشت:	CATTÁ	سانسکریت
	چم این واژه در گوتیگ و اسلاوی کهن و	KOTŪLE	یونانی
	اوستایی: اتاق.	HĒTHJŌ	گوتیگ
	چم این واژه در انگلیسی کهن: محوطه،	HEATHOR	انگلیسی
	حصار.		کهن
	چم این واژه در سانسکریت: نهفته، پنهان.	KOTICI	اسلاوی کهن
	چم این واژه در روسی: سد رودخانه (برای		
	ماهگیری).		

نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه بازسازی شده را نشان دهند.

KŪH	فارسی (PERSIAN): کوه
MOUNTAIN	چم انگلیسی سرواژه فارسی:
*KEUP-, *KEUB-, *KOU-, *KOUB	هندواروپایی (INDO-EUROPEAN):

KVAB	افغانی (پشتو)	KAOFA	اوستایی
KOC	تخاری A	KAUFA	پارسی باستان
KAUC	تخاری B	KŌF, KOFAK	پهلوی
KOHAK	ارمنی	KŪWI	کردی
KUPU	بلغاری	KŌPAK, KOFAGH HOF, HOPR	بلوچی
HUP	صربی	HŌP	ساکسونی کهن
KOPEC	اسلواکی	HĀP	فریزی کهن
KAUPAS, KUPRA	لیتوانی	HOVAR, HUBIL	آلمانی کهن
KURS	لتونی (لتی)	HÜGEL, HAUFE	آلمانی
CŪAN	ایرلندی کهن	HOFER, HĒAP	انگلیسی کهن
KJIPI	آلبانی	HEAP	انگلیسی
KUPŪ	اسلاوی کهن	HOP	دانمارکی
KOPIEC, KUPA	لهستانی	HOV	نروژی
		HEUVEL, HOOP	هلندی

یادداشت:

چم برخی از واژه‌های این فهرست: کوهان، تپه، توده یا انباشته بلند.

■ آنچه در واژه‌های ایرانی «ه» است در سانسکریت «س» است، چنانکه واژه‌های (هنجار، اهورا، آهو) در سانسکریت (سنجارا، اسورا، آسو) است و اصولاً «س»‌های باستانی ایران هم تبدیل به «ه» شده است. چنانکه واژه‌های (وناس، راس، گاس، روباس، مس) در فارسی تبدیل به (گناه، راه، گاه، روباه، مه) شده است. ص ۱۶۹

پیشوند کهن «ایرانی - آریایی» hām, ham (پیشوند اشتراک) که در زبان پهلوی نیز ham بوده و صورت کهن تر آن نیز sam است و بنا بر قاعده تبدیل، به hām و ham بدل شده است، در زبان سوئدی با تأثیرپذیری از زبانهای «آریایی - اروپایی» به چهار صورت جالب زیر دیده می شود:

۱ - hom ۲ - jām ۳ - sam ۴ - harm

نمونه های صورت «homo, hom» و نیز «harmo, harm» چنین است:

homonym: همنام، هم‌نوا (هر دو بخش ایرانی است)

homogen: همجنس، همسان

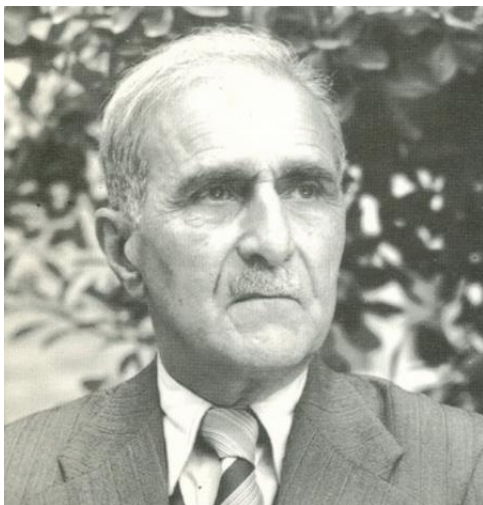
این پیشوند در زبان سانسکریت «san» و در زبان روسی مانند سوئدی «sam» است. واژه «هنجار» ایرانی در سانسکریت «sanjāra» است و این پیشوند اشتراک که در زبان انگلیسی نیز به صورت same (= یکسان، همسان، همان، یکنواخت) وجود دارد از واژه های بنیادی زبانهای هند و اروپایی است و در زبان سوئدی بسیار پرتوان و کارآمد است.

■ پادشاه چین لقب بغبور دارد.

مسالک و ممالک ابن خردادبه، ترجمه سعید خاگرد، ۱۳۷۱، ص ۲۱

■ در سنسکریت واژه «bhaga putra» به معنی «پسر خدا» و در زبان پارتی نیز «bagpuhr» همین مفهوم را دارد که لقب پادشان چین بوده و در فارسی امروز «فغفور» گویند. واژه بَغ امروزه در ترکی و فارسی به صورت «بگ» و «بیگ» در معنی «سرور، بزرگ، خان» کاربرد دارد و همین واژه در انگلیسی نیز به صورت big و bigger و biggest به معنی «بزرگ، مهم، برجسته، متشخص» به کار می‌رود و ترکیب‌هایی نیز مانند bigwig (= آدم متشخص و مهم)، bigness (= بزرگی، عظمت)، bigheaded (= مغرور، پرافاده) و غیره نیز داراست.

واژه‌های ایرانی در زبان سوئدی، تألیف دکتر حسین آذران، نشر بلخ، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷



■ نیازمندیهای پارسی نو باید به دستیاری پارسی میانه (پهلوی) برکنار شود، اگر نشد، به پارسی باستان روی آوریم هر چند که از این زبان بیش از پانصد ششصد واژه در سنگ‌نبشته‌های پادشاهان هخامنشی بجای نمانده است.

■ از این دو زبان باستانی گذشته، زبان اوستایی که یکی از زبانهای دیرین کشور ماست بسیاری از نیازمندیهای ما را برکنار خواهد کرد. اگر از هیچیک از این زبانها واژه‌ای را که جویا هستیم، نیافتیم، سانسکریت که یکی از زبانهای کهنسال برادران آریایی ماست، بداد ما خواهد رسید. سانسکریت به ما بیگانه نیست، آن را خواهر زبانهای اوستایی و پارسی باستان خوانده‌اند. شک نیست که روزی ایرانیان و هندوان با هم می‌زیستند و از یک زبان و آیین برخوردار بودند.

تاریخچه زبان فارسی (گزیده‌هایی)

- خط کشف‌شده در کاوشهای جیرفت، تاکنون رمزگشایی نشده است. قدمت این لوحها ممکن است به قبل از خط ایلامی برگردد.
- در تارنمای اطلس تاریخ ایران، عکسهای متعددی از لوحهای باستانی، منجمله نمونه‌ای از خط کشف‌شده در جیرفت، دارد که پیشنهاد می‌شود، ملاحظه نمایید.
- پیدایش خط و نوشتار - اطلس تاریخ ایران
- <https://iranatlas.info/life/writing.htm>

■ ... نامی که بر ایشان اطلاق می‌شود از کلمه «الامتو» آشوری مشتق است (که برابر لفظ بومی حتمتو Hatemtu است). این قوم را به نامهای دیگر نیز می‌خوانده‌اند. از جمله با نسبت به کلمه شوش، نام پایتخت ایشان، که در اکدی «شوشو» و در عبری «شوشن» و در یونانی «سوسا» تلفظ می‌شده، گاهی نام «شوشی» به ایشان داده‌اند. گاهی نیز این قوم را از نام سرزمین ایشان، که «انزان» یا «آنشان» بوده است، انزانی و انشانی می‌خوانند. ص ۱۴۱

■ این سرزمین در سنگ نوشته‌های هخامنشی «هوج» خوانده شده که نسبت «خوزی» در آثار مورخان اسلامی، و نام استان خوزستان، و نام شهرهای «اهواز» و «هویزه=حویزه» از آن آمده است. اما اکنون اصطلاح رایج نزد دانشمندان برای نام این قوم و زبان ایشان همان کلمه «عیلامی» است. ص ۱۴۱

گاتاها، زردشت و اوستا

- گاتاها قدیمترین و مقدس‌ترین بخش اوستا و سروده‌هایی است که از دیرباز از سخنان اشو زردشت (ع) دانسته شده است و از نخستین نمونه‌های باقیمانده شعر در ایران است.
- در شش مورد از این سرودها نام زردشت به صیغه اول شخص آمده است.
[تاریخ زبان فارسی دکترخانلری، جلد اول، ۱۳۶۵، ص ۱۷۵]
- برای آنکه مطالب را مختصر کرده به شکلی درآورند که مردم بتوانند به حافظه بسپارند متوسل به شعر می‌شدند. این طرز نگارش بویژه در میان اقوام هند و اروپائی متداول بوده است. [الغتنامه دهخدا]

■ گاتها از حیث صرف و نحو و زبان و فکر با دیگر قسمتهای اوستا فرق دارد و نیز بسا لغاتی که در آن استعمال شده در دیگر بخشها نیامده و مطابق آنها را در قدیمترین کتب مذهبی برهمنان باید جست. گاتها روزی جزو کتاب بسیار بزرگی بوده و لابد همان است که مورخ یونانی هرمیپوس از آن سخن رانده است [همان].

■ به قول پُلینی (۷۹-۲۳ میلادی) در کتاب دانش طبیعی و به نقل از هرمیپوس در سده سوم ق. م.، اوستا دو میلیون بند داشته است.

■ این گمان وجود دارد که کتاب هرمیپوس درباره آیین ایرانیان ترجمه‌ای از اوستا باشد.

■ داستان ویشتاسپ (گشتاسپ) نقطه اصلی شروع تمام اختلاطها و آمیزشهایی است که میان داستان کیان و هخامنشیان صورت گرفته است. [کریستنسن]

■ در این کتاب [کیانیان] استاد فقید نخست با بحث استادانه مفصلی ثابت کرد که میان شاهان داستانی کیان و سلسله تاریخی هخامنشی ارتباطی وجود ندارد و تمام فرضهای دانشمندانی مانند هرتل و هرتسفلد را در این باب رد کرد و ثابت نمود که کیانیان عبارتند از یک دسته از امرای محلی مشرق ایران در عهد مقدم بر اوستا که آخرین آنها ویشتاسپ با زردشت پیغامبر معاصر بوده است.

از مقدمه مترجم کتاب کیانیان (ذبیح الله صفا به سال ۱۳۳۶)

■ در کتب نجوم و علم احکام فارسی و عربی، رصد و پیشگویی از حوادث مهم و ایجاد کبیسه و تصحیح تاریخهای قدیمتر را از حکیم زردشت دانسته‌اند. ذکر این مطلب تنها در کتب مشرق نیست بلکه در روایات کلاسیک (یونانی و لاتین) هم نظیر آنچه گفته شد و حتی بیشتر دیده می‌شود.

■ در روایات مربوط به زمان زردشت اختلاف عظیمی دیده می‌شود ... علت پیدا شدن اختلاف اینست که پیشگویی‌هایی درباره ظهور پادشاهان و دین‌آوران و ویرانی جهان و ... از زمان قدیم نسبت به زردشت و جاماسب داده شده بوده است و برای اینکه آنها در زمان مخصوصی صدق کند یا نکند در قرون مختلف عصر زردشت را گاهی جلوتر و گاهی عقب‌تر از زمان واقعی آن کشیده‌اند. مضامین روایاتی که در کتب تاریخ راجع به این اختلافات آمده طوری است که از روی آنها می‌توان زمان و غرض و مسلک جعل‌کننده را دانست.

- **Zarathustra**, also spelled Zarathushtra, Greek Zoroaster, (born traditionally c. 628 BCE, possibly Rhages, Iran—died c. 551 BCE), Iranian religious reformer and prophet, traditionally regarded as the founder of Zoroastrianism. ... According to Zoroastrian tradition, he flourished “258 years before Alexander” ... Some modern scholars, however, have suggested that he may have flourished around 1200 BCE, while others have argued that he lived more than a millennium earlier than the traditional dates.

www.britannica.com/biography/Zarathustra

■ دیاکونوف پس از بیان دلایل خود می‌نویسد: «... از مجموع مراتب فوق چنین نتیجه می‌گیریم (و این استنتاج با مدارک روایات زرتشتی مطابق است) که تحریر ادبیات اوستایی و تثبیت آن بوسیله کتابت باید قبل از نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی - یعنی بین پایان قرن ششم و اواخر قرن چهارم ق. م - آغاز شده باشد.»

■ ... در طریق فهم گائنه‌ها هنوز فرسنگها از کمال مقصود دوریم ... کریستیان بارتولومه که یکی از بزرگترین دانشمندان غربی آشنا به فقه اللغة ایرانی می‌باشد چنین می‌نویسد: «بدون اغراق می‌توان گفت که گائنه‌ها دشوارترین بخش فقه اللغة هندواروپایی را تشکیل می‌دهند.» ... می‌توان صراحتاً گفت که اکنون به تعداد مترجمان - گائنه‌های گوناگون و مختلف وجود دارد. یکی از محققان جدید فقط قریب ۲۰ درصد از قطعات گائنه‌ها را بقدر کفاف قابل فهم می‌داند.

■ ترجمه‌های گاتاها

■ از دوره مادها هیچ نوشته‌ای به یکی از زبانهای ایرانی برجای نمانده است. اما در نوشته‌های مورخان یونان اشاراتی به داستانها و قصه‌ها و اشعار این دوره شده است، که در ابتدای کتاب «تاریخ ادبیات ایران، پیش از اسلام» تألیف دکتر احمد تفضلی، نمونه‌هایی از آنها ذکر شده است.

■ هردوت مورخ یونانی نوشته است که در سراسر جهان مادها را «آریائی یا ایرانی = arioi» می‌خوانند. نسبت قوم پارس به این نژاد در سنگنوشته داریوش بزرگ ثبت است که خود را «ایرانی و ایرانی نژاد» خوانده است.

[تاریخ زبان فارسی دکترخانلری، جلد ۱، ۱۳۶۵، ص ۱۵۷]

■ هردوت می‌نویسد رسم دِیَاکُو پادشاه ماد در اوایل قرن هفتم پیش از میلاد چنین بود که خلاصه دعاوی و مرافعات را می‌نوشتند و نزد او به کاخ شاهی می‌فرستادند و او رأی و حکم خود را صادر می‌کرد و پس می‌فرستاد.

■ دینون^۱ می‌نویسد که در نیمه اول قرن ششم پیش از میلاد شاعرانی در دربار شاهان مادی بوده‌اند و موضوع شعرهای خود را از روایات ملی اقتباس می‌کردند. چندین داستان و افسانه از دوره مادها در نوشته‌های مورخان یونانی نقل شده که از روی آنها می‌توان پی برد که در زمان مادها داستان‌ها یا منظومه‌های داستانی وجود داشته است. اما هیچ یک از این آثار مستقیماً به زمانهای تاریخی نرسیده است.

تاریخ زبان فارسی دکترخانلری، جلد ۱، ۱۳۶۵، ص ۱۶۰ و ۱۶۱

■ کشف کتیبه سنگی سه هزار ساله در مریوان (۱۳۹۵)

■ «محمد معصومیان» عضو هیأت باستان‌شناسی قلعه امام (ایمام) می‌گوید کتیبه کشف شده در مریوان به خط «میخی» و بخشی از یک پازل است و زبان‌شناسان تنها با پیدا یا کشف بخش‌های دیگر این پازل می‌توانند آن را ترجمه کنند. آنها هنوز نمی‌دانند که این خط «میخی» متعلق به چه دوره و چه قومی است؟ در صورتی که قطعه‌های دیگر کتیبه کشف شوند آنها بهتر می‌توانند بگویند که این خط متعلق به آشوری‌هاست یا به خط میخی مانایی‌ها نوشته شده است. شاید هم خط میخی «اورارتوها» باشد.

ماجرای طلاشویی در همدان

ظهیرالدوله حکمران همدان (۱۳۲۴ ه. ق.): «عصر رفتیم به تماشای طلاشویی ... که خطیب الملک ... قطعه زمینی را خریده ... طلاشویی می کنند. نهرهای عمیق ... کنده بودند و آب در آنها انداخته بودند و به هم می زدند تا به کلی آب، خاکها را برده ... اشیای ثقیله ته نشین شده ... تقریباً به قدر دو من آهن خورده از قبیل نعل شکسته، میخ زنگ زده و زنگوله و غیره و سی چهل عدد پول سیاه مسی از کوچکی عدس تا بزرگی دو قرانی های معمول به خط کوفی و خط میخی و یونانی. ... این کار در همدان معمول است. گاهی به قدر آنچه کار می کنند و قیمت زمین و گاهی یک برابر و دو برابر هم عایدشان می شود.»

هخامنشیان و فارسی باستان

- نوشتهٔ مُهر کوروش اول (پدر بزرگ کوروش کبیر) به زبان ایلامی است.
- کتیبهٔ کوروش کبیر به زبانهای ایلامی، بابلی و فارسی باستان است.
- داریوش در کتیبهٔ بیستون گوید: به خواست اهوره مزدا این کتیبه‌ای که به آریایی هم نوشتم، هم بر الواح گلی نوشته شده است و هم بر پوست ... سپس من کتیبه را به همهٔ جهات به سرزمینها فرستادم. [توجه: نوشته به پارسی نوشتم، بلکه نوشته به آریایی نوشتم (حکایت نام پرشیا و ایران)]

■ البته کتیبه کوروش کبیر به زبانهای ایلامی، بابلی و فارسی باستان است. در این مورد هم بعضی معتقدند که متن زبان فارسی باستان در زمان داریوش به کتیبه اضافه شده است.

■ می‌توان به سازشی میان دو اندیشه مزبور رسید و گفت که کوروش یا کسی پیشتر از او گویا فرمان بررسی برای یافتن خطی ایرانی همانند اکدی و عیلامی را داده بود و این امر در زمان داریوش به ثمر رسید که بی‌گمان از او کتیبه‌های بیشتری از هر کس نگاشته شد و او بود که این موضوع را در سراسر جهان بر همگان نمودار ساخت. [اریچارد فرای]

■ با توجه به اینکه تاکنون آثاری از خط میخی فارسی باستان قبل از داریوش اول هخامنشی کشف نشده است، بعضی از پژوهشگران ابداع این خط را در زمان داریوش اول می‌دانند.

■ البته در سال ۱۲۹۹ دو لوح زرین به خط میخی فارسی باستان در همدان کشف شد. یکی از آنها از زبان آرشام (پدر بزرگ داریوش اول و شاه انشان) است که چون در آن خود را شاه شاهان^۱ نامیده، بعضی معتقدند که این لوح در زمان آرشام و توسط او نبوده، بلکه توسط داریوش اول و برای تحکیم مبانی حکومت خود نوشته است. لوح دیگر به نام آریارمنه (پدر آرشام) است که این احتمال مطرح شده است که این لوح برای تندیس‌سازی از وی در زمان اردشیر دوم تهیه شده است. البته هرتسفلد آن را نخستین اثر کشف شده از خط میخی فارسی باستان می‌شناخت.

^۱ استفاده از عنوان شاه شاهان قبل از کوروش کبیر هم مصطلح بوده بطور نمونه در کتیبه اورارتویی آمده است.

■ در شهریور ۱۳۱۲ (سپتامبر ۱۹۳۳) باستان‌شناسان بنگاه شرقی شیکاگو تحت ریاست پروفسور هرتسفلد در تخت جمشید حفاری می‌نمود، در خلال خاکبرداری گوشه‌های شمال شرقی و جنوب شرقی این کاخ عظیم دو صندوق سنگی در درون پی‌های تالار مرکزی پیدا کردند. درون هر صندوق یک لوحه طلا و یک لوحه نقره نهاده شده بود - نظیر این دو صندوق گویا دو تایی دیگر در گوشه‌های دیوار غربی همین تالار قرار داشته است که در قرون گذشته از بین رفته و نابود شده ولی جای صندوقها که در سنگ کوه کنده شده نمایان و قرینه وجود آنها می‌باشد. نصب الواح خشتی یا سنگی در زیر پایه‌های بنا و کاخهای شاهان مشرق زمین از دیرگهان معمول و بطوریکه ضمن تمدن آشور بیان شد، آنها نیز الواحی در پایه‌های قصور خود کار می‌گذارند.

■ بعضی از دانشمندان عقیده دارند که خط میخی پارسی باستان نزد مادها نیز به کار می‌رفته است و حتی شیوه نگارش پارسی باستان را دنباله شیوه ای می‌دانند که در شاهنشاهی ماد ابداع شده بود. اما از سخنان داریوش در سنگنوشته بیستون بر می‌آید [حدس زده می‌شود] که او نخستین کسی است که به زبان ایرانی مطالبی نوشته و این نکته با عقیده دانشمندان مزبور منافات دارد.^۱

تاریخ زبان فارسی دکترخانلری، جلد ۱، ۱۳۶۵، ص ۱۶۰

۱ البته بعضی از محققان از سخنان داریوش در کتیبه بیستون (ص ۳۸۶) برعکس استاد خانلری استنباط می‌کنند. در نمونه‌ای دیگر، کتیبه کنیشکای که در سال ۱۹۹۳ میلادی کشف شد، می‌گوید: «سپس آن را به آریایی ترجمه کرد.» با این توصیف، این هم باید نخستین بار باشد.

- پادشاه [هخامنشیان] با این مواد و مصالح و [از طریق دبیران] با زبان آرامی با شهربانان خود نوشت و خواند می‌کرد و اینان نیز با دیگر کار به دستان چین می‌کردند.
- سنگ‌نوشته‌های رسمی هخامنشیان به سه زبان سنتی (بابلی، عیلامی، فارسی کهن) نوشته می‌شدند.
- واژه‌های عاریتی اکدی در تاریخی دیرین از عراق به نواحی کوهستانی ایران رسیده بود. اگر چند تا پیش از تهاجم تازیان واژه‌های عاریتی زبان فارسی را اشباع نکرده بود، اما در فارسی جدید لایه سامی کوچکی وجود دارد که پیش از دوره عرب وارد زبان فارسی شده بود. **شیدا «دیوانه عشق» (اکدی: شدموم)، یلدا (سامی: ولد)**
- همه اینها گواه گسترش آموزش آرامی و کاربرد زبان آرامی به منزله **Linga Franca** یا زبان مشترک آن ایام بوده است.

■ چنانکه از مآخذ برمی‌آید بودا یا یکی از شاگردان او کتابی نیز به فارسی داشته است. [خوارزمی، مفاتیح‌العلوم]

به نقل از دکتر عبدالحسین زرین کوب در دو قرن سکوت

■ بسیاری از میوه‌ها و گلها از دشت‌نشینان به همسایگان غربی رسیده است و وجود واژه‌های ایرانی در زبانهای سامی، خود دلیل این امر است. مانند واژه آرامی *warda*، به معنی (گل سرخ) که شاهدهی است بر این امر.

[ریچارد فرای]

■ ... برای نمونه از هلو باید یادکرد که یونانیان بدان سیب پارسی گفته‌اند یا لیمو ترش که بدان «سیب مادی» گفته‌اند و یونجه یا اسپست که بدان «علف مادی» گفته می‌شد.

[ریچارد فرای]

■ گاتها یا گاهان که قدیمی‌ترین بخش اوستاست خود به معنی سرود است. اشعار گاهانی شباهتی به اشعار ودایی دارند، هر سرود دارای بندهایی است و هر بندی ابیاتی با تعداد ثابتی هجا در بردارد.

[احمد تفضلی]

■ از مدتی پیش دانشمندان بخشهایی از سنگ‌نوشته‌های هخامنشی را منظوم دانسته‌اند و حتی عبارتی را که بسامد تکرار آن در کتیبه‌ها بسیار است به عنوان قطعه منظومی در زبان فارسی باستان تلقی کرده‌اند.

[ژاله آموزگار]

■ خارس میتیلنی (Chares de Mitylene)، رئیس تشریفات سلطنتی دربار اسکندر در ایران، به منظومهایی اشاره می‌کند که در عهد هخامنشی سروده شده است.

[کریستنسن]



نام اثر : لوح زورین
مکان : تخت جمشید
تاریخ : هخامنشی (۵۴۷-۳۳۱ قبل از میلاد)
جنس : طلا
زبان : پارسی باستان، ایلامی، اکدی
گونه : سلطنتی / یاد ماندنی
مجموعه : موزه ملی ایران، تهران

- فارسی باستان به الفبایی نوشته شده است که میخی نامیده می شود. علت این نامگذاری آنست که حرفهای این الفبا به میخ شبیه است. ص ۷۹
- الفبای فارسی باستان از چپ به راست نوشته و پس از هر حرف نقطه گذاشته می شود. ص ۷۹
- میان ایرانشناسان در تلفظ واژههای فارسی باستان - به سبب آنکه الفبای فارسی باستان تلفظ دقیق واژهها را نشان نمی دهد - اختلاف است. در مقایسه با سنسکریت و اوستایی برخی از ایرانشناسان واژههای را طوری آوانویسی می کنند، که با آوانویسی برخی دیگر از آنان از همان واژه تفاوت دارد. ص ۸۵ و ۸۶

- در پارسی باستان مانند اوستائی و سنسکریت، سه جنس نر و ماده و خنثی وجود داشت. در فارسی میانه و فارسی دری اثری از جنسهای سه گانه باقی نمانده است. ص ۱۱۶ و ۱۱۷
- در زبانهای ایرانی باستان (پارسی هخامنشی، اوستائی) صیغه‌های خاصی برای تثنیه (یعنی دوگانی) وجود داشت که در زبانهای ایرانی میانه اثری از آنها نمانده بود. در فارسی جدید (دری) نیز طبعاً صیغه‌ی خاصی برای تثنیه وجود ندارد. ص ۱۱۲
- در زبانهای ایرانی باستان صفت یا موصوف از جهات متعدد جنس و عدد و حالت (نحوی) مطابقت می‌کرده است. ص ۱۲۲

■ آثاری که از زبان پارسی باستان داریم همه به خط میخی است و هیچ نشانه ای نداریم تا بتوان گمان برد که این زبان به خطی دیگر نیز نوشته می شده است. از دوره بعد از هخامنشیان تنها یک سنگنوشته به خط آرامی در نقش رستم هست که گمان می رود زبان آن پارسی باستان باشد، اما از این نوشته تاکنون تنها چند کلمه ای خوانده شده است.



■ کتیبه تچر (یکی از کاخهای تخت جمشید)

ترجمه: [این] داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمینها، پسر گشتاسپ، هخامنشی [است] که این تچر را کرد.

■ در خطوط میخی ملل دیگر چند نقش از هشتصد تا سه هزار علامت بکار می‌رفته است. ایرانیان تصرف جالبی که در خط میخی برای زبان پارسی باستان کرده‌اند اینست که تنها چهل و دو علامت برای اصوات مرکب بکار برده‌اند. این خط تا پایان دوره هخامنشی در کتیبه‌ها و سکه‌ها بکار رفته است اما برای زبان بابلی تا آغاز تاریخ میلادی آنرا بکار برده‌اند. ازین ۴۲ علامتی که در خط میخی ایرانی بکار می‌رفته است یک علامت حکم نقطه را دارد و برای وقف در میان حروف بکار می‌رفته و پنج علامت دیگر به اصطلاح فنی ایدئوگرام بوده است یعنی در برابر پنج کلمه رایجی که بسیار بکار می‌رفته می‌نوشته‌اند و حاکی از صدای مخصوص نیست. یک علامت را برای کلمه شاه و دو علامت را برای کلمه کشور و یک علامت را برای کلمه زمین و یک علامت را برای کلمه اهورمزد بکار می‌برده‌اند.

[سعید نفیسی، ۱۳۴۲]

آوانویسی کتیبه داریوش بزرگ بر کوه الوند

- bagah (اهورامزدا) ahuramazdāh (بزرگ) wazarkah (خدا، بغ) bagah
- hyah (بوم، سرزمین) būmim (این را) imām (که) hyah
- adāt hyah awam (آسمان) asmā (آن را) adāt hyah awam
- nam adāt hyah martya (مرد) nam adāt hyah martya
- m adāt hyah šyāti (شادی) m adāt hyah šyāti
- m adāt martyahyā
- hyah dārayatwahum xšāya (شاه) hyah dārayatwahum xšāya

■ **ima**: ضمیر و صفت اشاره به معنی «این»

■ «ام-» بازماندهٔ **im** و آن خود بازماندهٔ **ima-** است که در «امروزه»، «امشب» و «امسال» ملاحظه می‌شود.

■ **imam**: برای حالت مفعولی مفرد مؤنث بکار می‌رود.

■ تلفظ الفبا و اعداد فارسی باستان (هخامنشیان) و کتیبه بیستون

■ من داریوش هستم، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه پارسی، شاه همه کشورها، پسر ویشتاسب، نوه ارشام هخامنشی. پدر من ویشتاسب، پدر ویشتاسب ارشام، پدر ارشام آریامن، پدر آریامن چیش پیش، پدر چیش پیش هخامنش ...

■ ویدئو / الواح شگفت‌انگیز هخامنشی، به روایت پژوهشگر آمریکایی

(الواح بایگانیهای تخت جمشید در پیوست ت)

■ ۵۱ سال حضور الواح هخامنشی در امریکا به روایت «ارفعی» - ایسنا

■ مستند دکتر عبدالمجید ارفعی ایران از پس هزاره‌ها - آپارات : ببینید و بگردید.

■ این ذخایر کشور را باید در مناطق کمتر آلوده و در مجاورت مراکز مجهز پزشکی و اورژانس سکنی داد و با هواپیمای «ایرفورس وان» جابجا کرد، نه بخاطر تجلیل از آنها (که البته جای خود دارد)، بلکه بخاطر خودمان.

ترس من این است که بعد کسی نباشد و این کتیبه‌ها برای همیشه فراموش شوند. چه از روزی که استاد من، هالک، در آمریکا فوت کرد، در آغازین روزهای ۱۹۸۰ تا به امروز، در شیکاگو یک گل‌نوشته هم خوانده نشده است. در ایران من چند صباحی که در موزه بودم، توانستم مقداری از این کتیبه‌ها را بخوانم؛ اما بعد چه خواهد شد؟ نه در آمریکا استادی مانند استاد هالک داریم که چهل و چند سال کار کرده باشد و بتواند شاگرد بعدی‌اش را تعلیم دهد که من باشم؛ ولی من متأسفم که اینجا کسی موافقت نکرد که این رشته را در دانشگاه، چه این زبان و چه زبان اکدی و چه زبان سومری، چه زبان سریانی داشته باشیم، یک مجموعه تخصصی داشته باشیم. من به افراد زیادی درس داده‌ام چه در خانه و چه در موزه، ولی به علت سنگینی کار و نبودن منابع به اندازه کافی، چون من در خانه نمی‌توانستم به آنها کتیبه بدهم و در موزه هم وقتی دست من بسته شد، نتوانستیم آنطور که شاید و باید، شاگرد پرورش بدهیم که فردا دنباله‌رو باشند و بتوانند این رشته را ادامه بدهند. [ارفعی، ایسنا]

■ چهار کتیبه بابلی نزدیک تخت جمشید کشف شد - ایرنا

■ چهار کتیبه متعلق به دوره هخامنشیان در محوطه تل آجری کشف شد که در این کتیبه‌ها به زبان بابلی کلماتی چون شاه و دروازه حک شده است.

ایرنا ۴ / ۸ / ۱۳۹۴

■ کشف یک قطعه شکسته از یک کتیبه هخامنشی در سال ۲۰۱۶ در شهر باستانی فاناگوریا در جنوب روسیه،

■ نگاهی به کتیبه هخامنشی در فاناگوریا-احسان شواربی-میراث مکتوب/فیلم

■ کشف اتفاقی یک کتیبه باستانی ۲۵۰۰ ساله در نقش رستم (در سال ۱۳۹۷):

□ جزئیات کشف کتیبه سه زبانه در نقش رستم

□ کشف اتفاقی یک کتیبه باستانی ۲۵۰۰ ساله در نقش رستم

□ کشف جدید در نقش رستم طی نیم قرن اخیر بی نظیر است

- حمزه اصفهانی می‌نویسد: در روزگار اینان [اشکانیان] کتابهایی که به دست مردم است از قبیل کتاب مروک و سندباد و برسناس (یوسفاس؟) و شیماس و مانند آنها که در حدود ۷۰ جلد است نوشته شد، و از ملوک الطوایف بیست و اند تن فرمان راندند، ... ص ۴۱

■ کشف هزاران سکه از دو شاه نخستین اشکانی در بیست سال پیش در شمال ایران نشان می‌دهد که ضرب سکه از زمان بنیانگذار دولت اشکانی بوده و نه از زمان مهرداد یکم. بعلاوه فقط بخشی از سکه‌ها نوشته‌های رویشان به زبان یونانی است و نوشته‌های سکه‌های دیگر به زبان آرامی است. با در نظر گرفتن نقش زبان آرامی در شاهنشاهی هخامنشی، به نظر می‌رسد درست آنست که نتیجه بگیریم که اشک کاملاً آگاهانه تصمیم گرفته پشت و روی بخشی از سکه‌ها را به زبان آرامی بنویسد – نظیر کاری که شاهان محلی پارس که معاصر او بودند، می‌کردند – تا پیوندهای خود با سنت کهن پارس را نشان دهد.

پیوست ث در خصوص اشکانیان و ایرانگرایی

■ از دوره اشکانی نیز «یادگار زریران» (نثر توأم با شعر) و کتاب منظوم «درخت آسوریک^۱» در دست است.

■ نمونه‌هایی از شعر منسوب به دوران ساسانی در کتب آمده‌است.

■ نمونه‌هایی از شعر فارسی از دوران حکومت امویان در کتب آمده‌است.

^۱ ظرف سفالی پایه‌دار شهر سوخته را در پیوست ج ملاحظه نمایید.

■ نمایشنامه حماسی **یادگار زیریران** به خط پهلوی ساسانی است. منشأ نسخه ساسانی آن (با توجه به وجود واژه‌ها و ویژگیهای زبانی) به زبان پهلوی اشکانی بر می‌گردد. در این اثر، که با اختلافاتی در سایر متون (گشتاسب‌نامه دقیقی و نقل در شاهنامه فردوسی) نیز آمده است، ماجرای ایمان آوردن ویشتاسب شاه ایران به اشو زردشت و گران آمدن آن بر ارجاسب پادشاه خیونها و نامه تهدید به جنگ است. زیریر برادر ویشتاسب جواب نامه را می‌دهد. در جنگ علیرغم رشادتهای زیریر و کشته شدن او، سپاه ایران پیروز می‌شود.

■ ترجمه فارسی بخشی از **درخت آسوریگ** را نخستین بار محمدتقی بهار در ۱۳۳۷ ش منتشر کرد و در ۱۳۴۵ ش فرهاد آبادانی در نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان (شم ۲-۳)، و در ۱۳۴۶ ش یحیی ماهیار نوابی با فهرست واژه‌ها و یادداشتهای، و در ۱۳۷۱ ش سعید عریان در متون پهلوی (ص ۱۴۶-۱۵۱)، هر یک ترجمه دیگری از کل متن ارائه کردند.

■ در پژوهشهای جدید با بررسی واژگان کهن و نادر پارتی (برای نمونه، بهار) و در برخی موارد احتمالاً مادی، نشان داده شده که اصل این اثر شعری پارتی بوده است (هنینگ)

■ در بند ۴۱ منظومه (درخت، ۶۷) از زبان بز از رستم و اسفندیار یاد شده است.

اقدام آثار موجود به خط پهلوی اشکانی

■ قدیمی‌ترین متنی که در اختیار داریم و به زبان پهلوی نوشته شده است، تقریباً متعلق به سال ۱۰۰ ق. م است و بر روی قطعه سفالی از نسا بدست آمده است. [ایوزف ولسکی]

■ سفالینه‌های نسا: این سفالینه‌ها بین سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۱ در نسا - پایتخت قدیم اشکانیان واقع در نزدیکی عشق آباد - پیدا شد که حدود ۲۷۵۸ سفالینه متعلق به سده اول پیش از میلاد بود.

■ قبالة اورامان: این قبالة که بر روی پوست نوشته شده است متعلق به سال ۸۸ پیش از میلاد است.

[ابوالقاسمی، راهنمای زبانهای باستانی ایران، ص ۱۲۹]

خطهای متداول در دوره ساسانی

- مورخان اسلامی دربارهٔ انواع خطهای متداول در دورهٔ ساسانی مطالبی ذکر کرده‌اند. حمزهٔ اصفهانی از قول محمد موبد معروف به ابوجعفر متوکلی می‌نویسد: «خط فارسی گوناگون است و هفت نوع دارد، و گفته‌اند که ایرانیان در روزگار فرمانروائی خود انواع مقاصد خویش را به هفت نوع خط می‌نوشتند که نام آنها: رم دفیره، گشته دفیره، نیم گشته دفیره، فرورده دفیره، راز دفیره، دین دفیره، وسف دفیره بوده است...» ص ۲۴۳
- خط «نیم گشته» را «نیم کستج» نوشته و آن را نیز شامل بیست و هشت حرف دانسته که کتابهای پزشکی و فلسفه را به آن می‌نوشتند. ص ۲۴۳
- اما توضیحات این مورخان مبهم است و در نام خطوط نیز تحریف و تصحیف راه یافته و صورت اصلی و درست آنها معلوم نیست. مثلاً شاید «راس سهریه» که ابن‌الدیم می‌گوید علم منطق و فلسفه را با آن می‌نوشتند در اصل «دانش دبیریه» بوده باشد. ص ۲۴۴

- عیلامیان در نوشتن ندرتاً تمایز روشنی میان همخوانهای آوایی و بیواک می‌گذاشتند؛ در زبان ایشان میان < p و b > و < d و t > و < g و k > و < z و s > تفاوتی نمی‌رفته است. [جورج کامرون]
- خط پهلوی ساسانی نیز مشکلاتی نظیر آنچه در بالا آورده شد دارد، اما بخاطر حساسیت در صحیح خواندن اوستا، خط اوستا بسیار کامل است.
- بطور نمونه، حرف الف پهلوی نشان‌دهندهٔ چهار آوای « - ، آ، ه، خ » است. [تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۷۰]

■ ملک‌الشعرای بهار می‌نویسد: در خط پهلوی بسا حروف صدا دار و بی‌صدای اوستائی از بین رفته و برای چندین صوت و حرف یک صوت و یک حرف بیش نداشته‌اند بعین مثل خط بی‌نقطهٔ عربی - بلکه از آنهم ناقص‌تر و خراب‌تر. ص ۱۹۵

■ در نمونه‌ای دیگر، به سبب یک شکل بودن حرف «و» و «ن» در خط پهلوی کتابی، این نام از دیرباز و در اغلب منابع اسلامی، به صورت «تنسر» ضبط شده است، اما مسعودی، علاوه بر «تنسر»^۱ صورت «دوسر» را نیز آورده است. تنها بیرونی آن را به صورت صحیح «توسر» ذکر کرده است. بنابراین، بیرونی بایستی آن را از مأخذی جز ترجمه ابن مقفع گرفته باشد. اما در خط پهلوی کتیبه‌ای که برای این دو صدا دو نشانه جداگانه وجود دارد، کلمه به وضوح «توسر» خوانده می‌شود.

^۱ تنسر (هیربدان هیربد اردشیر بابکان) مؤلف رساله مشهوری است که به نام خود او است.

- دو نوع خط پهلوی کتیبه‌ای (یا خط پهلوی منفصل) و خط پهلوی کتابی (یا خط تحریری یا متصل) در آثار دوران ساسانی [احمد تفضلی]
- حروف الفبای پهلوی ساسانی کتیبه‌ای از راست به چپ و جدا از هم نوشته می‌شود. [راهنمای زبانهای باستانی ایران، جلد اول، ص ۱۵۹]
- الفبای اوستایی از راست به چپ نوشته می‌شود و هر کلمه با یک نقطه از کلمه دیگر جدا می‌گردد. [راهنمای زبانهای باستانی ایران، ص ۹]



کتیبه کرتیر از سنگ در کعبه زرتشت، ساسانی (۵۴۷-۳۳۱ ق. م)

■ pad nām ī yazdān

پَد نامی یزدان

■ حرف اضافه paiti (به) در فارسی میانه تورفانی pad شده و آن در فارسی دری، پیش از ضمائر «او»، «این»، «آن» و «ایشان»، به «بَد» (یعنی: بدو، بدین، بدان و بدیشان) و در غیر آن صورت به «به» بدل شده است. [ابوالقاسمی، راهنمای زبانهای باستانی ایران، ص ۱۷]

■ نسخة الکترونیکی نامه پهلوانی: خودآموز خط و زبان پهلوی اشکانی، ساسانی از استاد فریدون جنیدی. پیوند ویدئوهای کلاس استاد جنیدی در پیوست چ آمده است.

■ می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از اشعار دورهٔ میانه را سرودهای دینی مانوی تشکیل می‌دهند که به زبان پارتی و پارسی میانه در قطعاتی پراکنده برجای مانده‌اند.

■ شعرهای مانوی در نسخه‌ها بصورت نثر نوشته شده‌اند، ولی معمولاً آخر ابیات را با نقطه‌های رنگین مشخص کرده‌اند. اما سرودهای بلند را بصورت شعر نوشته‌اند و در میان ابیات فاصله گذاشته‌اند. هر بیتی دارای دو مصراع است و در میان هر مصراع یک یا دو نقطه گذاشته می‌شود که مصراع را به دو پاره تقسیم می‌کند.

■ «در ترکستان چین در ناحیه تورفان قطعات بسیار از آثار دینی مانویان بدست آمده که به خط سریانی ... نوشته شده و همه کلمات آن بصورت ایرانی خالص است.»

■ «آگاهیها از زبان اشکانی و ساسانی، که آنها را اصطلاحاً «زبانهای ایرانی میانه» می گویند، در نتیجه اکتشافاتی که در ۲۵ سال اخیر در ترکستان چین صورت گرفته، بی اندازه وسیع شده است.»

■ «ظاهراً مینیاتوری را مانویان از کشور ساسانی به ترکستان نقل کرده اند.»

-
- See: Manichaean wall painting (تصویر مانی)

(Fragment of wall painting presumably depicting (left) Mani, followed by members of the elect, from Kucha, China, 8th–9th century; in the Museum für Indische Kunst, Berlin.)

www.britannica.com/biography/Mani-Iranian-religious-leader

■ کتابی به خط پهلوی که در عهد ساسانیان نوشته شده باشد در دست نیست و قدیم‌ترین نسخه موجوده از این خط که در کتابخانه کوپنهاگ دانمارک مضبوط است تاریخ کتابتش ۶۹۱ ه. ق است. از این جهت تصور می‌رفت که این کتب را بعد از اسلام به چند قرن زردشتیان ایران جعل کرده‌اند تا حربه در برابر مسلمانی داشته باشند، بنابراین، لغات آنها را مجعول و غیرقابل اعتماد می‌پنداشته‌اند، اما تتبعات تاریخی و لغوی ثابت کرده است که اکثر این رسالات از روی کتب قدیم‌تری که منتهی به عهد ساسانی می‌شود استنساخ گردیده و روحانیون زردشتی که در حفظ آثار دینی خود جدی و تعصبی وافی داشته‌اند تا حدود امکان آن یادگارهای قدیم را از دستبرد حوادث صیانت می‌کرده‌اند.

■ از اوستا نسخه‌های خطی متعددی در دست است، اما هیچ یک از آنها به تنهایی متن کامل اوستا را در بر ندارد. بعضی از نسخه‌های اوستا همراه با ترجمهٔ پهلوی است و ترجمهٔ پهلوی زیر هر سطر متن اوستایی نوشته شده است. قدیم‌ترین نسخهٔ اوستایی موجود نسخهٔ K7 (محفوظ در کتابخانهٔ دانشگاه کپنهاگ) است. این نسخه که به صورت عکسی منتشر شده و فقط ویسپرد را در بردارد در سال ۶۳۷ یزدگردی (قرن ۱۳ میلادی) است. نسخه‌های قدیمی دیگر از قرن ۱۴ میلادی و در ایران به کتابت درآمده‌اند و نسخه‌های متأخرتر از قرن هفدهم میلادی به بعد در هندوستان استنساخ شده‌اند. اما از انجامه‌های کاتبان این نسخه‌ها می‌توان به وجود یک نسخهٔ خطی مادر که در قرن سوم/چهارم هجری کتابت شده بوده، پی برد. ص ۷۱

■ تاریخ کتابت نسخه‌های خطی پهلوی موجود با زمان تألیف این متون نسبتاً فاصله بسیاری دارد.

■ بیشتر آثار دینی پهلوی در قرن سوم و چهارم هجری هنگامی تألیف نهایی یافت که دین زردشتی دیگر دین رسمی ایران نبود و موبدان از حمایت بی‌دریغ دولت برخوردار نبودند. علاقه به داشتن آثار مکتوب و احساس خطر از نابودی آنها موجب شد که موبدان و علمای زردشتی دست به گردآوری و تألیف این آثار بزنند، اما تعصبات دینی و حوادث و جنگها، خصوصاً حمله مغول و خرابیهای ناشی از آن، موجب از میان رفتن بسیاری از این آثار شد.

■ از دینکرد چهار نسخه قدیمی در دست است. کاملترین نسخه، نسخه بمبئی است که اکنون در مؤسسه کاما (Cama) در بمبئی نگهداری می‌شود (نسخه B). این نسخه در سال ۱۰۰۹ یزدگردی (۱۶۵۹ م) به قلم ماهونداد تُرک‌آبادی کتابت شده است. سلسله نسب این نسخه به نسخه‌ای می‌رسد که در سال ۳۶۹ یزدگردی (۱۰۲۰ م) در بغداد به دست ماهونداد نرماهان کتابت شده بود. ص ۱۴۰

■ تا قرن ششم و هفتم هنوز زردشتیان در ایران به کارهای دینی و علمی و ادبی مشغول بوده‌اند و در همان اوقات هم از هندوستان و گجرات طالبان علم مزدیسنی برای بدست آوردن نسخهای کتب و فرا گرفتن سنت و روایات مزدیسنی به ایران می‌آمده‌اند و استفاده علمی می‌برده‌اند و چند کتاب روایت که به زبان پهلوی و فارسی موجود است گواه آنست. ص ۱۴۷

■ خلاصه از مغول به بعد ادبیات مزدیسنا در ایران طوری نابود شد که می‌بایستی برای فرا گرفتن آداب و تحصیل علم به هندوستان رفته از برادران مهاجر خود کسب معلومات نمایند و حال هندوستانیان نیز باسوابق مذکور معلومست که چه بوده است. ص ۱۴۸

■ آنچه از آثار ادبی پهلوی صورت مکتوب به خود گرفته بود، در دوران اسلامی به سبب تحول زبان پهلوی به فارسی و نیز به علت تغییر خط پهلوی به عربی از میان رفت یا به علت تعصبات دینی یا جنگها و ستیزها نابود گردید. شعر پهلوی نیز به وضعی مشابه دچار گردید. تحول زبان و تغییر وزن هجایی به عروضی موجب فراموشی این اشعار شد که غالباً سینه به سینه حفظ می‌گردید و همراه با موسیقی خوانده می‌شد. از رونق افتادن موسیقی، و گاه ممنوعیت آن، در دوران اسلامی نیز خود یکی از موجبات فراموشی این آثار شد. ص ۱۱۳

■ متن و نمونه سخن به زبان فارسی میانه یا زبان پهلوی - آپارات

■ صدای زبان اوستایی - روخوانی کتاب وندیداد: زمین - آپارات

■ اجرای سرود ای ایران به زبان اوستایی (توسط هموطنان زرتشتی) - آپارات

■ سرود ای ایران به زبان اوستایی - آپارات

■ کشف یک کتیبه با نام زرتشت در مرودشت، ایرنا ۱۹ / ۱۰ / ۱۴۰۰

■ این کتیبه در ابعاد ۴۰ در ۳۵ سانتی‌متر است که به دلیل فرسایش کتیبه توسط باستان‌شناسان و مورخان با روش‌های تخصصی خوانده و ترجمه شده است و نام زرتشت بر آن حک شده است.

■ در اسناد کاغذی تاریخی نام زرتشت آورده شده بود، ولی برای نخستین بار است که در کتیبه این نام شناسایی شده است.

■ این کتیبه در ۶ سطر و به زبان پهلوی نگارش شده است.

■ برای نخستین بار؛ کشف یک کتیبه با نام «زرتشت» در مرودشت - یورونیوز

Old Persian Texts - Avesta.org

■ (وابستگی این تارنما مشخص نیست و تنها به ذکر نام ایجاد کننده آن (آقای جوزف پترسون) اشاره شده است. هنوز مجموعه‌ای نظیر آن بویژه برای فایل‌های صوتی نیافته‌ام تا جایگزین کنم.)

■ شامل سنگ‌نوشته‌ها همراه آوانگاری و ترجمه به انگلیسی،

■ خودآموز اوستا

■ پخش صوتی گاهه‌ها و نیایشهای روزانه زرتشتیان

■ [Daily Zoroastrian prayers recorded](#)

■ پیوندهای متعدد مربوط به اوستا و زرتشتیان

■ [Links to other sites relating to Avesta and Zoroastrianism](#)

■ زبانهای خوارزمی و سُغدی از زبانهای شرقی ایرانی میانه هستند. اکنون می‌دانیم که زبان خوارزمی تاریخی طولانی داشته است. نخست با الفبای تعدیل یافته آرامی نوشته می‌شد و سپس با حروف عربی تا زمان تاخت و تاز مغولان. زبان سُغدی نیز با الفبای ویژه خویش، که از آرامی ریشه گرفته بود یا با الفبای ویژه مانوی یا نوشتار سریانی نوشته می‌شد که به ترتیب برای کتابت متنهای بودایی و مانوی و مسیحی بکار می‌رفته است.

[اریچارد فرای]

■ مردم ایالات شرق به زبانهای ایرانی دیگر تکلم می‌کرده‌اند ... زبان سغدی در مدت چند قرن در آسیای مرکزی لغت بین‌المللی بشمار می‌رفت و به توسط این زبان بود که کتب مانوی و بودایی حتی در قبایل ترک هم نفوذ پیدا کرد.

■ مانی پس از اخراج از کشور، ده سال در ممالک آسیای مرکزی سرگردان بود. وی رسم‌الخطی بکار برد که کاملاً متناسب با تلفظ و معادل اصوات و حرکات بود. این الفبای مانوی را پیروان او، که سغدی‌زبان بودند، قبول نمودند و رفته رفته از آن خطوطی پدید آمد که اقوام آسیای مرکزی آن را بکار می‌بردند.

■ سکایی زبان قوم هندوسکایی و از شعب زبانهای شرق ایران است، که امروز لغت پشتو و چند لهجه پامیری مثل سریگلی شوغنی و وخی و غیره از آن جمله‌اند.

■ علاوه بر ایالت سغد قدیم، زبان سغدی در نواحی دیگر مانند واحه‌های تورفان در ترکستان شرقی به عنوان زبان مراودات تجاری و فرهنگی و زبان اداری و تألیف و تصنیف رواج داشته است. از کتیبه بوگوت (Bugut) در مغولستان، که متعلق به اندک زمانی پس از ۵۸۱ میلادی است، چنین بر می‌آید که سغدی زبان رسمی نخستین امپراتوری ترکان بوده است. ص ۳۵۷

■ زبان سغدی در آسیای میانه به عنوان زبان میانجی (Lingua Franca)، از قرن ششم تا دهم میلادی معمول بود. ص ۳۵۷

■ در کاوشهای مشترک آلمانی-پاکستانی بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ در درهٔ سند علیا (شمال پاکستان) بیش از ۶۷۰ سنگ نوشتهٔ کوچک به زبانهای ایرانی میانه کشف گردید که از میان آنها دو کتیبه به پارسی، دو تا به پهلوی (به خط منفصل) و ده تا بلخی و بقیه همه سغدی است. این کتیبه‌ها همه از قرن چهارم میلادی هستند. ص ۹۶ و ۳۵۸

■ کتیبهٔ دو زبانهٔ (پهلوی-چینی) سنگ مزار خانم اشرافزادهٔ ایرانی از خاندان سورن به تاریخ ۲۴۲ یزدگردی (۸۷۴ م)، که پدر او در چین مقام نظامی داشته است (کشف در سال ۱۹۵۵ در حوالی چانگ-آن پایتخت چین در زمان سلسلهٔ تانگ در دو کیلومتری جنوب شیان کنونی). ص ۱۰۵

■ کتیبه قره بلگسون به سه زبان (سغدی، چینی و اویغوری) است و در قره بلگسون، پایتخت تابستانی شاهان اویغوری در ساحل رودخانه آرخون در مغولستان بدست آمده و متعلق به تاریخی بین ۸۰۸ تا ۸۲۱ میلادی است. این کتیبه را خاقان اویغور به مناسبت گرویدنش به مانویت برپا داشته است. ص ۳۶۱

■ آثاری به زبان سکایی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در تُمَشُق، نزدیک مارال‌باشی واقع در شمال شرقی کاشغر و در ختن، در جنوب شرقی همان شهر بدست آمده است. همهٔ این آثار متعلق به بوداییان است و حتی آثار غیردینی سکایی نیز رنگ و صبغهٔ بودایی دارد. آثار غیردینی بخشی شامل نامه‌های خصوصی و بخشی شامل مکاتبات دیوانی ختن است. آثار سکایی را به دو دستهٔ سکایی ختنی (یا ختنی مطلق) و سکایی تُمَشُق تقسیم می‌کنند. آثار تمشقی از نظر زبانی کهنه‌ترند. ص ۳۶۵

■ کتیبه سرخ کتل را باستان‌شناسان فرانسوی در سال ۱۹۵۷ در منطقه بغلان در شمال افغانستان کشف کرد. این کتیبه به خط یونانی و به زبان بلخی است. از سرزمین بلخ، هم در اوستا و هم در کتیبه داریوش در بیستون، یاد شده است. بلخ، در پی حمله اسکندر مقدونی، به مدت دویست سال در زمره مناطق یونانی‌نشین درآمد. به نظر می‌رسد که، در این مدت، تمدن هلنی و نیز استفاده از زبان و خط یونانی در کنار زبان محلی بلخی در آن رواج یافته باشد. در دوران امپراتوری کوشانی، زبان بلخی به عنوان زبان رسمی جانشین زبان یونانی شد اما استفاده از خط یونانی در کنار خطوط دیگر از جمله خط بلخی و خروشتی، به ویژه در اوایل حکومت کوشانیان ادامه یافت. در عهد ساسانی، فرمانروایی کوشانیان رو به زوال نهاد و بخش غربی آن سرزمین به تصرف دولت ساسانی در آمد و آن دولت فرمانروایی با نام «کوشان شاهان» بر آن گماشت.

■ زبان بلخی زبان رایج در سرزمین باستانی بلخ در شمال افغانستان کنونی بود. این زبان که از شاخه زبانهای ایرانی میانه شرقی محسوب می‌شود در سده‌های یکم تا نهم میلادی در این ناحیه به کار می‌رفت [جعفری دهقی]

■ متن به خط یونانی و زبان بلخی و حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه آن به فارسی همراه با تفسیر و فهرستی از ریشه‌شناسی واژگان از دکتر جعفری دهقی:

■ نگاهی تازه به کتیبه سرخ کتل، دکتر جعفری دهقی، نامه فرهنگستان، ۱۳۸۶

■ نامه بلخی برزمهر، دکتر جعفری دهقی، پژوهشهای زبانی، ۱۳۹۱

■ کتیبه رباطک، دکتر جعفری دهقی، آموزش مهارت های زبانی، ۱۳۸۸

■ در دهه ۱۹۹۰ میلادی انبوهی از اسناد ارزشمند بلخی کشف شد که بیشتر آنها از طریق بازار پیشاور از بازارهای بین‌المللی سر درآورده و به مجموعه‌های خصوصی در لندن و دیگر مراکز راه یافت. محتوای بسیاری از این اسناد عبارت از نامه‌ها و مکاتبات میان افراد است. این اسناد بر چرم، پارچه و حتی بر قطعات چوب نوشته شده‌اند. افزون بر سکه‌ها و مهرها، مهم‌ترین کتیبه‌های به دست آمده از بلخ عبارتند از کتیبه‌های سرخ‌کتل، کتیبه سه‌زبانۀ دشت ناموور، کتیبه تنگ سفیدک، کتیبه پله مید، کتیبه دلبرچین و نوشته‌های پراکنده دیگری است. همچنین تازه‌ترین یافته‌ها در این زمینه نامه‌های اقتصادی، حقوقی و بودایی است که در دو مجلد توسط نیکلاس سیمز-ویلیامز بررسی و مطالعه و منتشر شده است. این اثر شاید نخستین گام در معرفی زبان و آثار ادبیات بلخی است که به منظور آموزش این زبان تدوین شده است. بدیهی است کشف آثار تازه و بررسی یافته‌های زبان بلخی در تکوین و گسترش این زبان و کسب آگاهی‌های بیشتر از زبان‌های ایرانی نقش چشمگیری خواهد داشت.

■ کتیبه رباطک به زبان بلخی و با حروف یونانی بر روی صخره ای نگاشته شده است. این کتیبه در سال ۱۹۹۳ در تپه ای باستانی در رباطک کشف شد. روستای رباطک در فاصله چهل کیلومتری شمال غربی منطقه باستانی سرخ کتل، نزدیک مرز بغلان و سمنگان واقع است. این کتیبه شامل بیست و سه سطر به زبان بلخی و خط راست گوشه یونانی است.

■ کنیشکای بزرگ سال تقویمی جدیدی بنا نهاد و زبان بلخی را جایگزین زبان یونانی نمود. به نظر می‌رسد که زبان آریایی، زبان رسمی ایرانیان در این سرزمین‌ها بوده است.

■ «منجی بزرگ، کنیشکای کوشانی ... فرمانی (به) یونانی صادر کرد، سپس آن را به آریایی (aria) ترجمه کرد.»

سجع سکه‌های ساسانی

- تا زمان بهرام اول عنوان شاهنشاه ساسانی تنها «ملکان ملکا ایران» است ولی از زمان بهرام اول به بعد «ملکان ملکا ایران و انیران» نوشته‌اند.
[تاریخ تمدن ایران ساسانی، سعید نفیسی]

■ در بیشتر متون پهلوی *ērān* هم به معنی «ایرانیان» و هم معنی «سرزمین ایران» را می‌دهد و ایرانشهر نیز اصطلاحی است که به «سرزمین ایران» اطلاق می‌شود.

■ در مقابل *an-ērān* به معنی «غیر ایرانیان» و همچنین سرزمین‌هایی که بعداً به ایران افزوده شده‌اند بکار رفته است و واژه *an-ērān* هم به معنی «غیر ایرانی بودن» و در متون دینی پهلوی بیشتر به معنی کسی که آیین بهدینی یعنی زردشتی ندارد، است.

- خط پهلوی بکار رفته در سکه‌ها تا زمان خسرو انوشیروان به خط پهلوی منفصل (= خط کتیبه‌ای) است و از این زمان به بعد، به خط پهلوی متصل شبیه می‌شود. ص ۱۰۹

نمونه‌های شعر منسوب به دوره ساسانی

نمونه‌های منسوب به دوره ساسانی در کتب ذکر شده است که البته شباهت به شعر دوران بعد دارد. بطور نمونه، قطعه‌ای در آتشکده کرکوی به نقل از تاریخ سیستان بوده است:

«و گبرکان چنین گویند که آن هوش گرشاسبست و حجت آرند بسرود
کرکوی بدین سخن:

فرخت بادا روش خنیده گرشاسب هوش

همی برست از جوش نوش کن می نوش

دوست بداد کوش بافرین نهاده گوش

همیشه نیکی کوش دی گذشت و دوش

شاهای خدایگانا بافرین شاهی»

■ البته در پاورقی کتاب، قرائت صحیح به روایت ملک الشعرا آمده است.

■ کرکوی و کرکویه نام محلی بوده است در سه فرسنگی شهر زرنگ به راه هرات - و نام یکی از دروازه‌های همان شهر هم بوده که از آن بسوی کرکوی می‌رفتند (اصطخری)

تاریخ سیستان، تصحیح و تحشیه استاد ملک الشعرا بهار، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۹

■ شعر مذکور که به خط فارسی نوشته شده، ولی هم از نظر زبان و هم از نظر وزن، باید آن را شعری پهلوی محسوب داشت.

تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، سخن، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹

■ شعر زیر را ابن خردادبه به نام باربد ضبط کرده که در مدح خسرو پرویز سروده شده است:

خاقان ماه ماند و قیصر خرشید
آن من خدای ابر ماند کامغاران
کخاهد ماه پوشد کخاهد خرشید

■ (خاقان مانند ماه و قیصر مانند خورشید است، اما خداونگار من مانند ابر کامکار است. هرگاه بخواهد ماه را می پوشد و هرگاه بخواهد خورشید را)

■ او [بهرام گور] را به عربی و فارسی اشعار بسیار است. ص ۲۵۷

مروج الذهب مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ هفتم، ۱۳۸۲

■ ایرانیان زبان خویش را زیباترین زبانها می‌دانستند و بنابراین نغمه‌سرائی بلبل، را سخن پهلوی می‌شمردند.

- نکه کن سحرگاه، تا بشنوی ز بلبل، سخن گفتن پهلوی (فردوسی)

- بلبل به زبان پهلوی با گل زرد فریاد همی‌زند که: می باید خورد (خیام)

- بلبل به شاخ سرو، به گلبانگ پهلوی می‌خواند دوش درس مقامات معنوی (حافظ)

■ بعد از اسلام هر لهجهٔ محلی را سوای لهجه‌های مشرقی ایران، پهلوی و اشعاری که به آن زبان گفته می‌شد پهلویات می‌نامیدند.

سبک‌شناسی بهار، جلد دوم

جاویدان خرد: مجموعه‌ای از اندرزهای پهلوی، که به قول ابن مسکویه وصیت هوشنگ به پسرش و پادشاهان بعدی را در برداشته است.

■ ابن مسکویه می‌نویسد که در روزگار جوانی نام آن را در کتابی از جاحظ (۱۵۰ تا ۲۵۵ ه. ق) موسوم به استطاله الفهم دیده و همواره در پی به دست آوردن آن بوده تا سرانجام آن را در فارس در نزد موبدان موبد یافته است. ابن مسکویه ترجمهٔ عربی آن را در آغاز کتاب خود، که آن را از روی کتاب مذکور، جاویدان خرد نامیده، نقل کرده ولی احتمالاً آنچه وی در نزد موبدان موبد فارس دیده، متن پهلوی آن بوده است. وی سپس سرگذشت افسانه‌آمیز کشف اصل پهلوی کتاب را به روایت از جاحظ، و او به نقل از واقدی، در همان کتاب مذکور آورده است.

■ بنابراین روایت، مردی به نام ذوبان از حکمای کابل، که از وجود این کتاب در میان خزائن ایوان مدائن مطلع بوده، از مأمون عباسی خواسته است که آن را بدو ببخشد. به دستور خلیفه و به راهنمایی ذوبان، آن را که صد برگ داشته و در جعبه‌ای زیر خاک مدفون بوده است، بیرون آوردند. به خواهش حسن بن سهل (برادر فضل)، خضر بن علی، مترجم آثار پهلوی به عربی، سی برگ آن را به عربی ترجمه کرد. ص ۲۰۷ و ۲۰۸

■ کریستن سن بعضی مقالات خود را به فارسی نوشته و چاپ کرده است. مقاله «شعر پهلوی و شعر فارسی قدیم» در ۱۲۸۹ش/۱۹۲۰م در مجله کاوه چاپ برلین به چاپ رسید. هیأت تحریریۀ کاوه در آغاز مقاله آورده اند که چون مقاله را استاد محترم خود به فارسی مرقوم داشته‌اند، ما نیز آنرا عیناً بدون مداخله در عبارات (مگر در بعضی جزئیات) و با حفظ انشای اصلی خودشان تیمناً درج می‌کنیم. در صفحه بعد فرازی از این مقاله به نقل از تارنمای مجله بخارا آمده است.

■ کریستن سن سه بار در سال‌های ۱۹۱۴، ۱۹۲۹ و ۱۹۳۴ به ایران سفر کرد.

■ «از کتب علم و ادب و شعر عهد ساسانیان بدبختانه بسیار کم باقی مانده است. زردشتیان به نگاه داشتن مهمترین کتب دینی سعی کرده‌اند و بس. و در اوایل قرون اسلام کتب تاریخی قدیم بجد و جهد مسلمانانِ عالمی که زبان پهلوی می‌دانستند بزبان عربی ترجمه شده است؛ و اگر چه اکثر آن ترجمه‌ها هم بعدها گم شده است، ولی بسیار اخبار مهمی که از همان منابع استخراج شده بود در کتابهای متأخرین حفظ شده است. لیکن شعر غیر دینی عهد ساسانیان تماماً گم شده و از آن شعر پهلوی بسیار کم اطلاع داریم... ایرانیان عهد ساسانیان بلا شک شعر داشتند. از هر حیث در زبان پهلوی نظمها یا تصنیفها بوده که آنها را با ساز موسیقی می‌خواندند... در بارهٔ مطربان و موسیقی‌نوازان مشهور عهد اکاسره خصوصاً سرکس {سرکش} و باربد، مورخین عرب و فرس حکایات فراوان نقل نموده‌اند».

فرازی از مقاله «شعر پهلوی و شعر فارسی قدیم» به قلم استاد کریستن سن

■ داستان جنگ میان رستم و اسفندیار که بازرگانی به نام نصر بن حارث در عهد پیغامبر اسلام آن را برای تازیان حکایت می‌کرد، در کتابی پهلوی به نام کتاب «رُستخُم اسپندیات» مدون بود که بنا بر نقل ابن ندیم، جبلة بن سالم آن را به عربی در آورده بود.

■ پادشاه فارس چون فرمانی می‌نوشت توقیع‌دار در برابر وی بر آن نامه نشان شاه می‌نهاد، او را خدمتگزاری نیز بود که ذکر آن فرمان را در دفتری که در هر ماه گرد می‌آمد ثبت می‌کرد. پس شاهنشاه مهر خویش بر آن می‌نهاد. سپس آن دفتر را در خزانه می‌گذاشتند. اما آن فرمان توقیع یافته را به «زمام‌دار» که متصدی مهرگذاری نیز بود می‌دادند. ... پس آن را با آنچه که در دفتر ثبت شده بود مقابله می‌کردند.

فتوح البلدان بلاذری، ترجمه دکتر آذرنوش، ۱۳۴۶، ص ۳۶۷ و ۳۶۸

سکه‌های عرب ساسانی

- تا زمان عبدالملک بن مروان از سکه‌های ساسانی تقلید کرده‌اند و از آن جمله سکه‌ای هست به نام عبدالملک به سال ۷۲ که صورت خسرو دوم را دارد. در روی این سکه‌ها حتی تاریخ را تاریخ یزدگردی می‌گذاشته‌اند و عجیب‌تر آنکه نقش آتشدان و دو پاسبان دوسوی آن را هم گذاشته‌اند.
- در میان سکه‌هایی که پس از انقراض ساسانیان در دوره اسلامی ضرب شده سکه‌های یزدگرد سوم هم هست که عبارات عربی مانند «بسم الله» و ... بر آن افزوده‌اند. گذشته از آن برخی از حکمرانان تازی در نواحی مختلف ایران سکه‌هایی زده‌اند که هم خط پهلوی روی آن هست و هم خط کوفی.
- پس از آن هم، تا مدتهای مدید در طبرستان خط پهلوی بر روی سکه‌های آن سامان معمول بوده است.

■ در سال ۷۰ هجری، مصعب به فرمان برادرش عبدالله بن زبیر درهم‌هایی مانند سکه‌های خسروان پارسی ضرب کرد. یک سوی آن نقش شده بود: «برکه» و سوی دیگر «الله» چون حجاج بیامد، آن را دگرگون کرد. ص ۳۷۵

■ به روزگار عبدالله بن زبیر، مُصْعَب بن زبیر درهم‌هایی چند ضرب کرد که پس از چندی آنها را بشکستند. چون عبدالملک بن مروان به خلافت رسید، از امر درهم و دینار پرسش کرد. سپس نامه به حجاج بن یوسف نوشت و فرمان داد که درهم‌هایی به وزن پانزده قیراط، از قیراط‌های دینار ضرب کند و او خود دینارهای دمشق را ضرب کرد. ص ۳۷۲

فتوح البلدان بلاذری، ترجمه دکتر آذرنوش، ۱۳۴۶.

گفتار پیامبر (ص) به فارسی

- از ابن عباس پرسیدند آیا پیامبر خدا (ص) به فارسی سخن گفت. پاسخ داد: بلی روزی سلمان بر او وارد شد، حضرت به او فرمود: «فقال له **درسته و سادیه**» یعنی به درستی (تندرستی) و شادی. [صبح الاعشى]
- جابر بن عبدالله روایت کرده است که پیغمبر (ص) خطاب به اهل خندق فرموده است «یا اهل الخندق قوموا فقد صنع جابر **سوراً**» یعنی برخیزید که جابر سوری برپا کرده است. (سور در فارسی به معنی ولیمه و ضیافت است) [المعرب]

■ در تواریخ نقل شده است که حضرت امیر (ع) گاهی به فارسی تکلم می‌کرده‌اند.

خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری

نمونه‌هایی از کلمات معرب در قرآن کریم

- فردوس (پردیس)
- سراج: از پارسی یا آرامی (چراغ)
- جُنَاح (گناه)
- دین (دینک، دئنا)
- سَجَّیل (سنگ و گل)
- برزخ (پرزک؟ برزاخو؟ پرسنگ؟)
- رزق (روزی)
- فیل (پیل)
- اباریق، ابریق (آبریز)
- نمارق، جمع نمرقه (نرمک)
- کُورَت (مشتق از کور)
- کَنز (گنج)
- اریکه (اورنگ)
- ضَنک (تنگ)
- الزور (زور)
- استبرق (استبرک)
- سرادق (سراپرده)
- کَّاس از پارسی یا آرامی (کاسه)

■ استفاده از لغات فارسی، هر چند نادر، در قرآن کریم ممکن است حامل این پیام باشد که تعصب در خالص بودن یک زبان توصیه نمی‌شود و یا حداقل برای این کار نمی‌توان به کلام خدا استناد کرد.

■ حمزه اصفهانی می‌نویسد: اما لفظ «تاریخ» کلمه‌ی نوی است که در زبان عربی وارد گردیده و آن معرب «ماه روز» است، چنانکه فرات بن سلمان از میمون بن مهران روایت کرد که وی سند مالی که موعود آن شعبان بود، نزد عمر بن خطاب برد. عمر گفت: کدام شعبان؟ شعبان جاری یا آینده؟ آنگاه بزرگان اصحاب را گرد آورد و گفت: اموال فراوان شده و هر چه قسمت کرده‌ایم بی‌موعود است، از این رو چگونه می‌توان آنها را وصول کرد؟ گفتند: حساب را باید از رسوم ایرانیان فرا گیریم. وی هرمنان را فرا خواند و از او پرسید. هرمنان پاسخ داد: ما گاه‌شماری خود را «ماه روز» می‌خوانیم که به معنی شمارش ماه‌ها و روزهاست. این کلمه را به تعریب «مورخ» گفتند و مصدر آن را «تاریخ» ساختند و به کار بردند. آن گاه به اندیشه‌ی ایجاد مبدئی برای تاریخ دولت اسلام افتادند و در آن اختلاف کردند و سرانجام سال هجرت را مبدأ تاریخ خود قرار دادند. ص ۴

■ ابن خلدون می‌گوید: خلیفه دوم عمر بن خطاب سخن گفتن به زبانهای غیرعربی را نهی کرده و گفته است تکلم به زبان بیگانه (عجمی) مکر و فریبکاری است. [مقدمه ابن خلدون، جلد دوم، ص ۷۵۰]

والعهدة علی الراوی

تغییر زبان دیوان خراج از فارسی به عربی

■ دیوان خراج هم که رکن اصلی و استخوانبندی هر دولتی و به خصوص دولت خلفا بود تا مدتی کم و بیش نزدیک به یک قرن همچنان با همان زبان فارسی ماند. دیوانهای خراج در همه قلمرو گسترده ایران در یک زمان به عربی تغییر نیافت در بعضی جاها مانند عراق زودتر و در بعضی جاها چون اصفهان و کرمان و خراسان دیرتر و در بعضی جاها هم شاید دیوانهای محلی آنها هیچگاه به عربی برگردانده نشد. تعریب دیوان در عراق که زودتر از همه جا صورت پذیرفت در دهه هشتاد هجری و احتمالاً در سال ۸۷ هجری صورت گرفته و دیوانهای مناطق دیگر در قرن دوم و بعد تغییر یافته است.

■ «و پس از آن، دیوان را ترجمه نمودند و این ترجمه در زمان حجاج بود که از فارسی به عربی برگردانده شد و مترجم آن صالح بن عبدالرحمن است که بردهٔ بنی تمیم و پدرش از اسیران سجستان بوده»

■ «مردانشاه پسر زادن فرخ به صالح گفت: ... [با فلان و فلان لغت چه می‌کنی و چه می‌نویسی. در جواب گفت فلان و فلان] ... مردانشاه گفت، خداوند ریشهٔ تو را از بیخ و بن درآورد همچنان که فارسی را از ریشه درآوردی و ایرانیان صد هزار درهم به وی می‌دادند بشرطی که تظاهر به عجز و ناتوانی از انجام این کار نماید.»

بعضی اصطلاحات پارسی در دیوان عربی

- الاستان: استان
- هندسه (مهندس از آن است):
- الصَّك: چک (اصل آن فرانسوی نیست)
- معرب اندازگ، اندازه
- الطَّرَاز: تراز
- التخمین: از خمانا (گمان) فارسی مشتق شده است.
- فنجان: پنگان (یکی از ابزارهای اندازه‌گیری برای تقسیم آب)
- الدانق: معرب دانگ (یک ششم) و معرب دانه: یک ششم درهم
- الفهرست، الفهرس: فهرست
- الفیج (جمع: فیوج): پیک
- الدستور: دستور
- موانید: جمع عربی از کلمه فارسی مانده؛ به معنی خراج پس‌افتاده و بقایای مالیاتی
- الدیوان: دیوان؛ از آن کلماتی نظیر دوّن و تدوین مشتق گردید.
- الرُّزنامج: روزنامه

■ قَلَقَشَنَدِي^۱ در بیان علت این که اصطلاحات دیوانی و نام مشاغل رسمی مصر غالباً فارسی است با این که مصر در دوران اسلامی مجاور ایران نبوده، نوشته این بدان سبب است که مشاغل دیوانی مصر از مشاغل دیوانی خلافت بغداد تقلید شده و در خلافت بغداد هم غالب سخن اهل آن به فارسی بوده است [صبح الاعشی]

نقل از کتاب تاریخ و فرهنگ ایران، دکتر محمد محمدی ملایری

^۱ قَلَقَشَنَدِي: احمد بن علی بن احمد قاهری. مورخ و محقق و ادیب. وی در قَلَقَشَنَدِه سه فرسنگی قاهره به دنیا آمد و در قاهره پرورش یافت و در همانجا وفات کرد. او از خاندان علم و دانش بود و در میان پدران و نیاکان وی دانشمندان بزرگی بوده‌اند. مهمترین تألیف وی کتاب «صبح الاعشی فی قوانین الانشاء» است. این کتاب چهارده مجلد است و در فنون بسیاری از تاریخ و ادب و توصیف از شهرها و کشورها بحث می‌کند. وی به سال ۸۲۱ وفات کرد.

[لغتنامهٔ دهخدا]

■ روایت مشهور ابن طیفور بغدادی^۱ (شاعر و مورخ قرن سوم هجری):

«هل المعانی الا فی لغه العجم، اللغه لنا والمعانی لهم»

معانی و بلاغت جز در زبان عجم [فارسی] نیست، زبان برای ماست
(عربی است) و معانی از ایشان است.

^۱ ابن ابی طاهر طیفور نویسنده، شاعر و مورخ ایرانی الاصل قرن سوم هجری (۲۸۰-۲۰۴ ه. ق) است. نیاکان او از مروالرود خراسان به بغداد آمده بودند.

■ خوش زبان تر از مردم بغداد نیست. بد زبان تر از مردم صیدا و هرات و فصیح تر از زبان مردم خراسان نیست. در عجمی زیباتر از زبان بلخ و چاچ نیست. ج ۱، ص ۴۸

■ در سرزمینهای عجم فصیحتر از زبان خوزستان نباشد. ایشان فارسی خود را با تازی بسیار می آمیزند. ج ۲، ص ۶۲۴

■ حدیثی از ابوهریره را نقل می کند که رسول خدا می گفت: بدترین زبان نزد خداوند فارسی است، زبان شیطان خوزی و زبان مردم جهنم بخارائی و زبان مردم بهشت تازی است. ج ۲، ص ۶۲۵

گاهشماری در دیوان خراج

■ هرچند دیوان خراج پس از برگرداندن زبان آن شکل عربی به خود گرفت ولی گذشته از بسیاری از اصطلاحات آن که به زبان فارسی باقی ماند یکی از ارکان مهم آن هم که تاریخ یا تقویم آن بود همچنان بر اساس گاهشماری ایرانی ادامه یافت. زیرا گاهشماری عربی بر مدار ماه‌های قمری بود و ماه قمری هم برای دیوان خراج که بر پایه کشاورزی بود، تناسبی نداشت.

■ در قرن چهارم در فارس هنوز در دیوانها بجای نام روزهای هفته همان نامهای سی‌گانه فارسی بکار می‌رفته است. (در ایران قبل از اسلام، ماه به هفته تقسیم نمی‌شده و هر روز در ماه، نام مشخصی داشته است)

■ همین اشکال [خراج، امورمالی و ...] باعث شد که در قرن حاضر در غالب کشورهای مختلف اسلامی دو راه حل مختلف برای آنها بیابند:

□ پذیرفتن سال و ماه شمسی مسیحی به عنوان سال رسمی مملکتی در ترکیه و بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی (با فسخ تاریخ هجری چنانکه در ترکیه بدان عمل گردید، یا بدون فسخ این تاریخ چنانکه در کشورهای عربی معمول است)،

□ و دیگری راه حل ایران (مطابق مصوبه سال ۱۳۴۳ ه. ق در مجلس شورای ملی) که اصلاً تاریخ را از اول هجرت تا حال با سالهای شمسی حساب کردند و حساب را نیز سال شمسی حقیقی یعنی سال نجومی قرار دادند و سال و ماه قمری را هم برای امور دینی و سایر امور مربوط به آن در تقویمها محفوظ داشتند و لذا ایرانیان مانند ملت‌های اسلامی دیگر ناچار به ترک تاریخ اسلامی و پذیرفتن تاریخ مسیحی به جای آن نشدند.

■ استفاده از ماه و سال قمری برای مراسم دینی که سبب چرخش اعیاد و مراسم نظیر حج و روزه‌داری در طول سال و تنوع می‌شود، بسیار دلپذیرتر است تا ثابت ماندن آنها در طول سال.

■ لذا بکارگیری دو تقویم جداگانه یکی برای مراسم دینی و دیگری برای کشورداری ابتکار بسیار جالبی بوده است.

کتبی که ابن مقفع از فارسی به عربی ترجمه کرد به نقل از الفهرست

- کتاب خداینامه فی السیر
- کتاب آیین نامه (در آیین)
- کتاب کليله و دمنه
- کتاب مزدک
- کتاب تاج در سیرت انوشروان
- کتاب الاداب الکبیر
- کتاب الاداب الصغیر
- کتاب الیتیمه - در رسائل

و ترجمه دو کتاب سکسیران و نامه تنسر به نقل از کتاب تاریخ و فرهنگ ایران، دکتر محمدی ملایری

■ «در دو قرن اول اسلام، شعر فارسی از رونق افتاد؛ زیرا خریداری نداشت ... در عوض ذوق و قریحهٔ ایرانی در همسویی با جریانات حاکم بر روزگار، میل به اشعار عربی پیدا کرد. کافی است که نگاهی به *یتیمۃ الدهر* ثعالبی بیندازیم. در این کتاب نام بیش از ۱۲۰ شاعر ایرانی عربی‌سرا با نمونه‌هایی از اشعار آنها دیده می‌شود.»

■ وجود بیش از ۲۰۰۰ واژه فارسی که تمدن عباسی آنها را به وام گرفته است [آذرنوش، ۱۳۸۵]

حکمت‌های ایرانیان باستان در منابع عربی، تألیف وحید سبزیان‌پور و پیمان صالحی، یاردانش، ۱۳۹۴.

■ در نزد اروپای غربی دورهٔ میانه، عرب مترادف با مسلمان بود.

[تاریخ اسلام کمبریج، جلد دوم، تیمور قادری]

■ القاء این توهم یعنی یکی بودن عرب و اسلام، به تدریج آنچنان در اذهان جای گرفت که گاه یکی به جای دیگری بکار می‌رفت. به گفتهٔ طبری در هنگامی که اشرس کارگزار خراسان در خلافت هشام برای وصول جزیه و خراج از اهل ذمه به دهقانان که عامل وصول خراج بودند سخت گرفته بود دهقانان بخارا نزد او آمده و گفتند: «ما از که جزیه و خراج بگیریم، در حالی که مردم همه‌شان عرب شده‌اند؟» یعنی مسلمان شده‌اند.

[کتاب تاریخ و فرهنگ ایران تألیف دکتر محمد محمدی ملایری]

■ یعقوب لیث صفاری (دوران حکومت: ۲۶۵-۲۵۴ ه. ق) که عربی نمی‌دانست، در هنگامی که با مدح شاعران که پیروزی‌اش را به زبان عربی تهنیت گفتند مواجه شد، گفت: «چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت؟» یکی از حاضران نیز از فرصت استفاده کرده و شعری به زبان فارسی دری گفت.

■ شعر محمد بن وصیف سیستانی در مدح یعقوب لیث، به عنوان آغاز ظهور شعر درباری به زبان فارسی در کتب آمده است.

■ ابن ندیم در الفهرست از قول ابن مقفع در خصوص زبان دری می‌نویسد: «اما الدریه فلغة مدن المدائن و بها کان یتکلم من بیاب الملک و هی منسوبة بحاضره الباب و الغالب علیها من لغة اهل خراسان و المشرق لغة اهل بلخ»

■ لذا ابن مقفع تصریح دارد که دری زبان شهرهای مدائن بوده و در دربار شاه به آن تکلم می‌کردند و آن منسوب به دربار است و از زبان مردم خراسان و مشرق، زبان مردم بلخ در آن غلبه دارد.

■ مقدسی می‌نویسد از آن روی اینگونه زبان را دری نامند که نامه‌های شاهان بدان نوشته می‌شود و به وی می‌رسد و از ریشه در ساخته شده، زیرا که زبانی است که درباریان بدان گفتگو می‌دارند. (احسن التقاسیم، جلد دوم)

■ زبان مردم این هشت اقلیم عجمی است، برخی از آنها دری و دیگران پیچیده‌ترند. همگی آنها فارسی نامیده می‌شوند. (احسن التقاسیم، جلد دوم)

■ حمزه اصفهانی می‌نویسد: یزدگرد آنگاه که از عراق بیرون رفت تا آنجا که می‌توانست جواهر و ظروف زرین و سیمین و نیز فرزندان و زنان و حشم با خود ببرد، و در میانهٔ ایشان هزار تن آشپز و هزار تن حوسیان (خونیاگر) و هزارتن یوزبنده (کسی که شکار به یوز می‌آموزد) و هزار تن بازیار بودند، و خرزاد بن خرهرمز برادر رستم، امیر قادسیه، همراه او بیرون آمد و او را به اصفهان و سپس به کرمان و پس از آن به مرو رسانید و وی را به ماهویه مرزبان مرو سپرد. ص ۵۹

■ یزدگرد آخرین ملوک ایران وقتی کشته شد ۳۵ سال داشت و دو پسر بنام بهرام و فیروز و سه دختر بنام ادرک، شاهین و مرداوند بجا گذاشت و بیشتر اعقاب او در مرو هستند و بیشتر شاهزادگان و اعقاب چهار طبقه ملوک تاکنون در سیاه‌بوم عراقند. ص ۲۷۸

مروج الذهب مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ هفتم، ۱۳۸۲

■ کسی نمی‌داند که فارسی دری نخستین بار در چه زمانی به نگارش درآمد. البته به احتمال قوی، از همان آغاز فتح اسلامی، برخی از ایرانیان مسلمان شده، برای برآوردن نیازهای روزانه و شاید حتی در مکاتبات خصوصی، خط عربی را برای نگارش زبان خویش به کار می‌برند. در میان دست‌نوشته‌های مانوی یافت‌شده در واحه تُرفان در ترکستان چین، قطعه‌ای بسیار کوتاه شامل چند واژه به فارسی دری و به خط عربی پیدا شده است. این قطعه، در واقع، کهن‌ترین نمونه فارسی نو به خط عربی است و به اوایل قرن چهارم هجری تعلق دارد. (پیوند تصویر در صفحه بعد)

حسن رضائی باغبیدی، «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)،» نامه فرهنگستان، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۱-۹.

نمونه‌های تورفان در آکادمی برلین-براندنبرگ

- Berlin-Brandenburg Academy of Sciences www.bbaw.de
- <http://turfan.bbaw.de/dta-i-en>
- Digital Turfan Archive (DTA)
- http://turfan.bbaw.de/dta/np/dta_np01.html
- http://turfan.bbaw.de/dta/np/images/np1_seite2.jpg

■ گفته شده که به‌آفرید^۱ این اصول [عقاید و دین خود] را در کتابی به زبان فارسی برای پیروانش شرح داده بوده است.

به‌آفرید | دائرة المعارف بزرگ اسلامی

^۱ مدعی پیامبری و بنیان‌گذار فرقهٔ به‌آفریدی. در بیشتر منابع موجود، نام او به‌آفرید و نام پدرش ماه‌فروردین آمده است. نام به‌آفرید در ایران باستان نیز سابقه داشته است. به‌آفرید فعالیت خود را از سرزمین خویش آغاز کرد و به ویژه از خواف و زاوه — که از توابع نیشابور شمرده می‌شدند — به عنوان پایگاه او یاد شده است. گفته شده است که وی به مدت ۷ سال به چین سفر کرده و از آنجا تحفه‌های بسیار همراه خود آورد و از آن جمله پیراهنی سبز و بس لطیف بود که در یک مشت جای می‌گرفت. وی به دستور ابومسلم خراسانی به قتل رسید [همان].

■ قدیمترین نثر موجود فارسی رساله احکام فقه حنفی تصنیف حکیم ابوالقاسم اسحق سمرقندی است، که مقدم بر شاهنامه ابومنصوری است که به سال ۳۴۶ تألیف شده است.

■ تاریخ فوت حکیم اسحق سمرقندی را روز عاشورای محرم یعنی ده روز از سال ۳۴۲ گذشته ضبط کرده‌اند و با توجه به طول عمر وی و اینکه این کتاب را در اواسط عمر خود تألیف کرده است، تاریخ تألیف را در حدود سال ۳۲۰ تخمین زده‌اند. اگر احتیاط بیشتری کنیم و تاریخ اتمام تألیف کتاب را مقارن مرگ مؤلف بدانیم، باز تاریخ انشاء این نثر فارسی پنج سال بر تاریخ شاهنامه ابومنصوری مقدم می‌شود.

■ در ایران از قدیم، فارسی را به خطهای دیگر نوشتن امری نامأنوس و غیرعادی نبوده و ظاهراً در قلمرو گستردهٔ زبان فارسی، پیروان هر مذهبی که از خود خطی داشته‌اند، فارسی را با همان خط می‌نوشته‌اند. مردم ماوراءالنهر و سمرقند با خط مانوی که مکاتبه با آن برای ایشان آسانتر بود؛ یهودیان با خط عبری، نسطوریان و سریانیان با خط سریانی و مانویان با خط مانوی.

■ سالها پیش از آنکه کاربرد خط عربی برای نگارش فارسی گسترش یابد، اقلیتهای دینی ایرانی (یهودیان، مسیحیان و مانویان) بدین منظور از خط دینی خویش استفاده می‌کردند. برخی از متون فارسی که به دست آنان به خطوط غیرعربی به نگارش درآمد به فاصلهٔ میان قرنهای دوم و چهارم هجری تعلق دارد. این متون را باید کهن‌ترین متون مکتوب فارسی دری به شمار آورد.

حسن رضائی باغبیدی، «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)»، نامه فرهنگستان، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۱-۹.

■ شاید تنها اثر ادبی مذهبی که به زبان پارسی میانه نوشته شده و به دو دین زرتشتی و مانوی تعلق ندارد ترجمه قطعاتی از مزامیر داود باشد که به خط پهلوی است و در طرفان کشف شده است. این قطعات نشان می‌دهد که مسیحیان ایرانی در آثار مذهبی خود خط پهلوی را نیز به کار می‌برده‌اند.

تاریخ زبان فارسی دکترخانلری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵، ص ۲۳۰

■ نگارش متون علمی به زبان فارسی در سده‌های نخستین هجری - آپارات
(از دقیقه نهم فیلم ملاحظه شود).
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

■ نگارش متون علمی به زبان فارسی در سده‌های نخستین هجری/۶۶
(فایل پی‌دی‌اف)

■ در آغاز رواج فارسی دری هنوز تلفظ بسیاری از کلمات و املاهای آنها صورت ثابت و واحدی نداشته و در آثار دوره نخستین غالباً یک کلمه به صورتهای متعدد و گوناگون آمده است. بعضی از این دیگرگونهها مربوط به شیوه کتابت است که خود بحث جداگانه دارد. اما بسیاری دیگر نشانه اختلاف واکهای کلمه واحد در زبان نویسندگانی است که هر یک در ناحیهای زاده و پرورش یافته و شیوه تلفظ محلی خود را حفظ کرده بودند.

تاریخ زبان فارسی استاد خانلری، جلد دوم، ص ۵۹

■ در متون عربی نیز، گاه کلمات و جملات پراکنده فارسی (اشعار و قطعات منسوب به قدیم‌ترین شاعران فارسی‌گوی) [به خط عربی] یافت می‌شود.

■ شاید بتوان کهن‌ترین شعر فارسی دوره اسلامی را «سرود اهل بخارا» دانست که مربوط به زمان فتح بخارا به دست سعید بن عثمان (۵۶ ه. ق) و ماجرای عشق او به خاتون بخارا است. بیتی از این سرود را ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی چنین نقل کرده است:

■ کور خمیر آمد خاتون دروغ گنده (اسماء المغتالین ... ص ۱۶۷)

حسن رضائی باغبیدی، «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)،» نامه فرهنگستان، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۱-۹.

■ قطعه جالبی را نیز طبری نقل کرده است که مردم بلخ، پس از شکست اسد بن عبدالله قسری از خاقان ترک در سال ۱۰۸ و ورودش به بلخ، برایش سروده بودند و کودکان بلخ در کوچه‌ها می‌خواندند:
از ختلان آمدیه بر و تباه آمدیه آبار باز آمدیه خشک نزار آمدیه
(تاریخ الأمم ...، ج ۴، ص ۱۶۹)

حسن رضائی باغبیدی، «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)»،
نامه فرهنگستان، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۱-۹.

بنا به گفته برخی، نخستین شعر فارسی را عباس مروزی در دوره طاهریان، هنگام ورود مأمون به مرو و در مدح او سروده است که چنین شروع می‌شود:

ای رسانیده به دولت فرق خود تا فرقدین

گسترانیده به جود و فضل در عالم یدین

همچنین در زمان طاهریان، از «حنظله بادغیسی» به عنوان اولین شاعر فارسی‌گو نام می‌برند و این شعر را به او منسوب می‌کنند:

مهتری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویاروی

بعضی دیگر نیز می‌گویند که قدیمی‌ترین شعر فارسی را «ابوحفص حکیم بن احوض سغدی سمرقندی» پیش از حکومت طاهریان سروده است که چنین است:

آهوی کوهی در دشت چگونه رودا

یار ندارد بی‌یار چگونه رودا

■ داستان صوتی زادروز اشوزرتشت به زبان دری - نسرین خنجری - انجمن
زرتشتیان یزد

■ داستان صوتی قصه نوروز به زبان دری - نسرین خنجری - انجمن
زرتشتیان یزد

شهروند کشوری پهناورم نامش دری
در خراسان آفتاب از بام ما سرمی‌کشد
اصفهان را دوست دارم مثل لاهور و هرات
خواستم بیتی بخوانم، حافظ از شیراز گفت:
کهکشان با میهنم لاف شباهت می‌زند
خوش به حال من که تاجیکم نیا اندر نیا
زاده‌ی تهرانم و یک خانه دارم در هری
تا شود روشن به نورش پهنه‌ی هر کشوری
محو شعر سعدی‌ام، مانند شعر عنصری
بیدل از دهلی خوش است و از ابیورد انوری
یک ازل پیشینه دارم، یک ابد پهناوری
من چه خوشبختم که دارم در رگم خون دری

دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی

- منصور بن نوح سامانی هنگامی که خواست تفسیر طبری را از عربی به فارسی برگرداند، خود را ناچار دید که از علمای ماوراءالنهر، قلمرو فرمانروایی خود، دربارهٔ جواز آن کار فتوی بخواهد و فتوای علمای ماوراءالنهر در این باب نقطهٔ عطفی بود ... راه زبان فارسی را در علوم قرآنی و انواع معارف اسلامی باز کرد ... و هم آن را با خود به سرزمینهای دوردست چین و خاور دور ببرد. [تاریخ و فرهنگ ایران، دکتر محمدی ملایری]
- در سال ۳۵۲ ه. ق به فرمان منصور بن نوح سامانی، ابوعلی محمد بلعمی به ترجمهٔ کتاب تاریخ طبری همت گماشت.
- دو کتاب کلیله و دمنه و سندبادنامه نیز به فرمان امرای سامانی به فارسی ترجمه شد.
- دیوان رودکی (پی دی اف)

- کلیله و دمنه در زمان نصر بن احمد سامانی (۳۰۱ تا ۳۳۱ ه. ق) از عربی به فارسی ترجمه شد، اما این ترجمه نیز امروز در دست نیست. ص ۳۰۳
- سندبادنامه (که اصل پهلوی آن در دست نیست) به فرمان نوح بن منصور (۳۶۶ تا ۳۸۷ ه. ق) یا نوح بن نصر (۳۳۱ تا ۳۴۳ ه. ق) به دست خواجه عمید ابوالفوارس قنارزی (یا قنارزی) به فارسی ترجمه شد. ص ۳۰۰

■ ابومنصور محمدبن احمد توسی مشهور به دقیقی، منظوم ساختن تاریخ پیش از اسلام را به دستور نوح دوم آغاز کرد، اما با مرگش بدون سرانجام ماند.

■ فردوسی شاهنامه را سه سال پیش از بر تخت نشستن محمود غزنوی به پایان برد.

■ انیمیشن سرگذشت فردوسی و چگونگی نگاشتن شاهنامه - آپارات

■ قدیمترین نسخه خطی شاهنامه در کتابخانه ملی شهر فلورانس - آپارات

■ «شاهنامه فردوسی از تعداد لهجه‌های فارسی و زبانهای فرعی‌تر ایرانی کاست و آنها را به وسیله‌ای صرف برای ارتباطات شفاهی بدل ساخت، و در بسیاری از مناطق جای این نوع زبانها و لهجه‌ها را گرفت.»

[تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری]

■ «ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه خطی که به زبان فارسی موجود است، کتاب الأبنیه عن حقائق الأدویه تألیف ابومنصور موفق بن علی هروی و به خط اسدی طوسی شاعر است، مورخ ۴۷۷ ق که در کتابخانه ملی اتریش نگهداری می‌شود.»

نقل از درآمدی بر تاریخ برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران معاصر تألیف دکتر محمدعلی اکبری، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۹۳.

اهمیت فردوسی در نزد محمد حسنین هیکل

■ یک روز خبر دادند که این شب جمعه دکتر حسنین هیکل سردبیر روزنامه مصری الاهرام که به ایران آمده است، به منزل ما می‌آید. تاریخ دقیق ملاقات جواهرکلام و هیکل به خاطرم نیست؛ ولی ظاهراً در سالهای دهه ۱۳۳۰ بود، زمانی که جمال عبدالناصر با ایران روابط خصمانه نداشت.

■ پدر به هیکل گفت: «مولانا! پس شما با این همه پیشرفته‌ها چطور شد که کلهم اجمعین عرب شدید و زبان مادریتان عربی شد؟!» هیکل بدون کوچکترین درنگ پاسخ داد: «برای اینکه ما یکی مثل فردوسی نداشتیم! ... اگر ما هم مثل شما فردوسی داشتیم... الان زبان ما عربی نبود... فردوسی به شما زبان مادری، غرور ملی و همه چی داد... اگر او نبود... شما هم الان عرب بودید!»

■ کوروش شاهنشاهی بزرگی بنیاد نهاد و با وضع و اجرای قوانین دنیا پسند ایران را بلند آوازه ساخت. اما آنچه او بنیاد نهاده بود با هجوم اسکندر فرو ریخت. اردشیر بابکان چهارمین دولت بزرگ ایرانی را تأسیس کرد آن هم به دست اعراب از میان رفت. آخرین بار، نادرشاه دهلی را گرفت و گنجهای بیکرانی به ایران آورد. اما از آنهمه بعد از نادر چه بر جای ماند؟

■ اکنون فردوسی را ببینیم که از شعر و اندیشه والای خود کاخ عظیمی پی افکند که در طی قرون از باد و باران و طوفان حوادث و کینه و هجوم اقوام گزندی نیافته است. فردوسی بی‌تردید بزرگترین شاعر ایران است و تصور می‌کنم در آینده هم وقتی که تعصبات ملی در اقوام جهان کاهش پذیرد جهانیان او را بزرگترین شاعر بشریت خواهند شناخت.

■ قتیبه بن مسلم مسجد جامع بنا کرد، اندر حصار بخارا به سال نود و چهار، و آن موضع بتخانه بود مر اهل بخارا را، فرمود تا هرآینه در آنجا جمع شدند، چنانکه هر آدینه منادی فرمودی، هر که به نماز آدینه حاضر شود، دو درم بدهم و مردمان بخارا به اول اسلام در نماز قرآن به پارسی خواندندی و عربی نتوانستندی آموختن.

تاریخ بخارا

■ در روزگار فرمانروایی عاصم بن یونس، کارگزار ابومسلم خراسانی در اصفهان، هنگامی که یونس بن عامل، دبیر عاصم، مردم اصفهان را برای آموختن قرآن فراخواند آشکار شد که تنها هشتاد تن قادرند قرآن بخوانند و فقط سه نفر قرآن از بردارند. (ابن رسته، ۱۳۶۵)

به نقل از مقاله: پیامدهای فرهنگی و اجتماعی فتح اصفهان به دست اعراب،

علیرضا شرافت و زهره زرشناس، جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۳۹۵

■ اما در همین زمان ظاهراً گروهی عظیم بوده‌اند که خواندن و نوشتن به زبان فارسی را می‌دانستند و با زبان عربی آشنا نبودند، چنانکه امیر اسماعیل سامانی پس از آنکه خواجه ابوالقاسم سمرقندی را به تألیف کتاب المواد الاعظم واداشت و او آن کتاب را به زبان عربی نوشت «بفرمود که این کتاب را به پارسی گردانید تا چنانکه خاص را بود عام را نیز بود.» ص ۳۱۰

■ ابن حوقل (قرن چهارم) درباره کسی به نام ابومنصور بغوی که صاحب برید نیشابور بوده می‌گوید: «وی توانگرترین مردم خراسان و پرکتاب‌ترین آنان است: در نویسندگی میان خراسانیان بی‌نظیر، لیکن در عربی الکن و در فارسی افصح است.» ص ۳۱۱

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، نشر نو، جلد اول، ۱۳۶۵.

- «چنانکه در زمان هخامنشیان مرسوم بود، دربار ساسانیان نیز سالنامه‌های رسمی داشت. تصور می‌رود مؤلف یا مؤلفان **خودای نامگ** از مندرجات این سالنامه‌ها استفاده کرده‌اند. خودای نامگ در آخر عهد ساسانیان و شاید در زمان یزدگرد سوم تدوین شده است.»
- «نلدکه ثابت کرده است که این تاریخ پهلوی مأخذ عمده تواریخ عربی و فارسی است، که از سرگذشت ایران قبل از اسلام سخن می‌رانند. عنوان این کتاب را، که پهلوی است به عربی سیرملوک العجم یا سیرالملوک نوشته‌اند و در فارسی آن را به **شاهنامه** ترجمه کرده‌اند.»
- «**آیین نامگ** نیز خصوصیات تشکیلات دولت و جامعه ایران را قبل از عهد ساسانیان و در عصر شاهنشاهی این سلسله در برداشته و قواعد فن جهانداری را ذکر می‌کرده است.»

■ «محمد بن جریر طبری می‌توانسته همه آنچه را از تاریخ پیش از اسلام ایران در کتاب خود آورده، همه را از همان کتابها و نوشته‌های ایرانی و یا به استناد آنها نقل کند ولی چنین نکرده، بلکه به پیروی از همان سنت حاکم همه آنها را از قول راویانی همچون هشام بن محمد یا وهب بن منبه یا شعبی و مانند اینها نقل کرده است و حتی در تمام آن کتاب مفصل اسمی هم از یک کتاب یا نوشته ایرانی که مورد استفاده یا مراجعه او بوده اگرچه ترجمه عربی آن باشد، دیده نمی‌شود. طبری با این که در جاهایی از کتاب خود مطالبی هم از علمای فرس آورده که مقصود وی علمای قبل از اسلام ایران بوده‌اند ولی در کتاب او نام هیچ یک از آن علما را نمی‌توان یافت.»

■ نویسندگان پس از حمزه با آنکه آثار دیگران را به فراوانی در نوشته‌های خود نقل می‌کردند هرگز نمی‌نوشتند که آنها را از کجا گرفته‌اند؛ ولی روش حمزه اینطور نبود. معمولاً هر جا که نوشته‌ی دیگران را در کتاب‌های خود می‌آورد و یا هر جا که از آثار دیگران خرده‌گیری می‌کند، نام نویسندگان و نام کتاب‌هایشان را ذکر می‌کند. به این ترتیب چندین قسمت گرانبها از آثار فراموش شده‌ی تاریخ ایران و از نوشته‌های نحوی‌های کهن سال را در کتاب‌های خود حفظ کرده است.

یوجین میتوخ در «حمزه اصفهانی و آثار او»

■ حمزه اصفهانی مؤلف کتاب تاریخ معروف «سنی ملوک الارض و الانبیاء» خواست که درباره تاریخ و مدت پادشاهی پادشان ایران به تحقیق و تفحص بپردازد و برای این کار به جمع‌آوری نسخ متعدد ترجمه‌های عربی خداینامه پرداخت، **هفت نسخه مختلف** از این کتاب بدست آورد به این شرح ...

■ حمزه می‌نویسد که چون این نسخ فراهم آمد وی آنها را با هم مقابله کرد و سنجید و مطالب این باب از کتاب خود را از آنها استخراج نمود. [تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، چاپ بیروت، ص ۱۴]

■ حمزه اصفهانی می‌نویسد: هشت جلد کتاب در این مورد به دست آوردم که عبارت‌اند از: کتاب سیر ملوک الفرس ترجمه ابن مقفع، کتاب سیر ملوک الفرس ترجمه محمد بن جهم برمکی، کتاب تاریخ ملوک الفرس مستخرج از گنجینه مأمون، کتاب سیر ملوک الفرس ترجمه زادویه بن شاهویه اصفهانی، کتاب سیر ملوک الفرس ترجمه یا تألیف محمد بن بهرام بن مطیار اصفهانی، کتاب سیر ملوک بنی‌ساسان ترجمه یا تألیف هشام بن قاسم اصفهانی، و سرانجام تاریخ ملوک بنی‌ساسان اصلاح بهرام بن مردان شاه موبد ولایات شاپور از بلاد فارس. چون این نسخ فراهم آمد با مقایسه و تلفیق آنها این باب را چنانکه باید ترتیب دادم. ص ۷

■ برخلاف امرای سامانی، در ظاهر امر اینطور برمی آید که امرای آل بویه که شیعه بودند اهمی به گسترش زبان فارسی نداشتند. علت این امر نیز احتمالاً در مظان اتهام مضاعف قرار گرفتن از سوی خلیفه و امرای سنی مذهب بوده است. نکتهٔ دوم اینست که زبان فارسی دری به تدریج در مرکز و غرب ایران نفوذ کرد و در آن زمان بر گویشها/زبانهای دیگر ایرانی (نظیر طبری و پهلوی) غلبه نکرده بود. به علاوه، در آن زمان از ترکستان چین تا یمن خطبه به نام آنها می خواندند، که در مناطق وسیعی عرب زبان بوده اند. نکتهٔ دیگر این که اگر نظر مساعد آنها نبود، چگونه زبان فارسی و فارس زبانها در جده، عمان و یمن گسترش یافتند.

■ نسوی کتاب المقنع را نخست برای مجدالدولهٔ دیلمی به فارسی نوشت و بعد آن را به عربی درآورد.

■ [آل بویه] کشوری پهناور، دولتی نیرومند دارند، از «چین» تا «یمن» خطبه به نام ایشان است، در برابر پادشاهان زمانه ایستادند، پادشاه خاوران از ایشان درمانده [امیرالمؤمنین از] خلیفگان عباسی در دامان ایشان مانده، هفت اقلیم مهم را در دست می‌دارند. ج ۲، ص ۵۹۸

■ نبینی عضدالدوله با آن همه جبروت و قدوت و جوان‌بختی که هنوز به راه نیفتاده بی‌جنگ یمن را بگرفت، و بی‌هیچ کوششی جز نوشتن یک نامه و فرستادنش با یک پیامبر، خطبه بنامش خوانده شد، در سند و عمان نیز خطبه بنامش بود و گرفت آنچه بگرفت. ج ۲، ص ۴۹۴ و ۴۹۵

احسن التقاسیم مقدسی، ترجمه دکت‌ر منزوی، چاپ اول، اسفند ۱۳۶۱.

■ آل بویه با آنکه شیعه مذهب بودند، صلاح دیدند دستگاه خلافت عباسیان پابرجا باشد ولی خلفا را خود بر می‌گزیدند. جالب آن است که آل بویه سکه‌ای به طراز شیعی ضرب نکردند و نام خلیفه دست‌نشانده خود را در خطبه و سکه جاری می‌ساختند.

■ سالاریان با وجود آنکه مذهب اسماعیلی داشتند اما همچون حمدانیان شیعی، نام خلیفه عباسی را بر سکه می‌آوردند و به جز موارد استثنایی (وهسودان بن محمد) از آوردن شعائر اسماعیلی اجتناب می‌ورزیدند.

■ درباره وقایع سال ۳۴۳ که «وهسودان بن محمد» سکه‌ای به طراز اسماعیلیان و با نام ائمه شیعی-اسماعیلی ضرب کرده بود، منابع سکوت اختیار کرده بودند.

- از آن جمله سکه‌ای از عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲) باقی است که در سال ۳۵۹ هجری در فارس ضرب شده و بر یک روی آن چهره شاه با تاجی شبیه تاج خسرو پرویز منقوش است و در دو سوی صورت به خط پهلوی این عبارت است: فره افزود شاهان شاه
- و در حاشیه سکه به خط کوفی کلمات شهادت نوشته شده است.
- بر روی دیگر سکه باز چهره شاه است با همان تاج و بر کنار صورت به خط پهلوی عبارت: دیر زی شه پنا خسرو
- و به خط کوفی: مما امر بضربه بفارس سنة ۳۵۹

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵.

■ باید گفت که توجه ابوعلی مسکویه به تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام و تألیف این بخش از کتاب احتمالاً به سیاستهای ممدوح او، عضدالدوله در احیای شاهنشاهی ایران در مقابل خلفای عباسی مربوط می‌شود؛ به‌ویژه که گفته‌اند، عضدالدوله نخستین فرمانروای ایران دوره اسلامی است که گویا خود را به طور رسمی شاهنشاه نامیده است.

■ **تَجَارِبُ الْأُمَمِ**، عنوان یکی از مشهورترین منابع تاریخی، نوشته ابوعلی مسکویه، مورخ، فیلسوف، پزشک و ادیب پرآوازه ایرانی. تجارب الامم تاریخ عمومی جهان، و مشتمل بر اخبار و رویدادها از آغاز تا روزگار مؤلف است.

- آل کاکویه شاخه‌ای از دیلمیان و منسوب به ابوجعفر علاءالدوله کاکویه هستند. ابوجعفر پسر دایی سیده خاتون دختر شروین مرزبان از امرای طبرستان و مادر مجدالدوله دیلمی از امیران آل بویه در ری بود.
- امیر علاءالدوله کاکویه را باید در شمار امرایی محسوب کرد که مشوق دانشمندان و فرهیختگان در تصنیف آثار به زبان فارسی بوده و در توسعه این زبان نقش داشته است.
- ابن سینا کتاب دانشنامه‌ی علایی را به نام این امیر و به زبان فارسی به رشته‌ی تحریر درآورد. رساله‌ی نبض اثر دیگری است که شیخ به فرمان ابوجعفر کاکویه و به نام وی به زبان فارسی تصنیف کرد.
- شه‌مردان بن ابی‌الخیر از دانشمندان سده‌های پنجم و ششم ه. ق کتاب «نزهت‌نامه‌ی علایی» را به نام امیر گرشاسب (فرزند امیر علاءالدوله علی فرزند ظهیرالدین ابومنصور فرامرز فرزند ابوجعفر علاءالدوله کاکویه) به رشته‌ی تحریر درآورد.

■ اما چند کتیبه نیز روی بناهای دوره اسلامی که متعلق به اوایل قرن پنجم هجری و در قسمت شمال ایران و کرانه‌های دریای خزر واقع است باقی مانده است. از آن جمله کتیبه برج لاجیم که به دو خط کوفی و پهلوی است. ص ۳۳۱ و ۳۳۲

■ برج قبر دیگری در همان ناحیه، در دهکده‌ای به نام رسگت هست و دارای کتیبه‌ای به دو خط کوفی و پهلوی است. ص ۳۳۱

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، نشر نو، جلد اول، ۱۳۶۵.

■ چنین گویند که حمزه بن احمد برادر ابی جعفر محمد بن احمد مذکور از ناحیت طبرستان بقم آمد پس از کشتن حسن بن زید برادرش را حسین بن احمد کوکبی و هر دو پسرش ابوجعفر محمد و ابوالحسن علی بن حمزه بن احمد با او بودند و بزبان طبری سخن میگفتند چون حمزه بقم آمد بقم ساکن شد و وطن ساخت. ص ۲۲۶

حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، انتشارات توس، ۱۳۶۱.
(تألیف بسال ۳۷۸ ه. ق)

■ ابومنصور محمد بن عبدالرزاق یکی از رجال تاریخی قرن چهارم هجری است و به موجب تصریحی که در مقدمه شاهنامه شده است نسبت او به بزرگان زمان ساسانیان می‌رسیده است و شرح احوال وی در تواریخ اسلامی پراکنده ضبط شده است، این مرد از اعیان و رؤسای طوس بود و در عهد سامانیان ریاست طوس و نیشابور با او بود و در سنه ۳۴۹ و ۳۵۰ دو مرتبه به سپهسالاری کل خراسان نایل آمد و در سنه ۳۵۱ در محارباتی که به نفع دیلمیان در خراسان راه انداخته بود، مسموم و مقتول گردید و پسران او نیز از آن پس در نتیجه سازش با ابوعلی سیمجور بدست سامانیان و به پافشاری سبکتکین برافتادند.

سبک‌شناسی، ملک‌الشعراى بهار، جلد دوم

■ در آغاز دولت محمود در وزارت فضل بن احمد اسفراینی دنباله خیالات فارسی پسندی دوام داشت، و دیوان غزنویان به فارسی تحریر می شد، ولی پس از عزل او بار دیگر دیوان را به عربی برگردانیدند! و عمل اسفراینی را حمل بر بیسوادی او کردند و ویرا تخطئه نمودند.

سبک شناسی ملک الشعراى بهار، ج ۱، چاپ ۳، ص ۱۶۹

■ ابوریحان بیرونی در الصیدنه اشاره‌ای دارد به این که امیر یمین الدوله [محمود غزنوی] از زبان عربی متنفر بود.

■ از قراری که با قدری غلو حکایت کرده‌اند، چهارصد شاعر در دربار محمود غزنوی حضور می یافتند. [دکتر محمدرضا اسلامی ندوشن]

■ در عهد ابونصر کندی وزیر طغرل و اب ارسلان دیوان رسالت را به فارسی برگردانیدند ولی بعد از او نظام‌الملک دیوان را به عربی برگرداند، همانطور که سلف او احمدحسن کرد.

سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار، ج ۱، چاپ ۳، ص ۱۶۹

■ ترکان سلجوقی تا پایان کار خود، از فارسی به عنوان زبان رسمی و از زبان عربی برای آثار علمی استفاده می‌کردند. [تاریخ اسلام کمبریج]

■ ملک‌شاه سلجوقی شب ۱۸ ذی‌الحجه ۴۸۴ هجری در بغداد جشن سده گرفت. جلال‌الدین همایی در التفهیم، ص ۲۵۹

■ تفسیر قرآن ابوالفتوح رازی از علمای شیعه به زبان فارسی و در قرن ششم هجری است.

■ گویند المستضی بامرالله خلیفه عباسی (۵۷۵-۵۶۶ ه. ق) به زبان فارسی و تازی شعر می‌سروده است و این زمانی است که زبان فارسی بوسیله سلجوقیان و فتوحات آنان که از حلب تا کاشغر امتداد داشته است در بغداد چنان رونق یافته بود که خلفای عباسی نیز بدان رغبت مینمودند.

سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار، جلد اول، چاپ سوم، ۱۳۴۹، ص ۲۵۷.

■ خوارزمیان شاید بهتر از دیگران بوده‌اند، اسمعیل طبیب جرجانی کتاب ذخیره را به امر خوارزمشاه به فارسی تألیف کرده است، و تواریخی هم به فارسی برای آنها نوشته‌اند، امام فخر رازی به امر سلطان تکش خوارزمشاه رساله‌ای در تمام علوم مرسوم عصر به فارسی نوشت که گاهی حدائق الانوار و گاهی رساله ستینیه می‌نامند و امروز در دست است، دیوان رسائل در عهد خوارزمیان غالباً به فارسی بوده است، و از آن رسالات نمونه‌ای در دو کتاب عتبة الکتبه والتوسل الی الترسل موجود می‌باشد که هر دو خوشبختانه موجود است. ص ۱۷۰

■ چنانچه گفتیم در عهد خوارزمیان کار فارسی‌نویسی بالا گرفت تا فتنه مغول پیدا شد، درین فتنه خراسان بکلی محو شد و آثار آن قوم چه عربی و چه فارسی به باد فنا رفت، لیکن بعد از استقرار کار مغول خاصه پس از انقراض دولت عرب و سقوط دربار بغداد، کار عربی در ایران سست شد و هر چند کار ادب سست شد، فارسی و عربی هر دو بحال ناتوانی افتادند، اما نظر به بی‌مایگی زبان مغولی و خط اویغوری، زبان فارسی که زبان وزرای عصر و مستوفیان بود، ناچار جای خود را باز کرد. ص ۱۷۰

■ مغولان از خود ادبیات نداشتند و خط ایشان هم بنا به تصریح جوینی خط ایغوری بود که از طوایف ایغور فرا گرفته بودند. ص ۱۶۶

■ در عصر مغول با آنکه ضربت مهلکی به معارف ایران وارد آمد و از کتاب و مجامع و مخازن و رصدگاه‌ها و سایر مراکز علمی اثری نماند، تنها از لحاظ عُلقه‌ای که چنگیز و قوم او به یاد کردن ذکر پدران و باقی ماندن ذکر خود ابراز می‌داشتند، فن تاریخ مورد توجه و اعتنا قرار گرفت، این معنی دو سبب عمده داشت، یکی علاقه قوم مغول به بقای ذکر، دیگر وقایع بزرگی که درین دوره اتفاق افتاد - از انقراض دولت خوارزمشاهی و دول کوچک دیگر و بر افتادن دولت خلفا و سقوط بغداد که بیش از سقوط دیروز پاریس، در آن عهد اهمیت داشته است و غیره و غیره. ص ۱۶۸ و ۱۶۹

■ خط زبان ایغوری قابل نبود که بتوان مملکتی وسیع را که از کاشغر تا دریای روم کشیده شده بود، بدان خط و زبان اداره کرد، و ناچار خط و زبان پارسی، خط و زبان رسمی دربار مغول قرار گرفت، و عربی هم که روی بتراجع نهاده بود بکلی از میان رفت، مخصوصاً بعد از سقوط بغداد و خالی شدن مرکز خلافت و محو علت موجد - دیگر علتی بر بقای آن زبان باقی نماند، این بود که کتب علمی بزبان فارسی دنباله کار خود را رها ننمود، بل رفته رفته کارش بالا گرفت. ص ۱۵۷

■ شاردن فرانسوی می‌نویسد که من در کتابخانهٔ صفویه کتب تمام علوم دنیا را به زبان فارسی دیدم و چنین است که او گفته است، خاصه تشویقاتی که در عصر مزبور در دربار دهلی از طرف گورکانیان بعمل می‌آمد درست دنبالهٔ کارهای مفید دربار امیر تیمور و شاهرخ و بایسنغر میرزا و سلطان حسین بایقرا بود که دنیا را بار دیگر به زبان فارسی منور و روشن ساخت. ص ۱۷۱

■ رسمِ نوشتنِ مسائلِ فقهی به زبان ساده و عوام فهم، برای استفاده مؤمنین به دستور شاه عباس و بوسیله شیخ بهایی،

□ امثالاً لِأمرِ الاشراف الارفع، این کتاب سِمَتِ تحریر یافت و مسائل آن را به عبارت واضح نزدیک به فهم مؤدی ساخت تا جمیع خلایق، از خواص و عوام، از مطالعه آن نفع یابند و بهره‌مند گردند.

[مقدمه جامع عباسی از شیخ بهایی]

■ مجموعه تالیفات ملا محمدباقر مجلسی به ۶۰ سر می‌زند و جز بحار الانوار (چاپ بزرگ سنگی در ۲۶ جلد) که به عربی نوشته شده، بقیه آثارش به فارسی است.

گستره و نفوذ زبان فارسی

- سفرنامهٔ ابن بطوطه شاهدهی است گویا بر نفوذ گستردهٔ فرهنگ و زبان ایرانی در سراسر اقطار اسلامی آن عصر.
- مشایخ عرفان که بر قلوب مردم فرمان می‌راندند از مصر تا هندوستان اکثراً ایرانی بودند.

دکتر محمد علی موحد

- امرای مصر در ساختن خانقاه‌ها بر یکدیگر پیشی می‌جویند. هر خانقاه، مخصوص گروهی از دراویش است و بیشتر دراویش از عجم [ایرانیان] اند که مردمی اهل ادب و در مسلک تصوف صاحب اطلاع هستند.

سفرنامه ابن بطوطه

■ ابن بطوطه: از آنجا به شهر فارسی کور که در کنار نیل واقع است رفتم و در بیرون شهر منزل کردم.

سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر موحد، ص ۷۰

■ وهبی سنبلزاده (در گذشته ۱۲۲۴) که در سال ۱۱۸۹ به سفارت به شیراز نزد کریم خان زند آمده بود، می گوید: «عنقای سخن، دو شهبال از پارسی و تازی می خواهد تا بتواند بلند پروازی کند».

ریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پاژنگ، ۱۳۶۹، ص ۲۲۶ و ۲۲۷

■ دکتر رضوانفر عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با اشاره به وجود حدود هفت هزار کتیبه فارسی در هند، گفت: شاید بتوان گفت که بیشترین کتیبه‌های فارسی در جهان در هندوستان وجود دارد و بعد از آن به ترتیب ازبکستان، پاکستان و بر اساس آماری که من برداشته‌ام جمهوری آذربایجان بیشترین کتیبه‌های فارسی را دارند.

■ بررسی کتیبه‌های فارسی در جمهوری آذربایجان

■ دولت ایران به هنگام بازیافت آزادی و استقلال هند، نخستین دولتی بود که این رخداد جهانی را با شادی تمام تبریک گفت، و نهرو در پاسخ تلگرام احمد قوام نخست‌وزیر ایران، در صدر نامه خود به مطلع یک غزل حافظ تمسک جسته؛ آن جا که گفته است:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرح نو در اندازیم

جلالی نائینی، س. م. ر.، فرهنگ سنسکریت-فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.

■ ترکان سلجوقی پس از شکست امپراطوری روم در جنگ ملازگرد و تصرف بیزانس، شاخه‌ای را از سلجوقیان با نام سلاجقه روم در آنجا تأسیس می‌کنند و در آنجا اقدام به گسترش فرهنگ و زبان فارسی و ایرانی می‌کنند و این سلسله حکومتی که حتی بر فرزندان خود نامهای اصیل ایرانی چون کیخسرو، کی قباد و کیکاووس می‌گذاشتند بعدها به نوعی زمینه‌ساز گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در سلسله عثمانی هم می‌شوند.

■ به همین دلیل است که سلطان محمد فاتح وقتی که امپراطوری عثمانی را تأسیس می‌کند زبان رسمی و دیوانی امپراطوری عثمانی را زبان فارسی اعلام می‌کند و تا به نزدیک به ۳۰۰ سال هم زبان فارسی همچنان زبان رسمی و دیوانی عثمانی‌ها باقی می‌ماند یعنی تا ۳۰۰ سال با این زبان نه تنها سخن می‌گفتند بلکه نامه‌نگاری هم می‌کردند و حتی برخی سلاطین عثمانی هم با تخلص فارسی نیز به شعرسرایی می‌پرداختند که در این خصوص می‌توان به سلطان سلیم و سلطان سلیمان معروف اشاره کرد.

■ از برکت وجود سلاجقه آسیای صغیر- که آنها را سلاجقه روم گویند و از عهد سلیمان اول بن قلمش سنه ۴۶۰ تا زمان علاءالدین کیقباد ثانی سنه ۷۰۰ هجری پادشاهی کرده‌اند- ادبیات فارسی در قونیه و سایر بلاد آسیای صغیر و حتی ارمنستان شیوع بهمرسانید، و فضلائى مانند «ابن بی‌بی» مؤلف تاریخ سلاجقه روم و «راوندی» مؤلف راحت الصدور و ... «محمد بن غازی» الملطوی مؤلف روضه العقول در ترجمه مرزبان‌نامه در آن دیار بار افکنده و به نشر ادبیات پارسی پرداختند و سلاطین آن سامان هم با نهایت گشاده‌روئی و سخاوت از گریختگان سیل مغول که قسمتی بهندوستان و قسمتی بقونیه و برسا و انگوریه پناه می‌جستند، پذیرائی می‌کردند، ازینرو ادبیات فارسی از نظم و نثر تا دیری در آسیای صغیر و استانبول رواج کامل داشت و کتب ذیقیمت در آن دیار بی‌پارسی تألیف گردید و شعرائی معروف پیدا شدند، و حتی بعضی از سلاطین آل عثمان که جای سلاجقه را گرفته بودند- خود به پارسی شعر میگفتند. ص ۴۰۴

■ به موجب مقدمه شرح قصیده ابن فارض در سال ۷۲۳ در مدرسه‌ای در انطالیه (بندری در گوشه جنوب غربی آسیای صغیر) در تدریس متنهای عربی مطالب آنها را به فارسی شرح می‌دادند. ص ۲۹

مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف

■ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف – ایتالیا / آپارات
(زبان فارسی در دانشگاه‌های بولونیا، ناپل – ۴۰ دقیقه)

■ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف – ترکیه / آپارات
(۴۰ دقیقه)

■ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف – روسیه / آپارات
(۴۲ دقیقه)

■ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف – پاکستان / آپارات
(۴۰ دقیقه)

■ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف – ژاپن / آپارات
(۴۲ دقیقه)

■ مستند زبان فارسی در کشورهای مختلف – گرجستان / آپارات
(۳۵ دقیقه)

چین و شرق دور

■ استاد کدکنی می‌نویسد اگر دیوان برق تجلی را در کتابخانه مرکزی دانشگاه پرینستون ندیده بودم، خود نیز باور نمی‌کردم که در همین قرن اخیر در نسل پدربزرگ ما و پدربزرگ شما، یعنی در آستانه مشروطیت شاعری فارسی‌زبان، در ایالت سین‌کیانگ کشور چین دیوان شعرش را چاپ کند و نخستین شعر کتابش استقبالِ غزلِ حافظ:

ألا یا ایها الساقی أدر کأساً و ناولها

■ این شاعر برخاسته از ایالت سین‌کیانگ چین در نسل مشروطیت ما به این زیبایی شعر فارسی سروده است و دیوان خویش را در هزار نسخه، سال ۱۳۱۷ ه. ق در همان ایالت سین‌کیانگ چاپ و منتشر کرده است.

در سفرنامهٔ ابن بطوطه (۷۷۰-۷۰۳ ه. ق.) آمده است:

■ پسر امیر بزرگ قُرطی، امیرالامرای چین^۱ [ترکستان شرقی] در کشتی دیگری نشست، مطربان و موسیقیدانان نیز با او بودند و به چینی و عربی و فارسی آواز می خواندند. امیرزاده آوازهای فارسی را خیلی دوست می داشت و آنان شعری به فارسی می خواندند، چند بار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند چنانکه من از دهانشان فراگرفتم و آن آهنگ عجیبی داشت و چنین بود:

تا دل به محنت داده‌ام در بحر فکر افتاده‌ام چون در نماز استاده‌ام ...

از ترجمهٔ دکتر محمدعلی موحد، سپهر نقش، چاپ ششم، ۱۳۷۶، ص ۳۰۵

^۱ در ادبیات فارسی [کهن] ظاهراً از چین مراد ترکستان شرقی است و از ماچین (مهاچین) چین اصلی یا چین بزرگ. مها لفظ هندی به معنی بزرگ و عظیم است. مهاچین در سنسکریت به معنی مملکت چین می باشد. لغت نامه دهخدا

■ دکتر رضوانفر با اشاره به حضور زبان فارسی در مسیر زمینی و دریایی جاده ابریشم، گفت: علاوه بر شهر پکن، چهار بندر در شرق چین وجود دارد که کتیبه‌هایی فارسی دارند که از آن جمله می‌توان به ۲۱ کتیبه و سنگ مزار در مسجد ققنوس، کتیبه‌ای بزرگ به زبان فارسی و چینی در یکی از مساجد معروف پکن، چند سنگ مزار از قرن هفتم با زبان فارسی اشاره کرد.

■ بررسی کتیبه‌های فارسی در جمهوری آذربایجان

■ امروزه تنها ۲۰ هزار تن ایرانی زبان در دره ساری کول در پامیر چین ساکنند که شهر عمده آن تاشکورگان است.

ریچارد فرای، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا

■ محمد دهقانی ۱ در گفت‌وگو با ایبنا:

گلستان سعدی در مساجد چین تدریس می‌شود، اما نه به عنوان یک کتاب مذهبی و منبع دینی. زبان مسلمانان چین فارسی است؛ یعنی به جای اینکه مسائل دینی خود را از زبان عربی بخوانند، از زبان و منابع فارسی می‌خوانند و کتاب‌های مذهبی آنها همه به زبان فارسی است. علت آن هم این است که اسلام در قرن چهارم هجری، از طریق ایرانی‌ها و فارسی‌زبانان به چین وارد شده است؛ بنابراین کتاب‌های دینی مسلمانان چین به فارسی نوشته و تدریس می‌شده است؛ حتی ادعیه آنها به زبان فارسی است و طبعاً آنها برای اینکه فارسی یاد بگیرند؛ از گلستان سعدی که در ایران هم متنی مطبوع و دلپذیر برای آموزش زبان فارسی است؛ کمک می‌گیرند. بنابراین گلستان سعدی را نه به عنوان یک کتاب مذهبی، بلکه برای یاد گرفتن زبان فارسی می‌آموزند.

۱ نویسنده، مترجم و پژوهشگر ادبیات که تجربه زندگی و تدریس در چین را دارد و مدرس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پکن بوده و خاطرات خود از این سفر را در کتابی با عنوان «یادداشت‌های پکن» منتشر کرده است.

■ قدیمی‌ترین خط فارسی در ژاپن یادگار ملاحان ایرانی

(مربوط به ۱۲۱۷ میلادی) از تارنمای سفارت ایران در ژاپن

■ مؤسسه ملی و تحقیقاتی دارایی‌های فرهنگی «نارا» در ژاپن اعلام کرد عکس‌های مادون قرمز جدیدی که از یک لوح چوبی متعلق به قرن هشتم میلادی در ژاپن بررسی شده حاکی از آن است یک فرد ایرانی که آموزگار بوده در دربار سلطنتی ژاپن حضور داشته است.

<https://japan.mfa.gov.ir/portal/newsview/605264>

■ ایران باستان و ژاپن: «شاهدخت ساسانی» در ژاپن

هاشم رجب‌زاده

شبه قاره هند

- در میان ملتها و نژادهای بسیار که با هندوستان تماس داشتند و در زندگانی و فرهنگ هند نفوذ کردند، قدیمی‌ترین و بادوام‌ترین آنان ایرانیان هستند. (Discovery of India, London, 1946, p37)
- پروفیسور ایندوشیکھر (Indu Shikhar) استاد زبان سنسکریت در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که: «با وجود تحولات عظیمی که در زبان فارسی کنونی روی داده، هنوز در حدود ۳۵ درصد کلمات آن را می‌توان با کلمات سنسکریت ودایی و کلاسیک سنجید.» (راهنمای سنسکریت، تألیف ایندوشیکھر، ص ۶، تهران، ۱۳۳۷).

سائوراب کومار سفیر هندوستان در ایران:

- زبان هندی مملو از واژه‌های اصیل فارسی است و این نشان‌دهنده ریشه مشترک هند و اروپایی این دو زبان است.
- فلسفه زبان اردو این است که در زمان گورکانیان که ایرانیان در هند حضور داشتند، افسران اردوگاه‌های آنجا ایرانی و سربازان آن هندی بودند و این تعامل بین افسران و سربازان باعث ایجاد زبان اردو که ترکیبی از زبان فارسی و هندو است، شد و اردو نیز از کلمه اردوگاه که در آن زمان در هند وجود داشته ریشه می‌گیرد.

چند لغت سنسکریت

- angurī (انگشت، پنجه)
- a-tapta (غیر گرم، سرد)
- a-tarkya (غیر قابل درک)
- a-kara (غیر کاری، غیر فعال)
- a-karana (فاقد توانایی کار)
- a-karna (ناشنوا، کر)
- a-kāla (نابهنگام)
- a-kāma (بی میل، بی خواهش)
- a-krta (غیر مخلوق)
- a-kra (بیکاره، غیر فعال)
- a-kesa (بی موی)
- aksa (محور چرخ، آسه)
- a-gama (ساکن، بی حرکت)
- a-kartavya (کار ناصواب)
- anka (خم، خمیدگی)
- a-jana (خالی از سکنه)
- an-asva (فاقد اسب)
- a-pakva (ناپخته، خام)

- زبان فارسی در زمان امپراتوری گورکانیان هند (نوادگان تیمورلنگ)، زبان رسمی بود.
- تا زمان استعمار هند توسط بریتانیا، زبان فارسی زبان علمی-ادبی-فرهنگی هند بود.
- زبان اردو زبان رسمی پاکستان است، که مرکب از فارسی، عربی، هندی و ترکی است و به خط فارسی (با چند حرف اضافه) نوشته می‌شود و بیش از نیمی از آن، کلمات مستعمل در زبان فارسی است.

■ برهَمَ گُبتَه brahma gobta منجم بزرگی است که در حدود سال ۶۰۰ میلادی می‌زیست. از نژاد سیستانیهای آفتاب‌پرست که در زمان اشکانیان از ایران به هندوستان رفتند و اکنون هم گروه بسیاری در آن سرزمین زندگانی و به رسوم و آداب آفتاب‌پرستی کار می‌کنند و به این نژاد یا به این گروه به زبان سانسکریت شاکَ دیپی chaka dipy گفته می‌شود از دو کلمه (دیپی) به معنی جزیره و ناحیه و (شاک) که لهجهٔ هندوی است در (سک) به معنی سیستانی.

استاد جلال‌الدین همایی در التفهیم

■ پس از سقوط ساسانیان، دسته‌ای از زرتشتیان ایران به شهر ناگ مندال در گجرات هند کوچ کردند و چون آن منطقه را از لحاظ آب و هوایی شبیه به شهر ساری (احتمالاً شهر خودشان) یافتند آن را نوساری Navsari, Naosari (ساری جدید) نامیدند. این پارسیان آتش مقدس خود موسوم به آتش بهرام را به این شهر منتقل نمودند.

- **Navsari** is the home of the Parsis, descendants of Zoroastrians who immigrated from Persia, and contains their most-venerated fire temples. www.britannica.com

■ در سال ۳۹۰ هجری (۱۰۰۱ م) سلطان محمود غزنوی به عنوان پادشاه غازی وارد هندوستان شد و قسمتی از خاک پهناور این سرزمین را متصرف گردید. قبل از او ، محمدبن قاسم در سال ۷۱۰ م به عنوان یک سردار اسلامی وارد سند شده بود ولی بخاطر سوء رفتارش با مردم آن سرزمین از کار برکنار و به مرکز حکومت اسلامی فراخوانده شد. عزل محمد سبب شد که حدود سه قرن، پیشرفت اسلام در هند متوقف شود. از قرن پنجم هجری به بعد که زمینه تبلیغ آئین اسلام در هند فراهم شد، گروهی از علما و دانشمندان و شعرای ایرانی به این کشور مسافرت کردند و آنجا در پرتو آرامش و آزادی مطلق به نشر علم و تحقیق و تتبع پرداختند.

■ مقدسی در خصوص ملتان می‌نویسد: اکثریت مردم عرب هستند ... خوشزبانی و مردانگی و فارسی فهمیدنی و بازرگانی سودآور و تنی نیرومند دارند ... مردم ملتان شیعه‌اند. ... برای فاطمی خطبه می‌کنند و جز به دستور وی حلّ و عقد ندارند، همیشه پیشکشها و فرستادگانشان به مصر روانست.

احسن التقاسیم مقدسی، ترجمهٔ دکتر منزوی، چاپ اول،

اسفند ۱۳۶۱، جلد دوم، ص ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۱۳

در سفرنامهٔ ابن بطوطه (۷۷۰-۷۰۳ ه. ق.) آمده است:

■ آیری شَکروتی (آریا شکروتی) پادشاه سیلان زبان فارسی می‌فهمید و از حکایاتی که من دربارهٔ پادشاهان و کشورها می‌گفتم بسیار خوشش می‌آمد. ص ۲۴۸

از ترجمهٔ دکتر محمدعلی موحد، سپهر نقش، چاپ ششم، ۱۳۷۶

میرسیدعلی همدانی (۷۸۶-۷۱۴ ه. ق) معروف به شاه همدان و امیرکبیر،

■ عالم، عارف و شاعر ایرانی که در دوران سلطنت سلطان محمد خدابنده اولجایتو، در همدان دیده به جهان گشود. وی از مشایخ طریقه کبرویه بود. بیش از یکصد و ده اثر، به وی منسوب است.

■ وی به همراه صدها تن از همراهانش به شبه قاره هند رفت و در ترویج اسلام و فرهنگ، هنر و زبان فارسی در آنجا بویژه کشمیر هند نقش داشت. وی هم‌اکنون در کشمیر و تاجیکستان هواداران زیادی دارد.

شکرشکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می رود

حافظ

■ حکومت ۶۰۰ ساله فارسی به عنوان زبان رسمی در بنگلادش

■ زبان رسمی دربار بهمنی زبان فارسی بود که در مراسلات رسمی آنان به کار می‌رفت. در آموزشهای اولیه، عالیترین نمونهٔ ادب فارسی، بوستان سعدی شیرازی، به شاهزادگان آموخته می‌شد. شاهان بهمنی زبان فارسی را به خوبی می‌دانستند و برخی از آنان به این زبان شعر می‌سرودند. شاهان این دودمان در تشویق فارسی و گسترش زبان فارسی اهمیاتی خاص داشتند و نویسندگان و شاعران فارسی‌زبان به پشتوانهٔ حمایت آنان، دورانی درخشان را در تاریخ زبان فارسی پدید آوردند. شیخ عین‌الدین بیجاپوری که به گنج‌العلوم شهرت داشت، تکمله‌ای بر کتاب طبقات ناصری قاضی منه‌اج سراج جوزجانی نگاشت. شیخ ابراهیم مولتانی در عصر حکومت علاءالدین احمد دوم کتابی به نام معارف‌العلوم نوشت که نوعی دانشنامه بود. سیف‌الدین غوری که در همین دوران به مقام وزارت رسیده بود، کتابی به نام «نصایح الملوک» نوشت که در فن سیاست و امور دیوانی است. شهاب‌الدین عمر دولت‌آبادی، دانشمند دیگر این دوران، به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت و از میان آثار او باید به «بحرالموّاج» اشاره کرد. این تفسیر چند جلدی قرآن به زبان فارسی به رشتهٔ نگارش درآمده است.

■ در دوران حکومت محمودشاه بهمنی (حک: ۷۸۰-۷۹۹ ه ق. ۱۴۸۲-۱۵۱۸ م)، خواجه فضل‌الله اینجو، خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی را به دکن فرا خواند و مبلغی را هم به عنوان خرج سفر او به شیراز فرستاد. خواجه حافظ مبالغ اهدایی را خرج کرد. بار دیگر خواجه زین‌العابدین همدانی و خواجه محمد کازرونی خرج سفر او را بر عهده گرفتند. حافظ همراه با ایشان در کشتی محمود شاهی که از دکن آمده بود، نشست. ولی به سبب طغیان دریا از سفر منصرف شده، به شیراز بازگشت.

فراهانی منفرد، م. «ایرانیان در دکن، مروری بر حضور ایرانیان و نفوذ زبان فارسی در حکومت بهمنیان»،
نامه انجمن، ۱۳۸۲

■ **حیدرآباد (دکن)**، نام شهری در فلات دکن و مرکز ایالت اندراپرادش در جنوب شرقی هند.

■ دیرینگی شهر حیدرآباد به اوایل سده ۱۱ ق می‌رسد. در زمان حکومت محمدقلی قطب‌شاه (حک ۱۰۲۰-۹۸۹ ق / ۱۶۱۱-۱۵۸۱ م) پنجمین پادشاه قطب‌شاهیان، شهر گلکنده، مرکز این حکومت که روزی رونق بسیار داشت، شرایط نامساعدی یافته، و افزایش جمعیت شهر سبب آلوده شدن هوا و شیوع بیماری‌های مختلف و نیز کمبود آب شده بود. از این‌رو، قطب‌الملک شهر حیدرآباد را ساخت و پایتخت خویش را به آنجا انتقال داد.

■ سلسله قطب‌شاهیان مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی قلمرو خود اعلام کرده بودند. سلطان محمدقلی قطب‌شاه نیز در نظر داشت بلده حیدرآباد را شبیه به شهر مقدس مشهد بسازد. وی در مرکز شهر بنای «چارمنار» را به تقلید از مرقد امام رضا (ع) طراحی کرد و بنای اولیه شهر حیدرآباد بر مبنای چهارمنار نهاده شد.

■ شاهان قطب‌شاهی به ویژه عبدالله قطب‌شاه، در زمان فرمانروایی شاه‌جهان (حک ۱۰۳۸ - ۱۰۶۸ ق / ۱۶۲۹ - ۱۶۵۸ م) - پنجمین پادشاه سلسله گورکانیان هند - به نام شاه ایران خطبه می‌خواندند و نام خلفای راشدین را در خطبه ذکر نمی‌کردند و نام شاه ایران را مقدم بر نام خود می‌دانستند. در ۱۰۴۴ ق / ۱۶۳۴ م شاه‌جهان از عبدالله قطب‌شاهی، خواست تا خطبه را به شیوه اهل سنت بخوانند و اسم شاه صفوی ایران را از خطبه‌ها خارج کنند و خطبه به نام شاه‌جهان بخوانند و سکه به نام او زنند؛ و تهدید کرد در غیر این صورت به حیدرآباد حمله خواهد کرد.

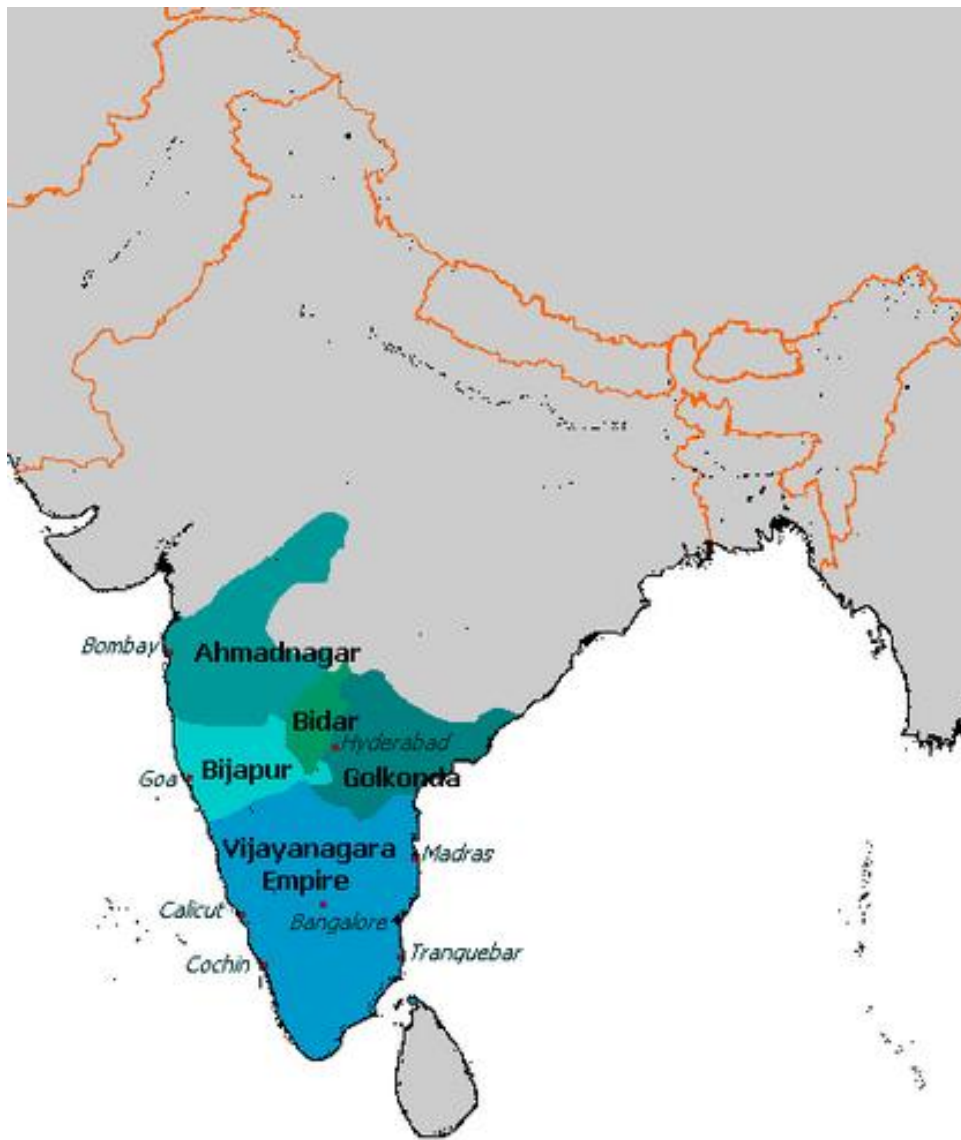
■ اورنگ‌زیب به قطب‌شاهیان حمله برد و حیدرآباد را تسخیر نمود و قلعه گلکنده را محاصره کرد. عبدالله قطب‌شاه که حکومت خود را در خطر می‌دید، متعهد شد که به حکومت گورکانیان خراج سالیانه بپردازد و قسمتی از سرزمین خود را به گورکانیان دهد. نام شاه ایران را هم از خطبه‌ها خارج کرد.

■ اورنگ‌زیب معروف به عالمگیر، ششمین پادشاه گورکانیان هند، بار دیگر در ۱۰۹۷ ق / ۱۶۸۶ م بعد از تصرف بیجاپور، به گلکنده که با بیجاپور همدست بود، حمله نمود و حیدرآباد را تسخیر کرد. سپس قلعه مستحکم گلکنده را که ابوالحسن تن‌شاه (حک ۱۰۸۳ - ۱۰۹۸ ق / ۱۶۷۲ - ۱۶۸۷ م)، آخرین پادشاه قطب‌شاهیان، به آنجا پناه برده بود، محاصره نمود. این قلعه پس از ۸ ماه مقاومت در ۱۰۹۸ ق سقوط کرد و حکومت قطب‌شاهیان به پایان رسید. (حیدرآباد، هادی ویسی، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی)

سلطان نشین های دکن - ویکیپدیا

گستره حکومت پنج سلطان نشین دکن
ویکیپدیا - پیوند تصویر

بهمینان دکن (قرن نهم و دهم هجری)
سلسله ای از پادشان مسلمان دکن



لرد مینتو فرماندار کل هند بریتانیا، رافلز را به خاطر آشنایی با زبان مالایی به اندونزی فرستاد و در جنگهای دریایی و زمینی با فرانسویان و هلندیان جزایر اندونزی را از آنان بازپس گرفت. زمانی که انگلیسیان دژ فورت کورنلیس در جاوه را در ۲۶ آگوست ۱۸۱۱ فتح کردند و خبر آن به کلکته رسید، مدالی برای فاتحان ضرب و به افسران اهدا شد که به زبان فارسی بود.



تمغاء هذا بطریق یادگار
جوانمردی و مردانگی که سپاهیان
سرکار کمپنی انگریز بهادر در تسخیر
ممالک جاوا بظهور رسیده
عنایت گردید سنه ۱۲۲۸ هجری

و در دور مدال نوشته شده بود:

JAVA CONQUERED XXVI AUGUST MDCCCXI

رابیندرانات تاگور

■ رابیندرانات تاگور (۱۸۶۱-۱۹۴۱) شاعر، فیلسوف، نمایشنامه‌نویس و موسیقیدان اهل بنگال هند و برنده جایزه نوبل،

■ رابیندرانات تاگور، شاعر هندی که خود را ایرانی می‌دانست - تابناک

■ رابیندرانات تاگور - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

■ دانشگاهی از خاورزمین، رابیندرانات تاگور ترجمه: فرید جواهر کلام، بخارا، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۴۵

- در قانون اساسی هند ۲۲ زبان رسمی از جمله آسامی، بنگالی، گجراتی، هندی، کشمیری، نیپالی، پنجابی، سانسکریت، تامیل و اردو ذکر شده است.
- هندی، زبان حدود ۴۰ درصد از مردم این کشور به خصوص در شمال و پایتخت هند است.
- در گزارش سازمان ثبت احوال هند آمده است، بیشتر مردم مناطق جنوبی و ایالت‌های شمال شرقی هند به زبان هندی آشنا نیستند.

ایرنا ۱۳۹۷ / ۴ / ۱۱

■ بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال هند که زبانهای رایج تا سال ۲۰۱۱ را پوشش می‌دهد، تعداد زبانهای مادری رایج در هند ۱۹ هزار و ۵۶۹ اعلام شده است، اما در عمل ۹۶٪ درصد از مردم هند بیشتر با ۲۲ زبان مشخص شدهٔ مادری در این کشور آشنایی داشته و به آنها سخن می‌گویند.

■ در این گزارش، ۹۹ زبان غیررسمی نیز آمده که زبان فارسی در بین این زبانها دیده نمی‌شود.

■ زبان فارسی تا سال ۲۰۰۱ در بین زبانهای غیررسمی هند قرار گرفته بود که به علت کاهش تعداد افرادی که به این زبان آشنایی دارند از این لیست حذف شده است.

ایرنا ۱۳۹۷ / ۴ / ۱۱

■ جشن آغاز سال نوی پارسیان در هند - امرداد

■ فیلم | جشن نوروز به سبک هندی‌ها - خبرآنلاین

■ پارسیان هند در نوروز لباس زرد می‌پوشند | ایبنا - خبرگزاری کتاب

■ نوروز در هندوستان؛ آمیخته با فرهنگ ایران زمین - ایرنا

■ نوروز ۱۴۰۱: تاریخ، اهمیت و جشن «روز نو» در سراسر جهان

(عکس: هند، کوزوو، آذربایجان، آلبانی)

شعرخوانی نخست وزیر هند به زبان فارسی + فیلم

■ نارندرا دامورداس مودی نخست‌وزیر هندوستان در پایان نشست خبری خود با آقای روحانی رئیس‌جمهور کشورمان با بیان اینکه این که ما اکنون کجا هستیم و کجا می‌توانیم باشیم به یک بیت شعر از دهلوی اشاره کرد و گفت: سخنانم را با این بیت به انجام می‌رسانم که «جنونت گر به نفس خود تمام است - ز کاشی تا به کاشان نیم گام است» یعنی اگر ما تصمیم محکم بگیریم فاصله بین کاشی تا کاشان نیم گام بیش نیست.

خبرگزاری صدا و سیما ۳/۳/۱۳۹۵

■ دهلوی که به پدر شعر اردو معروف است، در یکی از اشعار خود اعتراف می‌کند که شعر فارسی به مراتب غنی‌تر از شعر اردوست و حتی جایی با افتخار می‌گوید:

فارسی بین تا ببینی لاله‌های رنگ‌رنگ

بگذر از اردو که آن مجموع بی‌رنگ من است.

دکتر بصیر کامجو، جایگاه زبان فارسی در دهکده جهانی، فصلنامه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی،
سال دوم، شماره ششم، پائیز ۱۳۹۲

تعدادی از واژه‌های (مستعمل) زبان فارسی در زبان هندی محاوره‌ای

آزاد	آرام	آدم	آتش	آب	آئینه
آلو	آقا	آسمان	آسانی	آسان	آزادی
ادا	احسان	اتفاق	ابرو	آواز	آهسته
الفت	افسوس	افسانه	اضافه	اشاره	اراده
انگور	انسان	اندیشه	اتدر	اتار	امید
بازار	باروت	بارش	بادام	ایمان دار	اگر
بزرگ	برف	برباد		باغ	بازوبند
بی‌کار	بی‌ایمانی	بهبانه	بچه	بلبل	بستر
توپ	تقاضا	تمنا		تحفه	تاریخ
جشن	جدایی	جانور	جامه	جادو	تنگ
حق	جگر	جوان	جهاز	جنون	جماعت
خاک	خاندان	خاموشی	خاموش	حیوان	حیرت
خوش	خورشید	خطرناک	خرگوش	خداحافظ	خدا
دروغ	دارو	خون	خوشبو	خواهش	خواب

این مجموعه واژه‌ها توسط دکتر فرحانی (دکتری از هندوستان) در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

دل	دشمنی	دشمن	دستخط	دریا	درد
دفعه	دم	دوست	دوستی	دلچسب	دلریا
زبان	روشنی	روزگار	روز	رنج	راز
سال	زیره	زور	زهر	زندگی	زمانه
سلسله	سفید	سزا	سردی	ستاره	سبزی
سیاه	سپاهی	سیب	سوگند	سرخ	سنگ
شطرنج	شبنم	شاه	شام	شادی	شکر
شیشه	شیر	شور	شهر	شمع	شمشیر
عاشق	طوفان	طریقت	صحیح	صحرا	صاحب
فانی	غم		عزت	عجیب	عشق
قانون	فیصله	فولاد	فطرت	فرصت	فرش
لفظ	لب		قلعه	قلب	قبرستان
مذهب	محنتی	محنت	محبت	مجبور	لیکن

این مجموعه واژه‌ها توسط دکتر فرحانی (دکتری از هندوستان) در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

مشهور	مست	مسافر	مزه	مردانگی	مردانه
مفتی	میز	مگر	ملک	مطلب	مضمون
نوکری	ناشتا	تمکین	نادان	ناخن	معلم
هوشیار	هوا	هفته	تفرت	هر	نمک
پروانه	پرنده		و غیره	وحشی	وحشت
پیشه		پیاز	پنیر	پسندیده	پریشان
کارخانه	کار	چیز	چربی	چراغ	چاقو
کمزور	کمر	کشتی	کدو	کبوتر	کاغذ
گرم	گردن	گردش	گزارش	کوشش	کمی
گپ	گوشت	گورستان	گنده	گلاب	گرمی
			یعنی	یار	یاد

این مجموعه واژه‌ها توسط دکتر فرحانی (دکتری از هندوستان) در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

■ شاعر هندی می گوید:

سرزمین هند با ایران یکی است
بین ما، ما و تویی در کار نیست
ما به گلبرگی دو قطره شبنمیم
در صفا و یکدلی مثل همیم
شاعر هندی زبانش فارسی است ...

به نقل از دکتر سید کلیم اصغر

- زبان اردو یکی از زبانهای هندواروپایی جدید است که امروزه در سراسر نواحی مرکزی و شمالی شبه قاره هند و پاکستان، گروه کثیری از مردم آن سرزمینها بدان تکلم می کنند.
- هنگامی که انگلیسیها بر نواحی شرقی و شمالی هند مسلط شدند، ... زبان اردو را به عنوان زبان رسمی در مراجع قرار دادند و به تقویت و تثبیت آن پرداختند. در ۱۸۰۰ میلادی با تأسیس کالج فورت ویلیام ... چندین کتاب در زمینه‌های مختلف تاریخی و ادبی به اردو نوشته شد و تعدادی از فارسی به این زبان ترجمه شد.
- رئیس این کالج سعی داشت که با کاهش واژه‌های فارسی، زبان مسلمانان و هندوان را به هم نزدیک کند. [الله اعلم و الراسخون فی العلم]

■ نخستین فرهنگها و واژه‌نامه‌های زبان اردو و نخستین نوشته‌ها در صرف و نحو این زبان در این دوره و بدست اروپائیان تهیه و تدوین شد. با تأسیس کالج فورت ویلیام در کلکته و پس از آن کالج دهلی در ۱۸۲۵ میلادی، تألیف و ترجمه کتب علمی و تدریس مقدمات برخی از علوم جدید به این زبان آغاز گردید.

■ در سال ۱۸۳۵ میلادی، قدرت و نفوذ انگلیس، زبان فارسی را که تا آن زمان در مراجع و مراکز عمومی و دوایر دولتی بکار می‌رفت، از رسمیت انداخت و زبان اردو را بجای آن قرار داد.

■ دکتر آذرمیدخت صفوی استاد زبان فارسی دانشگاه علیگر هند:

انگلیسیها با ظاهری دوستانه پیشرفت زبان‌های محلی در هند را ترویج دادند اما در اصل هدف آنها از بین بردن زبان فارسی در هند بود که در آن زمان زبان حکمرانان مسلمان آن منطقه محسوب می‌شد.

■ به گفته رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی در دهلی نو، آذرمیدخت صفوی طی این سالها ریاست انجمن استادان زبان فارسی در هند، ریاست گروه و استادی زبان فارسی دانشگاه اسلامی علیگر را بر عهده داشته و همچنین مؤسس مدرسه صفوی در علیگر بوده است.

■ زبان سنسکریت به وسیله پاندیت‌ها و پیشوایان مذهبی هندو حفظ گردید ولی از اواخر سده هجدهم اروپاییان بدین کار روی آوردند و بر اساس تحقیق و پژوهش علمی زبان و ادبیات و فرهنگ سنسکریت را احیا نمودند.

■ پیش از آغاز رسمی روزنامه‌نگاری در هند، دسته‌ای از روزنامه‌های انگلیسی آنجا ستون‌هایی به فارسی داشتند. نخستین نشریه‌ای که به این کار دست زد روزنامه هیلز گزت بود که انتشار آن به طور هفتگی و منظم از ۲۹ ژانویه ۱۷۸۰ م در کلکته آغاز شد و تا مارس ۱۷۸۲ ادامه پیدا کرد. از آن پس بنا به ضرورت بیشتر روزنامه‌های انگلیسی شبه قاره بعضی از صفحات خود را به مطالب فارسی اختصاص دادند. بخش فارسی بیشتر جنبه خبری داشت و گاه اطلاعیه‌های رسمی و حقوقی و آیین نامه‌ها و آگهیها را در برمی‌گرفت.

■ اندکی بعد روزنامه‌های مستقل پارسی پدید آمدند. نخستین آنها هندوستان نام داشت. این روزنامه به مدیریت «مولوی اکرام علی» در سال ۱۸۱۰ م در کلکته منتشر شد، اما هیچ یک از شماره‌های آن در دست نیست. نشریه هفتگی مهم دیگر مرآت‌الاجبار بود که از آوریل ۱۸۲۲ تا اوت ۱۸۲۳ م روزهای جمعه انتشار یافت و مدیر آن «رام موهن رای» پایه‌گذار آموزش و پرورش نوین در هند بود. این روزنامه با تصویب و اعلام قانون مطبوعات که سختگیرانه بود به حیات خود خاتمه داد.

■ در سال ۱۲۵۳ به فرمان حکومت انگلیسی در هند نوشتن به زبان فارسی به طور رسمی موقوف شد. اما علیرغم ممنوعیت روزنامه‌های فارسی‌زبان تا چند دهه همچنان به حیات خود ادامه دادند و حتی بر شمار آنها افزوده شد. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در این دوره حدود ۱۷۰ چاپخانه در ۶۴ شهر هند کتابها و روزنامه‌های فارسی چاپ می‌کردند. از جمله روزنامه‌ی مهم سراج‌الاکبار، که ارگان رسمی و دولتی بهادرشاه آخرین امپراتور تیموری بود، تا سال ۱۸۵۷ م انتشار یافت. روزنامه‌ی مشهور دیگر مفرح‌القلوب و مطلع خورشید نام داشت که به مدیریت یک ایرانی به نام میرزا مخلص علی مشهدی از اوایل سال ۱۲۷۱ ق منتشر می‌شد. در مجموع در مدت ۳۹ سال که انگلیسی‌ها به طور جدی با توسعه‌ی زبان فارسی می‌جنگیدند حداقل هجده روزنامه و مجله در سراسر هند به فارسی چاپ می‌شد که دوازده عنوان آن تازه بود، در حالی که در ایران آن عصر تنها دوازده نشریه وجود داشت.

همانطور که سیر تحولات نشان می‌دهد:

- از زمان ورود تدریجی بریتانیا به شبه قاره هند، با توجه به حاکم بودن مسلمانان در هند، ابتدا زبان اردو (در مقابل زبان فارسی) تقویت و غنی شد.
- پس از تحلیل تدریجی قدرت مسلمانان هند، سیاست حمایت از زبان و خط هندی در مقابل زبان اردو (با خط فارسی) توسط بریتانیا اتخاذ شد.
- در نهایت نیز زبان انگلیسی جایگزین زبان و خط هندی شد.

خلاصه سخنان استاد شفيعی کدکنی در خصوص فارسی زدایی

■ سخنان استاد کدکنی در خصوص فارسی زدایی در شبه قاره هند و ... (فیلم سخنرانی)

■ آنجا [آکسفورد] یک فرد انگلیسی عضو کمپانی هند شرقی بود، آمده زبان فارسی یاد گرفته و به فارسی شعر گفته و شعر در سبک هندی. شما که بعضی‌هایتان فوق لیسانس و دکتر ادبیات فارسی هستید محال است شعر بیدل را بفهمید. بیدل یک منظومه بسیار بسیار منسجم و پیچیده‌ای است که گدهای هنریش را هر ذهنی نمی‌تواند اینکود کند به اصطلاح زبان‌شناس‌ها. و این آدم آمده و به سبک بیدل شعر گفته و چقدر جالب و عالی.

سخنان استاد شفيعی کدکنی (ادامه)

■ بعد آن وقتی که مسلط شدند، گفتند: گور بابای زبان فارسی، شما زبان فارسی برایتان خوب نیست. شما بیايد اُردو را که یک زبان محلی است، این را بگیری بزرگش کنید و همین کار را کردند. می‌دانستند که زبان فارسی شاهنامه دارد، مثنوی دارد، سعدی دارد، حافظ دارد، نظامی دارد، می‌تواند با شکسپیر گُشتی بگیرد. ولی زبان اُردو چیزی ندارد که با شکسپیر گُشتی بگیرد. بعد از مدتی بچّه هندی می‌گوید: گور بابای این زبان اُردو. من که می‌توانم شکسپیر بخوانم، چرا این شعرهای ضعیف و این ادبیات چی چی ... را بخوانم اصلاً زبانم را انگلیسی می‌کنم، چنانکه کردند.

سخنان استاد شفيعی کدکنی (ادامه)

■ هر قومیت کوچکی را پروبال می‌دهند. می‌گویند خلق قزاق و ... بگویند گور بابای ادبیات فارسی و سعدی و حافظ. شما بیاید لهجه خودتان را موسیقی خودتان را ... و ما برایتان کف می‌زنیم، ما برایتان دپارتمان در مسکو تشکیل می‌دهیم. مطالعات قوم قزاق و چی و چی ... آن بچه قزاق مدتی که خواند می‌گوید این زبان و فرهنگ قزاقی چیزی ندارد. من داستایوفسکی و چخوف و پوشکین می‌خوانم. لرمانتف می‌خوانم. فاتحه می‌خوانم بر زبان و فرهنگ ملی خودم. روس می‌شود. ... سنگ قبر پدر بزرگان را نمی‌توانند بخوانند.

وقتی قاتل گاندی مورد ستایش قرار می‌گیرد؟ - تابناک

■ امروز ملی‌گرایان هندو از جمله برخی از اعضای حزب «بهاراتیا جاناتا» حزب حاکم تحت رهبری «نارندرا مودی» نخست‌وزیر فعلی هند از «ناتورام گودسه» که در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ میلادی گاندی را به ضرب گلوله به قتل رساند و سال بعد به دار آویخته شد به عنوان قهرمان ملی یاد می‌کنند و او را یک شهید و میهن‌پرست قلمداد کرده و مجسمه‌ها و یادبودهایی را به افتخار او ساخته‌اند. حتی اعضای حزب سیاسی راست‌گرای هندوی «ماهاسبها» ۱۹ مه روز تولد گودسه را به عنوان روزی مقدس جشن می‌گیرند.

■ امسال در همان روز یعنی در تاریخ ۱۹ مه نمایشنامه تازه‌ای در تئاتر ملی لندن درباره زندگی گودسه نوشته «آنوپاما چاندراسخار» نمایشنامه‌نویس هندی به روی صحنه رفت.

■ انگیزه قتل گاندی هم به همین تعصبات ملی و میهنی برمی‌گشت. او و همدستانش باور داشتند گاندی در مواجهه با مسلمانان تسامح بیش از حد نشان داده و با سیاست‌های نادرست و بی‌لیاقتی‌اش زمینه تجزیه هند و جدایی پاکستان را فراهم کرده است. او و کسانی که در قتل گاندی همراهش بودند، تنها هندی‌هایی نبودند که چنین باوری داشتند. از تابستان ۱۹۴۷ که پاکستان رسماً از هند جدا شد و کشور مستقلی در شمال غربی شبه‌قاره شکل گرفت، هند ناآرام شده بود. ناسیونالیست‌ها به آن چه روی داده بود معترض بودند و همه را مقصر می‌دیدند؛ هر که بزرگ‌تر و مهم‌تر، مقصرتر. گودسه از همان روزها - که به پناهندگانی که از پاکستان به هند می‌گریختند، کمک می‌کرد - مصمم به کشتن گاندی بود. در حزبی که او عضو بود بسیاری دیگر نیز چنین فکری در سر داشتند. در دادگاه همه چیز را گفت.

■ گفت می‌دانستم قتل مردی مثل گاندی معنایی جز فروغلتیدن در تباهی ندارد و جز به بی‌آبرویی من نمی‌انجامد، مطمئن بودم مردم از من متنفر خواهند شد اما انتخاب دیگری نداشتم. کشور ما بدون گاندی، محکم‌تر با پاکستانی‌ها مواجه می‌شود و آنها را سرجای خودشان می‌نشانند.

- India's War on Urdu
- Tampering with history: how India's ruling party is erasing the Muslim heritage of the nation's cities
- Why is India hinduizing cities muslim names
- India's Hindu nationalists changing muslim town names
- India Is Changing Some Cities' Names, And Muslims Fear Their Heritage Is Being Erased

■ مهدی باقرخان، شاعر هندی و استاد دانشگاه در گفتگو با تسنیم، وضعیت زبان فارسی را نامناسب توصیف می‌کند و می‌گوید: شکی در این نیست که زبان فارسی در سالهای گذشته آنطور که بایسته و شایسته است، در جامعه هند مطرح نیست، این در حالی است که آگاهی و اشراف به زبان فارسی در زمانه‌ای معادل سوادآموزی و بافرهنگ بودن یک نفر در هند محسوب می‌شد اما این روزها چون از مسیر اصلی جامعه به حاشیه رفته است و به اقتصاد کشور ربط آن چنانی ندارد، شرایط آبرومندانهای ندارد.

■ اوضاع این زبان در هند خوب نیست. در زمان حاضر بیش از ۳۶ گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های سراسر هند داریم و علاوه بر این در برخی از دبیرستانها نیز این زبان بعنوان یکی از گزینه‌های زبان خارجی ارائه می‌شود؛ با وجود این، وضعیت و شرایط چندان مطلوب نیست.

■ وی ادامه می‌دهد: البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که در مصوبه اخیر آموزش کشور، دولت هند زبان فارسی را بعنوان زبان کلاسیک کشور مطرح کرده است نه زبان خارجی، این نکته‌ای امیدوارکننده است، حالا باید ببینیم که چه پیش می‌آید.

مهدی باقرخان، شاعر هندی و استاد دانشگاه

■ در حال حاضر نیز حدود ۳۰۰ خانوار ایرانی که عمدتاً یزدی‌الاصل هستند در شهر حیدرآباد هندوستان اقامت دارند و مراسم مذهبی خود را در مکانی به نام دربار حسینی به جای می‌آورند. عده‌ای بعد از گذشت چند نسل و آمیزش‌های قومی، هنوز به زبان مادری پایبندند و با لهجه غلیظ یزدی صحبت می‌کنند. در عین حال کم نیستند نسل جوانی که به زبان مادری کم لطف بوده و نه تنها قادر به تکلم به زبان فارسی نیستند بلکه از فهم آن نیز عاجزند. لاجرم بخش کمی از سخنرانیه‌ها و مراسم به زبان فارسی و بخش اعظم آن به زبان اردو برگزار می‌شود.

مشرق نیوز

■ در شهر حیدرآباد ۱۱ هزار عاشورخانه وجود دارد که ۵ هزار از آنها در اختیار شیعیان و ۶ هزار آن در اختیار اهل سنت است. تأسیس این عاشورخانه‌ها به زمان سلطان ابراهیم قطب‌شاه یعنی سال ۱۵۷۸ م برمی‌گردد که سنت برگزاری مراسم اربعین علی و عزاداری شیعیان در حیدرآباد مرسوم شد. در این زمان عاشورخانه‌های متعددی تأسیس شد تا در آنها مردم در ایام محرم به عزاداری بپردازند. یکی از عاشورخانه‌های مهم که در بخش قدیم شهر حیدرآباد واقع شده عاشورخانه پادشاهی است.

مشرق نیوز

■ پروفیسور شاهد مهدی نایب رئیس پیشین دانشگاه جامعہ ملیہ اسلامیہ در دہلی نو، نسبت بہ کاهش حضور فارسی در مواد درسی مدارس سنتی ہند ابراز تاسف کردہ و گفت: ما بایستی کمیٹہ ہایی را برای بررسی علل خروج زبان فارسی از مواد درسی مدارس سنتی ہند تشکیل دہیم. وی، فارسی را بعنوان زبان رسمی دورہ مغول در ہند توصیف کردہ و گفت کہ حدود ۷۵ درصد از ادبیات مذہبی در ہند، بہ فارسی نوشتہ شدہ اند.

■ پروفیسور ہارپنس موکیا، از استادان بخش تاریخ دانشگاه جواہر لعل نہرو در دہلی نو: ہر دانشجوئی خواہان انجام تحقیق در تاریخ دورہ میانہ ہند، بایستی زبان فارسی را یاد بگیرد زیرا انجام تحقیق در این خصوص بدون آموزش زبان فارسی ممکن نیست.

■ دکتر عارف نوشاهی در هشتاد و یکمین نشست مرکز پژوهشی میراث مکتوب:

■ در طاقچه خانه روستائیان شبه قاره، نسخه خطی پیدا می شود

■ دکتر عارف نوشاهی در نشستی با عنوان «میراث مکتوب زبان فارسی در شبه قاره و ضرورت تدوین فهرست مشترک آنها» گفت: به هر روستای شبه قاره که بروید، در طاقچه خانه روستائیان نسخه خطی پیدا می شود. استاد دانشگاه گوردن راولپندی در هشتاد و یکمین نشست مرکز پژوهشی میراث مکتوب که روز دوشنبه ۲۰ تیرماه ۹۰ در این مرکز برگزار شد، افزود: چون نشست امروز مربوط به فهرست نویسی و نسخه شناسی است، ...

■ محمدعلی ربانی، رایزن فرهنگی ایران در هند، در دیدار با اشرف بروجردی رئیس وقت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران:

■ یک میلیون نسخه خطی ایرانی در هندوستان وجود دارد

■ اولین کتاب تاریخ هند به زبان فارسی در دهلی نو رونمایی شد - ایرنا

■ اولین کتاب تاریخ هند به زبان فارسی با عنوان تاج‌المآثر طی مراسم ویژه‌ای در محل خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو رونمایی شد.

■ تاج‌المآثر اولین کتاب تاریخ شبه قاره هند به زبان فارسی است که توسط صدرالدین محمدبن حسن نظامی نیشابوری به دستور قطب‌الدین ایبک، اولین حکمران دوره سلطنت مسلمانان در هند، نوشته شده است.

■ این کتاب به همت مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو منتشر شده و پروفسور سید امیر حسن عابدی استاد بازنشسته بخش فارسی دانشگاه دهلی، آن را تصحیح کرده و مقدمه‌ای بر آن نوشته است.

■ سرود ملی پاکستان - آپارات

■ سرود ملی پاکستان به جز یک کلمه بقیه فارسی (شامل لغات مستعمل در فارسی) است.

■ الفبای اردو بخش اول - آپارات

■ الفبای اردو بخش دوم - آپارات

■ کشمیر و زبان فارسی، فصلنامه مطالعات شبه قاره

- کتابخانه ملی پاکستان در سال ۱۹۹۳ میلادی تأسیس شده است. در این کتابخانه ۶۶۲ نسخه خطی نفیس وجود دارد که از این تعداد ۳۸۰ نسخه خطی به زبان فارسی است.

سخنان عمران خان، نخست وزیر پاکستان در سفرش به تهران

■ اگر بریتانیایی‌ها در سده ۱۸۰۰ به هند نیامده بودند الان ما داشتیم به زبان فارسی صحبت می‌کردیم و دیگر به مترجم نیازی نبود. زبان دربار [زبان رسمی و دیوانی] هند برای ۶۰۰ سال فارسی بود.

■ افسوس عمران خان از صحبت نکردن به زبان فارسی + فیلم



alireza moezi

@ar_moezi



تاکید روسای جمهور [#ایران](#) و [#پاکستان](#) بر اشتراکات عمیق فرهنگی و تاریخی دو ملت، صرفاً تعارفی دیپلماتیک نبود؛ رئیس جمهور پاکستان در اواسط مذاکرات، به دکتر [#روحانی](#) گفت: "ای کاش من از مادرم که لیسانس ادبیات فارسی داشت و کرمانی الاصل بود فارسی را آموخته بودم تا اکنون با شما به [#فارسی](#) سخن می‌گفتم"

علیرضا معزی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهوری در توئیتی با اشاره به دیدار حسن روحانی و رئیس جمهور پاکستان نوشت:

1:44 pm · 25 Oct 2019 · [Twitter for iPhone](#)

■ زبان فارسی پیشینه درخشان در شبه قاره دارد. بعد از سلطه تیموریان که فارسی چهارصد سال زبان سلطنتی هند بود، پس از سقوط دوره تیموریان زبان فارسی تا سال ۱۹۶۲ میلادی زبان رسمی ایالت چترال در شمال پاکستان بود و زبان علم و دانش در این کشور محسوب می‌شد، در دیوان و ادارات دولتی زبان فارسی رایج بود. همه مدارک قدیمی این منطقه به زبان فارسی نوشته شده است، حتی سرود ملی پاکستان نیز به زبان فارسی است. ۶۰ درصد واژه‌های زبان اردو را فارسی تشکیل می‌دهد.

یوسف حسین رئیس بخش فارسی دانشگاه پشاور پاکستان

خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) ۱۳۹۹ / ۶ / ۲۸

بدون زبان فارسی زبان اردو ناقص شمرده می‌شود. همه کتابهای مهم دوره تیموریان و قبل از آن در شبه قاره به زبان فارسی نوشته شده است. شعرای این مرز و بوم همه فارسی‌زبان نبودند ولی شعر فارسی سروده‌اند. علامه اقبال لاهوری که شاعر ملی کشور پاکستان است ۷۰ درصد شعرش به زبان فارسی است. پس از تأسیس پاکستان دولت تصمیم داشت زبان اردو را جایگزین زبان انگلیسی کند و برای غنی‌سازی زبان اردو یک اداره تأسیس شد که اسم آن را «مقتدره قومی زبان» گذاشتند. **مسئولیت این اداره انتخاب واژگان فارسی برای غنی‌سازی زبان اردو بود** و معادل واژه‌ها و اصطلاحات زبان انگلیسی را به اردو ترجمه می‌کردند. بخش فارسی در سال ۱۹۵۵ میلادی در دانشگاه تأسیس شد و در آن زمان تعداد دانشجویان خیلی زیاد بود. پس از سال ۱۹۷۹ اهمیت این زبان کاهش یافت. یوسف حسین، ایننا ۲۸ / ۶ / ۱۳۹۹

■ بخش فارسی دانشگاه پیشاور تنها کرسی زبان فارسی در ایالت خیبر پختونخوا است که تاکنون زنده مانده است. کرسی زبان فارسی از دانشکده‌های دولتی یوآش یوآش از بین رفته است و اکنون در دانشکده‌ها استاد زبان فارسی نیست. در بخش فارسی ما مقطع فوق لیسانس، پیش دکتري و دکتري داریم. علاوه بر این، دوره‌های کوتاه‌مدت هم داریم که در سال دو بار راه‌اندازی می‌شود. در دوره‌های کوتاه‌مدت تعداد دانشجویان زیاد است. زمامداران دانشگاه پیشاور درصدد بستن این کرسی فارسی در دانشگاه هستند و تلاش می‌کنند که دیگر استاد زبان فارسی استخدام نکنند. اساتیدی بازنشسته شده‌اند و پس از آن دانشگاه تصمیم نگرفته است که استاد جدید استخدام کند.

یوسف حسین، ایبنا ۲۸ / ۶ / ۱۳۹۹

انور مسعود، ادیب، شاعر و طنزسرای سرشناس پاکستانی، در برنامه تلویزیونی «جرگه» شبکه تلویزیونی معروف «جیو نیوز» پاکستان:

■ فارسی عسل است/بدون فارسی، اردو رو به زوال است

■ واقعیت این است که واژه «پنجابی» که به عنوان یک زبان در مناطق وسیعی از ایالت پنجاب پاکستان به آن سخن گفته می‌شود، نیز مربوط به فارسی است. «پنج آب» یعنی سرزمین پنج رودخانه. پنجابی با فارسی قرابت زیادی دارد. توجه مسئولین پاکستان به فارسی و کتب درسی فارسی کاهش یافته است.

■ به نظرم آموزش زبان فارسی در مدارس و نهادهای تحصیلی ما باید دوباره مثل سالیان گذشته به یک درس ثابت تبدیل شود.

■ در یک کلام، زبان اردو بدون فارسی نمی‌تواند پیشرفت کند و رو به سمت نابودی خواهد رفت.

■ در حال حاضر، «اهالی سرحدی پاکستان و مناطق عشایری و هیمالیایی و کشمیر به فارسی سخن می‌گویند. خاندان‌های اصیل مسلمان در پنجاب و سند و لکهنو در خانه به فارسی حرف می‌زنند و این زبان را شعار اصالت خانوادگی و اشرافیت می‌دانند. پزشکان مسلمان در سراسر هند شمالی و پاکستان نسخه به فارسی می‌نویسند. کتیبه مساجد و عمارات و قباله نکاح و سنگ مزار مسلمانان امروز هم به فارسی نوشته می‌شود.»

مشایخ فریدنی، محمدحسین، «پیوستگی‌های اردو با فارسی دری»، در مسائل زبان فارسی در هند و پاکستان و بنگلادش: مجموعه سخنرانی‌های سومین سمینار زبان فارسی (۲۴ تا ۲۸ خرداد ۱۳۶۵). ویراسته مصطفی اسلامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۵۳-۵۴.

■ دکتر سید محمد اکرم، دانشمند فرزانه پاکستانی با دیده خونبار چنین می‌نگارد «زبانی که برای اعصار متوالی زبان رسمی کشور بود، زبانی که یاد گرفتن آن موجب افتخار است و مباحثات شمرده می‌شد، زبانی که عزیزتر از زبان مذهبی به شمار می‌رفت، زبانی که از زبان مادری هم شیرین‌تر پنداشته می‌شد، زبانی که زبان شعر بود، زبان ذوق بود، زبان دل بود و زبان روح بود در دیار خود (منظور سرزمین هند) غریب، اجنبی و ناشناس گردید. این داستانی است غم‌انگیز و رقت‌افزای که قلم بر آن گرید.»

شاه منصور شاه میرزا، مشرق نیوز ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۱

■ دکتر مهدی گلشنی استاد دانشگاه صنعتی شریف و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی:

در سفری که حدود ۴۰ سال پیش به پاکستان داشتم در آنجا افسران ارشد این کشور همگی به فارسی صحبت می کردند، اما الان اینطور نیست.

ایلنا ۱۶ / ۶ / ۱۳۹۸

افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان

■ دکتر فضائی در رسالهٔ دکتری خود، به نقل از میرمحمد صدیق فرهنگ در این باره چنین می‌نگارد: در دورهٔ پادشاهی محمد نادرشاه، محمدگل خان مومند، وزیر داخلهٔ وقت، تحریکاتی را در جهت تعمیم زبان پشتو و طرد زبان دری نه تنها از دوایر دولتی بلکه از مؤسسات تعلیمی و حتی خانه و بازار آغاز کرد. شاه نخست او را به عنوان رئیس تنظیمیه به قندهار فرستاد تا اقداماتش در منطقهٔ پشتو زبان محدود بماند و موجب بروز ردّ عمل [=واکنش] در سایر مناطق کشور نشود. اما در سال ۱۹۳۲ تغییر فکر داد و او را، به همان عنوان، به ولایات شمال فرستاد و در آنجا محمدگل خان نظریهٔ برتری‌خواهی قومی و لسانی خود را در محل اجرا گذاشت. در این ضمن، وی مردمان دری‌زبان و ترکی‌زبان را وادار می‌ساخت تا عرایض خود را به زبان پشتو بنویسند و به عرایضی که به زبان دری به او می‌رسید ترتیب اثر نمی‌داد. (تأثیر نظام‌های سیاسی ...، ص ۲۰۱)

البته، در اصل، محمدهاشم‌خان، برادر نادرخان، به عنوان صدراعظم از جریان مبارزه با زبان فارسی حمایت می‌کرد. ملزم شدن کارمندان به یادگیری زبان پشتو و تغییر متون درسی مدارس از زبان فارسی به زبان پشتو از جمله برنامه‌هایی بود که در دورهٔ صدارت محمدهاشم‌خان، در زمان حکومت نادرخان و ظاهرخان، به مرحلهٔ اجرا گذاشته شد. محمدگل‌خان مومند، بر اساس گفتهٔ فیاض مهرآیین، بیش از یک هزار نسخهٔ خطی فارسی را که حاوی مکتوبات و اسناد تاریخی و دولتی بود از کتابخانهٔ روضهٔ سخی، در مزار شریف، در کام آتش دود و خاکستر کرد.

■ در ۱۶ مهرماه ۱۳۰۱، کمیسیونی با حضور وزیر مختار ترکیه و وزیر مختار ایران و جمعی از نخبگان فرهنگی افغانستان بر سر رسمی شدن زبان پشتو، در حضور امان‌الله خان، تشکیل جلسه داد و کار تا مرحله تدوین پیش‌نویس رسمی شدن زبان پشتو پیش رفت. **وزیر مختار ترکیه بر سر این امر پافشاری می‌کرد؛** اما با مخالفت وزیر مختار ایران، نقشه عملی نشد و امان‌الله، ناگزیر، به رسمیت زبان پشتو در میان قبایل پشتون‌نشین قناعت کرد (---) روابط سیاسی ایران و افغانستان، ص ۳۷

جایگاه کنونی زبان فارسی در افغانستان:

- زبان مادری نیمی از مردم افغانستان، شامل اقوام تاجیک، هزاره، ایماق، قزلباش، خلیلی، فارسی است. قوم عرب نیز تنها به زبان فارسی صحبت می‌کنند، و در گویش کنونی این قوم، از زبان عربی، که روزگاری زبان مادری آنان بود، تنها اثری کمرنگ به چشم می‌خورد.
- حداقل ۹۰ درصد از ساکنان غیرفارسی‌زبان در افغانستان زبان فارسی را در حد زبان مادری خود بلدند. حتی بیشتر شهرنشینانشان زبان فارسی را بهتر از زبان مادری خود می‌فهمند.
- زبان فارسی، زبان مشترک همهٔ اقوام افغانستان است، به این معنا که میان یک پشتو زبان و ترک‌زبان تنها زبان مفاهمه زبان فارسی است.

قانون اساسی نافذ افغانستان/وزارت عدلیه (قبل از تسلط مجدد طالبان)

- ماده شانزدهم: از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می‌باشند.
- در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه‌یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می‌نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می‌باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.
- ماده هجدهم: مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است. مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می‌باشد.
- ماده بیستم: سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می‌باشد.

- به گزارش خبرگزاری افغانستانی باخترا، احمد جاوید رسولی، رئیس اداره ملی آمار و اطلاعات گفت: زبان فارسی که تاکنون به همراه چند زبان دیگر در فهرست زبان‌های خارجی افغانستان قرار داشت، به دلیل اعتراض شهروندان فارسی‌زبان کشور از فهرست زبان‌های خارجی حذف شد.
- وی در یک نشست خبری در کابل گفت: اداره ملی آمار و اطلاعات معتقد است که فهرست زبان‌های داخلی و خارجی افغانستان بر اساس فهرست تهیه شده از سوی وزارت مخابرات و تکنولوژی معلومات (علوم و فن‌آوری اطلاعات) در سال ۱۳۹۶ تهیه و در فرم تذکره‌های الکترونیکی (شناسنامه الکترونیکی) درج شده بود، اما از آنجایی که این موضوع به تازگی موجب بروز سوء تفاهم‌هایی در میان شهروندان شد برای رفع این سوء تفاهمات و جلوگیری سوء استفاده برخی افراد از این موضوع، ما تمام زبان‌های کشور از جمله فارسی را که در لیست زبان‌های ملی قرار دارند از لیست زبان‌های خارجی حذف کردیم.

■ گزارش‌ها حاکی است که تاکنون زبان‌های فارسی و تاجیکی به عنوان زبان‌های خارجی و همچنین زبان‌های اردو، پنجابی، ملتانی، عربی، سندهی، مغولی، قزاقی و برخی زبان‌های دیگر به عنوان زبان‌های داخلی در فرم توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی قرار داشتند.

پیوند خبر، ایرنا ۱۱ مهر ۱۳۹۹

■ در همین حال شماری از زبان‌شناسان از جمله دکتر فرهاد جاوید می‌گویند که خارجی تلقی کردن زبان فارسی و تاجیکی و داخلی تلقی کردن زبان‌های چون اردو، سندهی، ملتانی و غیره از نظر زبان‌شناسی غیر منطقی است چون این زبان‌ها دارای هویت و پیشینه‌ی پر بار تاریخی و فرهنگی هستند که مربوط به حوزه‌ی تمدنی و فرهنگی افغانستان، ایران و تاجیکستان می‌شود.

■ وی در این خصوص گفت: اگر ما درباره‌ی این پدیده‌ی مشترک فرهنگی که میان سه حوزه‌ی تمدنی و فرهنگی مشترک شمرده می‌شود با تعصب برخورد کنیم و زبان فارسی را هم شامل زبان‌های بیگانه در افغانستان در نظر بگیریم، من می‌گویم که این یک حرکت نسنجیده و غیردانشگاهی و غیرعلمی است، چون تفاوت لهجه و گویش در هر زبان وجود دارد و هر گویش و لهجه زبان جداگانه نیست.

■ احمدشاه مسعود از فرماندهان نظامی مجاهدین و وزیر دفاع اسبق افغانستان بود. احمدشاه مسعود مرد شاعر مسلکی بود. از همسنگرهای او نقل شده است: «مسعود روزی در تخار در جمع مجاهدین و خبرنگاران نشسته بود و مشغول مطالعه دیوان حافظ شیرازی بود که خبر آوردند طالبان در منطقه‌ای حمله کرده و در حال پیشروی است. مسعود توجهی نکرد و به خواندن دیوان حافظ با عشق و علاقه خاصی ادامه داد. یکی از فرماندهان از بی تفاوتی آمر صاحب ناراحت شد و با صدای بلند گفت: آمر صاحب! طالبان حمله کرده‌اند. مسعود گفت: بگذار که این غزل را تمام کنم، مگر نمی‌دانی که جنگ با ما بر سر حافظ است؟!» از تارنمای تابناک

گل نیست، ماه نیست، دل ماست پارسی
غوغای کوه، ترنم دریاست پارسی
از آفتاب معجزه بر دوش میکشد
رو بر مراد روی به فرداست پارسی
از شام تا به کاشغر از سند تا خجند
آئینه‌دارِ عالم بالاست پارسی
تاریخ را وثیقه سبز و شکوه را
خون من و کلام مطالاست پارسی
روح بزرگ و طبل خراسانیان پاک
چتر شرف چراغ مسیحاست پارسی
تصویر را مغالزه را و ترانه را
جغرافیای معنوی ماست پارسی
سر سخت در حماسه و هموار در سرود
پیدا بود از این که چه زیباست پارسی
بانگ سپیده عرصه بیدار باش مرد
پیغمبر هنر سخن راست پارسی
دنیا بگو مباحث، بزرگی بگو برو
ما را فضیلتی ست که ما راست پارسی

گل نیست ماه نیست دل ماست پارسی - آپارات

فوق العاده زیبا - حتماً ملاحظه نمایید.

قهار عاصی - ویکی‌پدیا

■ سخنان بانو نیلوفر ابراهیمی نماینده مجلس افغانستان درباره زبان فارسی

■ سخنرانی نماینده مجلس افغانستان در مورد سیاستهای بی بی سی در مورد زبان فارسی

■ سخنان نماینده مجلس افغانستان درباره زبان فارسی

■ سرود فارغ التحصیلان اهل افغانستان: اصلمان شاهنامه و هویتمان پارسی است. آپارات

■ فارسی دری دنباله یا صورت تحول یافته پهلوی جنوب غربی (پارسیک) نیست. بلکه یکی از گویشهای ایرانی است که به موازات آن وجود داشته است.

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، نشر نو، جلد اول، ۱۳۶۵، ص ۳۲۷

■ زبان پهلوی زبانی است که دوره‌ای از تطوّر را پیموده و با زبان فارسی دیرین و اوستائی تفاوت‌هایی دارد، خاصه آثاری که از زمان ساسانیان و اوایل اسلام در دست است، به زبان دری و فارسی بعد از اسلام نزدیکتر است تا به فارسی قدیم و اوستائی.

سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار، جلد اول، ص ۱۶

-
- Persian language | History, Countries, & Facts - Encyclopedia ...
 - Persian language, also called Fārsī, member of the Iranian branch of the Indo-Iranian language family. It is the official language of Iran, and two varieties of Persian known as Dari and Tajik are official languages in Afghanistan and Tajikistan, respectively. Modern Persian is most closely related to Middle and Old Persian, former languages of the region of Fārs (Persia) in southwestern Iran. ???

www.britannica.com/topic/Persian-language

- [Dari language | Britannica](#)

- **Dari language**, member of the Iranian branch of the Indo-Iranian family of languages and, along with Pashto, one of the two official languages of Afghanistan. Dari is the Afghan dialect of Farsi (Persian). It is written in a modified Arabic alphabet, and it has many Arabic and Persian loanwords. ???

www.britannica.com/topic/Dari-language

■ دختر زاینده رود / گلرخسار صفی آوا / مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

■ گلرخسار صفی آوا چکامه‌سرای معروف تاجیکستان: ایران مادر است،
ایران ریشه است، ایران بنیان است. آپارات

■ دولتمند خال اف - شاهنامه وطن است. آپارات

■ شاهکار دولتمند خال اف خواننده تاجیکی «شاه پناهم بده» آپارات

■ شاه پناهم بده ، خسته راه آمدم / آه نگاهم مکن ، غرق گناه آمدم

■ دانشمند تاجیک: ایرانی هستیم و زبانمان پارسی است (بخش دوم)

(گفتگوی اسفندیار آدینه با صفر عبدالله درباره هویت ایرانی و تاجیکی)

■ یکی از نویسندگان بزرگ روس گفته بود که اگر یک نفر را سی روز پیوسته دیوانه گویی، روز سی و یکم خودش دیوانه می‌شود. وقتی هفتاد سال به سر ما زدند و زدند و گفتند شما ایرانی نیستید، ایرانی نیستید، ایرانی نیستید، الآن خیلی دشوار شده که بگوییم ما ایرانی هستیم.

شهریور ۱۳۹۳

■ اسکناسهای تاجیکستان مزین به تصاویر ابن سینا، امیر اسماعیل سامانی و رودکی در این پیوند قابل مشاهده است.



تصویر خیالی همدانی
و شعری از وی
بر روی اسکناس
ده سامانی تاجیکستان

<https://fa.wikipedia.org>



میرسیدعلی همدانی
(۷۸۶-۷۱۴ ه. ق)
هم اکنون در کشمیر
و تاجیکستان
هواداران زیادی دارد.

هر که ما را یاد کرد ایزد مر او را یار باد

هر که ما را خوار کرد از عمر برخوردار باد

هر که اندر راه ما خاری فکند از دشمنی

هر گلی از باغ وصلش بشکفتد بی خار باد

در دو عالم نیست ما را با کسی گرد و غبار

هر که ما را رنجه دارد، راحتش بسیار باد

میرسیدعلی همدانی

■ دستاوردهای فرهنگی تاجیکستان در سی سال استقلال این کشور / شاه منصور شاه میرزا از تارنمای باشگاه شاهنامه پژوهان

■ کتابی در خصوص «سرگذشت زبان فارسی در صد سال پسین در افغانستان و تاجیکستان» توسط آقای نجم کاویانی، پژوهشگر افغانستانی مقیم آلمان، تألیف شده است.



غفران بدخشانی شاعر هموطن پارسی گوی

■ فیلم/شعرخوانی فوق العاده «غفران بدخشانی» در حضور هوشنگ ابتهاج

درود ای همزبان من از بدخشانم ، همان مازندرانِ داستانهای کهن

■ منشی‌زاده استدلال کرده که مازندرانی که در حماسه ملی آمده در حقیقت به ناحیه‌ای شرقی در همسایگی هند یا در درون مرزهای آن اشاره دارد. دلیل عمده‌اش این است که نام دیوانی که رستم در طی مأموریت نجاتش به مازندران شکستشان می‌دهد، ... عملاً از نامهای پادشان پندوه (Pandawa) یا اعیان و محتشمان ایشان آنگونه که در مه‌بهارته از آنان نام رفته برگرفته شده‌اند.

تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم- قسمت اول، ترجمه حسن انوشه

■ تهران - ایرنا - توییت سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مورخ اول اسفند ۹۹ در خصوص سروده غفران بدخشانی شاعر افغانستانی: «سروده‌ای که این روزها دست‌به‌دست می‌گردد و قند پارسی را در کام می‌نشانند.»

■ مصاحبه با غفران بدخشانی شاعر و پژوهشگر اهل افغانستان

ویدئوهای زیبا از سمرقند و بخارا و خوارزم و ...

■ شهر خوارزم

<https://www.aparat.com/v/9K63x>

■ شهر بخارا

<https://www.aparat.com/v/yDzwJ?playlist=29898>

■ شهر سمرقند

<https://www.aparat.com/v/4ON92?playlist=29898>

■ مزار رودکی

<https://www.aparat.com/v/BJ1WR>

■ مزار گوهرشاد در هرات

<https://www.aparat.com/v/4ON92?playlist=29898>

■ زبان بومی اهل خوارزم در زمان ابوریحان، زبان ایرانی-آریایی خوارزمی بوده است.

■ ابوریحان در آثارالباقیه می‌نویسد:

□ و اما اهل خوارزم، و ان كانوا غُصناً من دوحه الفرس: و اما اهل خوارزم، شاخه‌ای از درخت استوار پارسیان [ایرانیان] هستند.

■ ابوریحان در الصیدنه می‌نویسد:

□ هرچند که هر ملتی گویش خود را زیبا می‌پندارد، به آن خو گرفته ... من این را با خود قیاس می‌کنم: اگر علمی به آن زبان [خوارزمی] که مطلوب طبع من است جاودانه شود، چنان بیگانه نماید که شتر بر ناودان و زرافه در آبراهه. [ترجمه مظفرزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸]

■ ابوریحان در کتاب آثارالباقیه اطلاعات کاملی در خصوص ماه‌ها و تقویم ملل مختلف نظیر ایرانی، رومی، عبرانیان و عرب جاهلیت داده است اما درباره هندیان و چینیان و ترکان و حبشیان و زنگیان می‌نویسد:

□ و اما ماه‌های امم دیگر از هند و چین و تبت و ترک و خزر و حبشه و زنگیان گرچه نام‌های برخی از این شهر را میدانم ولیک منتظرم که فرصتی بدست آورم تا بتوانم کاملاً بر آن احاطه کنم زیرا با این طریقه که من پیش گرفتم سزاوار نیست که شک را به یقین مخلوط کنم و مجهول را با معلوم. [آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳]

■ بازسازی مزار ابوریحان بیرونی در غزنی افغانستان توسط ایران یا ازبکستان؟

■ «بطور کلی در سمرقند، ایرانی یعنی شیعه و ازبک یا تورانی یعنی سنی؛ به ندرت کسی برای معرفی مذهب از واژه‌های سنی و شیعه استفاده می‌کند.» [فرهنگ و هنر ایرانی در سمرقند و بخارا تألیف احمد سید مرادی، ۱۳۸۹]

■ اگرچه در اذهان عمومی، تورانی مترادف با ترک تصور می‌شود، اما عده‌ای از پژوهشگران معتقدند که تورانیان همان سکاها^۱ از اقوام آریایی بوده‌اند که مناطق وسیعی از شرق تا غرب روسیه، جولانگاه آنها بوده است.

^۱ به زبانهای مختلف این اقوام را سکا، سیت، اسکیت، اسکوت، اسکوف و اسکیف می‌گویند. در فارسی سکا و زبانهای آنها سکائی جا افتاده است [علی حصوری].

به شعر حافظ شیراز می خوانند و می رقصند

سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

■ هشت بار بخارا رفتم. اولین بار که من رفتم بخارا، راهنمای من از شهر دوشنبه با من آمده بود، خانم عایشه حامد، گفتم شما با من نیایید. گفت گم می‌شوید. گفتم می‌خواهم گم شوم. توی این کوچه‌های بخارا، خیابانها می‌رفتم، به پهنای صورت اشک شوق می‌ریختم و تمام صدای تاریخ را می‌شنیدم. فکر می‌کردم که این قسمت گم‌شده تاریخ بیهقی ممکن است در این خانه‌ها پیدا شود. غروب شده بود. دم یک خانه‌ای چند تا خانم ایستاده بودند، گفتند شما را پریشان می‌یابیم. گفتند به آشیانه ما بیایید نان بخوریم. بچه‌هایشان آمدند، گفتم چند تا هستند. گفت سه تن، یکی خرد است، آن دو دیگری کلان. بچه‌ها شروع کردند شاهنامه از حفظ خواندن، ابیات حدود ۲۰ بیت، ۳۰ بیت و من خجالت

کشیدم که من در مقابل اینها! هفتاد سال رژیم شوروی نتوانست این فرهنگ را از اینها بگیرد و این یعنی مقاومت یک فرهنگ، مقاومت یک زبان. برای همین من همیشه به دوستان می‌گویم اگر بخارا و سمرقند نروید و آرامگاه رودکی را زیارت نکنید ایرانیت شما کم است.

علی دهباشی، سردبیر مجله بخارا

■ **آواز سمرقند** تنها روزنامه به زبان فارسی (تاجیکی) شهر سمرقند است که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد.

■ **تارنمای روزنامه آواز سمرقند: <https://ovozi.uz>**

■ **آیا آواز سمرقند خاموش می‌شود؟ بی‌بی‌سی فارسی**

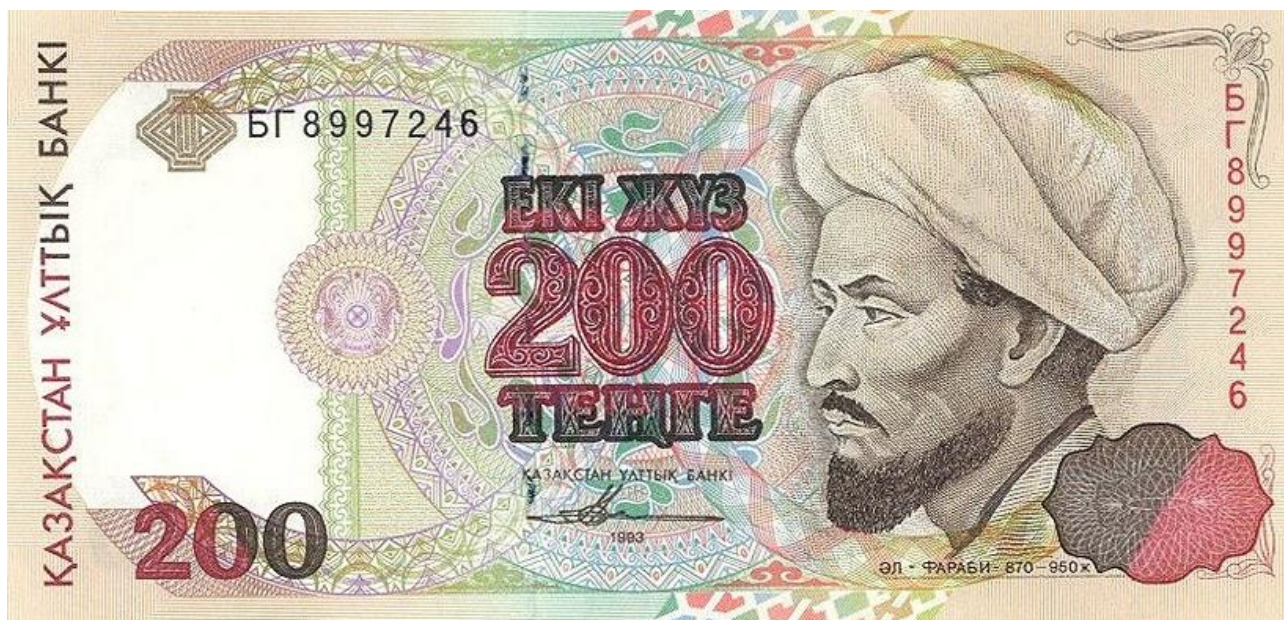
■ **بخارای شریف** نخستین روزنامه به زبان و خط فارسی بود که در سال ۱۲۹۰ در آسیای میانه و در بخارا (در ازبکستان کنونی) منتشر شد. پس از نشر ۱۵۳ شماره در سال ۱۲۹۱ با درخواست نمایندگی سیاسی روسیه تزاری تعطیل شد. پس از فروپاشی شوروی، در سال ۱۳۷۰ دوباره اما با الفبای سیریلیک شروع به کار کرد و در سال ۱۳۸۲ دوباره از انتشار بازماند.

■ سرزم کهن ترین شهر آسیای مرکزی – آپارات

■ اجرای زیبای ترانهٔ چک چک باران از ژورابک ژورایف (Jurabek Juraev)
از کشور ازبکستان

قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان

- ردپای زبان و ادب فارسی در سرزمین‌های شمال شرقی آسیای مرکزی -
قرقیزستان - ۱۳۹۶
- آموزش زبان فارسی در قرقیزستان؛ نزدیکی فرهنگی و «مساله» بازار کار -
۱۳۹۹
- کاربرد ۳ هزار واژه و ضرب‌المثل فارسی در ادبیات قزاقی
- وضعیت زبان فارسی در قزاقستان / شباهت‌های فرهنگی در بسترهای زبانی -
۱۳۹۵
- تشدید محدودیت‌های دولت ترکمنستان برای آموزش زبان فارسی در
سالهای اخیر - ۱۳۹۶



پیوند تصویر اسکناس از ویکیپدیا

ФАРАБИ

اسکناسی مزین به تصویر فارابی که هم‌اکنون در جمهوری قزاقستان رواج دارد

آسیای صغیر

■ در قرن ششم میلادی، مردم ترک‌زبان فقط در ناحیه نسبتاً کوچکی در شمال مغولستان و خاور دریاچه بایکال زندگانی می‌کردند. این مردم در طی هفت قرن (از سده ششم تا سیزدهم میلادی) طی یک سلسله تهاجمها و کوچهای متوالی در بخش عظیمی از آسیای مرکزی و آسیای صغیر ساکن شدند. مردمان این نواحی همه به زبانهای هندواروپایی تکلم می‌کردند ولی سلطه ترک‌زبانان موجب شد که طی چند قرن زبان آنها ترکی بشود. یک پژوهش اخیر (مجله ساینس، جلد ۳۰۰، ص ۵۹۹، ۲۵ آوریل ۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مردم ترکیه از نظر زادشناختی (Genetics) فقط دارای ۳۰ درصد ژن ترک (نژاد خاور دور یا زرد) و ۷۰ درصد ژن هندواروپایی و غیره هستند.

Turkish Population Structure and Genetic Ancestry
Reveal Relatedness among Eurasian Populations

by Ugur Hodoglugil & R W Mahley

Annals of Human Genetics 76(2):128-41

DOI:10.1111/j.1469-1809.2011.00701.x

Source PubMed, March 2012

To obtain a more representative sampling from **Central Asia, Kyrgyz samples (Bishkek, Kyrgyzstan)** were genotyped and analysed. Principal component (PC) analysis reveals a significant overlap between Turks and Middle Easterners and a relationship with Europeans and South and Central Asians; however, the Turkish genetic structure is unique. FRAPPE, STRUCTURE, and phylogenetic analyses support the PC analysis depending upon the number of parental ancestry components chosen. For example, supervised STRUCTURE (K=3) illustrates a genetic ancestry for the Turks of 45% Middle Eastern (95% CI, 42-49), 40% European (95% CI, 36-44) and 15% Central Asian (95% CI, 13-16), whereas at K=4 the genetic ancestry of the Turks was 38% European (95% CI, 35-42), 35% Middle Eastern (95% CI, 33-38), 18% South Asian (95% CI, 16-19) and 9% Central Asian (95% CI, 7-11).

■ بعد از استقرار سلجوقیان و امرای دست‌نشانده آنها در آسیای صغیر، به تدریج زبان فارسی زبان رسمی آن دیار گردید. محاوره در شهرهای مهم، و نامه‌نویسی در دستگاه امیران، و تدریس و تألیف و تصنیف و شاعری به این زبان بود. ص ۲۳

■ محیط دستگاه سلجوقیان روم یک محیط کاملاً ایرانی بود. به طوری که از یازده تن پادشاهان آن خاندان از غیاث‌الدین کیخسرو اول به بعد که در ۵۸۸ به تخت نشست (در مدتی در حدود صد سال) هفت تن نام ایرانی کیانی داشتند: ۳ کیخسرو، ۲ کيقباد و ۲ کیکاوس. در میان شاهزادگان آن دودمان هم به نامهای شاهنشاه، کیخسرو شاه، جهانشاه، کی‌فریدون و فرامرز برمی‌خوریم. ص ۳۸

■ بطور نمونه از سلاطین سلاجقه روم، ناصرالدین برکیارق (ص ۴۱)، سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول (ص ۴۵)، سلطان رکن‌الدین سلیمان دوم (ص ۴۸)، سلطان کیکاوس اول (ص ۴۹)، سلطان کيقباد اول (ص ۵۷) شعر فارسی می‌سروده‌اند. [ریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی]

■ دختر سالار در اوایل قرن هفتم می‌زیسته، و به گواهی شعرهایش بی‌تردید یکی از بزرگان شاعران نغزگوی عصر خود و یکی از سه چهار تن سخن‌سرایان بزرگ زن در همهٔ ادوار شعر فارسی است. ص ۴۹

■ ترکیب‌بند دختر سالار، از نظر معنی و مضمون همپایهٔ بهترین شعرهایی است که شاعران ایران در قرن ششم سروده‌اند ... از اینجاست که می‌توان نتیجه گرفت که زبان و فرهنگ خانوادگی دختر سالار زبان و فرهنگ ایرانی بوده، و اگر خانوادهٔ او از ایران به موصل نرفته باشند معلوم می‌شود که مردم موصل در قرن ششم فارسی‌زبان بوده‌اند و به این زبان سخن می‌گفتند و شعر می‌سرودند. ص ۵۶

■ دکتر عبدالحسین زرین کوب و همچنین بعضی از مولوی‌شناسان معتقدند که در زمان مولانا زبان مردم کوچه و بازار در قونیه فارسی بوده است. استاد جلال‌الدین همایی برای تأیید این موضوع، به این بیت «فارسی‌گو که جمله دریابند، گرچه غافلند و در خوابند» از بهاء‌الدین ولد پسر مولانا استناد می‌کند. بهاء‌الدین نیز که پارسی‌گوی بوده پس از چند بیت عربی، این بیت را سروده است.

■ من بنده [عزیز استرآبادی] ... در مبدأ حال که از حضرت سلطنت ... به تصدیر این مآثر و تحریر این مناقب و مفاخر مشار و مأمور شدم، خواستم که مضمون کتاب به زبان تازی تقریر کنم... و این داعیه بر رای بزرگوار خدایگانی سلطانی... مقبول و پسندیده افتاد... اما چون جمهور اهالی ممالک روم به زبان پارسی مایل و راغب بودند، و اغلب سگان و قطن آن بلاد به لغت دری قائل و ناطق و جمیع امثله و مناشیر و مکاتبات و محاسبات و دفاتر و احکام و غیر آن بدین لغت مستعمل و متداول، و دواعی خواطر همگنان به نظم و نثر پارسی مصروف و مشغول، مبنی بر این مصلحت فرمان مطاع لازم الاتباع... بر آن جمله بارز شد که این کتاب به زبان پارسی مسطور گردد، و این دری طری در سلک عبارت دری انتظام پذیرد، تا فوائد آن میان خاص و عام شایع و مستفیض شود، و منافع و مستودعات آن، جمله را مفهوم و مستفاد گردد. ص ۱۳۶ و ۱۳۷ (حدود سال ۷۹۶)

■ نوشته مؤلف سند استوار رسمی بودن زبان فارسی در آن دوره و نیز میل و رغبت «جمهور اهالی ممالک روم به زبان پارسی» است. ص ۱۳۷

زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تألیف دکتر محمدامین ریاحی، پاژنگ، ۱۳۶۹.

■ بایزید اول^۱ معروف به «ایلدرم بایزید» (۸۰۵-۷۹۲) شعر می‌گفت و این بیت در تذکره‌ها به نام او آمده است:

هر دود که بالا رود از سینه چاکم ابری شود و گریه کند بر سر خاکم

^۱بایزید اول نخستین بار عنوان سلطان یافته است. او همان است که تیمور لنگ او را شکست داد و اسیر کرد و در قفس انداخت. ص ۱۴۱

(برگی از تاریخ ایران و عثمانی در پیوست ح)

به سال ۸۵۶ با فتح استانبول بدست محمد دوم معروف به فاتح دوره امپراطوری عثمانی آغاز گردید. در نیمه اول این دوره باز هم زبان فارسی زبان رسمی، و زبان مکاتبه و تألیف و شعر و ادب بود. در همه تاریخهای عثمانی نوشته‌اند که در همان روز فتح که سلطان محمد قدم بر کاخ امپراطوران بیزانس نهاد این بیت را می‌خواند:

بوم نوبت می‌زند بر طارم افراسیاب

پرده‌داری می‌کند در قصر قیصر عنکبوت

محمد دوم می‌خواست جامی را از خراسان به استانبول ببرد و چون این منظور عملی نشد، مستمری سالیانه درباره او برقرار کرد و مکاتبات جامی و بایزید دوم موجود است.

■ در آن دوره شعر و ادب فارسی در اوج رواج بود. دیوان فارسی دو شاعر از معاصران فاتح به نامهای حامدی و قبولی به مناسبت پانصدمین سال فتح استانبول بصورت عکسی چاپ شده است. سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانونی هم دیوان فارسی دارند. نامه‌های پادشاهان عثمانی اکثر به فارسی بود، و تعداد مهمی از آنها در منشآت السلاطین فریدون بیگ جمع‌آوری شده است.

محمد امین ریاحی، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هجدهم، فروردین ۱۳۵۰، شماره ۱، ص ۹۵ و ۹۶

■ ارسال فتحنامه سلطان محمد دوم به تبریز برای جهانشاه قراقویونلو به زبان فارسی (ذکر مختصری از نامه):

«... مقصود آنکه چون حق سبحانه و تعالی درین نزدیکی طغرای سلطنت موروثی را بر صحنه ناصیه ایام دولت روزافزون ما درکشیده و تاج اجتبا به تارک میمون ما سزاوار دیده ... این بنده نیز به زبان لاهصی در شکر نعم مستقصی بودن بر خود اقدام واجبات و اهم مفروضات دیده و به عادت معروف ... با رغبت تمام بهر عدل و داد، غزوه و جهاد روی بر فتح قلاع و استخلاص بقاع نهاد ... کمر طاعت خالق برای ترفیه خلائق بر میان جان بسته و جان شیرین بذل اعلاء دین کرده ... پنجاه و چهار روز محاربه و مجادله رفت. روز بیستم ماه جمادی الاولی که صبح صادق روز سه‌شنبه بود، یک باره از خشکی و دریا... هجوم کرده و نبرد عظیم از هر دو سو برخاست...»

■ در دوره سلجوقیان روم مکاتبات به فارسی انجام می‌گرفت. بعد از انقراض سلجوقیان در دورهٔ امرای محلی نیز با اینکه زبان ترکی پیشرفتهایی کرده بود، باز هم نامه‌های رسمی میان امرا و پادشاهان به فارسی نوشته می‌شد. بعد از تشکیل دولت عثمانی نیز همین ترتیب ادامه یافت. ص ۲۰۳

■ در سده‌های هشتم و نهم همهٔ نامه‌هایی که به پادشاهان ایران و هند و فرارود (ماوراءالنهر) نوشته می‌شده، و فتحنامه‌ها و فرمانهای عمومی که برای حکام و امرای داخل قلمرو عثمانی فرستاده می‌شده و جنبهٔ رسمی داشته به فارسی بوده، جز نوشته‌های کوتاه و غالباً خصوصی و محرمانه خطاب به زبردستان و دیوانیان فروپایه که به ترکی نوشته شده است. ص ۲۰۴

- سلطان جم پسر سلطان محمد فاتح دیوانی فارسی داشت. ص ۱۶۶
- سلطان سلیم او هم به فارسی شعر می گفت و سلیم یا سلیمی تخلص می کرد. دیوانی شامل دو هزار بیت شعر فارسی دارد و شعرش فصیح و قابل خواندن است و گویا فقط یک بیت شعر ترکی از او مانده است. ص ۱۷۰ و ۱۷۱
- سلیمان خود به فارسی شعر می گفت و محبی تخلص می کرد. علاوه بر دیوان ترکی یک دیوان فارسی در حدود ۷۰۰ بیت از او در دست است. ص ۱۸۱
- شاهزاده بایزید پسر سلطان سلیمان هم شاعر فارسی گوی بود و شاهی تخلص می کرد و دیوانی به زبان فارسی دارد. ص ۱۶۱ و ۱۸۲

■ با اینکه نامه‌های بایزید دوم و خود سلیم اول به پادشاهان آق قویونلو و شاه اسماعیل همه فارسی بوده، از نیمه راه چالدران فارسی را کنار گذاشته و نامه‌نویسی را به ترکی آغاز کرده و این نقطه عطفی در تشریفات دیوانی امپراطوری عثمانی به شمار می‌رود. ص ۲۰۵ (دو نامه نخست سلطان سلیم در طی لشکری جنگ چالدران به فارسی و دو نامه آخر به ترکی بوده است.)

■ بعد از جنگ چالدران نامه‌های عثمانیها به ایران منحصرأً به زبان ترکی نوشته شده است. در مقابل نامه‌هایی که بعدها به پادشاهان هند نوشته می‌شد، و نامه‌هایی که از امیران بخارا می‌آمد، باز هم به فارسی بود. ص ۲۰۶

■ بعد جنگ چالدران دشمنی دیرپایی بر جای دوستیها نشست. به مدت دو سه قرن مرزهای میان دو کشور بسته ماند. ص ۱۷۹

■ با الحاق سرزمینهای عربی از مصر و عربستان و عراق و شام و یمن به امپراطوری عثمانی، رفت و آمد میان عربها و ترکها افزایش یافت و زبان عربی که از پشتوانه مذهبی هم برخوردار بود به رقابت با نفوذ فارسی برخاست. ص ۱۸۰

■ نامه‌های خطاب به فرمانروایان مصر و شریف مکه، تا وقتی که جزو دولت عثمانی نشده بودند به عربی بوده، و از دوره سلیم اول که تابع دولت عثمانی شدند، مکاتبه با آنان هم به ترکی جریان یافت. نامه‌هایی که از هند می‌رسید تا استیلای انگلیسیها همچنان به فارسی بود. ص ۲۰۴

■ چنین می‌نماید که زبان فارسی جنبه رسمی و اشرافی داشته، آنجا که ابراز محبت و احترام به مخاطب منظور نظر بوده نامه را به فارسی می‌نوشتند و هر جا که مراد ابزار خشم و عتاب و خوارداشت مخاطب بوده نامه به ترکی نوشته می‌شد، و دربار عثمانی که پای‌بند اجرای تشریفات بوده این نکته را همیشه رعایت می‌کرده است. ص ۲۰۴ و ۲۰۵

■ با نیرو گرفتن و رسمیت یافتن زبان ترکی، زبان فارسی اندک اندک از صورت زبان رسمی به صورت زبان دوم، خاص طبقه اشراف و متعیان درآمد.

■ چنین می‌نماید که یک نوع عناد با زبان فارسی و مقاومت در برابر آن، مخصوصاً از طرف فقها دامن زده می‌شد. یک مثل عامیانه که هنوز گاهی به شوخی شنیده می‌شود یادگار چنین مقاومتی می‌تواند به حساب آید: «هر کسی فارسی بخواند نصف دینش از دست می‌رود!».

این بار زبان فارسی از طریق خانقاههای مولویه به میان طبقات مردم راه گشود (ص ۹۶). اما شعر مولوی و طریقت مولوی و خانقاههای مولویه، به هر صورت موجب بقای زبان فارسی در آن دیار و گسترش آن در نواحی خارج از روم شد. چون مثنوی و غزل‌های مولوی به فارسی سروده شده، زبان فارسی برای درویشان طریقت مولوی به صورت زبان مقدس درآمد. ص ۹۵

زندگی و عبادت مولویه سراسر شعر بود، شعر فارسی: در غم و شادی، در سوگ و عروسی، در سفر و مهمانی، هم‌آواز ابیاتی از مولوی می‌خواندند که آن را گلبانگ می‌نامیدند. ص ۹۷

رسم مثنوی‌خوانی تا سال ۱۳۰۴ شمسی که «مولوی‌خانه»ها بسته شد ادامه داشت. مولویخانه‌ها مراکز فرهنگ ایرانی بود، مثلاً همه ساله در آنها نوروز را جشن می‌گرفتند. ص ۹۶

■ تدریس فارسی در مدرسه‌ها و مکتبخانه‌های عثمانی همیشه معمول بوده است. از نیمه‌های قرن سیزدهم هجری که مدارس به طرز جدید دایر شد، تدریس فارسی هم در آنها ادامه یافت. ص ۲۴۲

■ از سال ۱۳۰۴ شمسی طریقتها ممنوع گردید و خانقاه‌ها بسته شد، خانقاه‌های مولویه هم مشمول این حکم بود. اما اینک آیینهای سالیانه مولویه، به عنوان جلوه‌هایی از فرهنگ عامه، جزو برنامه‌های وزارت جهانگردی ترکیه، همه ساله مقارن با آخرین هفته پاییز به طور رسمی در قونیه برگزار می‌شود و نیز دستگاه‌های دولتی به دلایل مختلف بزرگداشت مولوی و گرامیداشت آرامگاه او را جزو سیاست رسمی خود قرار داده‌اند. ص ۱۰۳

■ پرنس ارفع در ایران دیروز (ص ۴۳۹ و ۴۴۶، چاپ وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۵) آورده است:

سلطان محمد خامس [م. ۱۹۱۸ میلادی] در تمام مدت خانه‌نشینی، وقتش را به خواندن کتابهای فارسی و اشعار گذرانده ... سلطان محمد خامس که آن وقت اولین دفعه شام رسمی به سفرا (کور دیپلوماتیک) داده بود، چون من مقدم‌السفرا بودم مرا در سر شام دست راست خود قرار داده بود ... چون سلطان محمد خیلی به زبان فارسی علاقه داشت، تمام صحبتش به زبان فارسی با من بود ... اغلب صحبت سلطان راجع به سیاست نبود، از گلستان سعدی بود و مخصوصاً معلوم شد که اوایل کتاب را خیلی خوانده و حفظ داشت.

- پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی و تجزیه امپراتوری عثمانی و متعاقب آن تأسیس جمهوری ترکیه بدست مصطفی کمال آتاتورک، خط ترکیه در سال ۱۹۲۳ از الفبای فارسی/عربی به الفبای لاتین تغییر یافت.
- با رسمی شدن الفبای لاتین، چاپ متون به خط فارسی (جز به وسیله دانشگاه‌ها) ممنوع گردید ... چاپ و خرید و فروش کتاب به خط قبلی ممنوع یا محدود گردید. تدریس زبان فارسی از برنامه‌های دبستانها و دبیرستانها حذف شد. [اریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ص ۱۹۷]
- تغییر خط به لاتین، حذف فارسی از برنامه دروس مدارس و محدودیت چاپ و خرید و فروش به خط قبلی سبب جدایی فرهنگی و ادبی نسلهای بعدی از پیشینه خود و همچنین زوال زبان فارسی در ترکیه شد.

■ به موجب قانونی «نام خانوادگی» هر یک از اتباع ترکیه منحصرأً باید از ریشهٔ زبان ترکی باشد. در اجرای این قانون خانواده‌های کهنی که به نام یکی از پدران خود با پسوند «زاده» شهرت داشتند مجبور شدند آن پسوند را به «اوغلو» برگردانند. ص ۲۶۸

■ دائرة المعارف اسلام (ترجمه و تألیف و تکمیل و تعدیل) متن چاپ لیدن است که به سرپرستی دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول از ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۶ در ۱۳ جلد و بیش از ۱۱۵۰۰ صفحه چاپ شده است. در مقالات مربوط به ایران در این اثر عظیم، از برخی خطاهای عمدی ناشی از تعصب در زمینهٔ جغرافیا و تاریخ ایران که بگذریم، تحقیقات ارزنده‌ای موجود است. ص ۲۷۰

■ حبیب یغمایی مضمون یکی از گفتگوهای را که با محمدعلی فروغی داشته است چنین نقل می‌کند: فروغی وقتی دیگر ضمن بحث از "ملّیت" فرمود که آتاترک به من گفت: «شما ایرانی‌ها قدرِ ملّیت خود را نمی‌شناسید و معنی آن را نمی‌فهمید، و نمی‌دانید که ریشه داشتن، و حق آب و گل داشتن در قسمتی از زمین چه نعمتی عظیم است. و ملّیت وقتی مصداق پیدا می‌کند که آن ملّت را بزرگان ادب و حکمت و سیاست، و در معارف و تمدن بشری سابقه مُمتد باشد. شما قدر و قیمت بزرگان خود را نمی‌شناسید و عظمت شاهنامه را در نمی‌یابید که این کتاب سند مالکیت و ملّیت و ورقهٔ هویت شماست. و من ناگزیرم برای ملّت ترک چنین سوابقی دست و پا کنم.»

حبیب یغمایی، «نکاتی در احوال و اوصاف فروغی»، مقالات فروغی، تهران، توس ۱۳۸۷، ج. ۱، ص ۱۹.

- بر اساس گزارشها پژوهشگران در یک سایت باستانشناسی با قدمت ۴ هزار سال واقع در کاراقامیش در منطقه گازی آنتپ ترکیه آثاری از تمدن هیتی ها را کشف کردند. در این سایت، یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیا، مهر و مومهای رسمی کشف شده که کارشناسان اعتقاد دارند مربوط به امور تجاری بازرگانی و یا مربوط به برقراری امنیت مرزها بوده است.
- باستان شناسان حاضر در سایت اعلام کرده اند که این مهر و مومها از وجود مقامات رسمی در دوران پادشاهی هیتی ها حکایت دارد. **نام این مقامات در قسمتهایی از این سایت یافت شده است.**
- هیتی ها ۲ هزار سال پیش از میلاد مسیح منطقه آناتولی و شمال سوریه را تحت کنترل خود داشته و حکومت پادشاهی داشته اند.

■ مصطفی کمال آتاتورک، بنیانگذار ترکیه مدرن در دهه ۱۹۳۰ ترک‌ها را
نوادگان مستقیم هیتی‌ها معرفی کرد. یورونیوز



جنگ حضرت علی (ع) با اژدها
 nam Ali and dragon
 برگی از خاوران نامه
 an Nameh
 مکتب بخارا، سده ۵۹ ق.
 15th century A.D.
 شماره ثبت اثر: ۲۵۲۳



ذکر کفالت پیغمبر (ص) توسط ابوطالب
 et makes sponsor by Abutaleb
 نسخه ای از جمع التواریخ اثر حافظ ابرو
 ajma-ol-Tavarikh by Hafiz Abrou
 مکتب هرات، اوایل سده ۵۹ ق.
 ol, Early 15th century A.D.
 شماره ثبت اثر: ۲۸۴۱
 341

■ نوروز از زبان رئیس گروه زبان فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول
ترکیه + فیلم

■ رئیس‌جمهوری ترکیه در سخنرانی تلویزیونی خود به مناسبت سالروز فتح استانبول، شعری پارسی از سلطان محمد فاتح عثمانی خواند که به هنگام تصرف قسطنطنیه (استانبول) سروده بود. (پیوند ذیل)

■ شعرخوانی رجب طیب اردوغان به زبان فارسی در سخنرانی تلویزیونی
(فیلم)

شعرخوانی اردوغان به زبان فارسی در حضور روحانی + فیلم

■ رجب طیب اردوغان در اجلاس مشترک تجاری ایران و ترکیه، چند بار به زبان فارسی شعر خواند. او کلام خود را با شعری از نظامی آغاز کرد و گفت «ای نام تو بهترین سرآغاز / بی نام تو نامه کی کنم باز»، سپس در میانه کلام گریزی به صائب تبریزی زد و بیتی از یکی از غزلیات صائب را از این قرار خواند: «هیچ قفلی نیست در بازار امکان بی کلید / بستگی‌ها را گشایش از در دلها طلب» و در آخر با شعری از حافظ کلامش را به پایان رساند و گفت: «درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد / نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد.» از تارنمای تابناک

■ چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه در سفری رسمی به تهران با حسین امیرعبداله‌هیان دیدار و گفتگو کرد در قسمتی از این دیدار وزیر خارجه ترکیه به شعر خانه دوست سهراب سپهری اشاره کرد و [به ترکی] گفت: همواره خانه دوست را در تهران دیدم و خودم را در خانه خود دیدم.

خبرآنلاین ۱۴۰۰ / ۸ / ۲۴

■ فرهنگ ایرانی هم مثل آیین اسلام به همراه سپاهیان عثمانی وارد یوگسلاوی شد، و طی پنج قرن تسلط عثمانیها بر آن کشور به عنوان زبان ادبی و عرفانی در مدرسه‌ها خوانده می‌شد، همچنانکه عربی به عنوان زبان دینی، و ترکی به عنوان زبان اداری تدریس می‌شد، و این بیشتر در استانهای مسلمان‌نشین بوسنی و هرزه‌گووین و مقدونیه و قره‌داغ و صربستان کنونی بود. ص ۲۳۵

■ به نوشته بوگدانوویچ از ایرانشناسان معاصر یوگسلاوی، در لهجه‌های محلی نواحی بوسنی و هرزگوین، مقدونیه، قره‌داغ و صربستان ۳۰۰۰ کلمه شرقی هست که یک‌چهارم آنها فارسی است که از طریق ترکی عثمانی به آنجا رفته است. البته این لغات دخیل غیر از واژه‌های کهن مشترک هند و اروپایی است که به طور موازی با زبانهای ایرانی از تطور زبان هند و اروپایی به وجود آمده‌اند. ص ۲۳۴ و ۲۳۵

■ فوزی مستاری: شیخ محمد فوزی (در گذشته ۱۱۶۰) از مردم مستار شهری در بوسنه یوگوسلاوی بوده و **بلبلستان** را به تقلید گلستان نوشته است. ص ۱۹۹

■ مجموعه قصاید فارسی، که در شهر تیرانا در آلبانی به وسیله کسی به نام شیخ عبدالسلام مجرم به نام سلطان سلیم سوم (۱۲۲۲-۱۲۰۳) سروده شده است. ص ۲۰۰

■ شرح دیوان حافظ توسط سودی بوسنه‌ای که در ۱۰۰۷ به پایان رسیده، معروفترین شرحهاست و به فارسی هم ترجمه شده است (ص ۲۱۷). اما شرح مثنوی وی شهرتی نیافته است. ص ۲۱۶

دو شاعر آلبانیایی، نرودویچ و بابا سرخیان، آثار ادبی‌ای از خود بجا گذاشته‌اند که نفوذ زبان فارسی را در آنها می‌توان مشاهده نمود. نمونه‌ای از شعر شاعر آلبانیایی، آبوگویچ در قرن نهم میلادی بیانگر این نفوذ است:

رخت ز آه دلم گر نهان کنی چه عجب کسی چگونه نهد شمع در دریچه باد

در آرشیوها و موزه‌های یوگسلاوی سابق کتابهای درسی و کتاب و آثار خطی بسیاری به زبان فارسی نگهداری می‌شوند. برای نمونه نزدیک به ۲۰۰ نسخه خطی به زبانهای شرقی از جمله زبان فارسی تنها در شهر پریزرن در کوزوو وجود دارد. وجود بسیاری از آثار ادبا و شعرا به زبان فارسی، بهترین گواه بر حضور گسترده زبان فارسی در منطقه بالکان است که از آن جمله می‌توان به این شاعران اشاره نمود: محمد آرشی می‌نارزاده، احمد سودی افندی، درویش پاشا بایزداگیچ که دیوان خویش را به فارسی نوشته است. رشید بوساناتس، فوزییا بلاگایاتس و جوات سلیمان پاشیچ.

■ استاد محیط طباطبایی در خصوص «پیوستگی مردم آلبانی در اروپا با ارّان و ایران باستان» مقاله مفصلی دارد. بخشی از آن در اینجا نقل می‌شود:

■ باید دانست که برای سرزمین ماورای رود ارس در آثار جغرافیایی و تاریخی مربوط به گذشته، نامهای آران و ارّان و آلان و اروان و البان به اختلاف، مورد ثبت و ضبط است. آنگاه رابطه آران و اروانات – مضاف به **تای علامت جمع آریایی** که هنوز در زبان آسی شمال قفقاز معمول است و آن در سغدی یغنابی هم نظیر داشته و دارد – پیدایش «ارانات» و در «اروانات» را میسر می‌سازد که صورت «اروانتوس» در زبان یونانی و بیزانسی را پیدا کرده باشد.

- حرف «ت» آخر در زبان سکایی، علامت جمع است: اسکیت، سرمت.
- کریستنسن آلان را همان لفظ «آریا» می‌داند که در لهجه شمال ایران به این صورت درآمده است.

هزار واژه فارسی از کجا به زبان بلغاری راه یافته است؟

■ بسیاری از مردم کشورهای اروپای شرقی خود را آریایی می‌دانند و برخی از آنان دلیل این نظریه را وجود صدها واژه از ریشه فارسی و اوستایی در زبان خود برمی‌شمارند. یکی از نظریه‌های موجود و پرطرفدار حتی نام «کرواسی» را برگرفته از «خراسان» می‌داند.

■ اما در این میان، بلغاری‌ها خود را به فرهنگ و زبان ایرانی نزدیکتر می‌بینند زیرا حدود هزار واژه با ریشه فارسی در زبان آنها وجود دارد. تا پیش از این گمان می‌شد که واژگان فارسی از راه زبان ترکی و در دوره امپراتوری عثمانی به بلغارستان راه یافته‌اند، اما زبان‌شناسان امروزه بر این باورند که اغلب واژگان فارسی موجود در این زبان هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر تاریخی از راه دورتری آمده و بدون گذار از مسیر زبان ترکی یا عربی به آن راه یافته‌اند.

■ نگارش از مسعود سالاری - بروز شده در ۲۵ / ۱ / ۲۰۱۸ - [پیوند خبر](#)

دراگان تودوروویچ، سفیر صربستان در ایران:

■ ما حدود یکهزار کلمه مشترک با ایرانیان داریم. به عنوان مثال، کلمات مزه، سوپ، لیمو، پرتقال، باجناق و گرداب بین ایرانیان و صربستانی‌ها مشترک است.

■ بعد از انقلاب ایران، ما دانشجویان ایرانی بسیاری در بلگراد داشتیم و الان نیز حدود یکصد دانشجو در صربستان داریم. هر سال صربستان به دانشجویان ایرانی نیز بورس تحصیلی می‌دهد که این تعداد امسال به ۱۸ بورس رسید.

■ مردم در صربستان نه فقط ادبیات فارسی را می‌خوانند، بلکه درباره فرهنگ فارسی و ایرانی اطلاعات دارند، چون بسیاری از صربستانی‌ها فیلم‌های ایرانی را دوست دارند و هر سال «هفته فیلم صربستان» در تهران، تبریز و شیراز برگزار می‌شود و چهار سال پیش نیز صربستان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب تهران بود.

■ گفتگوی رادیویی «صبح به وقت فرهنگ» با مهدی شیرازی، رایزن فرهنگی سفارت ایران در صربستان و نماینده بنیاد سعدی با محور گستره زبان فارسی در خارج از کشور:

■ وجود ۴۰۰ دانشجوی زبان فارسی در بلگراد

■ علاقه‌مندی به زبان فارسی در دانشگاه بلگراد - ایسنا

- **محمدامین ریاحی**، پژوهشگر فرهنگ و ادب ایران و به تعبیری نسخه شناس، فرزند میرزابزرگ از سرشناسان خوی بود. او در یازدهم خرداد ۱۳۰۲، در شهر خوی، مشهور به دارالصفا دیده به جهان گشود.
- حیات علمی ریاحی در هفده سالگی آغاز شد و تا هفتاد سال بعد ادامه یافت. محور آثار ریاحی به استثنای تاریخ خوی، عمدتاً زبان و ادبیات فارسی است.
- از رهگذر بررسی آثار ریاحی می‌توان چند مؤلفه برجسته در اندیشه او دریافت کرد؛ محوریت فرهنگ ایرانی و زبان فارسی؛ به گونه‌ای که با وجود ارتباط قسمتی از پژوهشهای ریاحی با حوزه عثمانی، دغدغه عمده او در این پژوهشها هم زبان فارسی و گستره نفوذ فرهنگ ایران است.
- آنان زبان فارسی را یکی از ستونهای محکم هویت ملی می‌دانستند.

■ بهرام امیر احمدیان در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد: این که رئیس‌جمهور ایران در نطق خود در بزرگداشت چهلمین سال انقلاب اسلامی اعلام داشت که قلمرو قفقاز در حاکمیت ایران بوده و در اثر جنگ‌های ایران و روس بر اساس معاهدات گلستان (در سال ۱۸۱۳) و ترکمنچای (در سال ۱۸۲۸) از ایران جدا شده‌اند، به مذاق سایتهای آذربایجانی خوش نیامده است و نشان از ناآگاهی آنها دارد. چون اصولاً در محافل غیرعلمی و مطبوعاتی جمهوری آذربایجان اعلام می‌شود که روسها و فارسها دست به یکی کرده و قلمرو آذربایجان را بین خود تقسیم کرده اند.

■ پیوند خبر: حمله آذربایجانی‌ها به ایران از روی ناآگاهی

تخریب کتیبه‌های فارسی مقبره نظامی گنجوی

■ خلیل یوسفلی، مدیر مرکز نظامی گنجوی در آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نیز در این خصوص گفته بود: کتیبه‌های اشعار فارسی نظامی گنجوی در مقبره این شاعر با کتیبه‌هایی به زبان آذربایجانی جایگزین می‌شود، چون گاهی اوقات بازدیدکنندگان با مشاهده اشعار فارسی مقبره و موزه نظامی گنجوی فکر می‌کنند که نظامی گنجوی شاعر فارسی‌گوی بوده است.

■ ترجمه اشعار نظامی گنجوی به زبان ترکی علاوه با حروف لاتین، با «حروف فارسی» نیز منتشر شده است تا اینگونه القاء شود که کتیبه‌هایی که قبلاً به «زبان و الفبای فارسی» در مقبره نصب شده بود، تخریب نشده است.

پیوند اصل خبر از ایسنا ۲۳ / ۶ / ۱۳۹۲

■ نظامی در لیلی و مجنون مکرر از خود به دهقان پارسی‌زاد یاد کرده است:

«دهقان فصیح پارسی‌زاد از حال عرب چنین کند یاد»

■ نظامی گنجوی شاعر و داستانسرای نامدار قرن ششم هجری در منظومه هفت پیکر یا هفت گنبد در بخش دعای پادشاه سعید علاءالدین کرپ ارسال می‌گوید:

نیست گوینده زین قیاس خجل
دل ز تن به بود، یقین باشد

همه عالم تن است و ایران دل
چون که ایران دل زمین باشد

■ وی با اشاره به وجود دو روستا در دربند که هنوز به زبان پهلوی سخن می‌گویند، اظهار کرد: خیلی‌ها تصور می‌کنند زبان پهلوی از میان رفته است اما روستاهای جالقان و میتاقی در شهر دربند، هم به اعتقاد خود مردم این مناطق و هم به تأیید زبان‌شناسان داغستان روسیه، به زبان پهلوی سخن می‌گویند.

■ علاقمندان حتماً متن سخنرانی ذیل را ملاحظه نمایند.

■ بررسی کتیبه‌های فارسی در جمهوری آذربایجان

■ **اُسِت** زبان ایرانی بسیار کهن است که در قسمت کوهستانی قفقاز مرکزی در میان طایفه اُسِت رایج است. از طایفه اُسِت تیره ایرُن و تیره دیگر بیشتر معروفند.

■ مطلب فوق در مقاله «فهرست مآخذ زبانها و لهجه‌های ایرانی» (تألیف نیکلا راست) آمده و ۱۵ مرجع از سال ۱۸۴۴ تا ۱۹۴۵ میلادی در آن ذکر شده که اغلب چاپ روسیه است. در ادامه آورده که چاپ کتاب لغت زبان اُسِت از قرار اطلاع چندی پیش تحت سرپرستی و به تصحیح پروفسور فریمن به اتمام رسیده است.

■ من به یاد دارم که آقای «جمشید گیوناشویلی» - سفیر اسبق گرجستان در ایران - بوده‌اند و این‌طور می‌گفت که در گرجستان حتی راننده‌های تاکسی، چند رباعی خیام را - ولو با قرائت اشتباه - اما می‌توانند از حفظ بخوانند.

■ «صمد وورغون» شاعر ملی جمهوری آذربایجان وقتی که در بیمارستان، مرگ را به انتظار نشسته بود، گفته بود که برای من رستم و سهراب بخوانید، که من راحت‌تر جان بدهم!

■ آتاتورک مبارزه کرد که زبان فارسی از زبان ترکی بیرون رود اما موفق نشد و هنوز هم زبان فارسی در زبان ترکی نفوذ فراوان دارد. چنانکه سعی کرد زبان عربی را هم از زبان ترکی بیرون آورد و این کار اشتباه است چرا که اگر زبانی از زبان‌های دیگر تأثیر نگیرد خواهد مرد.

حسن انوشه، ایلنا ۱ / ۳ / ۹۸

■ وجود بیش از ۳۰۰۰ لغت فارسی در زبان گرجی،

■ الگوگیری در زبان و ادبیات گرجی و حماسه‌سرایی در کتاب «مرد پلنگ پوش» به تأسی از شاهنامه فردوسی ایرانی است و همچنین ترجمه اشعار خیام، جامی، رودکی، مولوی، حافظ و سعدی حکایت از اشتراکت روحی و فرهنگی دو ملت دارد

دکتر اسحاق صلاحی، رئیس وقت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

- به نقل از شرق الاوسط، استان بصره در عراق از سوی ایرانیان به شدت مورد توجه قرار گرفته است و به همین دلیل صحبت کردن به زبان فارسی به یکی از زبانهای متداول و روزمره در بین مردم بصره تبدیل شده است.
- شرق الاوسط به نقل از مسئولان استان بصره اعلام کرده است که در حال حاضر بالغ بر ۱۳۵ مرکز و نهاد فرهنگی ایرانی در بصره مشغول فعالیت است و در چند سال گذشته دهها کتابخانه و حسینیه از سوی نهادهای فرهنگی ایرانی در این استان بنا شده است.

www.cgie.org.ir/fa/news

■ «افراح علی» مدرس زبان فارسی در عراق: «زبان فارسی در کشور عراق از جنبه اقتصادی و توریستی اهمیت بسیاری دارد، عراقیهای بسیاری رفت و آمد مکرر به ایران دارند، از طرفی ایرانیان هم بواسطه زیارتهای مذهبی در فواصل مختلف سال به عراق سفر می کنند. از همین رو یادگیری این زبان منفعت اقتصادی بسیاری برای هر دو طرف دارد. تعداد دیگری از زبان آموزانی که به مؤسسه ما مراجعه می کنند افرادی هستند که خواهان ادامه تحصیلات تکمیلی خود در دانشگاه های ایرانی هستند و به یادگیری فارسی نیاز دارند.»

■ <https://shoaresal.ir/fa/news/146365>

■ افراح علی تأکید دارد که فیلمها و سریالهای ایرانی طرفدار بسیاری میان عراقیها دارند. آنان از شبکه‌های ای‌فیلم و الغدیر سریالهای ایرانی را به زبان یا زیرنویس عربی تماشا می‌کنند. این علاقه‌مندی به اندازه‌ای است که حتی از شبکه‌هایی نظیر یوتیوب هم برای دانلود و تماشای فیلمها استفاده می‌کنند. او ادامه می‌دهد: «از تعاملات فرهنگی میان جوامع می‌توان به عنوان ابزاری در راستای دستیابی به دیپلماسی فرهنگی و حتی در ابعاد گسترده‌تر در بحث سیاست استفاده کرد.»

■ <https://shoaresal.ir/fa/news/146365>

■ در عراق مجوس بسیار است.

احسن التّقسیم ۱ مقدسی، ترجمه دکتر منزوی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۱۷۴

۱ أَحْسَنُ التَّقْسِيمِ فِي مَعْرِفَةِ الْأَقَالِيمِ، نام کتابی مشهور در جغرافیا به زبان عربی از آثار ربع ۴ سده ۴ ق تألیف شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی. مقدسی در یک جا به صراحت می‌گوید که در ۳۷۵ ق ۴۰ ساله و در مرکز فارس بوده، و تألیف کتاب را به پایان برده است. وی همچنین گوید که دو سال بعد آن را در مکه به یک عالم اندلسی عرضه کرده است. اما باسورث برپایه عبارتتی از احسن التّقسیم چنین حدس می‌زند که این اثر در پایان دوران سعدالدوله پسر سیف‌الدوله حمدانی (د ۳۸۱ ق) تألیف شده است، زیرا در احسن التّقسیم از حکومت خاندان حمدانی بر شهر بدلیس به صورت گذشته یاد می‌شود. مؤلف در کتاب خود توجه ویژه‌ای به زبان مردم سرزمینهای مورد نظر دارد، چنانکه آورده است: زبان مردم در این ۸ اقلیم عجمی است، برخی از آنها دری و برخی دیگر پیچیده است، همگی آنها فارسی نامیده می‌شوند. (علینقی منزوی، دایره المعارف بزرگ اسلامی)

- بیشتر مردم عدن و جده فارس هستند ولی زبان (رسمی) عربی است. جلد اول، ص ۱۳۶
- فارسها در آنجا [جده] بسیار شده‌اند و کاخهای شگفت‌انگیز دارند. جلد اول، ص ۱۳۱

عمان و دریای فارس

- نبینی که بیشتر مردم این دریا را تا مرزهای یمن، دریای فارس می‌نامند؟ و بیشتر کشتی‌سازان و دریانوردان فارسی هستند. این دریا از عمان تا آبادان کم پهنا است و مسافر راه خود را گم نمی‌کند. جلد اول، ص ۲۶
- عمان از آن دیلمیان است ... هجر به دست قرمطیان است. جلد اول، ص ۱۴۷
- صُحار قصبهٔ عمان است، امروزه بر کرانهٔ دریای چین (دریای عمان) شهری مهمتر از آن نیست، آبادان، پرجمعیت، گردشگاه، پرتروت و بازرگانی، میوه خیز و پرخیر، دارا تر از زبید و صنعا است بازارهای شگفت انگیز دارد ... فارسها در آن اکثریت یافته‌اند. ص ۱۳۱

■ وجود گویش ایرانی کومزاری، که امروزه در عمان رایج است نمودی است از رفت و آمد پیوسته مردم دو سوی خلیج فارس در گذشته،

ریچارد فرای، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا

■ رایزن سفارت ایران در مصر گفت: ما حدود ۲۷ کرسی زبان فارسی در دانشگاه‌های مصر و بر اساس آمار غیررسمی، پنج هزار فارسی‌آموز داریم که این نشان‌دهنده علاقهٔ مصریان به زبان فارسی است.

ایسنا ۳ / ۷ / ۱۳۹۹

گفتگوی رادیویی «صبح به وقت فرهنگ» با عبدالرضا بنی‌علی، رایزن فرهنگی سفارت ایران در مصر و نمایندهٔ بنیاد سعدی با محور گسترهٔ زبان فارسی در خارج از کشور، ۸ / ۵ / ۱۳۹۹:

■ علاقه مصری‌ها به زبان فارسی به رغم فقدان روابط سیاسی ... - آپارات

■ زبان فارسی در مصر طرفدار دارد/ مصر در ادبیات معاصر کشوری پیشرو است

■ زبان فارسی در لبنان و به خصوص در جنوب آن مشتاقان زیادی دارد و به عنوان زبان دوم در برخی دانشگاه‌ها و حتی مدارس لبنان رسمیت یافته است. رواج این زبان در میان شیعیان لبنان نشان می‌دهد که علاقه به آموزش زبان فارسی در لبنان، دلیلی فراتر از قرابت زبان فارسی و عربی دارد و شاید اشتراکات سیاسی بین این دو کشور از دلایل استقبال لبنان از زبان فارسی باشد. چنانکه در حدود ۱۵ مدرسه «المهدی» در لبنان زبان فارسی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود و بیش از ۲۰۰۰ دانش‌آموز لبنانی تحت آموزش زبان فارسی هستند. این وضعیت در برخی دانشگاه‌های لبنان هم مشهود است ... فقط «دانشگاه لبنان» کرسی رسمی آموزش زبان فارسی دارد که با دانشگاه‌های ایران هم مراودات علمی و آموزشی دارد.

■ **مدارس المهدی:** در سال ۱۳۸۷ تدریس زبان فارسی بصورت آزمایشی در ۱۲ کلاس در دو شعبه آغاز شد. دانش‌آموزان این مدارس به مدت پنج سال تحصیلی (از کلاس هفتم تا یازدهم) شروع به یادگیری زبان فارسی کردند. در سال تحصیلی (۸۸-۸۹) تعداد دو هزار دانش‌آموز در ۶۷ کلاس در ۱۱ مدرسه مشغول فراگیری زبان فارسی بودند و طبق برنامه در مجموع، هفته‌ای ۱۳۴ ساعت زبان فارسی در این مدارس تدریس می‌شود و در سال ۹۲-۹۳ تعداد ساعات آموزشی به حدود ۲۵۰ ساعت در هفته رسیده است. در سیزده مدرسه المهدی در بیروت، بقاع و جنوب لبنان زبان فارسی تدریس می‌شود.

خبرگزاری تسنیم

■ **مدارس امداد امام:** با امضای توافقنامه آموزش زبان فارسی بین رایزنی فرهنگی و مدارس امداد از مهرماه ۱۳۹۲ تدریس زبان فارسی کنار زبان انگلیسی، به عنوان زبان دوم در مدارس امداد با بیش از ۳۰۰۰ دانش‌آموز در مقاطع ششم و هفتم و هشتم (مقطع راهنمایی) تحصیلی آغاز شد. در حال حاضر ۶۰۰ دانش‌آموز، زبان فارسی را به عنوان زبان خارجی دوم خویش می‌آموزند.

خبرگزاری تسنیم

■ اشتیاق فراگیری زبان فارسی در لبنان + فیلم - تسنیم نیوز

■ ماجرای فارسی دانستن سیدحسن نصرالله از زبان خودش + فیلم

■ «در جلسه‌ای با رهبر که برادران فارسی و لبنانی حضور داشتند ایشان فرمودند از الان به بعد ایرانیها باید عربی و لبنانیها نیز زبان فارسی یاد بگیرند و کسی دیگر به مترجم نیاز نداشته باشد از همان موقع همه دیدارهای ما بدون مترجم برگزار می‌شود.»

■ ابراز نگرانی روزنامه عکاظ چاپ عربستان سعودی:

- عبدالرحمن الضحیانی رئیس دانشگاه امام زید است که در ایران تحصیل کرده است. این، دومین دانشگاه ایرانی است که در یمن افتتاح می‌شود. اولین دانشگاه به نام «۲۱ سپتامبر» برای تدریس علوم پزشکی افتتاح شده بود.
- دانشگاه زبان فارسی که به زودی در صنعا پایتخت یمن افتتاح خواهد شد، راه را در برابر ایران برای نفوذ بیشتر در یمن هموار خواهد کرد؛ زیرا این دانشگاه بودجه و تجهیزات خود را از ایران دریافت می‌کند.
- به عقیده تحلیلگران عرب اقدام ایران در افتتاح دانشگاه «امام زید» در صنعا باعث می‌شود تا فرهنگ فارسی-شیعی در یمن ترویج و نهادینه شود؛ اقدامی که در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی این کشور بی‌سابقه است.

■ دانشگاه صنعا کرسی آموزش زبان فارسی در دانشکده زبانها و ترجمه
خود را افتتاح کرد. ایرنا ۹۵ / ۷ / ۱۱

■ برگزاری جشن دانش‌آموختگان زبان فارسی در صنعا + فیلم

■ سلام رزمنده یمنی به مردم ایران به زبان فارسی - فیلم

■ بیشتر مردم عدن و جده فارس هستند ولی زبان (رسمی) عربی است. جلد اول، ص ۱۳۶

■ صعده از صنعا کوچکتر و آبادان در جبال است. ... شهر علویان و اقطاع ایشانست. جلد اول، ص ۱۲۴.

■ علویان بر صعده حکومت می کنند. جلد اول، ص ۱۴۷

■ رُداع همان مخلاف «خولان» است (یاقوت) در خولان آتشکده‌ای بود آتش پرستان را (یاقوت) و نیز رُداع و سات دو شهر فارس نشین در یمن است (یاقوت) نیز رداع و ثات از مخلافهای یمن است (یاقوت) صحار چنانکه خواهد آمد در دست فارسها بوده است. جلد اول، پاورقی ص ۱۲۳

- «ماریا اولیک» مدرس زبان فارسی (متولد روسیه و ساکن دانمارک) درباره وجود کرسیهای آموزش زبان فارسی در سه کشوری که تجربه زندگی در آنها را داشته می‌افزاید: «در ایرلند که هیچ امکاناتی در این زمینه نیست، در برخی دانشگاه‌ها عربی و عبری آموزش داده می‌شود اما فارسی اصلاً در دانمارک در گذشته رشته ایرانشناسی دایر بوده اما الان دیگر چنین رشته‌ای نیست و تبدیل به خاورمیانه‌شناسی شده است. در روسیه شرایط خیلی متفاوت است، شما در این کشور براحتی قادر به یادگیری زبان فارسی خواهید بود.»

- <https://shoaresal.ir/fa/news/146365>

■ شیرازی نام قومی از ساکنان سواحل شرقی آفریقا است که ایرانی‌الاصل بوده و عمدتاً در زنگبار، جزیرهٔ پمبا و مجمع‌الجزایر کومور (قمر) سکونت دارند و بقایای چندین بنای قدیمی به آنان نسبت داده می‌شود.

■ در این خصوص، اطلاعاتی در سفرنامه برادران امیدوار نقل شده است.

■ عیسی و عبدالله امیدوار، دو برادر پژوهشگر پرشور ایرانی در سال ۱۳۳۳ با همتی پولادین عزم کردند تا جهان را با تمامی پیچیدگیهایش بکاوند.

<http://www.omidvar-brothers.com>

■ نفوذ زبان فارسی در زبان سواحیلی،

- The **Shirazi** are a group of people who also live on the Tanzanian coast, mainly on the islands of Zanzibar and Pemba. They claim descent from an Iranian prince who long ago fled to Africa.

[African studies center, Univ of Pennsylvania]

<http://www.africa.upenn.edu/NEH/tethnic.htm>

- زنگبار (سیاه + ساحل) واژه‌ای فارسی است به معنی «ساحل سیاهان» که معرب آن زنجبار است که اروپاییان به آن Zanzibar می‌گویند.
- ایرانیان از زمان امپراتوری هخامنشی با این منطقه داد و ستد تجاری داشته‌اند.

- نیکلا سعدی کارنو (۱۸۳۲-۱۷۹۶) دانشمند فرانسوی کاشف قانون دوم ترمودینامیک و چرخه کارنو، فرزند لازار کارنو ژنرال انقلابی بود که به علت علاقه وافر به اشعار سعدی، نام میانی فرزندش را سعدی نهاد.
- ماری فرانسوا سعدی کارنو رئیس جمهور فرانسه (۱۸۹۴-۱۸۸۷) برادرزاده نیکولا سعدی بوده است.
- هم‌اکنون خیابانی در فرانسه به نام سعدی کارنو وجود دارد و نوادگان او هم خانواده بزرگی در فرانسه را تشکیل می‌دهند که پسوند نام تمام آنها سعدی است [عبدالحمید ارجمند].
- شایسته است برای آنها دعوتنامه سفر به شیراز فرستاد به‌مراه آموزش زبان فارسی بطور رایگان.

■ قسمتهایی از مستند «سعدی کارنو» از فرشاد اکتسابی

■ لینک بخش ۱ مستند سعدی کارنو

■ لینک بخش ۲ مستند سعدی کارنو

■ لینک بخش ۳ مستند سعدی کارنو

■ لینک بخش ۴ مستند سعدی کارنو

کتب علمی به فارسی نو

- در این فصل در ابتدا به برخی کتب قبل از دوران فارسی نو و همچنین نابودی کتب ایرانیان در حملات و غارت‌های متعددی که در طی تاریخ صورت گرفته اشاره‌ای می‌شود و سپس گزیده‌ای از کتب فارسی نو با تأکید بر قرون نخستین تألیف به زبان فارسی دری آمده است.
- نکته‌ای که باید توجه داشت اینست که در خصوص سیر زبان تألیف کتب علمی نباید به کتبی که مطابق تعریف امروز کتب علمی (به معنای science) تلقی می‌شوند، اکتفا نمود. بلکه علاوه بر کتب تاریخ و جغرافیا و دستور زبان باید کتب دینی، تصوف، سفرنامه‌ها و احکام نجوم را هم آورد، که در ویرایش‌های آتی فهرستی از آنها هم اضافه خواهد شد. باید توجه داشت که تعریف دانش، علم و فلسفه و همچنین طبقه‌بندی علوم در طی این مدت تغییر و تحول یافته است.

ذکر نمونه‌هایی از نابودی کتب ایرانیان

- در نامهٔ تنسر (موبد اردشیر بابکان) آمده است که اسکندر کتاب دین زردشت را که بر روی دوازده هزار پوست نوشته شده بود، بسوزاند.
- سربازان اسکندر ... لباسهای شاهانه را می‌دریدند تا هر یک صاحب قطعه‌ای از آن شوند ... هر کسی که بخشی از مجسمه‌ای را شکسته و به چنگ آورده بود با خود می‌برد. [هزاره‌های گمشده، پرویز رجبی]
- وقتی سربازان دنیای متمدن و قبلهٔ غرب اینطور رفتار می‌کنند، دیگر چه ایرادی به قشون اعراب است که درفش کاویانی و فرش جواهرنشان بهارستان (با نقوش ابریشمین، سیمین و زرین) را تکه تکه کرده تا بین خود قسمت کنند؛ چرا که کاربردی نیز برای آنها نداشته است.

■ مصریها، بابلیها و آسوریها، وقتی که شهری را از دشمن می‌گرفتند، در موقع غارت از فرط تعصب آثار آنرا بر می‌انداختند تا از اشخاص نامی دشمن اثری باقی نماند. [ایران باستان، حسن پیرنیا]

■ کریستنسن می‌نویسد: «در روسیه مقدار کثیری از ظروف نقره ساسانی بدست آورده‌اند، ولی در ایران چیز قابلی کشف نشده است. ظاهراً علتش آن است که این کشور چند بار پایمال چپاول و غارت قبایل حریص شده است.»

■ بایگانیهای پادشاهان ایران، ضمن فتح شاهنشاهی هخامنشیان بدست اسکندر در ثلث آخر قرن چهارم ق. م. نابود گردید.

تاریخ ماد، دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز

■ سیریل الگود در بخش مربوط به ریاضیات ایران باستان چنین نوشته است: «لطمه‌ای که اسکندر مقدونی به ایران وارد ساخت چنان بزرگ و عمیق بود که در اثر آن حتی آن اندازه آثار فرهنگی باقی نماند که از روی آنها بتوان به پایه دانش ریاضی مادها و پارسیان قدیم پی برد.»

نقل از کتاب دانشمندان ایرانی، تألیف عبدالرفیع حقیقت، ۱۳۸۹

■ محمد بن اسحاق گوید: فارسیانِ اول، تصنیف‌کنندگانِ اولین افسانه بوده و آن را بصورت کتاب درآورده و در خزانه‌های خود نگاهداری و آن را از زبان حیوانات نقل و حکایت می‌نمودند. [الفهرست ابن ندیم، ترجمهٔ تجدد]

■ در سفر استر آمده که شاه برای رفع بی‌خوابی فرمان داده بود که برای او کتاب تاریخ بخوانند. [نقل از کتاب تاریخ و فرهنگ ایران، دکتر ملایری]

■ ... خشایار شاه بر منطقهٔ مرتفعی که جهازات و عمده قوای دریایی دیده می‌شد ... بر تختی از زر ناب جلوس نمود و در اطراف خود منشیان متعدد فراخواند تا آنچه از جزئیات جنگ می‌بینند بنویسند.

[حیات مردان نامی تألیف پلوتارک، ترجمه رضا مشایخی، ققنوس، ۱۳۷۹]

■ ابوسهل^۱ بن نوبخت در کتاب النهمطان گوید: ... [به دستور اسکندر] از آنچه در دیوانها و خزینه‌های اصطخر بود رونوشتی برداشته و به زبان رومی و قبطنی برگردانید و پس از آنکه از نسخه‌برداریهای مورد نیازش فراغت یافت، آنچه به خط فارسی که به آن کشتج می‌گفتند، در آنجا بود به آتش انداخته، خواسته‌های خود را از علم نجوم و طب و طبائع گرفته و با آن کتابها و سایر چیزها ... به مصر روانه داشت. و چیزهایی در هند و چین ماند که پادشاهان ایران در دوران پیامبر خود زردشت و جاماسب حکیم نسخه‌برداری نموده، و به آنجا فرستادند، زیرا پیامبرشان زردشت و جاماسب، آنان را از کردار و رفتار اسکندر زینهار داده و گفته بودند که پیروزی با وی خواهد بود. او تا آنجا که بتواند از علوم و کتابها ربوده و به شهر خود روانه خواهد کرد.

[الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد]

■ حمزه اصفهانی به تعداد ۷۰ کتاب از دوران اشکانیان اشاره می‌کند که به دست مردم بوده است. [ترجمهٔ دکتر جعفر شعار، ص ۴۱]

■ و همینکه [اردشیر بن بابک] زمام کلیهٔ امور را بدست گرفت، مردمانی را به هند و چین و روم فرستاد تا از تمام کتابهایی که نزدشان بود، نسخه برداری نمایند ... و پسرش شاپور نیز، پس از وی، همین رویه را دنبال نمود ... [الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد]

■ ابوسهل در خزانه الحکمه هارون الرشید بود و ترجمه‌هایی از فارسی به عربی دارد و پایهٔ دانش او بر کتابهای ایرانیان است و این کتابها از اوست: ... [الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد]

■ قباد (پدر انوشیروان) کتب دینی مزدکیان را سوزاند. [کریستنسن]

■ ساسانیان بیشتر گزارشهای رسمی پارتیان (اشکانیان) را از میان بردند. [تاریخ ایران کمبریج]

بطوری که فردوسی در شاهنامه می گوید:

چو کوتاه شد شاخ و هم بیخشان نگوید جهان دیده تاریخشان
از ایشان جز از نام نشنیده‌ام نه در نامه خسروان دیده‌ام

■ تازیان بیشتر بایگانیهای شاهنشاهان ساسانی را نابود کردند.

[تاریخ ایران کمبریج]

کتابهای گنجینه مرو

■ عتابی گفت: من سه بار به این شهر شما آمده‌ام و از کتابهای ایرانی که در گنجینه مرو است چیزها نوشته‌ام این کتابها از زمان یزدگرد بدین مکان افتاده و تاکنون [در زمان محمد بن طاهر بن حسین از طاهریان] نیز موجود است. [از تاریخ بغداد تألیف احمد بن ابی طاهر طیفور]

■ کتابهای خزانه مرو یعنی همانها که بوسیله یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی در هنگام عقب‌نشینی از تیسفون به مرو انتقال یافته بود.

(عتابی شاعر عرب در دوران وزیران برمکی در خدمت ایشان بود و پس از این که هارون آنها را برانداخت، عتابی به طاهر بن حسین ذوالیمینین سردودمان طاهریان خراسان پیوست)

■ در نوشته‌های ساسانی ما اغلب نام نویسنده را نمی‌بینیم. قابل توجه کسانی که خرده می‌گیرند که چرا از ایران باستان نمی‌توان سرشناسانی را نام برد و این را دلیل می‌گیرند که سرشناسی وجود نداشته است. اگر به این مطلب واقف شویم که رسم نبود نام‌آوران خود را به رخ بکشند و عرضه کنند، دست از تهمت به ایران باستان بر می‌داریم.

■ «و ایرانیان را کتابی است که به آن گاهنامه می‌گویند. در این کتاب همهٔ مراتب کشور ایران ۶۰۰ مرتبه است بر حسب ترتیبی که به آن داده‌اند ذکر شده و این کتاب، از جملهٔ آیین‌نامه» است و دربارهٔ آیین‌نامه هم که آن را به کتاب الرسوم ترجمه کرده گوید و آن کتاب عظیمی است در هزاران برگ که بطور کامل جز در نزد موبدان و دیگر بزرگان و ریاستمداران یافت نمی‌شود. [التنبیه و الاشراف مسعودی]

■ مسعودی دربارهٔ کتاب بزرگی که در سال ۱۱۳ هجری برای هشام خلیفهٔ اموی ترجمه شده بود و وی آنرا در سال ۳۰۳ هجری در خاندان یکی از اشراف ایرانی در استخر فارس دیده بود و شامل بسیاری از علوم و اخبار و شرح بناها و سیاستهای ایرانیان و شامل تصویر همه پادشاهان ساسانی و شرح رویدادهای مهم دوران هر یک می‌بود چنین نوشته است: «در تاریخ این کتاب آمده بود که آن کتاب را از روی آنچه در گنجینه‌های پادشاهان ایران یافت شده در نیمه جمادی‌الآخر سال ۱۱۳ نوشته بودند برای هشام بن عبدالملک بن مروان از فارسی به عربی ترجمه شد.»

■ ... و دیگر شهرهای فارس اخبار بسیار دارد و بناهای آنجا را حکایتهاست
که ذکر آن به درازا می کشد و ایرانیان همه را مدون کرده اند. ص ۶۰۶
مروج الذهب مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ هفتم، ۱۳۸۲

- «چنانکه در زمان هخامنشیان مرسوم بود، دربار ساسانیان نیز سالنامه‌های رسمی داشت. تصور می‌رود مؤلف یا مؤلفان **خودای نامگ** از مندرجات این سالنامه‌ها استفاده کرده‌اند. خودای نامگ در آخر عهد ساسانیان و شاید در زمان یزدگرد سوم تدوین شده است.»
- «نلدکه ثابت کرده است که این تاریخ پهلوی مأخذ عمده تواریخ عربی و فارسی است، که از سرگذشت ایران قبل از اسلام سخن می‌رانند. عنوان این کتاب را، که پهلوی است به عربی سیرملوک العجم یا سیرالملوک نوشته‌اند و در فارسی آن را به **شاهنامه** ترجمه کرده‌اند.»
- «**آیین نامگ** نیز خصوصیات تشکیلات دولت و جامعه ایران را قبل از عهد ساسانیان و در عصر شاهنشاهی این سلسله در برداشته و قواعد فن جهانداری را ذکر می‌کرده است.»

■ ابوریحان بیرونی می‌نویسد: «چون قتیبه بن مسلم [سردار حجاج بن یوسف ثقفی]، در دفعهٔ دوم خوارزم را گرفت و اهل آن مرتد شده بودند ... هر کس را که خط خوارزمی می‌دانست از دم شمشیر گذرانید و آنانکه از اخبار خوارزمیان آگاه بودند از دم شمشیر گذرانید و آنانکه از اخبار خوارزمیان آگاه بودند و این اخبار و اطلاعات را میان خود تدریس می‌کردند، ایشان را نیز به دستهٔ پیشین ملحق ساخت.» ص ۵۷

■ و در جای دیگر می‌نویسد: «قتیبه بن مسلم باهلی نویسندگان و هیربدان خوارزم را از دم شمشیر گذرانید و آنچه مکتوبات از کتاب و دفتر داشتند همه را طعمهٔ آتش کرد و از آن وقت خوارزمیان امّی و بیسواد ماندند و تنها اعتماد ایشان در نیازمندیهای تاریخ به نیروی حافظه است ...» ص ۷۵

آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶

■ انتقال دستگاه خلافت از امویان به عباسیان و انتقال پایتخت به نزدیکی پایتخت سابق ساسانیان، و همچنین مشارکت ایرانیان در این انتقال، و عهده‌دار شدن صدارت خلفای عباسی، سبب شکوفایی علمی تمدن مسلمانان شد.

■ «من نمیدانم چگونه منجمان زردشتی دولت دیلمیان را همان دولت موعود [پیشگویی برگشت دولت به ایرانیان] دانستند در صورتی که دلایل ایشان بر دولت بنی‌عباس راست‌تر می‌آید و دولت بنی‌عباس هم دولتی خراسانی و شرقی است.» [آثارالباقیه ابوریحان بیرونی]

■ در سال ۲۱۳ هجری به عبدالله بن طاهر (حاکم ایرانی خراسان و ماوراء النهر) خبر دادند مقداری از کتب ایرانیان بدست آمده است. عبدالله گفت تمام آنرا در آب بریزند و شرحی به اطراف نگاشت که هر جا کتاب مجوس [منظور کتب ایرانیان قبل از اسلام] می‌بینند، نابود سازند.

[جرجی‌زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه جواهر کلام، ص ۴۴۴]

■ محمود غزنوی کتابخانه‌های خوارزم و کتابخانه ذیقیمت مجدالدوله دیلمی در ری را به آتش کشید.

- هولاکوی مغول در فتح بغداد به سال ۶۵۶ هجری، دستور داد تمام کتابهای کتابخانه‌های بغداد را نابود سازند. [جرجی زیدان]
- «موقعی که فرنگیان در زمان جنگ صلیبی، طرابلس شام را گشودند، به فرمان کنت برترام سان ژیل کتابخانه شهر را آتش زدند ... سه میلیون کتاب در آن کتابخانه بوده است.» [جرجی زیدان]
- «اسپانیولی‌ها که در اواخر قرن پانزدهم مسلمانان را از اسپانی بیرون کردند، کتابخانه‌های آن را آتش زدند.» [جرجی زیدان]
- بطور نمونه، از ۱۶۰ کتاب ابوریحان بیرونی تنها کمتر از یک‌چهارم آن باقی مانده است. [از مقدمه مترجم آثارالباقیه، پرویز اذکائی]

۱ در این کتابخانه‌ها هم چه بسیار کتب دانشمندان ایرانی بوده است.

■ حمزه اصفهانی می‌نویسد: به سال ۳۵۰ یک طرف از بنای موسوم به «سارویه» که در اندرون شهر «جی» قرار داشت ویران شد و خانه‌ای پدید آمد که در آن در حدود ۵۰ بار پوست بود. این پوستها به خطی که کسی مانند آن را ندیده بود نوشته شده بود، و معلوم نشد که این پوستها چه زمان در این بنا نهاده شده است. دربارهٔ وضع این محل شگفت‌آور از من پرسیدند. کتابی از ابومعشر منجم که به «کتاب اختلاف الزیجه» ترجمه شده بود، نزد مردم بردم. ابومعشر در آنجا می‌گوید: پادشاهان برای حفظ دانشها و به سبب علاقهٔ شدیدی که در سراسر روزگار به بقای آنها داشتند و نیز به سبب ترس از اینکه حوادث جوی و یا آفات زمینی آنها را نابود کند، لوحهایی برای نوشتن مطالب برگزیدند که در مقابل حوادث پایدارتر و از تعفن و پوسیدگی مصون باشد، و آن پوست درخت خدنگ موسوم به توز بود. ص ۱۸۲

■ ... آنگاه به قهندز (کهن دژ) که در اندرون شهر «جی» بود، آمدند و دانش های خود را در آنجا به ودیعه نهادند که تا زمان ما باقی است و «سارویه» نامیده می شود. ص ۱۸۳

■ ... به وسیله این بنا مردم دانستند که چه کسانی بدان جا آمده اند. شرح این سخن آنکه سالها قبل از زمان ما قسمتی از این بنا ویران شد و در آنجا خانه ای ساخته از گل سخت پدید آمد. در آن خانه کتابهای بسیاری از پیشینیان که بر پوست توز نوشته شده و انواع دانش های گذشتگان به خط فارسی قدیم بر آنها مندرج بود به دست افتاد و برخی از آن نوشته ها توسط کسی که به اهمیت آن پی برده بود خوانده شد. ص ۱۸۳

■ تا اینجا آنچه گفته شد قول ابومعشر در وصف بنای پابرجای اصفهان بود. وی یکی از سراهای این بنا را که کمابیش از هزار سال پیش فروریخته، ستوده و از آن به زیج شهریار تعبیر کرده است. اما سرایی که به سال ۳۰۵ هجری فروریخت سرایی دیگر بود که محلش معلوم نشد و به نظر می‌آمد که بی‌روزنه بوده است، و پس از فروریختن، کتاب‌های بزرگ و مکتوب که خواندن آنها ممکن نشد و خط آنها نیز به خطوط ملت‌های دیگر شباهت نداشت به دست آمد. باری این بنا یکی از آثار پابرجای بلاد مشرق است چنانکه بنای مصر موسوم به هرم یکی از آثار پابرجای سرزمین مغرب است. و خدا دانایتر است.

ص ۱۸۴

■ در رساله سرگذشت ابن سینا، نوشته عبدالواحد جوزجانی شاگرد ملازم او، از قول ابن سینا آمده است: در ایام جوانی که در موطن خود بخارا بودم، به علم طب علاقه‌مند شدم و به خواندن کتاب‌های پزشکی روی آوردم و چون دانش طب از دانش‌های دشوار نبود، به زودی در آن سرآمد شدم، به گونه‌ای که فضیلت علم طب، نزد من به تحصیل می‌پرداختند. من به بیماران رسیدگی می‌کردم و اسراری وصف‌ناپذیر از انواع معالجات به رویم گشوده می‌شد؛ در این ایام شانزده ساله بودم. او پس از معالجه سلطان بخارا نوح بن منصور اجازه استفاده از کتابخانه سلطنتی را کسب کرد. شگفتی بوعلی سینا از آن کتابخانه در گزارش جوزجانی برجسته است: «کتاب‌هایی دیدم که حتی نام آنها هم به گوش بسیاری از مردمان نرسیده؛ و خود من، تا آن زمان ندیده بودم و پس از آن نیز ندیده‌ام».

www.buali.ir/fa/publications/publications1397/canon1

ابن خلدون در مقدمه معروف خود می‌نویسد:

«از شگفتی‌هایی که واقعیت دارد این است که بیشتر دانشوران ملت اسلام، خواه در علوم شرعی و چه در دانشهای عقلی، بجز در موارد نادری غیرعرب‌اند و اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث نژاد عرب‌اند، از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ و استادان عجمی هستند.»

«به جز ایرانیان کسی به حفظ و تدوین علم قیام نکرد از این رو مصداق گفتار پیامبر (ص) پدید آید که فرمود: اگر دانش بر گردن آسمان درآویزد، گروهی از مردم فارس بدان نائل می‌آیند و آنرا بدست می‌آورند.»

«از سوی دیگر اعراب تنها به امور کشورداری توجه داشتند و پرداختن به دانش را حقیر می‌شمردند... اما علوم عقلی (مانند ریاضیات، نجوم، پزشکی و جز آن) نیز به ایرانیان اختصاص یافت و اعراب آنها را نیز رها کردند و جز ایرانیان عربی‌دان کسی از این علوم آگاهی نداشت.»

■ «... و این دانشها همچنان در شهر متداول بود تا روزگاری که تمدن و عمران در ایران و بلاد آن کشور مانند عراق و خراسان و ماوراءالنهر مستقر بود، ولی همین که شهرهای مزبور به ویرانی رفت و تمدن و عمران که از اسرار ایزدی در پدید آمدن دانش و صنایع است از آن سرزمین دور شد ...»

ترجمه محمد پروین گنابادی

■ چنانکه از مآخذ برمی آید بودا یا یکی از شاگردان او کتابی نیز به فارسی داشته است. [خوارزمی، مفاتیح العلوم]

به نقل از دکتر عبدالحسین زرین کوب در دو قرن سکوت

- عهد بزرگ تمدن ادبی و فلسفی ایران با سلطنت خسرو اول انوشیروان آغاز می‌شود. [کریستنسن]
- ترجمه کتب هندی، سریانی و یونانی به زبان پهلوی در دوران انوشیروان،
- ایرانیان در قدیم از فلسفه و منطق چیزهایی را به پارسی درآورده بودند که عبدالله بن مقفع و دیگران آنها را به عربی ترجمه کردند. [الفهرست]
- مشهورترین مدرسه طب، مدرسه گندی شاپور بود که پس از انقراض ساسانیان نیز باقی ماند و در قرون نخستین اسلامی مرکز مهم علم طب بشمار می‌رفت. [کریستنسن]
- امپراتوری ساسانی میانجی فرهنگ هندی بود. [تاریخ ایران کمبریج]

ترجمه کتاب سموم شاناق هندی از هندی به فارسی

■ از جمله کسانی که از هندی به عربی ترجمه می‌کردند، منکة هندی بود. او کتابی در زمینه سموم منسوب به شاناق (سنسکریت: چانکیه) برای یحیی بن خالد برمکی به پهلوی ترجمه کرد، اما چون خط پهلوی نمی‌دانست، کتابت آن را به ابوحاتم بلخی سپرد. همین کتاب در عهد مأمون توسط عباس بن سعید جوهری تحت عنوان السموم به عربی ترجمه شد (ابن ابی اصیبعه، ۱ / ۳۳). جاحظ نیز به ترجمه کتاب السموم شاناق اشاره کرده است (البیان...، ۱ / ۶۴). منکة هندی کتاب سسر (اثر سوشروته) را نیز که در ۱۰ باب تنظیم شده بود، به سفارش یحیی بن خالد برمکی برای استفاده در بیمارستان بغداد (به پهلوی؟) ترجمه کرده بود (ابن ندیم، ۴۲۱).

گزیده‌ای از کتب علمی به فارسی نو

- ابوریحان در کتاب الجواهر به ما اطلاع می‌دهد که در زمان سامانیان، نصر بن یعقوب دینوری کاتب کتابی در جواهرشناسی به فارسی تالیف کرده بود. [استاد جلال الدین همایی در التفهیم، ص ۱۰۹]
- ده نامه در مفردات طبری به زبان فارسی که ابوریحان بیرونی بدون ذکر نام مؤلف نام آن را در کتاب الصیدنه فی الطب خود آورده است. [مهدی بیانی، ۱۳۸۸]
- کتابی در دستور زبان فارسی تألیف ابوحنّیان توحیدی به زبان فارسی (متولد حدود ۳۱۰ و متوفی حدود سال ۴۰۱) [مهدی بیانی، ۱۳۸۸]

■ به علاوه، کتابهای مربوط به داروشناسی و مفردات پزشکی در دوره اسلامی پر از نامهای ایرانی داروها و مفردات گیاهی است که بی‌گمان بسیاری از آنها در متون فارسی میانه سابقه داشته است.

■ ترجمه از سنسکریت و پهلوی به عربی – دائرة المعارف بزرگ اسلامی

کتاب منظوم دانشنامه میسری

- این کتاب در دانش پزشکی و منظوم است. شروع تألیف آن سال ۳۶۷ و پایان تألیف آن سال ۳۷۰ هـ ق بوده است.
- میسری بنا بر آنچه خود در دانشنامه آورده در حدود سال ۳۲۴ هـ ق متولد شده است.
- مؤلف دو بار از کتاب به نام «دانش‌نامه» یاد کرده است. یکی در آغاز کتاب و بار دیگر در پایان کتاب.
- به تاریخ آغاز و انجامِ نظمِ دانشنامه در متن کتاب به صراحت اشاره شده است.

متینی، ج. «درباره دانشنامه میسری»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۵۱.

هدایة المتعلمین تألیف ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی البخاری تاریخ تألیف حدود ۳۷۰ هـ ق

- قدیمی ترین متن طبی پارسی است که تاکنون بدست ما رسیده است.
- وجود این کتاب علاوه بر آنکه از این حقیقت حکایت می کند که در یک هزار سال پیش زبان فارسی برای نگارش کتابی در علم طب مایه کافی داشته است، از جهات مختلف دیگر نیز مانند تاریخ طب، اسلوب نگارش، لغات علمی پزشکی پارسی، شیوه خاص رسم الخط و تلفظ مخصوص بعض از کلمات حائز کمال اهمیت است.
- برخی از لغات و ترکیبات علمی فارسی که ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا در آثار خود بکار برده اند مانند: آمیختن، باریک، برسو، پذیرا، تنومندی، چگونگی، چندی، فروسو، ناپذیرا، یکی و ... که قدیمی ترین لغات علمی فارسی شناخته می شد در کتاب هدایه که تاریخ تألیفش بر تألیف آثار این دو دانشمند مقدم می باشد بکار رفته است.

■ کتاب هدایه با آنکه بوسیله یکی از شاگردان مکتب رازی که تابع اصول طبی این استاد بزرگ بوده است تألیف شده و مؤلف نیز از آن بعنوان کتابی «سبک و آسان» که «بقدر طاقت مبتدیان» است یاد کرده، پس از تألیف کتاب «قانون» و شهرت آراء ابن سینا همچنان اهمیت و اعتبار خود را حفظ کرده بطوری که در قرون بعد نیز از آن بعنوان کتاب درسی استفاده می شده است.

■ موضوع قابل توجه آنست که اخوینی در روزگاری که بیشتر آثار علمی و ادبی فارسی به تشویق شاهان و امرا به رشته تحریر در می آمده است، کتاب هدایه را برای فرزند خود تألیف کرده است:

■ «اکنون تو کی فرزند منی اندر خواستی از من کتابی بیاب بجشکی [پزشکی] سبک و آسان تا ترا خاصه از من یادگار [یادگار] بوذ و دیگر مردمان را فایده بوذ. اجابت کردم ترا بدین و یاری خواهم از خدای عزوجل بتمام کردن این غرض انه الجواد الکریم»

■ فایده دیگری که از این نسخه بدست می‌آید آنست که چون کاتب بسیاری از کلمات را با اعراب نوشته است به تلفظ صحیح این کلمات در آن روزگار واقف می‌شویم و اگر آنها را تلفظ اخوینی بخاری مؤلف کتاب هدایه در قرن چهارم ندانیم یقیناً تلفظ کاتب این نسخه در سال ۴۷۸ هجری است. با توجه بدین موضوع که چون اعراب در خط فارسی نوشته نمی‌شود ما از تلفظ کلمات فارسی در دوره‌های مختلف بی‌خبریم و براستی نمی‌دانیم که شاعران و نویسندگان ما آنچه را در قرون گذشته سروده و نوشته‌اند و ما امروز در اختیار داریم چگونه تلفظ می‌کرده‌اند، وجود کلمات مشکول این نسخه تا حدی ما را در کشف این امر یاری می‌کند.

■ نسخه کتابخانه بادلیان مکتوب بسال ۴۷۸ هجری که بعنوان «نسخه اصل» از آن نامبرده است از جهت تاریخ کتابت پس از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه مکتوب بسال ۴۴۷ که به خط اسدی طوسی است قرار دارد و از نظر قدمت دومین کتاب خطی فارسی است که تاکنون بدست ما رسیده است.

حدود العالم من المغرب الى المشرق (تأليف ۳۷۲ هـ ق)

به امير ابوالحارث محمد بن احمد از سلسله فریغونيان که در گوزگانان (قسمت شمالی افغانستان کنونی) حکمرانی داشته‌اند اهدا گردیده است.

■ زمین گرد است چون گویی و فلک محیطست بروی، گردان بر دو قطب، یکی را قطب شمالی خوانند و دیگر را قطب جنوبی.

■ بفرخی و پیروزی و نیک اختری امیرالسیدالملک العادل ابی‌الحارث محمد بن احمد مولی امیرالمؤمنین اطال الله بقاءه و سعادت روزگار وی آغاز کردیم این کتاب را اندر صفت زمین در سال سیصد و هفتاد و دو از هجرت پیغمبر صلوات‌الله‌علیه و پیدا کردیم اندر وی صفت زمین و نهاد وی و مقدار آبادانی و ویرانی وی و پیدا کردیم همه ناحیتهاء زمین و پادشاییهاء وی آنچ معروفست، با حال هر قومی کاندرا ناحیتهاء مختلف‌اند و رسمه‌اء ملوک ایشان چونانک اندرین روزگار ما هست. با هر چیزی کی از آن ناحیت خیزد.

- کتابی در جغرافیای عمومی، به زبان فارسی از مؤلفی ناشناخته. این اثر که نگارش آن در ۳۷۲ ق آغاز گشته، کهن‌ترین متن جغرافیایی به جا مانده به زبان فارسی است.
- اهمیت تألیف مزبور در این است که به مراتب مشروح‌تر از تألیفات دیگر جغرافیانویسان مسلمان است که به دست ما رسیده، و از متصرفات ترکان و به‌طور کلی بخش غیرمسلمان‌نشین آسیای مرکزی سخن گفته است.
- از کتاب حدود العالم تا ۱۳۱۰ ق / ۱۸۹۲ م اطلاعی در دست نبود. در این سال، تومانسکی تنها نسخه این کتاب را – که در ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸ م به وسیله عبدالقیوم بن حسین بن علی فارسی استنساخ شده بود در بخارا به دست آورد.

التفهيم تأليف استاد الرئيس ابوريحان بيروني (سال تأليف ٤٢٠ هـ ق)

- ابوريحان در صفحه نخست كتاب التفهيم مي نويسد: «و اين يادگار همچنين كردم مر **ريحانه بنت الحسين الخوارزمي** را كه خواهنده او بود بر طريق پرسيدن و جواب دادن بر رويي كه خوبتر بود و صورت بستن آن آسانتر. و ابتدا كردم به **هندسه** پس به **شمار** پس به **صورت عالم** پس به **احكام نجوم**. ازيراك مردم نام منجمي را سزاوار نشود تا اين چهار علم را بتمامي نداند و ايزد تعالي توفيق دهنده است بر صواب گفتار و كردار بمنّت خويش.»
- ابوريحان كتاب التفهيم را يك بار به فارسي و يك بار به عربي در سال ٤٢٠ ق نوشته است.

- بهترین نمونه مهارت او در نثر فارسی کتاب التفهیم است که علاوه بر پختگی و وفور مسائل علمی ریاضی از مبادی هندسه تا احکام نجوم، در بلاغت و حسن انشاء و زیبایی اندام و ترکیب عبارات و خوش سلیقگی در انتخاب کلمات فصیح نژاده فارسی ما بین آثار باقیمانده قدیم مطلقاً نظیر و تالی ندارد. شیوه نثر ابوریحان از جهاتی که اشاره کردیم ما بین همه آثار فارسی ممتاز و سرشناس است؛ و در نظر اساتید فن ادب، بر فارسی نویسی فیلسوف معاصرش ابوعلی سینا نیز مزیت و برتری واضح دارد. ص ۱۰۷
- ابوریحان در این کتاب کوشش داشت که معادل کلمات عربی و حتی اصطلاحات متداول علمی را به زبان فارسی خالص بیاورد و بدین سبب کتاب تفهیم منبعی سرشار از کلمات اصیل جزیل و جمله بندیهای قدیم خوش اندام فارسی است. ص ۱۰۸

دانشنامهٔ علائی تألیف شیخ الرئیس ابوعلی سینا

■ دانشنامهٔ علائی مشتمل است بر جمیع اجزای فلسفه یعنی منطق و الهیات و طبیعیات و ریاضیات،

■ ارزش این کتاب در این است که شیخ مصطلحات فارسی را در برابر اصطلاحات عربی به کار برده و ثابت کرده است که برخلاف عقیده برخی که می‌گفتند زبان فارسی زبان علم نیست، با زبان فارسی هرگونه علمی را می‌توان بیان و بررسی کرد.

(مهدی محقق در پیشگفتار)

■ ابن سینا در مقدمه دانشنامه آرد:

«فرمان بزرگ خداوند ما - ملک عادل مؤید منصور، عضدالدین علاء الدوله و فخرالملله و تاج الأئمه ابوجعفر محمد بن دشمنزیار، مولی امیرالمؤمنین، زندگانش دراز باد، و بخت پیروز، و پادشاهیش بر افزون - آمد بمن بنده و خادم درگاه وی - که یافته‌ام اندر خدمت وی همه کامهای خویش از ایمنی و بزرگی و شکوه و کفایت و پرداختن بعلم و نزدیک داشتن - که باید مر خادمان مجلس وی را کتابی تصنیف کنم بپارسی دری...»

رگ‌شناسی یا رساله در نبض، شیخ الرئیس ابوعلی سینا

بوعلی در مقدمه رساله رگ‌شناسی گوید:

■ فرمان علاءالدوله بمن آمد که اندر باب دانش رگ کتابی کن جامع که همه اصلها اندر وی بود بتفضیل، پس فرمانرا پیش گرفتم و به اندازه طاق و دانش خویش این کتابرا تصنیف کردم بزبان پارسی چنانکه فرمان بود.

■ ابو عبید جوزجانی^۱ رساله‌ای در هندسه را بر اساس یادداشتهای ابن سینا فراهم آورد و نسخه‌ای از آن در بنگال نگهداری می‌شود.

■ کتاب **الحيوان به فارسی** (نسخه‌ای از آن در دست نیست) نیز تألیف وی است.

^۱ ابو عبید جوزجانی، عبدالواحد بن محمد، یکی از مشهورترین شاگردان و ملازمان ابن سینا و نیز گردآورنده و شارح برخی از آثار او.

الابنيه عن حقايق الادويه تأليف ابومنصور موفق هروى،

- اين كتاب قديمترين كتاب «گياه داروشناسى» موجود به فارسى است.
- از اين اثر ارزشمند نسخه‌اى تاريخدار و بى‌مانند به خط اسدى طوسى در ۴۴۷ ق باقى مانده است.
- اين نسخه قديمترين نسخه خطى تاريخدار فارسى است كه تاكنون يافت شده است و در كتابخانه ملي اتريش نگهدارى مى‌شود.

نسوی، ابوالحسن علی بن احمد (۳۹۳-۴۹۳ ق) ریاضیدان و منجم

■ در ری زاده شد. از هشت سالگی به نگهداری پرندگان شکاری پرداخت و علاقه‌اش به این کار او را به سپاهیگری و خدمت پادشاهان کشاند. در هندسه چندان زبردست بود که نصیرالدین طوسی او را الاستاد المختص نامیده بود که به صورت Doctor Almochtasso به متون لاتینی راه یافته است. بیشتر آثارش به لاتینی و زبانهای اروپایی ترجمه شده است. از پیشروان بهره‌گیری از کسره‌های اعشاری بود. آثار:

□ **بازنامه**، به فارسی درباره فن نگاهداری مرغان شکاری که در ۷۰ سالگی نوشته است.

□ **المقنع فی الحساب الهندی**، نسوی نخست آنرا به زبان فارسی نوشت و سپس به عربی ترجمه کرد. روایت فارسی که متأسفانه به دست ما نرسیده کهن‌ترین رساله حساب فارسی به شمار می‌رود. متن عربی به زبانهای فرانسه، آلمانی و روسی ترجمه و به فارسی شرح شده است.

ابوجعفر محمد بن ایوب حاسب طبری

- ریاضیدان و ستاره‌شناس فارسی‌نویس نیمهٔ دوم قرن پنجم هجری. از زندگانی او آگاهی چندانی در دست نیست.
- آثار حاسب طبری در زمرهٔ متون کهن علمی به زبان فارسی شمرده می‌شود.
- هیچ اثری هم به زبان عربی از او گزارش نشده است. با این همه، قابل تأمل است که عنوان برخی از آثار او، به زبان عربی است. حتی در زیج مفرد، شماره‌بندی بابها با اعداد ترتیبی عربی، و عنوان برخی از آنها نیز بدین زبان است.

■ اصطلاحات علمی موجود در آثار طبری درخور توجه است. به عنوان مثال، اصطلاحات ریاضی بکار رفته در مفتاح المعاملات را می‌توان به ۳ گروه تقسیم کرد: یک دسته اصطلاحاتی عربی که جای خود را در زبان فارسی باز کرده‌اند، و امروزه نیز به کار می‌روند، مانند عدد، نقطه، خط، شکل، زوج و فرد؛ دسته دوم آنهایی که امروزه متداول نیستند، مثل مساحت (= اندازه و طول)، مربع معین (= لوزی) و مربع شبه‌المعین (= لوزی‌وار)؛ و دسته سوم، اصطلاحات فارسی ریاضی است که حاسب طبری به جای اصطلاحات عربی به کار برده است، به عنوان نمونه، این موارد شایان توجه‌اند: برافزودن، بر هم گرفتن، و گرد آوردن (= جمع کردن)؛ افکندن، برفتن، و فرو نهادن (= کسر کردن)؛ بخشیدن (= تقسیم کردن)؛ زدن (= ضرب کردن)؛ دولا کردن (= مضاعف کردن)؛ میانه (= تفاضل)؛ سِیک (= ثلث)؛ درخورنده (= متناسب)؛ چندی (= کمیت)؛ بکردار (= نظیر)؛ دوری (= فاصله)؛ گرد آمده (= مجموع)؛ پاره (= قطاع دایره). البته بعضی از این اصطلاحات پیش از آن، در کتابهای دیگر مثل التفهیم بیرونی و دانشنامه ابن‌سینا آمده است.

شمارنامه (در علم حساب) تألیف حاسب طبری

- شامل یک مقدمه کوتاه و ۳ فصل است. فصل اول در ۱۷ باب درباره اعداد درست و اعمال ریاضی (چهار عمل اصلی و جذرگیری و کعب‌گیری) بر روی آنهاست. فصل دوم در ۳۰ باب درباره همین اعمال ریاضی بر روی کسرهای متعارفی است. فصل سوم (در طریقت اهل صنعت نجوم) که ۱۷ باب دارد و درباره اعمال اصلی حساب و نیز استخراج جذر و کعب در مبنای ۶۰ است.
- تنها نسخه شناخته شده از شمارنامه، در ۸۷۱ ق تحریر شده است. به نظر می‌رسد با توجه به سال کتابت نسخه شمارنامه، این کتاب در گذر زمان دچار تغییراتی شده، و کلمات کهن و نامأنوس آن به مرور زمان به صورتهای تازه و مأنوس تبدیل شده باشد؛ چنانکه کاربرد ارقام در نسخه خطی شمارنامه از قرائن تازگی آن است.

■ شایان توجه است که بابهای ۸ و ۹ از فصل دوم شمارنامه (استخراج جذر و کعب کسرها) که پس از المقنع فی الحساب الیهندی نسوی نوشته شده، عیناً مانند بابهای یادشده از این کتاب است و حتی مثالهایی که در آنها آمده است، با هم فرقی ندارند.

■ عنوان باب ۱۴ از فصل سوم شمارنامه، در «جذر گرفتن به اصفار» است، که روشی است برای بالا بردن دقت. در این روش که کوشیار گیلانی و نسوی نیز آن را بکار برده‌اند، از این دستور استفاده می‌شود.

مفتاح المعاملات، محمد بن ایوب طبری، قرن پنجم

- این کتاب بطوری که از نام آن بر می آید «کلید عملهای حساب» در حساب و هندسه عملی است و برای برخورداری عامه مردم نگارش یافته است.
- حساب و هندسه کمتر موضوع مستقلی در زبان فارسی قرار گرفته است. این کتاب از نظر کمیت شش برابر بخش «هندسه و شمار» التفهیم است.
- محمد بن ایوب مبنای کار خود را «اختصار عبارات و نزدیکی آنها به فهم» قرار داده است.

(از مقدمه مصحح)

مفتاح المعاملات (ادامه)

- از همه مهم‌تر وجود تعداد فراوانی از کهن‌ترین اصطلاحهای ریاضی فارسی در این کتاب است که مجموعه‌ی کاملی از آنها فراهم آمده و ضمیمه‌ی آخر کتاب شده است. آنچه در نگاه اول در این زمینه به چشم می‌خورد کثرت و تعداد اصطلاحات و تعبیرات برای مفاهیم واحد است.
- برای بیان پاره‌ای از مفاهیم هم بجای ذکر اصطلاحی خاص، تعریف آن را به صورت جمله‌ای آورده و گاهی تکرار این جمله‌ها موجب ناهمواری نثر و دشواری فهم مطلب می‌گردد ... و اینهمه نشانه‌هایی است از ناپختگی و ناهمواری زبان علمی، و جا نیفتادگی اصطلاحات آن در روزگار مؤلف.
- تردیدی نیست که وجود کلمه‌های مترادف مایه‌ی زیبایی و آراستگی آثار ادبی یک زبان است اما در یک زبان علمی که دقت و صراحت و قطعیت شرط اصلی و لازم آن است هر اصطلاح علمی باید برای یک مفهوم خاص و معینی به کار رود و برای هر معنی و مفهومی هم اصطلاح واحد و معین و ثابتی باید وجود داشته باشد.
(از مقدمه مصحح)

■ اما این نکته از ارزش این گنجینه کهن که غنیمتی گرانقدر برای زبان علمی ماست نمی‌کاهد و فرصتی است برای اهل فن که با بررسی دقیق این اصطلاحات و مقایسه آنها با استعمالات آثار مشابه و به‌گزینی اصطلاحات لازم و مناسب از میان آنها زبان فارسی را غنی‌تر گردانند.

(از مقدمه مصحح)

■ حاسب طبری مفتاح المعاملات را پس از شمارنامه به عنوان متمم و مکمل آن تألیف کرده، و همه مطالب در فصل اول شمارنامه – به جز بخش مربوط به کعب‌گیری – را در آن با تفصیل بیشتر آورده است. با این حال، مفتاح المعاملات – برخلاف شمارنامه – اثری است بیشتر عملی و شامل بخشهایی در فرایض و معاملات (فصل سوم)، مسائل حسابی (فصل چهارم در نوادر و مضمورات)، حساب خطأین و نیز فصلی در اندازه‌گیری مساحت اشکال هندسی (فصل ششم) است.

■ زیج مفرد یکی از زیجهایی است که الهامبخش تدوین زیج شمس منجم (به فارسی) بوده است. حاسب طبری در زیج خود، برای طول سال اعتدالی، مقدار $۳۶۵ / ۲۴۰۳$ روز را بدست آورده است. چند باب این زیج مربوط به تقویم و رویدادنگاری است که درخور توجه است. عنوان باب ۱۹ از فصل اول زیج مفرد «در معرفه توقیعات و اعیاد اهل الملل» است که به عنوانهای مراسم و تاریخ تقویمی پارسیان، و توقیعات و اعیاد عرب، روم و یهود می‌پردازد.

■ **معرفة الاطرلاب** (یا اسطرلاب)، مشهور به **شش فصل**، که ظاهراً کهن‌ترین کتاب فارسی در زمینه اسطرلاب است. مطالب هر فصل به صورت سؤال و جوابهایی بیان گردیده که با حروف ابجد شماره‌گذاری شده است. در فصل نخستین، انواع اسطرلابهای کروی و مسطح و شکل و ساختمان و قطعات آنها شناسانده شده، و در فصل دوم خطوط و دوائر و نوشته‌های صفحه اسطرلاب بیان گردیده است. در فصلهای سوم و چهارم روش استفاده از پشت و روی اسطرلاب برای گرفتن ارتفاع ستارگان و تعیین وقتها و طول و عرض شهرها و دیگر استخراجات نجومی آمده است. فصل پنجم امتحان اسطرلاب و شناخت عیب و نقص قطعات و خطوط روی آن است. آخرین فصل کتاب کاربرد اسطرلاب در اندازه‌گیریهای زمینی است از ارتفاع کوهها و مناره‌ها و عمق چاهها و گودالها و عرض رودها و مسافت بیابانها و جز آنها.

کتاب العمل و الالقاب فی معرفه علم الاسطرلاب^۱

مشمول بر مجموعه کاملی از اصطلاحات کهن ستاره‌شناسی و ستاره‌یابی [ریاحی]

■ این کتابی است که او را کتاب العمل و الالقاب خوانند، و تصنیف کردست محمد بن ایوب الحاسب الطبری اندر معرفت علم اصطرلاب از بهر کسانی که بدین دانش نیازمند باشند و خواهند که بشناسند و آگاه گردند از آن علمها که بر اصطرلاب ساخته و نهاده باشند، و نشان هر پاره‌ای و اعضایی، و آن نبشته‌ها و نگاشته [ها] و خطها و دایره‌ها و حرفها و عملها که برو باشد، خاصه از بهر مجلس خداوند ما را که چشمه روزگار و یگانه زمانه است که همچنین در مزید دولت و تأیید و قدرت و سعادت و نعمت پاینده همی‌باد چندانکه خواهد، که این دانشی شریف است و آلتی لطیف و صنعتی تحقیق و برو است جمله مدار علم نجوم، و دانستن او ناگزیر است که جمله کارهای نجومی را مدار بروس.

^۱ این کتاب تحریر دیگری از شش فصل است و بیشتر مطالب آن برگرفته از همان کتاب است، اما مطالبی نیز افزون بر آن دارد (شهیدی، دایره المعارف بزرگ اسلامی)

نزهت نامه علائی تألیف شهردان بن ابی الخیر (قرن پنجم)

■ نزهت نامه علائی دائره المعارفی است که درباره مسائل مختلف علمی و ادبی و تاریخی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب از نخستین آثاری است که به عنوان مجموعه‌ای از دانشهای مختلف تألیف شده است و یکی از قدیمترین کوششها برای طبقه‌بندی علوم از جمله نجوم، ریاضی، هندسه، کیمیا، طب، منطق، مردم‌شناسی، حیوان‌شناسی، معدن‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و غیره بشمار می‌رود. همانطور که نویسنده کتاب ادعا می‌نماید مطالب آن برای متخصصین و خواص نوشته نشده است.

گفتار اندر سبب تألیف این کتاب و فهرست مقالات

مؤلف و جمع کننده این کتاب شهردان بن ابی الخیر چنین گوید: چون مدتی در گرگان و استرآباد بر عطلت بماندم از صناعت خویش و آن دبیری و استیفاست و روزگار ناهموار و ناموافق پیش آمد و گفتار حق پیغامبر صلوات الله علیه «من اعان ظالماً سلطه الله علیه» در من کار کرد و اگرچه اولیاء النعم اعز الله انصارهم از درگاه عالی اعلاه الله خداوندیها فرمودند و شفقتها نمودند و پیش خدمت خواندند از آنچه اسباب موانع مستولی بود توفیق مساعدت نمود. از بهر آسایش و تزجیه الایام چند کتاب تصنیف کردم، از آنجمله یکی کتاب البدایع است در خواص و طبایع و منافع و چند علم دیگر که از کتب بسیار برگزیدم، و از بهر آنچه بتازی بود خواستم تا فایده آن متداول و منتشر گردد و عام باشد میان خواص و عوام کتابی ساختم **بپارسی دری** و بر آن کتاب اول زیادت و نقصان کردم چنانکه بایست و ترتیب بگردانیدم و از چند نوع دیگر که در آن کتاب نیست در اینجا از هر یک طرفی درآوردیم و بر دوازده مقالت نهادم اندر دو قسم ... ص ۷ و ۸

روضه المنجمين تأليف شهردان بن ابى الخير

- شهردان در نجوم شاگرد ابوالحسن على بن احمد نسوى بوده و در روضه المنجمين از او با عنوان استاد مختص ياد مى‌کند و اين همان عنوانى است که خواجه نصيرالدين طوسى هم براى نسوى آورده است.
- شهردان در مقدمه روضه المنجمين در سبب تأليف اين کتاب مى‌نويسد که «اين نه علم و صنعت» اوست و مى‌افزايد که آن را به اشارت حکيم على بن ابراهيم کرمانى تأليف کرده و بر آن بوده تا اثرى فراهم آورد عارى از حشو و آسان‌خوارى و درخور استفاده پارسي‌دانان و، با اين همه، به دور از دري مطلق که از تازى دشوارتر است.

شهمردان در مقدمه روضة المنجمین می نویسد:

■ و از همه طرفه تر آنست که چون به پاریسی کتابی کنند گویند از بهر آسانی عبارت نهادیم تا آنکس که تازی نداند بی بهره نماند. پس سخنهایی همی گویند **دری ویژه مطلق** که از تازی دشوارتر است و اگر بسخنهای متداول گویند دانستن آسانتر بود.

■ نورالعیون، تألیف ابوروح محمد بن منصور بن ابی عبدالله بن منصور جرجانی یمانی، معروف به «زرین دست» و «معالج»، پزشک دربار ملکشاه سلجوقی (حک. ۴۶۵-۴۸۵ ق) است. این کتاب تا به حال اولین کتاب فارسی در چشم پزشکی شناخته شده که در سال ۴۸۰ ق تألیف آن به پایان رسیده و به ملکشاه اهدا گردیده است.

■ کتاب در ده مقاله ترتیب یافته و اطلاعات آن شالوده دانش پیشینیان در این فن است، به اضافه آنچه مؤلف تجارب و یافته‌های خود را بدان افزوده و کتاب را همچون حنین بن اسحاق به صورت سؤال و جواب طرح‌ریزی نموده و به هدف آموزش این فن، خطاب به فرزندش نگاشته است. از مهمترین مباحث کتاب، مقاله هفتم آن است که در آن به روش‌های جراحی چشم پرداخته و بیماری‌های قابل علاج با جراحی و شیوه و ابزار و آلات جراحی هر یک را توضیح می‌دهد.

کیهان شناخت، تألیف بین سنوات ۴۹۸ تا ۵۰۰ ه ق، حسن بن علی بن قطان مروزی (۵۴۸-۴۶۵ ه ق)

■ سپاس آفریدگار را کی هرج آفرید درست و خوب آفرید و ستایش آن کردگار را کی هرج کرد بسند و بسندیده کرد داننده پيدا و نهان، سازنده کار هر دو جهان هر گونه چیزها آفرید و دانست که از هر چیز چه آید و از هر دوئی چه زاید. آسمانها بیافرید بقدره و در میان ایشان زمین نهاد بحکمت. آسمانها بر هم نهاده و در میان زمین ایستاده. یکی را جنبش و یکی را آرام و هر دو خواست و فرمان او را رام و درود بر فرستادگان او کی کزیدگان و پاکان بوذند و مردم را بپرستش او راه نمودند. هرج گفتند راست گفتند و بهتری مردم جستند و درود خدای تعالی بر ایشان باد و ما را از نادانی و کم راهی نگاه داراد».

ذخیره خوارزمشاهی (در دانش پزشکی)

- سید اسمعیل جرجانی کتاب ذخیره خوارزمشاهی را نخست بفرسی نوشت و سپس آنرا عیناً از فارسی بعربی نقل کرد.
- وی کتاب ذخیره خوارزمشاهی را در سال ۵۰۴ ق بنام قطب‌الدین محمد خوارزمشاه مؤسس سلسله خوارزمشاهیان تألیف کرد و پس از فراغت از تألیف گرفتار ملامت و سرزنش گروهی از معاصران خویش گردید که چرا کتاب را بعربی تألیف نکرده است پس بناچار دوباره کتاب را از فارسی بعربی نقل نمود. در مقدمه عربی می‌نویسد: «بعد بلوغی السبعین من عمری جمعت بخوارزم کتاب الذخیره الخوارزمشاهیه فی الطب باللغه العجمیه و بعد فراغی منه وجدت کلّ من نظر فی ذلک الکتاب یتأسّف علیه و یعاتبنی (یعاقبنی) فیهِ و یقول لیتک جمعت هذا الکتاب باللغه العربیه لیکون استمتاعُ الناسِ به اکثر»

کفایة التّعلیم فی صناعة التّنجیم

تألیف ابوالمحمّد محمد بن مسعود بن محمد غزنوی به سال ۵۴۳ ق

- برخی از واژه‌های بکار رفته در کفایة التّعلیم فی صناعة التّنجیم در فرهنگ‌های فارسی ضبط نشده است. چنین واژه‌هایی (در این کتاب و کتابهای همانند) باید در نگارش فرهنگهای فارسی مورد بهره‌گیری قرار گیرد.
- در فرهنگهای فارسی، از جمله لغتنامه دهخدا، برای برخی واژه‌های نادر، شاهدهی یافت و ذکر نشده است؛ در حالی که می‌توان از کفایة التّعلیم در این زمینه سود جست.
- کفایة التّعلیم دربرگیرنده بسیاری از اصطلاحات علمی فارسی است. با استخراج و دسته‌بندی اصطلاحات این کتاب و دیگر کتابهای علمی کهن، می‌توان فرهنگ‌نامه‌ای برای اصطلاحات علمی فارسی تدوین کرد. نگارش چنین فرهنگ‌نامه‌ای بسیاری از دشواریهای فرهنگستان را در امر واژه‌سازی و واژه‌گزینی اصطلاحات علمی مرتفع خواهد کرد. (پیوست خ را ملاحظه نماید)

جهان دانش تألیف شرف‌الدین مسعودی

- «جهان دانش» کتابی است در هیئت و نجوم و جغرافیای ریاضی که شرف‌الدین مسعودی مروزی، از دانشمندان ریاضیدان ایرانی که بر مذهب حنفی بوده و در بخارا می‌زیسته، آن را به سال ۵۴۹ به فارسی نگاشته است. این کتاب تحریر فارسی «الكفاية في هيئة العالم» اوست که برای استفاده فارسی‌زبانان نوشته شده است.
- مؤلف در نگارش آن به اثر بیرونی نظر داشته و در حقیقت، کل کتاب او شرح یکی از ابواب التفهیم (هیئت و معرفه الاقالیم) است.
- از جهان دانش نسخه‌های خطی فراوانی در گوشه و کنار جهان در دست است و همین امر اهمیت و رواج آن را در ادوار گذشته می‌رساند.

■ مسعودی مؤلف کتاب جهان دانش نخست کتابی بنام الکفایة فی علم الهيئة بزبان عربی تالیف کرد و سپس آنرا خودش به فارسی ترجمه نمود و جهان دانش نام نهاد.

■ شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد مسعودی در مقدمه کتاب جهان دانش مینویسد «چنین گوید مؤلف این کتاب محمد بن مسعود المسعودی رحمه الله که چون از تالیف کتاب الکفایة فی علم الهيئة فارغ شدم جماعتی از دوستان چنان صواب دیدند که آن کتاب را ترجمه سازم بیارسی تا منفعت او عام باشد و هرکسی قریحتی صافی و طبع راست دارد اگرچه لغت تازی نداند بدین کتاب انتفاع تواند گرفت. بر صوابدید دوستان رفتم و کتاب را بیارسی ترجمه کردم و نامش جهان دانش نهادم.»

گزیده‌ای از کتب علمی به فارسی نو (ادامه)

■ ابوالفتوح رازی از علما و نویسندگان بزرگ فارسی قرن ششم هجری است. شیخ ابوالفتوح مؤلفاتی دارد و مهمتر از همه تفسیر قرآن موسوم به «روض الجنان و روح الجنان» است به زبان فارسی که در پنج مجلد در طهران بطبع رسیده است. ص ۳۹۱

■ کتاب حدایق الانوار فی حقایق الاسرار از کتب علمی قرن ششم هجری است و آنرا امام محمد بن عمر بن الحسین بن علی الطبری الرازی ملقب به فخرالدین و معروف به امام فخر (۵۴۴ یا ۳ - ۶۰۶) بر حسب اشاره سلطان تکش خوارزمشاه (۴۶۸-۵۹۶) تألیف کرد و شصت علم از علوم عصر را در آن کتاب به پارسی فرا نمود. ص ۳۹۶

■ حُبَيْش بن ابراهیم از دانشمندان قرن ششم:

- کامل التعبير - یا کامله التعبير به زبان پارسی در تعبیر خواب،
- بیان الطب به فارسی،
- مُلحمه دانیال که بنام اصول الملاحم نیز نامیده میشود، به فارسی است و از تازی ترجمه کرده است.
- بیان الصناعات،
- صحه الابدان،
- تلخیص علل القرآن،
- کتاب التوافی به فارسی که بنام قطب الدین و بامر قلج ارسلان پادشاه مذکور تألیف کرده است.
- قانون الادب در لغت از عربی به پارسی،
- بیان النجوم که شامل سه مبحث هیئت و نجوم و اسطرلاب به پارسی است.

■ جواهرنامه: رساله‌ای به فارسی از نصر بن یعقوب دینوری کاتب که به گفته بیرونی بیشتر مطالب آن از کتاب کندی است. ثعالبی از نصر بن یعقوب کتابی به نام حقه الجواهر فی المفاخر نام می‌برد. به نظر می‌رسد آن دسته از اسامی گوهرها که فارسی است، از این اثر به کتاب بیرونی راه یافته باشد. از کتاب نصر بن یعقوب نسخه‌ای در دست نیست.

■ در میان جواهرنامه‌های فارسی مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اثر، جواهرنامه نظامی است. این کتاب تألیف ۵۹۲ ق / ۱۱۹۶م، از محمد بن ابی البرکات نیشابوری است. او و پدر و پسرش «جوهری» بوده‌اند، و بنابراین، مانند بیرونی و تیفاشی تجارب شخصی و شنیده‌هایش از تجار جواهر را نیز در اثر خویش آورده است.

تاریخ جهانگشای جوینی (تاریخ تألیف حدوداً بین ۶۵۰ تا ۶۵۸)

■ جهانگشای جوینی کتابی است که به شیوه انشا و سبک منشیانه قدیم با تصرفاتی تازه نوشته شده است و در مقدمه و حشو آن کتاب به شیوه «مقدمه ابن خلدون» جای بجای (هر چند بسیار مختصر است) مسائل فلسفی و اصول صحیح اجتماعی در علل حقیقی شکست خوارزمیان و انقراض مدنیت ایرانیان در برابر حادثه تاتار و علت‌های واقعی دیگر در پیشرفت کار چنگیز و اتباع خونریز او آورده است که در عالم خود منحصر بفرد میباشد، و در کتب فارسی بلکه تواریخ تازی سوای «ابن خلدون» کسی به این نحو در گنه مسائل تفصی و تعمق ننموده است، گذشته از این با آنکه در صدد مدح مخادیم خود بوده است، باز از ذکر حقایق تاریخی خودداری ننموده و هر جا که به وقایع عمده برخورد کرده است حاق مطلب را بقلم آورده و از ملق و مداهنه خودداری کرده است.

تانکسوق نامه ایلخان در فنون علوم ختائی

■ ترجمه علوم چینی به فارسی در قرن هشتم هجری، مجتبی مینوی

(دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۹، مهر ۱۳۳۳)

■ تانکسوق نامه ایلخان در فنون علوم ختائی در عهد غازان خان به اهتمام رشیدالدین فضل‌الله وزیر همدانی (۷۱۸-۶۴۸ ه. ق) تهیه شده است و در ترجمه قسمتی از کتب طبی و علمی چینی به زبان فارسی است.

■ تانکسوق نامه در فنون و علوم ختائی یعنی چینی است. پیش از رشیدالدین کتاب دیگری به نام تنکسوق نامه ایلخانی به فارسی تألیف شده بود در فن جواهرشناسی، و مؤلف آن خواجه نصیرالدین طوسی بود.

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۷۹-۶۵۳)

- پیشاهنگ و پادشاه علمای این دوره خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷) است که مدتی در نزد اسمعیلیان و رفقا میزیسته و چند کتاب بنام ناصرالدین محتشم رئیس قهستان تألیف کرده است که مهمترین همه ترجمه و تهذیب طهارة الاعراق تألیف ابن مسکویه است بفارسی که باخلاق ناصری شهرت دارد. دیگر رساله در اصول عقاید اسمعیلیان هم بیارسی که خواجه در قهستان تألیف کرده و بتوسط وزیر بمجلس ناصرالدوله و الدنيا سلطان الرؤسا المظفر بن المؤید تقدیم کرده است. دیگر ادب الوجیز للولد الصغیر تألیف ابن مقفع را که در نصیحت و تربیت است. در قهستان بنام صاحب آنجا به پارسی ترجمه کرده است. ص ۱۵۷ و ۱۵۸

■ از تألیفات فارسی او که بعد از آمدن به خدمت هولاکو ایلخانی مغول تألیف کرده است:

- مختصریست در شرح فتح بغداد بدست هولاکو که در ذیل جهانگشای بطبع رسیده است،
- اساس الاقتباس در منطق،
- اوصاف الاشراف رساله ایست در اخلاق،
- معیار الاشعار در صنایع شعر،
- «زیج ایلخان»

■ از زمان تألیف زیج ایلخانی خواجه نصیر طوسی (قرن هفتم هجری) تا قرن دوازدهم، مهمترین زیجهای دوران اسلامی، در ایران امروزی و ماوراءالنهر و هند اسلامی، به فارسی تألیف شده است. زیج محمدشاهی که یکی از آخرین زیجهای مهم دوران اسلامی است، در هند به دستور پادشاه گورکانی، به دست یک مهاراجه هندو (مهاراجه جای سینگ) و به یاری دانشمندانی از مسلمان و هندو و مسیحی (کشیشهای یسوعی پرتغالی) تألیف شده است و این نه یگانه زیج فارسی است که در هند نوشته شده و نه اولین یا آخرین آنها. گذشته از فواید علمی و تاریخی که بر مطالعه این آثار مترتب است، داوری درست درباره نقش عظیم فرهنگی زبان فارسی، در بخش بزرگی از جهان، جز با در نظر گرفتن این آثار علمی ممکن نیست.

الرسالة المُعِينِيَّة و حلّ مشكلات معِينِيَّة تأليف خواجه نصيرالدين طوسی

■ جمیل رجب، رئیس کرسی تاریخ علم در جوامع اسلامی دانشگاه مگ‌گیل، در مقدمهٔ خود نخست در سال ۱۳۳۵ می‌نویسد: «تا جایی که من اطلاع دارم، و به دلایلی که در ادامه می‌آید، این دو اثر تا حدود یک ربع قرن، پس از چاپ مرحوم دانش‌پژوه، مهجور ماند. دلیل نخست این که هر دو اثر به گونه‌ای ادبی تعلق دارند به نام هیئت که به‌طور کلی تحت‌الشعاع متون نجوم عملی قرار داشت. دلیل دوم این که ادعا شده، آثار علمی فارسی از اهمیت کمتری برخوردارند، چون صرفاً ترجمه یا تحریری از آثار عربی هستند. بنابراین غیرمنتظره به نظر می‌رسید که خلاقانه‌ترین نظریات نجومی خواجه بسیار پیشتر از آن که در آثار عربی دیده شوند، در این دو رسالهٔ فارسی ظاهر شده‌اند.»

■ خواجه نصیر طوسی، چندین سال پیش از آنکه تمهید ریاضی ابداعی خود را برای حل پاره‌ای از مشکلات نجوم قدیم به زبان عربی و به تفصیل در التذکرة فی علم الهيئة عرضه کند، صورت مختصرتر و ساده‌تری از آن را در حل مشکلات معینیه به درخواست فرزند حاکم اسماعیلی قهستان به فارسی نوشته بود. کثرت نسخه‌هایی که از معینیه و حل مشکلات معینیه خواجه طوسی در دست است نشان می‌دهد که این دو اثر، دست کم در حوزه زبان فارسی، مورد توجه بوده است. نکته مهم این است که نه معینیه و نه حل مشکلات معینیه را نمی‌توان نمونه «متون علم به زبان ساده» دانست (به این دلیل که خواجه طوسی خود رساله ساده‌ای در هیأت به فارسی نوشته بود که آن هم در ایران رواج داشته و حتی به صورت سنگی چاپ شده است).

■ استاد مختصّ ابوالحسن علی بن احمد نسوی از ریاضیدانان قرن پنجم هجری نیز کتاب المقنع را که در حساب هندی است اول بار به فارسی برای مجدالدوله دیلمی نوشت و بعد همان را به عربی نقل کرد؛ خواجه نصیر الدین طوسی نیز همان عمل را در کشف القناع نمود که درباره شکل مغنی و شکل قطاع است.

استاد جلال الدین همایی در التفهیم، ص ۱۰۵

■ مولانا قطب‌الدین کازرونی شیرازی (گویند برادرزادهٔ سعدی بوده) تألیفات عمده به تازی دارد و از کتب پارسی او:

□ دره التاج لغره‌الذیباچ در علوم مختلف،

□ تحفهٔ شاهی به فارسی و در علم هیئت،

□ نه‌ایه‌الادراک به فارسی و در علم هیئت

□ اختیارات مظفری، رساله‌ای در هیئت و نجوم که به نام مظفرالدنیا و الدین حسام الاسلام و المسلمین ... تألیف کرده است، که در این رساله آنچه از حل اشکالات محیطی و دیگر متقدمان دشخوار مینموده حل کرده است، و علاوه بر هیئت زمین، فصل مشبعی در جغرافیا از روی تحقیقات تازه و منتقدانه نگاشته است و بسی از اشتباهات گذشتگان را برطرف نموده، و نیز بین شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا و امام فخر رازی در مسئله اعدل بقاع که آیا خط استواست یا اقلیم چهارم قضاوت کرده است و از خود به تحقیقات پرداخته و جانب امام فخر را گرفته است. ص ۱۶۰ و ۱۶۱

■ بابا افضل کاشانی (نیمه دوم سده ۶ و نیمه نخست سده ۷ ق) از حکما و علما و ادبای آن عصر است و تألیفات بسیار به زبان پارسی از او باقی مانده، از آنجمله:

□ ترجمه رساله نفس ارسطو،

□ جاودان نامه،

□ ره انجام نامه،

□ انشاء نامه،

□ مدارج الکمال،

□ ساز و پیرایه شاهان پرمایه،

□ رساله عرض،

□ رساله در منطق،

□ رساله تفاحه،

□ و غیره

■ شیوه نثر باباافضل بسیار پخته و به اسلوب متقدمان نزدیک است، و در رسالات خود می‌کوشیده است که لغات پارسی را بجای اصطلاحات تازی بگذارد، معه‌ذا به قدری خوب و بموقع لغات فارسی را بکار می‌برد که لطمه‌ای به اصل ترجمه نمی‌زند، و کسانی که اصل کتب مترجم او را با ترجمه‌های او برابر کنند می‌توانند به این معنی که ما گفتیم بهتر پی ببرند، از آنجمله کسی که کتاب نفس ارسطو را به زبان فرانسه دیده بود، بعد از نشر ترجمه باباافضل اقرار آورد که ذره‌ای با آنچه به زبان فرانسه که به لاتین نزدیکتر است دیده بود فرق نداشته است، و حتی ازین رو جمعی معتقدند که شاید این مرد این رساله را از زبان لاتین به پارسی ترجمه کرده باشد؟

■ در کوتاهی جمله و تجزیه کردن مطالب و تقسیم آن بر جمله‌های کوچک کوچک که از مختصات نثر قدیم بوده است افضل‌الدین را هنری خاص است، از اینرو اگر تألیفات او را درست بخوانند و از روی خبرت و بصیرت با اصول سجاوندی (یعنی نقطه‌گذاری امروز) چاپ کنند، فهم آن بر هر باسوادی که اندک مایه به اصطلاحات علمی آشنا باشد بسیار آسان خواهد بود. به خلاف بسیاری از کتب علمی دیگر که به سبب آوردن جمله‌های دور و دراز و عدم قدرت و بصیرت در ترکیب کلمات پارسی و جمله‌بندی، از اصل عربی دشوارتر است و نیز مانند متقدمان از تکرار یک کلمه عند الضروره در جمله‌های پیاپی، خودداری نکرده است و بوسیله ضمیر یا آوردن کلمتی مشابه یا به کنایه از آن سخن نرانده، بل خود آن کلمه را هر بار تکرار کرده است و گفتیم که این شیوه خاص نثر باستان و نثر پهلوی و دری قدیم است. [سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار، جلد سوم، ص ۱۶۳ و ۱۶۴](#)

■ همچنین رجوع کنید به [باباافضل کاشانی - دائره المعارف بزرگ اسلامى](#)

■ جمال‌الدین محمد بن محمد آق‌سرایبی (در گذشته ۷۸۰-۷۷۰)، مدرس مدرسهٔ سلسله یا مسلسله در قرامان، بوده و نسبش به چهار واسطه به فخر رازی می‌رسید. اسئله و اجوبه را به فارسی به درخواست شادگلدی حاکم اماسیه (مقتول در ۷۸۳) نوشته است. کتاب در دو باب است: باب اول، سؤال و جوابهایی در علم تفسیر، باب دوم در علم حدیث. در مقدمهٔ آن می‌گوید که امیر از من خواست که «اسئله و اجوبه‌ای چند از علم تفسیر و حدیث به زبان پارسی که اهل این دیار را از لغت تازی و عبارت حجازی انفع، و استفهام دقایق را بر افهام خلائق اوقع است تحریر کنم.» ص ۱۳۸

■ ملا علی قوشجی ریاضیدان معروف ایرانی که ابتدا از مقربان تیموریان در سمرقند بوده، و بعد به دستگاه اوزون حسن آق قویونلو در تبریز پیوسته بود از طرف آن پادشاه به سفارت به دربار محمد دوم رفته و در آنجا رسالهٔ هیئت خود را تألیف کرده و در ۸۷۹ در همانجا درگذشته است. ص ۱۶۰

■ عبدالعزیز بن کمال الدین عبدالقادر، نوهٔ عبدالقادر مراغی، نقاوت الادوار را در موسیقی به نام محمد فاتح نوشته است. ص ۱۶۱

چند تن از فارسی‌نویسان عصر بایزید دوم

- کتاب احکام السلاطین تألیف قاضی زاده (در گذشته بعد از ۹۰۰)،
- تحفه الحساب تألیف حسین خطابی پزشک و ریاضیدان بسال ۸۹۵،
- مرآت الصحه تألیف غیاث الدین بن محمد پزشک اصفهانی بسال ۸۹۶،
- شرح بیست باب خواجه نصیر تألیف محمد بن سلیمان برسوی معروف به آقازاده،
- ملا محمود بن محمد، قاضی زاده رومی معروف به چلبی (در گذشته ۹۳۲) ابتدا در رصدخانه سمرقند کار می‌کرده و بعد به استانبول رفته و در آنجا مقیم شده است. او تألیفات متعددی دارد. از آن جمله شرح زیج الغیبیگ را به نام بایزید نوشته است. ص ۱۶۸

■ شمس‌الدین جهرمی «رسالة سیاسیة برای سلطان سلیم» را در اخلاق و سیاست در سال ۹۱۹ به نام سلیم اول نوشته، دستنویسی از آن که ظاهراً نسخه اصل مؤلف است در کتابخانه توپقاپوسرای موجود است. ص ۱۷۸

زبان معیار و گویشهای زبان فارسی

■ با اقتباس از تعاریف موجود در منابع، تعریف ذیل قابل ارائه است:

زبان معیار یک گونهٔ مدون و تثبیت شدهٔ زبانی است که در ورای لهجه‌های محلی رایج آن زبان قرار دارد و از سوی طبقهٔ تحصیلکرده، دانشگاهیان و فرهیختگان به عنوان الگو در گفتار و نوشتار بکار می‌رود.

■ توضیحات مبسوطی از طریق دو پیوند ذیل قابل اخذ است.

□ زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ نامه فرهنگستان، سال ششم، شماره ۳،

تیرماه ۱۳۸۳

□ زبان معیار، دکتر علی اشرف صادقی، نشر دانش، خرداد و تیر ۱۳۶۲

- زبان رسمی و معیار در فرانسه بر اساس گویش پاریسی است.
- زبان رسمی و معیار در ایتالیا بر اساس گویش توسکانی است.
- زبان رسمی و معیار در اسپانیا بر اساس گویش کاستیلی است.

- زبان رسمی (official language) زبانی است که از سوی یک ایالت، دولت یا سازمانی به عنوان زبان رسمی اعلام می‌شود؛ نظیر زبان رسمی در یک کشور، زبان/زبانهای رسمی سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد.
- بعضی از کشورها بیش از یک زبان رسمی دارند. موضوع بسیار مهم اینست که صرف اعلام رسمی بودن یا به رسمیت شناختن زبانهای دیگر در یک کشور، ممکن است گمراه کننده باشد، بلکه آن چیزی که در عمل پیاده می‌شود، ملاک است.

■ بطور نمونه، ممکن است در یک کشوری که یک زبان رسمی دارد، گویشوران زبانهای محلی در مناطق خودشان از آزادی عمل برخوردار باشند. اما در کشور دیگری با یک زبان رسمی، زبانهای محلی ممنوع باشد، حتی برای صحبت میان خودشان.

■ بطور نمونه، کشورهای ایران، یونان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، ژاپن، آلمان، پرتغال، ارمنستان، لهستان، دانمارک، مغولستان، اتریش و عربستان یک زبان رسمی دارند.

■ بعضی از کشورها زبان رسمی ندارند، مانند انگلستان و آمریکا! اما در عمل چگونه است؟ پس چرا برای ورود به دانشگاه نمره آزمون زبان انگلیسی می‌خواهند! شناسنامه آنها به چه زبانی است؟ قوانین و مقررات به چه زبانی است! فرمها و پرسشنامه‌ها به چه زبانی باید تکمیل شود!

-
- At the federal level, the United States has never had an official language of government, just a single unofficial one.
 - Still, beginning in 1981, efforts have periodically been made by a few individual US senators and congressmen to enact into law English as the *sole* official language of the country. But to date none of these efforts in the congress has succeeded.
 - Still in California and 25 other American states to date (early 2008), English has been constitutionally, or by simple legislative statute, defined as the sole *official* language of state government.

- English obviously is predominant in the US, but the second most commonly spoken language there today is Spanish, which at the time of the 2000 census was the home language of 10.7 percent of the US population. French was a far distant third, being in 2000 the home language of just 0.61 percent of all Americans.
- But to date, the default position in the United States is that there is no full legal equality for Spanish anywhere at state or federal levels, notwithstanding the fact that with 28.1 million Hispanics/Latinos living in the United States in 2000, the US had then already the fifth largest Spanish-speaking population in the world.

- When Spain ceded Florida to the United States in 1821, Spain had controlled that New World territory almost uninterruptedly for three centuries. Similarly, before the current US states of California, Nevada, Texas, Arizona, Utah, and parts of Wyoming and Colorado became American territories in the middle of the nineteenth century, this vast region had belonged to Mexico for several decades, and before that, parts of it belonged to Spain for as much as 250 years. The oldest, continuously inhabited city in the present day United States, Pensacola, Florida, was settled by the Spanish in 1559. This was almost a half century before the first English settlers to North America arrived at coastal Virginia in 1607.

-
- Bilingualism exists officially in the US at state level only in Hawaii, where both English and native Hawaiian are recognized; but it is found informally in several other states. In New Mexico, for example, state laws are published in both Spanish and English. *De facto* bilingualism in New Mexico is scarcely surprising, for here native speakers of Spanish in 2000 were 28.7 percent of the state's population. This is two percentage points higher than Texas, the state with the next highest percentage of Hispanics in 2000. But with 8.9 million Spanish-speaking persons resident in the state, California had in 2000 by far the highest *absolute* number of such persons.

-
- There are no universities teaching through the medium of Spanish in the USA, with the exception of Puerto Rico, which has a special legal status.

Gorter & Cenoz, "Language education policy and multilingual assessment," Language and Education, 2016. www.tandfonline.com

Puerto Rico

- Originally populated by the indigenous Taíno people, Puerto Rico was colonized by Spain following the arrival of Christopher Columbus in 1493.
- Puerto Ricans have been U.S. citizens since 1917, and can move freely between the island and the mainland. However, as residents of an unincorporated territory, American citizens of Puerto Rico are disenfranchised at the national level, do not vote for the president or vice president.
- As it is not a state, Puerto Rico does not have a vote in the U.S. Congress, which governs it under the Puerto Rico Federal Relations Act of 1950.

■ در اکثریت مطلق کشورها، بنا به مدل اصلی فرانسوی، اصل تک‌زبانی حاکم است. یعنی، یک زبان به عنوان زبان رسمی، زبان اسناد دولتی، زبان آموزشی سراسری ملی، و در کل زبان شفاهی و کتبی کل دستگاه دولت و رسانه‌های همگانی. [داریوش شایگان، تارنمای مجله بخارا، پیوند مطلب](#)

-
- France's Constitution of 1958 with Amendments through 2008
 - Article 2: The language of the Republic shall be French.

 - Italy's Constitution of 1947 with Amendments through 2012
 - Article 6: The Republic safeguards linguistic minorities by means of appropriate measures.

- China (People's Republic of)'s Constitution of 1982 with Amendments through 2004

- The state promotes the nationwide use of Putonghua (common speech based on Beijing pronunciation). (in Article 19)

- Law on the Standard Spoken and Written Chinese Language (July 21, 2009):

Article 9: Putonghua and the standardized Chinese characters shall be used by State organs as the official language, except where otherwise provided for in laws.

Article 10: Putonghua and the standardized Chinese characters shall be used as the basic language in education and teaching in schools and other institutions of education, except where otherwise provided for in laws.

Putonghua and the standardized Chinese characters shall be taught in schools and other institutions of education by means of the Chinese course. The Chinese textbooks used shall be in conformity with the norms of the standard spoken and written Chinese language.

Article 11: Publications in Chinese shall be in conformity with the norms of the standard spoken and written Chinese Language. Where foreign languages need to be used in publications in Chinese, necessary explanatory notes in standard Chinese shall be applied.

- Portugal's Constitution of 1976 with Amendments through 2005

- The official language shall be Portuguese (in Article 11).
- Article 13: Principle of equality
 1. Every citizen shall possess the same social dignity and shall be equal before the law.
 2. No one shall be privileged, favoured, prejudiced, deprived of any right or exempted from any duty on the basis of ancestry, sex, race, language, place of origin, religion, political or ideological beliefs, education, economic situation, social circumstances or sexual orientation.

- Poland's Constitution of 1997

- Article 27: Polish shall be the official language in the Republic of Poland. This provision shall not infringe upon national minority rights resulting from ratified international agreements.

- Romania's Constitution of 1991 with Amendments through 2003

- Article 13: Official Language

In Romania, the official language is Romanian.

- Egypt's Constitution of 2014

Article 2: Islam, Principles of Islamic Sharia

Islam is the religion of the state and Arabic is its official language. The principles of Islamic Sharia are the principle source of legislation.

- Bulgaria's Constitution of 1991 with Amendments through 2015

Article 3: Bulgarian shall be the official language of the Republic.

- Constitution of the Republic of Armenia - Library - President.am

- Article 20: The state language of the Republic of Armenia shall be the Armenian language.

www.president.am/en/constitution-2015/

- Syrian Arab Republic's Constitution of 2012

- Article 4: The official language of the state is Arabic.

www.constituteproject.org

- Turkey's Constitution of 1982 with Amendments through 2017

- Article 3: The State of Turkey, with its territory and nation, is an indivisible entity. Its language is Turkish.
- Article 66:
 - ❖ Everyone bound to the Turkish State through the bond of citizenship is a Turk.
 - ❖ No Turk shall be deprived of citizenship, unless he/she commits an act incompatible with loyalty to the motherland.

- The Constitution of the Republic of Azerbaijan

- Article 21: Official Language

- I. The official language of the Republic of Azerbaijan is **Azerbaijani Language**. The Republic of Azerbaijan guarantees the development of Azerbaijani Language.
- II. The Republic of Azerbaijan guarantees free use and development of other languages spoken by the population.

http://ask.org.az/wp-content/uploads/2019/10/Konstitusiyaya_ENG.pdf

- Ukraine's Constitution of 1996 with Amendments through 2016

Article 10:

The state language of Ukraine is the Ukrainian language.

The State ensures the comprehensive development and functioning of the Ukrainian language in all spheres of social life throughout the entire territory of Ukraine.

In Ukraine, the free development, use and protection of Russian, and other languages of national minorities of Ukraine, is guaranteed.

The State promotes the learning of languages of international communication.

The use of languages in Ukraine is guaranteed by the Constitution of Ukraine and is determined by law.

جدال در اوکراین

- به گزارش خبرگزاری مجلس به نقل از آسوشیتدپرس، لایحه جنجال برانگیز ممنوعیت استفاده از زبان روسی در اوکراین اعتراضات ضد دولتی گسترده‌ای را به همراه داشت. سرانجام تحت فشار نمایندگان مخالف در پارلمان اوکراین، لایحه استفاده از زبان روسی در کنار زبان اوکراینی در برخی از مناطق این کشور به تصویب پارلمان اوکراین رسید.
- در بررسی پیشین این لایحه که ممنوعیت کامل استفاده از زبان روسی را به همراه داشت، نمایندگان حامی و مخالف دولت با یکدیگر درگیر شدند که به زخمی شدن یکی از نمایندگان مخالف منجر شد.
- بر اساس این مصوبه زبان اوکراینی به عنوان تنها زبان رسمی این کشور باقی خواهد ماند و زبان روسی در بیمارستانها، دادگاه‌ها و دیگر نهادهای برخی از مناطق اوکراین قابل استفاده خواهد بود.

■ پارلمان اوکراین: زبان اوکراینی تنها زبان رسمی کشور - یورونیوز-۲۰۱۹

- نمایندگان پارلمان اوکراین لایحه‌ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن زبان اوکراینی بعنوان تنها زبان رسمی کشور شناخته خواهد شد.
- ۳۰ درصد جمعیت اوکراین، زبان روسی را بعنوان زبان مادری‌شان در نظر می‌گیرند. همچنین اقلیتهای زبانی دیگری همچون تاتارهای کریمه، رومانیایی، مجارستانی و بلغارستانی نیز در اوکراین زندگی می‌کنند.
- زلنسکی رئیس‌جمهوری منتخب اوکراین در واکنش به این لایحه گفته است که با رسمی شدن زبان اوکراینی موافق است اما با ممنوعیت یا مجازات برای پیاده‌سازی آن موافق نیست. وی همچنین افزوده است که بعد از آغاز رسمی ریاست جمهوری‌اش این لایحه را بطور کامل مورد بررسی قرار خواهد داد.

زبان رسمی کشورهای مستعمره قدیم

- کشورهای مستعمره بطور معمول یا یک زبان رسمی دارند که همان زبان کشور استعمارگر بوده است نظیر کشورهای آمریکای لاتین و یا دو زبان رسمی شامل زبان خودشان و زبان کشور استعمارگر.
- در مواردی که منطقه‌ای بین دو کشور استعمارگر دست به دست شده است، ممکن است زبان هر دوی این کشورهای استعمارگر به عنوان زبان رسمی باشد. نظیر کانادا که زبان انگلیسی و فرانسه زبان رسمی است. در کانادا فرزندان بومیان را به اجبار از خانواده جدا کردند و به مدارس شبانه روزی سپردند تا از زبان و فرهنگ خود دور بمانند.
- مرزهای بعضی از کشورهای جدیدالتأسیس که صرفاً توسط ملاحظات استعمارگران تعیین شده است، بگونه‌ای است که یک زبان محلی، زبان غالب نیست لذا پس از استقلال، یک زبان میانجی در آن کشور نبوده و سبب شده چند زبان محلی به عنوان زبان رسمی پذیرفته شود.

■ بعضی از کشورهای مستعمره آفریقایی، که دو یا چند زبان رسمی دارند (زبان/زبانهای خود و زبان انگلیسی یا فرانسه و بعضاً پرتغالی و ...)، زبان کشور استعمارگر به عنوان زبان اداری و دانشگاهی استفاده می‌شود، یعنی با دو زبان رسمی آنها بطور یکسان عمل نمی‌شود.

■ کشف گور دسته جمعی جدید در کانادا-روزنامه دنیای اقتصاد به نقل از CBC

■ بنابر گزارش، شبکه خبری «سی‌بی‌سی» کانادا اجساد این کودکان در یک منطقه جزیره کوپر پیدا شده که از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۷۰ مدرسه بود. این برای چندمین بار در طول دو ماه گذشته است که گورهای دسته جمعی کودکان بومی در کانادا کشف می‌شود. هشتم خردادماه اجساد دستکم ۲۱۵ کودک بومی که برخی از آنها حدود **سه سال سن** داشتند، در محوطه یک مدرسه شبانه‌روزی کاتولیک در استان «بریتیش کلمبیا» کانادا پیدا شد.

■ این کودکان دانش‌آموزان مدرسه سرخپوستان کملوپس در بریتیش کلمبیا بودند که سال ۱۹۷۸ تعطیل شد. نظام مدارس شبانه‌روزی کانادا با اجبار کودکان بومی را از خانواده آنها جدا می‌کرد. پس از پایان یک تحقیق ۶ ساله در سال ۲۰۱۵ درباره آن نظام آموزشی منسوخ، از آن به عنوان «**نسل‌کشی فرهنگی**» یاد شد. آن گزارش همچنین گفته بود که هزاران کودک در زمان حضور در مدارس شبانه‌روزی جان باختند. اوایل تیرماه نیز مقامهای رسمی استان «ساسکاچوان» کانادا از کشف صدها جسد ثبت نشده خبر داده‌اند.

۱۴۰۰ / ۴ / ۲۲

- اعتراض شهروندان کانادایی به کشف گورهای دسته جمعی
- چرا به ۱۰ کلیسای کانادا حمله شد؟ - بی بی سی فارسی
- چهارمین گور جمعی کودکان بومی در کانادا کشف شد.
- کانادا تقصیر گورهای جمعی را گردن واتیکان انداخت - مشرق نیوز

- India's Constitution of 1949 with Amendments through 2016

343. Official language of the Union

1. The official language of the Union shall be Hindi in Devanagari script.

The form of numerals to be used for the official purposes of the Union shall be the international form of Indian numerals.

2. Notwithstanding anything in clause (1), for a period of fifteen years from the commencement of this Constitution, the English language shall continue to be used for all the official purposes of the Union for which it was being used immediately before such commencement:

Provided that the President may, during the said period, by order authorise the use of the Hindi language in addition to the English language and of the Devanagari form of numerals in addition to the international form of Indian numerals for any of the official purposes of the Union.

3. Notwithstanding anything in this article, Parliament may by law provide for the use, after the said period of fifteen years, of-

- a. the English language, or
- b. the Devanagari form of numerals,

for such purposes as may be specified in the law.

See also 344, 345, 346, 347, 348, 349, 350, and 351.

-
- Pakistan's Constitution of 1973, Reinstated in 2002, with Amendments through 2015
 1. The National language of Pakistan is Urdu, and arrangements shall be made for its being used for official and other purposes within fifteen years from the commencing day.
 2. Subject to clause (1), the English language may be used for official purposes until arrangements are made for its replacement by Urdu.
 3. Without prejudice to the status of the National language, a Provincial Assembly may by law prescribe measures for the teaching, promotion and use of a provincial language in addition to the national language.

■ خانم ریتا ایژاک کارشناس حقوق بشر سازمان ملل و بویژه حقوق اقلیتهای قومی می‌گوید: البته حداقل شرایط لازم این است که مردم آزاد باشند در جمع و در خلوت به زبان خودشان صحبت کنند و کسی مانع از این کار نشود و نسبت به زبان تبعیض وجود نداشته باشد. این آزادی باید به اقلیتهایی که به زبانهای متفاوت تکلم می‌کنند، داده شود. یورونیوز ۱۴/۰۹/۲۰۱۲

■ باید توجه داشت که منظور از «عدم تبعیض زبانی در قوانین»، عموماً به تعبیر فوق‌الذکر بوده و اینکه کسی بخاطر لهجهٔ شهرستانی مورد تبعیض قرار نگیرد، یعنی اخراج نشود، تنزل رتبه نگیرد، مانع از استخدام نشود، تمسخر نشود و همچنین جرم‌انگاری برای اینگونه اعمال است.

■ بعضی از کشورهای پیشرفته مهاجرپذیر تسهیلاتی برای دانش‌آموزان مهاجری که با خانواده خود به آن کشورها مهاجرت می‌کنند، ارائه می‌کنند. در مدارس برای این دانش‌آموزان که با زبان آن کشورها آشنا نیستند، تسهیلاتی ارائه می‌شود که از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، نظیر مربی کمکی در محل مدرسه، کلاس‌هایی جداگانه در محلی دیگر،

■ باید توجه داشت که قرار است این دانش‌آموزان مهاجر در آن کشورها حل شوند و این کشورها هم زبان خود را به این دانش‌آموزان آموزش می‌دهند.

■ در تهران نیز ۳۸ سال قبل، فرزندان یکی از اقوام که از خارج آمده بودند و فارسی بلد نبودند، چند سالی برای تحصیل به مدارس تطبیقی رفتند.

- اتحادیه سوسیال مسیحی ایالت بایرن آلمان پیشنهاد کرده است «کسانی که می‌خواهند در دراز مدت در آلمان زندگی کنند باید در اماکن عمومی و خانه هایشان به زبان آلمانی حرف بزنند.»
- ایلزه آیگنر، وزیر اقتصاد دولت ایالتی بایرن در مخالفت با این پیشنهاد اعلام کرده است که در خانه به گویش بایرنی و نه زبان رسمی آلمانی حرف می‌زند.
- آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان روز دوشنبه خواستار حفظ آرامش در برابر پیشنهاداتی شد که وی آن را «مسخره» خوانده است.

یورونیوز ۸/۱۲/۲۰۱۴

- زبان مشترک یا میانجی (Lingua Franca) زبان مشترک و برقراری ارتباط میان مردمان و اقوام مختلف با زبانها و گویشهای مختلف است و در مقیاس کشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تعریف است. بطور نمونه،
 - زبان فارسی در ایران، زبان میانجی اقوام مختلف است.
 - زبان روسی، زبان میانجی در جمهوریهای سابق شوروی سابق است.
 - زبان فرانسوی زبان میانجی در بسیاری از کشورهای آفریقایی است.
 - زبان فرانسوی در گذشته‌ای نه چندان دور، مهمترین «زبان میانجی» در دنیا بود.
 - زبان انگلیسی در هند زبان میانجی است و بسیاری از مناطق مختلف در هند، زبان هم را نمی‌فهمند.
 - زبان انگلیسی یک زبان میانجی بین‌المللی است.

نیاز به زبان میانجی؟

- برقراری ارتباط به عنوان یک ملت، اشتراکات فرهنگی، خدمت سربازی، اطلاع از قوانین و
 - مراجعه حضوری به سازمانها، ادارات، بیمارستان، دادگاه، کلانتری، مطب پزشک،
 - مکاتبات اداری، احکام دادگاه و استیناف، سازمان ثبت اسناد و دفاتر رسمی،
 - شرکت در انتخابات و کاندید شدن، نطقهای نمایندگان مجلس و مقامات و فهم آنها،
 - مطالعه و اطلاع از قوانین و آئین نامه ها،
 - تحصیل و تدریس دروس در مدارس و دانشگاه های کل کشور، شرکت در آزمونهای سراسری دانشگاه ها، مؤسسات، سازمانها، امتحانات سراسری مدارس،
 - استخدام در شرکتهای دولتی و خصوصی در کل کشور،
 - و ...

-
- There is some evidence to suggest that children who are exposed to a lot of different languages at once may need a little more time to put all the information into place. So perhaps in school a child learning new information in a third or possibly fourth language may seem to be a little behind a child who is handling the same new information in their first and only language.
 - [Ref: Ten ways to support your child's English-learning at home](#)

-
- In fact, a good friend of mine recently told me that the teacher of her five-year-old, bilingual daughter is frustrated that she won't read out loud in class. When we asked her daughter why she doesn't, she says she doesn't like it because she knows the spelling and sounds in English and Spanish are different, and she doesn't want to make mistakes. This sounds like a really smart kid to me!
 - [Ref: Ten ways to support your child's English-learning at home](#)

-
- Don't worry, the multilingual child will soon catch up without any help, and there is mounting evidence to suggest that, in later life, the ability to speak more than one language will help maintain memory.
 - Ref: Ten ways to support your child's English-learning at home

اینکه چرا سوئیس چند زبان ملی دارد، آنقدر واضح است که حتی در سایتهای گردشگری نیز به نحوه شکلگیری آن اشاره شده است (مانند مطلب ذیل). این موضوع مانند اینست که ۵۰ سال دیگر کسی بپرسد، چرا ایالات متحده اروپا چندین زبان رسمی دارد! (البته اگر به سرانجام برسد).

■ چرا سوئیس چهار زبان ملی دارد؟ زیرا این کشور شبیه سایر کشورهای اروپایی نبود و داستان متفاوتی را دنبال کرده است. کل این سرزمین از ۲۶ کانتون یا قسمت‌های اجرایی تشکیل شده که هر کدام توافق کرده‌اند با یکدیگر همکاری کنند. با این حساب سوئیس بیشتر یک فدراسیون به حساب می‌آید تا یک ملت. اگر در تاریخ به عقب بازگردیم این کانتون‌ها دولت‌هایی کاملاً پادشاهی بودند که هر کدام مرز، ارتش، آداب و رسوم و زبان خاص خودشان را داشتند. جدای از جمهوری شکست‌خورده «هلوتیک» هرگز یک دولت مرکزی قوی در سوئیس وجود نداشت. [www.eavar.com]

- در سوئیس هر کسی می‌خواهد به زبان مادری خود صحبت کند. بسیاری از مردم سوئیس دوست ندارند که به زبان منطقه دیگر صحبت کنند. فرانسوی‌زبانها دوست ندارند به آلمانی صحبت کنند و آلمانی‌زبانها دوست ندارند به فرانسوی صحبت کنند. در گذشته بیشتر از زبان یکدیگر استفاده می‌کردند، اما امروزه از انگلیسی به عنوان زبان میانجی استفاده می‌کنند. نفوذ زبان انگلیسی در سوئیس هر روز بیشتر می‌شود، وجود شرکتهای بین‌المللی نیز مزید بر علت می‌شود.
- امروزه بعضی از کانتونها می‌خواهند، آموزش زبان مناطق دیگر را متوقف کنند و بجای آن روی آموزش زبان انگلیسی تمرکز کنند.

- Switzerland's Constitution of 1999 with Amendments through 2014
- Article 4: The National Languages are German, French, Italian, and Romansh.
- Article 70:
 1. The official languages of the Confederation are German, French and Italian. Romansh is also an official language of the Confederation when communicating with persons who speak Romansh.
 2. The Cantons shall decide on their official languages. In order to preserve harmony between linguistic communities, the Cantons shall respect the traditional territorial distribution of languages and take account of indigenous linguistic minorities.
 3. The Confederation and the Cantons shall encourage understanding and exchange between the linguistic communities.
 4. The Confederation shall support the plurilingual Cantons in the fulfillment of their special duties.
 5. The Confederation shall support measures by the Cantons of Graubünden and Ticino to preserve and promote the Romansh and the Italian languages.

بلژیک

- با انقلاب سال ۱۸۳۰ در بلژیک، هلند به آن کشور لشکرکشی کرد که با دخالت نظامی فرانسه، هلند شکست خورده و بلژیک مستقل شد.
- خطِ جدایی فرهنگی میان رومی‌زبانان و ژرمنها از میان کشور بلژیک می‌گذرد. این کشور ملقب به میدان جنگ اروپاست.
- زبان فرانسوی در ابتدای تشکیل این کشور، زبان رسمی و آموزشی بود. در قانون اساسی بلژیک مصوب ۱۸۳۱، نظام پادشاهی مشروطه با سیستم متمرکز آمده است، اما از سال ۱۹۷۰، هلندی‌زبانها که جمعیتشان حدود دو برابر فرانسوی‌زبانهاست توانستند، موجب اصلاحات متعددی در قانون اساسی و تبدیل بلژیک به دولتی فدرال شوند.

- After tensions led to the division of the still bilingual University of Louvain into a Flemish-speaking campus on Flemish territory and a French-speaking campus on Walloon territory in 1969–70, a slow but definitive process of federalization got under way.
- The parliament accorded cultural autonomy to the Flemish and Walloon regions in 1971.
- A revision of the constitution nine years later allowed for the creation of an independent administration within each region.
- Another revision of the constitution in 1988–89 extended regional autonomy to encompass the economy and education.

- It also gave the bilingual metropolitan area of Brussels the status of a third independent region with its own administration and changed Belgium explicitly into a federal state. This transformation was finalized with the St. Michael's Agreement (September 1992).
- During the 1990s, Belgium continued to struggle with its so-called language problem. Struggles over the nature and form of power devolution to language regions and communities attracted significant attention, ... Some even began to question whether Belgium can or should remain a single state.
- In the election that followed in June 2010, the big winners were the separatist New Flemish Alliance ...

-
- After some 530 days without a government, Belgium was drawn into the debt crisis that ...
 - The tension between the country's north and south remained, however, and the New Flemish Alliance polled strongly in local elections in Flanders in October 2012, with party leader Bart De Wever becoming mayor of Antwerp.
 - In July 2013 Albert II, who had represented a significant unifying force throughout his reign, abdicated in favour of his son Philippe.

لوگزامبورگ

- دوک‌نشین لوگزامبورگ ۲۵۸۶ کیلومتر مربع وسعت (حدود ۵۰ کیلومتر در ۵۰ کیلومتر) و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت دارد.
- لوگزامبورگ سه زبان اصلی لوگزامبورگی، آلمانی و فرانسوی دارد.
- حدود نیمی از جمعیت این دوک‌نشین، متولد خارج از آن هستند.
- به خاطر منطقه سوق الجیشی، جبل الطارق شمال نامیده می‌شود.
- نقطه تماس جوامع ژرمنی و رومی زبان است.
- لوگزامبورگ پس از دست به دست شدن بین اتریش و فرانسه و هلند، سرانجام در سال ۱۸۳۹ استقلال یافت. عهدنامه لندن در ۱۸۶۷ ضمن اعلام بی‌طرفی دائمی این دوک‌نشین، مقرر نمود که برج و باروها و استحکامات دفاعی آن منهدم شود.

Luxembourgish language

Luxembourgish is a Moselle-Franconian dialect of the West Middle German group. This old language has been enriched by many French words and phrases, and the resulting dialect is spoken by all classes of people in Luxembourg. The population of Luxembourg is generally bilingual or trilingual, most people speaking Luxembourgish and either French or German or all three. Historically, Luxembourgish has been used mostly orally, while French has been the language most commonly used in government and the courts and German has been the language most commonly used in newspapers. All three languages are used in the country's schools.

- Luxembourgish is the national language; German and French are both languages of administration.

-
- Luxembourg uses three official languages: Luxembourgish, French, and German. Previously Luxembourgish had no official status, but following a constitutional revision a law was passed on 24 February 1984 making Luxembourgish the national language. Furthermore, this law recognized the three languages of Luxembourg (Luxembourgish, French and German) as administrative languages.
 - https://en.wikipedia.org/wiki/National_language

- [Basque language | Britannica](#)
- Basque language, also called Euskara or Euskera, language isolate, the only remnant of the languages spoken in southwestern Europe before the region was Romanized in the 2nd through 1st century BCE. The Basque language is predominantly used in an area comprising approximately 10,000 square kilometres in Spain and France. There are also significant numbers of Basque speakers elsewhere in Europe and in the Americas.
- The Basque language attained official status for a short period (1936–37) during the [Spanish Civil War](#). In 1978, Basque and [Castilian](#) Spanish became the official languages of the autonomous Basque Country of Spain.

- In the late 20th century probably about 850,000 true Basques lived in Spain and 130,000 in France; as many as 170,000 Basques may live in emigrant communities outside Europe, mostly in South America and the US.
- In physique the Basques are not notably different from the other peoples of western Europe; their language, however, is not Indo-European.
- After the death of Franco and especially after the establishment of the liberal Spanish monarchy in 1975, the Basques engaged in vigorous demonstrations for local autonomy, which the Spanish government granted in some measure in 1978–79. The increased freedoms and home rule, however, did not satisfy the more militant separatists, such as such as the hard-line “military” wing of the ETA.

- The Basque Country consists of three administrative parts, two in Spain and one in France. A comparison of survey data from 1991 and 2011 indicates that the percentage of Basque speakers in the Basque Autonomous Community has increased from 24% to 32% and in Navarre from 9.5% to 11.7% (Basque Government 2012) due to policies designed to support the language. However, a lack of such policies in the French part of the Basque Country resulted in a decline in the number of speakers (from 33% to 21.4%) during the same period.

Cenoz & Gorter, "Minority languages and sustainable translanguaging: threat or opportunity?" J. of Multilingual and Multicultural Development, 2017. www.tandfonline.com

چک + اسلواکی

- کشور چکسلواکی با پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری اتریش-مجارستان و الحاق مناطق تاریخی بوهم، مراویا و اسلواکی در سال ۱۹۱۸ تشکیل شد.
- در سال ۱۹۹۳ چکسلواکی بطور صلح آمیز به دو کشور جمهوری چک و اسلواکی تقسیم شد.
- اسلواک زبان رسمی اسلواکی است و حدود ۸۰ درصد جمعیت اسلواکی، اسلواکی تبار و حدود ۱۰ درصد مجاری تبار هستند.
- چکی زبان رسمی جمهوری چک است.
- چکی و اسلواکی از خانوادهٔ زبانهای اسلاوی است که هندواروپایی محسوب می‌شود.

اتحادیه اروپا ۲۴ زبان رسمی دارد.

- 1958: Dutch, French, German, Italian
- 1973: Danish, English
- 1981: Greek
- 1986: Portuguese, Spanish
- 1995: Finnish, Swedish
- 2004: Czech, Estonian, Hungarian, Latvian, Lithuanian, Maltese, Polish, Slovak, Slovenian
- 2007: Bulgarian, Irish, Romanian
- 2013: Croatian

- Even after the withdrawal of the United Kingdom from the EU, English remains one of the official languages of Ireland and Malta.
- as an EU national, you have the right to use any of the 24 official languages to contact the EU institutions, and they are obliged to reply in the same language.
- EU law and other legislative texts are published in all official languages, except Irish, for resource-related reasons (only regulations adopted by both the Council of the European Union and the European Parliament are currently translated into Irish).

-
- Meetings of the European Council and the Council of the European Union are interpreted into all official languages. Members of the European Parliament have the right to use any official language when speaking in Parliament.
 - The EU's main goal here is ambitious: enabling every EU citizen to communicate in 2 languages other than their mother tongue.

-
- The EU is home to **over 60** indigenous regional or minority languages, spoken by some **40 million** people. They include Basque, Catalan, Frisian, Saami and Yiddish.

- Luxembourgish and Turkish (which have official status in Luxembourg and Cyprus, respectively) are the only two official languages of EU member states that are not official languages of the EU.
- The European Commission, for example, conducts its internal business in three languages, English, French, and German (sometimes called "procedural languages"), and goes fully multilingual only for public information and communication purposes.
- Non-institutional EU bodies are not legally obliged to make language arrangement for all the 24 languages.

- Some regional or minority languages spoken within the EU do not have official recognition at EU level. Some of them may have some official status within the member state and count many more speakers than some of the lesser-used official languages.
- In the list, language varieties classified as dialects of an official language by member countries are not included. However, many of these varieties may be viewed as separate languages: for instance, Scots (the Germanic language descended from Old English, not the Celtic language known as Scottish Gaelic) and several Romance languages spoken in Spain, Portugal, France and Italy, such as Aragonese, Asturian, Mirandese, Lombard, Ligurian, Piedmontese, Venetian, Corsican, Neapolitan and Sicilian.

■ احیای الفبا و خط مغولی ... - یورونیوز

■ اکنون در شماری از مدارس این شهر، دانش‌آموزان در کنار ادامهٔ تحصیل بر پایهٔ الفبای سیریلیک که یادگار دوران حکمرانی اتحاد جماهیر شوروی پیشین است، الفبای سنتی مغولی موسوم به «هودوم» که به دوران امپراطوری چنگیزخان برمی‌گردد را نیز تمرین می‌کنند.

■ اکنون در رادیو تلویزیون دولتی مغولستان، زیرنویس‌ها به هر دو متن سیریلیک و مغولی منتشر می‌شود و دولت همهٔ ادارات را نیز موظف کرده تا از سال ۲۰۲۵ میلادی همهٔ اطلاعیه‌های رسمی را به هر دو زبان منتشر کنند.

هشدار مشاور ولیعهد ابوظبی نسبت به آینده امارات - ایرنا

- به گزارش ایرنا، عبدالخالق عبدالله در توییتی نوشت: صدها نفر از کسانی که اخیراً تابعیت اماراتی دریافت کرده‌اند، نمی‌توانند عربی صحبت کنند و فرزندان آنها علاقه‌ای به یادگیری زبان عربی ندارند.
- وی اضافه کرد: آنها چیزی از آداب و رسوم و ارزشهای امارات نمی‌دانند و به آنها اجازه داده شده است که تابعیت اصلی خود را نیز حفظ کنند و میزان وفاداری آنها به امارات مشخص نیست.
- عبدالله افزود: افق جمعیتی امارات در ۵۰ سال آینده تاریک و عجیب و غریب است.

ایرنا ۱۴۰۰ / ۴ / ۱۰

گویش‌های ایرانی

- ده‌ها گویش متمایز در کشور وجود دارد که بعضاً واژه‌نامه آنها نیز به چاپ رسیده است. از مشهورترین مناطق ایران، استان سمنان است که به آن جزیره گویشها می‌گویند و حدود ۲۰ گویش متفاوت دارد. در این منطقه، مردم بعضی از روستاهای دور و نزدیک، حتی زبانهای هم را متوجه نمی‌شوند.
- در این خصوص به واژه‌نامه گویشهای سمنانی از دکتر منوچهر ستوده و تاریخچه دو هزار ساله گویش باستانی سمنانی از دکتر پرویز پژوم شریعتی مراجعه شود.
- ممکن است برایتان جالب باشد که بدانید کردی نیز گویشهای متعددی دارد.

■ در دوران جنگ تحمیلی از بعضی از این گویشها برای بی‌سیمچی استفاده می‌کردند. بطور مشابه در زمان جنگ جهانی دوم، ارتش آمریکا از زبان ناواهو Navaho (قبیله‌ای از سرخپوستان آمریکا) برای اینکار استفاده می‌کرد که فیلمی نیز در این زمینه ساخته‌اند.

گویش‌های ایرانی

گویش‌هایی چون آرانی، آشتیانی، امره‌ای، ابوزیدآبادی، ابیان‌ای، اردستانی، افتری، انارکی، الویری، بادرودی، بختیاری، بشاگردی، بلوچی، بهدینی، بیابانکی، بیدگلی، پاپونی، تاتی، تازی، تالشی، تفرشی، جوشقانی، خوانساری، خوری، دشتستانی، دوانی، زفره‌ای، سِدِه‌ی، سُرخه‌ای، سمنانی، سنگسری، سویی، سیوندی، فروی، فریزندی، قهرودی، کردی، کِشِه‌ای، کفرانی، گَه‌کی، گزی، گورانی، گیلکی، لارستانی، لاسگردی، لری، لکی، مازندرانی، محلاتی، مهرجانی، میمه‌ای، نائینی، نطنزی، وانشانی، ورزنده‌ای، وفسی، ویدری و یرندی، یا در قالب لهجه‌های شیرینی چون اصفهانی، بیرجندی، تهرانی، قائنی، کرمانی، مشهدی، نیشابوری، همدانی و یزدی

حسن رضائی باغبیدی، گویش‌های ایرانی: پاسداران فرهنگ ایرانی،

ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (گویش‌شناسی) ۱۳۸۳ شماره ۲

■ نمونه مفصلتر در سخنرانی دکتر محمود جعفری دهقی در «دومین همایش بین‌المللی زبانها و گویشهای ایرانی: گذشته و حال» مورخ چهاردهم دیماه ۱۳۹۳ در مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی آمده است که از پیوند ذیل قابل اخذ است.

■ پیوند متن سخنرانی از تارنمای مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی

■ همچنین به صفحات ۲۸۲ تا ۳۰۳ کتاب تاریخ زبان فارسی تألیف دکتر خانلری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵، در خصوص گویشهای ایرانی نو رجوع کنید.

■ مقاله‌ای قابل نقد و بررسی با عنوان

«تضعیف زبان فارسی مقدمه تجزیه ایران است»

در امرداد، **تارنمای خبری زرتشتیان**، در تاریخ ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۹۷ منتشر شده است، شامل

- هویت ملی عامل یکپارچگی کشور را فراهم می‌کند.
- بیگانگان برای نابودی یک جامعه ابتدا زبان آن را هدف‌گیری می‌کنند.
- از لحاظ تاریخی چیزی به اسم قوم فارس در ایران وجود ندارد.
- «ایران» نامی با قدمت کهن تاریخی است.
- اقوام مشروطه‌خواه ایران پس از فتح تهران با زبان فارسی فتح‌نامه خود را قرائت کردند.

اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

■ زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

■ مقاله ذیل در خصوص اصل پانزدهم از مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری، مورخ ۱۳ / ۶ / ۱۳۹۳ مطالعه شود:

■ اصل ۱۵ قانون اساسی؛ ظرایف، بایدها و نبایدها

تعدادی از شبکه‌های استانی صدا و سیما

- سهند (آذربایجان شرقی)
- سبلان (اردبیل)
- تبرستان (مازندران)
- خاوران (خراسان جنوبی)
- افلاک (لرستان)
- هامون (سیستان و بلوچستان)
- دنا (کهگیلویه و بویر احمد)
- کردستان
- خلیج فارس (هرمزگان)
- جهان بین (چهارمحال و بختیاری)
- شبکه‌های محلی
- اترک (خراسان شمالی)
- آبادان □
- اشراق (زنجان)
- کیش □
- زاگرس (کرمانشاه)
- مهاباد □

■ زبان معیار در رسانه‌های استانی صدا و سیما - ایرنا

■ شبکه استانی افلاک مهرماه ۱۳۸۱ بصورت رسمی افتتاح شد. هم‌اکنون ۵۰ درصد برنامه‌های رادیو لرستان با زبان و گویش‌های محلی تهیه و پخش می‌شود. در حوزه سیما نیز ۲۰ درصد برنامه‌های تولیدی شبکه افلاک با زبان و گویش‌های محلی تهیه می‌شود. در استان‌ها زبان و گویش معیار، زبان و گویش مراکز استان‌ها می‌باشد؛ بر همین اساس زبان و گویش محور در شبکه افلاک، گویش خرم‌آبادی است. ایرنا، پیوند فوق

■ آیا زبان صدا و سیما، شبه مازندرانی است؟ - مازندنومه

■ مازندران گویش و لهجه ثابت و مشخصی ندارد و از شرق تا غرب استان دیگرگون و متنوع است. یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی محلی را در نظر بگیرید که تهیه کننده آن ساروی است، گوینده اهل آمل، نویسنده اهل بهشهر و گزارشگر اهل نوشهر یا چالوس. چنین برنامه‌ای وقتی تولید شد ملغمه‌ای می‌شود از گویشهای مختلف؛ چون نویسنده متن را بهشهری نوشته (یادمان باشد اغلب نویسنده‌ها و برنامه‌سازان صدا و سیما زبان شناس و متخصص و کارشناس فرهنگ و زبان محلی نیستند)، گوینده با گویش آملی اجرا می‌کند و ...!

■ به دلیل برخی مشکلات و محدودیتها از جمله مشکلات بودجه‌ای و مالی مقدور نیست که برای هر برنامه از کارشناسان زبان‌شناس و آشنا به فرهنگ بومی بهره‌گرفت تا متنها و آیتمهای مختلف را بومی‌سازی و کارشناسی‌شده تحویل مخاطب دهند و اصلاً ما این تعداد کارشناس مسلط بر فرهنگ و گویش / زبان بومی نداریم.

■ بر فرض اگر صدا و سیما توانایی این را داشته باشد که از واژه‌ها و کنایات و زبانزدهای بکر و مهجور مردم کوهستانهای لارجان و چلا و آمل و پیران دودانگه ساری و کوهستانهای سوادکوه و هزارجریب و ... بهره‌برد، کدام مخاطب و گیرنده امروزی-پیر یا جوان- متوجه کلام و پیام فرستنده خواهد شد؟

■ نمی‌شود در یک برنامه بهداشتی از پزشک متخصص قلب خواست به زبان مازندرانی توضیح دهد که دریچه میترا چیست و عمل قلب باز چه معایب و محاسنی دارد! توجه دارید که زبان و محتوای اینگونه برنامه‌ها باید فارسی باشد، اما در برنامه‌های شبانه و جنگها می‌شود به تناسب محلی هم صحبت کرد و آیتمهای بومی داشت که همین طور هم هست. [همان]

فراوانی نشریات به تفکیک زبان نشریه (آمار ۱۳۸۵)

- فارسی با تعداد ۱۸۵۴، انگلیسی با تعداد ۴۴۷، عربی با تعداد ۵۵، کردی با تعداد ۱۲ و ترکی با تعداد ۵۸.
- در مجموع کل کشور، نشریاتی که فقط به یکی از زبانهای فارسی، انگلیسی، عربی، ترکی، کردی و سایر زبانها منتشر می‌شوند: ۱۳۷۶ نشریه صرفاً به زبان فارسی، ۳۹ نشریه صرفاً به زبان انگلیسی، ۱۱ نشریه صرفاً به زبان عربی، ۱ نشریه صرفاً به زبان کردی، ۱ نشریه به زبان ترکی و ۷ نشریه به سایر زبانها منتشر شده‌اند.
- تعداد نشریات دو یا چند زبانه: ۳۷۰ نشریه به زبانهای فارسی و انگلیسی، ۷ نشریه به زبانهای فارسی و عربی، ۹ نشریه به زبانهای فارسی و کردی، ۵۴ نشریه به زبانهای فارسی و ترکی، ۱ نشریه به زبانهای فارسی و انگلیسی و ترکی، ۳۴ نشریه به زبانهای فارسی و انگلیسی و عربی، ۱ نشریه به زبانهای فارسی و انگلیسی و عربی و ترکی.

■ **اسامی نشریات محلی | اردبیل** (<https://ardebil.farhang.gov.ir>)

(آمار تفکیکی نشریات محلی چاپی و الکترونیکی استان اردبیل)

ذکر ۱۰ نمونه اول از فهرست ۱۹۱ تایی - کل فهرست از طریق پیوند فوق قابل اخذ است.

ردیف	عنوان رسانه	صاحب امتیاز	تاریخ اخذ مجوز	ترتیب انتشار	گستره توزیع	زبان نشریه
1	برای اردبیل	حبیب یزدانی جیوان	99/3/12	روزنامه	استانی	فارسی - آذری
2	ساوالان	رضا احمدیان	85/4/12	روزنامه	سراسری	فارسی- آذری- عربی و انگلیسی
3	صدای سبلان	سمیه نصیری	95/1/16	هفته نامه	استانی	فارسی
4	وحدت اردبیل	یوسف اکبری	81/12/2	هفته نامه	استانی	فارسی - آذری
5	امید اردبیل	حبیب احمدی	91/8/22	هفته نامه	استانی	فارسی - آذری
6	ندای ساوالان	شهامت هدایت	85/8/15	هفته نامه	منطقه ای	فارسی - آذری
7	مهر اردبیل	میر ایوب تقواطلب	82/5/20	هفته نامه	استانی	فارسی - آذری
8	فروغ آذربایجان	عارف شیرزاد	82/7/21	هفته نامه	منطقه ای	فارسی - آذری
9	طلوع فردا	بهمن شارق	83/11/19	هفته نامه	منطقه ای	فارسی - آذری
10	خبرنامه اردبیل	فاطمه نصیری	93/12/4	هفته نامه	استانی	فارسی - آذری

تفاوت «آموزش زبان مادری» و «آموزش به زبان مادری»

■ آموزش زبان مادری: یعنی زبان مادری در کنار زبان رسمی، آموزش داده شود. به عبارت دیگر، دروسی آموزشی برای یادگیری آن زبان مادری در مدارس یا دانشگاه‌ها تدریس شود.

■ آموزش به زبان مادری: یعنی دروس مدارس یا دانشگاه‌ها به زبان مادری تدریس شود. به عبارت دیگر، دروس ریاضی، فیزیک، شیمی، فلسفه و ... به زبان مادری تدریس شود.

■ خصیصه مهم دو زبان سریانی و فارسی این است که با زور و فتوحات گسترش نیافت:

□ گسترش زبان سریانی در حوزه علمی پس از افول زبان یونانی به عنوان زبان علم با زور و فتوحات نبود.

□ زبان فارسی نو به عنوان زبان میانجی یا درباری یا فرهنگی در پهنه وسیعی از آسیا از هندوستان (قبل از تجزیه شامل هند، پاکستان و بنگلادش) تا استانبول بکار می‌رفت.

■ البته ممکن است به زمان ترکان غزنوی اشاره شود که فتوحات آنها در پاکستان امروزی، نقش مهمی در گسترش زبان فارسی در آن منطقه داشته است.

■ در ایران زبان ملی، میانجی و (تا حدی) زبان معیار توسط شاهنامه و بوستان و گلستان و دیوان حافظ و ... و یا شعرا و ادبایی نظیر فردوسی و سعدی و حافظ و مولانا و نظامی گنجوی تدوین/تثبیت^۱ شده و توسط دیوانیان و معلمین بکار رفته و در نهایت زبان رسمی کشور شده و در قانون اساسی هم آمده است. اینطور نبوده که مانند بسیاری از کشورها اول پادشاهان و حاکمان زبان خود را به زور زبان رسمی کنند و بعد به مرور زمان، زبان میانجی در کشور شود.

۱ بعداً به تفصیل به این موضوع و نقش عوامل مختلف پرداخته خواهد شد.

■ **دهقانان**، یعنی زمین‌داران و مالکان محلی که هم در کار ادارهٔ دهات و قصابات و هم در کار جمع‌آوری مالیات و سربازگیری و غیره در گذشته دستیار دولت بودند، در این دوره با نظام حکومتی فرمانروایان جدید - اعراب مسلمان - هماهنگ شدند و همچنان بصورت کارگزار اداری و مالی حکومت و مأمور آن، در بیرون از شهرهای بزرگ، درآمدند. آنها رابط و واسطهٔ حکومت با رعایا بودند و در این موقعیت و نقش اجتماعی توانستند بعضی از امتیازهای اقتصادی و فرهنگی خود را نگه دارند. صرف ماندن و از بین نرفتنشان به عنوان یک طبقهٔ وسیع و با توجه به سابقهٔ تاریخی که داشتند، سبب شد که تا اندازه‌ای نگهدار و منتقل‌کنندهٔ زبان و فرهنگ ایرانی باشند و پیوستگی آنها با ایران چنان بود که در قرنهای چهارم و پنجم کلمهٔ دهقان به معنای ایرانی به کار برده می‌شد.

■ بطور نمونه شعری از فردوسی:

از ایران و از ترک و تازیان نژادی پدید آید اندر میان
نه دهقان، نه ترک و تازی بُود سخن‌ها به کردار بازی بُود

■ فارسی دری که در طی سه قرن از اوایل قرن چهارم تا اوایل قرن هفتم به تدریج مقام زبان رسمی و ادبی ایران را کسب کرده بود در این مدت از گویشهای ایرانی شرقی که در قلمرو آن رایج بود و نیز زبانهای غیر ایرانی تأثیر پذیرفت. این تأثیر گاهی از طریق اخذ و قبول لغات بود و گاهی با ساختمان کلمه و ترکیب کلام ارتباط داشت. ص ۳۵۷

■ در دوره نخست (تا اوایل قرن هفتم) هنوز چگونگی تلفظ واکهای هر کلمه صورت ثابت و واحدی ندارد. نویسندگان یا کاتبان هر کلمه را به صورتی که مطابق با تلفظ عادی و محلی ایشان است ثبت می‌کنند. کلمه واحد در آثار نویسندگانی که از نواحی مختلف این سرزمین برخاسته‌اند از نظر واکها (یعنی چگونگی تلفظ) صورتهای گوناگون می‌پذیرد. ص ۳۵۹

■ شیوه کتابت (رسم الخط) نیز در این دوران قاعده ثابتی ندارد. ص ۳۶۰

■ قول شمس قیس رازی در المعجم مبنی بر اینکه مردم عراق از شعر فارسی دری لذت نمی‌برند و شعرهای محلی خود را بر آن ترجیح می‌دهند، و وجود بیتها و مصراعهای در کلیات سعدی شیرازی که به گویش محلی شیراز است و غزلهای از همام به گویش تبریزی و غزلهای از اوحدی به گویش اصفهانی و شعرهایی در بعضی مجموعه‌ها به گویش تبریزی و شیرازی و غزلی ملمع در دیوان خواجه حافظ با مصراعهای به زبان شیرازی همه شواهد صریحی است بر آن که زبان گفتار روزانه این شاعران با زبانی که در آثار خود به کار می‌بردند، یعنی فارسی دری، یکسان نبوده است.

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵، ص ۳۷۰ و ۳۷۱.

■ دکتر شاهرخ مسکوب در کتاب «هویت ایرانی و زبان فارسی» به نقش و سهم دیوانیان، علمای دین و عرفا در رسمیت و گسترش و اعتلای زبان فارسی پرداخته است و به این نکته نیز اشاره کرده است که در بسیاری موارد جدا کردن این گروه‌ها از هم ممکن نیست.

■ دکتر صفا می‌نویسد: کار [علمای] شیعه امامی اثنی عشری در تألیف کتابهایشان به فارسی، از اواسط قرن ششم هجری به بعد آغاز شد.

■ دکتر صفا در تاریخ ادبیات در ایران زیر عنوان «اثرهای صوفیان» از تعداد شرح و کتاب صوفیان دوره صفوی نام می‌برد که جز چند اثر ترکی و عربی، بقیه - یعنی اکثریت بزرگ آنها - به فارسی است.

دیوان شعرا

حافظ

<http://ganjoor.net/hafez>

خیام

<http://ganjoor.net/khayyam>

سعدی

<http://ganjoor.net/saadi>

فردوسی

<http://ganjoor.net/ferdousi>

مولوی

<http://ganjoor.net/moulavi>

نظامی

<http://ganjoor.net/nezami>

پروین اعتصامی

<http://ganjoor.net/parvin>

عطار

<http://ganjoor.net/attar>

سنایی

<http://ganjoor.net/sanaee>

رودکی

<http://ganjoor.net/roodaki>

■ نگاهی به دیوان حافظ (کهن‌ترین نسخه کامل شناخته شده) کتابت ۸۰۱ ق

■ این دستنویس کهن‌ترین نسخه شناخته شده و کامل از دیوان حافظ است و به شماره ۵۱۴۹ در کتابخانه نورعثمانیه (استانبول) نگهداری می‌شود.

■ این نسخه شامل ۴۳۵ غزل، ۱ ترجیع‌بند (بندی از آن)، ۲۶ قطعه، ۴ مثنوی و ۱۱ رباعی است.

■ مقایسه و مقابله نسخه نورعثمانیه با دیگر نسخه‌های کهن حافظ، تفاوت‌هایی را در ضبط و قرائت برخی از کلمات نشان می‌دهد و تشابهاتی را نیز مشخص می‌نماید.

■ این اثر به کوشش و با مقدمه آقای بهروز ایمانی معرفی و شناسایی شده است و در پایان آن نیز تصاویری از منابع کهن اشعار حافظ گرد آمده است.

■ قدیمی‌ترین نسخه غزل‌های حافظ کشف شد - خبرگزاری مهر

■ نخستین مجموعه غزلیات حافظ که در آخرین روزهای زندگی این شاعر به ثبت رسیده، در کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد کشف شد.

■ نسخه‌ای که اکنون پیدا شده مربوط به سالهای ۷۹۱ و ۷۹۲ هجری قمری و همزمان با آخرین روزهای زندگی حافظ است.

■ این مجموعه در دل جُنگ شعری است در کتابخانه بادلیان به قلم شخصی به نام علا مرندی یکی از همعصران حافظ که از جمله شامل ۴۹ غزل و یک تک بیت از خواجه شیراز است. این غزلها همگی (شاید به استثنای پنج غزل) در هنگام حیات شاعر به ثبت رسیده‌اند.

زبان پهلوی ساسانی

- یکی از روشهای آشنایی/آموزش سریعتر برای فهم زبان پهلوی، از طریق ملاحظه فهرست کاملی از کلماتی است که به ترتیب:
 - تنها حرکت حرف یا حروفی از آن تغییر یافته،
 - حرف ابتدایی یا انتهایی آن حذف شده، مثل ایار (یار)، داناک (دانا)
 - حرف انتهایی آن تغییر یافته، مثل آکاس (آگاه)، کلاف (کلاه)، نامگ (نامه)
 - یک حرف آن تبدیل شده، مثلاً (پ و ب)، (ت و د)، (واو و گ)
 - دو حرف آن تبدیل یافته، مانند واتام (بادام)
 - ترکیب دو یا چند مورد از موارد فوق الذکر، نظیر شیباک (شیوا)
 - کلماتی که هنوز ریشه آن یا ترکیبی از آن در فارسی نو بکار می‌رود،
 - و در نهایت کلمات منسوخ شده پهلوی در فارسی نو.

■ بدینوسیله نه تنها سریعتر قادر به فهم زبان پهلوی می‌شویم بلکه مزایای ذیل را هم دارد:

■ بعضی از تلفظات و یا تغییر حروف، دهاتی نیست بلکه اصل خود را حفظ کرده است. در اینصورت با مشاهده آن، عوض ذهنیت اشتباه یا تمسخر بیجا، سبب علاقه بیشتر به آن لهجه یا گویش هم خواهد شد.

■ پی بردن به ریشه مشترک گویشهای مناطق مختلف، و همبستگی بیشتر اقوام،

■ می‌توان مجموعه‌ای از واژگان غیرمستعمل را برای استفاده مجدد انتخاب نمود.

■ درک مشابهت‌های فراوان با زبانهای هندواروپایی بویژه پیشوندها،

■ متوجه می‌شویم که اسامی شهرهای بغداد (بغ داد)، انبار، کوفه، پنجوین (پنج وین) کلماتی ایرانی هستند. (کوف و کوفک به معنای کوه و تپه: ص

(۳۸۷)

■ آرمیتن	■ زتن	■ رانتن	■ آپ	■ نپرد
■ آزات	■ دستکرت	■ روت	■ آپان ماه	■ شیپ
■ رات	■ دروت	■ بخشیتن	■ آپومند (آبدار)	■ مرزپان
■ بار بُرتن	■ شات	■ دات	■ آپنوس	■ شپان
■ بات	■ سوت	■ خریتن	■ آفتاپ	■ دپیر
■ بامدات	■ سَرت	■ خزیتن	■ اسپ	■ دپیرستان
■ بوتن	■ سُرُوت	■ دامات	■ پاپک	■ انگپین
■ کارت	■ فرمانبرتار	■ دوشیتن	■ پاسپان	■ فریپ
■ دوت	■ جاویتان	■ زاتن	■ تپاه	■ کیوتر

با تبدیل ت به د بخوانید.

با تبدیل پ به ب بخوانید.

- واقتن
- واران
- واور
- وانگ
- وِرك
- وِرومند
- كاوين
- وِزرگ
- وِه دوست
- وِس
- زاوُل
- زاوُلستان
- وِهمن
- آيات
- ايت
- كالپت
- رپوتن
- سپهپت
- كپوت
- واتام
- واريتن
- وِت

با تبديل و به ب بخوانيد.

با تبديل پ به ب
و ت به د بخوانيد.

با تبديل و به ب
و ت به د بخوانيد.

■ ویاپان (بیابان)	■ یاوید (جاوید)	■ وراز (گراز)
■ واتپان (بادبان)	■ یاویتان (جاویدان)	■ ویچارِشَن (گزارش)
■ شتر (شهر)	■ سِپوک (سَبک)	■ ونجِشک (گنجشک)
■ هَگر (اگر)	■ سپیت (سفید)	■ ویشات (گشاد)
■ خراج (خراج)	■ باژ (باچ)	■ وَشتار (گردش کننده)
■ وَنفشک (بنفشه)	■ بیت (باشید)	■ ویسَسْتَن: گسستن
■ تاگ (تاج)	■ هم راس (همراه)	■ ویسْتَرْتَن: گستردن
■ آپیون (افیون)	■ آکاس (آگاه)	■ ویتاختن (گداختن)
■ رَتک (رده)	■ کاراکاس (کارآگاه)	■ ویتازِشَن (گدازش)
■ شروار (شلوار)	■ کاردان، کارشناس	■ وریختن (گریختن)
■ پولات (فولاد)	■ اِستاتَن [با کسرۀ بلند]	■ ویتَرگ (گذر، گذرگاه)

- آچ (باز)
- آچ ایستادن (باز ایستادن)
- آچ ایستادن (باز ایستادن)
- آچ پرسیتن (باز پرسیدن)
- آچ ماندن (باز ماندن)
- آیت (باید)
- آیست (بایست)
- آبخشایند (بخشاینده)
- آپرتر (برتر)
- آیاتکار (یادگار)
- آخیزشن (خیزش)
- آرشک (رشک)
- آسواریه (سواری)
- آسیمکر (سیم‌گر، نقره‌کار)
- آشاگرد (شاگرد)
- آشکمب (شکم)
- آشناواک (شناوا)
- اوشافتن (شتافتن)
- اوشتاپ (شتاب)
- اوام، اوام (وام)

■ وَفَر (برف)	■ دَشخوار، دژوار (دشوار)	■ کلاف (کلاه)
■ چَخَر (چرخ)	■ سیاوخش (سیاوش)	■ الماست (الماس)
■ سُخَر (سرخ)	■ کارفرمان (کارفرما)	■ سَخَوَن (سخن)
■ بَخَل (بلخ)	■ رَوِشَن (روش)	■ نوک زات (نوزاد)
■ مَزگ (مغز)	■ فرمایشن (فرمایش)	■ فُنْدیگ (فندق)
	■ پَتیرشن (پذیرش)	■ فروک (فروغ)
■ گَنْجَوَر (خزانه دار)	■ کَنْشَنگَر (کنشگر)	■ فروت (فرود)
■ دَسْتَوَر	■ پَتَمَان (پیمان)	■ فروتَمَانَد (فرومانده)
■ رَنْجَوَر (زحمتکش)	■ پَتکَار (پیکار)	■ بَرِیتَن (بریدن)
■ مُزْدَوَر (مزدور)	■ پَتَوَسْت (پیوست)	■ نِیکَاس (نگاه)
■ وَخْشَوَر (پیامبر)	■ پَتَوَسْتَن: (پیوستن)	■ نِیکَاس داریه (نگهداری)

- هَنْجَمَن (انجمن، جلسه)
- هَنْدَوَه (اندوه)
- شَوپَان (چوپان)
- هُو، هُوپ، خُوپ، خُوپ،
- هَوْتَن: خوش قامت
- دُش خِيَم (دژخیم)
- يَزْدَان خِيَم (نیک خیم)
- دُشخُو (دوزخ)
- دُش: دشنام، دشمن،
- پَات زهر (پادزهر)
- جَامَك، تَكُوک (لیوان)
- اَسپَست (یونجه)
- پَت (رئیس)
- مَان پَتِيَه (رئیس خانواده)
- دَرِيک پَت (دربد=وزیر دربار)
- دَرست پَت (درستبد=پزشک)
- هَنْدَرزِپَت (رایزن، رئیس دارایی)
- دَر هَنْدَرزِپَت (رایزن دربار)
- دَهياپَت (دهبد)
- وِيس پَت (رئیس دهکده)
- سِپَاهِپَت (سپهبد)
- گُوهرک دَاناک (فیزیکدان)

- دربند (سد)
- وَهْمَان (فلان)
- واچ (حرف)
- آهو، آهورای (سرور)
- آهورای مَزْد (سرور دانا)
- نیم روچ، نیم روچ گاس (ظهر)
- رزم گاس (رزمگاه)
- پارسیکان (پارسیان)
- هَندِشِیتن (اندیشیدن)
- پار = (زمان) گذشته، منقضی شده
- گیان خورَه (فر کیانی)
- چهر شناسیه: فیزیک (علم)
- گُهرک داناک (فیزیکدان)
- پیشداد (قانونگزار نخستین)
- نوک روچ (نوروز)
- کلات (قلعه)
- هَدِیش (کاخ)
- کامِشن (تمایل، کامش)
- دریا بار (کنار دریا)
- روت بار (رودبار، کنار رودخانه)

- زیک، زیگ، زیچ، زایچ: تقویم، جدول نجومی
- کتک (کده)
- اړوند اسپ: اسب تندرو
- داتار (آفریننده)
- اړستا: اوستا
- داتار اورمزد
- آستا: ایستا
- داتستان (دادستان)
- فراجستن (جلو جستن)
- داتبر (دادور)
- فراچ رفتن (جلو رفتن)
- دریک (دری، درباری)
- کاؤل، کاپل (کابل)
- دور وینشن (دوربین، دور بیننده)
- هم دیسک (همدیس، همشکل)
- پارسیک، پارسیگ (زبان فارسی)
- بوران (گلگون)
- هوتخش (صنعتگر)

■ یَسْناء، یَسْنَ: به معنی پرستش و نیایش و جشن،
(کلمه جشن هم صورت کنونی همین یَسْن است.)

تاریخ زبان فارسی دکتر خانری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵، ص ۱۷۶

حذف حرف انتهایی

- بازوک (بازو)
- بانوک (بانو)
- ترازوک (ترازو)
- نیروک (نیرو)
- زانوک (زانو)
- گلوک (گلو)
- زالوک (زالو)
- زردتالوک (زردآلو)
- شیپاک (شیوا)
- پیداک (پیدا)
- نیاک (نیا)
- رواک (روا)
- داراک (دارا=دارنده)
- داناک (دانا)
- دیپاک (دیبا)
- رسواک (رسوا)
- سرماک (سرما)
- سَزاک، سَچاک (سزا)
- پهنای (پهنا)
- همای (هما، عقاب)

مشابهت با زبانهای دیگر

- مَسْتَر (بزرگتر، پیرمرد)
- مَسِیست (بزرگترین، عالیترین)
- گَهِیست، گَسِیست (کمترین)
- خَوَر (شیرینی)
- خوالیست (شیرینترین)
- فرهیست (فراوانترین)
- اِرَنگ (با کسره بلند)(اشتباه)
- فکر، توجه (mēnišn)
- جَنگ (artik)
- ارتیشتر (رزم آور)
- هِر (با کسره بلند)، هیر (دارایی)
- سَتَدَک، استاتک (راکد)
- سَتینیک (ثابت)
- سَرَت (خیابان، کوی)
- وَپَز (زنبور)
- شَو (برو)
- پان (حمایت کننده)
- چَمَبَر (حلقه)
- گَزیرک (جزیره)
- گَزیتک (جزیه)

- ماریک (علامت)
- ورتک (گردیده)
- وانشن، ونیه (پیروزی)
- وینشن (قوه بینایی)
- اشوک دات (صدقه)
- چیش (شیء)
- سپاش (فضا) (با سکون سین)
- زور (فریب، قدرت)
- گپاه (قبا)
- گندک (خندق)
- گس (گه، کوچک)
- یاکنت، یاکنت (یاقوت)
- بریز (کوره)
- آیار، هیّار (یار، کمک کار، عیار)
- ورت (گل، گل سرخ)
- رُپ (با ضمه بلند) تاراج، ربودگی
- ریوتن (ربودن)
- ویر (مرد) - مشابه لاتین
- میتران (مهران)
- مزگت (مسجد)
- میز وای (هوای ابری)
- نپت، نپاتک، ناف، نپ (نواده)
- اِتم (با کسره و ضمه بلند) = واحد، یگانه

پیشوندهای نفی: اَ، اَبِ (با کسره بلند)، اَن، اَنَ

- انازار (بی آزار)
 - اناپیه (بی آبی)
 - اناپاتان (نا آبادان)
 - اپاک (ناپاک)
 - یزدان شناسیه (خداشناسی)
 - یزدان آشناسیه (خدانشناسی)
 - اورتشن (ناگردش، عدم گردش)
 - آپیداکی (ناپیدایی)
 - انیات (فراموش شده)
 - اویناک (غیر قابل رؤیت)
- اگر چندین لغت را در کتب مدارس اضافه نمود و در برنامه‌های پربیننده تلویزیونی بکار برد، جا می‌افتد و زنده می‌شود.
 - ایران و انیران را حتی سیاستمداران، نمایندگان مجلس و روزنامه‌ها نیز می‌توانند بکار برند.

تلفظ پهلوی کلمات ذیل با سکون
حرف خ است

- خویش
- خویشتن
- خَوَد (xvat)

تلفظ پهلوی کلمات ذیل با سکون
حرف خ است و همگی بصورت -xva

- خواری (خواریه)
- خوارزم
- خواربار
- خواست
- خواستار
- خواستن
- خواندن (خوانتن)
- خوانش (خوانشن)
- خواهر
- خواهش (خواهشن)

فارسی امروزی کلمات زیر را حدس بزنید.

- شبستان
- کارچار
- نامیک
- وناسکار
- مردانک
- هوچهر
- دش چشم
- آکار
- آپی گُمان
- آدان مرت

- پت هاچ چارگ گریفتن نی تووان
(به هیچ چاره گرفتن نتوان)

(کارنامه ۱۶، ۳)

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد دوم، ص ۳۴۹

- کارنامهک ارتخشیر پاپکان (کارنامه اردشیر بابکان)، داستانی تاریخی آمیخته با افسانه است درباره سرگذشت و جنگها و دلاوریهای بنیانگذار خاندان ساسانی.

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری

- CENTRAL DIALECTS – Encyclopaedia Iranica

CENTRAL DIALECTS, designation of a number of Iranian dialects spoken in the center of Persia, roughly between Hamadān, Isfahan, Yazd, and Tehran, that is, the area of ancient Media Major, which constitute the core of the western Iranian dialects. They are most closely related to

1. the band of Ṭāleši and Tati dialects that stretches from the areas of Vafs and Āštīān (Tafreš) in the northwestern center of Persia to northern Azerbaijan (area of ancient Media Minor) and Ṭawāleš,

and 2. the now largely extinct dialects of the Tehran-Ray area (ancient Raga), and the dialects of Semnān and surrounding villages to the east of Tehran (area of ancient Qūmes).

- See also: [THE MEDIAN DIALECTS OF KASHAN](#)

- دکتر مجید طامه عضو فرهنگستان ادب ایران در گفتگو شبکه یک سیما:
- زبان آذری قدیم و تاتی، زبان باستانی آذربایجان - آپارات

- نمونه‌ای از زبان «پهلوی آذری»، زبان پیشین مردم آذربایجان از کتاب
سفینه تبریز - آپارات

برخی نقاطی که زبان تاتی در آن رایج است:

- در نواحی‌ای از آذربایجان، نواحی‌ای از خراسان شمالی (مناطق‌ی از شهرستان جاجرم و بخش گلیان از توابع شهرستان شیروان و بخش راز و گیفان)، بخشی از شاهرود، خلخال، قزوین، ارسباران، مرند، گیلان، بخش‌های سفیدرود و آبادیهای اطراف آن، و در اران و نواحی پیرامون باکو (سوراخانی، بالاخانی، قبا)، گنجه، شماخی، نواحی داغستان و دربند،
- در خصوص آگاهی از نظرات مختلف در خصوص ریشه و معنی «تات» به پیوند ذیل رجوع کنید.

جغرافیای تات‌ها: بررسی پراکنش جغرافیایی تات‌زبان‌ها در استان قزوین و ...

■ از جغرافیای مسکن و شمار تات‌های کنونی آمار دقیقی در دست نیست، اما براساس نظر پژوهشکده تات‌شناسی تاکستان، محل‌های سکونت تات‌های ایران در تاکستان، بوئین‌زهرا، شال، دانسفهان، اسفرورین، رامند، طالقان، رودبار، الموت و به‌ویژه در روستای گازرخان، منطقه پشکل‌دره آبیک در قزوین و چند روستا در بخش شاهرود خلخال و رودبار گیلان، هرزند و کرینگان و گلین‌قیه در مرند، زنوز و حسنو در قره‌داغ، بخش جرگلان از توابع بجنورد و برخی از روستاهای خط مرزی ترکمنستان است، اما بیشترین سهم از آن شهرستان تاکستان در استان قزوین است، که تات‌ها بیش از ۶۰ هزار نفر از جمعیت ۱۶۰ هزار نفری آن را تشکیل می‌دهند و پس از آن شهرستان بوئین‌زهرا با حدود ۳۰ هزار نفر قرار دارد. (نوازی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

■ تفاوت گویش تاتی به حدی است که در عین شباهت‌های ملموس، حتی ممکن است تاتی یک محل در جای دیگری از مناطق تات‌نشین اصلاً مفهوم نباشد، مثلاً تات‌های تاکستان تاتی قفقاز را نمی‌فهمند یا در منطقه تات‌نشین تاکستان با وجود فاصله بسیار نزدیک تاکستان با اسفرورین‌شال و خیارج، آنها در برخی لغات و اصطلاحات و حتی لهجه با یکدیگر تفاوت دارند [همان].

■ زبان تاتی در طارمات (زنجان) - دایره المعارف بزرگ اسلامی

■ زبان تاتی بخشی از شمال طارم علیا دامنه کوه البرز بجا مانده است. در حدود ۸ روستا (چرزه، باکلور، جمال آباد، قسمتی از آبادی هزارود، بندرگاه، سیاورود، نوکیان، قوهیجان) به زبان تاتی صحبت می کنند.

■ محل سکونت آنها بر کمره کوه واقع شده و به زبان مادری خود که تاتی می باشد تعصب دارند، زبان تاتی در این روستاها کمتر دستخوش گویشها گردیده و گفته می شود که از زبانهای تاتی دیگر مناطق غلیظ تر است .

■ تالشان و تات‌های خلخال و کلاً استان اردبیل هر دو آتروپاتنایی‌اند و هویت و ریشه تاریخی مشترکی دارند. بخشی از این جامعه از دوردست‌های تاریخ با انتخاب پیشه دامداری و شیوه زندگی کوچ‌نشینی از غرب البرز شمالی به ارتفاعات جنگلپوش آن رفته و تدریجاً در آنجا مستقر شدند و با نام تالش شناخته شدند اما ساکنان سرزمین‌های غربی آن رشته کوه که اسکان یافته و به اصطلاح شهری شده بودند، همچنان به نام آتروپاتنایی یا آذربایجانی باقی ماندند و هنگامی که قبایل ترک به آذربایجان وارد شدند، آنها را تات خواندند.

■ گویشها و گونه‌های موسوم به تاتی از خراسان تا استان مرکزی و تا آذربایجان و قفقاز رایج است. در این بین گویشوران تاتی بیشترین تراکم را در استان قزوین دارند و پس از آن در شاهرود خلخال.

- تالشی و تاتی شاهرود و کلاً تاتی استان اردبیل، دو زبان جدا از هم نیستند. بلکه شاخه‌ای از پهلوی بشمار می‌آیند که به گویشها و گونه‌های مختلف در آتروپاتنا رایج بوده و پهلوی خوانده می‌شد.
- تالشی با تاتی شاهرود و ارسباران و نمین در داخل شاخه شرقی پهلوی یا زبان پهلله قرار می‌گیرد. گویش هریک از این مناطق با هم تفاوت‌هایی دارد.
- تحولات تاریخی و شرایط محیطی بر هر دوی اینها تأثیر برابر نداشته است از اینرو امروزه همانطور که تالشان ماسال و فومنات، نمی‌توانند با تالشان شمال، یعنی از چوبر و حویق تا عنبران (انبران) به آسانی ارتباط برقرار کنند، تاتهای کلور و شال هم به آسانی نمی‌توانند با اهالی لرد و کجل ارتباط برقرار کنند.
- تاتی قزوین هم که باز بسته به شاخه دیگری از پهلوی است، با تاتی شاهرود و ارسباران در یک شاخه قرار نمی‌گیرد.

■ با وجود اینکه در گستره استان اردبیل شهروندان به زبان آذری تکلم دارند، اما در بخش جنوبی از جمله خلخال و در روستاها و شهرهای نزدیک به مرز مشترک با استان گیلان نوای زبان تاتی همچنان شنیده می‌شود.

■ برگزاری جشن رغایب با تکلم به زبان تاتی: فریدون بابایی فرماندار خلخال با تأکید به اینکه این جشن سالانه در امامزاده عبدالله شهر کلور برگزار می‌شود، اضافه کرد: آیین‌هایی از این دست با هدف احیا و معرفی زبان‌های خاص شهرستان خلخال از جمله تاتی برگزار می‌شود.

■ پیوند خبر: زبان تاتی در چند قدمی فراموشی

■ کریم حاجی‌زاده مدیرکل میراث فرهنگی استان اردبیل: اطلس زبان و گویش مناطق جنوبی استان تهیه شده و مناطق مرکزی و شمالی باقی مانده است.

■ دکتر شهین شیخ، زبان‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور استان گیلان: صداوسیما می‌تواند در برنامه‌های مختلف از گویشوران زبانهای خاص دعوت کند.

درخشش مستند «ارونه ماد» | خبرگزاری صدا و سیما

- به گزارش خبرگزاری صدا و سیما مرکز قزوین، مستند تلویزیونی «ارونه ماد» با هدف معرفی پیشینه فرهنگ و زبان تاتی و همچنین معرفی تاریخ و جغرافیای قوم تات در استان تهیه و تولید می‌شود.
- در این مستند ضمن گفتگو با مردمان تات‌زبان در مناطق تاکستان، بوئین‌زهره و الموت، پیشینه زبان تاتی در این مناطق و همچنین علل پراکندگی جمعیت تات در استان قزوین بررسی می‌شود.
- در زبان تاتی «ارونه» به معنای امروز است و «ماد» هم اشاره به قوم ماد دارد بر این اساس نام «ارونه ماد» به معنای مادهای امروز یعنی تات زبانها است.
- مستند تلویزیونی «ارونه ماد» به تهیه‌کنندگی مجید حدادی در ۴ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای در سیمای مرکز قزوین تولید شد.

■ مستند «ارونه ماد» - بخش اول - ویدئو

■ مستند «ارونه ماد» - بخش دوم - ویدئو

■ مستند «ارونه ماد» - بخش سوم - ویدئو

تاتی در شمال خراسان

- در شهرستان جاجرم، واقع در جنوب غرب استان خراسان شمالی، جلگه پهنای به نام شوغان و منطقه‌ای به نام چهارده سنخواست واقع است که اغلب ساکنان این مناطق به گویش تاتی تکلم می‌کنند. این مردم از دیرباز خود را «تات» می‌نامیده‌اند و گویش رایج خود را «تاتی» دانسته‌اند. از مهمترین روستاهایی که به تاتی تکلم می‌کنند می‌توان به سنخواست، اندقان، خراشا، کرف، جربت، دوبرجه، جوشقان و ... اشاره کرد که حدود ۲۵ هزار نفر جمعیت دارند.

■ وجود واژگان مشترک گویش تاتی با متون کهن ادب فارسی و کاربرد معنایی هر یک از این کلمات در عرصه تصحیح و تفسیر شعر و نثر پیشینیان ضرورت توجه به گویش را توجیه می‌کند، بدون شک در آثار تحقیقی بسیاری از محققان و مفسران متون کهن فارسی به نکاتی بر می‌خوریم که درک مفهوم عبارت، بدون بهره‌گیری از کاربرد لغوی واژگان گویشهای مختلف زبان فارسی دشوار و بعضاً غیرممکن می‌شود (در متن مقاله به نمونه‌های پراکنده‌ای از لغات نادر موجود در آثار متقدمان اشاره شده است). عدم توجه به معنای گویش پاره‌ای از لغات، بعضی از شارحان و مصححان و محققان را به اشتباه افکنده و این اشتباه در تصحیح متون و شرح ابیات موثر اخلاص ایجاد کرده است. گویش تاتی رایج در شمال خراسان از جمله گویشهایی است که لغات مشترک فراوانی از آن را می‌توان در متون کهن فارسی یافت و از این طریق بسیاری از دشواریهای معنایی و رسم‌الخطی متون گذشته را حل کرد.

- هورامی /hawrāmī/، /awromāni/، /avromāni/ یا گویش اورامان از گویش‌های زبان گورانی است که خود از زبان‌های ایرانی شمال غربی به شمار می‌آید. هورامی با گویش‌های کندوله‌ای، باجلانی و گورانی رابطه‌ی خواهری دارد و قدیمی‌ترین گویش این گروه است که به علت برخورداری از ویژگی‌های باستانی بسیار مورد توجه است و از بسیاری جهات ویژگی‌های گونه‌ای قدیمی از گویش‌های ایرانی میانه را دارد.
- در برخی منابع هورامی به عنوان یکی از گویش‌های کردی معرفی شده است اما به رغم همجواری با زبان کردی نمی‌توان این زبان را به کردی منسوب دانست زیرا تحولات خاص کردی را متحمل نشده است. گفته می‌شود، نام اورامان از یکی از سرودهای دینی زردشتیان گرفته شده است.

■ همه گویش‌های گورانی ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را با گویش‌های مرکزی ایران مربوط و از کردی متمایز می‌کند. هر چند روشن است که گویش‌های کردی همجوار تأثیر بسیاری بر آن داشته‌اند و در این میان قرض‌گیری‌های واژگانی هم صورت گرفته است.

■ از تعداد گویشوران هورامی آمار دقیقی در دست نیست، اما مطابق برخی تخمین‌ها حدود ۲۲۹۴۸ نفر در ایران به این گویش سخن می‌گویند. خاستگاه تمام گویش‌های گورانی احتمالاً استان‌های حومه خزر بوده است و از آنجا گویشوران در زمان نامعلومی به زاگرس جنوبی مهاجرت کرده‌اند. اورامان اکنون در تقسیمات کشوری به دو استان کردستان و کرمانشاه تعلق دارد. هورامی‌ها در دو سوی رشته اصلی زاگرس، در غرب سنندج سکونت دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند: لهون/lohon، مستقر در جنوب غربی زاگرس (مهم‌ترین روستای آن نوسود) و تخت /taxt، مستقر در شمال و شرق این رشته کوه (مهم‌ترین شهرها، پاه و شاهو).

AVROMANI, the dialect of Avroman, properly Hawrāmi, is the most archaic of the Gōrāni group. All Gōrāni dialects exhibit a number of phonological features which link them with the dialects of central Iran and distinguish them from Kurdish. While the main Gōrāni language area, to the west of Kermānæāh, is an island in a sea of chiefly Kurdish dialects, the Hawrāmān now forms a separate islet to the north. It is clear, however, that the neighboring Kurdish dialects have encroached on a much wider Gōrāni area and have been considerably affected in the process. There has also been much interchange of vocabulary.

The cradle of all Gurāni dialects (as of the closely related Zaza, or Dimlī [q.v.], dialects), was probably in the Caspian provinces. From there their speakers migrated *en bloc* to the southern Zagros at an unknown early date, and the Iraqi group after them to their present positions. The dialects were presumably once much more widely spoken, but many Gurāni-speaking areas were subsequently overrun by Kurdish speakers, leading to a merging of the two languages evident from the differences between the archaic Northern and the Gurāni-influenced Central Kurdish dialects.

- مرکزی، جزیره گویشهای متفاوت + فیلم | خبرگزاری صدا و سیما
- شمیرانی‌ها با زبان راجی حرف می‌زدند، داریوش شهبازی، همشهری آنلاین
- چه کسانی لهجه تهرانی‌ها را عوض کردند؟ + تصاویر، داریوش شهبازی
- زبان راجی دلیجان یک میراث ملی است | خبرگزاری ایلنا

■ زبان گفتار مردم بومی تهران یکی از گویشهای محلی بود که تا این اواخر در دهکده‌ها و آبادیهای شمیران نیز باقی بود. اما مستوفیان و دیوانیان زبانی را به کار می‌بردند که به زبان رسمی و ادبی بسیار نزدیکی داشت، اگرچه گویشهای محلی در چگونگی تلفظ و طرز استعمال لغات آن بی‌تأثیر نبود. این زبان دولتی و اداری یا زبان رسمی را در اصطلاح «لفظ قلم» می‌خواندند و عامه شنوندگان غالباً از چند جمله که طرف می‌گفت در می‌یافتند که او از طبقه منشی و مستوفی یعنی «اهل قلم» است و به «لفظ قلم» سخن می‌گوید.

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد اول، نشر نو، ۱۳۶۵، ص ۳۷۶ و ۳۷۷

گاف (یا کافِ) حذف شده، اغلب در ترکیبات بویژه در صورت جمع ظاهر می‌شود.

■ همگ (همه)، همگان، همگی

■ ستارگ (ستاره)، ستارگان

■ گماردگ (گمارده)، گماردگان

■ فرزاندگ (فرزانه)، فرزاندگان

■ فرهیختگ (فرهیخته)،

فرهیختگان

■ جامگ (جامه)، جامگان

□ سیاه جامگان

□ سرخ جامگان

■ بانوگ (بانو)

■ داناگ (دانا)

■ جداگ (جدا)

■ کنارگ (کناره)

■ کارنامگ (کارنامه)

■ آراستگ (آراسته)، آراستگی

■ همگونگ (همگونه)، همگونگی

■ خانگ (خانه)، خانگی

■ نیزگ (نیزه)

■ نامگ (نامه)

■ کامگ (کامه)

■ اما در فارسی دری با توجه به صورت مفرد آنها تصور شده است که جزء نشانهٔ جمع در این گونه کلمات «-گان» است، و از اینجاست که دستور نویسان ایرانی قاعده‌ای جعل و وضع کرده‌اند که به موجب آن «هائِ غیر ملفوظ» یا «هائِ بیان حرکت» تنها نشانهٔ مصوت آخر است و «هائی» در میان نبوده که به «گاف» بدل شود، و گاف در اصل کلمهٔ دورهٔ فارسی میانه وجود داشته که از آخر کلمه ساقط شده و در میان کلمه باقی مانده است و حاصل تبدیل «هائِ فرضی» به «گاف» نیست.

تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد سوم، ص ۹۲ و ۹۳

■ در زبان عربی کلماتی که حرف اول آنها ساکن باشد وجود ندارد، اما در زبانهای ایرانی چنین واژه‌هایی بسیار دیده می‌شود و علاوه بر آن واژه‌های فراوانی هست که حرف اول و دوم آنها هر دو ساکن است و حرف سوم واک صدادار است [نامه پهلوانی، ص ۵۱]. البته امروزه در فارسی معیار این کلمات با سکون حرف اول ادا نمی‌شود.

- چو در گویش نائینی، نشان تصغیر است که چند نمونه از آن از فرهنگ دکتر منوچهر ستوده آورده شده است.
- این نشان تصغیر، کاندید خوبی برای استفاده در زبان فارسی است و شیرینی و جذابیت خاصی دارد.
- نرم نرمچو (نرم نرمک، کم کمک)
- خرده چو (خورده ریز)
- دیگچو (دیگ کوچک)
- کرمچو (کرم کوچک)
- آرسچو (عروسک)
- ارچو (اره کوچک)
- پیله چو (کیسه کوچک)

■ در گویش نائینی، مَس و مسه (مَس) به معنای بزرگ و همچنین کَس (kas) و کَسَه (kasa) به معنای کوچک است.

■ جالب اینجاست که در تبدیل سانسکریت به اوستایی و برعکس، ه و س به یکدیگر تبدیل می‌شود، بطور نمونه: مَه و گَه.

■ چلی مَس: چله بزرگ
(از اول دی تا ۱۰ بهمن)

■ چلی کَس: چله کوچک
(از ۱۱ بهمن تا اول اسفند)

■ مَسِ مَسَه: از همه بزرگتر

■ زوئونی کَس: زبان کوچک

■ واژه فارسی «آب» در بیشتر گویشهای کهن ایرانی و گویشهای کنونی ایران **āv** یا **aw** یا **ow** فراگو می‌شده و می‌شود و همین واژه «آب» یا «**aw**» در زبانها و گویشهای ایرانی، گذشته از معنی اصلی خود به معنی دریا و رود و نهر نیز هست؛ با این ترتیب واژه **hav** که در زبان سوئدی به معنی «دریا» و گاهی نیز به معنی «آب» است، احتمالاً با واژه «**ab, ow, āv**» ایرانی هم‌ریشه و همسان است بویژه آنکه در زبان سوئدی همزه آغازین واژه‌ها تبدیل به «ه» می‌گردد و قاعدتاً واژه «**av**» به صورت «**hav**» در می‌آید، همچنانکه واژه «عبری» نیز به صورت «**hebrē**» (=یهودی) و «**hebreiska**» (=زبان عبری) در آمده است.

بعضی لغات در گویش نائینی

- او (ow): آب
- اور (awr): ابر
- وین (vin): بین
- ورف: برف
- نم: نام
- زور (zewr): زبر، خشن
- جن: زن
- وی: بی، بدون
- اوشو: برو
- ویچاره: بیچاره
- هُووس: بخواب
- وی پروا: بی پروا
- هُشک: خشک
- وُلگ: برگ درخت یا کاغذ
- هوروس: خروس
- هُوُلک: سوراخ
- هیمیر: خمیر
- گود (gawd): گود

- سیتین: ستون
- شو: شوهر
- پیک: پوک
- پیل: پول
- آلیده: آلوده
- نوگا: نگاه
- ایکی (iki): یکی
- ویاون: بیابان
- اسپاآن: اصفهان
- کیا (kia): کجا
- گم: کجا
- یّمه: آمد
- یرواره: آرواره
- یّش: جوش (جوش صورت)
- یا: جا، محل، مجازاً رختخواب / یا
(حرف شرط)
- دّت: دختر

■ می (me): من

(ضمیر اول شخص متکلم)

■ هِنْد، هِن (hend, hen):

هستند

■ مشابهت با:

□ زیگ

□ This,

□ Leak,

□ Key,

□ Just

■ دِ پوره چو: این پسره

■ لیچ: خیس، آبکشیده

■ کِل: کلید

■ زیچ: در کمین، مترصد، مراقب

■ جَخت (jact):

□ هم‌اکنون

□ درست، به یک اندازه، مو به مو

همانند just در زبان انگلیسی

پسون (پسان):

بطور نمونه، در گویش نائینی:

- پریشو، پس پریشو، پسون پریشو (پس به معنی پشت) می گویند.
- البته منحصر به گویش نائینی نیست و در گویشهای دیگر هم بکار می رود.

نمونه های دیگر،

■ دیشب، پریشب، پس پریشب، پسون پریشب،

■ دیروز، پریروز، پس پریروز، پسون پریروز،

■ فردا، پس فردا، پسون فردا،

در انگلیسی معادل آن را نداریم. از اینگونه ظرفیتها می توان استفاده نمود.

وضعیت و اهمیت زبان فارسی

تاریخچه واژه‌گزینی (اهم موارد)

- ترجمه کتب و واژه‌گزینی در عصر اردشیر بابکان و شاپور اول
 - ترجمه کتابهایی از هند و چین و روم

بطور نمونه، به مقاله «واژه‌گزینی در عصر ساسانی و تأثیر آن در فارسی دری» از دکتر حسن رضائی باغبیدی در نامه فرهنگستان (دوره ۴، شماره ۳، مرداد ۱۳۷۹) مراجعه شود.

- ترجمه کتب و واژه‌گزینی در زمان خسرو انوشیروان
 - ترجمه کتب هندی، سریانی و یونانی

■ کهن‌ترین سند دربارهٔ انتقال کتب هندی به ایران و احتمالاً ترجمهٔ آنها به پهلوی (= فارسی میانه) کتاب چهارم دینکرد است که به نوشتهٔ آن، شاپور اول ساسانی فرمان داد نوشته‌های مربوط به پزشکی، ستاره‌شناسی، حرکت، زمان، مکان، جوهر، آفرینش، کون و فساد، تغییر عَرَض، منطق و صنایع را از هند، روم و دیگر سرزمینها گرد آورند و به اوستا بپیوندند. ابن‌ندیم نیز به گردآوری و ترجمهٔ کتب خارجی، و بخصوص هندی، در زمان اردشیر بابکان، پسرش شاپور و خسرو انوشیروان اشاره کرده است. وجود واژه‌های هندی‌الاصل در متنهای پهلوی شاهی بر تأثیر علوم هندی بر علوم زمان ساسانیان است. برای نمونه می‌توان به نام چند گیاه دارویی اشاره کرد که بر نفوذ طب هندی در دورهٔ ساسانی دلالت دارد: بلادور «بلا تور (گیاهی طبی)»، «بیش»، هَلیگ «هلیله» و ...

■ ترجمه آثار سنسکریت به پهلوی در زمان شاهنشاهی خسرو انوشیروان به اوج شکوفایی رسید. از جمله کتابهایی که در عصر خسرو انوشیروان به پهلوی ترجمه شد کتاب سیرک (نیز: جرک، سرک، شرک) در پزشکی بود (ابن ندیم، ۴۲۱؛ تفضلی، همان، ۳۲۰) که احتمالاً اثر پزشک معروف هند باستان چَرَکه بوده است (رضایی باغبیدی). کتاب سنسکریت شوکه سَپتتی «هفتاد حکایت طوطی»، که اکنون ۴ تحریر فارسی از آن به نامهای جواهرالاسمار، طوطی‌نامه (دو کتاب) و چهل طوطی بر جای مانده است، نیز احتمالاً در دوره ساسانی به پهلوی ترجمه شده بود. اما معروف‌ترین اثر هندی که در زمان خسرو انوشیروان به دست برزوی طبیب پسر آذر مهر به پهلوی ترجمه شد، کتاب پَنچه تَنتره «پنج باب» بود

■ کتاب سیرک که در عهد خسرو انوشیروان از سنسکریت به پهلوی ترجمه شده بود، توسط عبدالله بن علی به عربی ترجمه شد (ابن ندیم). این کتاب ظاهراً همان کتابی است که یعقوبی آن را کتاب شرک نامیده است. سه کتاب پهلوی با نامهای بنیان دخت، بنیان نفس و بهرام دخت نیز دربارهٔ درمان ناتوانیهای جنسی به عربی ترجمه شده بود (ابن ندیم). نیز می دانیم که ابن مقفع هم کتابهایی در زمینهٔ پزشکی که پیش از او به پهلوی ترجمه شده بود، از پهلوی به عربی ترجمه کرده بود.

■ ابوریحان بیرونی در التّفهیم، ابن سینا در دانشنامه علائی، ناصر خسرو در زادالمسفرین، و بابا افضل در مصنّفات، به صورت عملی و با نوشتن برخی از کتابها و حتی با تألیف برخی از آثار خود به دو زبان عربی و فارسی و یا ترجمه متن اول به زبان دوم (همانند ابوریحان)، بدین مسئله پرداخته‌اند. اما ابوریحان، این دانشی‌مرد نامدار، در صیدنه بیان مطالب علمی داروشناسی و طب را به زبان عربی، به جای زبان فارسی یا خوارزمی، اختیار کرده است.

حسن حبیبی، «سرگذشت واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تاکنون»، نامه فرهنگستان، دوره ۱۰، شماره ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۷-۲.

■ مترجمان این [کتاب‌ها] را خیانتی دیگر است یعنی: برخی از مواد دارویی را که در سرزمین ما یافت می‌شود و برای آنها در زبان عربی نامی وجود دارد، بدون تغییر به همان زبان یونانی به جا گذاشته‌اند، به گونه‌ای که پس از ترجمه نیز به توضیح نیاز دارد مانند «کرفس کوهی»، «هویج وحشی»، «زرشک»، «بزریش» و جز اینها. آنها این [نام‌ها] را به زبان عربی ترجمه نکرده‌اند، همچنان که نام کتاب‌های منطق «مدخل»، «مقولات»، «عبارت» و «قیاس و برهان» ترجمه نشده است و در نتیجه تنفر و سردی نسبت به آنها از جانب دشمنان دو برابر شده است.

الصیدنه تألیف ابوریحان بیرونی، ترجمه باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳.

فهرستی از واژه‌هایی که توسط ابوریحان بیرونی ساخته و معادل‌سازی شده است، توسط گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی به مناسبت روز بزرگداشت وی (۱۳ شهریورماه) منتشر شده است:

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------|
| ■ نیم‌اسب: برج قوس (آذر) | ■ برخ، پاره: قسمت |
| ■ سال آفتاب: سال شمسی | ■ ستاره‌یاب: اصطربلاب |
| ■ ستاره بادنبال: ستاره ذوذنب | ■ آتش‌بار: صاعقه |
| ■ سال ماه، سال ماهتاب: سال قمری | ■ بهارگاه: فصل بهار |
| ■ راست‌پای: متساوی‌الساقین | ■ تیزنگر: دقیق‌النظر |
| ■ بیالا: مستطیل (مانند «ب» در بخرد) | ■ بسیارپهلو: کثیرالاضلاع |

■ در زبان فارسی ترجمه کتابهایی از زبانهای اروپایی به تشویق عباس میرزا آغاز شد و با تأسیس دارالترجمه همایونی در دوره ناصرالدین شاه نهضت ترجمه قوت گرفت. *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ریاحی، ص ۲۱۹*

■ [ناصرالدین شاه] همه جا به دعوت سران کشورها، از پیشرفته‌ترین نمونه‌های صنعتی و جدیدترین دستاوردهای فرهنگی و تمدنی اروپا بازدید می‌کند و چون می‌خواهد آنچه را دیده است به زبان و قلم آورد و توصیف کند ناچار به واژه‌گزینی می‌پردازد. البته معلوم است که معادل‌های فارسی ذکر شده در این سفرنامه‌ها همه ابداع شخص ناصرالدین شاه نیست و قاعدتاً بسیاری از آنها قبل از سفر وی به فرنگستان در ایران ساخته شده و رایج بوده است.

حداد عادل، ناصرالدین شاه واژه‌گزین، نامه فرهنگستان، دوره ۴، شماره ۳، مرداد ۱۳۷۹

■ هرچند نخستین فرمان رسمی دولتی برای واژه‌گزینی و وضع لغات فارسی در برابر لغات بیگانه در زمان مظفرالدین‌شاه قاجار و در حدود یکصد سال پیش صادر شده است، واژه‌گزینی برای لغات غربی سابقه‌ای طولانی دارد ... واژه‌گزینی غیررسمی در ایران کمابیش به دوران جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی‌شاه و عباس میرزا باز می‌گردد و اندکی بعد، با تأسیس دارالفنون صورت منظم‌تر و گسترده‌تری پیدا می‌کند.

تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

■ فرهنگستان ایران (فرهنگستان اول) (۱۳۲۰-۱۳۱۴)

□ حدود ۲۰۰۰ واژه بیگانه معادل‌یابی شد.

■ فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان دوم) (۱۳۵۷-۱۳۴۹)

□ فرمان تأسیس در ۱۳۴۷ و تشکیل نخستین شورا در ۱۳۴۹

■ فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم)

□ از سال ۱۳۶۸ تاکنون

افسوس که اگر این وقفه‌های طولانی نبود، زبان فارسی به عنوان زبان علم در جایگاهی والاتر قرار می‌گرفت. سرعت عمل در واژه‌یابی بسیار حائز اهمیت است. قبل از این که لغت وارداتی در جامعه بکار رود و جا بیفتد، واژه معادل باید اطلاع‌رسانی و کاربردی شود.

■ فرهنگستان اول در سال ۱۳۱۴ تشکیل شد و تا سال ۱۳۲۳ فعال بود و در آن دوران حدود ۱۷۰۰ واژه را منتشر کرد و ۳۰۰ واژه گم‌شده در صورت جلسات آنها بود؛ در نتیجه جمعاً دوهزار واژه توسط فرهنگستان اول کار شد. فرهنگستان دوم از حدود سال ۱۳۴۹ تشکیل شد و تا سال ۱۳۵۸ وجود داشت اما در سال‌های آخر فعالیتی نداشتند و از مصوبات قطعی آنها اطلاعی در دست نداریم، اما ۶۰۰ واژه بررسی شده و یکی دو جزوه مختصر را داریم که می‌دانیم از مصوبات فرهنگستان دوم است که تعداد کل آنها به حدود شش‌هزار واژه می‌رسد که البته حداکثر ۶۰۰ واژه از آنها را تصویب کردند. به‌هرحال، اسناد و مدارک فرهنگستان دوم در اختیار فرهنگستان سوم قرار نگرفت و ما بر اساس تجربیات خودمان شروع به کار کردیم.

نشست واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دکتر نسرين پرويزی، معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان

فرهنگستان اول (تأسیس ۱۳۱۴ ه. ش)

■ اعضای پیوسته فرهنگستان اول:

ملک الشعراى بهار، على اكبر دهخدا، محمدعلى فروغى، ابوالحسن فروغى،
سعيد نفيسى، سيد نصرالله تقوى، صادق رضازاده شفق، بديع الزمان فروزانفر،
على اصغر حكمت، عبدالعظيم قريـب، حسين گل گلاب، رشيد ياسمى،
غلامحسين رهنما، اديب السلطنه سميعى، عيسى صديق، كاظم عصار،
فاطمى، قاسم غنى، ابراهيم پورداوود، عباس اقبال آشتيانى، محمد حجازى،
محمد قزوينى، محمد تدین، مسعود كيهان، جلال همایى، غلامعلى رعدى
آذرخشى، احمد بهمنيار، حسنعلى مستشار، سرهنگ مقتدر، مصطفى عدل،
على اكبر سياسى، محمود حسابى.

(بر روی اسامی کلیک کنید تا زندگینامه آنها از ویکیپدیا ملاحظه شود)

ملک الشعراى بهار



■ مستند زیبای ملک الشعراى بهار - آپارات

■ پدرم در ۱۸ سالگی ملک الشعرا شد - آپارات

■ تصنيف مرغ سحر - ملک الشعراى بهار - آپارات

■ پیام استاد محمدامین ریاحی در شب ملک الشعراى بهار - بخارا ۱۳۸۵

■ استاد کدکنی: بی غیرتی ما بود که آرشیوی از ملک الشعرا نداریم - آپارات

■ خاطره جالب سالار عقیلی از حاضر جوابی ملک الشعراى بهار - آپارات

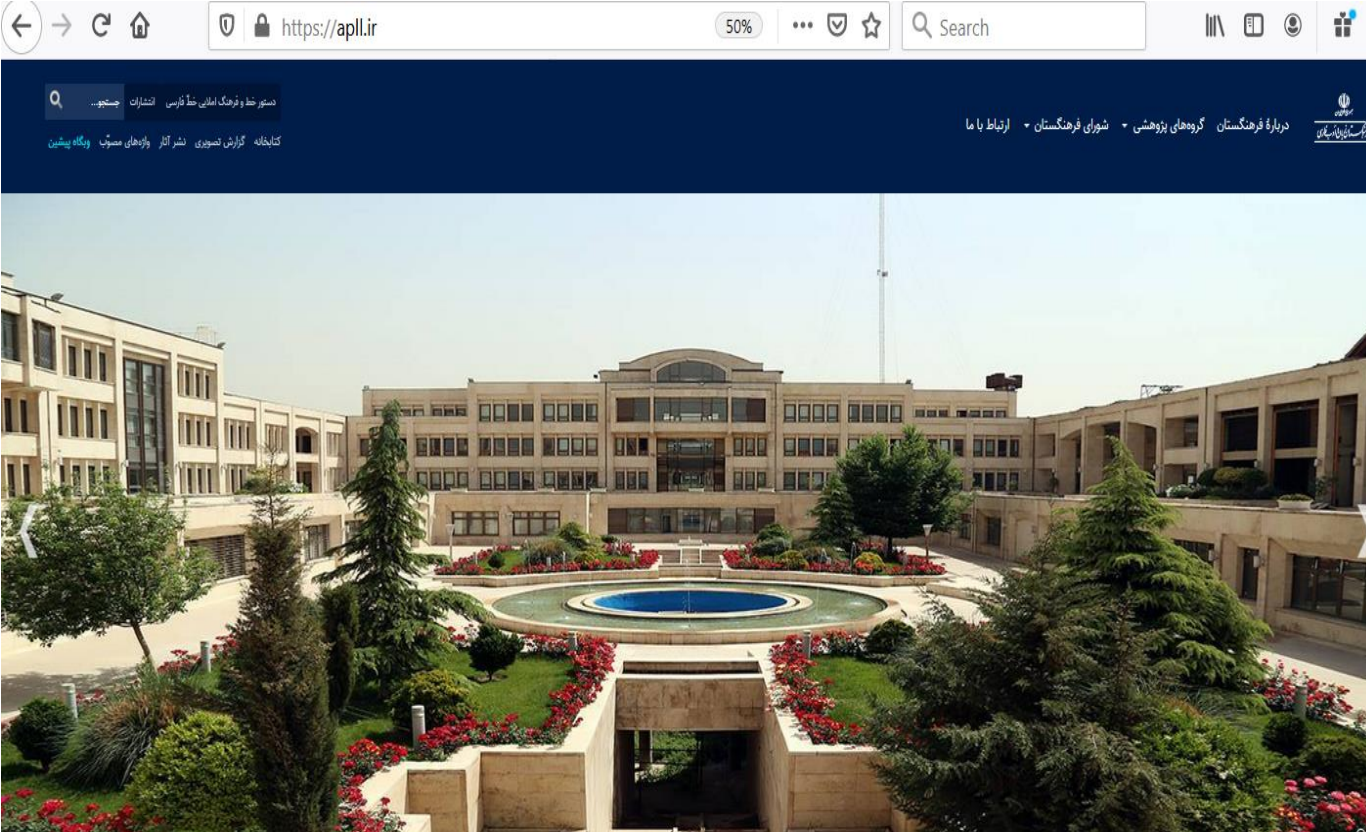
فرهنگستان ایران - واژه‌های نو ۱۳۱۹-۱۳۱۴،
انتشارات دبیرخانه فرهنگستان، چاپخانه تابان، تهران

■ آبراهه	■ بازپرسی	■ بستانکار
■ آبرفت	■ بازنشسته	■ بسیج
■ آتش‌نشان	■ باستان‌شناس	■ بن بست
■ آذرخش (صاعقه)	■ باستان‌شناسی	■ بهداشت
■ آسایشگاه	■ باشگاه	■ بهداری
■ آگهی	■ بایگانی	■ بیابان
■ آموزشگاه	■ بخشنامه	■ پیشینه
■ انباره	■ برچسب	■ بیمه
■ بازپرس	■ بسامد	■ پادگان

دستگاه	■	داد گستری	■	جهانگرد	■	پاسبان	■
دستمزد	■	دانشنامه	■	چاپ	■	پاسگاه	■
راستا	■	دانش جو	■	چاپخانه	■	پایان نامه	■
رایزن	■	دبیرخانه	■	خودکار	■	پراکنش	■
رایزنی	■	درمانگاه	■	دادخواست	■	پرتونگاری	■
روادید	■	دریابان	■	دادرس	■	پرورش	■
رونوشت	■	دریادار	■	دادرسی	■	پژوهش	■
زایشگاه	■	دریاسالار	■	دادسرا	■	سرجوخه	■
زیر دریایی	■	دریانورد	■	دادگاه	■	جهانگردی	■

■ واخواهی	■ ناوبان	■ کارآگاه	■ سازمان
■ واکنش	■ ناوچه	■ کارگزینی	■ سده
■ هواپیما	■ ناوشکن	■ کارمند	■ سرپاسبان
■ هواشناسی	■ ناوگان	■ کشاورزی	■ شبنم
■ خبرگزاری	■ ناوگروه	■ گذرنامه	■ شناسنامه
	■ نمودار	■ گشتاور	■ شهربانی
	■ نوشت افزار	■ مارپیچ	■ شهردار
	■ نیمساز	■ مانداب	■ شهرداری
	■ واپسین	■ مرداب	■ کارشناس

فرهنگستان زبان و ادب فارسی



The screenshot shows the website apll.ir. The browser address bar displays 'https://apll.ir'. The website header includes a search bar, navigation links for 'ارتباط با ما' (Contact Us), 'شورای فرهنگستان' (Academy of Cultural Studies), and 'گروه‌های پژوهشی' (Research Groups). The main content area features a large photograph of the building and courtyard. The building is a large, modern structure with a central courtyard containing a circular pool and a fountain. The courtyard is landscaped with greenery and red flowers. The website is in Persian.

ارتباط با فرهنگستان

تهران، بزرگراه شهید حقانی،
خروجی کتابخانه ملی، بلوار دکتر
حسن حبیبی، فرهنگستان زبان و
ادب فارسی

info@apll.ir

۶۸-۸۸۶۴۲۳۳۹

روابط عمومی: ۸۸۶۴۲۵۳۲

تلفن‌های فرهنگستان

■ فرهنگستان سوم در شهریورماه سال ۱۳۶۹ آغاز به کار کرد و سال گذشته ۳۰ ساله شد. در این مدت، از ابتدا گروه واژه‌گزینی در زمره گروه‌های اصلی فرهنگستان قرار داشت، اما فعالیت آن شروع نشده بود تا اینکه در سال ۱۳۷۳ دکتر غلامعلی حداد عادل به ریاست این گروه منصوب شد (البته آن زمان مرحوم دکتر حبیبی رئیس فرهنگستان بودند) و ما عملاً از اسفند ۱۳۷۳ کار واژه‌گزینی را از صفر شروع کردیم.

■ در آغاز خیلی کارمان ابتدایی بود، رایانه به این شکل نبود و در نتیجه ما چهارشنبه‌های هر هفته تعریف‌ها را از فرهنگ‌های مختلف کپی می‌گرفتیم و آن‌ها را می‌بریدیم، اسامی و توضیحات فرهنگ‌ها را دستی به آن‌ها اضافه می‌کردیم، بعد کپی می‌گرفتیم و به هم می‌چسباندیم و در اختیار استادان قرار می‌دادیم و در جلسه براساس این‌ها تصمیم‌گیری می‌شد. کار ما در آن زمان خیلی خام بود، چون به واژه‌هایی پرداختیم مثل «ایمیل» که بعدها خیلی رشد کرد و طبیعتاً معادلی که آن زمان می‌توانستیم انتخاب کنیم، خیلی علمی کار نکردیم و به خانوادهٔ واژه توجه نکردیم چون سابقه‌ای برای این کار نداشتیم. ما حتی برای تهیهٔ این کاربرگ‌ها پیش خیلی از استادان خارج از فرهنگستان که سابقهٔ فرهنگ‌نویسی داشتند رفتیم. برای همین این کاربرگ‌ها خام آماده شد و شاید مقداری از روی خامی مصوباتی داشتیم. برای نمونه «ایمیل» را آن زمان گفتیم خوب است که «پیام‌نگار» بگذاریم، ولی بدون توجه به اینکه “e” یک خوشه‌واژهٔ عظیم خواهد داشت. این نشان می‌داد ما درست فکر نکردیم؛ البته بعدها تجدید نظر کردیم و تغییراتی دادیم.

روز زبان و ادب فارسی
۲۵ اردیبهشت ماه زادروز
حکیم ابوالقاسم فردوسی

(با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۵ / ۶ / ۲)

■ ماده واحد: به منظور استفاده شایسته و مناسب از تجربیات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در زمینه زبان و ادبیات فارسی و بنا به اهمیت موضوعِ واژه‌گزینی، به فرهنگستان زبان و ادب فارسی اجازه داده می‌شود، در چارچوب وظایف و صلاحیت‌های خود و با رعایت سایر مقررات، از خدمات آنها در زمینه واژه‌گزینی استفاده نمایند.

■ تبصره: مدت زمان فعالیت اعضای هیئت علمی موضوع ماده واحد فوق به عنوان بخشی از ساعت موظفی آنها در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی احتساب خواهد شد.

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۰۳ مورخ ۸۶/۲/۱۱

■ **زبان علم** گونه‌ای از زبان است که نقش اصلی آن برقراری ارتباط میان اهل علم و بیان مطالب علمی در گفتار و نوشتار است و علاوه بر تعامل با دیگر گونه‌های زبان و بهره‌گیری از واژگان و فرآیندهای واژه‌سازی آنها، دارای واژگان ویژه و روش‌های خاص خود در واژه‌گزینی است.

■ **واژه‌گزینی** فرآیندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی یا فنی یا حرفه‌ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده می‌شود.

(مصوب جلسه ۳۳۱ شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورخ ۸۶/۹/۲۶)

■ اصول موضوعه فرهنگستان زبان و ادب فارسی

- توسعه علمی نیازمند زبان علمی است.
- زبان علم در ایران زبان فارسی است و باید فارسی بماند.
- زبان علمی فارسی برای بقا نیازمند واژه‌گزینی سازمان‌یافته و روشمند است.

(مصوب جلسه ۳۳۱ شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورخ ۸۶/۹/۲۶)

شیوه‌های واژه‌گزینی

واژه‌گزینی برای یک مفهوم مشخص به چهار روش انجام می‌گیرد:

- **برگزینش:** انتخاب یک واژه یا عبارت از میان واژه‌ها و عبارتهای موجود زبان،
- **نوگزینش:** انتخاب یک واژه موجود در زبان و دادن مفهومی جدید به آن به طوری که با مفهوم اولیه بی‌ارتباط نباشد.
- **ساختن اصطلاح:** ساختن اصطلاح به سه شیوه زیر انجام می‌گیرد:
 - **واژه‌سازی:** ساختن یک واژه جدید مشتق یا مرکب یا مشتق-مرکب.
 - **ساختن گروه نحوی:** ساختن یک گروه نحوی با به کار بردن دست‌کم دو واژه صورت می‌گیرد. این واژه‌ها با کسره اضافه یا یکی از حروف اضافه به هم پیوند می‌یابند.
 - **اختصارسازی:** ساختن اختصار به یکی از روش‌های سرواژه‌سازی یا آمیزه‌سازی (نحت) یا اختصار حرف‌به‌حرف انجام می‌شود.
- **وام‌گیری:** اخذ یک واژه از زبانهای بیگانه (معمولاً غربی) با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد.

از سخنرانی استاد فقید جلال الدین همایی:

وقتی که تمام دوره‌ها را از ظهور اسلام تا حال حاضر از مد نظر بگذرانیم می‌بینیم که دانشمندان ما از قدیم تاکنون متأسفانه بیشتر سعی و کوشش خود را در زبانهای بیگانه صرف کرده، سهل است که پاره‌ای از کوتاه‌اندیشگان اصلاً زبان فارسی را خوار و بی‌مقدار شمرده‌اند. دانشمندان حاضر بیشتر در زبانهای اروپایی کار می‌کنند. علمای قدیم تمام همّ خود را در تدوین و تکمیل زبان و ادبیات عرب مبذول داشتند و به زبان فارسی چندان اعتنا نکردند. در صورتی که اگر عشر آن همه زحمت و رنج را برای قواعد فارسی متحمل شده بودند، صرف و نحو و معانی و بیان و لغت فارسی نیز به حد کمال می‌رسید ... بعضی می‌گویند فارسی زبان علمی نیست. چرا نیست؟ برای این که بدان توجه نداشته و در این زمینه کار نکرده و تحمل رنج و زحمت را بر خود هموار نساخته و در واقع نخواسته‌ایم که آن را زبان علمی سازیم. فرق است میان نخواستن و نشدن. در این باره سخن بسیار است.

■ «از آنجا که هر زبانی در اثر کاربرد آن در دانشهای مختلف و در تحقیقات علمی پایه و مایه می‌گیرد، و استعدادهای درونی آن می‌شکفتد، و ویژگیهای آن شناخته می‌گردد، بی‌توجهی به زبان فارسی و به کار نگرفتن آن در زمینه‌های علمی و تحقیقی باعث گردید تا زبان فارسی که در زمینه‌های دیگر با زبان عربی هم‌عنان می‌رفت و حتی در برخی زمینه‌ها هم از آن پیشی می‌گرفت، در این زمینه یعنی تحقیقات علمی پیشرفتی نکند و از هم‌عنانی با زبان عربی بازماند.»

■ «... و چون تأثیر آشنایی جوانان ایرانی را به بیانات اروپائی در نگارشهای ایشان می‌بینم توجه می‌دهم که در این باب اهتمام تام باید بعمل آید و فراموش نشود که هر قوم در بیان مطالب شیوه‌ای خاص دارد که انحراف از آن تزییع زبان است و کمترین نتیجه فاسدش اینست که شنونده یا خواننده مراد گوینده یا نویسنده را بدرستی در نمی‌یابد ... و لیکن آگاهی و اقتباس از افکار و لطائف گفتار خارجیان مستلزم آن نیست که شیوهٔ زبان و بیان خود را از دست بدهیم...»

نقل از کتاب سیر حکمت در اروپا

■ «دانشمندان ما تا حدود یک قرن پیش علوم ادبیه را منحصر به علوم لفظی عربی می‌دانستند و فارسی‌دانی در نظرشان فضیلتی محسوب نمی‌شد، و بدین سبب تمام همت و سعی خود را در تدوین و تکمیل و تعلیم و تعلم قواعد زبان عربی مصروف داشته و آن زبان را در صرف و نحو و ... و دیگر علوم لفظی بی‌نیازترین زبانها ساخته‌اند. در صرف و نحو عربی هزارها کتاب و رساله، مبسوط و مختصر و متوسط به ترتیبات و اشکال مختلف تألیف کرده و در استقصای قواعد و تعریف مصطلحات و شرح و بسط مطالب این فن دقتها و موشکافیهای عجیب نموده‌اند، و اگر صد یک این زحمات را برای زبان فارسی کشیده بودند، فارسی هم از جهت صرف و نحو و دیگر علوم لفظی و ادبی زبانی ثروتمند بود.

■ لیکن فارسی را متأسفانه درخور این که چنین رنجی برایش تحمل شود نمی‌دانستند، و اگر شعر و شاعری در ایران اهمیت خاصی پیدا نکرده بود، این چند رساله و کتاب هم که در بدیع و عروض و قافیۀ فارسی در دست داریم بوجود نمی‌آمد.»

استاد احمد بهمنیار

- «ناتوانی زبان، ناتوانی کسانی است که به آن سخن می‌گویند. ما بهانه می‌آوریم و گناه درماندگی و بیچارگی خود را به گردن زبان می‌اندازیم.»
- «وقتی که شما در تمدن پیشرو بودید، لغاتی در زبان شما وجود داشت که در زبانهای دیگر نبود.»
- «زبان خالص مانند نژاد پاک، افسانه‌ای است که خواب می‌آورد.»
- زبان انگلیسی مملو از لغات خارجی است و کسی هم به فکر پاک کردن آن زبان نیفتاده است.
- «امروز کار به جایی رسیده است که هر کس خواندن و نوشتن می‌داند اگر چه سر و کارش با ادبیات نیست، از روی تفنن لغت می‌سازد.»

■ لیکن همه متفقند که عرب از زبان فارسی بیشتر لغت گرفته است تا از سایر ملل، و از همین راه است که ائمه لغت عرب هرگاه در اصل لغتی از لغات غیرعربی تردید کنند که از کجا است آنرا از لغات فارسی دانند و فارسی شمارند، زیرا عرب بیشتر در زیر حکومت ایران قرار داشته و دیری مراکز بزرگ عرب که یمن و بحرین و حیره و حجاز باشد در تملک ایرانیان بوده است. ص ۲۵۵

■ و اگر لغاتی که از اثر نفوذ حکومت دیالمه و سلاجقه در عراق و نفوذ ایوبیان و ممالیک در مصر و سوریه پیدا شده است بنویسیم خود کتابی خواهد شد جداگانه – و مراد اینست که گمان نرود تنها زبان عرب در زبان فارسی تأثیر بخشیده است بلکه تأثیر زبان و فکر و عقاید فارسی نیز در عربی کم نیست و میدانیم که عرب از پیش از اسلام لغات فارسی را وارد زبان خود کرده بود. ص ۲۵۸

■ و اگر کسی بخواهد تأثیر لغات فارسی را در مملکت عثمانی و مصر جدید بداند کافیهست بتاریخ کبیر جبرتی موسوم بعجایب الآثار مراجعه نماید و ببیند که تمام لغات اداری آنروز بابعالی و قاهره و حتی لغات ادبی همه فارسی است. ص ۲۵۸

بخشی از سخنرانی پروفیسور فضل‌الله رضا

■ «... ما به زبان فارسی صحبت می‌کنیم. تقریباً به همان زبان فارسی هزار سال پیش، زبان فارسی که در توس خراسان رایج بود، زبان دری. در انجمنهای علمی و فرهنگی این کشور بزرگ میزبان ما (آمریکا) آیا ممکن هست کسی به زبان انگلیسی سیصد سال پیش صحبت بکند؟ پس اینطور نیست که ما همه چیز را گم کرده باشیم. زبان و فرهنگ ما یک گنجینه بسیار قیمتی و برومند است و بنده این استقامت زبان فارسی را در مقابل هجومهای تازی، ترک، مغول، چنگیز و دیگران که آمدند و شهرها را خراب کردند و میلیونها مردم را طی قرون از بین بردند، می‌ستایم. می‌بینیم که آنچه در مقابل همه هجومها استقامت نشان داد و برجای ایستاد، ستیزندگی و پایداری و بلندی و مقام والای فرهنگ ما و زبان فارسی بوده است.»

■ نیرومندی و رسایی زبان فارسی به اندازه‌ای است، که از ظریفترین معانی ادبی تا پیچیده‌ترین موضوعات علمی و فلسفی را به روشنی و شیوایی بیان ...

چرا زبان پارسی ماندگار شد؟ دکتر ژاله آموزگار (فیلم سخنرانی)

در زبانهای هند و اروپایی لفظی برای دلالت بر رابطه وجود دارد، ولی در زبان عربی، لفظی که معادل «است» باشد، یافت نمی‌شود. فارابی در این زمینه می‌فرماید: وقتی علوم فلسفی را از لغت یونانی به زبان عرب بازگرداندند، دریافتند که رابطهٔ زمانی در لغت عرب همان افعال ناقصه است، مانند «کان افلاطون حکیماً» اما در این زبان لفظی که قائم مقام «است» فارسی و «استی» (استین) یونانی باشد، نیافتند، این بود که لفظ «هو» و «هی» و نظایر آن را به عنوان رابط غیرزمانی بکار بردند. مثلاً برای اینکه در قضیهٔ «علی کاتب» تصریح به رابطه بشود، آن را بصورت «علی هو کاتب^۱» درآوردند.

۱ خواجه طوسی در شرح اشارات می‌گوید: «فاضل شارح (امام فخر رازی)» برگفتار ابن سینا مبنی بر این که «در قضایایی نظیر: زید کاتب» حق این است که «زید هو کاتب گفته شود» اعتراض کرده، گفته است: چون کاتب از الفاظ مشتق است خود به خود مرتبط به غیر است. بنابراین افزودن رابطهٔ «هو» تنها هنگامی صحیح است که خبر، جامد باشد. اما امام در این اعتراض سهوی مرتکب شده است ... الاشارات و التنبيهات، تصحیح دکتر سلیمان دنیا

میل (مایل) واژه‌ای فارسی است که به زبانهای دیگر رفته است.

فردوسی می‌فرماید:

- نیرو بستند بر پشت پیل
- بزد مهره در جام بر پشت پیل
- ببیند کنون شهریار از دو میل
- خروشدن تازی اسبان و پیل
- تبیره بَبستند بر پُشت پیل
- همی آواز اسبان دو میل
- ازو برشد آواز تا چند میل
- همی رفت آواز بر پنج میل
- همی بر شد آوازشان بر دو میل

■ ابن خردادبه در «مسالك و ممالك» برخلاف یعقوبی صاحب البلدان، فاصله ها را بر حسب میل معین کرده و نه منزل یا روز و از این نظر دقیقتر از البلدان است. (مهدی بوترابی)

■ نمونه‌هایی در احسن التقاسیم مقدسی (سال تألیف حدود ۳۷۵ هجری):

- برخی از اندلسیان [که از دانشمندان خردمند آنجا بود و مدتی دراز در دریا همراه ما می‌بود] برایم گفت: آنجا سیزده روستا در پانزده **میل** دارد (ص ۳۳۳)،
- قسطله سیزده **میلی** ارجونه است (ص ۳۳۳)،
- شوذر در هجده **میلی** قرطبه در دشتی پر زیتون است (ص ۳۳۴)،
- قرسیس در شصت **میلی** قرطبه، ص ۳۳۵

بکارگیری لغات فارسی در کتاب جزری

■ کتاب الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعه الحیل درباره شرح ساخت ۵۰ دستگاه صنعتی است. کتاب به زبان عربی نوشته شده است و مصنف آن بدیع الزمان ابوالعز اسماعیل بن رزاز جزری است. وی کردتبار و در منطقه دیاربکر (شهر آمد) ترکیه امروزی در دربار آل ارتق با عنوان رییس الاعمال به فعالیت‌های مهندسی و ساخت و ساز دستگاه‌ها و تجهیزات و نوآوری صنعتی اشتغال داشت. او به پیشنهاد حاکم آن دیار و با تمایل خود حاصل تجارب مهندسی و صنعتی در طول عمر خود را که حداقل ۲۵ سالش در دوران آن حاکمان بدست آورده بود شروع به نگارش کرد و بالاخره در چهارم جمادی الثانی سال ۶۰۲ آن مجموعه را به پایان رساند و سه ماه بعد دار فانی را وداع کرد و به رحمت ایزدی پیوست.

■ در زمانه مصنفِ این کتاب، سرزمین‌های اسلامی هنوز تحت سیطره قدرت معنوی دستگاه حکومتی خلفای عباسی بود و مطالب علمی به زبان عربی نوشته می‌شد. با این که نزدیک به شش سده از سقوط ساسانیان می‌گذشت و حدود چهار قرن و نیم بود که زبان عربی، زبان علمی دنیا بود، اما جزری در کتاب به زبان عربی خود ناچار شده است بیش از ۵۰ واژه فارسی بکار برد. در ترجمه به فارسی آن کتاب که با عنوان مبانی نظری و عملی مهندسی مکانیک در تمدن اسلامی منتشر شده است در بخش واژه‌نامه (عربی - فارسی - انگلیسی) این واژه‌های فارسی مشخص شده‌اند که غالباً به صورت معرب در متن کتاب عربی بکار رفته‌اند.

■ اگر واژگان بیگانه معادل‌گذاری فارسی نشود، قدرت زبانمان از بین می‌رود.

■ اگر واژه‌های جدید ساخته نشود و جایگزین واژه‌های وارداتی نشود، به مرور زبان فارسی جایگاه خودش را از دست می‌دهد و می‌گویند فارسی دیگر زبان علم نیست. زبانهای دیگر هم همین کار را می‌کنند. مثلاً فرانسه برای کامپیوتر معادل‌گذاری کرده، با اینکه انگلیسی و فرانسوی به هم نزدیک هستند. البته فرهنگستان کلماتی را که جا افتاده است دیگر تغییر نمی‌دهد.

■ زبان فارسی زبانی است که می‌شود تعداد زیادی فعل را کنار هم گذاشت و در آخر یک جمله معنی‌دار داشت. مثل: داشتم می‌رفتم، دیدم گرفته نشسته، گفتم بگذار بپرسم ببینم می‌آید، نمی‌آید، دیدم می‌گویند نمی‌خواهم بیایم، می‌خواهم بروم بگیرم بخوابم!

نقل از روزنامه خراسان

- پیشنهادِ هر تغییر جزئی در رسم الخط فارسی باید مدت مدیدی در جوامع تخصصی بحث شود. ابتدا در محافل آکادمیک باشد. در مقالات و نشریات مربوطه با بررسی معایب و مزایای آن منتشر شود. باید مدت زیادی بگذرد تا پیشنهادات مختلف مطرح و پخته شود.
- ابداع عالمانه و هنرمندانه واژه‌های فارسی برای واژه‌های بیگانه، قابل تحسین است. اما تغییر در رسم الخط، مقوله‌ای جداگانه است.
- تغییر در رسم الخط فارسی نباید بگونه‌ای باشد که اگر نوجوان یا کودکی مدرسه‌ای، نسخ خطی و یا دستخط ادبا و علمای متوفی و حاضر را ببیند، از هر خط آن ده غلط بگیرد. فَأَيْنَ تَذَهَبُونَ

جدانویسی یا متصل نویسی

■ مسلماً اتخاذ الگوی جدانویسی مطلق یا متصل نویسی مطلق توصیه نمی‌شود، ولی با ملاحظه کتب چاپ شده، ترکیباتی جداگانه نوشته می‌شود که به ذهن بسیار ثقیل می‌آید؛ هرچند باید اذعان داشت این موضوع تا حدودی سلیقه‌ای است (البته تا حدی). جدانویسی کلمات زیر را تصور کنید:

■ آنها، اینها، بهتر، کمتر، شب‌نم، بیشتر، سخنگو، جستجو، گفتگو، بازیچه، نیلگون، جابجایی، یخبندان، روبرو، دامپزشک، دندانپزشک، جشنواره، مهتاب، ساختار، گرانقدر، گرانمایه، حسابرس، سخنرانی، سخنور، سخنگو، جوابگو، زمانبر، سازماندهی، فرماندهی، بالگرد، ارتشبد، سپهبد، ماهواره، گوشواره، ماهرو، خاکروبه، آتشفشان، گرمسیر، گرمسیری، جانباز، دولتمرد، کمرنگ، کمبود، کمیاب، آدمیزاد، پهناور، دانشمند، اندیشمند،

■ علاقمند، روشمند، قانونمند، قلمداد، هجده، سیصد، هفتصد، کمیاب، بازیکن، کمبود، غربزده، بزرگداشت، غمخوار، بیکاری، بیکار، بیداد، بیدار، بیچاره، بیگانه، سپاسگزاری، روشنفکر، جنگجو، گمنام، کامروا، یکدلی، نیمسال، پیشران، پیشران، کتابخوان، کتابخوانی، کلاهداری، کولبر، کولبری، کلانشهر، دیوانعالی، جانباخته، جانباختگان، شکوهمند، امامزاده، امامزادگان، گلدان، عملکرد، قانونمداری، خونخوار، گردنبنند، نگونسار، چکنویس، پناهجو، توانمند، رفتار، الفبا، نابکار، اصولگرا، کنجکاو، زرهپوش، پاکسازی، سیاستمدار، گفتار، حکمران، حکمرانی، کلاهخود، بدر، سیزده بدر، جایگزین، داروی بیهوشی، نگهداشت، پاسداشت، گاه و بیگاه، زمانبندی، رایزن، رایزنی، گوشزد، میانجی، میانجیگری، میانجیگرایانه، قلمرو، حاصلخیز، دمنوش، گلنوش، گلبرگ، لبخند، پاکدامن، کجروی، دشنام، خاکریز، نیشکر، پاکدست، حقابه، میلگرد، نابخردانه، کشمکش، ریشخند، غرقابی، رویگردانی، پیشگو، پیشگویی،

و یا بصورت دسته‌بندی شده:

- رهروان، راهرو، راهکار، رهیافت، رهیاب، راهنمایی، راهنما، رهنما، رهنمود، راهداری، راهزن، رهگشا، راهگشا، بزرگراه، راهبرد، رهگذر، همجواری، همدل، همراه، همسایه، همزاد، همگرا، همبند، همفکر، همهمه، همسان، همانند، همزن، همزدن، هماهنگ، همخوان، همچنین، همسو، همخوانی، همدستی،
- دامنگیر، مشتتگیر، پیگیر، چشمگیر، وقتگیر، پیشگیری، زمانگیر، ماهیگیر، غافلگیر، کفگیر، عالمگیر، پیگیری، غافلگیری، غافلگیرانه، جهانگیر
- پایدار، پایداری، پاسدار، کماندار، تفنگدار، نگهدار، کراندار، هشدار، نامدار، هوشدار، طرفدار، طرفداری، طرفدارانه، جانبدارانه، پرچمدار، دوستدار، دوستداران، دوستدارانه، خویشتندار، خویشتنداری، سهامدار، علمدار، باغدار، داغدار، پولدار، صندوقدار، استاندار، بخشدار، بخشداری،

- دستگیر، دستگیره، دستگیری، دستیابی، دستاورد، دستیار، سگدست، دسترس، همدست، دستپاچه، دستپاچگی، دستنویس، دستخوش، یکدست، دستشویی، دستساز، تهیدست، دستمال، دستکاری، دستکش، دستاویز، دستبُرد، دستبند، دستپوش، دستمزد،
- بهتر، بهروز، بهداشت، بهداری، بهنوش، بهداد، بهزاد، بهروز، بهروزی، بهبود، بهبودی، بهسازی،
- رخداد، بغداد، بامداد، رویداد،
- شاهنامه، قطعنامه، گاهنامه، دانشنامه،
- چگونه، چگونگی، چقدر، چنان، چُنین، همین، آنگونه، اینگونه،
- کیست، چیست، کجاست،
- کلمات عربی نظیر: بدون، بلکه، علیرغم، بلافاصله، بلاشک، بلا تصور،

- بدهکار، همکار، پیمانکار، تبهکار، جوشکار، جوشکاری، خدمتکار، پشتکار، شاهکار، جنایتکار، طلبکار، طلبکاری، درستکار، درستکاری، خرابکارانه، تبهکارانه، طلبکارانه،
- سیلاب، تالاب، منجلاب، آبراه، آبرفت، گلاب، آبریز، آبشار، مرغابی، آبیاری، آبرسانی، آبخیزداری، آبخوان،
- یکرنگ، یکشنبه، یکسان، یکپارچه، یکدیگر، یکسره،
- پاسبان، نگهبان، پاکبان،
- سالروز، سالگرد، سالنامه، خشکسالی،
- خوشرو، خوشمزه، خوشبخت، خوشبین، خوشبینانه، خوشحال،
- آبگرمکن (آب گرم کن)، پاککن،

- پیشوند، پیشرو، پیشتاز، پیشتازی، پیشتازانه، پیشبرد، پیشرفت، پیشگاه، پیشرفته، پیشنهاد، پیشگام، پیشخوان،
- پسوند، پساب، پسرفت، پسگام،
- دانشگاه، پایگاه، خواستگاه، ورزشگاه، بنگاه، آموزشگاه، درمانگاه، جایگاه، زایشگاه، باشگاه، فروشگاه،
- هیچگاه، شامگاه، شامگاهان، گهگاه،
- نشانگر، گردشگر، کنشگر، روشنگر، حسگر، بازیگر، بازیگران، درمانگر، پژوهشگر، پژوهشگران، ویرانگر، مسگر، مسگری، کنسولگری، گردشگری، روایتگر، روایتگری، روایتگرایانه، ویرانگرایانه،

- بدرود، بسزا، حلقه بگوش، خانه بدوش، نابهنگام، نابسامان، نابکار، نابخرد،
- دلسرد، دلسردی، دلگرم، دلگرمی، دلربا، دلپذیر، دلخراش، پاکدل، دلسوز، سنگدل، دلخواه، دل بسته، دل بستگی، دلچسب، دلخوری،
- خشکبار، زنگبار، جویبار، رگبار، یکبار، یکباره، زیانبار، مرگبار، اسفبار^۱،

^۱ بار در کلمات فوق به سه معنای مختلف است.

پسوند «-بار» به معنی کناره و ساحل (رودبار، جویبار، زنگبار) را نباید با کلمه «بار» به معنی «دفعه» اشتباه کرد (دیگر بار، نخستین بار). تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، ج ۳، ص ۳۲

- تکواژه، تکواژ، تکرو،
- نفتکش، زحمتکش، آبکش،
- دانشجو، پناهجو، رزمجو، نامجو،
- شاه‌رگ، شاه‌راه، شاهزاده، شاه‌رخ،
- جنگزده، شتابزده، جنگزدگان،
- سیلزده، سیلزدگان؛
- نابجایی، نابسامانی، نابهنجاری،
- رکابزن، رکابزنی، رکابزنان،
- جانسوز، خانمانسوز،
- صاحبخانه، گرمخانه، کتابخانه،
- گلخانه، سفارتخانه، توپخانه،
- پایتخت، پایمردی، پایکوبی،
- پایبند، پایداری،
- دانشکده، میکده، آموزشکده،
- عقبگرد، ساعتگرد، راستگرد،
- بیماریزا، سرطانونا، تنشزا،

■ سالگرد گرامی داشت او را گرامی داشت.

■ مرکز فرمان ده: (مرکز فرمانده) (مرکز، فرمان ده) (مرکز، فرمانده)

■ به مرور بعضی از ویراستاران ممکن است کشف کنند که کلماتی نظیر امشب، امروز، بیمار، دیروز، دیشب، بغداد، دستور، رنجور، جمشید، پیشدادیان، پنجاب، پنجوین، چنان (چون آن)، همچنان (هم چون آن)، چارک (چهاریک)، پدید (پت دید)، بهمن^۱، دشمن، دشنام، یخچال، پنهان (به نهان)، بامداد (بام داد)، زبر (از ابر)، بدون، بلکه و مرغابی نیز ترکیبی هستند و آنها را هم جداگانه بنویسند.

■ بطور نمونه، اسامی بسیاری از شهرها و داروها هم از خلاصه‌سازی چندین کلمه بوجود آمده است.

■ اصولاً نیم فاصله در تایپ قابل اعمال است و این «جدانویسی با نیم فاصله» در متون دستنویس واضح نیست و لذا اینگونه جدانویسی افراطی سبب هرج و مرج و گمراهی خواننده می‌شود.

بطور نمونه، در یکی از نشریات ادبی در سال ۱۴۰۰ جداولی از کلمات و عبارات زیر را مشاهده می‌نمایید:

دانش جو	ویران گر	روی کرد	پیش تر
دانش گاه	بیان گر	دست برد	بیش تر
دست گاه	مردم دار	دست رس	کم تر
آرام گاه	بال دار	دست رسی	آب یاری
جای گاه	جهان داری	رخ داد	آب راه
هیچ گاه	هم خوانی	کم بود	آب راه سازی
آتش کده	هم سان	یک سان	بر آن اند که
پژوهش گران	هم بستگی	فرمان روایی	قلم داد کنند
قلم رو	هم سر (زن و شوهر)	حکم رانی	پیش نهاد کرد
کم رنگ	هم راه	آن ها	سپاس گزار بود

آدم نمی‌داند که رسم‌الخط رسمی است یا ابتکار ویراستاران!

- در این فکراند که آن‌ها زیاداند و یک گروه‌اند و در تلاش‌اند و لابد چند وقت دیگر می‌نویسند هست‌اند، گفت‌اند،
- به‌تراند (بهترند)، به‌ترین‌اند (بهترینند)، کهنه‌تراند، کم‌ترین‌اند،
- من آن‌ام که ... ، ما آن‌ایم، آن‌اند، هم‌آن‌اند (همانند)
- کتاب‌اش، کتاب‌ام، کتاب‌مان، کتاب‌شان، برای‌شان، درک‌مان،
- مخفی‌گاه‌شان، مخفی‌گاه‌های‌شان، نفس‌های‌شان،
- به‌جا است (بجاست) آقای رئیس برای رسیدگی به ...
- کجاست: کجا ست، اینجاست: این جا ست، کیست: کی ست
- خوبست: خوب ست، بی‌باکی ست اگر ...
- پیش‌ران‌های پیش‌رفته
- بازیگران: بازی گران، بازی گران / بازیگرانی: بازی گرانی

■ حتی مشاهده می‌شود که در بعضی منابع فارسی، کلمات عربی مستعمل در فارسی را بصورت **حتا، علازغم، اولن** می‌نویسند.

■ با این توصیف باید از دانش‌آموزانی که در طی سالها اینطور می‌نوشتند و مردود شدند، ترک تحصیل کرده‌اند یا نمره‌شان کم شده، اعادهٔ حیثیت نمود و به ایشان غرامت پرداخت کرد.

■ به علاوه باید به این دانش‌آموزان لوح تقدیر داد که زودتر به این موضوع واقف شده و رعایت کردند، ولی ما اخیراً متوجه شده‌ایم.

رسم الخط (طلخ) بطاء مؤلف در قدیم معمول بوده است. حرف تاء در بعض کلمات فارسی مانند طهران و اسطخر و طبرزد و طپیدن و سطر و طپانچه و امثال آنها در اصل فارسی مخرجی مخصوص میان تاء و طاء داشته که هم‌اکنون در تلفظ بعض نواحی ایران و همچنین در لهجه هندی موجود است و در کتابت هندی برای امتیاز از تاء و طاء صرف علامت (ط) روی (ت) می‌گذارند. این مخرج که ممکن است آنرا تاء طائی بنامیم بواسطه تبدیل الفبای پهلوی به عربی بدون علامت مخصوص و کم کم مجهول مانده است. اما نویسندگان پیشین با این لهجه و به این مخرج خوب آشنا بوده و از این جهت کلمات مذکور و همانندی آنها را به دو شکل تاء دونقطه و طاء مؤلف نوشته و بی‌خبران گمان غلط برده یا پندار تعریب کرده‌اند. اگر تعریب بودی بایستی در هر تاء دونقطه این تصرف شده باشد نه در معدودی از کلمات. چرا کلمات تبریز و ترشیز و استراباد و تنیدن و همانندی آنها هرگز به طاء مؤلف نوشته نشده است. وانگهی امثال (طپیدن) هیچوقت در زبان عربی استعمال نشده است تا معرب شده باشد و فارسی‌زبانان هم به این تصرف احتیاجی نداشته‌اند.

نقش دانشگاه‌های جامع در واژه‌گزینی زبان فارسی

با توجه به این که در دانشگاه‌های جامع، رشته ادبیات زبان فارسی و رشته‌های زبانهای خارجی مختلف وجود دارد، تعامل این رشته‌ها با رشته تخصصی در واژه‌سازی و واژه‌گزینی برای لغات و اصطلاحات علمی فرنگی بسیار سازنده خواهد بود. بطور نمونه، فرض کنید که کارگروه واژه‌گزینی در حوزه مهندسی هوافضا بخواهد واژه‌های معادل را پیشنهاد کند. در این صورت اگر کارشناسانی در زبانهای مختلف روسی، چینی، ژاپنی، انگلیسی و آلمانی (بطور نمونه، اساتید آن رشته‌های زبان یا اساتید هوافضایی که در آن کشورها تحصیل کرده‌اند)، واژه معادل را در آن زبانها به کارگروه معرفی کنند، آنگاه متخصصین زبان فارسی به‌مراه کارشناسان/اساتید فنی حوزه هوافضا می‌توانند واژه‌گزینی (یا واژه‌سازی) را به نحو مطلوبتری انجام دهند؛ چرا که واژه‌گزینی برای بخشی از

لغات و اصطلاحات علمی در آن زبانها، لزوماً ترجمه لغوی آن لغات و اصطلاحات علمی نیست و ممکن است بعضاً از واژه‌گزینی آنها بتوان ایده مناسبی گرفت. حتی شاید انتخاب ترجمه لغوی از یک زبان دیگر، انتخاب بهتری از ترجمه لغوی از زبان انگلیسی باشد. این کارگروه‌ها می‌توانند بطور مستقل در دانشگاه‌های جامع تأسیس شوند و در کنار انجمنهای علمی به عنوان بازوی مؤثری برای فرهنگستان زبان باشند. به علاوه، این کارگروه‌ها در چند دانشگاه جامع کشور می‌توانند بطور مستقل فعالیت کنند و واژه‌های خود را به کمیسیون مشترکی ارسال نمایند تا ضمن تبادل نتایج کار کارگروه‌ها، واژه مناسبتر انتخاب شود. البته مستندات فرآیند انتخاب واژه نیز باید پیوست هر واژه باشد تا کلیه استدلال‌ات له و علیه در کنار هم مورد ارزیابی قرار گیرد.

■ نکته دیگر این است که اساتید رشته زبان فارسی که در گویشهای مختلف زبان فارسی تخصص دارند، می‌توانند پسوندها و پیشوندهای این گویشها را شناسایی کرده و برای واژه‌گزینی پیشنهاد دهند. در مواقعی که واژه‌گزینی برای طیفی از کلمات و اصطلاحاتی که معنایی نزدیک به هم دارند (که حتی ممکن است در ترجمه آنها به فارسی، یک لغت استعمال شود)، یا واژه‌گزینی برای دسته‌ای از لغات در یک طبقه‌بندی، مدنظر باشد، این پسوندها و پیشوندها ممکن است راهگشا باشد.

■ تقریباً هر رساله دانشگاهی که مربوط به گویش‌شناسی است می‌گوید مطالعه گویش‌ها و زبان‌های محلی کاربرد دارد و یکی از کاربردهای آنها تقویت واژه‌سازی در زبان فارسی است، اما در عمل از آن ظرفیت بسیار کم استفاده شده است و هم‌چنان که پیشتر هم گفتم عملیاتی نشده است. واژه‌های گویش‌ها و زبان‌های محلی ایران منبع بسیار خوبی برای واژه‌سازی علمی زبان فارسی هستند، اما فرهنگستان آن‌طور که بایسته و شایسته است از این امکان استفاده نکرده است. این امر مستلزم این است که در فرهنگستان در مورد زبان‌ها و گویش‌ها و بخش واژه‌ها دقت شود و سازوکارهای واژه‌سازی آنها شناسایی شود و بعد موقعی که دنبال یک واژه علمی برای شاخه‌ای در روان‌شناسی، کشاورزی، جنگل، مسائل اقلیمی، آب و هوایی و ... می‌گردند واژه‌های گویشی می‌تواند خیلی مؤثر و راهگشا باشد.

دکتر محمد دبیرمقدم ۱۳۹۸ / ۷ / ۱۰

■ توجه فرهنگستان بیشتر به این معطوف بوده است که از تحولات در رشته‌های مختلف عقب نماند و خیلی نزدیک به زبان انگلیسی حرکت کرده است. کمتر در زمینه این که چه امکاناتی در زبان‌های بومی ایران وجود دارد - که حلقه مفقوده فرهنگستان در بخش پژوهش است - پژوهش کرده‌اند.

دکتر محمد دبیرمقدم ۱۳۹۸ / ۷ / ۱۰

ذکر چند نمونه در تفکیک معنای علمی

- معنای لغات انگلیسی به تدریج به اصطلاحات علمی تبدیل شد. بطور نمونه، اصطلاحات ناوبری، هدایت و کنترل.
- ریشه **Navigation** از لغت پارسی ناو است و ناوبری یعنی کشتی را بگونه‌ای راهبری کردن که به مقصد برسد. به تدریج بین اصطلاحات ناوبری، هدایت و کنترل تفکیک قائل شدند که در صفحه بعد آمده است.
- بطور نمونه **Proportional Navigation** که قانون هدایت است (و در اواخر جنگ جهانی دوم ابداع شد) اما اسم ناوبری روی آن مانده است. حتی کتابی به نام **Inertial guidance** در سال ۱۹۶۲ در آمریکا در «اوج توجه به آن فناوری» چاپ شده است.

- ناوبري (Navigation) به معنای جهت‌یابی و تعیین موقعیت فعلی یک وسیله متحرک (و حتی ساکن) نسبت به یک مرجع مشخص است (و با مسیر آتی و موقعیت مقصد کاری ندارد).
- الگوریتم تعیین مسیر آتی (یا مانور آتی) یک وسیله متحرک برای رسیدن به شرایط نهایی مطلوب (بطور نمونه موقعیت نهایی) با رعایت قيود مسئله را قانون هدايت (Guidance) می‌گویند.
- سیستم کنترل پروازي علاوه بر حفظ پایداری وسیله پروازي، وظیفه اجرای دستورات قانون هدايت را بر عهده دارد.

- منشأ لغت آکادمی چه بوده است؟ معنای آن را با لغت فاخر فرهنگستان مقایسه کنید.
- افلاطون مجلس درس خود را در باغهای آکادموس (که نام فردی بوده است) در آتن برپا ساخت. به همین دلیل مدرسه افلاطون را آکادمی گفتند.
- بطور مشابه، مدرسه ارسطو را لوکئوم (لیسیوم) گویند که نام ورزشگاهی در نزدیکی آتن بوده است. هم‌اکنون یکی از دوره‌های تحصیلی در مدارس فرانسه را لیسه می‌گویند.
- مسلماً لغات ادبستان و دبیرستان و فرهنگستان از لیسه و آکادمی بامسمی‌تر است.

■ یکی از استادان دانشکده شیمی از یکی از دانشگاه‌های رده نخست کشور (که مدتی معاون پژوهشی آن دانشکده نیز بوده است) در توضیح مطلب اخیر نوشت: «آکادمی و لیسه فقط لغت نیستند. بلکه تاریخ و فرهنگ هزاران ساله علم و تمدن یونان را نشان می‌دهند. همانطور که در متن ریشه لغات آمده ناخودآگاه تاریخ علم غرب به رخ کشیده شده است.»

در جواب بطور خلاصه باید گفت:

- غرب پس از قرن‌ها به خاطر نداری به فکر رجوع و زنده کردن علم و فرهنگ و هنر یونان افتاد؛ وگرنه اثری از آن در غرب نبود. آن پیوستگی که تصور می‌شود مطلقاً وجود خارجی نداشته است.
- آن متن هم دلالت بر بی‌ارزشی آن لغات نبوده است، بلکه در مقام مقایسه با معادله‌های فارسی آن بوده است.
- در ضمن و بطور کلی هر چیزی که تاریخ هزاران ساله داشته باشد، لزوماً ارزش ندارد، نظیر بسیاری از خرافات و الهه‌ها و رسومات غلط.

■ بندر باستانی بیلوس (Byblos) شهر فنیقیه‌ای در ساحل شرقی دریای مدیترانه (حدود ۳۰ کیلومتری شمال بیروت) برای صادرات پاپیروس مشهور بود. از اسم این شهر فنیقیه‌ای، لغت یونانی **biblia** به معنی کتابها گرفته شده است. همچنین لغت **Bible** در انگلیسی از آن گرفته شده است.

■ احساس افراد غیرانگلیسی‌زبان از کلمات فوتبال، هندبال و بسکتبال بگونه‌ای است که این کلمات را کاملاً گویا و مناسب ورزش‌های نامبرده می‌دانند، اما با توجه به معانی کلمات ترکیبی مذکور (پا+توپ، دست+توپ، سبد+توپ)، نامگذاری‌های مذکور آنچنان گویا و دلچسب نمی‌باشد. اگر در زبان فارسی بجای فوتبال بگوییم «پاتوپ» برای فارسی‌زبانان چندان دلچسب نیست.

■ بعلاوه، اینطور نیست که این لغات دقیقاً گویای آن ورزش باشند و باید توجه داشت که جنبهٔ قراردادی دارند؛ اگرچه بدون وجه تسمیه هم نیستند.

■ بعنوان مثال دو کلمه **اسید سولفوریک** و **اسید سولفوروس** دارای دو پسوند صفت‌ساز و دو اسم به معنای گوگرد است. در این میان زبان علم قرارداد دارد که یکی از مواد با گوگرد دو ظرفیتی و دیگری با گوگرد سه ظرفیتی باشد.

■ در زبان علم از اینگونه قراردادها بسیار داریم. بعنوان مثال **ترکیک** و **ترکیش** دو دست زبان هستند. ترکیک شامل دسته‌ای بزرگ از زبانها هستند که ترکیک را نیز شامل می‌شود از جمله ترکمنی، قرقیزی، ازبکی و ... همچنین **ژرمنیک** شاخه‌ای کلی برای کشور آلمان و همسایگان آن است و **ژرمن** متعلق به خود آلمانهاست و این روند بر اساس قراردادها تعریف می‌شود.»

■ Sulfurous/Sulfuric, Turkic/Turkish, Germanic/German

■ بطور نمونه، لغات «اسلام» و «جهاد» نیز که از عربی به فارسی و انگلیسی راه یافته است، معنای لغوی آنها با معنای اصطلاحی متفاوت است؛ بطوری که بعضی از فارسی‌زبانان معنای لغوی آنها را نمی‌دانند، اما معنای مصطلح را می‌دانند. حال اگر در زبان انگلیسی بخواهند ترجمه لغوی آنها را جایگزین کنند، معنای اصطلاحی خود را از دست می‌دهد و منظور گوینده را نخواهد رساند.

■ در نقشه جامع علمی کشور، هشت هدف کلان برای نظام علم و فناوری کشور برشمرده شده که ششمین آن ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی علمی است. در این نقشه اقدامات مختلفی برای رسیدن به این هدف برشمرده شده است که شامل افزایش پذیرش دانشجویان خارجی، نگارش مقالات علمی تخصصی به زبان روان فارسی، تأسیس رشته‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های مختلف دنیا و توسعه و ابداع روش‌های سهل و سریع فارسی‌آموزی می‌شوند، اما گسترش زبان فارسی به عنوان یک زبان علمی در سطح بین‌المللی نیازمند یک برنامه راهبردی مشخص و راه‌های عملی برای گسترش زبان فارسی، سرمایه‌گذاری در صنعت نشر حرفه‌ای و تشویق نشریات و کنفرانس‌های علمی به فعالیت و نشر به زبان فارسی به عنوان زبان علم است.

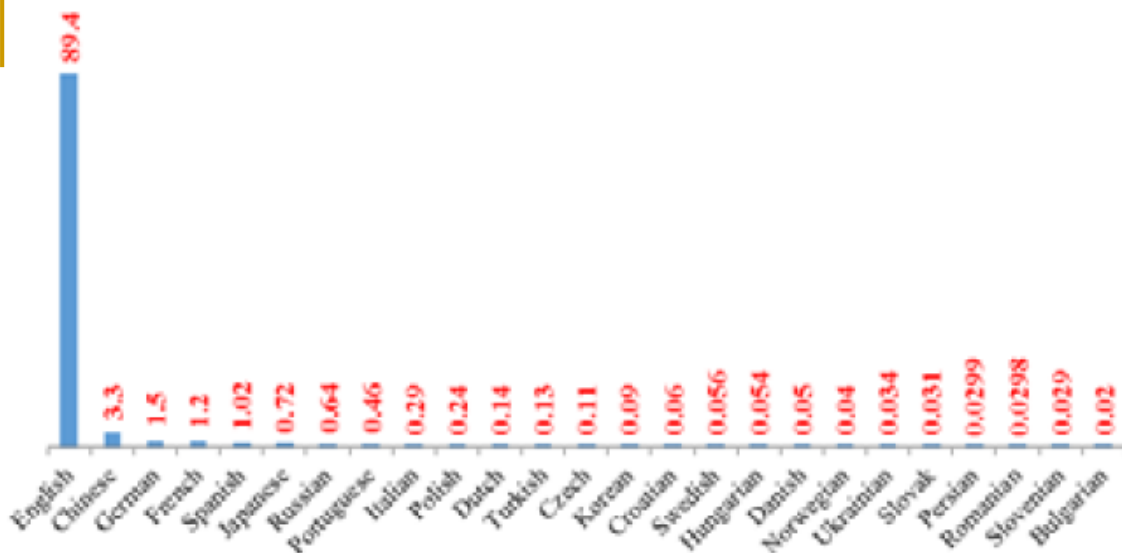
بررسی جایگاه زبان فارسی به عنوان زبان علم در دنیا- آبان ۹۸- تارنمای ISC

مدارک ثبت شده و رتبه جهانی کمیت علم تولید شده به زبان فارسی در اسکوپوس



گاهنامه عتف، شماره ۲۵، آبانماه ۱۳۹۷ (از تارنمای ISC)

سهم تولید علم زبانهای مختلف دنیا در اسکوپوس - مهر ۹۷



زبان فارسی در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رتبه ۱۵ داشته و در دو دهه گذشته در مجموع رتبه ۲۲ را از نظر تعداد مقالات نمایه شده به خود اختصاص داده است.

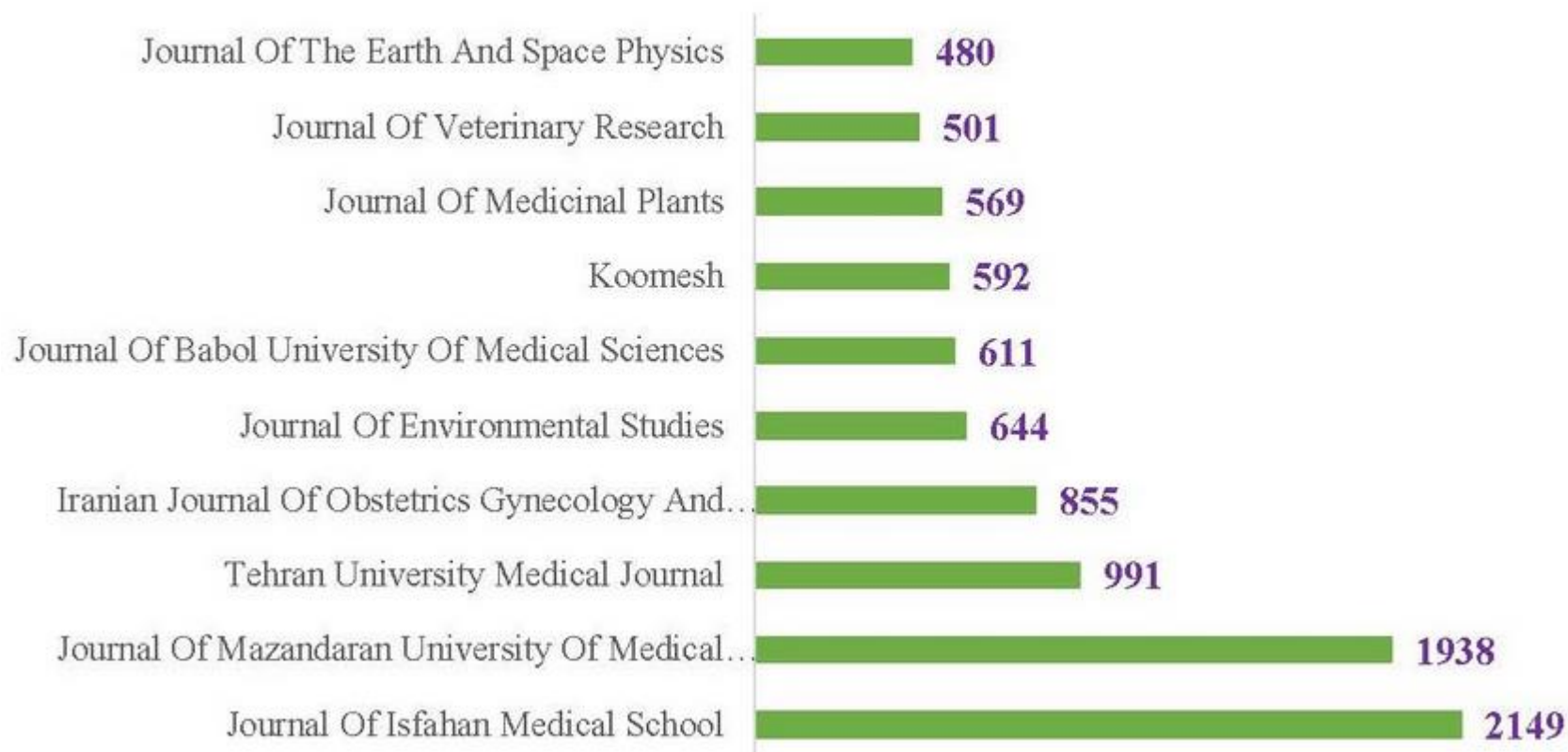


گاهنامه عتف، شماره ۲۵، آبانماه ۱۳۹۷ (از تارنمای ISC)

- سهم عمده مدارک علمی به زبان فارسی نمایه شده کشور در پایگاه استنادی اسکوپوس متعلق به نشریات علمی بوده و تقریباً حدود ۶۴٪ از مدارک و مقالات زبان فارسی در این پایگاه متعلق به ۱۰ نشریه ایرانی است، که مهم ترین آنها مجله دانشکده پزشکی اصفهان، مجله علوم پزشکی دانشگاه مازندران، مجله پزشکی دانشگاه تهران می باشد. لازم به ذکر است که برخی از این مجلات بین المللی دو زبانه بوده ولی درصد بیشتر مقالات علمی حوزه پزشکی را به زبان فارسی چاپ می کنند.
- از این تعداد حدود ۷۰ درصد پزشکی و ۳۰ درصد سایر رشته هاست.

بررسی جایگاه زبان فارسی به عنوان زبان علم در دنیا- آبان ۹۸- تارنمای ISC

نشریات برتر ترویج دهنده زبان فارسی به عنوان زبان علم بین الملل ۲۰۱۸ - ۱۹۶۰



<https://saadifoundation.ir/fa>

- بنیاد سعدی سه مرکز تحقیقات زبان فارسی در دنیا داشته است.
 - هندوستان
 - پاکستان (این مرکز به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی محول شده است).
 - تاجیکستان (هم‌اکنون غیرفعال است).

- مراکز تحقیقات زبان فارسی وظیفه گسترش آموزش زبان فارسی را در کشور مقصد برعهده دارند. نسخه‌شناسی و پژوهش و گسترش آموزش زبان فارسی مهمترین فعالیتهای این مراکز است.

■ قدرت نرم ادبیات فارسی در آموزش زبان فارسی

گفتگو با دکتر عبدالمهدی مستکین

■ جریان فارسی در رگهای هند - فیلم

■ مرکز تحقیقات زبان فارسی در دهلی نو خالهایی رنگی به صورت پراکنده بر روی نقشه هند قرار داده که گستره زبان فارسی را در این کشور بیان می کند - فیلم

■ احیا و مرمت اسناد زبان فارسی در هند به روایت «رگهای کاغذی»

■ مستند «رگهای کاغذی» تولید جدید شبکه مستند سیما، به مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور می‌پردازد که یک میلیون برگ سند از پیشینه زبان فارسی در هندوستان را احیا کرده است. احمد جان میرزایی تهیه کننده مستند «رگهای کاغذی» درباره این مستند به روابط عمومی مستند گفت: این مستند به پیشینه زبان فارسی در هندوستان می‌پردازد و مرکز فیلم نور و تلاشهای این انجمن جهت حفظ و نگهداری نسخ در حال نابودی را معرفی می‌کند. از شبکه مستند سیما

■ امروز یک میلیون نسخه فارسی اصیل در هندوستان وجود دارد که بیشتر از تمام نسخه‌های فارسی در ایران، افغانستان، ترکمنستان و تمام کشورهای دیگر است که بسیاری از آنها هنوز چاپ نشده و حتی خوانده هم نشده است.

■ بیش از ۵۰ درصد از نسخه‌های فارسی موجود در هندوستان هنوز چاپ نشده و آنهایی هم که منتشر شده سرشار از اشتباهات ادبی است.

علیرضا قزوه معاون رایزن فرهنگی ایران در هند

■ تعداد نسخ خطی کتابها در کتابخانه‌های ترکیه به اضافه آنچه در نزد اشخاص و مجموعه‌های خصوصی این کشور هست به سیصد هزار می‌رسد. ربع تا ثلثی از آنها فارسی و شمار قابل ملاحظه‌ای از آنها از یادگارهای پیش از بلای خانمانسوز مغول است. ص ۲۲۳

■ اولگا میخایلوونا یاستربوا عضو هیأت علمی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی روسیه: در کتابخانه ملی روسیه حدود ۳ تا ۴ هزار نسخ خطی به زبان فارسی وجود دارد.

■ آلسو ایراتوونا آرسلانوا رئیس مرکز ایرانشناسی انستیتو تاریخ «شهاب‌الدین مرجانی» وابسته به آکادمی علوم جمهوری تاتارستان روسیه: در کتابخانه دانشگاه قازان روسیه ۷۳۶ نسخه خطی به زبان فارسی وجود دارد که من در سال ۲۰۰۵ نیمی از آنها فهرست نویسی و این فهرست را در جلد اول کتابم منتشر کردم ... سال قبل هم دومین مجلد از همین پروژه را به چاپ رساندم. خیلی از کتاب‌های دیگر به زبان فارسی در قازان هست که فهرست‌نویسی نشده و البته باید این کار انجام شود.

■ «پاتیما محمدونا الیبکوا» عضو ارشد هیأت علمی انستیتو زبان، فرهنگ و هنر مرکز علمی داغستان زیر نظر آکادمی علوم روسیه: نسخ خطی فارسی در داغستان هم وجود دارد که ۴۰۰ نسخه آن در همین آکادمی علوم روسیه نگهداری می‌شود. همچنین تعداد زیادی نسخه خطی فارسی در مسجد جامع داغستان نگهداری می‌شوند. البته در داغستان، تعداد کتاب‌های چاپ سنگی فارسی بیشتر از نسخه‌های خطی است که در کتابخانه‌های شخصی و نزد افراد که پراکنده هم هستند، نگهداری می‌شوند.

■ فیلم/ آموزش زبان فارسی در مدارس علمیه هند

بیش از ۱۵۰۰ طلبه جوان در ۶۴ حوزه علمیه سراسر هند، زبان فارسی را فرا می‌گیرند. در حوزه‌های علمیه این کشور دروس حوزوی و تخصصی به زبان فارسی تدریس می‌شوند.

خبرآنلاین ۱۳۹۶ / ۶ / ۳

■ زبان فارسی در ایالت خیبر پختونخوا در وضعیت اسفبار قرار دارد. کتابهای درسی دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس در بازار کتاب چاپ نمی‌شود. مسئولین دولت نیز علاقمند چاپ کتابهای آموزشی زبان فارسی نیستند. خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نیز علاقمند چاپ کتابهای درسی در پاکستان نیستند.

■ دولت پاکستان و دانشگاه پیشاور با مشکلات مالی روبرو هستند و شاید در آینده استاد فارسی استخدام نکنند. دولت افغانستان نیز علاقمند به ترویج زبان فارسی نیست. تنها امید و انتظار ما کشور جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند برای زنده نگه داشتن کرسی‌های زبان فارسی در کشورهای مختلف سعی کند.

یوسف حسین، ایبنا ۲۸ / ۶ / ۱۳۹۹

■ چون کشور پاکستان همسایه کشورهای است که بیشتر آنان فارسی زبانند. مرزهای غربی پاکستان با تاجیکستان، افغانستان و ایران پیوسته است، مرزهای غربی را که بازرگانان از آن عبور می‌کنند از مرز پاکستان تا قفقاز و آسیای مرکزی همه فارسی زبانند. پاکستان برای زنده نگه داشتن هویت ملی خود به زبان و ادبیات فارسی و اسلامی نیاز دارد. اگر در آینده برنامه بازرگانی بین پاکستان و چین و کشورهای آسیای مرکزی (سی پیک) راه‌اندازی شود، پاکستان نیازمند این زبان است. ۷۰ درصد مردم افغانستان به زبان فارسی حرف می‌زنند. برای بهبود روابط حسنه با کشورهای همسایه مانند ایران، تاجیکستان و افغانستان نیازمند روابط زبانی، فرهنگی و تاریخی هستیم.

یوسف حسین، ایبنا ۲۸ / ۶ / ۱۳۹۹

■ استفاده از واژگان زبان فارسی در زبان اردو کاری است که با طبیعت این زبان سازگاری دارد، چنانکه در گذشته چنین اتفاقی افتاده و سبب قوت و وسعت و زیبایی اردو شده است. ورود لغات جدید فارسی، در صورت ضرورت، به زبان اردو، بافت و آهنگ موسیقی این زبان را تخریب نمی‌کند. در مقام مثال می‌توان گفت گروه خونی زبان‌های فارسی و اردو به هم می‌خورد و می‌توان خون یکی را به دیگری تزریق کرد. البته در زبان اردو نیز کلمات فارسی فراوانی وجود دارد که فارسی‌زبانان امروز ایران از آنها بی‌خبرند و می‌توان با پژوهشی دقیق این کلمات را مشخص کرد و به فارسی‌زبانان معرفی نمود تا از آنها استفاده کنند. در سال‌های اخیر، استفاده از بعضی لغات فارسی رایج در زبان اردو در ایران معمول شده است. کلمه «رونمایی» برای معرفی کتاب‌های جدیدالتألیف یا هر اثر مکتوب فرهنگی دیگر از جمله این کلمات است. «سَبْک‌دوش» نیز زیباتر و خوش‌معناتر از «بازنشسته» فارسی است و فارسی‌زبانان ایران آن را می‌پسندند.

پانزدهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز - آبان ۱۳۹۹

■ بعضی از محورهای همایش:

- نقش زبان و ادبیات فارسی در وحدت ملی ایرانیان و ایجاد همدلی با دیگر فارسی‌زبانان جهان
- جایگاه زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران امروز
- ظرفیتهای زبان فارسی، به مثابه زبان علم - شیوه‌های ترویج زبان و ادب فارسی و ارتقای جایگاه آن،
- روشهای کاربردی آموزش زبان و ادب فارسی،
- کتابشناسی، نسخه‌شناسی و متن‌پژوهی،
- دستور زبان، زبان‌شناسی، تاریخ زبان فارسی و گویشهای رایج زبان فارسی،

■ با عضویت هواشناسی ایران در کمیته توفان کشورهای حاشیه اقیانوس هند، برای نخستین بار اسامی توفانهای حاره‌ای نامهای ایرانی به خود می‌گیرد. این کمیته وظیفه پیش‌بینی، پایش و نامگذاری توفانهای حاره‌ای اقیانوس هند را برعهده دارد. نامهای ایرانی بومی مانند «گاندو، هامون، اکوان، سپند، میترا، آناهیتا، آذر، پویان، آرشام، هنگامه، ساواس، سیستانه و توفان» برای توفانهای احتمالی آینده انتخاب شده که در فهرست نهایی سازمان جهانی هواشناسی نیز پذیرفته شده است. انتظار می‌رود از سال آینده به تدریج نامهای پیشنهادی ایران برای نامگذاری توفانهای اقیانوس هند مورد استفاده قرار گیرد.

■ نوایی ترانه‌ای محلی خراسانی است که توسط غلامعلی پورعطایی و عثمان محمدپرست خوانده شده و از سرشناس‌ترین آهنگ‌های اجرا شده او بشمار می‌رود. شعر این ترانه توسط طبیب اصفهانی سروده شده‌است. این ترانه تاکنون بارها توسط خوانندگان مختلف بازخوانی شده‌است [ویکیپدیا].

■ متن ترانه در نوایی نوایی - ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

■ نوایی نوایی استاد غلامعلی پورعطایی - آپارات

■ مقام نوایی مرزهای داخلی و خارجی را درنوردیده / اجراکنندگان نوایی از غلامعلی پورعطایی تا رضا رویگری - پخش صوتی - ایلنا

■ دوتار ایرانی ثبت جهانی شد - یونسکو ایران - آذر ۱۳۹۸

■ پرونده مهارت‌های سنتی ساختن و نواختن دوتار در چهاردهمین اجلاس کمیته میراث بشری ناملموس یونسکو در کلمبیا در فهرست میراث جهانی قرار گرفت.

■ ایران پیش از این، پرونده ردیف موسیقی‌های ایرانی، موسیقی بخشی‌های خراسان و هنر ساختن و نواختن کمانچه را در حوزه موسیقی، در فهرست میراث ناملموس جهانی ثبت کرده بود.

■ اجرای فوق‌العاده: یه شبی زار و پریشان در میخانه زدم (آپارات)

یه شبی زار و پریشان در میخانه زدم، ز غم هجر و فراقش می‌سوزد جان و تنم،
گفتمش باز کن ساقی من، منم آن مطرب خوش که شکسته سازِ دلم،
گفتمش می بده جام پیایی بده، ز قرار رفته از دست، آمده است جان به لبم،
تو بین کاسه چشمم بنگر سرخی اشکم...
بنگربنگر بنگر ز حال مستم ز غم هجر و فراق.
چاک، چاک است پیره‌نم، گفتمش ساقی من بنواز این دل من.
به سرم شور نماند... به فدایت جان و سرم
ساقی من

■ سامی یوسف - شعرنسیمی (اجرای زنده در افتتاحیه یونسکو - باکو)

■ همراه با زیرنویس

پیر منم جوان منم تیر منم کمان منم دولت جاویدان منم

■ ترانه ترکی زیبای «ایران ایران» با صدای آقای مصطفی بهرامی

■ اجرای زنده آهنگ ترکی قشقایی ایران ایران

با خوانندگی مصطفی بهرامی کَشکولی در برنامه‌ای ایران شبکه یک سیما

■ چهار طاقی مشاهیر ایرانی (ابوریحان بیرونی، ابن سینا، زکریای رازی، عمر خیام) یا کوشک نخبگان (Scholars Pavilion) در دفتر سازمان ملل متحد در وین، بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۸ افتتاح شد. ایسنا

■ کوشک نخبگان در سازمان ملل - وین / آپارات

■ کوشک نخبگان ایرانی - وین - فیلم - صدا و سیما

ابتکار روستای تاج آباد در نامگذاری معابر

■ پائولو کوئیلو نویسنده رمانهای محبوبی چون کیمیاگر و ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود نوشت:

کوچه‌های یک روستا در استان همدان واقع در شمال غرب ایران، همگی به نام شاهکارهای ادبی جهان نامگذاری شده‌اند. ابتکار عمل کتابخوانان و علاقمندان به ادبیات، به روستای رسول‌آباد جایگاه منحصر بفردی بخشیده و آن را در منطقه معروف کرده است.

■ استقبال «پائولو کوئیلو» از ابتکار جالب روستای ایرانی

■ روستای گردنشین رسول‌آباد (تاج‌آباد سفلی) در شهرستان بهار استان همدان قرار دارد.



عکس از ایرنا ۱۴۰۰/۱/۲۵

■ آوازه این روستا نه به خاطر آب و هوای خوب بلکه به خاطر فعالیت فرهنگی و کتابخوانی مردم روستا است. در این روستا کتابخانه‌ای با ۶۰۰۰ جلد کتاب وجود دارد. علاقه مردم به کتابخوانی باعث شد دو سال پیش قباد یاری عضو شورای روستا، ایده نام‌گذاری معابر این روستا را به نام شاهکارهای ادبی جهان بدهد که این امر با استقبال مردم مواجه شد. با رأی و حمایت بخش‌دار، دادستان و رییس شورای شهرستان، نام ۳۰ کوچه و خیابان به کتاب مشاهیر مزین شد. اما این فقط در حد تاییدیه بود و هیچ گونه حمایت مالی صورت نگرفت تا اینکه حامد صنایعی آرام یکی از علاقه‌مندان به کتابخوانی با کمترین هزینه اقدام به ساخت و نصب تابلوها نمود. نام‌گذاری معابر براساس محیط روستا و با نظرسنجی و رأی مردم خود روستا انتخاب و روی تابلوی هر کوچه علاوه بر عنوان فارسی و انگلیسی، معادل گُردی آن هم نوشته شده است.

توئیت‌های فارسی ادوارد اسنودن (Edward Snowden):

■ «دیوار موش داره و موش گوش داره» ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱

■ «من فقط می‌گویم دلیلی وجود دارد که گربه‌ها محبوب هستند.»

۲۲ اکتبر ۲۰۲۱

■ «من به شدت سطح فعالیت تویتر فارسی را دست کم گرفتم.»

۲۳ اکتبر ۲۰۲۱

■ توییت فارسی و جنجالی رئیس پارلمان ارمنستان/عکس - خبرآنلاین

■ شعرخوانی زیبای خارجی ها به زبان فارسی - فیلم

■ زبان فارسی و آنچه که آن را شگفت‌انگیز می‌سازد. فیلم (دو دقیقه و نیم)

■ ژاله آموزگار، متولد ۱۲ آذر ۱۳۱۸ در شهر خوی، پژوهشگر فرهنگ و زبانهای باستانی ایران، اسطوره‌شناس، مترجم، استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است و از سال ۱۳۴۹ تا امروز به مدت ۴۶ سال است که به تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول است.

■ من هم غیرت زبان فارسی را دارم و هم غیرت ایران را. خدا هر دوی اینها را حفظ کند. من ایران را بشدت دوست دارم. با اینکه آذربایجانی هستم، خیلی غیرت زبان فارسی را دارم، چون زبان فارسی است که ما را به هم وصل می‌کند.

■ زبان فارسی همه ما را بهم وصل می‌کند - استاد ژاله آموزگار + فیلم

اما در خصوص ترجمه کتاب

- ترجمه کتاب در مصاحبه متقاضیان ورودی مقطع دکتری امتیاز دارد؛ در صورتی که در واقع (بجز موارد استثناء) باید امتیاز منفی داشته باشد. این افراد باید وقت خود را به استخراج مقاله‌ای با کیفیت از پایان‌نامه خود بگذارند و در صورت فرصت اضافی، پژوهش در حوزه تحقیقاتی خود را ادامه دهند تا با توان مطلوبتری مقطع دکتری را شروع کنند.
- مورد استثناء فردی است که در حوزه خود سالها فعالیت کرده و تجربه دارد؛ آنوقت کتابی در آن زمینه تألیف می‌کند. سپس تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع دکتری می‌گیرد.
- کتاب باید توسط فرد خبره نوشته شود و گرنه سبب اتلاف منابع و وقت بویژه برای خوانندگان است و از همه مهمتر تباه کردن زبان است.

■ یکی از اقوام که دانشجوی کارشناسی بود، می‌گفت که کتابی را در حوزه کامپیوتر به زبان انگلیسی خوانده و برای فهم آن کلی زحمت کشیده و ترجمه لغات آن را درآورده است. سپس گفت که حالا که اینقدر زحمت کشیده، تصمیم به ترجمه و چاپ آن دارد. یکی دیگر از اقوام که فرد تحصیلکرده‌ای نیز بود او را تشویق کرده که چه کار خوبی می‌کنید و حتماً این کار را انجام دهید. البته صحبت من به مذاقشان خوش نیامد!

بخش پایانی

جمع بندی و پیشنهادات

با سقوط امپراتوری هخامنشی، زبان یونانی زبان بین‌المللی علم می‌شود. پس از اسکندر و جانشینانش و استقرار امپراتوری روم، زبان یونانی پشتوانه نظامی-سیاسی-اقتصادی خود را از دست داد و پس از ظهور مسیح و تعطیلی آکادمی در آتن به دستور امپراتور روم شرقی، مرکز ثقل زبان علم از یونانی به سریانی (در سوریه باستان) منتقل می‌شود. پس از گسترش اسلام، زبان عربی نزدیک به ۸ قرن زبان علم دنیا بود. با بلای خانمانسوز مغول و پایان سلطه نظامی-سیاسی-اقتصادی مسلمانان از شرق تا سوریه و مصر، و سقوط خلافت عباسی در بغداد و همچنین نابودی مراکز علمی و کتابخانه‌ها و قتل عام علما و دانشمندان و سیل مهاجرت و آوارگی، به تدریج زبان لاتین که زبان رسمی امپراتوری روم و کلیسای کاتولیک بود و کتب دینی مسیحیت از آرامی به این زبان ترجمه شده بود، جای زبان عربی را به عنوان زبان علم دنیا گرفت.

پس از فروپاشی امپراتوری روم و در مرحلهٔ بعد با شورش علیه کلیسای کاتولیک، و به مدد صنعت چاپ، زبانهای اروپایی جایگزین و زبان لاتین که تنها تبدیل به زبان نوشتاری علم شده بود و متکلم نداشت، کنار گذاشته شد. برای جایگزینی زبان لاتین، بهترین کاندید زبانهای رومیایی (ایتالیایی، اسپانیایی، فرانسوی) بود؛ چرا که انتقال اصطلاحات علمی از لاتین به آن زبانها کاملاً میسر و آماده بود. پس از دورهٔ رقابت چند زبانی، با توجه به قدرت نظامی-سیاسی-اقتصادی فرانسه، این زبان فرانسه بود که به تدریج زبان غالب بین‌المللی علم شد. البته به لطف گسترش امپراتوری بریتانیا و مستعمرات انگلوساکسونها در اقصی نقاط کره زمین و حذف تک تک رقبا، تنها پس از جنگ جهانی دوم با قدرت سیاسی-نظامی-اقتصادی آمریکا، زبان انگلیسی به سرعت جای زبان فرانسه را به عنوان زبان بین‌المللی علم گرفت.

همانطور که ملاحظه می‌شود، افول زبان با تأخیری نسبت به افول سیاسی، نظامی و اقتصادی حادث شده است، که ممکن است این تأخیر چند قرن هم طول کشیده باشد؛ اما افول پرتغالی و اسپانیایی و تا حدودی فرانسوی سریعتر اتفاق افتاده است. این موضوع محتمل است برای زبان انگلیسی نیز با افول سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای انگلوساکسون با تأخیری بوقوع پیوندد. این افول در رده‌بندی اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورهای انگلوساکسون در سطح جهانی بوضوح قابل مشاهده است.^۱ در این خصوص، نقش فناوری را باید بدرستی شناخت. وقتی مترجم‌های برخط با کمک هوش مصنوعی فراگیر شود، و مقالات و کتب با یک اشاره، به زبان انگلیسی و بالعکس ترجمه شود، جذابیت یادگیری زبان انگلیسی بشدت کاهش می‌یابد. بعلاوه، افول اقتصادی کشورهای انگلوساکسون، تقاضای بازارکار برای متقاضیان مسلط به زبان انگلیسی را کاهش می‌دهد، که این هم سبب کاهش جذابیت آن می‌شود.

^۱ قدرت نظامی، دلار (ارز بین‌المللی بدون پشتوانه مستقیم طلا) و زبان انگلیسی از ارکان تسلط آمریکائیان بر جهان است، که تضعیف و تقویت هر یک به تضعیف و تقویت ارکان دیگر منجر می‌شود.

■ لاتین زبانی آوانگار (املاي آن مطابق تلفظ)، معدن ریشه لغات علمی، عامل وحدت بخش اروپا و زبان بین‌المللی علم بود. پس چرا اروپائیان آن را کنار گذاشتند؟

■ همان دلایلی که برای لزوم داشتن یک زبان علم در دنیا، که در حال حاضر زبان انگلیسی است، بیان می‌شود، برای زبان لاتین بوده است! هیچکدام از زبانهای آلمانی، فرانسوی و انگلیسی حاضر نبودند به دلایل مذکور، به نفع دیگری کنار بروند.

■ زبان انگلیسی از زبان روستائیان به زبان میانجی و زبان علم دنیا تبدیل شد.

■ زبان انگلیسی نه خط از خودش است و نه شیوهٔ عددنویسی و نه اکثر لغات علمی و نه واحدهای متریک (بجز استثنائاتی)، اما بسیاری تصور می‌کنند که زبان انگلیسی اینها را از خود دارد! خط انگلیسی نیز، برخلاف لاتین، آوانگار نیست. حروف صدادار آن اغلب گمراه‌کننده است؛ حتی بعضی از صامتهای آن چند تلفظ ممکن است داشته باشد، و در کل شیوهٔ تلفظ کلمات آن شنیداری است. البته با توجه به حذف جنسیت در اسامی (مذکر و مؤنث و خنثی) بجز در چند ضمیر، حذف تشبیه و همچنین تعداد حالات نحوی، ساده شده است، که البته از این لحاظ زبان فارسی جلوتر است.

تجربه ژاپن، هند و چین

- ژاپن به لحاظ صنعتی جزو پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست و شاید در بعضی از زمینه‌ها پیشرفته‌ترین کشور جهان باشد.
- ژاپنیها خیلی زود ژاپنی کردن زبان علمی خود را آغاز و بیشتر اصطلاحات علمی را به ژاپنی ترجمه کردند. شاید برای ما غیرقابل تصور باشد که لغاتی مثل الکتریسیته، الکترون، پروتون، اکسیژن و ... تماماً به ژاپنی ترجمه شده است. چینیها هم همین راه را رفتند. اکنون می‌بینیم که در ژاپن با مشکلی به نام زبان علمی مواجه نیستند. بیشتر نشریات علمی ژاپن به زبان ژاپنی منتشر می‌شود. شاید بیش از ۳۰ درصد این نشریات صرفاً به زبان ژاپنی و حدود ۳۰ درصد دیگر مشترکاً به زبان ژاپنی و انگلیسی است.

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

■ هندیها زبان انگلیسی را به عنوان زبان علمی خود پذیرفتند، نه فقط برای علوم جدید بلکه حتی به عنوان زبان اداری.

■ اما هندیها در رشد و تکامل اجتماعی خود به مشکل برخوردند، یعنی در ۳۰ یا ۴۰ سال اخیر متوجه شدند که انتخاب زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی و زبان اداری مانع رشد و پیشرفت آنها شده است، مشکلی که ژاپنیها پیدا نکردند. به همین دلیل از حدود سال ۱۳۳۴/۱۹۶۵ هندیها شروع به ایجاد یا تأسیس مراکزی کردند که کارشان بررسی زبان علم و انتخاب واژه‌های هندی برای اصطلاحات علمی انگلیسی باشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که زبان هر قوم چقدر ممکن است در رشد اقتصادی و نیز در رشد فکری آن قوم تأثیر داشته باشد.

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

■ در هندوستان تا سال ۱۹۶۰، یعنی در مدت ده سال، بیش از سی هزار اصطلاح علمی و فنی و فلسفی جدید وضع، و بسیاری از آنها در مناطق هندی‌زبان در کتب دبیرستانی، و حتی در بعضی از کتب دانشگاهی به کار گرفته شد.

■ از آغاز قرن بیستم، چین، در پی حملات پی در پی از سوی نیروهای مهاجم غربی، و پس از شکست سخت از ناوگان نیروی دریایی ژاپن در ۱۸۹۵، ناگزیر شد که برای حفظ موجودیت خود با شتاب تمام به اخذ فنون غربی بپردازد و به تقلید ژاپن سازمانهای نظامی و اداری و اقتصادی خود را از وضع سنتی کهن به صورت جدید درآورد. تجددطلبان، که در این احوال طبعاً مجال فعالیت یافته بودند، شکستها و ناتوانیهای چین را یکسر معلول نهادهای سنتی آن دانستند و همه کوزه‌ها را بر سر کنفوسیوس و اصول کنفوسیوسی، که بیش از دو هزار سال همه شئون اجتماعی و اخلاقی یکی از بزرگترین امپراطوریهای جهان بر آن استوار بود، شکستند.

■ به چند دلیل هندیها متوجه شده‌اند که مجبورند زبان خود یا یکی از زبانهای خود را هم تبدیل به زبان علمی کنند. این امر عمدتاً به دلیل رشد و توسعه کشورشان بود. نوع تجربه هندیها و پاکستانیها نشان می‌دهد که انتخاب زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی کشور اصلاً راهگشا نیست. هندیها در راه توسعه به مشکلات بسیار عمده‌ای برخورد کرده‌اند که ناشی از اختلاف زبان مردمشان با زبان علمی آنهاست و به همین دلیل کار واژه‌گزینی را شروع کردند. در کارخانه‌هایی که مهندسان بیشتر به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و زبان صنعت انگلیسی است، انتقال مفاهیم و ارتباط برقرار کردن با جامعه کارگری بسیار دشوار شده بود و به صورت مانعی در راه توسعه و رشد هندوستان درآمده بود. مسئله در پاکستان نیز وضعیتی مشابه دارد.

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

سابقه، نفوذ و اهمیت زبان فارسی

- زبان فارسی در کنار زبان ایسلندی، قدیمی‌ترین زبانهای رایج در جهان هستند و قدمت زبان فارسی البته از تمامی زبانهای [زنده] دنیا بیشتر است.
- ایرانیان نخستین مردمانی بودند که توانستند مفهوم دولت-ملت را (به تعبیر هگل)، پیش از شکل‌گیری تاریخی این مفهوم در اروپا (و جهان)، در سرزمین خود ساماندهی کنند و به همان تعبیر، توانستند به خودآگاهی ملی برسند. این یعنی اینکه ایرانیان همواره نسبت به ملت بودنشان واقف بودند.

متن گفتگو با ایلنا

■ برای شکل‌گیری یک ملت نیز، علاوه بر وجود دستگاه سیاسی ملی حاکم، باید زبان ملی و نظام باورهای دینی (و عقیدتی) در درون یک مرز را برای خود تعیین کنند. ایرانی‌ها با استفاده از زبان فارسی، توانستند یک پیوند فرهنگی و سیاسی در چارچوب سرزمین‌های پهناور خودشان ایجاد کنند.

■ ایرانیان هر بار که دولتهای ملی‌شان توسط خارجیها سقوط کرد، برای جلوگیری از سقوط ملت بودنشان، از زبان فارسی همیشه با قدرت بالایی استفاده کردند و اجازه سقوط خودآگاهی ملی‌شان را ندادند. شاید طلسم زبان فارسی، همین خودآگاهی ملی ایرانیان است.

۱پروفسور «دومنیکو اینجنتیو» استاد و رئیس دپارتمان تاریخ و فرهنگ کلاسیک دانشگاه کالیفرنیا، که نگارش آثار بسیاری در رابطه با حافظ و زبان فارسی، به زبان انگلیسی را در کارنامه دارد، در گفتگو با ایلنا از اهمیت، رمز بقا و چرایی تداوم و پیچیدگیهای زبان فارسی سخن به میان می‌آورد.

■ رایموندی^۱ در حدود سال ۱۵۸۰م چنین اظهار نظر کرد که زبان فارسی زیباترین، فاخرترین و شیرین‌ترین زبان دنیاست (پیه مونتسه، ۹۷-۹۴). همین نظر را در قرن‌ها بعد ادبای بزرگ اروپا ابراز داشتند، از جمله گوته که رباعیات خیام را همچون مروارید غلتان و الماس درخشان بی‌نقص می‌دانست (حدیدی، از سعدی...، ۳۶۶). گلستان سعدی پس از ترجمهٔ اول مورد توجه ادبای فرانسه قرار گرفت و موسه آن را به فرانسه برگرداند و خاورشناس دیگری به نام ژنتیوس آن را به لاتین ترجمه کرد (سحاب، ۱۵۰، ۲۶۲). در همین دوره پس از سفر مبلغان مذهبی فرانسوی به اصفهان در ۱۶۲۸م، ژان فرانسوا پتی معلم فارسی کالج سلطنتی بسیاری از متون فارسی را به فرانسه برگرداند (اورکاد، ۱۵). از نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۷م متون فارسی در سرتاسر اروپا مورد توجه قرار گرفت و بیش از پیش ترجمه شد.

۱ جووان باتیستا رایموندی (۱۶۱۴-۱۵۳۶م)، استاد ریاضیات و فلسفه دانشگاه رم بسیاری از متون ریاضی، اخترشناسی، پزشکی و جز آن را از فارسی به ایتالیایی ترجمه کرد. وی ترجمه کتابهای دیگر فارسی را در برنامه کار خود داشت [همان].

■ ترجمه از فارسی به زبانهای اروپایی

■ زبان فارسی دارای ادبیات کلاسیک بسیار عظیمی است. صدها شاعر در هندوستان به این زبان شعر می‌گفتند. بیدل دهلوی که زبان مادری‌اش هم زبان فارسی نبوده به این زبان شعر گفته است. زبان فارسی و زبان چینی دو کلید اصلی برای وارد شدن به فرهنگ آسیا هستند. همیشه و همیشه باید زبان فارسی در خارج از ایران به عنوان زبان کلاسیک تدریس شود. آنچه در ایران، افغانستان و تاجیکستان صحبت می‌شود تکمیلی زبان فارسی است. زبان فارسی ادبیات ۱۱ قرن دارد و زبان هزار شاعر است.

■ درباره زبان فارسی چیزهایی است که نباید فراموش کنیم؛ آن این است که زبان فارسی یک واقعه فرهنگی و گنج بسیار عظیم است. من ایرانیان را ملامت و سرزنش می‌کنم زیرا در خارج از کشور زبان فارسی را طوری تدریس می‌کنند که زبان فارسی فقط زبان ایران است، در حالی که زبان فارسی خیلی بیش از این است. زمانی این زبان از یوگسلاوی شروع می‌شد و در هندوستان تمام می‌شد. یعنی زبان فارسی مختص ایران نیست. زبان فارسی فقط زبان ایرانی نیست و کشورهای آسیانه میانه هم به آن صحبت می‌کرده و می‌نوشتند.

■ سخن فارسی، نیرومندترین مایه پیوند معنوی ما با همسایگان ماست. اینکه در خارج از مرزهای کنونی ایران، در کران تا به کران سرزمینهای همسایه، فارسی‌سرایان بزرگی چون: رودکی در سمرقند، نظامی در گنجه، مولوی در قونیه، سنایی در غزنه، امیرخسرو و بیدل در دهلی، جامی در هرات آرمیده‌اند، و تربت پاک هر یک زیارتگاه صاحب‌دلان و صاحب‌نظران و توده‌های انبوه مردم است، پشتوانه پیوند جاودانه ما با ساکنان امروزی این سرزمینهاست. (پیشگفتار ص ۵ و ۶)

■ در عصر ما که هر ملت و کشوری ناچیزترین پیشینه‌های فرهنگی خود را بزرگ می‌کنند، و برای کسب نام و آبرو و اعتبار ملی از آنها بهره می‌جویند، شناختن و شناساندن زبان فارسی و ثروت بیکران آن و عزت و اعتبار دیرین آن وظیفه مسلمی است و غفلت از اینهمه گناهی نابخشودنی است. (پیشگفتار ص ۶)

■ دریغا که اگر گاهی کار به دست نافرهیختگانی افتاده بوده که از اندیشه فرهنگ ایرانی بی بهره بوده‌اند، به زبان و فرهنگ ملی بیمهری نشان داده‌اند، یک سببش هم این بوده که این مسائل با حرص و ولع ثمره‌چینی شتابزده سازگار نیست. کار هیاهو و تبلیغ و دمیدن در نای و کوبیدن دهل نیست. کار عشق و ایمان است. بذری که افشانده می‌شود دیر به بار می‌نشیند، برنامه سنجیده دیرباز پایدار می‌خواهد که با عشق و حوصله و ایمان اجرا شود. (پیشگفتار ص ۶)

■ نکته‌ای که باید توجه داشت این است که زبان فارسی دری با زور از ترکستان چین تا بالکان گسترش نیافت، اما از شرق در هندوستان و از غرب در آسیای صغیر و از شمال در جمهوریهای شوروی سابق با قوه قهریه محدود و ممنوع شد. زبان فارسی قرن‌ها زبان ادبی، فرهنگی و علمی در این مناطق بود. اسلام در شرق با زبان فارسی دری تبلیغ و گسترش یافت.

■ یکی از عوامل گسترش و نفوذ زبان فارسی از ترکستان چین تا استانبول، موجهای متعدد مهاجرت و فرار ایرانیان بصورت فرادی و جماعت (بویژه ادبا، شعرا، دیوانیان، صوفیان و علما) در پی هجومهای متعدد به کشورمان و ناملایمات دیگر بوده است.

■ تیسفون (یا به تعبیر اعراب مدائن) به مدت چندین قرن پایتخت اشکانیان پارتی بوده است و مگر می‌شود که زبان آنها در تیسفون یا حتی دربار آنجا رسوخ نداشته باشد، اگر غالب هم نبوده؟ مسلماً این زبان در مجاورت پارسها و حتی شاید از اعراب و سریانیها و رومیها تأثیر پذیرفته باشد و بالعکس. با این شاهد از الفهرست ابن ندیم به نقل از ابن مقفع که از زبان مردم خراسان و مشرق، زبان مردم بلخ در آن غالب بوده است (به ص ۴۹۷ رجوع شود).

■ تیسفون، پس از سقوط اشکانیان، نزدیک به چهار قرن پایتخت ساسانیان بوده است و باز تأثیر زبان پهلوی جنوبی در آن اجتناب ناپذیر بوده است.

■ سپس خدم و حشم یزدگرد سوم که همراه او به مرو رفتند، هزاران و شاید چند ده هزار نفر بودند.^۱ مسلماً گویش آنان (که به نقل از ابن مقفع دری بوده است) در آن نواحی تأثیر زیادی داشته است، البته اگر غالب نشده باشد؛ چرا که سایرین می‌خواهند خود را شبیه به شاهان و بزرگان سازند و شبیه آنان حرف زنند. بعلاوه، کتب مشهور به گنجینه مرو که یزدگرد سوم به آنجا برد نیز احتمالاً سبب تقویت آن گویش شده است.

^۱ به نقل از حمزه اصفهانی: «یزدگرد آنگاه که از عراق بیرون رفت تا آنجا که می‌توانست جواهر و ظروف زرین و سیمین و نیز فرزندان و زنان و حشم با خود ببرد، و در میانهٔ ایشان هزار تن آشپز و هزار تن حوسیان (خونیاگر) و هزارتن یوزبنده (کسی که شکار به یوز می‌آموزد) و هزار تن بازیار بودند.» مسلم وقتی از دستهٔ خونیاگران، بازیار و یوزبنده هر کدام هزار تن بودند، از سایرین نیز به همین تعداد، اندی کمتر یا بیشتر، بوده‌اند. دیوانیان، نگاهبانان، غلامان و کنیزان و ...

■ تألیف کتب و مقالات به زبان علمی روز دنیا دلیل بر قدرت تکلم بر آن زبان نمی‌شود. توانایی خواندن و درک مطلب، نوشتن، فهم شنیداری و قدرت تکلم چهار مهارت جداگانه است، که در آزمونهای زبان نیز جداگانه سنجیده می‌شود. زبان لاتین نیز چندی پس از فروپاشی امپراتوری روم، تنها زبان نوشتاری علم بود. به عبارت دیگر، با آن زبان کسی دیگر گفتگو نمی‌کرد.

■ ذکر مقدمه فوق برای این بود که در خصوص تاریخچه نفوذ زبان عربی در ایران نیز مصداق دارد. اینکه اکثر کتب به عربی بود، به این معنا نیست که به همان نسبت، زبان عربی رایج بوده است. چه بسیار علمای دینی که متون عربی را می‌فهمیدند، اما مهارت شنیداری و تکلم آنها به عربی ضعیف بوده و هست. در بخش دوم این مجموعه، در خصوص رواج زبان عربی پس از فروپاشی ساسانیان گزیده‌های جالبی آورده شد.

■ سه قرن طول کشید تا زبان فارسی دری به تدریج زبان رسمی و ادبی ایران شود. تا اوایل قرن هفتم هجری هنوز تلفظ کلمات و حتی کتابت آن، صورت واحد و ثابتی نداشت و نویسندگان مطابق با تلفظ محلی و تاحدودی سلیقه خودشان کتابت می کردند [دکتر خانلری]. نمونه‌هایی از این متون در بخش دوم این مجموعه (کتب علمی به فارسی نو) آورده شد.

■ بعلاوه، چهار حرف گ، چ، پ، و ژ هنوز بکار نمی‌رفت. در نوشتار، ک و ج و ب می‌نوشتند و در خوانش گ و چ و پ می‌خواندند. علائم سجاوندی (نظیر نقطه و ویرگول) نیز بکار نمی‌رفت.

تألیف کتب علمی به زبان فارسی دری

■ پس از فروپاشی ساسانیان نزدیک به سه قرن و نیم کتب علمی (به معنای امروزی) به زبان فارسی تألیف نشده بود و لذا از لحاظ واژگان علمی هم در مضیقه بود. در صورتی که زبان عربی از دوره عباسی و بویژه در خلافت هارون الرشید و مأمون با بکارگیری دانشمندان و مترجمان زبردست بسیار غنی شده بود و زبان دینی و رسمی هم بود. لذا اگر علمایی میخواستند به زبان فارسی کتاب علمی بنویسند، در انتخاب واژگان علمی با مشکل مواجه می شدند. اگر خودشان هم واژه بامسمی و شکیلی انتخاب می کردند، خوانندگان معنای دقیق علمی آن کلمه را متوجه نمی شدند و لذا بدون جا افتادن واژگان علمی معادل، فهم درست این کتب میسر نمی شد.

■ جا افتادن واژگان علمی که تا حدود زیادی جنبه قراردادی دارد، نیاز به فرهنگ واژگان علمی و قدرت رسانه‌ای و فرهنگستان دارد و چند دانشمند از پس آن برنمی‌آیند.

■ پس از گذشت چند قرن از فروپاشی ساسانیان، تفاوت گویشهای زبان پهلوی رو به فزونی نهاد و غلبه زبان فارسی دری دفعتهاً صورت نگرفت و لذا عالم و دانشمند ایرانی به چه زبان و گویش ایرانی کتاب تألیف می‌کرد؟ بعلاوه همانطور که اشاره شد، تلفظ کلمات و حتی کتابت در خراسان و ماوراءالنهر نیز صورت واحد و ثابتی نداشت.

■ این توقع که علما و دانشمندان ایرانی تراز اول دنیا نظیر بیرونی و ابن سینا که وظیفه اصلی آنها کشفیات علمی بوده است، به تنهایی این بار را بدوش کشند، بی‌انصافی است و همت و درخواست امیران و پادشاهان و کار گروهی علما را می‌خواسته است.

■ این نکته را نیز باید در نظر داشت که دانشمندان تراز اول، برای افراد مبتدی نمی‌نوشتند و نباید هم می‌نوشتند (فارغ از استثنائات). اینان برای خواص آن حوزه علمی می‌نگاشتند. به همین خاطر علمای دیگر در شرح کتب این بزرگانِ تراز اول، کتابها نوشته‌اند و یک فصل کتاب آنها را به یک کتاب مجزا بدل کرده‌اند. تقسیم کار باید نمود. عمر محدود است و زمانی که این بزرگان برای کتابت داشتند بسیار ضیق بوده است.

■ ما از افرادی که کار می‌کنند، همیشه توقع داریم که بیشتر کار کنند و افرادی را نیز که کاری انجام نمی‌دهند، کسی کاری ندارد که چرا کار نمی‌کنند و کاری هم به آنها ارجاع نمی‌دهند. این موضوع در ادارات و سازمانهای دولتی ما به وفور مشاهده می‌شود.

■ بعلاوه، تا کسی کاری را شروع کرد، آنقدر ایراد و انتقاد می‌کنیم، تا پشیمانش کنیم و مایهٔ عبرت سایرین تا کاری را شروع نکنند.

- مگر در آن حوزه تخصصی، چند نفر در منطقه خود آنها وجود داشته است؟ اگر هم این کتب را به فارسی می‌نوشتند، مسلماً نسخه‌برداری از آنها و محدوده گسترش آنها بسیار محدودتر شده و اکنون از آن چیزی هم که هست، کمتر باقی مانده بود. حکایت کتب ارزشمندی که به زبان طبری بوده و همه از بین رفته‌اند.
- با این توصیف با زبانی که با وقفه چند صد ساله شروع به تألیف کتب علمی کرده، زمان لازم است تا جافتاده و پخته شود و این کار نیز کار گروهی علما و حمایت پادشاهان را می‌طلبیده است.
- بعلاوه، در تألیف کتب و مقالات علمی به زبان فارسی و واژه‌گزینی باید حد اعتدال را نگاه داشت و به قول شهردان کتابهایی بنویسند به «**دری ویژه مطلق که از تازی دشوارتر است**» و اگر بسخنهای متداول گوید دانستن آسانتر بود.» لذا هم اکنون در نوشتن متون علمی باید همین دقت را داشت.

■ در اینجا دوری هست: غلبه این فکر که عمده آثار علمی دوران اسلامی به عربی نوشته شده، باعث نادیده گرفتن آثار علمی فارسی یا بی توجهی به آن شده است و بی توجهی به این آثار نیز کفه این فکر را سنگینتر کرده است.

زبان فارسی و تاریخ علم، معصومی همدانی، نشر دانش، ۱۳۷۴

■ نکته دیگر، نابودی کتب دانشمندان ایرانی اعم از کتب به زبان پهلوی، فارسی دری یا عربی است، که علت دیگر آن علاوه بر موارد گفته شده، انحصاری کردن استفاده از این کتب بوده است که البته شدت و ضعف آن در تاریخ بدرستی مستند نیست. حکایت کتابخانه سلطنتی نوح بن منصور سامانی است، که آتش گرفت و از بین رفت. دانشمندی همانند ابن سینا تنها پس از معالجه وی، مجوز استفاده از کتابخانه سلطنتی را اخذ کرد و شگفتی ابن سینا از این کتابخانه در گزارش جوزجانی آمده است: «کتاب‌هایی دیدم که حتی نام آنها هم به گوش بسیاری از مردمان نرسیده؛ و خود من، تا آن زمان ندیده بودم و پس از آن نیز ندیده‌ام.»

دربارهٔ زبان فارسی دانشمند آلمانی هاینس وندت (Heinz Wendt) در کتاب خود **Sprachen** یعنی (زبانها) که در آن ساختمان یکایک زبانهای جهان را شرح داده است دربارهٔ زبان فارسی می‌گوید: «زبان فارسی بواسطهٔ متقارن و موزون بودن سیستم آوایی دارای مزایای یک ساختمان ساده و کارآمد است که بی‌قاعدگیها و پیچیدگیهای هر زبان را که از دوران قدیم باقی می‌ماند به سود کاربرد عملی آن کنار گذاشته است. یک مزیت سوم ترتیب تحلیلی و دوسا است که دارای یک تکامل کم نظیری است. این زبان می‌تواند به عنوان نمونه‌ای برای یک زبان بین‌المللی بکار رود.»

این است زبانی که هزاران سال تمدن و ادب برای ما به میراث گذاشته است. باشد که آن را عزیز بداریم.

■ زبان فارسی امروزی با توجه به ساختار خود که با پسوند و پیشوند کلمات را می‌سازد و همچنین با استفاده از ظرفیت واژه‌سازی زبان عربی که بر اساس صرف ریشه‌هاست (نظیر ابواب ثلاثی مزید^۱)، توانایی بالقوه‌ای برای ساخت لغات علمی با استفاده از هر دو ساختار دارد که زبان انگلیسی (با ساختار پیوندی) و زبان عربی (با ساختار اشتقاقی) به تنهایی ندارند.

^۱ زبان عربی قالبی و اشتقاقی است. بطور نمونه، ابواب ثلاثی مزید (افعال، تفعیل، مفاعله، تفاعل، تفاعل و ...) و قالبهای اقسام اسم: اسم فاعل، اسم مفعول، اسم زمان، اسم مکان، صفت مشبّهه، صیغه مبالغه، اسم تفضیل و ...

قالبها و ابواب زبان عربی قابلیت بی‌نظیری در واژه‌سازی (بیان مفاهیم در قالبهای کوتاه و شکیل) دارد، البته در وسع تعداد ریشه‌ها و تعداد قالبها و معانی متناظر ابواب آن،

■ باید توجه داشت که الآن زبان فارسی را از جانب واژه‌های عربی تهدیدی نیست، بلکه تهدید از جانب واژه‌های فرنگی است که هر روزه وارد زبان فارسی‌زبانان می‌شود و سرعت عمل در خصوص جایگزینی آنها بسیار حائز اهمیت است.

■ در واژه‌سازی باید دقت داشت که حتی‌المقدور واژه معادل فارسی، علاوه بر مفهوم صحیح، از واژه‌های اصلی زیباتر، کوتاه‌تر و آسانتر باشد. در اینصورت به تدریج لغات بیگانه حذف می‌شود. با توجه به اینکه گرایش عمومی به سمت واژه‌های ساده‌تر است، عدم رعایت آن، شاید تقلای بی‌نتیجه باشد.

■ همانطور که با ذکر نمونه‌هایی اشاره شد، اصطلاحات علمی اغلب قراردادی است. هنگامی که وام‌واژه‌ای از یک زبان خارجی گرفته می‌شود، چون معنای لغوی آن در ذهن افراد نمی‌آید، پذیرش آن راحتتر است. این شامل خیل وام‌واژه‌های یونانی و لاتین در زبان انگلیسی هم می‌شود.

■ فرض کنید قانون نیوتن را فردی بنام اصغر کشف کرده بود و به افتخار او واحد نیرو را اصغر می‌نامیدند. حسن دو اصغر نیرو وارد کن! آنوقت چه تعداد ویدئوی طنز در این خصوص می‌ساختند! دو نفر اصغر نامی را روی فردی می‌گذاشتند و می‌گفتند، حالا دو اصغر نیرو وارد کردیم!

- به خط فارسی ایراد می‌گیرند که از روی آن نمی‌توان تلفظ لغات را به درستی تشخیص داد، اما زبان عربی اعراب دارد و این نقیصه را ندارد.
- خط عربی در آغاز نه اعراب داشت و نه نقطه، و اگر نسخ بسیار قدیمی قرآن کریم را ببینید، نقطه‌گذاری و اعراب ندارد. این موضوع بعدها اضافه شد. در ضمن امروزه روزنامه‌ها و کتب عربی اعراب نمی‌گذارند.
- در گذشته نه چندان دور، کسانی که کتب را استنساخ می‌کردند، تمام نقطه‌های کلمات را نمی‌گذاشتند (نیازی به این کار نمی‌دیدند) و به کسی که تمام نقطه‌ها را می‌نوشت، **ملانقطی** می‌گفتند؛ چرا که عقیده داشتند که فرد باسواد نیازی ندارد که تمام نقاط نوشته شود. کسانی که نسخ خطی را مطالعه می‌کنند، این موضوع را دیده‌اند.

۱ ملانقطی: کسی که با کم و زیاد شدن یک نقطه نوشته از خواندن آن عاجز آید. آدم کم‌سواد. (فرهنگ لغات عامیانه جمالزاده). آنکه تا تمام نقطه‌ها و اعراب و حرکات کلمه‌ای نوشته نباشد نتواند خواند. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا). || آنکه به جزئیات رسوم و آداب قانون یا قاعده یا رسمی پایبند و مقید است و تا رعایت همه نشود امر را ناقص شمارد در صورتی که همه برای صحت امر ضروری نیست. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا). || آنکه تا تمام جزئیات امر را نداند شناختن آن نتواند. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا). ملانقطی، لغتنامه دهخدا

- افزودن علائم در زبان اوستایی و زبان عربی (اضافه شدن نقطه‌گذاری و اعراب) بخاطر تأکید بر خوانش صحیح کتب دینی بوده است.
- چه ایرادی دارد که در فارسی نیز برای تلفظ صحیح لغات نامانوس برای خوانندگان، نظیر نام بعضی اشخاص و مکانهای خارجی، اعراب‌گذاری صورت گیرد؛ همانگونه که بسیاری از نویسندگان و ناشران بدان عمل می‌کنند.
- زبان انگلیسی نیز در تلفظ لغات زبانهای دیگر ضعفهای عمده‌ای دارد، که اشاره شد. در زبانشناسی و کتب تاریخی نیز استفاده از علائم اضافی برای تلفظ لغات متداول است و در کتب دیگر بستگی به سلیقه نویسنده دارد.
- الفبای زبان فرانسه، علاوه بر حروف لاتین، چهار علامت (´)، (̀)، (ˆ) و (¨) بر روی مصوتها «à, â, è, é, ê, ë, î, ï, ô, û» و علامتی قلاب وار زیر حرف سوم الفبای خود بصورت Ç دارد.

■ اگرچه کلمات عربی و حروفی نظیر ص، ض، ط و ظ املائی زبان فارسی را کمی سخت کرده است، اما نباید از استفاده از این پتانسیل در گسترش زبان فارسی غافل شد. عربی زبان رسمی ۲۶ کشور است. از بیش از یک میلیارد مسلمان، که بتوانند چند خط قرآن کریم را از روی مصحف شریف بخوانند، عملاً رسم الخط فارسی را یاد گرفته‌اند. وجود کلمات مشترک نیز سبب تسهیل یادگیری آن برای مسلمانان بویژه عرب زبانان است.

■ غیرمسلمانانی که زبان عربی را فراگرفته باشند نیز خیلی سریع زبان فارسی را یاد می‌گیرند.

■ هر یک از صامتهای الفبای فارسی، تلفظهای متفاوتی ندارند. اما در زبان انگلیسی همانطور که بطور نسبتاً مفصل در بخش اول این مجموعه آمده است، صامتهایی هستند که چندین تلفظ مختلف می‌توانند داشته باشند، نظیر (C, g, S, X). بعلاوه، دو صامت الفبای فارسی که در کنار یکدیگر قرار گیرد، بیانگر تلفظ متفاوت و جدیدی نیست. اما در انگلیسی این ترکیبات وجود دارد و شگفت آن که تلفظ واحدی هم ندارند. اگر ترکیب دو حرفی یا چند حرفی حروف صامت با مصوّت(ها) را در زبان انگلیسی در نظر بگیریم که دیگر همان شود که شده است.

■ مثال جالبی در خصوص تلفظهای متصور کلمه غیرواقعی “ghoti” در تارنمای دایره‌المعارف بریتانیکا آمده است، که در صفحه ۲۴۷ ذکر شده است.

■ در خصوص به اشتباه افتادن و سختی املاء بخاطر اینکه چهار تا حرف «ز، ذ، ظ و ض» داریم و غیره باید گفت عکس این قضیه غامض است که در خطی چند حرف یا صدا با یک علامت نشان داده شود، چرا که در خواندن مشکل ایجاد می‌کند. اما کسی که می‌خواهد برای دیگران بنویسد، آنقدر کتاب خوانده و مطالعه کرده که به اشتباه نیفتد و گرنه همان بهتر که ننویسد و وقت بقیه را تلف نکند. مهم اینست که بقیه بتوانند بخوانند و از آن مطالب استفاده کنند و بهره‌برند و سطح معلومات خود را افزایش دهند. نوشتن نامه‌ای مغلوط برای اقوام و دوستان، سبب کندی پیشرفت مملکت نمی‌شود، اما نتوانستن در خواندن و بهره‌بردن از مطالب علمی سبب این کندی می‌شود.

اندر مزایای این نوع خط اینست که

■ کسی که در نوشتن چند جمله، چندین غلط فاحش دارد، سطح آشنایی و تسلط او با زبان فارسی معلوم می‌شود، و لذا نظر او در باب زبان و ادبیات فارسی صواب تشخیص داده نمی‌شود. (البته منظور چند غلط تاپیی که اکثراً بخاطر عدم دقت تاپیست و ویراستار در متن نهایی باقی مانده است، نیست. کسانی که مؤلف کتابی چاپ شده هستند، به خوبی به این موضوع واقف هستند.)

■ اگر یک فرد در موضوع تخصصی‌ای بتواند بدون غلط و عالی متن مورد نظر را از رو بخواند، در صورتی که رسم‌الخط کاملاً آوانگار باشد، نمی‌توان به تسلط او بر موضوع پی‌برد. اما اگر رسم‌الخط زیر و زبر نداشته باشد، این حسن وجود دارد که هرکس نمی‌تواند خود را متخصص جا بزند و چه بسیار که در این خصوص رسوا شده‌اند.

- زبان فارسی با توجه به پیشرفتهای علمی نیاز به غنی‌سازی دارد؛ اما باید دانست که در کمتر از یک قرن، توانمندی واژگان زبان فارسی در حوزه‌های علمی افزایش قابل توجهی داشته است. **ضعف باقیمانده را باید با توجه به پیشرفت واژگان علمی آن در طی یک قرن اخیر ارزیابی نمود.**
- همانطور که به مرور زمان، تمایز دقیق مابین معانی لغات علمی در زبان انگلیسی جا افتاد و این در زبان انگلیسی، مادرزادی نبوده است، نهادهای ذیربط در کشور باید در خصوص تمییز معانی واژگان علمی زبان فارسی اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. البته وام‌واژه‌های لاتین و یونانی زبان انگلیسی سیر تاریخی خود را طی کرده است.

■ چین با آن زبان خود که حدود چند هزار کاراکتر (شبه حروف الفبا) دارد، بسوی تسخیر جهان حرکت می‌کند؛ اما بعضی افراد وقتی قافیه به تنگ می‌آید، مشکل عدم توسعه کشور را به گردن زبان فارسی می‌اندازند!

■ در خصوص موضوع فوق، به تعداد کشورهای انگلیسی‌زبان و فرانسوی زبان و وضعیت آنها بویژه کشورهای آفریقایی توجه کنید.

۱ زبانی که الفبا ندارد!

این مشکل به زبان برمی‌گردد یا به کاربرد زبان؟ مقدار بسیار زیادی از مشکلات زبان علمی ما به کسانی برمی‌گردد که این زبان علمی جدید را در دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی و مراکز صنعتی جدید به کار می‌برند. بی‌توجهی کاربران به زبان علمی تأثیر بسیار ناخوشی در شنونده یا خواننده دارد. این تأثیر ناخوش چند جنبه دارد: یکی اینکه در خواننده یا شنونده این پندار را پدید می‌آورد که زبان فارسی توانایی بیان مطالب علمی را ندارد. متن اول از متنهای مذکور این احساس را در خواننده ایجاد می‌کند که حتماً متخصص ما درک کرده است که زبان فارسی توانا نیست و نمی‌تواند مفاهیم علمی را بیان کند، و بنابراین، او مجبور بوده است که با تعبیرات بیگانه مفهوم یا کار تحقیقاتی خود را بیان کند.

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

- دوم اینکه به شنونده یا خواننده چنین القا می‌کند که مفاهیم علم بسیار پیچیده است و بیان آنها بسیار دشوار است. دانشجو نیز درگیر زبانی پیچیده می‌شود و خیال می‌کند پیچیدگی علم است که در زبان بازتاب یافته است. یعنی بدون اینکه متوجه مطلب علمی بشود در پیچیدگی کلمات و زبان گیر می‌کند و هیچگاه به عمق علم نمی‌رسد. بسیاری از دانشجویان با متنهای بسیاری از این نوع روبه‌رو می‌شوند و چون درک دقیق و صریحی از متن و از بیان مطالب به فارسی به دست نمی‌آورند آن را به حساب پیچیدگی علم یا ناتوانی زبان فارسی می‌گذارند.
- این هر دو نتیجه‌گیری برای فرهنگ ما و برای پیشرفت علمی ما مضر است.

دکتر رضا منصوری، مجله نشر دانش، سال پانزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

■ در مجموع در این دو دهه، زبانهای لهستانی، ترکی، کره‌ای، کرواتی، سوئدی، مجارستانی، دانمارکی و نروژی از زبان فارسی از لحاظ تعداد مقالات نمایه شده در اسکوپوس جلوتر هستند.

■ در این زمینه، زبان ترکی رتبه دوازدهم را در دو دهه اخیر دارد.

■ نکته جالب اینست که اگر این استدلال صحیح باشد که امروزه تنها باید به زبان انگلیسی (به عنوان زبان بین‌المللی علم) مقاله نوشت، پس چرا در کشورهای پیشرفته‌ای نظیر ژاپن، نروژ، دانمارک و سوئد که وقت ارزش بیشتری دارد، تألیف مقاله به زبان خودشان بیش از ایران صورت گرفته است!

■ عدم حضور زبان عربی در فهرست ۲۵ تاییِ کمیتهٔ مدارکِ نمایه‌شده به زبانهای مختلف در پایگاه اسکوپوس (ص ۱۰۱۳)، مایهٔ تعجب و بسی تفکر است.

■ اما آنهایی که می‌گویند نباید به زبان فارسی مقالهٔ علمی-تخصصی نوشت، اگر در این خصوص رتبهٔ زبان فارسی از رتبهٔ زبان عربی عقب می‌افتاد، فریاد و امصیبتا سر می‌دادند.

■ افزایش رتبهٔ زبان فارسی در اسکوپوس و ISI سبب می‌شود تا علاقمندی کشورهای فارسی‌زبان و نزدیک به زبان فارسی برای استفاده از این زبان در دانشگاه‌های خود افزایش یابد.

■ مایه شگفتی است که بخشی از تحصیلکردگان ایرانی که به دانشمندان ایرانی خرده می‌گیرند که چرا به زبان عربی (زبان علم آن دوران) کتابهایشان را تألیف کردند و به فارسی تألیف نکردند، می‌گویند فی الحال نباید به زبان فارسی مقالات علمی نوشت؛ بلکه باید به زبان انگلیسی (که زبان علم در این دوران است) نوشت.

■ آیا بخشی از مقالات علمی محققان ایرانی به زبان فارسی انتشار یابد؟ بلی

■ آیا تعداد مقالات علمی به زبان فارسی در اسکوپوس باید افزایش یابد؟ بلی

■ بسیاری از کسانی که در این خصوص (خواه موافق یا مخالف) مباحثه می‌کنند، اطلاعی در خصوص سیر زبان علم و جایگاه، نفوذ، اهمیت و توانایی زبان فارسی ندارند. لذا سیاست روشنی اتخاذ و تبیین نمی‌شود.

- اگر قرار باشد که تنها از لحاظ کمی در مقالات فارسی افزایش باشد، این نه تنها مفید نیست بلکه ضربه هم می‌زند.
- بسیاری از مقالات منتشر شده به زبان فارسی (فارغ از کیفیت علمی) از لحاظ ساختار و نگارش از کیفیت مناسبی برخوردار نیست و بعضاً به آن به عنوان مرحلهٔ تمرینی نگاه می‌شود.
- چندی پیش از یکی از استادان برجسته و مطرح بین‌المللی، مقاله‌ای به زبان فارسی دیدم که حتی چکیدهٔ استاندارد نداشت. مدت‌ها برایم سؤال بود تا اینکه روزی صحبتی در خصوص نوشتن مقاله به فارسی یا انگلیسی بود که ایشان گفت: «من اصلاً مقالات دانشجویانم به فارسی را نمی‌خوانم و برای من فقط مقالات انگلیسی‌ام و شخصیت بین‌المللی‌ام مهم است.»

- با توجه به ازدیاد روزافزون نشریات علمی فارسی و مشکل کمبود دریافت مقاله برای انتشار، در مجموع ملاحظه می‌شود که سختگیریها در خصوص چاپ این مقالات کاهش یافته است.
- از طرف دیگر، با فشار رو به ازدیادی که به استادان برای انتشار مقالات علمی آورده می‌شود (و با توجه به کاهش تدریجی امتیازات مقالات فارسی در آیین‌نامه‌های داخلی دانشگاه‌ها برای ارتقاء استادان)، دیگر برای این اساتید، فرصتی برای اصلاح ساختار و نگارش مقالات دانشجویان به زبان فارسی باقی نمی‌ماند.
- متأسفانه مهارتِ نگارش دانشجویان بسیار افت کرده است. استاد دانشکدهٔ مهندسی نمی‌تواند به دانشجوی مقطع کارشناسی‌ارشدی که در نگارشِ خود، بعد از نقطهٔ پایانِ جمله، جمله بعدی را با حرف ربط «که» شروع می‌کند، طرز نوشتن بیاموزد.

- اگرچه ویراستارانِ نشریات علمی-پژوهشی، شیوه نگارش این نوع دانشجویان را بسیار بهبود می دهند، اما نگارش اساتید باسابقه را خراب کرده و البته مدعی نیز هستند. این موضوع معضلی برای این نوع اساتید شده است که بعضاً قید نوشتن مقاله به زبان فارسی را می زنند.
- در اینجا منظور از مهارتِ نوشتن، قواعدی که جدیداً باب شده است و به سرعت هم تغییر می کند (و ظاهراً هماهنگی صحیحی هم بین سازمانهای ذیربط در این خصوص وجود ندارد)، نیست.
- وجود دفتر نشر و ویراستاری در دانشگاهها برای ویرایش پایان نامه ها و مقالات بسیار ضروری است.

- ما ملیّت یا شاید بهتر باشد بگوییم هویت ملی (ایرانیت) خودمان را از برکت زبان و در جان پناه زبان فارسی نگه داشتیم.
- در دوره‌های گذشته، زبان فارسی، ادب و فرهنگی بوجود آورده بود که همه مردم غیرفارسی‌زبان سرزمینهای ایرانی را به هم پیوند می‌داد و آنها را به هم «دلبسته» می‌کرد. آنهایی که به زبانهایی که به زبانها یا لهجه‌های دیگر حرف می‌زدند هم، روحشان در هوای این فرهنگ نقش می‌کشید.

■ تاکید پروفسور رضا بر تقویت هویت ملی و زبان فارسی

■ وی با بیان این که در دوران ریاست خود در دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف یک برنامه اجباری در زمینه هویت ملی و زبان فارسی ایجاد کرده است، تصریح کرد: به نظرم در این موضوع ضعفی وجود دارد به نحوی که باعث می‌شود جوانان ما به فرآیند مادی غرب تمایل یابند.

فقدان مطالعه عمومی در اکثریت و بی خبری از خود

- سرانه مطالعه در کشور ۱۳ دقیقه است [سیدعباس صالحی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۵ / ۸ / ۱۳۹۸]. با عبارت «سرانه مطالعه» در گوگل جستجو کنید و با آمار کشورها بخصوص کشورهای اروپایی مقایسه کنید. بعضاً تا اغلب،
 - به تاریخ رجوع نمی کنیم،
 - درس و عبرت نمی گیریم،
 - اشتباهات گذشته را تکرار می کنیم،
 - در یک دام، چند باره می افتیم،
 - راهکارها را نمی آموزیم و بکار نمی بریم،
 - نمی دانیم که نمی دانیم و خود را عقل کل می دانیم.

■ اگر رجال سیاسی تاریخ می دانستند اشتباهات گذشتگان را تکرار نمی کردند. جرجی زیدان

■ تاریخ به ما می آموزد که از گذشته چه درسی را برای آینده بگیریم.
شیلر

■ ملتها به تاریخ خود زنده اند. ژنرال دوگل

■ هر ملتی که از تاریخ کشور خود آگاهی نداشته باشد، ناگزیر اشتباهات گذشته خود را تکرار خواهد کرد. جواهر لعل نهرو

(از رهبران جنبش استقلال هند و کنگره ملی هند، مؤلف کتاب سه جلدی نگاهی به تاریخ جهان و اولین نخست‌وزیر هند پس از استقلال در سال ۱۹۴۷)

■ ایرانیان اطلاعی به تاریخ خود ندارند. سرپرسی سایکس

(ژنرال انگلیسی، ۱۸۶۷-۱۹۴۵، سرکنسول انگلیس در کرمان، سیستان، خراسان، ترکستان چین، فرمانده پلیس جنوب، مؤلف کتاب دوجلدی تاریخ ایران)

■ صاحب‌نظران اذعان دارند هنگامی که ملتی همه چیز خود نظیر خط، زبان، فرهنگ و ... را از دیگران بگیرد، مقلد بار می‌آید و تسلیم. آنگاه است که خودباوری خود را نیز از دست می‌دهد.

■ وظیفه دولت‌ها ایجاد زیرساخت است و گسترش زبان فارسی بویژه در ایران فرهنگی، از جمله این زیرساخت‌هاست.

■ خودباوری سبب روحیه شگرفی در ملتها می‌شود.

■ سخنان استاد شفیعی کدکنی در خصوص نیاز به روحیه فردی و اجتماعی

وحدت ملی و یکپارچگی ایران

- قرن‌هاست که وحدت ملی و یکپارچگی ایران بر سه رکن اساسی تاریخ و فرهنگ ملی (قبل و بعد از اسلام)، زبان فارسی و مذهب شیعه استوار بوده است. چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه خوشمان آید و چه خوشمان نیاید، اگر این ارکان (و یا حتی یکی از آنها) آسیب ببینند، یکپارچگی کشور به خطر می‌افتد. تا مادامی که ارکان استوارتری پیدا و استوار نشده است، تضعیف این ارکان، تیشه به ریشه خود زدن است.
- آنان که مدعی هستند، ابتدا باید رکنی جدید یا نظیر آنها بنا کنند. این عرصه، جای آزمون و خطا نیست، که یکی از ارکان را خراب کنند و بعد بگویند، حال سعی می‌کنیم که رکن دیگری از نو بنا کنیم!
(پیوست ذ ملاحظه شود)

■ در ساده‌ترین مدل ارزیابی می‌توان گفت، مناطقی از کشور که بر پایه کمتر از یک و نیم رکن مذکور قرار گرفته‌اند، جزو مناطق آسیب‌پذیر هستند.

■ البته وزن زبان فارسی در یکپارچگی ملی از دو رکن دیگر بیشتر است. با اصلاح مدل و اصلاح وزن‌دهی‌ها و به بیان دقیق‌تر ارائه مدل ریاضی با لحاظ نمودن پارامترهای متعدد در هر سه رکن و وزن‌دهی‌های جزئی، می‌توان هر منطقه را ارزیابی کرد و برای تقویت آن برنامه‌ریزی نمود. همچنین پربازده‌ترین روشها را در هر منطقه تعیین نمود.

■ باید توجه داشت که جمعیت و تعداد نفوس شرط لازم است. در پیوست ر، به تاریخچه جمعیتی ایران اشاره‌ای شده است.

■ باید توجه داشت که علاقه به تاریخ و فرهنگ ملی با دانستن آن و مطلع بودن از آن تفاوت دارد. شما ممکن است تاریخ ملی کشوری را بهتر از مردمان آن کشور بدانید، اما علاقه‌ای به آن نداشته باشید. جنبهٔ ایجاد علاقه باید در تدوین برنامه‌ها بخوبی در نظر گرفته شود. جشنها، آثار تاریخی، گردشگری، تاریخ علم و دانشمندان و بزرگان ایران و ...

■ اگرچه ادبیات فاخر ما جزو هویت ملی تلقی می‌شود، اما باید توجه داشت که بخشی از این ادبیات نظیر شاهنامه دو رکن تاریخ ملی و زبان فارسی را دارد و بخشی دیگر، فاقد تاریخ ملی است اما هویت ملی است.

■ چگونه زبان فارسی در کشور تضعیف می‌شود؟ راههای تضعیف زبان فارسی از لحاظ کمی و کیفی کدامند؟ بطور نمونه:

- عدم فراگیری آموزش به زبان فارسی در سراسر کشور،
- سرعت کند واژه‌سازی و معادلسازی در زبان فارسی،
- بی‌اهمیت شمردن فراگیری ادبیات فارسی در دنیای فناوری امروزی،
- گسترش هجویات در رسانه‌ها به جای ادبیات فاخر فارسی،
- بی‌تفاوتی و کم‌کاری در حوزه ایران فرهنگی،
- عدم توجه به نفوذ موسیقی، فیلم و هنر در گسترش و ترویج زبان فارسی،
- عدم آگاهی از تاریخچه، تواناییها و پتانسیل زبان فارسی در آحاد مردم کشور،
- افت اعتبار جهانی دانشگاه‌های ایران،
- و عدم ارتقای بین‌المللی نشریات فارسی‌زبان.

■ یک راه غیر طبیعی نیز برای خراب شدن زبان و وارد شدن لغات اجنبی در آن باز است و آن راه فضل‌فروشی است، این راه بکلی غیرطبیعی و تنها بسته به تفنن و هوسرانی مردم مخصوصی است و اگر باز شود و بازار رایجی پیدا کند، از تمام طرق طبیعی مذکور شدیدالتأثیرتر و فعالتر است و زودتر به فعل و انفعال لغوی کامیاب می‌شود.

هدفگذاری و برنامه‌ریزی

- قبل از هدفگذاری باید اطلاعات جامعی از تاریخ، گستره، نفوذ، جایگاه و توانمندی زبان فارسی داشته باشیم. همچنین مقایسه آن از جنبه‌های مختلف با زبانهای دیگر. فهرست کردن معایب و مزایا نسبت به یکدیگر،
- زبانهای دیگر و سازمانهای ترویج آنها نظیر شورای فرهنگی بریتانیا، گوته، سروانتس و ... چه کارهایی را انجام داده‌اند و انجام می‌دهند؟ شامل سیر تاریخی انجام این فعالیتها،
- این اطلاعات و مقایسه‌ها و فعالیتها باید به نهادها، سازمانها، وزاتخانه‌ها و صدا و سیما منعکس شود. پیشنهادات به آنها ارائه شود. سپس از آنها پرسیده شود، هر کدام برای گسترش زبان فارسی چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ و پیشنهادات خود را هم ارائه دهند.

- مدیران، وزیران و سیاستگذاران عالی کشور در این خصوص باید کاملاً توجه باشند و اهمیت موضوع را درک کنند.
- باید بصورت پله پله هدفگذاری و اجرا کرد. اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت داشت. نقش فناوری را باید در این موضوع بدرستی شناخت و بر اساس آن برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرد.
- برای مناطق و حوزه‌های مختلف باید برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت داشت. بطور نمونه، برای محدوده ایران، افغانستان و تاجیکستان، سه برنامه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تدوین شود.
- منظور از پله به پله این نیست که اول بگوییم پس از تکمیل ایران، در پله بعد برویم سراغ افغانستان و بعد کشورهای دیگر،

- استفاده از کتب علمی به زبان فارسی در دانشگاه‌های افغانستان و تاجیکستان و فراگیر شدن آن، برنامه‌ای واقع‌بینانه است.
- ترویج زبان فارسی در پاکستان، افزایش اشتراکات لغوی زبان فارسی با اردو و در نهایت استفاده از کتب علمی به زبان فارسی در دانشگاه‌های آن کشور، هدفی دست‌نیافتنی نیست.
- با افزایش اشتراکات زبانی ایران، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان، و تدریس کتب علمی فارسی در دانشگاه‌های این سه کشور، زبان فارسی به عنوان یک زبان منطقه‌ای وارد عمل می‌شود.

■ اما متأسفانه مدارکِ نمایه شده به زبان فارسی در پایگاه اسکوپوس از تعداد ۱۸۵۹ مدرک در سال ۲۰۱۷ به ۱۵۹۲ مدرک در سال ۲۰۱۸ کاهش داشته است. درصد محتوای آنلاین به زبان فارسی نیز کاهش داشته است.

□ Historical trends in the usage statistics of content languages ...

■ فارسی‌زبانان اگر یکی می‌شدند کارهای ماندگار و درخشانی خلق می‌کردند [جعفری جوزانی، پیوست ز].

■ ترویج زبان فارسی بدون ایجاد انگیزه‌های مالی و شغلی برای زبان‌آموزان آنچنان مؤثر نیست.

■ همچنین برای دولتهای کشورهای هدف نیز باید انگیزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی ایجاد نمود.

■ باید در حوزه های مختلف برای فرصتهای احتمالی آینده، برنامه داشته باشیم، تا اگر بوقوع پیوست، سریعاً و بدون فوت وقت، مرحله به مرحله آن برنامه را اجرا کنیم.

■ باید برای رویدادهای احتمالی آینده (خوب یا بد)، برنامه داشته باشیم. چه فرصتهایی از رویدادهای بد می توان یافت؟ آنها را بدانیم و برایشان برنامه داشته باشیم تا در صورت رخداد بتوانیم سریعاً آنها را به اجرا درآوریم. باید برای تحمیل احتمالی تغییر مرزهای خاورمیانه و آسیای میانه و قفقاز از سوی قدرتهای بزرگ (برای سناریوهای مختلف) برنامه داشته باشیم.

■ از همه ظرفیتهای باید استفاده نمود، رسانه ها، فضای مجازی، سینما، موسیقی،^۱ هنر، ... ورزش و فوتبال و حتی آشپزی و غذاهای ایرانی.

■ در این خصوص، پیشنهادهای در پایان این مجموعه آمده است.



حکمتانه

فیلم سخنرانی آقای دکتر سید حمید جلالی نائینی با موضوع «زبان علم و نقش و جایگاه زبان فارسی» فایل ارائه مربوط به این ویدئو را

t.me

حکمتانه ۳۴ «زبان علم و نقش و جایگاه زبان فارسی» دکتر سید حمید جلالی نائینی

لینک تلگرام:

- <https://t.me/HekmatanehCam/378>

لینک اینستاگرام:

- https://www.instagram.com/tv/CaGS_akAlXY/?utm_medium=copy_link

لینک یوتیوب:

- <https://youtu.be/l7LvrijfTCE>

پیشنهادات

پاسداشت روز زبان فارسی

■ روز پاسداشت زبان فارسی در ۲۵ اردیبهشت‌ماه در کشور نمودی ندارد. باید برای این روز برنامه‌ریزی کرد. پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی از سامانه صوتی مدارس، دانشگاه‌ها، پارک‌ها، ادارات و سازمانها، سالنهای مسافری و فرودگاه و سالن ترانزیت پخش شود که ساده‌ترین کار و بدون بار مالی است؛ نظیر پخش اجرای فوق‌العاده زیبای شعر پارسی قهار عاصی،

■ گل نیست ماه نیست دل ماست پارسی (از قهار عاصی) – آپارات

تدوین دایره‌المعارف‌های معتبر و مرجع به زبان فارسی

- تدوین دایره‌المعارف‌های معتبر و مرجع می‌تواند سبب مراجعه فارسی زبانان از کشورهای مختلف و همچنین محققین و علاقمندان به زبان فارسی شود. تدوین این نوع دایره‌المعارف‌ها به مرجعیت زبان فارسی کمک می‌کند. برای این منظور باید موارد زیر را در نظر داشت:
 - باید بر رفع نواقص موجود و شواهدی که در بریتانیکا نیست یا بسیار موجز آمده، بویژه در موضوعات مربوط به فرهنگ و تاریخ و ادب ایران تأکید کند.
 - کامل و بی‌غرض تدوین شود و از کلیه صاحب‌نظران استفاده شود.
 - از عکسها و فیلمهای مستند و ویژه استفاده کند. برای تدوین این فیملها باید سرمایه‌گذاری شود و بخشی ویژه با همکاری صاحب‌نظران و مراکز پژوهشی کشور تأسیس شود.

تألیف مشترک کتب مرجع

- چه ایرادی دارد چند استاد برجسته در یک حوزه تخصصی، مشترکاً کتابی تألیف کنند (یا هر فصل آن کتاب توسط یکی دو نفر تصنیف شود) تا به عنوان کتاب مرجع شناخته شود. اگر این کتب از کتب رقیب لاتین خود بهتر باشند، نه تنها در ایران، بلکه به تدریج در افغانستان و تاجیکستان و همچنین دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت و به تدریج حوزه نفوذ آن بیشتر و بیشتر می‌شود. این ظرفیت در حوزه ریاضی و فنی مهندسی وجود دارد.
- این نوع کتابها به ویرایش هفتم و هشتم و حتی ۱۵ و ۱۶ هم می‌رسند. تألیف این نوع کتب برای استادان جز زحمت چیزی ندارد و امتیاز مادی و معنوی هم ندارد، و آنها را از سایر امور و حتی از امور معیشتی خود باز می‌دارد. این نوع کار، عشق و علاقه و حمایت مادی و معنوی می‌طلبد، تا یک یا چند استاد عمر خود را برای آن بگذارند.

■ اما در وضعیت کنونی اگر استادی هم بخواهد به تألیف این نوع کتب مبادرت ورزد هم نمی‌تواند. آنقدر از بندهای مختلف‌الالوان آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقاء نظیر تأسیس شرکت دانش‌بنیان (امتیاز بر اساس میزان فروش محصول، تعداد اشتغال ایجاد شده) و ... باید امتیاز بیاورد، که دیگر وقت و انرژی و تمرکز باقی نمی‌ماند.

■ کلاً با وضعیت فعلی، استادان دانشگاه نمی‌توانند تصنیف فاخری عرضه کنند، و گرنه امتیازات لازم برای تبدیل وضعیت و ترفیع و یا ارتقاء را نمی‌آورند و احتمال اخراج از دانشگاه هم وجود دارد. البته استثنائات وجود دارد، اما مملکت را بر مبنای استثنائات نمی‌توان اداره نمود و بطور شایسته‌ای جلو برد.

■ در دهه ۶۰ شمسی بعضاً کتب مقطع کارشناسی در رشته‌های مهندسی به زبان فارسی بود و در مقطع کارشناسی ارشد شاید نایاب. اما الآن کتب درسی به زبان فارسی برای دانشجویان دکتری در این رشته‌ها کم تعداد نیست. از این بُعد، نشاندهنده قدرت واژه‌گزینی اصطلاحات علمی در زبان فارسی است. اما متأسفانه بخاطر بعضی علل، در نوع نوشتارِ اغلب این کتب نقایصی وجود دارد، که البته همه آن متوجه نویسندگان این کتب نیست. نگارنده صلاح نمی‌داند، موضوع را در فضای عمومی باز کند، اما بطور کلی جنبه کمی تألیف و ترجمه کتاب نباید بر جنبه کیفی آن غلبه کند و نیاز به توجه جدی دارد.

برگزاری سمینارهای بین‌المللی به زبان فارسی

- در حوزه‌های مرتبط سعی شود که سمینارهای بین‌المللی به زبان فارسی برگزار شود و به مرور گسترش یابد. در این خصوص از صاحب‌نظران آشنا به زبان فارسی در حوزه ایران فرهنگی و همچنین پژوهشگران حوزه ادب، فرهنگ، تاریخ و باستانشناسی ایران دعوت بعمل آید.
- مسلماً قبل از رونق اینگونه سمینارها، می‌تواند با تعداد محدودی از سخنرانان بصورت مجازی برگزار شود و برای همایشهای حضوری، بخشی تا تمامی هزینه‌های شرکت‌کنندگان سرشناس را تقبل نمود.
- همچنین، قبل از رونق آن، و برای حضور افراد سرشناس بین‌المللی از مترجم فارسی نیز استفاده نمود؛ چرا که اغلب ایرانی‌شناسان مشهور ممکن است فارسی را بفهمند اما در ارائه به زبان فارسی مشکل داشته باشند.

جذب دانشجویان خارجی

■ با احتساب رشته‌های علوم پزشکی، بیش از ۳۰ هزار دانشجو خارجی داریم که در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند. البته عمدتاً از کشورهای همسایه هستند. به عبارت دیگر دانشگاه‌های ما برای دانشگاه‌های کشورهای همسایه، نیروی متخصص تربیت می‌کنند و این توفیق بسیار بزرگی است.

دکتر غلامحسین رحیمی معاون وقت پژوهش و فناوری وزارت عتف

- باید سعی شود تا دانشجویان خارجی در کشور با خاطره خوبی از ایران بروند، نه اینکه بگویند که بدترین دوران زندگی آنها بوده است. همانطور که فارغ‌التحصیلان ایرانی در دانشگاه‌های غربی، دوران تحصیل خود در آن کشورها را از بهترین دوران زندگی خود می‌دانند. چه بخواهیم و چه نخواهیم این افراد سفیران و مبلغان فرهنگی کشورمان هستند.
- یکی از وظایف انجمن‌های دانشجویی، حمایت از دانشجویان خارجی باشد.
- با حمایت وزارت عتف، گردشگری و بنیاد سعدی برنامه‌های فرهنگی و گردشگری برای آنان گذاشت.
- چندان دور نیست که دولتمردان کشورهای متعددی، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایران باشند.

- افزایش تبلیغ دانشگاه‌های ایران، رتبه‌بندی بین‌المللی آنها، و همچنین جاذبه‌های اقامت تحصیلی در ایران،
- ارسال بروشورهای الکترونیکی برای مدارس و دانشگاه‌های هدف، بروشورهایی شامل امکانات آزمایشگاهی، رفاهی و اسکان،
- نصب پوستر در مدارس و دانشگاه‌های هدف، کاتالوگ‌های فاخر برای کتابخانه‌های دانشگاه‌های هدف،
- تبلیغ فرصت مطالعاتی برای دانشجویان و استادان خارجی در مقطع دکتری در دانشگاه‌های ایران،

نیاز به نسخ الکترونیکی منابع معتبر فارسی و خرید حق نشر آنها

- در حوزه علوم انسانی کتب ارزشمندی به زبان فارسی منتشر شده است؛ اما نسخه الکترونیکی آن در دسترس نیست. این موضوع سبب کاهش رجوع به این منابع می‌شود. در عوض، مطالب غیرمستند زیادی در فضای مجازی در دسترس عموم است.
- دسترسی آسان به نسخ الکترونیکی با قابلیت جستجو، سبب جامعیت بیشتر در پژوهش و تسریع آن خواهد شد.
- نسخ الکترونیکی کتب زیادی به زبان انگلیسی و عربی موجود است که سبب می‌شود، مراجعات بیشتری برای فارسی‌زبانان داشته باشند (با فرض اعتبار یکسان).

■ فرض کنید محققی بخواهد ببیند که در کتب تاریخی در مورد شخصی یا واقعه‌ای چه مطالبی آمده است؟ با جستجوی الکترونیکی مطلع می‌شود که در کدام کتاب و کدام صفحه مطلبی راجع به آن موجود است (بجای خواندن کل آن کتاب).

■ در این صورت، تقابل بین مطالب منابع نیز به سهولت صورت می‌پذیرد.

■ پیشنهاد می‌شود که بودجه‌ای دولتی (و حتی اهدایی) اختصاص یابد تا به مرور حق نشر کتب معتبر و مرجع به زبان فارسی را به منظور درج در فضای مجازی خریداری نماید تا در وبگاه معتبری بارگذاری شود.

□ افزایش مراجعات به منابع معتبر فارسی

□ حرکت در جهت کسب مرجعیت علمی

□ سهولت دسترسی به منابع (زمان و هزینه کمتر)

□ جامعیت بیشتر پژوهش

□ کاهش درصد مراجعات به منابع غیرمستند

□ کمک به نویسندگان و ناشر

ارائه بخش اول تا چهارم، ۹۷/۴/۲۰

در زمینه اهدا باید فرهنگسازی شود (مانند مسجد و مدرسه). حتی یک نهاد غیردولتی می‌تواند متولی این کار شود. هموطنان ساکن خارج از کشور نیز ممکن است در این خصوص مشارکت کنند.

محدودیت بودجه و پیشنهاد اهداء مشترک نسخ خطی

- بودجه سال ۱۳۹۷ کتابخانه ملی: ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان
- میزان اعتبار مورد نیاز برای خرید نسخی که هم اکنون برای خرید به کتابخانه ملی منتقل شده: ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان
- تخمین زده می‌شود که ۲۰۰۰ نسخه خطی سال گذشته از ایران به عراق منتقل شده است.

به نقل از خبرنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۱/مرداد ۱۳۹۷

[به نظر اگر این آمار در رسانه‌های عمومی اطلاع‌رسانی شود، به کمک خیرین ایرانی داخل و خارج از کشور، با اتخاذ مکانیزمی شفاف، مبالغ بیشتری جمع‌آوری خواهد شد.]

در خصوص آثار نیز

- هنوز نسخِ ثبت نشده کتب در دست مالکان خصوصی در ایران فرهنگی و حتی شرق آسیا وجود دارد.
- منابع فراوانی از کتب خطی در کتابخانه‌های متعدد کشور وجود دارد که هنوز به جامعه علمی دنیا عرضه نشده است.
- ده‌ها هزار نسخه خطی فارسی در هند وجود دارد، که هنوز فهرست برداری هم نشده است. فقط افسوس نسخ از بین رفته را می‌خوریم و از عاملین آنها انتقاد می‌کنیم! اما بجد کاری برای نسخ باقیمانده انجام نمی‌دهیم.

■ با توجه به نقایص سازمانهای اداری دولتی، پیشنهاد می‌شود بنیاد خیریه‌ای برای فعالیتهای فرهنگی در خصوص اهداء آثار فرهنگی (بویژه نسخ خطی) به کتابخانه ملی تأسیس شود.

□ شناسایی نسخ در کشور و خارج از کشور در کنار سازمانهای ذیربط،

□ اطلاع‌رسانی گسترده در خصوص آمار خروج آثار از کشور و اهمیت آثار،

□ تبلیغ فرهنگ اهداء و بسیج ایرانیان علاقمند داخل و خارج از کشور،

□ برگزاری تورهای تبلیغی و رایزنی با شرکتهای خیرین، شخصیت‌های فرهنگی، مدارس، انجمنهای ایرانیان خارج از کشور،

□ و هماهنگی برای خریداری و اهدای مشترک نسخ خطی.

به امید اینکه هر ایرانی در اهداء نسخ خطی به کتابخانه ملی سهمیم باشد.

تهیه نسخ اقدم کتب دانشمندان ایرانی

- شایسته است که کتابخانه ملی نسبت به تهیه فایل الکترونیکی نسخ اقدم کتب دانشمندان ایرانی اقدام کند.
- این موضوع از لحاظ فرهنگی، تاریخی و حتی مذهبی نیز (با ملاحظه نمونه آورده شده) حائز اهمیت است.
- وابستگان فرهنگی سفارتخانه‌های ایران نیز در این زمینه باید فعال باشند.
- در سفرهای مقامات عالی‌رتبه کشورمان به اینگونه کشورها نیز، در صورت مطالبه، احتمالاً نسخه الکترونیکی منتشر نشده حتی بصورت رایگان به مقامات کشورمان اهداء خواهد شد، که مستلزم هماهنگی کتابخانه ملی و وزارت خارجه است.

منعلقه بصناعتهم وفي السابع عشر فقل عثمان بن عفان واليوم الثامن عشر من غدير خم وهو اسم مرحلة ترو
بها النبي عند منصرفه من حجة الوداع القتب والرجال وعلاها اخذ بعض علي بن ابي طالب عليه السلام وقال
يا ايها الناس استأمنكم من انفسكم قالوا بلى قال فما كنت مولاه فعلي مولاه اللهم فالانزلاء وعاد
مرعاه وانصر من نصره واخذل من خذله وادبر الخي مع حشام دار وبرد الله رفع راسه نحو السما
وقال اللهم هذا بلغت وفي الرابع والعشرين صدق امير المؤمنين بنجاصه وهو رابع وفي الخامس و
العشرين قتل عمر بن الخطاب وفيه نزلت سورة هلاله وفي السادس والعشرين نزل الاستغفار
على داود وفي السابع والعشرين ونعت الحرة وهي التي قتل فيها بنو امية اهل المدينة وانتهت اسوالم
وهتكت منور المهاجرين والاضار وفضحت نسائهم فلعن الله من رعن رسول الله محمد بن عبد
وجلنا غير راضين بالفساد في ارض الله انه خير موقف ومعين و له الحمد بل ونهاية

ذكر وقايع غدير خم، بخشش خاتم در حين ركوع، و قتل عام اهل مدينه توسط سپاه اموى
در نسخه خطی آثار الباقيه موجود در كتابخانه ملی ايران

«و اما شیعیان در آن روز با اندوه بر قتل سیدالشهدا نوحه و زاری کنند و آشکار نمایند این را در مدینه السلام [بغداد] و سایر شهرها به مانند آن، و تربت خجسته را در کربلا زیارت کنند [آشکارا در شهرها نوحه و زاری می کنند] و در جای دیگر «و در [روز] بیستم [ماه صفر] رأس الحسین به پیکرش بازگردانده شد، تا با پیکرش به خاک سپرده شد و در آن [روز] زیارت اربعین است، که حرم او بعد از رجعت از [سرزمین] شام [برگزار کردند].»

في العامة على ذلك ايام ملكهم وبقي فمهم بعدد والعهنهم واما الشيعه فانهم ينجون ويكون اسفل
سيدا الشهداء فيه ويظهرن ذلك بمدينة السلام وانشاءها من المدن والبلاد وينزوين في البر
المسورة بكر بلا ولذلك كره فيه العامة من نجد بدلا ولذوالا والاث والمجاة نعبه الى المدينة حيث
وهي ام لغمان على الشهور وقبل اخها زينب ابنته عقيب ابن ابي طالب يقول ماذا تقولون ان قال
النبى لكم ماذا فعلتم وانتم اخرا الام بغرغ ويا هلى عند مفقده نصف اسك ونصف ضرخا
ما كان هذا جوارا اذ نضحت لكم ان تلتفوني بسوء ذوى رحم وفي هذا اليوم قتل ابراهيم

فيها وفي العشرين راس الحسين الجثة حتى دفن مع جثته وفيه رابعة الاربعين وهم حرمه
بعدا نضرا فيرث السام وفي الثالث والعشرين ترك الماصون الرشيد لبس الخضر بعد ان لبسها

ذکر عزاداری شیعیان در عاشورا و زیارت اربعین در نسخه
خطی آثار الباقیه موجود در کتابخانه ملی ایران

لوح فشرده نسخ خطی متعدد یک کتاب خطی

- پیشنهاد می‌شود که در تصحیح نسخ خطی و چاپ آنها، فایل نسخ خطی در یک لوح فشرده، ضمیمه کتاب منتشر شده باشد.
 - کار محققان بعدی بسیار تسهیل می‌شود.
 - در این خصوص، نیاز است تا موانع حقوقی برطرف شود.
 - تفکیک نسخ سرشاخه و نسخ رونویسی شده از هر یک در لوح فشرده،
- با استفاده از هوش مصنوعی می‌توان تبارشناسی و نسخ سرشاخه را معین نمود که بدینوسیله اعتبار تصحیح نسخ خطی افزایش می‌یابد.

تشویق تألیف کتب به فارسی و ترجمه به انگلیسی

■ اگر کتب علمی به فارسی نوشته شود و سپس به زبانهای دیگر منجمله انگلیسی ترجمه شود، اعتبار زبان فارسی افزایش می‌یابد. این کار نیاز به مشوق دارد؛ چرا که کسی زحمت دوبار نوشتن کتابی را به خود نمی‌دهد و فرصت اینکار را هم معمولاً ندارند و امتیازی هم برای نویسنده تلقی نمی‌شود.

■ البته منظور کتب علمی‌ای است که از ابتدا ظرفیت تألیف به زبان انگلیسی را دارد.

چند پیشنهاد برای دروس و کتب درسی مدارس

- پیشنهاد می‌شود که در کتب درسی مدارس، صفحاتی به گزیده‌هایی از متون ایران باستان (اوستایی، فارسی باستان و بویژه پهلوی) به خط فارسی (و با اعرابگذاری) اختصاص یابد، تا گویشهای مختلف بتوانند شباهتهای گویش خود و ریشه گویش خود را در عمل دریابند.
- این موضوع سبب یکپارچگی بیشتر اقوام خواهد شد.
- سبب خواهد شد که اقوام با گویشهای مختلف با علاقه ریشه‌های خود را دنبال کنند. سطح آگاهیهای آنها بالا رفته و تأثیر اخبار مغرضانه، جعلی، تقطیع شده یا نامعتبر در تحریک آنها کاهش یابد.

- پیشنهاد می‌شود در دروس ادبیات فارسی در مدارس، مقدماتی در خصوص ریشه‌های لغات از پارسی قدیم و لغات مشترک بین زبان فارسی و زبانهای هندواروپایی و لغاتی که منشأ پارسی دارد، اختصاص یابد.
 - پیشنهاد می‌شود که درس زبان خارجی سال آخر دبیرستان به زبانشناسی تغییر کرده و در آن آموزش دسته‌ای از زبانها بر پایه ریشه مشترک بین زبان پارسی و زبانهای هندواروپایی (هندی، آلمانی و ...) و اصطلاحات مشترک فعلی، از لحاظ کاربردی مد نظر قرار گیرد.
 - پیشنهاد می‌شود در دروس زبان عربی در مدارس، لغات عربی با ریشه پارسی معرفی شوند.
- در این صورت حجم عظیمی از لغات زبانهای مختلف در حافظهٔ محصلین نقش می‌بندد بدون آن که حافظهٔ زیادی اشغال کند. کمبود مدرس مربوطه را هم می‌توان با تدوین چند لوح فشردهٔ آموزشی برای معلمان مرتفع نمود.

■ با توجه به این که تلفظ حرف «ث» در عربی نزدیک به theta در یونانی است و این تلفظ در فارسی باستان و اوستایی هم بوده و همچنین این حرف در الفبای کنونی فارسی نیز موجود است، پیشنهاد می‌شود در دستور زبان فارسی از حرف «ث» بجای theta بویژه در نوشتن اسامی افراد و مکانهای خارجی استفاده شود. بطور نمونه داگلاس نورث (North) بجای نورس نوشته شود (البته لزومی به رعایت تلفظ آن در محاوره فارسی نیست).

■ اگرچه این کار توسط بعضی از نویسندگان صورت می‌پذیرد، اما شایسته است این موضوع رسماً پذیرفته شود و از دبستان نیز آموزش داده شود.

■ در خصوص، حروف «ذ» و «غ» نیز می‌توان روال مشابهی اتخاذ نمود.

- تلفظ حرف غین در زبان پهلوی بوده اما قاف نبوده، در صورتی که الآن برعکس تصور می شود و تلفظ غین را عربی می دانند.
- در کلمات معدودی رسم الخط «ذال معجمه» تا زمان حاضر نیز بر جا مانده است اما تلفظ آن درست مانند زای است. مثل: گذاشتن، گذاشتن کاغذ، پذیرفتن. تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری، جلد دوم، ص ۷۴
- آموزش تلفظ حروف قدیم در مدارس نه تنها به آموزش زبانهای دیگر کمک می کند، بلکه به خوانش صورت صحیح اشعار فارسی نیز کمک می کند.

■ فهرستی از واژه‌های کاربردی تثبیت شده و نسبتاً جدید در کتب مدارس آورده شود. این موضوع چند حسن دارد:

- اول این که کودکان اول بار آن مفاهیم را به زبان فارسی یاد می‌گیرند.
- دوم این که به تدریج کاربرد این اصطلاحات گسترش می‌یابد،
- و سوم بچه‌ها به پدر و مادرها تذکر می‌دهند.

درج قطعاتی از کتب ادبا و شعرای ایران فرهنگی در کتب ادبیات مدارس

پیشنهاد می شود قطعاتی از کتب ادبا و شعرای ایران فرهنگی از ترکستان چین تا بالکان در کتب ادبیات فارسی مدارس درج شود.

- از دیوان برق تجلی از ایالت سین کیانگ چین،
- بلبستان فوزی موسستاری (در گذشته ۱۱۶۰) از مردم بوسنی که به تقلید گلستان نوشته است.
- شعرای هندی،
- ابیاتی از دیوان سلاطین عثمانی

تدوین کتاب درسی «ایران فرهنگی»

- پیشنهاد می‌شود کتابی درسی با عنوان «ایران فرهنگی» تدوین شود شامل:
 - گزیده‌هایی از تاریخ ملی و نمود آن در ایران فرهنگی (مواردی که در کتب تاریخی مدارس نیست)،
 - فرهنگ ایرانی: جشنها، موسیقی، هنر،
 - گستره، نفوذ و جایگاه زبان فارسی از ترکستان چین تا بالکان،
 - آثار باستانی در آسیای میانه، قفقاز، آسیای صغیر، آتشکده‌ها و قلعه‌های پارسی در آنسوی خلیج فارس،
 - ایرانی تبارها و منطقه سکونت آنها: پارسی‌های هند، آسی‌ها، یاسی‌ها، کردها و ...،
 - قطعاتی از کتب ادبا و شعرای ایران فرهنگی از ترکستان چین تا بالکان،
 - کتیبه‌های فارسی از چین تا آسیای صغیر، نسخ خطی فارسی در ایران فرهنگی،
 - خدمات دانشمندان ایرانی،
 - بیان تبار ادبا، دانشمندان و شعرای ایرانی از زبان خودشان نظیر بیرونی و نظامی گنجوی

مزایا

- افزایش غرور ملی و وحدت ملی،
- افزایش خودباوری،
- تعصب به زبان فارسی در ترویج و بکارگیری،
- مقابله غیرمستقیم با ناآگاهیها بدون مجادله،
- مقابله با نشر جعلیاتِ بدخواهان،
- افزایش گردشگری در این مناطق در مقابل مناطق دیگر،
- رونق بیشتر این نوع مناطق گردشگری و لذا سرمایه‌گذاری بیشتر و متعاقباً تبلیغ و جلب گردشگر بیشتر،

تدریس چهار حرف اضافه الفبای زبان اردو در دبیرستان

■ بعضی ایراد می‌گیرند که کلمات عربی و حروفی نظیر ص، ض، ط و ظ املای زبان فارسی را سخت کرده است، اما نباید از استفاده از این پتانسیل عظیم (بیش از یک میلیارد مسلمان) غافل ماند. باید چند بُعدی به مسئله نگاه کرد، نه همانند کسانی که می‌گویند به زبان روستای ما چرا تدریس نمی‌شود و تنها همان محدوده را می‌توانند ببینند.

■ بعلاوه پیشنهاد می‌شود تا چهار حرف اضافه در الفبای زبان اردو در مقطع دبیرستان تدریس شود، بدون وجه با تلفظ پارسی قدیم نیز نمی‌باشد. باید اشتراکات را افزایش داد، نه اینکه آنها را کاهش داد.

■ در توقیع نامه‌ها موارد بسیار حکیمانه وجود دارد بخصوص از جعفر برمکی (جرجی زیدان)، لذا پیشنهاد می‌شود که در کتب درسی مدارس به این موضوع که از جهت ادبیات، حکمت، تاریخ ملی و تاریخ اسلام اهمیت دارد، بطور شایسته پرداخته شود.

تدوین فرهنگ زبان لاتین به فارسی

- پور: در فارسی - پوهر: در پهلوی ساسانی - **Peur**: در لاتین
- متأسفانه فرهنگ زبان لاتین به فارسی چاپ نشده است. با توجه به این که خریداران این فرهنگ انگشت‌شمار بوده و محدود به تعدادی محقق می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود که سازمانهای ذیربط در این زمینه سرمایه گذاری کنند. حتی ممکن است واتیکان نیز حمایت مالی کند.
- البته هم‌اکنون قابلیت نسبتاً ضعیفی در **Google Translate** وجود دارد.
- تدوین فرهنگ مذکور با ذکر اشتراکات با زبانهای ایران باستان برای محققین و حتی دانشجویان رشته زبان بسیار مفید خواهد بود.

تدوین راهنمای تألیف متون علمی به زبان فارسی (بویژه در فنی مهندسی)

- اصل بر ساده‌نویسی است و اجتناب از لغات غامض،
- جملات طولانی بکار نرود. مطالب به جملات کوتاه شکسته شود.
- جملات ایهام نداشته باشد.
- بگونه‌ای نوشته نشود که فهم آن به انگلیسی برای فردی مبتدی در زبان انگلیسی، ساده‌تر از متن فارسی آن باشد.
- بجای کاربرد ضمیر، استفاده از اصل کلمه توصیه می‌شود.
- اعرابگذاری
 - اعرابگذاری برای خوانش روانتر جملات، گذاشتن تشدید و تنوین،
 - اعرابگذاری کلمات خارجی نامأنوس نظیر اسامی افراد و محل‌های غیرمشهور،
 - اعرابگذاری کلماتی که خوانش آن برای کسانی که زبان اولشان فارسی نیست، دشوار است. فرض کنید که چنین فردی بخواهد آن مطلب را به زبان لاتین ترجمه کند، باید خوانش صحیح این کلمات را بداند که آنها را به لاتین بنویسد.

چند پیشنهاد در خصوص واژه‌گزینی

- پیشنهاد می‌شود که فیلمهای آموزشی در خصوص واژه‌سازی و معادلسازی لغات خارجی، توسط فرهنگستان ادب و زبان فارسی تهیه و تدوین شده و فایل آنها در تارنمای فرهنگستان برای ملاحظه علاقمندان درج شود.
- این موضوع سبب می‌شود که علاقمندان بتوانند بطور روشمند و علمی به این موضوع ورود پیدا کنند. بویژه می‌توان از ظرفیت عظیم استادان بازنشسته که وقت کافی برای این منظور دارند، بهره لازم را برد.
- به منظور همکاری استادان نیز در آیین‌نامه‌های ارتقاء و ترفیع، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، هیچگونه امتیازی در این خصوص در نظر گرفته نشده است.

- پیشنهاد می‌شود انجمنهای علمی کشور در تارنمای خود، بخشی برای معادلهای پیشنهادی داشته باشند و این معادلهای پیشنهادی جدید هر ماه برای اعضا از طریق ایمیل یا فضای مجازی ارسال شود تا نظرات صاحبانظران در آن حوزه گرد هم آید.
- جمع‌بندی فوق نیز برای کارگروه مربوطه در فرهنگستان ارسال شود.
- وزارت عتف از محل کمک به انجمنهای علمی، برای موضوع فوق، اعتباری در نظر گیرد.

- در صورتی که بخواهیم پیشوندهای نانو و پیکو، فمتو و امثالهم را جایگزین کنیم می‌توان از عبارات زیر استفاده نمود:
- ریز، فوق ریز، ابرریز، ابردوریز (یا دو ابرریز)، ابرسه‌ریز، ابرچهارریز، ... بطور نمونه: ریز ادوات، ابرریز ادوات، ریز پرنده، ابرریز پرنده
- به علاوه، انتخاب مناسب می‌تواند با استفاده از پیشوندهای گویشها و زبانهای ایرانی صورت پذیرد.
- بعضی اصطلاحات نظیر پیکوماهواره و نانوماهواره از قرارداد پیشوندهای متریک تبعیت نمی‌کند و استفاده از عبارات پیشنهادی فوق‌الذکر، مستقل از پیشنهاد مذکور، قابل اعمال است.

- از پیشوندها و پسوندهای زبان پهلوی و حتی اوستایی بر حسب لزوم می‌توان دوباره استفاده نمود و آنها را احیا کرد. بطور نمونه، در زبان پهلوی واژه «پارسیگ» را داریم که در فارسی نو، حرف گاف آن حذف شده است. به عبارت دیگر، پسوند «ایگ» در فارسی نو، بدون گاف تلفظ می‌شود. این پسوند در زبان انگلیسی همان "ic" باقی مانده است. لذا پیشنهاد می‌شود که این پسوند به کتب درسی به‌مراه مثالهایی از زبان پارسی، افزوده شود، که در موارد لزوم بکار رود. (تار -> تاری، تاریک)
- بطور نمونه، زبان گوتیک را «گوتی» گفتن شاید شکل و حتی واضح نباشد، اما می‌توان زبان گوتیگ استفاده نمود و همچنین زبان گالیگ.
- همچنین بجای تُرکیک (خانوادهٔ زبانهای ترکی)، انتخاب تُرکیگ ارجح است. (در تمایز تُرکیک و تُرکیش)

■ به منظور تمایز اصطلاح علمی از معنای عام لغوی آن، می‌توان برای ساختن اصطلاح خاص علمی در زبان فارسی از تغییر (ف به پ)، (و به ب)، (گ به و) و همچنین با افزودن «ایگ» بجای «ای» و موارد مشابه استفاده نمود. بطور نمونه معنای «زبان پارسیگ» متفاوت از زبان فارسی است، اما از نظر معنای لغوی یکی است.

■ در خصوص احیای زبان عبری و نحوه‌ی واژه‌گزینی در آن که در صفحات ۶۱ تا ۶۵ آمده است، ریشه‌ها و لغات عربی به روش فوق‌الذکر تبدیل یافتند و لغت عبری از آن ساخته شده است.

■ احیای کلمات پهلوی (بویژه ریشه‌های مورد نیاز) با نامگذاری بر روی خودروها، سامانه‌ها و برندهای تجاری

- وانش (پیروزی)،

- ساریگار (نوعی مرغ شکاری)، چینامروش، چَمروش (مرغ اساطیری)

- آپرَمند (ممتاز): برای برند تجاری یا نامگذاری ناو، تانک یا موشک

- تاشِشَن، تاشِش (قالب‌زنی)، تاشیتار (قالب‌زننده): برای شرکت قالب‌زنی

■ پیشنهاد می‌شود که یک بخش از فرهنگستان بر روی موضوع فوق‌الذکر متمرکز شود و مشاوره دهد.

■ یکبار در برنامه‌های طنز، دیدن بجای دیدن بکار رود، ریشه مشترک ویدئو، ویژن و غیره به خوبی عیان می‌شود. حالا با این وصف، «ویدئو» چقدر غیرفارسی یا بیگانه تلقی می‌شود؟

■ اگر جملاتی نظیر «شات بَوت»، «پیرچ بَوت» و یا کلمات و عباراتی نظیر «گل دستک» (دسته گل) را در سریالهای تاریخی یا طنز بکار برد، سریعاً جا می‌افتد.

■ سریالهای تاریخی محمل خوبی برای زنده کردن واژه‌های قدیم است. فهرستی از این لغات و واژه‌ها و پیشوندها که در واژه‌گزینی مفید هستند، توسط فرهنگستان تدوین و در اختیار تهیه‌کنندگان این مجموعه‌ها قرار گیرد. برای هر واژه نیز چند جمله آورده شود تا فهم معنای آن و نحوهٔ بکارگیری آن جا افتد.

■ چه اشکالی دارد که در ابتدای این نوع فیلمها و سریالها، اگر کلمه‌ای در فیلم (با توجه به کاربرد آن) مفهوم نبود، چند دقیقه‌ای در خصوص این لغات توضیح داده شود. همچنین معنای آن را در حین نمایش فیلم زیرنویس کنند.

■ مجموعه غنی فارسی باستان و زبان پهلوی می‌تواند بیشتر برای ساخت واژگان و معادلسازی لغات فرنگی بکار رود.

□ استفاده از پیشوندهای **هُو** (خوب) و **دُش** (دژ=بد) در واژه‌سازی اصطلاحات علمی بطور نمونه، اصطلاحات پزشکی

□ **ویناپ** (منظره خیالی، منظره رویایی که در بیداری دیده شود): برای تصاویر سه بعدی هولوگرام، متاورس یا نام برندی از تلویزیون،

□ ساخت واژگان **فراریز**، **ابرریز**، **ریزابرتر**

□ **وشتار** (گردش کننده) معادل روتور؛ مختصات **ناورتا**، **ناورتش** برای مختصات غیرچرخان

□ **شپپاک** (صدای بال بهم زدن) یا شپپا: معادل برای چترینگ (در حوزه کنترل)

□ **پالودگر**، **پلایگر**، **پالاگر** معادل فیلتر، **پالاگر** پایین‌گذر (فیلتر پایین‌گذر)، **پالاگر** مرتبه اول

□ احیای کلمات: **پروردگان** (تربیت شدگان)

■ کلماتی از زبان پهلوی که در فارسی نو منسوخ شده است، اما در کردی و لری یا بلوچی و ... بکار می‌رود، احیا شود بویژه با تأکید بر افزایش ظرفیت واژه‌گزینی. هم سبب افزایش اشتراکات زبانی می‌شود و هم تعداد واژگان زبان فارسی نو افزایش می‌یابد و هم ظرفیت واژه‌گزینی افزایش می‌یابد.

■ **پیشنهاد:** اگر واژه‌یابی معادله‌های فرنگی با فارسی با هماهنگی پاکستان صورت پذیرد تا زبان اردو این واژه‌ها را بکار برد، روز بروز فاصله اردو از فارسی کمتر خواهد شد و کتابهای علمی و دانشگاهی به زبان فارسی برای آنها براحتی قابل استفاده خواهد شد.

■ یکی از مشکلات، ترجمه‌های رسانه‌های خبری است که به لحاظ سرعت عمل و رقابتی که دارند، اکثراً توجه قابل قبولی به موضوع واژه‌های معادل ندارند. حتی اسامی شهرهای صور و صیدا را هم از انگلیسی به اشتباه می‌نویسند، مانند کسی که در ترجمه از انگلیسی به فارسی، نام کشور مصر را ایجبت بنویسد. به کرات دیده‌ام که ترجمهٔ **Air Defense Battery** را باتری دفاع هوایی می‌نویسند.

■ پیشنهاد می‌شود، دفتری در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سه شاخهٔ خبری، ورزشی و علمی-فناوری برای ساماندهی، آموزش، مشاوره و پاسخ به سوالات مترجمان مطبوعات و رسانه‌ها بصورت برخط دایر شود.

■ ابتدا این عزیزان رسانه‌ای باید به اهمیت موضوع واقف شوند.

■ برای واژه‌گزینی لغات فرنگی که در رسانه‌های فارسی‌زبان ورود پیدا می‌کند، به اصطلاح به «نیروی واکنش سریع» نیاز داریم (دفتر مذکور در صفحه قبل).

■ بطور نمونه برای معادل متاورس و هولوگرام (شیء‌نما؟) بر روی کانالهای مجازی درخواست معادل کند و به بهترینها جایزه دهد. برای این منظور لازم است، متن و حتی ویدئوی کوتاهی در توصیف این اصطلاحات داده شود.

■ فرهنگستان می‌تواند در کانالهای مجازی بزرگترین مشترک را داشته باشد.

- نرم‌افزاری قابل پیوند به وُرد توسعه یابد که با تایپ لغات در متن فارسی، معادلهای مصوبِ فارسی آن را پیشنهاد دهد.
- واژه‌های مصوب فرهنگستان برای گوشیه‌های همراه بصورت نرم‌افزاری توسعه یابد.
- خط پهلوی و اوستایی برای کدهای امنیتی ورود به تارنماها تبلیغ و ترویج شود.

پیشنهاد واحد متریک

- با توجه به واژه‌های مصوب از ۱۰ به توان منهای ۲۴ تا ۱۰ به توان ۲۴، می‌توان در خصوص واژه‌های غیرمصوب پیشنهاد ارائه داد.
- بطور نمونه، سی و دو را می‌توان بصورت **سیدو (cido)** یا **سیتو (cito)** برای ۱۰ به توان منفی ۳۲ پیشنهاد داد (البته خارج از ترتیب سه تا سه تا است).
- با توجه با ترتیب سه تا سه تای توانها، توان ۳۳ را می‌توان **سیسو (ciso)** برای توان منفی یا واژه **سیسه (cise)** برای توان مثبت پیشنهاد داد.
- **سیمو (cimo)** را می‌توان برای توان منفی سی‌ام پیشنهاد داد.
- حتی می‌توان مسابقه برگزار کرد و از گویشهای مختلف کشور پیشنهاد خواست.
- در این خصوص، فرهنگستان علوم با مشارکت فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای ارائه پیشنهاد به ارگان بین‌المللی مربوطه، فعالانه عمل نموده و حتی استفاده از آنها را در نشریات داخلی فارسی و انگلیسی‌زبان تصویب و ترویج کنند، تا بگونه‌ای پیشدستانه شرایط برای تصویب بین‌المللی فراهم شود. در این خصوص رایزنی با کشورهای دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد.

■ درست است که این موضوع که در متون قدیم و حتی نه چندان قدیم، در تمام موارد، حرف «ب» را به لغت بعد می‌چسبانند، سبب مشکل در خوانش کلمات می‌شد، اما این هم درست نمی‌نماید که هم‌اکنون تمام آنها را جدا بنویسیم. به دو مثال ذیل توجه بفرمایید. به سلیقه نگارنده این سطور، در مثال نخست، جدانویسی ارجح است و در مثال دوم متصل نویسی،

□ به کارهای دینی و فلسفی مشغول بودند.

□ بکارگیری فنون نوین در صنعت از ضروریات است.

اگر قبل از واژه‌ای که ابتدای آن «به» آمده است، بتوان عبارت «با توجه به» را بطور معناداری آورد، آنگاه حتماً «به» به آن کلمه متصل شود.

مثال:

- با توجه به به کارگیری --< با توجه به بکارگیری
- با توجه به به روز رسانی اطلاعات --< با توجه به بروز رسانی اطلاعات

در خصوص جدانویسی و متصل نویسی:

■ اگر سیلابسهای جزء اول زیاد بود، دو جزء جداگانه نوشته شود.

■ اگر جزء اول یک سیلابسی بود، دو جزء متصل نوشته شود.

■ اگر حرف آخر کلمه نخست و حرف اول کلمه دوم، مشابه بود، جداگانه نوشته شوند. مثال: هم‌محور، کودک‌کش.

■ بسیاری از دستورالعملها می‌تواند توصیه‌ای باشد و نه مطلق.

رسم‌الخط ساده‌شده فارسی برای کتب علمی مرجع با جامعه هدف خارج از ایران

- به منظور سهولت استفاده از کتب علمی مرجع و تارنماهای پربازدید برای غیر ایرانیان، پیشنهاد می‌شود که رسم‌الخط جداگانه‌ای به عنوان «رسم‌الخط ساده شده فارسی» تدوین شود.
- این کار باید با توجه به نظرات نوآموزان صورت پذیرد. در این زمینه باید نظرسنجی‌هایی از نوآموزان زبان فارسی بویژه در ایران فرهنگی صورت پذیرفته و بر پایه تحلیل آماری آن، شیوه‌نامه اولیه‌ای تدوین شود. در این خصوص اشتراکات با رسم‌الخطهای فارسی-عربی در حوزه ایران فرهنگی مدنظر قرار گیرد.
- بعضی از شیوه‌های رسم‌الخط جدید، در کل مناسب نیست؛ اما برای نوآموزان غیرفارسی‌زبان سبب سهولت یادگیری می‌شود، که به هیچ وجه نباید برای سایرین اجبار شود و یا گفته شود، آنطور غلط است و ویراستاران هم به زور آنها را تغییر دهند!

تدوین گویشهای ایرانی با استفاده از فضای مجازی

- تدوین جامع گویشهای ایرانی با مشارکت جمعی و در صورت استفاده از فضای مجازی بسیار سهل می‌شود.
- بطور نمونه، با انتخاب یکی دو نفر از هر ناحیه و با تشکیل گروهی واتساپی می‌توان ارتباط مؤثری برقرار نمود. بطور مثال، دبیر گروه می‌نویسد که «بروید» در گویشهای مختلف چه می‌شود؟ آنوقت براحتی اطلاعات از گویشهای مختلف دریافت می‌شود. حتی فایل صوتی تلفظ مربوطه هم قابل ارسال است. این روش، با اختصاص دفتری در فرهنگستان ادب و زبان فارسی قابل اجرا خواهد بود.
- این کار می‌تواند بصورت منطقه‌ای، کشوری و در حوزه ایران فرهنگی انجام شود. حتی می‌توان برای زبانهای آریایی با مشارکت صاحبانظران از کشورهای مختلف مانند استونی، لیتوانی، لهستان، اسلواکی، گویشهای مختلف آلمانی و ... اجرا شود.

■ نوع الکترونیکی این اطلسها می‌تواند حاوی تلفظها هم باشد. همچنین کاربر از ابتدا مشخص کند که چه گویشهایی مد نظرش هست، تا تنها همانها نمایش داده شود.

■ بطور نمونه، می‌توان گویشهای مختلف زبان تاتی در نقاط مختلف ایران و قفقاز را در یک اطلس (حاوی تلفظها) تدوین نمود.

■ می‌توان تغییرات مکانی گویشهایی که از یک خانواده هستند را با هزینه و انرژی کمتر و راحتتر ردیابی نمود. همچنین مشخص نمود، تغییرات گویشهای ایرانی بطور نمونه از شرق به غرب و از جنوب به شمال چگونه بوده و قواعدی برای آن استخراج نمود.

■ می‌توان شباهتهای گویشهای مختلف در کشور را ردیابی نمود. بطور نمونه، می‌توان اشتراکات گویش گیلکی و نائینی را مشخص نمود و اطلسی با عنوان اشتراکات گویشهای ایرانی تدوین نمود.

چند پیشنهاد برای بنیاد سعدی

- مراکز دانشگاهی و مؤسسات آموزشی زبانهای خارجه که زبان فارسی هم دارند، بطور معمول در تارنمای خود بخشی دارند، با عنوان **Why study Persian?**، با این مراکز باید مکاتبه نمود تا جواب به این سؤال را بسیار جذاب و کامل، شامل فیلم و عکس بدهند. پیشنهاد می شود، دفتری در بنیاد سعدی این موضوع را رصد کند و حتی برایشان متن پیشنهادی و فیلم و عکس ارسال کند.
- بطور نمونه:

- [Boston University - Persian](#)
- [WHY STUDY PERSIAN WITH THE KU SLAVIC DEPARTMENT?](#)

■ مهمترین موضوعی که در تارنمای بنیاد سعدی باید به آن پرداخته شود (و آن هم بصورت چند زبانه)، این است: چرا فارسی یاد بگیرید؟

■ این موضوع باید با محتویات جذاب شامل فیلم و عکس (نظر زبان آموزان، برنامه‌های تورهای فرهنگی بنیاد، ادبیات غنی، طبیعت و زیباییها، آثار باستانی، موزه‌ها، رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور و ...) باشد. لغات مشترک با زبانهای مختلف نیز قید شود.

■ و شاید مهمترین موضوع در تبیین چرایی یادگیری زبان فارسی این باشد: در زمانی که با توجه به فناوری هوش مصنوعی، متون با یک کلیک ترجمه می‌شود و فایل‌های صوتی و تصویری و مکالمه بصورت برخط ترجمه می‌شود، یادگیری چه زبانی ارجح است؟ مسلماً محاوره‌ی روزانه و همچنین متون مهندسی، دقیق ترجمه می‌شود. اما ادبیات غنی فارسی چگونه و لذت خواندن و فهمیدن آن به فارسی چگونه؟

■ ایده گرفتن از تارنمای شورای فرهنگی بریتانیا، مؤسسه کنفوسیوس،
گوته، دانته و ... سبب هرچه پربارتر شدن غنای تارنمای بنیاد سعدی
می شود.

■ شامل برنامه‌های جذاب و فرهنگی باشد از کارتون به زبان فارسی برای
کودکان گرفته تا موسیقیهای فاخر و ترجمه گزیده‌هایی از دیوان شعرا،

■ این تارنما باید قابلیت ترجمه به زبانهای مختلف را داشته باشد.

■ پیوند به تارنماهای مهم و جذاب برای زبان‌آموزان و علاقمندان به زبان
فارسی،

■ انگیزه افرادی که زبان فارسی یاد گرفته‌اند برحسب فراوانی مرتب و فهرست شود. جابجایی و تغییرات آن برحسب سال رصد شود. چند درصد از آنها با رسم‌الخط عربی-فارسی آشنا بوده‌اند؟ با رؤیت آن برنامه‌ریزی منسجم‌تری قابل ارائه خواهد. مواردی که به ذهن می‌آید:

□ استفاده از ادبیات غنی فارسی،

□ علاقه به تشیع،

□ تحصیل در ایران،

□ اقامت در ایران،

□ فیلم و سینما و هنر،

□ بازرگانی و گردشگری،

□ باستانشناسی، محققین تاریخی و استفاده از نسخ خطی فارسی،

□ سیاسی، کادر دیپلماتیک، رصد فضای مجازی،

■ آیا انگیزه جدیدی می‌توان یافت و برای آن برنامه‌ریزی کرد؟ حتماً بلی

■ شیوه آموزش زبان فارسی برای زبان آموزان هر زبانی، با توجه به اشتراکات آن زبان با زبان فارسی تدوین و تنظیم شود. بطور مثال، برای آموزش زبان فارسی به صربها، کتب آموزشی زبان فارسی بر پایه ۱۰۰۰ لغت مشترک با آنها تدوین شود.

■ فهرستی تدوین شود که از چه زبانهایی یادگیری زبان فارسی راحتتر صورت می گیرد و چند هفته زمان تا چه مرحله ای نیاز است.

■ در کنار نمایشگاه‌های آثار باستانی و میراث هنر ایران در خارج از کشور، برنامه‌های آموزشِ رایگان زبان فارسی با هماهنگی میراث فرهنگی و بنیاد سعدی دایر و از قبل تبلیغ شود.

■ مسابقه‌هایی برای واژگان علمی ترتیب داده شود [صادقی جورابچی، ۱۳۷۲]، مسابقهٔ پیامکی برای واژگانِ معادل، شکیل و کاربردی.

■ فارسی‌آموزان در کشورهای خودشان، در اتوبوس و مترو و موزه‌ها و مراکز گردشگری و پارکها به تبلیغ زبان فارسی بپردازند و به ایشان مشوقه‌های مادی و معنوی تعلق گیرد.

■ تدوین بانک اطلاعاتی از ایرانیان مقیم خارج از کشور و فرزندان آنان، و

□ ارسال کلیپهای آموزنده، شاد، بسته‌های آموزشی زبان فارسی،

□ ارسال موسیقی فاخر سنتی،

□ معرفی شاهکارهای دانشمندان ایرانی،

□ دسترسی به فیلم و سریال رایگان به زبان فارسی،

□ برگزاری مسابقات،

□ امکان استفاده برخط رایگان از بازیهای کامپیوتری ایرانی به زبان فارسی (یا ترکیبی)،

□ پست پوسترهای نفیس و مجسمه‌های کوچک آثار باستانی کشور،

■ بگونه‌ای باید عمل کرد که وابستگی و علاقه این عزیزان نه تنها کاهش نیابد،

بلکه روز به روز افزایش یابد.

تشویق و تبلیغ وقف در ترویج زبان فارسی

■ در زمینه وقف و اهدا در خصوص ترویج زبان فارسی، نه تنها باید تشویق و تبلیغ نمود، بلکه باید زمینه آن را هم فراهم کرد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود فهرستی از فعالیتهای پیشنهادی با توصیف دقیقِ فعالیتها و هزینه آنها تدوین شود و در تارنمای بنیاد سعدی بارگذاری شود. فهرست مذکور بگونه‌ای باشد که از ارقام کم تا زیاد را پوشش دهد. بعلاوه، مشارکت جمعی در یک قلم آن نیز میسر باشد.

■ موضوع بسیار مهم این است که فعالیتها و هزینه‌کردها باید مشخص و شفاف باشد و گزارش سالیانه آن هم در تارنما درج شود.

حمایت از مراسم روز بین الملل

- چندی پیش یکی از همکاران عکسی زیبا از میز ایران در مراسم «روز بین الملل» از دبستانی در شیکاگو ارسال نمود که به همت خانواده ایشان در آن مدرسه تدارک دیده شده بود. برای این مراسم ده کشور انتخاب شده بودند و میز ایران نیز مزین به شیرینی جات و صنایع دستی ایرانی شده بود.
- در صورت حمایت بنیادهای دولتی و غیردولتی نظیر بنیاد سعدی و سفارت ایران برای این نوع مراسم در کشورهای مختلف در سطح دبستان، دبیرستان، دانشگاه‌ها و محیطهای فرهنگی، تأثیرگذاری آن بسیار بیشتر خواهد شد. باید برای اینگونه مراسم برنامه‌های مدون در سطوح مختلف داشت تا متولی آن در چنین مراسمی بتواند بر حسب سلیقه، وقت و بنیه مالی خود، انتخاب کند. حمایت مادی و معنوی و حتی مشاوره، فایل‌های صوتی و تصویری، نماهنگ، فایل پوستر آماده چاپ، ارسال امانی و ...
- در تارنمای بنیاد سعدی بخشی به این موضوع می‌تواند اختصاص یابد.

تلاش برای رونق زبان فارسی در ایران فرهنگی، برنامه‌های حداقل ۵۰ تا ۱۵۰ ساله می‌خواهد.

- تأسیس کانال تلویزیونی برای برنامه‌های ادبی، هنری و موسیقایی به زبان فارسی،
- انتشار و توزیع رایگان کتابهای پرفردار و جذاب به زبان فارسی در این کشورها،
- توزیع فیلم، مطالب آموزنده و سرگرمی بصورت الکترونیکی و رایگان به زبان فارسی،
- تهیه سریالها و فیلمهای مشترک، تهیه مستندهای چند فرهنگی،
- برگزاری مراسم و اهدای جوایز نفیس برای کسانی که بخشی از دیوان حافظ را بتوانند بخوانند و معنی کنند و نظایر آن، جشنواره‌های مشترک، شب شعر و ...
- همکاری فرهنگستانهای کشورهای این حوزه، تأسیس فرهنگستان مشترک با اعضای ناظر برای ارتباط، هماهنگی و تصویب لغات جدید مشترک،
- همکاری و برنامه‌ریزی مشترک با پارسیان هند و دیگر علاقمندان،
- ترغیب کشورهای این حوزه به بازگشت به رسم الخط فارسی-عربی،
- و ترغیب پاکستان به استفاده از زبان فارسی بجای انگلیسی در دانشگاه‌های آن.

■ پیشنهاد می‌شود که آهنگهای موسیقی معروف و جذاب خارجی، توسط خوانندگان خارجی یا ایرانی، به زبان فارسی خوانده شود. شنونده خارجی زبان با توجه به حفظ بودن شعر آن، می‌تواند معادل فارسی آن را تشخیص داده و یاد گیرد و حتی حفظ شود. همانطور که مشاهده می‌شود، بسیاری از عوام، شعرهای خارجی آهنگها را از حفظ می‌خوانند، بدون آنکه معنی آن را بفهمند.

توزیع رایگان بازیهای رایانه‌ای در حوزه ایران فرهنگی

- امروزه بازیهای رایانه‌ای جزئی از زندگی کودکان و نوجوانان شده است. در صورتی که بازیهای رایانه‌ای جذاب به زبان فارسی بطور رایگان برای حوزه ایران فرهنگی توزیع و تبلیغ شود، در گسترش زبان فارسی نقش بسیار مؤثری خواهد داشت.
- برای این منظور باید بودجه‌ای اختصاص یابد و به شرکتهای مربوطه سفارش داده شود.

هوشمندی سیاسی آنست که بتوان از هر کسی در جای خود استفاده کرد.

□ از کارشناسان نخبه و شیفتهٔ زبان فارسی که از لحاظ سیاسی (یا مذهبی) همسو با دولت هم نیستند می‌توان در گسترش زبان فارسی در حوزهٔ ایران فرهنگی استفاده کرد. به عبارت دیگر، بجای مستهلک کردن انرژی خود در جدالهای سیاسی در داخل کشور، این نخبگان می‌توانند با حمایت دولت و یا انجمنهای غیردولتی به ترویج زبان فارسی در حوزهٔ ایران فرهنگی بپردازند. کشورهای میزبان نیز حساسیت کمتری به فعالیتهای این نخبگان دارند؛ چرا که همسو با اهداف سیاسی دولت قلمداد نمی‌شوند.

□ نمونه‌های دیگر در حوزه‌های دیگری نیز قابل ذکر است.

قطار فرهنگی در حوزه ایران فرهنگی

به منظور حفظ و گسترش فرهنگ و زبان فارسی و ارتباط و یکپارچگی در ایران فرهنگی و همچنین تقویت صنعت گردشگری، پیشنهاد می‌شود:

■ قطاری ویژه با امکانات لازم برای اقشار فرهنگی و دانشجویان رشته‌های مرتبط برای سفر به حوزه ایران فرهنگی در نظر گرفته شود، بگونه‌ای که امکان اسکان در شب و سالن غذاخوری هم در قطار به نحو شایسته‌ای تدارک دیده شود و با تجهیزات صوتی و تصویری.

■ گسترش آن به سایر نقاط تأثیرپذیر از فرهنگ ایران، نظیر دهلی و تاج محل. فراهم‌سازی سفر عده‌ای زیادی از پارسیان هند با این قطار برای بازدید از ایران، و همچنین سایر علاقمندان ایرانی‌الاصل.

■ در ادامه، با تجهیز زیرساختها و در صورت استقبال، برای کلیه گردشگران فراهم گردد.

■ حداکثر استفاده از ظرفیتهای فضای مجازی

- تشکیل شبکه‌های مجازی از هندوستان و بنگلادش تا زنگبار،
- فردیابی مناسب برای تمرین مکالمه فارسی از طریق فضای مجازی،
- اشتراک‌گذاری حقایق تاریخی در خصوص زبان فارسی و نفوذ آن،
- اشتراک‌گذاری موسیقیهای ناب ایرانی،
- مشاوره به زبان فارسی،
- بخش پاسخ به سوالات،
- جشنها و سخنرانیهای مجازی،

برگزاری جشن نوروز با میلیونها نفر در دهها کشور و با مشارکت آنها

■ برگزاری جشنواره نوروز در استدیوها و فضای مجازی بطور همزمان و زنده

□ ایجاد صفحه یا App جشنواره نوروز در فضای مجازی،

□ ترویج فرهنگ و ادب فارسی،

□ عضوگیری و برنامه‌ریزی در طول سال،

□ جشنواره دو هفته‌ای با برنامه‌های متنوع با امکان همکاری از همه کشورها،

□ ثبت نام تیمهای برگزاری و برنامه‌های متنوع آموزش زبان فارسی برای آنها در طول سال،

□ برنامه‌های آموزش زبان فارسی از دو هفته قبل از نوروز برای اعضا گسترش یابد.

□ فیلم، موسیقی، سخنرانی، انیمیشن، شاهنامه‌خوانی، نمایش مراکز تاریخی ایران فرهنگی، آخرین یافته‌های باستانشناسی و تاریخی،

گسترش ارتباطات با ایرانی تبارها

- کشورها به دنبال بهانه‌ای برای گسترش ارتباطات فرهنگی و اقتصادی با سایر کشورها هستند. بطور نمونه، شهرهایی هم که شاید ربطی بهم ندارند، خواهرخوانده اعلام می‌شوند.
- ایران در این زمینه، پل‌های ارتباطی بسیاری دارد که استفاده نمی‌کند.
بطور نمونه:
 - مردم اوستیا از نژاد ایرانی هستند.
 - پارسی‌های هند از زرتشتیان ایرانی تبار هستند که با سقوط ساسانیان به هند مهاجرت کردند و اکثراً از تجار موفق هستند.
 - فرضیه‌ای مطرح هست که مردم کرواسی از نژاد ایرانی هستند.
 - ایران و ایرلند (سرزمین قوم ایر) حداقل از لحاظ ظاهر لغوی به یک معنا هستند.

■ شناسایی ایرانی‌تبارها در کشورهای نظیر هند، پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان، بنگلادش، مغولستان، ترکیه، مجارستان، تانزانیا و گسترش ارتباطات فرهنگی با این عزیزان،

■ تدوین و اجرای برنامه‌ای مصوب برای گسترش ارتباطات با این عزیزان با توجه به شرایط آن کشورها،

بطور نمونه: گسترش ارتباطات (فرهنگی، اقتصادی و آموزش زبان) با یاسی‌ها

- یاسی‌ها (قوم آس یا یاس) ایرانی تبار از تیرهٔ آلانها-سکاها با جمعیتی حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر در مجارستان^۱، (هانگری از اقوام آلتایی هون گرفته شده)
- یاسبرین (در صد کیلومتری شرق بوداپست) در کشور مجارستان شهری است که مردمان آن خود را ایرانی‌الاصل می‌دانند.
- خواهرخواندگی یزد و یاسبرین در سال ۱۳۷۵،
- نماینده مجلس و همچنین شهردار شهر یاسبرین: ما مردم یاسبرین معتقدیم که ایرانی‌الاصل هستیم. این مسئله حتی در کتاب‌های درسی هم آمده و بچه‌ها از سنین پائین در مدرسه با آن آشنا می‌شوند.

1 Hun, member of a nomadic pastoralist people who invaded southeastern Europe c. 370 CE and during the next seven decades built up an enormous empire there and in central Europe. Appearing from beyond the Volga River some years after the middle of the 4th century, they first overran the [Alani](#), who occupied the plains between the Volga and the Don rivers, and ... [Britannica](#)

■ زبان فارسی یکی از عرصه‌های مهم کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از جهات مختلف است. نفوذ فرهنگی ایجاد شده در نهایت نیز منجر به نفوذ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی خواهد شد.

■ تا آخرین نفع‌های (نفوذ) زبان فارسی در برخی از مناطق آسیا و حتی برخی نقاط در آفریقا باقیست، باید دست بکار شد. پس از آن دیگر افزایش نفوذ زبان فارسی در توان کشور ما نیست.

■ بسیاری از هموطنان تحصیلکردهٔ مقیم خارج از کشور در فکر این هستند که کاری برای وطن خود انجام دهند، بویژه آنان که در خارج از کشور جا افتاده‌اند و وضعیت شغلی و مالی خوبی دارند، اما به دلیل مسائل سیاسی و تحریم و غیره ممکن است راهکاری پیش روی خود نبینند. در این خصوص، «حفظ و تقویت زبان فارسی» مدنظر قرار گیرد. در مرحلهٔ نخست اهمیت این موضوع برای آنها تبیین شود. در ادامه، برنامه و زیرساختی فراهم شود و مراتب آن مشخص شود و فعالیت این عزیزان جهتدار شود. بطور نمونه، استفادهٔ خود آنها از لغات فارسی و پرهیز از لغات انگلیسی در خانواده و میان فارسی‌زبانان، تشویق فرزندانشان به تقویت زبان فارسی شان، برگزاری سمینارهایی به زبان فارسی، مشارکت در واژه‌سازی، ارسال مقالهٔ فارسی به نشریات فارسی‌زبان، همکاری با دپارتمانهای زبان فارسی در دانشگاه‌های خارج از کشور، شب شعر و ...

■ ایرانیان زیادی در کشورهای همسایه و نزدیک، ملک خریده‌اند.

■ باید از پتانسیل ایرانیان مقیم در محدودهٔ ایران فرهنگی، برای نشر و ترویج زبان فارسی استفاده کرد. باید با توجه به ملاحظات آن کشورها، برنامه‌های مختلفی تدوین نمود.

■ حداقل کار، آگاهی دادن به این هموطنان در خصوص تاریخچه، اهمیت موضوع و فواید آن است. می‌توان مشوقه‌هایی نیز در نظر گرفت، نظیر بخشودگی بخشی از عوارض خروج از کشور.

پیشنهاد می‌شود در اسناد و متون و نقشه‌ها و رسانه‌ها و تبلیغات تورهای گردشگری از **انگوریه**^۱ بجای آنکارا استفاده شود. این کار سبب می‌شود که اذهان کنجکاو شده و به سمت علت آن و وجه تسمیه آن برود.

^۱ انگوریه، صورت فارسی شده نام پایتخت ترکیه کنونی است که در متون عثمانی به صورت «انقره» نوشته می‌شد و اکنون آنکارا تلفظ می‌شود. این نام ظاهراً از زبان هیتی هاست که از دو هزار سال پیش از میلاد در نواحی مرکزی آسیای صغیر می‌زیستند یا از زبان فریگیایی‌ها که بعد از هیتی‌ها و پیش از یونانی‌ها بر این ناحیه حکومت داشته‌اند. تبدیل صورت یونانی کلمه به صورت فارسی «انگوریه» یک نوع اشتقاق عامیانه و خود نشانه عمق نفوذ زبان فارسی در آنجاست. اما نباید تصور کرد که بیش از این شباهت ظاهری ارتباطی با انگور فارسی داشته باشد. [اریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ص ۴۲]

پیشنهاد اصل سیاست خارجه

- یکی از اصول مهم سیاست خارجهی کشور بویژه در ارتباط با کشورهای حوزه ایران فرهنگی باید اصل «انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَنَا فَارِسِيكُمْ» باشد.
- بعد از ۴۰ سال به این نتیجه رسیده‌ایم که وزارت خارجه باید در بخش اقتصادی نیز فعال باشد. چه بسا چند دهه بعد متوجه شویم که وزارت خارجه می‌بایست در حوزه گسترش و نفوذ زبان فارسی نیز فعال بوده و بخشی از وزارت خارجه به این مهم می‌پرداخته است؛ نه در بحث آموزش، بلکه در مذاکرات و بده بستانهای سیاسی و اقتصادی، و در کمکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی باید گسترش و نفوذ زبان فارسی مدنظر باشد.

■ در شرایط تحریم که نفت مشتری به حد کافی ندارد و همچنین توقف تولید از چاه‌ها سبب آسیب آنها می‌شود و با توجه به برداشت کشورهای همسایه از منابع مشترک، اگر چند میلیون بشکه نفت نیز اهداء کنیم، جای دوری نرفته است. لذا پیشنهاد می‌شود نفت رایگان به کشورهای حوزه ایران فرهنگی اهداء شود، به شرط ترویج و تثبیت خط و زبان فارسی در آن کشورها (به عنوان زبان اول یا دوم برحسب کشور).

■ در شرایط غیرتحریمی نیز پیشنهاد می‌شود، کالاهای صنعتی باکیفیت داخلی که از لحاظ قیمت قابل رقابت در بازار جهانی نیست، توسط دولت خریداری شده و به کشورهای حوزه ایران فرهنگی اهداء شود، به شرط فوق‌الذکر.

■ در این شرایط تحریم نفت، اگر فرضاً پاکستان با دریافت تدریجی ده میلیارد دلار، زبان خود را به تدریج به فارسی تغییر دهد، آیا مجموعاً از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برایمان بصرفه است؟ آیا تاکنون این موضوع بصورت دلاری ارزشگذاری شده است؟

■ و اینکه تاجیکستانِ فارسی‌زبان، خط خود را از سیریلیک به فارسی تغییر دهد.

■ دیپلماتهای ما هنگامی که به کشورهای خارج می‌روند در نشستها و سخنرانیها از شاهکارهای ادب فارسی استفاده کنند. ترجمه این شاهکارها هم باید از قبل به مترجم داد یا خودشان بخوانند تا با ترجمه غیرتخصصی ضایع نشود، و همچنین سفرا و وزرا و مقامات عالیرتبه و نمایندگان مجلس. دفتری در وزارتخارجه در این خصوص مشاوره و حتی پیشنهاد دهد.

■ برنامه برای آموزش دیپلماتهای ایران فرهنگی برای گفتگو به زبان فارسی: بگونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که در مرحله نخست دیپلماتهای ایران، افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، منطقه کردستان عراق و ارمنستان در گفتگوهای فی مابین به زبان فارسی صحبت کنند. ایجاد رشته‌های مرتبط در دانشکده وزارت خارجه و دانشگاه‌های رده اول کشور برای داوطلبان حوزه ایران فرهنگی، بویژه مخصوص دیپلماتها و بورسیه‌های وزارت خارجه آن کشورها.

■ برنامه‌ریزی برای افزایش سطح ترویج زبان فارسی در کشورهای مختلف،

■ تدریس زبان فارسی در مدارس و دانشگاه‌ها

□ پلهٔ اول: تدریس در دانشگاه‌ها در مقطع دکتری،

□ پلهٔ دوم: تدریس در دانشگاه‌ها در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد،

□ پلهٔ سوم: تدریس به عنوان زبان خارجه در مدارس،

□ پلهٔ چهارم: تدریس به عنوان زبان سوم در مدارس،

□ پلهٔ پنجم: تدریس به عنوان زبان دوم در مدارس ایران فرهنگی،

□ و الی آخر

ارتقاء پله به پله زبان فارسی در هندوستان:

- بطور نمونه، تلاش برای بازگرداندن زبان فارسی به لیست ۹۹ تایی زبانهای غیررسمی هندوستان که در سال ۲۰۰۱ به علت کاهش تعداد افرادی که به زبان فارسی آشنا هستند، از این لیست حذف شد.
- احیاء زبان فارسی در خانواده‌های ایرانی‌تبار، کلاس آموزشی، تورهای مسافرتی، ارتباط در فضای مجازی، مراسم‌های مختلف در فضای مجازی،

- کشورها به دنبال بهانه‌ای برای گسترش ارتباطات فرهنگی و اقتصادی با سایر کشورها هستند. بطور نمونه، شهرهایی هم که شاید ربطی بهم ندارند، خواهرخوانده اعلام می‌شوند.
- ایران در این زمینه، پل‌های ارتباطی بسیاری دارد که استفاده نمی‌کند. بطور نمونه:
 - مردم اوستیا از نژاد ایرانی هستند.
 - پارسی‌های هند از زرتشتیان ایرانی‌الصل هستند که با سقوط ساسانیان به هند مهاجرت کردند و اکثراً از تجار موفق هستند.
 - فرضیه‌ای مطرح هست که مردم کرواسی از نژاد ایرانی هستند.
 - ایران و ایرلند (سرزمین قوم ایر) حداقل از لحاظ لغوی به یک معنا هستند. سه نام سرزمین سکاها (اسکاتلند)، کیمرو (ولز) و ایرین (ایرلند) در یک منطقه تصادفی نیست.

- زبان فارسی می‌تواند زبان میانجی برای بازرگانی و گردشگری برای منطقه آسیای مرکزی و ایران و پاکستان باشد. برای این امر باید برنامه‌ریزی کرد.
- انتقال فناوری ایران به کشورهای که ایران نفوذ دارد، می‌تواند با جزوات و کتب به زبان فارسی باشد.
- زبان فارسی به عنوان زبان آموزش حوزه‌های علمیه اهل تشیع در کشورهای مسلمان،
- برنامه‌های شعرخوانی، مشاعره، هفته فیلم، موسیقی سنتی، نمایشگاه کتاب، نوحه‌خوانی و نمایش تعزیه در ایام عزاداریهای مذهبی به زبان فارسی (و ترکیبی)، بویژه در روستاهای کشورهای حوزه ایران فرهنگی

■ فستیوال فرهنگی که شهر به شهر برود، شبیه سیرکهای قدیم و در شهرها و حتی روستاها، در داخل چادرهای بزرگ به زبان فارسی (و یا ترکیبی) برنامه اجرا کند.

■ کار هنری مشترک، در تولید فیلم و سریال، در موسیقی، دعوت از خوانندگان مشهور به خواندن قطعه‌هایی به زبان فارسی، دعوت از خوانندگان و هنرپیشه‌های خارجی آشنا به زبان فارسی در برنامه‌های فرهنگی در تلویزیون،

ایجاد جاذبه شغلی و بازار کار

■ باید برای زبان‌آموزان فارسی، جاذبه شغلی و بازار کار ایجاد و تبلیغ کرد. باید مشوق مادی و جاذبه مالی ایجاد کرد و آگهی داد. آگهی نیاز به لیسانس بازرگانی آشنا با زبان فارسی و امثالهم را از رسانه‌ها پخش کرد. بدون جاذبه شغلی و حداقل مشوقه‌هایی، تعداد علاقمند به فراگیری زبان فارسی افزایش چشمگیری نخواهد یافت. بطور نمونه:

- کار در مؤسسات گردشگری فی مابین و در حوزه ایران فرهنگی،
- اتاق بازرگانی، کمیته‌های مشترک اتاق بازرگانی،
- تدریس زبان فارسی در آن کشورها،
- نمایندگی کالاهای ایرانی در آن کشورها، شرکتهای صادرات و واردات،
- اولویت بکارگیری پرسنل خدماتی و کادر درمانی آشنا به زبان فارسی در مؤسسات ایرانی در آن کشورها،

اعطای تابعیت ایرانی به نخبگان ایران فرهنگی

- پیشنهاد می‌شود به نخبگان «ایران فرهنگی» ساکن در کشور (مطابق ضوابطی) تابعیت ایرانی اعطا شود. همچنین به نخبگان فرهنگی مؤثر در ترویج زبان و ادبیات فارسی ویزای بلند مدت همراه با تسهیلات اعطا شود.
- در خصوص این نخبگان فرهنگی تابعیت دوگانه را به رسمیت بشناسیم. بطور نمونه، به یک ادیب، شاعر و مترجم زبان فارسی از کشورهای افغانستان، قرقیزستان و قزاقستان بایست تابعیت دوگانه داد. این تابعیت افتخاری، رفت و آمد به ایران، شرکت در همایشها و ... را تسهیل می‌کند. بدون آن حتی عابربانک هم نمی‌توانند داشته باشند!

- چرا نباید نام و زبان ملتها را به همان لفظی که خود آن ملتها می‌گویند یا می‌گفتند، ادا کرد تا جای هرگونه تحریف خواسته و ناخواسته گرفته شود. بعلاوه، ظن بی‌احترامی هم از میان خواهد رفت. هذا اقرب للتقوی. البته منظورمان آسان‌سازی آن الفاظ در دستگاه تکلم در زبان دیگری نیست. همچنین منظورمان بکارگیری اسامی جعلی نیست.
- چرا باید تازی، عجم و بربر گفت! چرا نباید ایرانی و عرب گفت؛ آنچه که خود آن ملتها خود را می‌نامند! چرا نباید نام اصلی زبانهای باستانی را استفاده نمود و از اصطلاحات مجعول نظیر زبان هندواروپایی استفاده نمود.
- نه تنها در مقالات داخلی، بلکه در مقالات بین‌المللی نیز باید با منطق و ادله معترض اینگونه نامگذاریها شد.

بورس نخبگان برای رشته‌های خاص و مهم

- از رتبه‌های بسیار ممتاز کنکور ریاضی برای رشته‌های غیرمهندسی نظیر زبان‌شناسی، زبانهای باستانی، باستان‌شناسی، واژه‌گزینی، کاندید و بورس شوند. البته ارجح اینست که این گزینش توسط آزمونی جداگانه و ترکیبی، که رتبه‌های ممتاز هر چهار آزمون ریاضی، تجربی، علوم انسانی و هنر در آن شرکت دارند، صورت پذیرد.
- حوزه‌های فوق باید مختصری در کتب درسی مدارس باشد تا میزان استعداد و علاقه افراد سنجیده شود.

اعزام عده‌ای از نخبگان برای یادگیری زبان یونانی و لاتین

- تاریخ هرودوت دو ترجمه به زبان فارسی دارد که متن ترجمه یونانی به انگلیسی مورد استفاده آقای مازندرانی و متن مترجم فرانسوی مورد استفاده آقای ثاقب فر بوده است. فارغ از خلاصه‌سازی متون در ترجمه از اصل یونانی، در موارد اشتراک نیز تفاوت‌های مهمی دیده می‌شود، بطور نمونه:
- ده سال وقت برای ساختن **گردونه‌ای** که صخره‌های بزرگ را بر روی آن حمل می‌کردند صرف شد، ... (ترجمه وحید مازندرانی از متن انگلیسی)
- در آغاز ده سال طول کشید تا فقط **راه سنگفرشی** که برای کشیدن تخته سنگها لازم بود ساخته شود ... (ترجمه مرتضی ثاقب فر از متن فرانسوی)
(در مقایسه دو ترجمه موارد حادثری نیز قابل مشاهده است.)

- ترجمه‌های فارسی منابع یونانی عمدتاً از ترجمه‌های انگلیسی و فرانسه است و این برای محققین ایجاد اشکال می‌کند. لذا ترجمه از اصل یونانی به فارسی اجتناب ناپذیر است.
- با توجه به تغییر معانی لغات و اصطلاحات از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون، دو مترجم خبره از زبان یونانی قدیم نیز ممکن است برداشتهای متفاوتی داشته باشند، که البته دارند.
- بعلاوه در ترجمه‌های متون و الواح، زدگی‌ها و ناخوانی‌ها بعضاً توسط مترجمین مطابق سلیقه خود پر شده است یا در کتب خود، استنباط خود را نوشته و به لوح ارجاع داده‌اند.

■ در تألیف مقالات علمی-پژوهشی، پژوهشگر باید به متون به زبان اصلی مراجعه کند؛ مگر اینکه متن اصلی قابل دسترس نباشد یا به زبانی غیرمتعارف در آن رشته نوشته شده باشد.

■ در این دو حالت، پژوهشگر باید به متن ترجمه‌ای مراجعه کند که مترجم به پایبندی به متن اصلی شهره باشد و در امانتداری ترجمه او شبهه‌ای نباشد.

■ پیشنهاد می‌شود، در زمینه تاریخ و فلسفه علم و فناوری و مطالعه ادیان، عده‌ای از نخبگان آن حوزه برای تحصیل به زبان یونانی و لاتین به دانشگاه‌های مربوطه اعزام شوند.

پیشنهاد انتشار کتابی نفیس و مستند از تاریخ پیشدادیان

- «خاکبرداریهایی که در ویرانه‌های پنجکنت که شهری سغدی در ۶۸ کیلومتری شرق سمرقند است انجام گرفته از رشته‌ای از نقاشیهای دیواری پرده برداشته که مضمون اصلی آنها سوگواری مردم و ایزدان برای شاهزاده جوانی است. تردیدی نمی‌توان کرد که شخصی که برای او سوگواری می‌کنند، سیاوش است.» [تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم]
- تصاویری از این نقاشیها در اینترنت قابل مشاهده است (با «پنجکنت» در گوگل جستجو کنید)؛ همچنین هنر تاریخی پنجکنت، ترجمه عباس علی عزتی.
- انتشار کتابی نفیس، مصور و رنگی و مستند از تاریخ پیشدادیان حاصل از تکمیل پژوهشهای تاریخی و باستانشناسی در آینده بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

■ تصاویر نقاشیهای بدیع مانوی و تہذیب نوشتار و نقوش بہمراہ وضعیت فعلی و تصاویر بازسازی شدہ دیجیتالی و ترسیم طرحوارہها در دو کتب ذیل در کتابخانہ ملی ایران موجود است. پیشنهاد می شود کتاب نخست بہ فارسی ترجمہ و بصورت رنگی چاپ شود.

- Gulacsi, Z, *Mani's Pictures: The Didactic Images of the Manichaeans from Sasanian Mesopotamia to Uygur Central Asia and Tang-Ming China*, Brill, Boston, 2016.
- Gulacsi, Z, *Mediaeval Manichaean Book Art*, Brill, Boston, 2005.

مسابقات کشوری نواختن آهنگ «ای ایران» با سازهای مختلف توسط کودکان و نوجوان و پخش زنده آن از صدا و سیما

- چندی پیش ویدئوی کوتاهی از نواختن زیبای آهنگ «ای ایران» توسط دختر بچه خردسالی را با سنتور دیدم و ای کاهش به کودکان و نوجوانانی که آموزش سازی را دیده‌اند، نواختن این آهنگ را آموزش دهیم. کلاسهای موسیقی در مدارس و آموزشگاه‌ها نیز آن را آموزش دهند.
- پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش و کانون موسیقی هم مسابقاتی در سنین مختلف در سطح کشوری برای نواختن این آهنگ زیبا و مهیج برگزار کنند و مسابقات مراحل بالاتر در رادیو و تلویزیون پخش شود. در مراسمهای مختلف نیز از این عزیزان برای نواختن آهنگ «ای ایران» دعوت بعمل آید.

لیگهای ورزشی مشترک در حوزه ایران فرهنگی

- دایر کردن لیگهای مشترک ورزشی در حوزه ایران فرهنگی،
- لیگ فوتبال می تواند با حضور تیم برتر از کشورهای افغانستان، پاکستان و تاجیکستان و کشورهای علاقمند در حوزه ایران فرهنگی صورت پذیرد.
- افزایش مسابقات دوستانه ورزشی، حتی در سطح استانهای همجوار،

پخش مسابقات ورزشی بطور رایگان به فارسی در حوزه ایران فرهنگی

- در مناطق مختلف نظیر پاکستان، افغانستان و کردستان عراق باید مسابقات ورزشی را بطور رایگان به زبان فارسی پخش کرد. مسابقات ورزشی پربیننده باید شناسایی شود و در اولویت پخش باشد.
- پخش مسابقات فوتبال را می‌توان با دعوت از مجری اردوزبان (مسلط به زبان فارسی) بطور مشترک با مجری فارسی‌زبان برای پاکستان و همزمان با دعوت از مجری پشتو زبان برای مناطق جنوبی افغانستان و مجری کردزبان برای کردستان عراق پخش کرد. عملاً ۹۰ دقیقه آموزش زبان فارسی است با هزینه کم اما بینندگان بسیار زیاد. اگر لیگ ورزشی مشترک با حضور تیم‌هایی از دو یا چند کشور داشته باشیم و به شیوه فوق عمل شود، بهره‌وری بیشتری خواهد داشت.

کالای ایرانی صادراتی با اسامی ایرانی

- در خصوص نامگذاری محصولات ساخت داخل برای مصرف داخلی یا صادرات باید توجه داشت که شرکتهای سازنده با اعمال مشوقهایی ترغیب بر انتخاب اسامی فارسی برای آنها شوند. از اسامی مشترک آریایی یا هندواروپایی نیز می توان استفاده نمود.
- انتخاب اسامی خارجی در میزان فروش خارجی مصنوعاتِ ساخت داخل نقش دارد، لذا برای جبران آن می توان با تخفیفات ویژه یا بطور رایگان تبلیغات آنها را در شبکه های برون مرزی پخش نمود.

استفاده از تمام ظرفیتها حتی آشپزی

- از تمام ظرفیتها باید استفاده نمود، حتی آشپزی. ۱ هرکس به یک شیوه‌ای جذب و علاقمند می‌شود. وقتی کسی به آداب و رسوم و فرهنگ و هنر کشوری علاقمند شود، احتمال فراگیری زبان آن کشور هم افزایش می‌یابد.

Nytcooking Salad-e Shirazi

۱ سالاد شیرازی، به عنوان یک سالاد ملی در ایران شناخته شده است که متشکل از گوجه، خیار، پیاز و ادویه‌های مختلفی است. در اقدامی جالب و قابل توجه، صفحه رسمی مجله آشپزی نیویورک تایمز در اینستاگرام، سالاد شیرازی را به عنوان یک پیش‌غذای خوشمزه و متفاوت به مخاطبان خود معرفی کرده است. سالاد شیرازی، به عنوان یک سالاد ملی در ایران شناخته شده است که متشکل از گوجه، خیار، پیاز و ادویه‌های مختلفی است. پیش‌غذای محبوب ایرانی‌ها، جهانی شد - تابناک

پیوست

FSI LANGUAGE DIFFICULTY RANKINGS

پیوست الف

- Foreign Service Institute language difficulty rankings are an indication of how long a native English speaker would need to reach proficiency in a number of different languages.
- The Foreign Service Institute (FSI) has created a list to show the approximate time you need to learn a specific language as an English speaker.
- **Category I: 23-24 weeks (575-600 hours):**
Languages closely related to English:
Afrikaans, Danish, Dutch, French, Italian, Norwegian, Portuguese, Romanian, Spanish, Swedish.
- **Category II: 30 weeks (750 hours)**
Languages similar to English: German

- **Category III: 36 weeks (900 hours)**

Languages with linguistic and/or cultural differences from English:

Indonesian, Malaysian, Swahili

- **Category IV: 44 weeks (1100 hours)**

Languages with significant linguistic and/or cultural differences from English:

Albanian, Amharic, Armenian, Azerbaijani, Bengali, Bosnian, Bulgarian, Burmese, Croatian, Czech,

*Estonian, *Finnish, *Georgian, Greek, Hebrew, Hindi,

*Hungarian, Icelandic, Khmer, Lao, Latvian, Lithuanian,

Macedonian, *Mongolian, Nepali, Pashto, Persian (Dari, Farsi, Tajik), Polish, Russian, Serbian, Sinhala, Slovak,

Slovenian, Tagalog, *Thai, Turkish, Ukrainian, Urdu,

Uzbek, *Vietnamese, Xhosa, Zulu.

- **Category V: 88 weeks (2200 hours)**

Languages which are exceptionally difficult for native English speakers:

Arabic, *Japanese, Korean, Cantonese (Chinese),
Mandarin (Chinese)

* Usually more difficult than other languages in the same category.

The writer of the article on Ireland, in Ree's Cyclopaedia, says: "it does not appear impossible, much less absurd, to suppose that the Phoenicians might have colonized Ireland at an early period, and introduced their laws, customs, and knowledge, with a comparatively high state of civilization; and that these might have been gradually lost amidst the disturbances of the country, and, at least, completely destroyed by the irruptions of Ostmen."

Of this assertion, which is now scarcely doubted, there is abundant proof; and it is remarkable that ...

[The Scythians - Illustrated History of Ireland](#)

پیوست پ: اسامی غربیها با منشأ دینی (در گویشها/زبانهای مختلف)

- ابراهیم، آبرام، آبرامو، ایبرهام، آبراهام، برام، ابرهه، آبه (شکل مختصر)
- اسحاق، ایزاک، ییسیاق، ییسیخاک
- یعقوب، یاکوب، جاکوب، ژاکوب، هاکوب، جی گب، ژاک
- یوحنا، یوحنان، یوهان، یوهانس، هوهانیس، یوانس، یانیس، یحیی، یان، ژان، جان، ایوان، خُوان
- مریم، ماری، مری، میریام، ماریان، ماریانا، ماریکا، ماریتا
- متی، ماتئو، ماتئوس، ماتیائوس، ماتیاس، متیوس، ماتيو، متيو، مت
- یوسف، یوسفوس، جوزف، جوزپه، جیوسپه، ژوزف، هوسب (ارمنی)، خوزه، جو (شکل مختصر در انگلیسی)، جف (شکل مختصر در هلندی)، ایسف، یوزب،

اسامی غریبہا با منشأ دینی (ادامہ)

- حوا، اِوا، ایوا، یوا، اِوی
- بنیامین، بنجامین، بن
- مرقس، مارقوس، مارکوس، مارک
- میکائیل، میخائیل، میکال، مایکل
- جبرئیل، جبرائیل، گابریل، گیبریال
- موسی، موسہ، موشہ (تلفظ عبری)
- راحیل، راشل، راجل، راخل
- یهودا، جوداس، ایہود، یہود
- لوقا، لوکاس، لوکاش، لوک، لوکا،
- توما، توماس، تامس
- ارمیا، جرمیا، جرما یا
- باپتیسٹ، باتیسٹ

See also www.behindthename.com

پیوست ت: الواح بایگانیهای تخت جمشید

- الواح کشف شده در تخت جمشید، اسناد مکتوبی هستند که معاملات تجاری و فرهنگی در دوره هخامنشیان را نشان می‌دهد. بیشتر اطلاعات در مورد هخامنشیان متعلق به منابع یونانی و رومی است زیرا یونانیان و رومیان همواره مقابل سلسله هخامنشیان قرار داشتند و از این رو منابع موجود، مبین نگاه مغرضانه به این سلسله و تمدن بزرگ بوده اما با کشف این الواح، دیدگاه‌ها تغییر کرده است [ووترهنکلمن].
- این الواح (تنها) منابع دست اول یا منابع اولیه (Primary Source) در دوران هخامنشی هستند که خالی از غرض رقیبان بوده و با وجود اینکه بر روی آنها کار بسیاری صورت گرفته هنوز جای کار بسیار دارد و از زوایای مختلف قابل بررسی است.

- این گل‌نبشته‌ها آگاهی بسیاری از آنچه در زمان داریوش گذشته به ما می‌دهند، نظیر جابجایی کالا و دریافت و ذخیره‌سازی برای مصرف انسان و دام، پرداخت دستمزد، پرداخت هزینه‌های سفر و گزارش سالانه عملکرد به صورت روزانه و سالانه.
- سرشار از واژه‌های ایرانی هستند که با شناخت درست ریشه‌های ایرانی این واژه‌ها می‌توان از شغلها و حرفه‌های گوناگون آن دوره آگاه شد.
- همچنین با نام میوه‌ها، رستنی‌ها و چهارپایانی برخورد می‌کنیم که هنوز در زبان فارسی و یا گویشهای آن بجای مانده‌اند. افزون بر این با نام جاهای بسیاری که برخی از آنها دارای همان نامها هستند (چون شیراز، نیریز و...) برخورد می‌کنیم که می‌توان جایی در حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ مکان نامبرده شده را مشخص کرد.

پیوست ث: اشکانیان و ایرانگرایی

■ محققان قبلاً به خطا ساسانیان را نخستین احیاگران ایرانگرایی می‌پنداشتند. امروزه بیش از هر زمان دیگر معلوم شده است که عناصر ایرانی موجود در زبان، در اصطلاحات اداری، در ایدئولوژی و در دین همگی فراوردهٔ فعالیت آگاهانهٔ اشکانیان بوده است. [یوزف ولسکی]

■ اینک می‌دانیم که بسیاری از آیینهای ساسانیان ریشه در آیینهای پارتیان داشت و شگفت آنکه ساسانیان را پیشرو و نوآور دانسته‌اند. حال آنکه کار ساسانیان برافراشتن کاخی بود بر پایه‌های نهاده شده بدست دشمنان خویش که پیوسته آنان را انکار و سرزنش می‌کردند. [ریچارد فرای در تاریخ باستانی ایران]

■ یوزف ولسکی لهستانی بزرگترین کارشناس تاریخ اشکانی در جهان است او از دهه ۱۹۳۰ تاکنون بیش از پنجاه کتاب و مقاله درباره اشکانیان انتشار داده و بسیاری از نظریه‌های آغازین او درباره اشکانیان با کشفیات بعدی باستان شناختی، بخصوص در نسای ترکمنستان، تأیید شده است.

از پیشگفتار مترجم (مرتضی ثاقب‌فر)

پیوست ج

از کاوشهای شهر سوخته، سفالینه‌ای است که به عنوان نخستین پویانمایی (انیمیشن) در جهان مطرح است و در آن بزى در پنج حرکت به سمت درختى مى‌جهد و برگهای آن را مى‌خورد. بعضى کارشناسان این پویانمایی را مربوط به داستان درخت آسوریک مى‌دانند.



موزه ملی ایران



ظرف سفالی پایه‌دار از کاوش‌های شهرسوخته در سیستان و بلوچستان
(اواخر نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد)

■ ظرف پایه‌دار سفالی با نقش یک بز در پنج حرکت متفاوت به سوی درختچه، که ابتدا درخت را هدف گرفته و در حرکت دوم دو پای جلوی خود را برای جهیدن به سوی درختچه بلند کرده و در حرکت سوم به بالای درخت جهیده و در حرکت چهارم مشغول تغذیه از درختچه و در آخرین حرکت عقبگرد نموده و در حال پایین آمدن از درختچه می‌باشد.

■ بخش مورد نظر کهنترین بیان تصویری «حرکت» و «انیمیشن» از دوران باستان است.

پیوست چ: آموزش زبان پهلوی

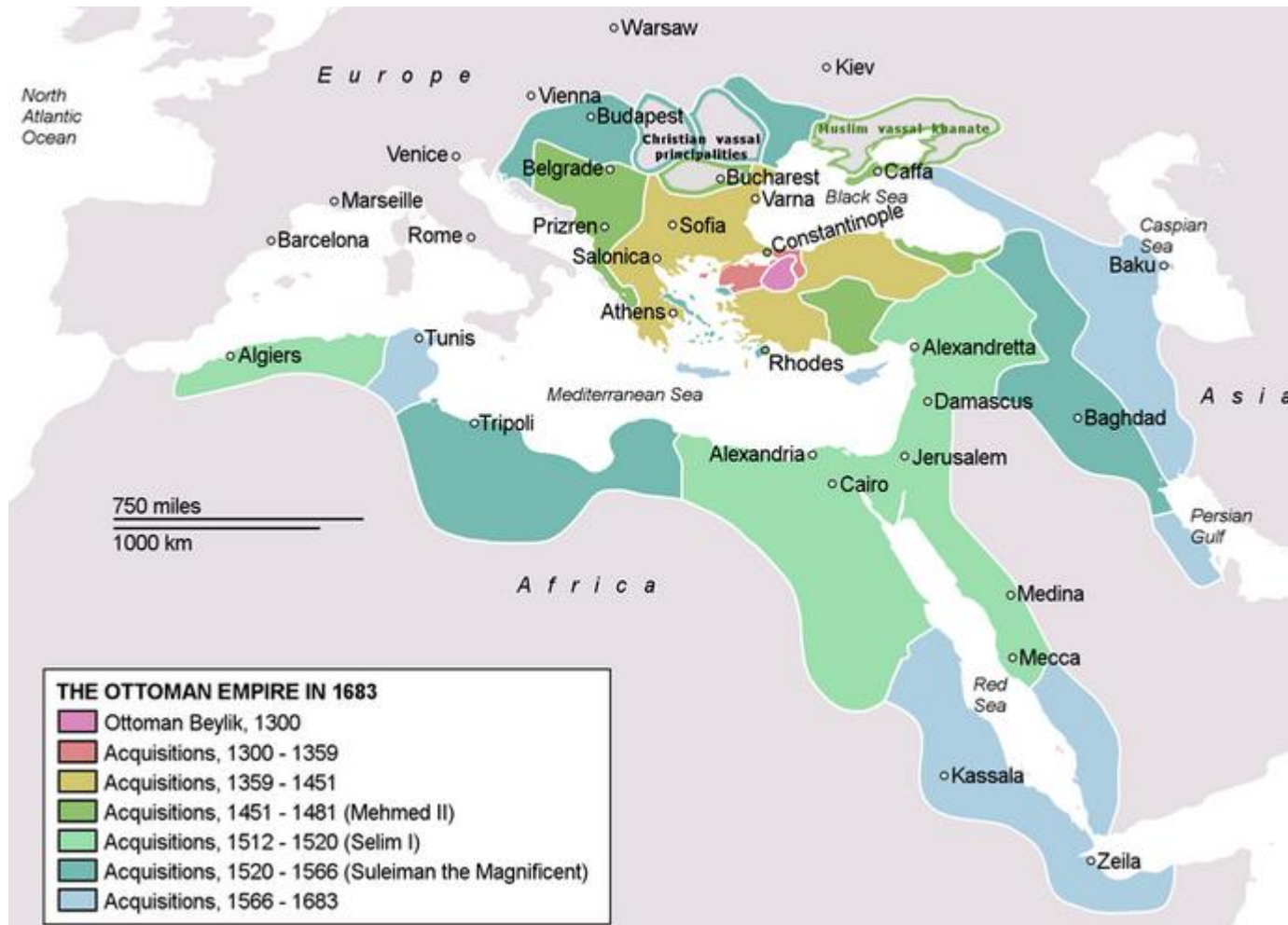
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۱ - تخته سفید
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۲ - تخته سفید
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۳ - تخته سفید
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۴ - تخته سفید
- آموزش زبان پهلوی استاد فریدون جنیدی بخش ۲۷ - تخته سفید

پیوست ح: برگی از تاریخ ایران و عثمانی

- در جنگ آنکارا بین امیر تیمور گورکانی و امیرنشین عثمانی (بسال ۱۴۰۲ م)، سلطان بایزید به اسارت درآمد و عثمانیان شکست سختی خورده و مجبور به پرداخت مالیات به امیر تیمور (تیمور لنگ) شدند. امپراتور روم شرقی (بیزانس) نیز سریعاً و به ابتکار خود، خراج به تیمور را پذیرفت.
- امپراطوری عثمانی ابتدا از سمت غرب آناتولی و تصرف بخشهایی از بالکان و استانبول گسترش یافت. پس از آن بود که مرکز آناتولی را به تصرف درآورد و دولت ترکان قرامانی که بیش از دو قرن در آنجا حاکمیت داشتند، از میان برداشت. از میان برداشتن این دولت حدود یک قرن طول کشید و به سختی انجام پذیرفت [تاریخ عثمانی، جلد دوم، اسماعیل حقی اوزون چارشلی، ترجمه دکتر وهاب ولی].

- سلطان مراد در سال ۱۳۶۳ میلادی با پرداخت ۶۰ هزار سکه طلا به جنوایی‌ها بابت کرایه حمل و نقل کشتیها، شمار زیادی از ترکان مهاجر را از آناتولی به تراکیا (Trace) انتقال داد. [همان]
- سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ میلادی قسطنطنیه پایتخت امپراتوری روم شرقی را (استانبول) را تصرف کرد.
- امپراطوری عثمانی در حدود چهار قرن و از بدو تأسیس سلسله صفویه تا فروپاشی آن با شکست در جنگ جهانی اول، همواره از ایران قدرتمندتر (از لحاظ نظامی و اقتصادی) بوده است.
- سپاهیان ایران در دوره صفوی، عمدتاً سیاست زمین سوخته را در مقابل سپاهیان عثمانی داشتند (با عقب‌نشینی‌های متوالی در قلمرو خود، آبادیهای سر راه خود را آتش می‌زدند تا سپاهیان عثمانی دچار کمبود آذوقه شوند).

- هنگامی که شاه اسماعیل صفوی مؤسس سلسله صفویه، بغداد را گرفت، سلطان عثمانی برای او پیام تبریک فرستاد (و ادعای ارضی در این زمینه نداشت). [تاریخ عثمانی، جلد دوم، اسماعیل حقی اوزون چارشلی، ترجمه وهاب ولی]
- هنگامی که سلطان سلیم به ایران لشکرکشی کرد و وارد خاک آذربایجان شد، سلطان سلیم در نامه‌ای به او (ضمن تحقیر) نوشت که ما در سرزمینهای شما هستیم و تو کجایی؟ سرانجام نبرد در چالدران (بسال ۱۵۱۴) به وقوع پیوست.
- پس از آن، سلطان سلیم با شکست ممالیک، سوریه و مصر را تصرف کرد و خلیفه عباسی را که بصورت صوری در قلمرو ممالیک خلیفه بود، پس از مدتی وادار به واگذاری خلافت نمود. بهمین علت، سلطان سلیمان (فرزند سلیم) را **سلطان سلیمان قانونی** می‌گویند. (پس از حمله هولاکو به بغداد و کشتن خلیفه، یکی از خاندان عباسی به مصر رفت و مدعی خلافت شد.)



Ref: wikipedia, [Link](#)

گسترش قلمرو امپراطوری عثمانی تا سال ۱۶۸۳ میلادی
 (البته دقیق نیست؛ اما برای ذهنیت کلی بیننده مناسب است)

پیوست خ: داستان وقف ۱۲۰ جلد کتاب از سوی شاه عباس به کتابخانه حضرت عبدالعظیم حسنی

- به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) کتاب «کفایه التعلیم فی صناعه التنجیم» کتابی است در مباحث هیأت، نجوم و احکام، اثر ابوالمحمّد محمد بن مسعود غزنوی، ریاضیدان و منجم ایرانی سده ۵ و ۶ هجری قمری و از مجموعه کتب موقوفه شاه عباس اول صفوی به تاریخ ۱۰۳۷ بر آستان حضرت عبدالعظیم (ع) بوده است.
- این کتاب پس از فراز و نشیب‌های بسیار در طول تاریخ، اتفاقی توسط استاد محمد محیط طباطبایی پیدا شد و تا زمان تأسیس مجدد کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در سال ۱۳۲۴، در کتابخانه شخصی استاد نگهداری می‌شد. استاد محیط طباطبایی که داستان وقف این کتاب را توسط شاه عباس، با دست خط خود پشت جلد این کتاب نوشته بود، پس از تأسیس کتابخانه آستان، کتاب را به این کتابخانه پس داد.

■ متن وقفنامه شاه عباس بر این کتاب به شرح زیر است:

این کتاب را با یکصد و نوزده جلد کتاب دیگر وقف نمود کلب آستانه علی بن ابی طالب علیه السلام، عباس الصوفی الحسینی به روضه مقدسه منوره متبرکه که عرش درجه امامزاده واجب التعظیم و تکریم امامزاده عبدالعظیم و بر مدرسه آستانه مذکوره واقع در بلوک غار ری که طلبه آنجا از آنجا منتفع شوند مشروط بر آنکه از روضه و مدرسه مذکوره بیرون نبرند و هر کس بیرون برد در خون حضرت اباعبدالله الحسین شریک و سهیم باشد.

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

پیوست د: فارسی امروزی کلمات زیر را حدس بزنید – جواب

- شبستان (شبستان)
- کارچار (کارزار)
- نامیک (نامی)
- وناسکار (گناهکار)
- مردانک (مردانه)
- هوچهر (خوب چهر)
- دش چشم (بدچشم، حسود)
- آکار (بیکار، بی اثر)
- آپی گمان (بی گمان)
- آدان مرت (نادان مرد)

- فرهنگ و زبان رکن اصلی هر ملتی است.
- تفاوت ژنوم انسانها با یکدیگر بسیار بسیار ناچیز است.
- اگر فرهنگ و زبان فردی مانند ملت دیگری شد و از لحاظ ظاهری نیز تفاوتی نداشته باشد (منظور سه نژاد زرد و سفید و سیاه)، چه وجه تمایزی وجود دارد؟
- بطور مثال، اگر یک نوزاد ایتالیایی در خانواده‌ای ایرانی و در ایران بزرگ شود، چقدر با ایرانیها متفاوت خواهد بود؟ اشتراکات او هزاران هزار بار بیش از تفاوت اوست (حتی با این فرض محالی که در ایران همه از یک نژاد هستند). او یک ایرانی می‌شود.

- این موضوع را غربیها به آن عمل می کنند و با جذب تدریجی مهاجرین، آنها را در کشورهای خود حل می کنند، بویژه افرادی که از لحاظ نژادی به آنها نزدیک باشند تا تفاوت ظاهری فاحشی نداشته باشند. پس از چند نسل، این مهاجرین کاملاً حل می شوند.
- البته سرعت حل شدن قومیتها و ملل مختلف متفاوت است. بطور نمونه، سرعت جذب هندیهای مسلمان در انگلستان بسیار بسیار پایین تر است از سرعت جذب ایرانیان مهاجر در انگلستان.
- هرچه تفاوت ظاهری مهاجرین با نژاد کشور مهاجرپذیر بیشتر باشد، سرعت حل کاهش می یابد. البته با پدید آمدن فرزندان دو رگه و با گذشت نسلها، از شدت تفاوتها کاسته می شود.

■ البته اینجا با استثنائات کاری نداریم. بطور نمونه، شوروی سابق، کودکان روسی را جای کودکان متوفای آمریکایی و با اوراق هویت آنها جا می‌زد و آنها به مدارج بالا هم می‌رسیدند که کسی هم شک نمی‌کرد و برای روسها جاسوسی می‌کردند.

«شکی نیست که شنیدن و خواندن اخبار و سرگذشت بزرگان، همت اشخاص را بر می‌انگیزد و آنرا به کارهای مهم وادار می‌کند و از همین جهت سرکردگان و سیاستمداران بزرگ دنیا (چه عرب و چه غیرعرب) اخبار و سرگذشت پیشینیان را با اشتیاق تمام گوش می‌کردند و اگر به مشکلی دچار می‌شدند با شنیدن و خواندن سرگذشت گذشتگان، راه چاره را پیدا کرده رفع محذور می‌ساختند.»

جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی

پیوست ر: جمعیت ایران

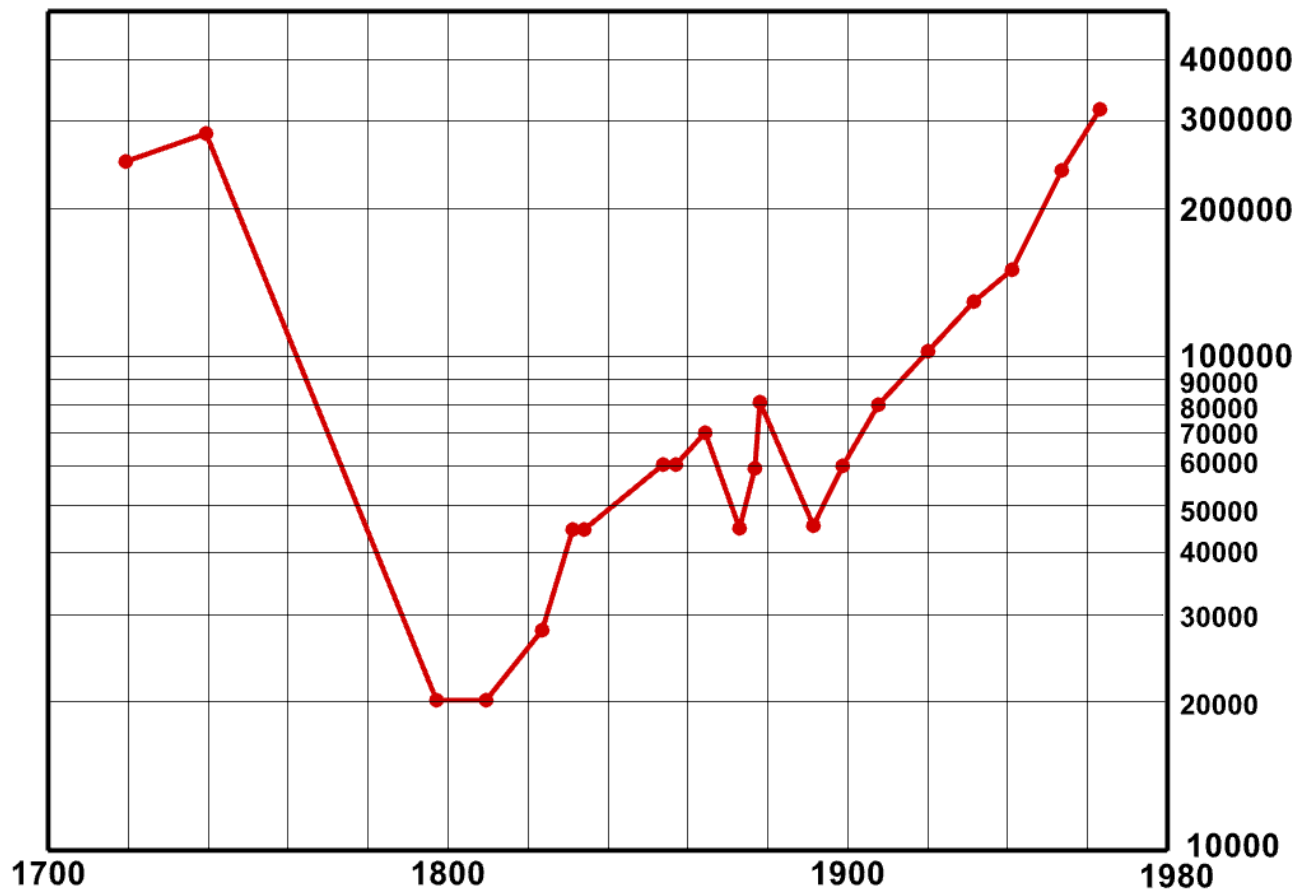
- «سیاحان اروپایی جمعیت اصفهان را در این زمان [شاه عباس صفوی] ۷۰۰۰۰۰ یا ۱۰۰۰۰۰۰ تن برآورد کرده‌اند ... می‌توان گفت که اصفهان در خلال یکصد سال بعد، شهری بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ تن می‌شود.»
تاریخ ایران کمبریج، ترجمه تیمور قادری، ۱۳۸۶
- به نوشته شاردن، جغرافیدانان ایرانی ... شمار نفوس آن را چهل میلیون نفر برآورد می‌کردند. (مقایسه شود با جمعیت سال ۱۹۴۳ در ایران)
- شاردن متقاعد شده بود که تعداد جمعیت اصفهان با لندن، بزرگترین شهر اروپا برابر است.

■ حداقل ۸۰ هزار تن از مردم اصفهان از گرسنگی و بیماری جان باختند و چهار برابر این رقم در میدان نبرد به خاک افتادند. اصفهان هیچگاه از این آزمایش سخت [حمله محمود افغان] کمر راست نکرد. امروزه [زمان تألیف کتاب: ۱۹۶۸ میلادی] جمعیت این شهر بالغ بر ۶۵۰ هزار تن است که این رقم نیمی از جمعیت دوران صفوی می‌باشد.

[تاریخ ایران کمبریج، جلد اول، ترجمه تیمور قادری، ۱۳۸۶]

■ ... و بعضی محلات [اصفهان] در فتنهٔ افغان خراب شده، اصلاً آبادی ندارد. چنان که ظلّه و چرخاب و حسن آباد و عباس آباد و باغ جنت و فلفل چی و آسنجان تمام خراب شده است.

سفرنامهٔ اصفهان، تألیف میرزا غلامحسین افضل‌الملک (۱۳۰۸-۱۲۴۱ ه. ش.)،
به تصحیح ناصر افشارفر، چاپ اول ۱۳۸۰.



برآورد رشد جمعیت ایران در سالهای ۱۷۰۰-۱۹۶۳

برگرفته از تاریخ ایران کمبریج، جلد اول، ترجمه تیمور قادری، ۱۳۸۶

جمعیت ایران در زمان متأخر

- 1943: 15,000,000 (approximately),
- 1956: 18,944,821 (2.4-2.5%),
- 1966: 25,781,090 (3.1%),

- رشد جمعیت ایران در سال ۱۸۰۰ میلادی حدود ۲۰ هزار نفر در سال،
- رشد جمعیت ایران در سال ۱۷۴۰ و ۱۹۶۰ میلادی حدوداً ۳۰۰ هزار نفر،
- حدود ۸۵ درصد کل جمعیت (و حتی با نسبتی بیشتر در روستاها) بی‌سوادند [بولتن ماهانه وزارت آموزش و پرورش، شماره ۱، ۱۹۶۱].

■ قحطی بزرگ ۱۲۹۸-۱۲۹۶ ه ش (۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ م) - ویکیپدیا

■ قحطی بزرگ ۱۲۵۰-۱۲۴۹ ه ش (۱۸۷۰ تا ۱۸۷۱ م) - ویکیپدیا

■ سه قحطی بزرگ و تأثیر آن بر سرنوشت ایران

■ صحنه‌های دردناک از دوره قحطی بزرگ در ایران + عکس

پیوست ز: فارسی‌زبانان اگر یکی می‌شدند کارهای ماندگار و درخشانی خلق می‌کردند.

■ مسعود جعفری جوزانی فیلمنامه‌نویس و کارگردان سینما و تلویزیون در مراسم «حبیب هنر» به مناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد تولد «حبیب‌الله عبدالرزاق‌اف» هنرمند مردمی کشور تاجیکستان و بازیگر سریال ماندگار و تاریخی «در چشم باد» گفت:

اگر ما فارسی‌زبانان حداقل در تولید آثار هنری هم‌پیمان و یکی می‌شدیم، اگر جان‌های شیفته و نیروهایی مثل «حبیب‌الله عبدالرزاق» که استاد و عشق من است و دیگر هنرمندانی از این دست، با هم پیوند می‌داشتیم؛ می‌توانستیم کارهای درخشان و ماندگاری را خلق کنیم. شگفت‌انگیز است وقتی شیخ اجل سعدی شیرازی تعریف می‌کند که از مصر و دمشق تا هندوستان با مردم به‌راحتی فارسی حرف می‌زدند.

یادمان نرود که ۷۰۰ سال در هند، ... سه سده در حکومت عثمانی، فارسی صحبت می‌کردند. یعنی یک زبان در نیمی از دنیای گذشته قابل فهم بوده است. امروز دولت‌های مختلف، برای منافع خودشان، مخارج زیادی صرف می‌کنند، زبان فارسی را از بین ببرند. برای نمونه دویست سال با تلاش پیگیر، زبان فارسی را در هند از بین بردند [همان].

■ روشنفکرانِ ما ازین غافل‌اند که سه عنصر از عناصرِ فرهنگِ ایران‌زمین، همواره، در طول تاریخ میدانِ گسترشِ اعتبار و حیثیتِ ملی ما در جهان بوده است:

(۱) شعر فارسی، (۲) موسیقی ایرانی، (۳) عرفانِ ایرانی

ما امروز در پی شکار سایهٔ مدرنیسم به ویران کردنِ این سه بنیاد برخاسته‌ایم.

A Short History of International Language of Science & the Influence and Importance of Persian Language

Seyed Hamid Jalali Naini
Associate Professor, TM University

August 2022